

۳۲۱۴۲



هذا کتاب [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خدایی که این صفت دارد که پروردگار و خداوند بخشاینده مهربانست

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی

ستایش مرخدایراست که گردانید عبادت را وسیله از برای رسیدن بسعادت در

الاخرة والاولی والصلوة علی سید الوری محمد وعترته

آخرت و در اول و درود و رحمت بر آقای پیشوا محمد و ذریه او که

ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی

امامان پیشوا اند الله عن جرائمهما بارواح صافیه برادران ایمانی

واخلای روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی تعالی

شانه برای هدایت گمگشتگان بوادی جهالت وضلالت طریق



صوم وصلوات ودعا وعبادات که اشرف واقرب طرق نیل سعادات

مقرر گردانید وآنحضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وائمه

هدی صلوات الله علیهم اجمعین ادعیه واعمال بسیار منقول است

که کتب دعا مشحون است از آنها واین خادم ائمه اطهار علیهم

صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار

ایراد نموده ام واکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشتغال دنیویه

وغیرها تحصیل آنها وعمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی

از اعمال سال وفضایل ایام ولیالی شریفه واعمال آنها که باسانید

صحیحه معتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق

از برکات آنها محروم نباشند وشاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت

یاد نمایند ومسمی گردانیدم او را بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا وایاهم

الی سبیل الرشاد وچون اتمام این رساله وآغاز وانجام این عجاله در

زمان دولت عدالت ثمر واوان سلطنت سعادت اثر اعلی حضرت

سپهر بسطت سلاطین زمان وسرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت

ودین نقاوه احفاد سید المرسلین آب ورنگ گلستان مصطفوی

چشم وچراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم وخاقان فریدون حشم

شجاعت نژادی که تیغ آبدارش برای سرهای کفار زهر آبیست

بسوی دار البوار وحسام آتش بارش برای خرمن حیات مخالفان

هو العزیز

ومعاندان مجید وفقه برسل علیکما شواظ من نار ورشحهای داعیان
مزید رفعت شان در استان رفیع البنیانش باکف الخضیب هم دستان
وخروش صوفیان صفوت نشان بزمزمه دعای خلود دولت ابد
توامان با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که
تیغ خلاف از نیام کین بر کشید چون بید بر خود بلرزید و هر که چهار
آیینه نفاق در بر کشید چون رخ مرکب خود لرزان دید کوه حلم قریش
عقده کشای کوههای کار بستگان کشادکی کف دریا نوالش سحاب
مزارع املهای پژمردگان مؤسس قواعد ملت و دین مروج شریعت
آبای طاهرین حاضر ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه
سلاطین زمان لبریز وخواقین دوران در صحن حرم عزت وجلال
تو زبان بنداین قد سینا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم
والخاقان الاعدل الاکرم ملجأ الاکاسرة وملاذ القیاصرة محیی مراسم
الشریعة الغراء ومشید قواعد الملة البیضاء السلطان بن السلطان
والخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لا زال
رایات دولته مرفوعة وهامات اعدائه مقموعة میسر گردید تحفه ان
بارگاه خلایق پناه میگردانید امید که مقبول طبع اشرف گردد وان اعلی
حضرت از فوایدان منتفع گردد بمحمد وآله الطاهرین والله الموفق والمعین
وان مشتملست بر چهارده باب وخاتمه باب اول در فضایل





و اعمال ماه مبارک رجب است وان مشتمل بر پنج فصل است
فصل اول در بیان فضیلت ماه رجب وعبادات است بدانکه این ماه وماه شعبان و
رمضان بهترین ماههای سالند وازحضرت رسالتپناه صلی الله
علیه واله منقولست که هر که حرمت ماه رجب وشعبان نگاه دارد و
وصل نماید روزه انها را بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای
مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حق تعالی ودران روز
منادی از افق اعلا ندا کند که ای رجب وشعبان وماه رمضان
چگونه بوده است عمل این بنده در شما وطاعت او برای خدا
همه ان ماهها گویند که این بنده توشه گرفت در ما ها یاری بر طاعت
تو واستمداد فضل ورحمت از تو نمود وسعی بسیار در طلب
خوشنودی تو کرد وتا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس
گواهی دهند ملائکه که موکلند بر این ماهها که ما نیز یافتیم این بنده را مکوش
طلب کننده طاعت وخوشنودی تو وامید وار رحمت واسرزش
تو بود وانچه را الهی کرده بودی ترک وانچه از او طلبیده بودی بسوی
ان مسارعت نمود وروزه کامل از برای تو داشت وشکم وفرج و
گوش وچشم وسایر جوارح او از انچه برو حرام کرده بودی اجتناب کردند
وروز ها را با تشنگی بشب رسانید ودر شبها خود را بتعب انداخت
برای بندگی تو وتصدق بفقرا ومساکین بسیار داد واحسان بسیار

۱۲۳۸ ... المحرم

نسبت به بندگان تو نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از تو
جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن الها پیرامون محرمات تو نگردید
و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید که ببرید این بنده را بسوی
بهشت و استقبال کنند ملائکه خدا او را بتحفها و کرامتها و او را
بر شتران و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد
و خانه که فانی نمیشود و سرایی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی
آن زوال ندارد و هرگز ایشان را تعب نمی باشد و از عذاب ایمن میکردند
و مشقت عذاب و حساب از برای ایشان نیست **وایضا** از آنحضرت
منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت
بان نمیرسد و قتال با کافران درین ماه حرامست و رجب ماه خداست
و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست کسی که یک روز
از ماه رجب روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب
الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بروی او بسته گردد
**و بسند معتبر** از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که یک روز از ماه
رجب روزه دارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و هر که سه
روز از آن روزه دارد بهشت از برای آن واجب گردد **وایضا**
فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر
و هر که یک روز از رجب روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد **و بسند**

معتبر



**معتبر** از حضرت صادق منقولست که **حضرت** رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار درین
ماه طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب می
گویند زیرا که رحمت خدا در آن ماه بر امت من بسیار ریخته می شود
پس بسیار بگویند استغفر الله واسأله التوبة **و بسند معتبر** از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که سه روز از ماه رجب روزه
بدارد و هر روز ثواب روزه یکساله برای او بنویسند و هر که هفت
روز از آن روزه بدارد هفت در جهنم بروی او بسته گردد و هر که
هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بروی او گشوده شود
و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدا او را حساب آسان بکند
و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد **حق تعالی** خوشنودی خود را برای او
بنویسد و هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه رحمه الله **بسند معتبر** از سالم
روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق در اواخر
ماه رجب چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من
افتاد پرسید که آیا روزه گرفته درین ماه گفتم نه والله ای فرزند
رسول خدا فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا
بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستی که این ماهیست که خدا از سایر ماههای
دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم کرده است و برای

روزه داشتن از گرامی داشتن او بر خود واجب گردانیده است پس
گفتم یا ابن رسول الله اگر در باقی ماند این ماه روزه بدارم آیا بعضی
از ثواب روزه داران از فایض میگردم فرمود که ای سالم هر که یک روز
از آخر این ماه روزه بدارد خدا وی را ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ
و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه روزه
بدارد بر صراط باسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه روزه بدارد
ایمن گرداند از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و
برات بیزاری آتش جهنم را باو عطا کنند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که یک روز از اول ماه رجب
یا از وسط یا از آخر آن روزه بدارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود
و هر که سه روز از اول یا میان یا آخر ماه رجب روزه بدارد گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده گردد و هر که یک شب از این ماه احیا کند حق
تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در هفتاد
مرد گناهکار و هر که در این ماه تصدق از برای خدا بکند خداوند
غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده باشد و گوشی
نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد ایضا بسند معتبر از حضرت
صادق روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش
ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان





جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که
مکلل باشد تاج ایشان بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار
ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه
او را ندا کنند که گوارا باد ترا اکرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند
رحمان ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود
سوگند یاد میکنم که شما در جای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ
گردانم و عطا کنم شما را از بهشت غرفها که نهرها در زیر آنها جاری باشد
و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو نزدیست نزد کارکنان از برای
من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه داشتید از برای من در ماهی که
حرمت او را عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای
ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت کنید پس حضرت
فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که چیزی از ماه مبارک رجب را
روزه دارد اگر چه یک روز باشد از اولش یا آخرش یا از وسطش
و بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است که هر که روز اول
ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت از او خشنود باشد و هر که
دو روز را روزه دارد خدا بغایت از او خوشنود و راضی گردد
و هر که سه روز از آن را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد
و خصمان او را از آن راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز

از انوار روزه بدارد چون بمیرد درهای هفت ایمان برای روح او
گشوده شود تا ملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از ماه رجب روزه بدارد
هشت در بهشت بروی او گشوده شود و هر که پانزده روز از ماه رجب روزه
بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد روا کند مگر آنکه سؤال او برای گناه
باشد که متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد از گناهان
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم
آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و احادیث
در این باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد فصل دوم
در بیان اعمالیست که کسی که از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد
بعوض آن بعمل آورد در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که
بدل روزه مستحب است یک درهم تصدق کند که موافق نرخهای این زمانها
تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یک مد
گندم یا جو وارد شده است و احوط در مد صد درم شاه هست و
ظاهر آنست که درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه
رجب یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد
و حمل کرده اند بر کسی که پریشان باشد و قادر بر درهم و مد نباشد و ایضا
در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است که بعوض
روزه اگر قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند

تا ثواب



تا ثواب روزه را بیابد سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح
الا له سبحان الاعز الاکرم پاکیزه و منزه است خدای بزرگ پاکیزه است کسی که سزاوار تسبیح
که از برای او منزهست عزیز تر گرامی سبحان من لبس العز و هو له اهل
و در روایات معتبر دیگر پاکیزه است کسی که پوشیده است عزت را و عزت از برای او خوب
وارد شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه
سنت کرده باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار
کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است و هفتاد برابر است و اگر اظهار
نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است و زن را
روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک
و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار را
بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما
آنست که روزه سنت مملوک بدون اذن مالک باطل است و همچنین
روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر
مشهور آنست که روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است
و باطل نیست و بعضی گفته اند بی رخصت پدر باطل است و احوط
آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه
سنت مهمان بدون رخصت مهماندار نیز خلافست و احوط آنست
که مهمان و مهماندار هیچ یک بی رخصت دیگری روزه مستحب

ندارند اگرچه اظهر آنست که مکروهست فصل سیم در اعمال
هر روز است بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در
روز اول ماه رجب این دعا را خواندند و ذکر کرده اند که در هر روز است
یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل
ای کسی که مالک شده است حاجتهای سؤال کنندگان را و میداند آنچه در خاطر خاموشان است از برای
مسئلة منک سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک
هر مسئله از تو شنونده و حاضری و جواب خوب میدهی حاضر و ... وعده های تو
الصادقة و ایادیک الفاضلة و رحمتک الواسعة فاسئلک
راست است و نعمتهای تو زیاده است و رحمت تو فراخ است پس سؤال میکنم از تو
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة
آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه برآوری حوائج مرا در دنیا و آخرت
انک علی کل شیء قدیر بسند معتبر منقولست که حضرت صادق
بدرستی که تو بر هر چیز توانائی هر روز ماه رجب این دعا میخواندند
خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون الا لک وضاع
زیانکار شدند وارد شوندگان بر غیر تو و زیان بردند عرض کنندگان مگر از برای تو و ضایع
الملمون الا بک و اجدب المنتجعون الا من انتجع فضلک بابک
مهمانان مگر تو و خشک شدند طلب کنندگان مگر کسی که طلب کند از فضل تو درگاه تو
مفتوح للراغبین و خیرک مبذول للطالبین و فضلک مباح

باز است از برای رغبت کنندگان و نیکوئی تو بخشیده است مر طلب کنندگان را و زیادتی تو مباح



للسائلین و نیلک متاح للآملین و رزقک مبسوط لمن
مر خواهندگان را و رسیدن تو بخشایش است از برای امیدواران و روزی تو پهن است از برای کسی
عصاک و حلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان
عصیان کرده است و بردباری تو برگرداننده است مر کسی که میل کننده است و عادت تو نیکوئی است
الی المسیئین و سبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی
بسوی بدی کنندگان و راه تو باقی است بر تجاوز کنندگان خداوندا پس راه نما
هدی المهتدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی
راه یافتن راه یافتگان و روزی کن مرا جهد مجتهدین و مگردان مرا
من الغافلین المبعدین و اغفر لی یوم الدین و ایضا بسند معتبر
از غافلان دور شدگان و بیامرز مرا روز جزا منقولست که محمد
بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که
فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا
بان نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح و پس
و بعد از هر نمازها در شب و روز این دعا را بخوان و هذا الدعا
یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر یا من یعطی
ای آنکه امید دارم از او از برای هر خوبی و ایمنم از غضب او نزد هر بدی ای که میبخشد
الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سئله یا من یعطی من لم یسئله
بسیار را بعوض کم ای آنکه میبخشد کسی را که سؤال کند و ای کسی که میبخشد کسی را که سؤال نکند

ندارند اگرچه اظهر آنست که مکروهست فصل سیم در اعمال

هر روز ماه رجب بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در

روز اول ماه رجب این دعا را خواندند و ذکر کرده اند که در هر روز است

یا من یملك حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل

ای کسی که مالک شده است حاجتهای سؤال کنندگان را و میداند آنچه در خاطر خاموشان است از برای

مسئلة منك سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدك

پرسیدن از تو شنونده و حاضری و جواب خوب میدهی خداوندا وعدهای تو

الصادقة و ایادیك الفاضلة و رحمتك الواسعة فاسئلك

راست است و نعمتهای تو زیاده است و رحمت تو فراخ است پس میخواهم از تو

ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة

آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برآوری حوائج مرا در دنیا و آخرت

انك علی کل شیء قدیر بسند معتبر منقولست که حضرت صادق

بدرستی که تو بر همه چیز توانائی هر روز ماه رجب این دعا میخواندند

خاب الوافدون علی غیرك و خسر المتعرضون الا لك و ضاع

دور ند فرود آمدگان بر غیر تو و زیان بردند عرض کنندگان مگر از برای تو و ضایع

المملون الا بك و اجدب المنتجعون الا من انتجع فضلك بابك

موملان مگر بتو و خشک طلب کنندگان مگر کسی که طلب کند از فضل تو درگاه تو

مفتوح للراغبین و خیرك مبذول للطالبین و فضلك مباح

بازست از برای رغبت کنندگان و خیر تو بخشیده است مر طلب کنندگان را و زیادتی تو مباح است



للسائلین و نیلك متاح للآملین و رزقك مبسوط لمن

مر خواهندگان را و عطای تو مهیاست از برای امیدواران و روزی تو پهن است از برای کسی

عصاك و حلمك معترض لمن ناواك و عادتك الاحسان

عصیان کرده است و بردباری تو بر گردانیده است مر کسی که میل کننده است و عادت تو نیکوئیست

الی المسیئین و سبیلك الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی

بسوی بدی کنندگان و راه تو باقی است بر تجاوز کنندگان خداوندا پس راه نمای

هدی المهتدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی

راه یافتن راه یافتگان و روزی کن مرا جهد مجتهدین و مگردان مرا

من الغافلین المبعدین و اغفر لی یوم الدین و ایضا بسند معتبر

از بی هوشی کنندگان دور شدگان و بیامرز مرا روز جزا منقولست که محمد

بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که

فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعائی تعلیم نما که حقتعالی مرا

بان نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح و شب

و بعد از هر نمازها در شب و روز این دعا را بخوان و هذا الدعا

یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر یا من یعطی

ای آنکه امید دارم از او از برای هر خوبی و ایمنم از غضب او نزد هر بدی ای کسی که بخشد

الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سأله یا من یعطی من لم یسأله

بسیار را باندکی ای آنکه می بخشد کسی را که سؤال کند و ای کسی که میبخشد کسی را که سؤال نکند

وَمَن لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ

و کسی را که نشناخته است او را از جهت بخشش و رحمت ببخش بسوال کردن من از تو

جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي

همه خیر دنیا و همه خیر آخرت و بگردان از من بسوال کردن

إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ

از تو همه بدی دنیا و بدی آخرت پس بدرستی که کم نیست آنچه عطا کنی

وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ پس حضرت ریش مبارک خود را بدست

و زیاده کن از برای من از فضل خود ای بخشنده چپ گرفتند و انگشت سبابه دست

راست خود را بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا میخواندند

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا النَّعْمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ

ای صاحب بزرگی و بخشش ای صاحب نعمت و بخشش ای صاحب نعمتها و بخشش

حَرِّمْ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ و دست بر نداشتند تا آب از دیده اش جاری شد

حرام کن پیری مرا بر آتش و در تهذیب شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده

که حضرت صادق به معلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا صبر شکر کنندگان از تو و عمل خوف دارندگان

مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اللّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنَا

از تو و یقین عبادت کنندگان از برای تو خداوندا تویی بلند و بزرگ و من

عبدک



عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ

بنده توام مستمند و پریشان و تو بی نیازی و ستایش کرده شده و من بنده

الذَّلِيلُ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي

خوار توام خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و منت بنه بسبب مستغنی بودن تو بر فقر من

وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ

و بسبب بردباری تو بر نادانی من و بتوانایی تو بر ناتوانی من ای توانا ای غالب

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل و اوصیا پسندیده و کفایت کن از من

مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و از

آنچه بهم و غم آورد مرا از امر دنیا و آخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان روایت

سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر میشود که این دعای جامع ترین دعاها

و در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای

معتبره از حضرت صاحب الامر روایت کرده اند که سنت است در هر روز

از روزهای ماه مبارک رجب این دعا بخوانند اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ خداوندا بدرستی که سوال میکنم

بدو مولودی که در ماه رجب متولد شده است که یکی امام محمد تقی و دیگری عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ

وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ که امام علی نقی برگزیده

و نزدیکی میجویم بایشان دو مولود بسوی تو بهترین نزدیکی ای کسی که بسوی او است طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ

رُغِبَ اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ
رغبت کرده شده سوال میکنم ترا سوال کردن عاجز گناه کننده بتحقیق که هلاک کرده است او را
وَاَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ
و محکم کرده است او را عیبهای وی پس دراز شد بر گناهان عادتهای او و از مصیبتهای او خوبهای او
يَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ
سوال میکنم ترا توبه و خوبی بازگشت را و خلاص شدن از گناه و از آتش
فَكَاكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَاَنْتَ مَوْلَايَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ
خلاص شدن گردنها و بخششها از آنچه در گردن وست پس تو آقای منی بزرگترست امید
وَثِقَتِهِ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ
و وثیقه او خداوندا سوال میکنم ترا بمسائلی که شریفست و وسیله تو که شریفست
اَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ
اینکه بپوشانی تو مرا در این ماه رجب برحمت از تو که وسیع است و نعمت گرد
وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ اِلٰى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَمَا هِيَ
و نفسی بآنچه روزی دادهٔ او را در حالتی که قانع است تا نزول کردن بقبر و جای آخرت و آنچه
اِلَيْهِ صَائِرَةٌ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در
مرجع وی و بازگردنده جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است





وهزار مرتبه سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ در جمیع ماه خواندن ثواب
بسیار در آن وارد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند
و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که تمام ماه هزار مرتبه خوانده
باشد . که هر کس هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید
صد هزار حسنه برای او نوشته شود در بهشت شهری
برای او بنا کند و در هر شب از شبهای ماه هزار مرتبه لا اله
الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقولست
و در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ
طلب آمرزش میکنم از خدایی که نیست خدایی مگر او یگانه است نیست انبازی از برای او و بازگشت
امیر المؤمنین منقولست که رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که هر که در هر شب یا روز ماه رجب و شعبان و رمضان
سه مرتبه سورهٔ حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و سه
مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
اَكْبَرُ وَلَا پاکست خداوند و ستایش مر خدا راست و نیست معبودی بسزا مگر خدا و خدا
بزرگترست و نیست حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه مرتبه بگوید
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى و نیست گردیدنی و نه توانایی مگر بخدای بلند قدر بزرگ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وسه مرتبه اللّهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات وچهار صد مرتبه
بکوید معنی بیامرز مردان گرویده وزنان گرویده را استغفر الله واتوب
الیه گناهانش را خدا بیامرزد اگرچه بعدد قطرهای باران
وبرگ درختان وکف دریاها باشد ودر روز عید حق تعالی
او را ندا کند که براستی تو دوست منی وبهر حقی ترا شفاعت میدهم
در برادران وخواهران مؤمن تو      فرمود که در عمری
یکبار این بعمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو
عطا فرماید که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد
وهفتصد حاجت او را در قبر وهفتصد حاجت او را در وقت
بیرون آمدن از قبر ومثل آن در وقت پرواز کردن نامهای
اعمال ونزد سنجیدن اعمال در میزان ونزد صراط براورد واو را
در سایهٔ عرش خود جا دهد وحساب کند او را حساب آسان
وهفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود
وباو عطا کند آنچه هیچ چشمی ندیده باشد وگوشی نشنیده باشد

در بیان فضایل واعمال شب وروز اولست

تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل کند که غسل سنتست و
منقولست که هر که در شب اول ماه رجب وشب پانزدهم
وشب آخر آن ماه غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی

طلب آمرزش میکنم از خدای کو ورجوع میکنم بسوی او





که از مادر متولد شده باشد ودر وقت دیدن ماه دعای
صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاهاست وهفت مرتبه
مرتبه سورهٔ حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد ودر هر ماهی
این سنت است ومنقولست که چون ماه رجب را ببیند بکوید
اللّهم اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام ربی
معنی طالع گردان ماه را بر ما با ایمنی از بلا وایمان وسلامتی واسلام پروردگار من
وربک الله عز وجل ودر شب اول وروز اول زیارت
پروردگار تو اللهی غالب بزرگ حضرت امام حسین ع فضیلت بسیار
دارد ودر حدیث معتبر وارد شده است که هر که اول رجب
را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته واحیای
شب اول سنتست واز حضرت صادق ع منقولست که تا توانی
محافظت نما بر احیای شب عید ماه رمضان وشب عید
قربان وشب اول محرم وشب عاشورا وشب اول رجب و
شب نیمهٔ شعبان ودرین شبها دعا ونماز وتلاوت قرآن
بسیار بکن      از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخواند
اللّهم انی اسئلک بانک ملیک وانک علی کل شیء
معنی بار خدایا بدرستی که سؤال میکنم ترا بآنکه تو پادشاه ملکی وبدرستی که تو بر همه چیز

مقتدرٌ وانّك ما تشاء من امرٍ يكن اللهمّ انّي اتوجّه اليك
توانايي و بدرستي كه تو انچه خواهي از امر ميباشد خداوندا بدرستي كه من رو ميآورم
بنبيّك محمّدٍ نبيّ الرحمة صلوات عليه واله يا محمّد يا رسول
بوسيله پيغمبر تو محمّد پيغمبر رحمت رحمتهاي تو برا و و آل او اي محمّد اي رسول
الله انّي اتوجّه الى الله ربّي وربّك لينجح بك طلبتي اللهمّ
خدا بدرستي كه من رو مي اورم بسوي خدا پروردگار من و پروردگار تو تا انكه بوسيله تو حاجت مرا روا
بنبيّك محمّدٍ وبالائمّة من اهل بيته انجح طلبتي پس حاجات
بحرمت پيغمبر تو محمّد و بحرمت پيشوايان از خانواده او برآور حاجتهاي ما را خود را طلب
نمايد و بيست ركعت نماز نيز وارد شده است هر دو ركعت
بيك سلام و در هر ركعت حمد و يك مرتبه سوره قل هو الله
احد بخواند تا از بلاهاي دنيا و عذاب اخرت ايمن گردد و شيخ
و ديگران روايت كرده اند كه حضرت امام موسى
در شب اول ماه رجب بعد از انكه از نماز شب فارغ ميشدند
ايند عا را در سجده ميخواندند لك الحمد ان اطعتك ولك
الحجّة ان عصيتك لاصنع لي ولا مر است و ان كر فرمان برداري كنم ترا و مر ترا است
حجت اگر نا فرماني ورزم ترا بيست كرداري مرا و لغيري في احسان الّا بك يا كائنا
قبل كلّ شيءٍ ويا مكوّن كلّ شيءٍ چيز مرا در نيكوئي مگر بتوفيق تو اي موجود
پيش از هر چيزي و اي پديد آورنده هر چيز انّك على كلّ شيءٍ قدير اللهمّ

طوبى

بر هر چيز كه تو بر هر چيز توانايي خداوندا



انّي اعوذ بك من العديلة عند الموت ومن شرّ المرجع في
بدرستي كه من پناه ميگيرم بتو از عديله نزد مردن و از بدي بازگشت اندر
القبور ومن الندامة يوم الازفة فاسئلك ان تصلّي
قبرها و از بدي بازگشت در قبرها و در رستخيز و ميخواهم از تو اينكه رحمت كني
على محمّدٍ واله وان تجعل عيشي عيشةً نقيّةً وميتتي ميتةً
بر محمّد و آل او و اينكه بگرداني زندگاني مرا زندگي پاكيزه و مردن مرا مردن
ومنقلبي منقلباً كريماً غير مخزٍ ولا فاضحٍ اللهمّ صلّ على
و بازگشت مرا بازگشت گرامي كه باشد خوار ساز نده و رسوا نماينده خداوندا رحمت فرست
محمّدٍ واله الائمّة ينابيع الحكمة واولي النعمة ومعادن العصمة
بر محمّد و آل او كه پيشوايانند و چشمهاي دانش و صاحبان نعمت و معدنهاي عصمتند
واعصمني بهم من كلّ سوءٍ ولا تأخذني على غرّةٍ ولا على غفلةٍ
و نگاه دار مرا بسبب ايشان از هر بدي و فرا مگير مرا بر فريفتگي و نه بر غفلت
ولا تجعل عواقب اعمالي حسرةً وارض عنّي فانّ مغفرتك
و مگردان انجامهاي كردار مرا افسوس و خوشنود باش از من پس بدرستي كه امرزش تو
للظّالمين وانا من الظّالمين اللهمّ اغفر لي ما لا يضرّك و
براي ستمكارانست و من از ستمكارانم خداوندا بيامرز از براي من گناهي را كه ضرر نميرساند
اعطني ما لا ينقصك فانّك الوسيع رحمته البديع حكمته
و عطا كن مرا عطيه كه كم كرداند خزينه ترا بدرستي كه تويي انكه فراخ است رحمت تو بي نظير است

سويّة

وَاَعْطِنِي السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَالْاَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالْبُخُوعَ وَالْقُنُوعَ

وعطا کن وسعت و رفاهیت و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت

وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوَى وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ

و سپاسداری و عافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و راستگوئی

عَلَيْكَ وَعَلَى اَوْلِيَائِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاَعِمَّ بِذٰلِكَ

بر تو و بر دوستان تو و توانگری و شکرگذاری و فراگیر باین عطا

يَا رَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِي

ای پروردگار من اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو و آنرا که دوست دارم و دوست دارد مرا

وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

و آنرا که زائیده ام و آنرا که زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان گرویدگان

وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ منقولست که مستحب است

و زنان گرویده ای پروردگار جهانیان که بعد از نماز وتر چنانکه نشسته است

بعد از سلام این دعا را بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ

سپاس مر خدایراست که بپایان نمیرسد گنجهای او

وَلَا يَخَافُ آمِنُهُ رَبِّ اِنِ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ فَذٰلِكَ ثِقَةٌ

و نمیترسد امان یافته او پروردگار من اگر مرتکب شوم گناهان را پس بجهة اعتماد بکرم

بِكَرَمِكَ اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ

و رحمت تست که تو قبول میکنی توبه را از بندگان خود و در میگذری از بدیهای ایشان



وَتَغْفِرُ الزَّلَلَ فَاِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَاَنَا

و می آمرزی لغزش را پس بدرستی که تو اجابت کننده مر خواننده خود را و باو نزدیکی پس من

تَائِبٌ اِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا وَرَاغِبٌ اِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي

رجوع کننده ام بسوی تو از گناهان و رغبت کننده ام بسوی تو در زیاد گردانیدن بهره من

مِنَ الْعَطَايَا يَا خَالِقَ الْبَرَايَا يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ

از بخششها ای پدید آورنده خلایق ای رهاننده من از هر سختی و شدتی

يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ وَفِّرْ عَلَيَّ السُّرُورَ وَاكْفِنِي

ای پناه دهنده من از هر ترسیدنی و تمام گردان بر من شادی را و باز دار مرا

شَرَّ عَوَاقِبِ الْاُمُورِ فَاِنَّكَ اللّٰهُ عَلَى نَعْمَائِكَ وَجَزِيلِ عَطَائِكَ

از بدی عاقبت کارها را زیرا که بتحقیق تو ای خدا بر نعمت خود و عطای وافر خود

مَشْكُورٌ وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ از حضرت امام علی النقی

شکر کرده شده و از برای هر نیکی ذخیره کرده شده منقولست که بعد از دعای وتر این دعا

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي

ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزاننده مردگان

الْقُبُورِ يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَكَنْزِي حِينَ

قبرها ای پناه من هنگامی که مانده سازد مرا راهها و ای ذخیره من هنگامی که

تُعْجِزُنِي الْمَكَاسِبُ وَمُونِسِي حِينَ تَجْفُونِي الْاَبَاعِدُ وَتَمَلُّنِي الْاَقَارِبُ

عاجز سازد مرا کسبها و ای انیس من هنگامی که ستم کنند مرا دوران و بملال آرند مرا نزدیکان

وَمُنَزِّهِي بِمُجَالَسَةِ أَوْلِيَائِهِ وَمُرَافَقَةِ أَحِبَّائِهِ فِي رِيَاضِهِ

ای زینت بخشنده من بهمنشینی یار خود و رفاقت دوستان خود در بوستانها

وَسَاقِي بِمُؤَانَسَتِهِ مِنْ نَمِيرِ حِيَاضِهِ وَرَافِعِي بِمُجَاوَرَتِهِ مِنْ

و آب دهنده من بسبب مؤانست آب گوارای حوضهای خود و بلند گرداننده من بهمسایگی خود از

وَرْطَةِ الذُّنُوبِ إِلَى رَبْوَةِ التَّقْرِيبِ وَمُبَدِّلِي بِوِلَايَتِهِ عِزَّةَ

پست گودال گناهان بسوی فراز پشته بلند مقرب گرداننده و ای بدل آورنده بدوستی خود

الْعَطَايَا مِنْ ذِلَّةِ الْخَطَايَا أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ بِالْفَجْرِ وَاللَّيَالِي

ارجمندی بخششها از خواری گناهان سوال میکنم ترا ای آقای من بحق صبح و شبهای

الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ وَبِمَا جَرَى بِهِ قَلَمُ

دهگانه و بحرمت شفع و وتر و شب هرگاه بپایان رسد و بحرمت آنچه روان شود به آن

الْأَقْلَامِ بِغَيْرِ كَفٍّ وَلَا إِبْهَامٍ وَبِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَبِحُجَجِكَ

قلمهای امانت بغیر کف دستی و انگشت ابهامی و بحرمت نامهای بزرگ تو و به حجتهای تو

عَلَى جَمِيعِ الْأَنَامِ عَلَيْهِمْ مِنْكَ أَفْضَلُ السَّلَامِ وَبِمَا اسْتَحْفَظْتَهُمْ

بر جمیع آدمیان که بر ایشان باد از جانب تو بهترین درودها و بحرمت آنچه امر بحفظ آن نمودی

مِنْ أَسْمَائِكَ الْكِرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتَرْحَمَنَا فِي شَهْرِنَا

از نامهای گرامی تست اینکه رحمت بفرستی برایشان و رحم کنی بما در ماه

هٰذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ وَأَنْ تُبَلِّغَنَا شَهْرَ الصِّيَامِ

اینماه و آنچه پس از تست از ماهها و روزها و اینکه برسانی ما را بماه روزه

في عامنا



فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

در سال ما این سال و در همه سالها ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

وَالْمِنَنِ الْجِسَامِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنَّا أَفْضَلُ السَّلَامِ وَاعْلَمْ

و نعمتهای بزرگ و بر محمد و آل او باد از ما بهترین درودها

ای شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد

امام محمد باقر منقولست که در روز اول ماه

رجب حضرت نوح بکشتی سوار شد و امر کرد که جمیع جن

و انس را که با او در کشتی بودند که روزه بدارند و هر که آن روز

را روزه بدارد آتش جهنم یکسال راه از او دور گردد

امام رضا منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب

را از برای رغبت در ثواب خدا بهشت او را واجب شود

و هر که یک روز از وسط این ماه روزه بدارد شفاعت

او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله عظیم اند

از قبایل عرب و هر که یک روز از آخر اینماه روزه بدارد

او را از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در پدر

مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله

او و جمیع همسایگان و آشنایان او هر چند همه مستوجب جهنم

شده باشند و دیگران از سلمان فارسی رضی الله عنه

روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانی رفتم بخدمت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که ای
سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن یا زن مؤمنه
که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه
سورهٔ حمد و سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و سه مرتبه سورهٔ
قل یا ایها الکافرون بخواند البته محو کند از نامهٔ عمل آن
هر گناهی را که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند
باو ثواب کسی را که تمام آن ماه را روزه گرفته باشد و تا سال اینده
او را از نماز گذارندگان بنویسند و در هر روزان ماه
ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او باسمان ببرند و
بهر روز که در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامهٔ عمل
او بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام
ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات بدهد و بهشت
از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را برای
من آورد و گفت این علامتیست میان شما و منافقان
زیرا که منافق این نماز را نمیکند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را
بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه ده رکعت
بجا می آورد یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره





حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون
میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک والحمد
نیست خدای پرستش مگر خدای که یگانه است نیست انباز او را مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس
یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل
زنده میکند و میمیراند و او زنده ایست که نمیمیرد بدست وی است خیر همه و وی بر همه
شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت
چیز توانا است بار خدایا نیست بازدارنده مر آنچه را که بخشش کنی و نیست بخشنده مر آنچه را که باز داری
و لا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها را بروی خود میکشی
و سود ندهد خداوند بخت را از تو بخت و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم
ده رکعت بهمان نحو بجا می آوری و بعد از هر سلام دستها را
بسوی آسمان برمیداری و میگوئی لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الحمد یحیی و یمیت و هو نیست خدای پرستش مگر خدای یگانه است
نیست انباز او را و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا او زنده است و نمیمیرد بدست وی است خیر
و او بر همه چیز توانا است ای خدای یگانه یکتای بی همتا فردا صمدا لم یتخذ صاحبة
و لا ولدا فرد بی نیاز و آنکه فرا نگرفت هیچ زنی پس دستها را بروی خود میکشی
و نه فرزندی و در روز آخر ماه پانزده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از

له

لللك و
وازبرای
اوست
پادشاهی

هر سلام دست بر میداری و میگوئی لا اله الا الله وحده
لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی نیست خداوندی سزاوار پرستش مگر خدا یگانه است
نیست شریکی از برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند ویمیت وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و میمیراند و او زنده است و نمیرد
و بدست و دست هر نیکی و او ست بر همه چیز توانا و صلی الله علی محمد و آله
و آله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله و رحمت فرستاد خدا بر محمد و آل او
که پاکانند و نیست هیچ گردیدنی و نه توانایی مگر بخدا العلی العظیم پس دست را
بر روی خود بمال و حاجت خود را طلب بلند رتبه بزرگ که البته
بر آورده است میان تو و جهنم هفت خندق قرار
میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین اسمان و زمین
بوده باشد و بعد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت در نامهٔ
عمل تو مینویسد و برات بیزاری از جهنم و گذشتن بر صراط
برای تو مینویسد و منقولست که هر که در روز جمعهٔ ماه رجب
صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند در قیامت باو
نوری عطا کند که بان نور داخل بهشت شود و در حدیث
وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در روز جمعهٔ
اول ماه رجب متولد شده است و موجب شرافت این روز گردیده
است و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام





علی النقی در روز دویم ماه رجب واقع شده است و بر
وایت ابرهیم بن هاشم وفات در روز سیم واقع شده
و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در پنجم این ماه
واقع شده است و ولادت امام محمد تقی در دهم این ماه شده است
و بعضی از روایات در فضیلت خصوص دهم وارد شده است
در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده است
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم از امام جعفر صادق
منقولست که فضیلت سه ماه را باین امت داده است که
باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان
و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر
نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه
سوره باین امت داده است که مثل آنها بامتهای پیش نداده است
سورهٔ یس و سورهٔ تبارك الذی بیده الملك و سورهٔ قل هو
الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضایل
این امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود
که در شب سیزدهم هر یك از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد
و در هر دو رکعت بعد از سورهٔ حمد این سه سوره را بخواند
و در شب چهاردهم چهار رکعت بگذارد بدو سلام و در هر رکعت

بعد از حمد این سه سوره بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت
بجا آورد به سه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره بخواند
تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده
شود بغیر از شرک بخدا   صادق منقولست که هر که ایام
البیض ماه رجب را روزه دارد   هر روزی عبادت یکساله
و روزهٔ یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را بدر محل
ایمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که
ولادت با سعادت   امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله
در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده
سال قبل از مبعوث شدن   رسول صلی الله علیه و آله و
علی بن ابرهیم گفته است که ولادت   امام علی النقی نیز
در روز سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت
و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است
و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد   رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که در شب نیمهٔ رجب   امر میکند ملا
را که هر گناهی که در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند
از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
رجب را روزه بدارد و در شبهای اینها مشغول عبادت باشد از دنیا

نرود



نرود مگر با توبهٔ نصوح و هر روزی که روزه داشته باشد هفتاد
گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او را بر آورد و در وقتی
که از قبر بیرون می‌آید و نزد میزان و نزد صراط و چنان باشد
که هفتاد بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کرده باشد و شفاعت
او را قبول کنند در حق هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان آن که مستحق
جهنم شده باشند   بنا کنند از برای او در جنات فردوس
هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده   و در هر
قصری هزار حوریه باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد
علیه الرحمه بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است
که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می‌آوری یعنی به شش
سلام با حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی هر یک از سوره
حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی
سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ   اللهُ
پاک است خدا و سپاس مر خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است   خدا
اللهُ رَبّی لا اُشرِکُ بِهِ شَیئاً وَما شاءَ اللهُ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ
خدا پروردگار من است شریک نمی‌گردانم به او چیزی را و آنچه خواست خدا میشود و نیست توانائی مگر بخدا
و در شب و روز زیارت   امام حسین علیه السلام سنت موکد است

ماه رجب و

وبسند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام رضا سؤال کرد
که زیارت امام حسین در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمه
شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که
گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت امیر المؤمنین
در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و
این دعا را خواند پس فرمود که هر که باشد و غمی مبتلا گردد و این
دعا بخواند البته کرب و شدت او زایل میگردد و این چهار رکعت
را بدو سلام میکند و هر سوره که خواهد میخواند و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ اَنْتَ كَهْفِي حِينَ
بار خدایا ای خوار سازنده هر گردن کشی و عزیز دارنده گروندگان تویی پناه من هنگامی که
تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ
عاجز کنند مرا راهها و تو پدید آرنده خلقت منی از مهربانی بمن و حال آنکه تو بودی از
خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي
آفرینش من بی نیاز و اگر نمی بود رحمت تو هر آینه بودم من از هالکان و تو قوت دهنده مرا
بِالنَّصْرِ عَلَى اَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ
بیاری دادن بر دشمنان من و اگر نمی بود یاری تو هر آینه بودم من از رسوا شدگان
يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا
ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و فرستنده برکت از جاهای آن





يَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ
ای آنکه خاص شده به بلندی و رفعت پس دوستان او غالب بودن غالب
يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهَا فَهُمْ مِنْ
ای آنکه گذاشته اند از برای او پادشاهان زنجیر مذلت را بر گردنهای خود پس ایشان
سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ اَسْاَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ
هیبت او ترسانند سوال میکنم ترا بحق بودن تو آنچنان که بیرون آورده
كِبْرِيَائِكَ وَاَسْاَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ
بزرگی و سوال میکنم ترا به بزرگی تو که بیرون آورده او را از عزت
وَاَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ
و سوال میکنم ترا بعزت تو که آن عزتی که مستوی شده ان بر عرش پس خلق کرد
بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ
بسبب آن بر جمیع خلق خود پس ایشان از برای تو اعتقاد کننده اند اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل
پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید و بدانکه عمده اعمال نصف
رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس
رضی الله عنهم بسندهای معتبره روایت کرده اند و برای بر آمدن حاجات
و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایتش
آنست که فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زاده حسن مجتبی علیه السلام
حضرت امام جعفر صادق بود و بشیر داود آنحضرت را شیر داده بود

وچون محمد بن عبد الله الحسن در مدینه خروج کرد منصور
دوانیقی لشکر فرستاد و او را کشتند و ابرهیم برادر محمد را نیز
شهید کردند و عبد الله بن الحسن و جمعی از سادات حسینی را با غل
و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان انها بوده ام
داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من گذشت و از ان خبری
بمن نمیرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و نیکان
و برادران مؤمن استدعای دعا می نمودم و ایشان تقصیر نمیکردند
و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن میرسید که داود را
کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم او در زیر عمارت زنده
گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر
میشد تا انکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم
تا انکه روزی شنیدم که حضرت صادق علیه السلام عارض شده است
بعیادت **انحضرت** رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم و خواستم برگردم
حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را بانحضرت
داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود
کجاست او مدتی در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام
و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شما است حضرت
فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح وان دعایست

که درها



که درهای اسمان برای ان گشوده می شود و ملائکه استقبال
می کنند خواننده او را و بشارت میدهند او را باجابت
وان دعائیست که از مجیب الدعوات محجوب نمی گردد و
خواننده ان را ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت که ای
فرزند طاهرین و راست گویان چگونه است ان دعا **حضرت** فرمود
ای مادر داود ماه محترم یعنی ماه رجب نزدیک شده است
وان ماهیست مبارک و حرمت ان عظیم است و دعاها در ان
مستجابست چون ان ماه در اید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
انرا که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت ان عمل را تعلیم
او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهمه کس تعلیم مکن که
میترسم که بدست کسی افتد که از برای امر باطلی و نامشروعی
این دعا را بخواند که بدرستی که این دعای بسیار شریفیست
و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته بر اورده می
شود و اگر درهای اسمان و زمین همه بسته شود و دریاهای
حایل باشند میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته
**حق تعالی** اسان میگرداند رسیدن تو را بمطلب تو و حاجت تو را
بر می اورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند
خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن فرزند تو باشند خدا ولد

قادر کفایت شر ایشان میکند و زبان ایشان از امید دعوای ایشان منقاد
فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت
و بخانه برگشتم و چون ماه رجب داخل شد انچه انحضرت فرموده بود بعمل
اوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را کردم و از روزه افطار کردم
و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران
و شهیدان که من برایشان صلوات فرستاده بودم حضرت رسول مرا
خطاب فرمود ای ام داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه ترا
و شفیعان تو اند و از برای تو طلب امرزش میکنند و بشارت میدهند ترا
بانکه حاجت تو براورده است پس بشارت باد ترا بامرزش خدا و خوشنودی خدا
تو اجرای خیر دهد و شاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ میکند ام داود گفت
که از خواب بیدار شدم و بعد از ان بقدر زمانی که سوار تندرو از عراق بمدینه بیاید
داود بنزد من امد و گفت ای مادر من در عراق در زندان در بند و زنجیر بودم
و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که زمین بلند
پست شد و ترا دیدم بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردان چند بودند
که سرهای ایشان در اسمان بود و پاهای ایشان در زمین تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس
یکی از ایشان که از همه خوشروی تر بود و جامهای پاکیزه پوشیده بود و گمان کردم
که حضرت رسالت پناه است بمن خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند
عجوزه صالحه حق تعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم سواران

منصور



منصور دوانقی بدر زندان رسید بطلب من امده بودند در میان شب مرا
نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها از من برداشتند و ده هزار درم
زیاده از هزار تومان بوده باشد بحساب ان زمان بمن عطا کرد و فرمود مرا بر شتری
راهوار سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت
بخدمت حضرت صادق بردم حضرت فرمود که سبب خلاص تو ان بود
که منصور حضرت امیر المؤمنین را در خواب دید که باو فرمود که رها کن
فرزند مرا و اگر نکنی ترا با این اتش می اندازم چون نظر کرد دریای اتش در
زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان شد
و ترا رها کرد اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت حضرت صادق فرمود
که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار
و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل کن و بروایت دیگر نزدیک
زوال غسل کن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش
و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول کند و با تو
سخن بگوید هشت رکعت نافله زوال بعمل اور و رکوع و سجود را پاکیزه
بعمل بیاور و پس نماز ظهر را بعمل اور و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن
بهر سوره که خواهی و بعد از ان صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین
پس هشت رکعت نافله عصر را بعمل بیاوری و در بعضی از روایات وارد شده است
که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه سوره قل هو الله احد

ویکمرتبه سورهٔ انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و اداب

او در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین و

صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه ایة الکرسی

بخوان پس هر یک از این سوره را یکمرتبه بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل

و کهف و لقمان و یس و و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم

دخان و انا فتحنا و اذا وقعه و تبارک الذی بیده الملک

و ن و القلم و اذا السماء انشقت تا اخر قران و اگر نتوانی این

سورها از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه سورهٔ

قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید گفته است که اگر ندانی یا نتوانی این سوره

مخصوصه بخوانی صد مرتبه سورهٔ حمد و ده مرتبه ایة الکرسی و هزار

مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و این احوط است و در روایت دیگر

وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بخواند سبحان الله والحمد

لله ولا اله الا الله والله اکبر و بعد از آن پاک و منزه است خدا و سپاس

مر خدا راست و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگ است ایة الکرسی صد مرتبه بگوید اللهم

صل علی محمد و آل محمد و اگر ایة الکرسی نیز درست نتواند بخواند

صد مرتبه سورهٔ حمد و هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند پس این دعا بخواند

و ایة الکرسی را هیچ انست که تمام مه اثنا عشر بسم الله الرحمن الرحیم

خالدون بخواند دعای ام داود اینست ابتدا میکنم بنام خداوند که بخشاینده و مهربانست

بیانی





دعای امام موسی

صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال

راست گفته است خداوند بزرگ آن خدایی که نیست مگر او زنده است و دایم است صاحب

والاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء

بخشش است روزی دهنده بخشاینده مهربان برده بار بخشنده است آنکه نیست مثل او چیزی

وهو السمیع البصیر العلیم الخبیر شهد الله انه لا اله الا

و اوست شنوا و بینا و دانا و خبر دار و گواه است خدا که نیست خدایی مگر

هو والملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز

او و فرشتگان و صاحبان علم قایم است بعدل نیست خدایی مگر او غالب

الحکیم و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین

و حکیم است و رسانیدند رسولان بزرگ او و من بر این رسالت اگواهم

اللهم لک الحمد و لک المجد و لک العز و لک الفخر و لک

خداوندا از برای تست سپاس و مر تراست بزرگی و مر تراست عزت و مر تراست فخر و مر تراست

القهر و لک النعمة و لک العظمة و لک الرحمة و لک المهابة

قهر و مر تراست نعمت و مر تراست بزرگی و مر تراست مهربانی و مر تراست جلالت

و لک السلطان و لک البهاء و لک الامتنان و لک التسبیح

و مر تراست پادشاهی و مر تراست بزرگی و مر تراست نعمت دادن و مر تراست تسبیح

و لک التقدیس و لک التهلیل و لک التکبیر و لک ما یری

و مر تراست تقدیس و مر تراست تهلیل و مر تراست تکبیر و مر تراست آنچه دیده

ان الدین عند الله الاسلام

ولك ما لا يرى ولك ما فوق السموات العلى ولك ما تحت
و مر تراست آنچه دیده نشده و مر تراست آنچه بالای آسمان بلندست و مر تراست آنچه در زیر
الثرى ولك ارضون السفلى ولك الآخرة والاولى ولك
ثریاست و مر تراست زمینهای پست و مر تراست آخرت و بزرگی و مر تراست
ما ترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل
آنچه راضی شوی بآن از مدحها و ستایش و شکر و نعمتها خدایا رحمت فرست
على جبرئيل امينك على وحيك والقوي على امرك والمطاع
بر جبرئیل امین تو بر وحی تو و قایم است بر امر تو و فرمان برده شده
في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك
در آسمانهای تو و مکانهای کرامات تو و بردارنده کلمات تو یاری کننده مر پیغمبران
المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك وعلى
اندازنده مر دشمنان ترا خدایا رحمت فرست بر میکائیل مالک رحمتست و بر
ملائكة الذكر واهل التامين على دعاء المؤمنين والمخلوق
فرشتگان ذکر و اهل آمین گوینده بر دعای مؤمنان و مخلوق شده
لرافتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم صل على
از رحمت تو و بارش کننده اعانت کننده مر اهل طاعت کنندگان خدایا رحمت فرست بر
اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك والوجل
اسرافیل بردارنده عرش تو و صاحب صور انتظار کشنده امر تو و ترسانده

المشفق



المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض ارواح جميع عبادك
مهربان از ترس تو خدایا رحمت فرست بر عزرائیل قبض کننده ارواح همه خلق تو
بامرك ملك الموت الامين على ارواح خلقك اللهم صل على
بفرمان تو ملک موت امین بر ارواح خلق تو خدایا رحمت فرست
حملة العرش الطاهرين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين
بردارنده عرش که پاکانند و بر ایلچیان بزرگ نیکوکاران پاکان
وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان
و بر فرشتگان بزرگ نویسندگان و بر فرشتگان بهشت
وخزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام
و خزینه دوزخ و ملک موت و اعوان ای صاحب بزرگی و بخشندگی
اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود
خدایا رحمت فرست بر پدر ما آدم اول خلق تو آنچنان آدمی که اکرام کرده او را بسجود
ملائكتك واباحته جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة
ملائکه تو و مباح کرده او را بهشت خدایا رحمت فرست بر مادر ما حوا پاک است
من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة
از پلیدی پاک کرده شده از کثافتها فضیلت داده شده از آدمیان متردد است
بين محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح
در میان مکانهای پاک خدایا رحمت کن بر هابیل و شیث و ادریس و نوح

اللعین

وَهُودٍ وَصَالِحٍ وَاِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ
وهود وصالح وابراهيم واسمعیل واسحق ویعقوب ویوسف
وَالْاَسْبَاطِ وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ وَاَيُّوبَ وَمُوسٰى وَهٰرُونَ وَيُوشَعَ
واسباط ولوط وشعیب وایوب وموسی وهرون ویوشع
وَمِيشَا وَالْخِضْرِ وَذِي الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ وَاِلْيَاسَ وَالْيَسَعَ
ومیشا وخضر وذوالقرنین ویونس والیاس والیسع
وَذَا الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَزَكَرِيَّا وَشَعْيَا
وذوالکفل وطالوت وداود وسلیمان وزکریا وشعیا
وَيَحْيٰى وَتُورَخَ وَمَتّٰى وَاِرْمِيَا وَحَيْقُوقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَ
ویحیی وتورخ ومتی وارمیا وحیقوق ودانیال وعزیر و
عِيسٰى وَشَمْعُونَ وَجِرْجِيسَ وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْاَتْبَاعِ وَخَالِدٍ
عیسی وشمعون وجرجیس وحواریین واتباع وخالد
وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمَانَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا
وحنظله ولقمان خداوندا رحمت کن بر محمد وآل محمد ورحم کن بر محمد
وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ عَلٰى
وآل محمد ومبارک باد بر محمد وآل محمد همچنان رحمت فرستادی ورحم کردی بر
اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَوْصِيَاءِ
ابراهیم وآل ابراهیم بدرستی که تو حمد کرده شده بزرگی خداوندا رحمت فرست بر اوصیا

والسعداء



وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ
ونیکبختان وشهیدان وامامان هدایت کننده خداوندا رحمت فرست بر ابدال
وَالْاَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلَصِينَ وَالزُّهَّادِ
واوتاد وسیاحت کننده گان وعبادت کننده گان ومخلص گردانیدگان وزاهدان
وَاَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ
واهل کوشش واجتهاد وخاص گردان محمد واهل خانه او را به بهترین
صَلَوَاتِكَ وَاَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي
درود تو وبزرگترین کرامات تو وبرسان روح او وجسد او از من
تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَكَرَمًا حَتّٰى تُبَلِّغَهُ
تحیت ودرود وزیاده کن او را فضل وبزرگی وبخشیدن تا برسانی او را
اَعْلٰى دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْاَفَاضِلِ
اعلی درجات اهل شرف از پیغمبران ورسولان وفاضل
الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ
نزدیکان خداوندا درود فرست بر کسی که نام بردم وبر کسی که نام نبردم از فرشتگان
وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاَوْصِلْ صَلَوَاتِي
وپیغمبران تو ورسولان تو واهل طاعت تو وبرسان درود مرا
اِلَيْهِمْ وَاِلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ اِخْوَانِي فِيكَ وَاَعْوَانِي
بسوی ایشان وبسوی ارواح ایشان وبگردان ایشان را برادران من در راه تو ویاری کننده

علی دعائك اللهم انی استشفع بك وبكرمك الی كرمك

بر خواندن تو خداوندا بدرستی که من شفاعت میکنم بتو و بسوی کرم تو

وبجودك الی جودك وبرحمتك الی رحمتك وباهل طاعتك

و بخشش تو بسوی بخشش تو و برحمت تو بسوی رحمت تو و باهل طاعت تو

الیك واسالك اللهم بكل ما سالك به احد منهم من مسئلة

بسوی تو و سوال میکنم ترا خداوندا به آنچه سوال میکنم ترا با و احدی از ایشان از سوال شما

شریفة غیر مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غیر مخیبة

که شریفست مردود نشده و به آنچه خواندند ترا بان از دعای اجابت شده ذکر نشده.

یا الله یا رحمن یا رحیم یا حلیم یا کریم یا عظیم یا جلیل یا منیل

ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار ای عظیم ای عطا کننده ای جوی

یا جمیل یا کفیل یا وکیل یا مقیل یا مجیر یا خبیر یا منیر یا مبیر

ای نیکو کننده ای کفیل ای وکیل ای اقاله کننده ای پناه دهنده ای دانا ای روشن کننده ای

یا منیع یا مدیل یا محیل یا کبیر یا قدیر یا بصیر یا شکور یا بر

ای منع کننده ای غالب شونده ای جاری کننده ای بزرگی کننده ای قدرت دارنده ای بینا ای شکر کننده

یا طهر یا طاهر یا قاهر یا ظاهر یا باطن یا ساتر یا محیط یا مقتدر

ای پاک ای پاک کننده ای قهر کننده ای ظاهر کننده ای مخفی ای محجوب ای احاطه کننده ای قدرتمند

یا حفیظ یا متجبر یا قریب یا ودود یا حمید یا مجید یا مبدئ

ای محافظت کننده ای کبر کننده ای نزدیکی کننده ای دوست داشته شده ای ستایش کرده شده ای بزرگی کننده





یا معید یا شهید یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا قابض یا باسط

ای عاده کننده ای گواه شونده ای احسان کننده ای بزرگی کننده ای انعام کننده ای بخشش ای قبض کننده ای گشاینده

یا هادی یا مرسل یا مرشد یا مسدد یا معطی یا مانع یا دافع

ای راه نماینده ای فرستاده شده ای ارشاد کننده ای نماینده ای عطا کننده ای منع کننده ای دفع کننده

یا رافع یا باقی یا واقی یا خلاق یا وهاب یا تواب یا فتاح یا نفاح

ای رفع کننده ای باقی گذارنده ای وفا کننده ای خلق کننده ای بخشاینده ای توبه پذیرنده ای گشاینده ای حکم کننده

یا مرتاح یا من بیده کل مفتاح یا نفاع یا رؤف یا عطوف یا کافی

ای آن کسی که بدست اوست هر کلیدی ای سود کننده ای مهربانی کننده ای مهربان ای کفایت

یا شافی یا معافی یا مكافی یا وفی یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متكبر

ای شفا دهنده ای نگاه دارنده ای کفایت کننده ای وفا کننده ای گواه شونده ای غالب شونده ای کبر کننده ای متکبر

یا سلام یا مؤمن یا احد یا صمد یا نور یا مدبر یا فرد یا وتر یا

ای سلام دهنده ای تصدیق کننده ای منفرد ای بی نیاز ای روشن کننده ای تدبیر کننده ای فرد ای تنها ای

قدوس یا ناصر یا مونس یا باعث یا وارث یا عالم یا حاکم یا بادی

منزه از عیبها ای نصرت کننده ای مونس کننده ای برانگیزاننده ای وارث ای دانا ای حاکم ای خلق کننده

یا متعالی یا مصور یا مسلم یا متحبب یا قائم یا دائم یا علیم یا حکیم

ای بلند شونده ای صورت کننده ای سلام کننده ای استجابت کننده ای قائم شونده ای دائم ای دانا ای حکیم

یا جواد یا بارئ یا بار یا سار یا عدل یا فاضل یا دیان یا حنان

ای بخشنده ای نیکو کننده ای نیکی کننده ای شاد کننده ای عدالت کننده ای فضیلت دهنده ای جزا دهنده ای بخشاینده

یا منّانُ یا سمیعُ یا بدیعُ یا خفیرُ یا معینُ یا ناشرُ یا غافرُ یا قدیمُ

ای منت نهنده ای شنونده ای خلق کننده ای زنهار دهنده ای یاری دهنده ای خلق گسترنده ای آمرزنده ای

یا مُسهِّلُ یا مُیسِّرُ یا مُمیتُ یا مُحیی یا نافعُ یا رازقُ یا مقتدرُ

ای آسان کننده ای آسان کننده ای میرانده ای زنده کننده ای نفع دهنده ای روزی دهنده ای قادر

یا مسبِّبُ یا مغیثُ یا مغنی یا مقنی یا خالقُ یا راصدُ یا واحدُ

ای سبب شونده ای فریاد رسنده ای بی نیاز ای راهنما ای خلق کننده ای چشم دارنده ای تنها

یا حاضرُ یا جابرُ یا حافظُ یا شدیدُ یا غیاثُ یا عائدُ یا قابضُ

ای حاضر ای بزرگی کننده ای محافظت کننده ای نیرومند ای فریادرس ای عود کننده ای گیرنده

یا من علا فاستعلی فکان بالمنظر الاعلی یا من قرب فدنی

ای آنکه بلندی پس پست شد و پس بود در نظر بلند ای آنکه نزدیکی پس دور

و بعد فنأی و علم السر و اخفی یا من الیه التدبیر و له المقادیر

و پس دوری و دانست پوشیده و پنهان ای آنکه بسوی اوست تدبیرها و اوراست اندازه

یا من العسیر علیه سهل یسیر و یا من هو علی ما یشاء قدیر

ای آنکه دشوار بر او آسانست اندکی و ای آنکه او بر آنچه خواهد تواناست

یا مرسل الریاح یا فالق الاصباح یا باعث الارواح یا ذا الجود

ای برونده بادها ای شکافنده صبحها ای برکرداننده ارواح ای صاحب

و السماح یا رادّ ما قد فات یا ناشر الاموات یا جامع الشتات

و بخشش ای باز کننده آنچه که فوت شد ای بیرون آورنده مرده ها ای جمع کننده

یا مبین یا سلام یا مجیب یا متفضل
یا مستجیب یا هادی یا حسیب یا موکل
یا مستکفی یا کافی یا رازق یا رائد
یا ملک یا رب یا مذل یا معز یا مالک
یا رازق یا حق یا مفضل یا مجیب
ع

یا رازق



یا رازق من یشاء بغیر حساب یا فاعل ما یشاء کیف یشاء

ای روزی دهنده آن کسی که میخواهد بغیر حساب ای کننده آنچه میخواهد به هر نحو که میخواهد

یا ذا الجلال و الاکرام یا حی یا قیوم یا حی حین لا حی یا

ای صاحب بزرگی و کرامت ای زنده ای همیشه ای زنده در وقتی که نیست زنده ای

محیی الموتی یا حی لا اله الا انت بدیع السموات و الارض

ای زنده کننده مردگان ای زنده که نیست خدای مگر تو ای خلق کننده آسمانها و زمین

یا الهی و سیدی صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل

ای خدای من و آقای من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد و اولاد

محمد و بارک علی محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت و

محمد را و مبارک کن بر محمد و آل محمد همچنان که رحمت کردی و مبارک کردی و

ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و ارحم

رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده بزرگواری و رحم کن

ذلی و فاقتی و فقری و انفرادی و وحدتی و خضوعی بین

خواری مرا و احتیاج مرا و درویشی مرا و تنهایی مرا و فروتنی مرا پیش

یدیک و اعتمادی علیک و تضرعی الیک ادعوک دعاء الخاضع

نزد تو و اعتماد مرا بر تو و زاری مرا میخوانم ترا خواندن فروتنی کننده

الذلیل الخاشع الخائف المشفق البائس المهین الحقیر الجائع

خوار و ذلیل خشوع کننده ترسنده مهربان ناامید خوار و اندک گرسنه

الفقیر العائذ المستجیر المقر بذنبه المستغفر منه المستکین

ای پناه برنده و زنهار خواهنده اقرار کننده بگناه خود و آمرزش خواهنده از آن آرام گیرنده

لربه دعاء من اسلمته ثقته و رفضته احبته و عظمت

از برای خداوند خود دعای کسی که سالم کرده او را اعتماد او و انداخته او را دوستی او و بزرگ شده است

فجیعته دعاء حرق و حزین ضعیف مهین بائس مسکین بك

رزیه او خواندن سوخته اندوهگین ناتوان خوار با امید درویش بتست

مستجیر اللهم و اسألك بانك ملیك و انك ما تشاء من

پناه برنده خداوندا و سوال میکنم ترا بدرستی که تو پادشاهی و بدرستی که تو آنچه میخواهی از

امر یکن و انك علی ما تشاء قدیر و اسألك بحرمة هذا الشهر

کار میشود و بدرستی که تو بر آنچه میخواهی توانایی و سوال میکنم ترا بحرمت این ماه

الحرام و البیت الحرام و البلد الحرام و الرکن و المقام و المشاعر

با حرمت و خانه با حرمت و شهر با حرمت و رکن و مقام و مکانهای

العظام و بحق نبیك محمد علیه و آله السلام یا من وهب

بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او سلام ای آنکه بخشیده است

لآدم شیثا و لابراهیم اسمعیل و اسحق و یا من رد یوسف علی

مر آدم را شیث و مر ابراهیم را اسماعیل و اسحق را و ای آنکه رد کرده است یوسف را

یعقوب و یا من کشف بعد البلاء ضر ایوب یا راد موسی علی

یعقوب و ای آن کسی که برطرف کرده است بعد از بلا بلای ایوب را ای رد کننده موسی بر



امه و یا زائد الخضر فی علمه و یا من وهب لداود سلیمان

مادرش و ای زیاد کننده خضر در دانایی او و ای آنکه بخشیده مر داود را سلیمان

و لزکریا یحیی و لمریم عیسی یا حافظ بنت شعیب و یا کافل

و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاه دارنده دختر شعیب و ای کفایت کننده

ولد ام موسی اسألك ان تصلی علی محمد و آل محمد و

مادر موسی سوال میکنم ترا اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و

ان تغفر لی ذنوبی کلها و تجیرنی من عذابك و توجب لی

و اینکه بیامرزی از برای من گناهان مرا همه و پناه دهی مرا از عذاب خود و واجب کنی از برای من

رضوانك و امانك و احسانك و غفرانك و جنانك

خوشنودی خود و امان خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشت خود را

و اسألك ان تفك عنی کل حلقة ضیق بینی و بین من

و سوال میکنم ترا اینکه بگشایی از من همه حلقه تنگ میان من و میان آنکه

یؤذینی و تفتح لی کل باب و تلین لی کل صعب و

ایذا کند مرا و بگشایی از برای من همه باب و نرم کنی از برای من همه دشواری و

تسهل لی کل عسیر و تخرس عنی کل ناطق بشر و تکف عنی

آسان کنی از برای من همه دشواری را و گنگ گردانی از من هر گوینده را به بدی و باز داری از من

کل باغ و تکبت لی کل عدو لی و حاسد و تمنع منی کل

هر ستم کننده را و هلاک کنی از برای من هر دشمن مرا و حسد برنده را و منع کنی از من

ظالم و تکفینی کل عائق یحول بینی و بین ولدی و یحاول

ظالمی را و کفایت کنی مرا از هر مانعی که واسطه شود میان من و میان فرزند من و واسطه شود

ان یفرق بینی و بین طاعتک و یثبطنی عن عبادتک

با آنکه جدایی افکند میان من و میان فرمانبرداری تو و باز دارد مرا از عبادت کردن تو

یا من الجم الجن المتمردین و قهر عتاة الشیاطین و اذل

ای کسیکه لجام کرده شیاطین سرکشی کننده گان را و غلبه کرده است سرکشی شیاطین و خوار گرداند

رقاب المتجبرین و رد کید المتسلطین عن المستضعفین

گردنهای تکبر کننده گان را و رد کرده مکر مسلطین را از بیچاره گان

اسئلک بقدرتک علی ما تشاء و تسهیلک لما تشاء کیف

سؤال میکنم ترا بقدرت تو بر آنچه را که خواهی و آسان کردن تو مر آنچه را که خواهی بچه

تشاء ان تجعل قضاء حاجتی فیما تشاء پس بسجده برود و بخواند

خواهی میکنم که آسان کنی روا کردن حاجت مرا و طلب مرا در آنچه خواهی روی خود را بخاک بگذارد

و بگوید اللهم لک سجدت و بک امنت فارحم ذلی و فاقتی و اجتهادی

خداوندا از برای تو فروتنی کردم و بتو ایمان آوردم رحم کن خواری مرا و فقر مرا و اجتهاد مرا

و تضرعی و مسکنتی و فقری الیک یا رب پس حضرت فرمود

و زاری مرا و درویشی مرا و فقیری مرا بسوی تو ای پروردگار من که سعی کن که آب

از دیده ات جاری شود اگر چه بقدر سر مگسی بوده باشد که این علامت

اجابت دعا است و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده



واجتهادی
و اجتهاد مرا
ح

این دعا اللهم لک سجدت و بک امنت فارحم ذلی و خضوعی

بخوانند خداوندا از برای تو سجده کردم و بتو ایمان آوردم رحم کن خواری مرا و خضوع

بین یدیک و فقری و فاقتی الیک و ارحم انفرادی و

پیش تو و فقر من و احتیاج من بتو و رحم کن تنهایی مرا و

خشوعی و اجتهادی بین یدیک و توکلی علیک اللهم بک

خشوع مرا و اجتهاد مرا پیش تو و توکل مرا بر تو خداوندا بتو

استفتح و بک استنجح و بمحمد عبدک و رسولک و آله

فتح میکنم و بتو حاجت میکنم و بمحمد که بنده تست و پیغمبر تست و آل او

اتوجه الیک اللهم سهل لی کل حزن و ذلل لی کل

متوجه میشوم بسوی تو خداوندا آسان کن از برای من هر دشواری را و خوار کن از برای من هر

صعوبة و اعطنی من الخیر اکثر مما ارجو و عافنی من

دشواری را و بده بمن از نیکی بیش از آنکه امید دارم و نگاه دار مرا از

الشر و اصرف عنی السوء و در روایت دیگر وارد است که در سجده

شر و بر گردان از من بدی را بگوید یا قاضی حوائج السائلین

اقض حاجتی بلطفک یا خفی الالطاف ای برآورنده حاجتهای طلب کنندگان

برآور حاجت مرا بلطف خود ای مخفی کننده لطفها و در روایت معتبر

وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد که ای سید من

وای فای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت

فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه
باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را می آمرزد و دو هزار
که باشد اگر ایام بیض تمام ماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا
بخواند بنحوی که گذشت حاجتش بر آورده میشود و در روایت
دیگر وارد شده است که حضرت فرمود که در روز عرفه و هر روز از این
دعا بخواند حاجتش بر آورده میشود مؤلف گوید از این احادیث
ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض تمام ماه یعنی سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد در عظمت
فایض میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه
نیز بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرم که
ذیقعده و ذیحجه و محرم و ماه رجب است بیند عار الحانه و بجای بحرمة
هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا اولیند از ذهبتین شاء
فصل پنجم در بیان فضایل و اعمال نصف ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران
رحمة الله علیهم گفته اند که در روز هفدهم این ماه ابراهیم پسر رسول
خدا از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت
کردند مناسب است خصوصا عایشه علیها اللعنه و ابن عیاش که یکی
از محدثان شیعه است گفته است حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها در
روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نمود اگرچه خلاف مشهور است



اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه حضرت رسالت که عمده آنها
عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب است و زیارت آنحضرت
احتیاطا مناسب است بنحوی که مذکور خواهد شد و شیخ مفید گفته است
که در روز بیست و دوم این ماه معویه علیه اللعنة بجهنم واصل شده است
و مستحب است که آن روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست
و سیم این ماه خارجیان خنجر زهر آلوده بران مبارک حضرت امام حسن مجتبی
زدند زیارت آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است
و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بدست معجز نمای اسد الله الغالب
علی بن ابی طالب جاری شد و مرحب یهودی بدست آنحضرت کشته شد و گفته
اند که روزه این روز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است و شیخ
ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم در روز بیست و پنجم
ماه رجب واقع شده است و احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب روزه
اش وارد شده است و در روایت نقل کرده اند که از ابن بابویه و غیر آن که
حضرت رسول در روز بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف
مشهور و احادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد و اما فضیلت
روزه آن شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقول است که روزه اش
کفاره دویست سال گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا منقول است
که هر که بیست و پنجم رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هفتاد سال گرداند

کرده‌اند وایضاً از آنحضرت منقولست که هر که روز بیست و ششم ماه رجب را
روزه دارد حقتعالی روزه او را کفاره هشتاد ساله گناه گرداند و روز
بیست و هفتم این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و در روز بیست که حضرت رسول
درا بوده بر رسالت امت مبعوث گردید و جبرئیل بر پیغمبری برآنحضرت
نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست و بسند های معتبر از حضرت
امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم
از آنچه آفتاب بران میتابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح آن شب
حضرت رسول بر رسالت مبعوث شد و کسی که عبادت کند در این شب مثل اجر
شصت ساله عبادت خدا را وعطا میفرماید پرسیدند که عمل این شب چیست
فرمود که چون نماز خفتن کردی بخواب و هر وقت از شب که بیدار شوی خواه
پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیز و دوازده رکعت نماز بکن و
بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سوره‌های کوچک
بعد از آن یس بخوان و چون از همه فارغ شوی چنانکه نشسته سوره حمد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک هفت مرتبه پس این دعا را بخوان
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
سپاس مرخدایراست که نگرفته است فرزندی و نبوده مر او را انبازی در پادشاهی
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد

نماز شب مبعث

صاحبتره

و نبوده مر او را دوستی از خواری و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بمعاقد

عزک علی



عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک
عزت تو بر ارکان عرش تو و انتهای رحمت از کتاب تو و به اسم تو
الاعظم الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و
بزرگ بزرگ بزرگ و ذکر تو بلندت بلندت بلندت
بکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد و آله و ان تفعل
و به کلمات تامات تو همه اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه کنی بمن
بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی طلب که هر چه بطلبی مستجاب
بمن آنچه تو سزاوار آنی میشود مگر آنکه حرامی طلبی یا قطع رحمی یا هلاک
جمعی از مؤمنان را طلب کنی و [illegible] روزه بدارد که از برای تو حساب میشود
بروزه یکساله و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که در شب بیست
و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا می آوری و در
هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه هر یک از معوذتین و قل هو الله احد بخوان
و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو
لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول
نیست خدائی مگر خداوند و خدا بزرگتر است و سپاس مرخدایراست و پاکست خدا و نیست گردیدن
و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی طلب مؤلف
و نه قوتی مگر بخداوند بلند بزرگ گو بلی بهر یک از این دو روایت که
عمل کنند خوبست و اگر هر دو را بکنند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب

که بسند صحیح مذکور شد در این شب نیز بجا آورد و خوبست و در این
روایت وارد شده است که در این شب نیز بجا آورد و شیخ طوسی علیه الرحمه
گفته است که غسل در این شب مستحب است و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع
در این شب مناسب است و این دعا نیز وارد شده است که در این شب بخوانند
اللهم انی اسألك بالنحل الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم بخشش بزرگ در این شب از ماه
الکریم ان تصلی علی محمد و آله و ان تغفر لنا ما انت به منا اعلم
کرم اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی از برای ما آنچه تو بآن داناتری
یا من یعلم و لا یعلم اللهم بارك لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف
ای که میداند و تعلیم داده نشده خداوندا مبارک کن از برای ما در شب ما این شبی که بشرف
الرسالة فضلتها و بکرامتك اجللتها و بالمحل الشریف
رسالت تفضیل داده آن شب را و بکرامت بزرگ گردانیده او را و بمکان شریف
احللتها اللهم فانا نسألك بالمبعث الشریف و السید اللطیف
فرود آورده خداوندا پس بدرستی که ما سؤال میکنیم از مبعوث شریف و مهتر لطیف
و العنصر العفیف ان تصلی علی محمد و آله و ان تجعل اعمالنا
و عنصر پاک اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی اعمال ما
فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی مقبولة و ذنوبنا مغفورة
در این شب و در سایر شبها مقبول شده و گناهان ما آمرزیده شده

وحسناتنا



و حسناتنا مشکورة و سیئاتنا مستورة و قلوبنا بحسن القبول
و حسنات ما شکر کرده شده و گناهان ما پوشیده شده و دلهای ما بخوبی گرفتن
مسرورة و ارزاقنا من لدنك بالیسر مدرورة اللهم انك تری
شاد شده و روزیهای ما از نزد تو بآسانی فرو آمده شده خداوندا بدرستی که تو میبینی
و لا تری و انت بالمنظر الاعلی و ان الیك الرجعی و المنتهی
و دیده نمیشوی و تو به منظر اعلی و بدرستی که بسوی تست بازگشت و منتهی شدن
و ان لك الممات و المحیا و ان لك الآخرة و الاولی اللهم
و بدرستی که بسوی تست مردن و زنده شدن و بدرستی که مر تراست آخرت و اولی خداوندا
انا نعوذ بك ان نذل و نخزی و ان نأتی ما عنه تنهی اللهم
ما پناه میبریم بتو از اینکه خوار شویم و رسوا شویم و از اینکه بکنیم آنچه از او نهی کرده خداوندا
انا نسألك الجنة برحمتك و نستعیذ بك من النار فاعذنا
بدرستی که ما سؤال میکنیم از تو بهشت برحمت تو و پناه میجوییم بتو از آتش پس پناه ده ما را
منها بقدرتك و نسألك من الحور العین فارزقنا بعزتك
از آن آتش بقدرت تو و میخواهیم از حور العین پس روزی کن ما را بعزت خود
و اجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سننا و احسن اعمالنا عند
و بگردان وسیع ترین روزی ما را نزد پیری سن ما و خوبترین اعمال ما را نزد
اقتراب آجالنا و اطل فی طاعتك و ما یقرب الیك و یحظی
نزدیک اجلها و دراز کن اندر فرمان برداری تو و آنچه نزدیک میشود بتو و بهره مند

عِندَكَ وَيُزلِفُ لَدَيكَ اَعمالَنا وَاحسِن في جَميعِ اَحوالِنا وَاُمورِنا

نزد تو و نزدیک میکند نزد خود عملهای ما را و نیکو کن اندر جمیع احوال ما و امور ما

مَعرِفَتِنا وَلا تَكِلنا اِلى اَحَدٍ مِن خَلقِكَ فَيَمُنَّ عَلَينا بِجَميعِ حَوائِجِنا

شناخت ما را و وامگذار ما را بسوی یکی از خلق تو که منت نهد بر ما بجمیع حاجتهای ما

لِلدُّنيا وَالآخِرَةِ وَابدَأ بِآبائِنا وَاَبنائِنا وَجَميعِ اِخوانِنا المُؤمِنينَ

از دنیا و آخرت و ابتدا کن به پدران ما و پسران ما و جمیع برادران ما که گرویدگان

فى جَميعِ ما سَئَلناكَ لِاَنفُسِنا يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ اِنّا

در جمیع آنچه خواستیم از تو برای نفسهای ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا که ما

نَسئَلُكَ بِاسمِكَ العَظيمِ وَمُلكِكَ القَديمِ اَن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ

سوال میکنیم ترا بنام بزرگ و پادشاهی دایم اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَغفِرَ لَنَا الذَّنبَ العَظيمَ اِنَّهُ لا يَغفِرُ العَظيمَ

و آل محمد و اینکه بیامرزی از برای ما گناهان بزرگ را بدرستی که نمی آمرزد گناه بزرگ

اِلّا العَظيمُ اَللّٰهُمَّ وَهٰذا رَجَبُ المُكَرَّمُ الَّذي اَكرَمتَنا بِهِ اَوَّلَ

مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب است گرامی داشته شده که گرامی داشتی ما را

اَشهُرِ الحُرُمِ اَكرَمتَنا بِهِ مِن بَينِ الاُمَمِ فَلَكَ الحَمدُ يا ذَا الجُودِ وَالكَرَمِ

ماههای حرام گرامی داشته ما را بآن از میان امتها پس ترا است سپاس و ستایش ای صاحب بخشش

فَاَسئَلُكَ بِهِ وَبِاسمِكَ الاَعظَمِ الاَعظَمِ الاَجَلِّ الاَكرَمِ

پس سوال میکنم ترا بآن و بنام تو بزرگ بزرگ بزرگ بخشنده چنان

فتفضل علينا بجميع

الذي خلقته



الَّذي خَلَقتَهُ فَاستَقَرَّ في ظِلِّكَ فَلا يَخرُجُ مِنكَ اِلى غَيرِكَ

که خلق کرده او را پس قرار داده در سایه خود پس بیرون نمیرود از تو بسوی غیر تو

اَن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهلِ بَيتِهِ الطّاهِرينَ وَاَن تَجعَلَنا مِنَ

اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او که پاکانند و اینکه گردانی ما را از

العامِلينَ فيهِ بِطاعَتِكَ وَالآمِلينَ بِشَفاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ

کار کنندگان در این رجب بطاعت تو و امید دارندگان شفاعت تو خداوندا

اِهدِنا اِلى سَواءِ السَّبيلِ وَاجعَل مَقيلَنا عِندَكَ خَيرَ مَقيلٍ

راه نما ما را بسوی راه مستوی و راست و بگردان برگشتن ما نزد خود بهترین برگشتنها

في ظِلٍّ ظَليلٍ وَمُلكٍ جَزيلٍ فَاِنَّكَ حَسبُنا وَنِعمَ الوَكيلُ اَللّٰهُمَّ

اندر سایه خود و پادشاهی بزرگ پس بدرستی که تویی ما را خوب وکیلی خداوندا

اَقلِبنا مُفلِحينَ مُنجِحينَ غَيرَ مَغضُوبٍ عَلَينا وَلا ضالّينَ بِرَحمَتِكَ

برگردان ما را رستگار رستگار غیر آنکه غضب کرده شود بر ما و نه گمراه شوند کان برحمت خود

يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِعَزائِمِ مَغفِرَتِكَ

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بواجب بودن آمرزش تو

وَبِواجِبِ رَحمَتِكَ السَّلامَةَ مِن كُلِّ اِثمٍ وَالغَنيمَةَ مِن كُلِّ بِرٍّ

و بواجب رحمت خود و سالم بودن از هر گناهی و غنیمت بودن از هر نیکی

وَالفَوزَ بِالجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ

و رسیدن به بهشت و نجات از آتش خداوندا خوانده اند ترا خوانندگان

والدعاء
و دعا

دعوتك وسئلك السائلون وسألتك وطلب اليك
و میخوانم ترا و سوال کرده‌اند ترا سوال کنندگان و سوال میکنم ترا و طلب کرده‌اند بسوی تو
الطالبون وطلبت اليك اللهم انت الثقة والرجاء و
طلب کنندگان و طلب میکنم بسوی تو خداوندا تو معتمد منی و امید منی و
اليك منتهى الرغبة اللهم فصل على محمد وآل محمد واجعل
بسوی تست انتهای رغبت خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد و بگردان
اليقين في قلبي والنور في بصري والنصيحة في صدري
یقین را در دل من و روشنایی در چشم من و نصیحت در سینه من
وذكرك في الليل والنهار على لساني ورزقا واسعا غير
و یاد کردن ترا اندر شب و روز بر زبان من و روزی واسع بدون
ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل
منت و نه حرام پس روزی بده و مبارک گردان برای من در آنچه روزی دادی
غناي في نفسي ورغبتي فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين
بی نیازی مرا اندر نفس من و رغبت کردن مرا در آنچه نزد تست برحمت تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
پس بسجده رود الحمد لله الذي هدانا لمعرفته وخصنا بولايته
برود و بگوید سپاس مر خدای راست که راه نمود ما را بشناختن خود و مخصوص گردانید ما را بدوستی خود
ووفقنا لطاعته شكرا شكرا صد مرتبه پس اللهم
و توفیق داد ما را بطاعت خود بگوید شکر شکر از سجده بر دارد و بگوید خداوندا من



اعمال روز مبعث

قصدتك بحاجتي واعتمدت عليك بمسألتي وتوجهت
قصد کردم ترا به حاجت خود و اعتماد کردم من بر تو بسوال کردن من و متوجه شده‌ام
اليك بائمتي وسادتي اللهم انفعنا بحبهم واوردنا
بسوی تو به امامان و پیشوایان من خداوندا نفع بخش ما را بدوستی ایشان و وارد ساز ما را
موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة في زمرتهم
بمورد ایشان و روزی کن ما را رفیق بودن با ایشان و داخل کن ما را بهشت در زمره ایشان
برحمتك يا ارحم الراحمين و در روز بیست و هفتم غسل
برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان سنت است و در روزه اش
فضیلت بسیار دارد و بسندهای معتبره از حضرت صادق منقولست
که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت
سال و ایضا منقولست که حسین بن راشد از حضرت صادق سوال کرد
که آیا غیر عیدها مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی اشرف
و افضل همه روزیست که حضرت رسول برسالت مبعوث
گردیده است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید روزه بدارد
و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و زیارت حضرت
رسول حضرت امیر المؤمنین در این روز منقولست و نماز این
روز بطریق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته‌اند که پیش
از زوال باید کرد و اکثر احادیث ظاهر میشود که در هر وقت

دو روز بکند خوبست ولیلة معتبر از ریان بن الصلت منقولست که چون
حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب
و روز بیست هفتم روزه داشتن و جمیع ملازمان و اصحاب خود را
امر فرمودند این دو روز را روزه بدارند و بعد از آن دوازده رکعت
نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و هر رکعتی را یک حمد
و هر سوره که خواهد بخواند و چون از همه فارغ شود سورهٔ حمد و
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر
یک را چهار مرتبه بخواند لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله
نیست خدائی که مستحق پرستش باشد بجز خدا و خدا بزرگترست و منزهست خدا
ند پس چهار مرتبه بگوید
و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس هفت
و ستایش مر خدا راست و نیست گردیدنی و نه قوتی مگر بخدای برتر بزرگ مرتبه بگوید
الله الله ربی لا اشرک به شیئا ولیسند دیگر از حضرت صاحب الامر
الله الله پروردگار منست شریک نمیگیرم بآن چیزی منقولست که در این روز دوازده
رکعت نماز بجا می آوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود
میخوانی و بعد از هر دو رکعت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم
سلام میگویی و این دعا میخوانی ستایش مر خدا راست که فرا نگرفت فرزندی و نبود
یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
و نیست مر او را انبازی در پادشاهی و نباشد مر او را دوستی از خواری و بزرگ دان او را بزرگ کردنی

نماز شب معین

یا عدتی



یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی و یا غیاثی
ای بخشاینده من در مدت من ای صاحب من در سختی من ای صاحب من در نعمت من ای فریادرس من
فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی
در رغبت من ای کارساز من در حاجت من ای نگاه دارنده من در تنهایی من ای مونس من
یا انیسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل
ای مونس من در وحشت من تو پوشاننده عورت منی پس مر تراست ستایش و تویی برگردانندهٔ
عثرتی فلک الحمد و انت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی
لغزش من پس مر تراست ستایش و تویی نگهدارنده در وقت افتادن پس مر تراست ستایش رحمت کن
محمد و آل محمد و استر عورتی و آمن روعتی و اقلنی عثرتی
بر محمد و آل محمد و بپوشان عورت مرا و ایمن گردان ترس مرا و برگردان لغزش مرا
و اصفح عن جرمی و تجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد
و درگذر از گناه من و درگذر از بدیهای من اندر زمره یاران بهشت وعده
الصدق الذی کانوا یوعدون و چون از نماز فارغ شوی
راست آنچنان وعده که بوده اند وعده کرده سورهٔ حمد و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی لا اله الا الله و الله
هر یکی هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میگویی نیست الهی که مستحق پرستش
اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله پس هفت

نماز شب معین

و نیست ... و ستایش مر خدا را و نیست گردیدنی و نه قوه مگر بخدا

مرتبه الله الله ربي ولا اشرك به شيئاً پس انچه از خدا خواهی

میکوئی خدا را بر دو و کار و سرگشت میکنم و چیزی بطلب وبسیند معتبر

دیگر از حضرت موسی بن جعفر منقولست این دعا را در دو رجب

بخوا یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن نفسه العفو والتجا

وز ای انکه امر کرده است بخشیدن و گذشتن و ضامن است ذات بخشیدن و گذشتن

یا من عفى وتجاوز اعف عني وتجاوز یا کریم اللهم وقد اکدى الطلب

ای کسی که بخشیده و گذشته در گذر از من و بگذر ای بخشنده خداوندا و حال انکه کم طلب

واعیت الحیلة والمذهب ودرست الآمال وانقطع الرجاء

بسته شده است چاره و راهها و کهنه شده است امیدها و منقطع شده است امید

الا منك وحدك لا شریك لك اللهم انی اجد سبل المطالب

مگر از تو یکتا که نیست شریکی مر ترا خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها

الیك مشرعة ومناهل الرجاء لدیك مترعة وابواب الدعاء

نزد تو باز است و سیراب شدن امید نزد تو پر است و درهای دعا

لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة واعلم

از برای کسی که ترا خواند گشاده است یاری طلبیدن از برای کسی که یاری جوید بتو مباح است و میدانم

انك لداعیك بموضع اجابة وللصارخ الیك بمرصد اغاثة

بدرستیکه تو از برای خوانندۀ خود در مکان اجابت از برای فریاد کردن بسوی تو بمکان فریاد رسیدن

وان فی اللهف الی جودك والضمان بعدتك عوضاً من منع

که فریادخواهش بسوی بخشش تو و ضامن شدن بخشیدن تو از جهة عوض بودن از منع بخیلان

الباخلین



الباخلین ومندوحة عما فی ایدی المستأثرین وانك لا تحتجب

بخیلان وفراخی است از انچه در دست جمع کنندگان است و بدرستیکه تو پوشیده

عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال دونك وقد علمت ان

از خلق خود مگر اینکه حاجب میشود ایشان را عملها نزد تو و بتحقیق دانستم بدرستیکه

افضل زاد الراحل الیك عزم ارادة وقد ناجاك بعزم

که بهترین توشه سفر کننده بسوی تو جزم کردن قصد است و بتحقیق که راز گفته است بجزم

الارادة قلبی فاسألك بكل دعوة دعاك بها راج بلغته

قصد دل من پس سوال میکنم بهر خواندنی که خوانده ترا بان امیدوار که رسانیدهٔ

امله او صارخ الیك اغثت صرخته او ملهوف مكروب

بامید او و یا فریاد کننده بسوی تو فریاد رسیدی تو فریاد او را مضطرب و بیچاره که گرفتار

فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له او معافى

گشاده است از دل او و یا گناه کننده خطاکننده که آمرزیدی او را عفو کرده شده

اتممت نعمتك علیه او فقیر اهدیت غناك الیه ولتلك

که تمام کردی نعمت خود را بروی یا فقیری که داده شودی تو و بی نیازی خود را بسوی او و برای

الدعوة علیك حق وعندك منزلة الا صلیت علی محمد وآله

خواندنها بر تو سزاوار است و نزد تو منزلتست مگر اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وقضیت حوائجی الدنیا والآخرة وهذا رجب المرجب المكرم

و روا کردی حاجتهای دنیا و آخرت و این ماه رجب المرجب گرامی شده است

الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم واكرمتنا به من بين الامم
آنچنان گرامي داشته مارا بدان كه اول ماههاي حرمت وگرامي داشته مارا بان در ميان امتها
يا ذا الجود والكرم فأسئلك به وباسمك الاعظم الاعظم
اي صاحب بخشش وكرم پس سوال ميكنم ترا بحق او وبنام بزرگ بزرگ
الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك
بزرگ گرامي گرامي آنچنان نامي كه خلق كرده او را پس جا داده در سايه خود
فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته
پس نه بيرون ميرود از تو بسوي غير تو اينكه رحمت فرستي بر محمد واهل خانه او
الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والاملين
پاكان وبگرداني مارا از كاركنندگان در آن بطاعت تو واميدواران
فيه بشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل واجعل
در آن بشفاعت خود خدايا وراه نمائي كن مارا بسوي راه راست وبگردان
مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل فانك حسبنا ونعم الوكيل
جاي ما نزد خود بهترين جاها در سايه خود پس تو بسي ما را وخوب وكيلي
والسلام على عباده المصطفين وصلواته عليهم اجمعين
ودرود بر بندگان خدا باد كه برگزيده شده ورحمت خدا بر ايشان باد بر همه ايشان
اللهم وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وبكرامتك
خداوندا ومبارك گردان براي ما در اين روز آنچنان روزي كه زيادتي داده به كرم خود

جللته

جللته وبالمنزل العظيم منك انزلته وصل على من فيه
بزرگ گردانيده وبمنزل بزرگ از تو فرستاده او را ورحمت فرست بر كسي كه در آن
الى عبادك ارسلته وبالمحل الكريم احللته اللهم
بسوي بندگان فرستاده او را وبمكان گرامي فرود آورده خداوندا
صل عليه صلوة دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا و
رحمت فرست بر او رحمتي كه هميشه ميباشد براي تو شكر وبراي ما ذخيره و
اجعل لنا من امرنا يسرا واختم لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا
بگردان مارا از كار ما آسان وختم كن براي ما نيكبختي تا انتهاي عمر ما
وقد قبلت اليسير من اعمالنا وبلغنا برحمتك افضل آمالنا
وحال آنكه قبول كننده اندكي از عملهاي ما ورسان مارا برحمت خود به زيادتي اميدها
انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم
بدرستيكه تو بر همه چيز توانائي ورحمت خدا بر پيغمبر ما محمد وآل او وسلام
وبسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است كه هر كه بيست ونهم رجب روزه بدارد
كفاره نود سال گناه او باشد وهر كه روز بيست وهفتم روزه بدارد
كفاره صد ساله گناه او باشد وهر كه روز بيست ام اينماه را روزه دارد
حقتعالى گناهان گذشته وآينده او بيامرزد ودر روز آخر نماز سلمان
سنت است بنحوي كه در اول مذكور شد واگر احتمال نقصان ماه باشد
در روز بيست ونهم نيز احتياطا بكند ودر كتب دعوات از براي شب

شب یکماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون سند معتبر بنظر نرسیده
نخواستیم ایراد نمائیم و چون بسیار مشهور است ایراد مینمائیم بر سبیل
اجمال و اگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست
شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون
و سه مرتبه توحید یعنی قل هو الله شب دویم ده رکعت بعد از حمد
قل یا ایها الکافرون یکمرتبه شب سیم ده رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره
اذا جاء نصر الله شب چهارم صد رکعت در هر رکعت در اول بعد از حمد قل
اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس شب پنجم
شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید
شب ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة
الکرسی شب هفتم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید
و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده
مرتبه تسبیحات اربع شب هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک
حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه شب نهم دو رکعت بعد از حمد
پنج مرتبه الهکم التکاثر شب دهم دوازده رکعت بعد از مغرب در هر رکعت بعد از
حمد سه مرتبه توحید شب یازدهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد
دوازده مرتبه آیة الکرسی شب دوازدهم دو رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول
ده مرتبه شب سیزدهم ده رکعت در هر دو رکعت در دو رکعت اول بعد از حمد

نماز های شبهای ماه رجب

سوره والعادیات



سوره والعادیات و در دویم سوره الهکم التکاثر شب چهاردهم
سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و آیه قل انما انا بشر
تا آخر شب پانزدهم و شانزدهم و هفدهم سی رکعت بعد از حمد ده مرتبه
سوره توحید در هر رکعت بجا آید شب هجدهم دو رکعت در هر رکعت
بعد از حمد سوره توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه شب نوزدهم
چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید و آیة
الکرسی شب بیستم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه انا انزلناه
شب بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره انا اعطیناک
الکوثر و ده مرتبه توحید شب بیست و دویم هشت رکعت در هر رکعت
یکمرتبه سوره حمد و هفت مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن
ده صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار شب بیست و سیم دو رکعت
در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره والضحی شب بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت
بعد از حمد آیه امن الرسول و سوره توحید یکمرتبه شب بیست و پنجم بیست رکعت
در میان نماز شام و خفتن دو رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول و سوره توحید
یکمرتبه شب بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه
توحید شب بیست و هفتم و بیست و هشتم و شب بیست و نهم دوازده رکعت در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد از
اتمام صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار شب سی ام

ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید و در هر یک از این
نمازها ثواب بسیار مذکور است بنابر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم
و جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی
که طولی دارد در میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید بعد از
دخول وقت خفتن واقع شود و کردنش خالی از اشکال نیست لهذا نماز
مشهور شرعیات را در این رساله ایراد نمودم با آنکه از طریق عامه نقل شده است
و معتبر نیست **باب دویم** در بیان فضایل ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی
و در آن نیز پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت این ماه است
و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب است و منسوبست
**بحضرت** سید انبیاء صلی الله علیه و آله چنانچه منقولست از حضرت صادق
که چون حضرت رسول ماه شعبان را مشاهده مینمودند امر میفرمودند
ندا کننده را که در میان مردم ندا کند که ای اهل مدینه من رسولم از
جانب خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت
کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس **حضرت** امیر المؤمنین فرمود
که از روزی که منادی آنحضرت را شنیدم روزه شعبان از من ترک نکردم
و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان
و ماه رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان **و ایضا**
از ام سلمه منقولست که **حضرت** رسول هیچ ماهرا تمام روزه نمیداشت



مگر روزه شعبان که او را وصل میکرد بماه رمضان **ایضا** منقولست
که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزهای سنت
افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان
و از حضرت امام محمد باقر منقولست که **آنحضرت** روزه شعبان را
روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو
ماه خدا است و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است
**و ایضا** از حضرت باقر منقولست که هر که ماه شعبانرا روزه بدارد
او را پاک گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و قسمهای گناه
در وقت غضب **حضرت** رسالت پناه منقولست که ماه شعبان
ماهیست شریف و آن ماه منست و حاملان عرش الهی او را تعظیم
می نمایند و حق حرمت او را میشناسند و آن ماهی است که زیاده
میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت
میکنند در آن بهشتها را و از آن شعبان نام کرده اند برای آنکه
منشعب و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در این ماه
مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد
و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند
جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان
این ماه پس مباهات بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه

هر روز این ماه انقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است
و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که روزه شعبان ذخیره
بنده است از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه
بسیار بگیرد البته امر معیشة او را باصلاح آورد و کفایت کند
شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که روزه دار روزی از شعبان میبرد
آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسند معتبر از آنحضرت منقولست
که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست
پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت
و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته و آینده او آمر
زیده گردد و هر که سه روز از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل
از سر گیر یعنی هیچ گناهی نداری و بسند عالی از حضرت امام رضا
منقولست که هر که یکروز شعبان از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت
شود و هر که در یکروز از شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت
در زمره حضرت رسول محشور شود و گرامی داشتن خدا او را واجب
گردد و هر که در شعبان تصدق بکند اگرچه بنصف دانه خرما باشد
خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز از آخر شعبان
روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه
متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامة بن زید





که کدام ماه را رسول زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفتند
گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافلند و آن ماهیست
که مردم در آن ماه امرزیده میشوند و عملها بسوی خدا بالا میرود
و دوست میدارم که عمل من بالا رود در وقتی که روزه باشم
روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزه رجب
فرمود چرا غافلید از روزه شعبان یعنی افضل است از آن و چنانچه
روایت کرده است و ایضا از حضرت خیر البشر فرمود که شعبان
ماه منست هر که از ماه من یکروز روزه دارد بهشت او را واجب شود
هر که دو روز روزه دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان
باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان توبه
او قبول باشد از هر گناه کوچکی و بزرگی هر چند داخل خون حرام
شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت
کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه بدارد بهشت او را واجب
میشود و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضا بسند بسیار معتبر
از حضرت صادق روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد
حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع میکرد و میفرمود
که ای گروه اصحاب من میدانید که این چه ماهیست این ماه شعبانست
حضرت رسول میفرمودند که شعبان ماه منست پس روزه بدارید درین

ماه برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بجوان
خداوندی که جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم
که شنیدم از پدر خود حسین بن علی که گفت شنیدم از امیر المؤمنین
که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت رسول خدا و از برای تقرب
بخدا دوست دارد خدا او را و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت
و بهشت را برای او واجب گرداند وایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت
کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است و ماه رمضان
ماه خدا است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در قیامت
و هر که روزه بدارد ماه خدا را حقتعالی مونس او گردد در وحشت قبر او و تنهائی
و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را بدست راست
او دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را نزد
عرش الهی حاضر سازند پس حقتعالی او را ندا کند که ای بنده من او میگوید لبیک
ای خداوند من پس خدا گوید که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من
پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بنده مرا ببرید بنزد
پیغمبر من پس بیاورند او را بنزد من بگویم ماه مرا روزه داشتی او
بگوید بلی من بگویم باو که شفاعت تو میکنم پس حقتعالی فرماید که از حق
خود را بر بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من از فضل
عوض باو بدهم که او راضی شود پس من دست او بگیرم و بیاورم بنزد





صراط پس صراط لغزنده است و میلرزد پای گناهکاران بر آن بند
نمیشود پس دست او را بگیرم ملکی که بر آن موکلست بر صراط گوید
کیست این مرد من گویم این فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا
روزه گرفته است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته
است از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا
تا آنکه او را بدر بهشت برسانم پس رضوان گوید که امر فرمود حق تعالی
که در را برای امت تو بگشایم و او را داخل بهشت کنم پس حضرت
امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع
شما گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب
سلسبیل بهشت فصل دوم در بیان اعمال هر روز ماه شعبان بسند معتبر

اعمال هر روز ماه شعبان

از حضرت امام رضا منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار
کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستاره های آسمان باشد
و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق منقولست که حضرت
رسول فرمود که شعبان ماه منست پس در این ماه بسیار بفرستید
صلوات بر من و بر آل من و شعبان ماه شفاعت میگویند زیرا که
پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات بر او و بر آل
او بفرستد و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در ماه
شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند

هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار
کرده باشد پس دیدی بپرسید چگونه بگوییم فرمود که استغفر الله و
اسئله التوبة بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که در هر روز
ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واسئله التوبة بنویسد
حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل
بهشت کند او را بسند معتبر منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان
هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم
الحی القیوم واتوب الیه حق تعالی روح او را در افق مبین جا دهد و آن شهری
وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن
نهرهاست بعدد ستارهای آسمان و در بعضی از روایت الحی القیوم
پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست بسند معتبر منقولست که حضرت
امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن
این صلوات اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة
را میخواند خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد که درخت نبوت اند و مکان رسالتند
ومختلف الملائکة ومعدن العلم واهل بیت الوحی اللهم صل علی
و محل فرود آمدن فرشتگان و مکان علم اند و اهل خانه وحی اند خداوندا رحمت فرست بر
محمد و آل محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یامن من رکبها ویغرق
محمد و آل محمد که کشتی جاری کننده در دریای فرو رونده اند ایمن گردید کسی که سوار شد او را



من ترکها المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق
که گذاشت او را پیشی گیرنده از ایشان بیرون رونده از دین و پس مانده از ایشان باطل و هالک و ملازم ایشان ملحق
اللهم صل علی محمد و آل محمد الکهف الحصین وغیاث المضطر
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پناه مستحکم و فریادرس بیچاره
المستکین وملجأ الهاربین ومنجی الخائفین وعصمة المعتصمین
درمانده گریزندگان و پناه دهنده ترسندگان و نجات گریزندگان و پناه دهنده چنگ زنندگان
اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضی ولحق
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمت بسیار پاکیزه باشد برای ایشان خوشنودی
و آل محمد اداء وقضاء بحول منک وقوة یا رب العالمین اللهم
و آل محمد ادا و قضا بحول و قوت از تو ای پروردگار عالمیان خداوندا
صل علی محمد و آل محمد الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت
رحمت فرست بر محمد و آل محمد که خوبانند نیکانند برگزیدگانند آنها که واجب گردانیدی
حقوقهم وفرضت طاعتهم وولایتهم اللهم صل علی محمد و آل محمد
حقهای ایشان و فرض کرده فرمانبرداری ایشان را خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد
واعمر قلبی بطاعتک ولا تخزنی بمعصیتک وارزقنی مواساة من
و آباد گردان دل مرا بفرمانبرداری خود و رسوا مکن مرا بسبب معصیت و روزی کن مرا مواسات کردن
قترت علیه من رزقک بما وسعت علی من فضلک ونشرت علی
تنگ کرده بر او از روزی خود بانچه وسعت داده بر من از فضل خود و پراکنده کرده

من عدلك واحيني تحت ظلك وهذا شهر نبيك سيد رسلك

از عدالت تو و زنده گردان مرا در زیر سایه خود و این ماه پیغمبر تو بهترین رسولان تو

صلواتك عليه واله شعبان الذي حففته منك بالرحمة و

رحمت تو بر او و آل او شعبان آنچنانی که در پیچیده از تو برحمت و

الرضوان الذي كان رسول الله صلى الله عليه واله يدأب في

خشنودی آنچنان بود رسول خدا صلی الله علیه و آله او عادت

صيامه وقيامه في لياليه وايامه بخوعا لك في اكرامه واعظامه

روزه داشتن و ایستادن در شبهای آن و روزهای آن از جهة اقرار کردن و بزرگ کردن

الى محل حمامه اللهم فاعنا على الاستنان بسنته فيه ونيل الشفاعة

بسوی مکان مرگ او خداوندا پس اعانت کن بر ما طریقها به طریق او و رسیدن شفاعت

لديه اللهم فاجعله لي شفيعا مشفعا وطريقا اليك مهيعا و

نزد او خداوندا پس بگردان او را از برای من شفاعت کرده شده و راهی بسوی خود

اجعلني له متبعا حتى القاك يوم القيمة عني راضيا وعن ذنوبي

و بگردان مرا از برای او تابع تا ملاقات کنم ترا روز قیامت از من راضی شونده از گناهان من

غاضيا قد اوجبت لي منك الرحمة والرضوان وانزلتني دار القرار

پوشاننده بتحقیق که واجب گردانیده از برای من از خود رحمتی و خوشنودی و فرود آورده مرا محل قرار

ومحل الاخيار و سید ابن طاوس بسند معتبر از ابن خالويه روايت كرده است

كه اين مناجات حضرت امير المؤمنين و امامان از فرزندان او ست كه مدام



شعبان اللهم صل على محمد وال محمد واسمع دعائي اذا دعوتك

میخوانده اند خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بشنو خواندن مرا چون بخوانم ترا

واسمع ندائي اذا ناديتك واقبل علي اذا ناجيتك فقد هربت

و بشنو ندای مرا چون ندا کنم ترا و اقبال کن بسوی من وقتی که مناجات کنم ترا پس بتحقیق گریختم

اليك ووقفت بين يديك مستكينا لك متضرعا اليك راجيا

بسوی تو و باستادم پیش روی تو از بیچارگی از تو زاری کننده بسوی تو امید دارنده

لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري

از آنچه نزد تست ثواب من و میدانی آنچه در نفس منست و خبری تو حاجت مرا و میشناسی دل مرا

ولا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي وما اريد ان ابدئ به من

و پوشیده نیست بر تو امر بازگشت مرا و ماوای مرا و آنچه اراده دارم که ابتدا کنم بآن از

منطقي واتفوه به من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك

نطق خود و گفتن بآن از طلبهای من و امید دارم مر عاقبت خود را و حال آنکه جاری شده است

علي يا سيدي فيما يكون مني الى اخر عمري من سريرتي وعلانيتي

بر من ای آقای من در آنچه میباشد از من تا آخر عمر من از پنهانیهای من و آشکار

وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان حرمتني

و بدست تست نه بدست غیر تو زیادتی من و نقصان من و نفع من و ضرر من ای خدای من اگر

فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني

پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار کنی پس کیست که یاری کند مرا

الهى اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك الهى ان كنت غير

خدایا من پناه میبرم بتو از غضب تو و فرود آمدن عذاب تو خدایا من اگر بودم غیر

مستاهل لرحمتك فانت اهل ان تجود على بفضل سعتك الهى

مستوجب مر رحمت ترا پس تو سزاواری باینکه بخشش کنی بر من بفضل زیادتی وسعت خود خدایا

كانى بنفسى واقفة بين يديك وقد اظلها حسن توكلى عليك

گویا که من بنفس خود ایستاده ام پیش روی تو و حال آنکه سایه کند بر من خوبی توکل من بر تو

فقلت ما انت اهله وتغمدتنى بعفوك الهى ان عفوت فمن اولى

پس گفتم چیزی که سزاوار آنی و پوشانیدی مرا بعفو خود خدایا من اگر در گذری تو پس کیست اولی

منك بذلك وان كان قد دنى اجلى ولم يدننى منك عملى فقد

از تو بدین عفو و اگر بود بتحقیق که نزدیک شده موت من و نزدیک نشده از تو عمل من پس بتحقیق

جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتى الهى قد جرت على نفسى

گردانیدم اقرار بگناه را بسوی تو وسیله نجات خود خدایا بتحقیق جرأت کردم بر نفس خود

فى النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهى لم يزل برك على ايام

در نگاه کردن مر او را در ایام زندگانی پس اگر نیامرزی مر خدایا همیشه زایل نشود نیکویی تو بر من ایام

حيوتى فلا تقطع برك عنى فى مماتى الهى كيف ايس من حسن نظرك لى بعد

حیات من پس قطع مکن نیکویی خود را از من بعد از مردن من خدایا من چگونه نومید شوم از خوبی رحمت تو برای

مماتى وانت لم تولنى الا الجميل فى حيوتى الهى تول عن امرى ما انت اهله

بعد از مردن من و تو اگر کنی مگر خوبی را اندر زندگانی من خدایا من متولی شو از امر من آنچه تو سزاواری



وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله الهى قد سترت على ذنوبا

و بخشش بفضل خود بر من گناه کاری که فرو گرفته او را نادانی خدایا من بتحقیق پوشیدی بر من گناهان را

فى الدنيا وانا احوج الى سترها على منك فى الاخرى الهى

اندر دنیا و من محتاج ترم بسوی پوشیدن گناهان بر من از تو در آخرت خدایا من

قد احسنت الى اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين

بتحقیق که احسان کرده بمن زیرا که ظاهر نکردی گناهان را از برای احدی از بندگان صالحان

فلا تفضحنى يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهى جودك بسط

پس رسوا مکن مرا روز قیامت بر سرهای اشهاد خدایا من بخشش تو پهن کرده است

املى وعفوك افضل من عملى الهى فسرنى بلقائك يوم تقضى

امید مرا و درگذشتن تو بهتر از عمل من خدایا من پس شاد کن مرا بملاقات خود در روزی که حکم

فيه بين عبادك الهى اعتذارى اليك اعتذار من لم يستغن

کنی در آن روز میان بندگان خود خدایا عذر من بسوی تو عذر گفتن کسی که مستغنی نیست

عن قبول عذره فاقبل عذرى يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون

از قبول کردن عذر او پس بپذیر عذر مرا ای کریم تر کسی که عذر گویند بسوی او بدکاران

الهى لا ترد حاجتى ولا تخيب طمعى ولا تقطع منك رجائى واملى

خدایا من رد مکن حاجت مرا و ناامید مکن طمع مرا و قطع مکن از خود امید مرا و آرزوی مرا

الهى لو اردت هوانى لم تهدنى ولو اردت فضيحتى لم تعافنى الهى

خدایا من اگر اراده کنی تو خواری مرا هدایت مکن مرا و اگر اراده کنی تو رسوایی مرا عقوبت مکن مرا خدایا

ما أظنك تردني في حاجة قد أفنيت عمري في طلبها منك إلهي

گمان نمی‌کنم ترا که رد کنی مرا در حاجتی که فانی کردم عمر خود در طلب کردن از تو ای خدای من

فلك الحمد أبداً أبداً دائماً سرمداً يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى

پس مر تراست سپاس همیشه دایم و جاوید زیاده میشود و نقصان نمیشود همچنان که دوست داری

إلهي إن أخذتني بجرمي أخذتك بعفوك وإن أخذتني بذنوبي

ای خدای من اگر بگیری مرا بگناه من بگیرم ترا بعفو تو و اگر بگیری مرا بگناهان من

أخذتك بمغفرتك وإن أدخلتني النار أعلمت أهلها أني أحبك

بگیرم ترا بآمرزیدن تو و اگر در آوری مرا به آتش خبر کنم اهل او را بدرستی که من دوست

إلهي إن كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك أملي

ای خدای من اگر کوچک است در جنب طاعت تو کردار من پس بتحقیق که بزرگ است در جنب امید تو

إلهي كيف أنقلب من عندك بالخيبة محروماً وقد كان حسن

آرزوی من ای خدای من چگونه من برگردم از نزد تو با ناامیدی در حالتی که محروم شوم و حال آنکه خوبی

ظني بجودك أن تقلبني بالنجاة مرحوماً وقد أفنيت عمري في شرة

گمان من بخشش تست اینکه برگردانی مرا بنجات دادن در حالتی که آمرزیده باشم بتحقیق که نیست کردم عمر خود در

السهو عنك وأبليت شبابي في سكرة التباعد منك إلهي فلم أستيقظ

سهو از تو و کهنه کردم جوانی خود در مستی و دوری از تو ای خدای من پس بیدار نشدم

أيام اغتراري بك وركوني إلى سبيل سخطك إلهي وأنا عبدك وابن

ایام غرور خود بسوی تو و میل کردن من بسوی راه غضب تو ای خدای من و من بنده توام



عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك إليك إلهي أنا عبد

بنده توام ایستاده پیش تو و متوسل بکرم تو بسوی تو ای خدای من من بنده‌ام

عبد أتنصل إليك مما كنت أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك

بنده هستم که بیرون آمده‌ام بسوی تو از آنچه بودم روی بروی تو با اندکی حیای من از نگاه کردن

وأطلب العفو منك إذ العفو نعت لكرمك إلهي لم يكن لي حول

و طلب میکنم عفو ترا از تو زیرا که بخشیدن صفتی است از کرم تو ای خدای من نیست مرا قوتی

فأنتقل به عن معصيتك إلا في وقت أيقظتني لمحبتك وكما أردت

پس نقل کنم به آن از نافرمانی تو مگر در وقتی که بیدار کنی مرا از برای دوستی خود و همچنان که اراده

أن أكون كنت فشكرتك بإدخالي في كرمك ولتطهير قلبي من أوساخ

به آنکه باشم پس شکر کننده به جنس گردانیدن مرا در کرم خود و از برای پاک گردانیدن دل

الغفلة عنك إلهي انظر إلي نظر من ناديته فأجابك واستعملته

غفلت از تو ای خدای من نظر کن بمن نظر کردن کسی که خواندهات ترا پس اجابت کرده و بکار داشته

بمعونتك فأطاعك يا قريباً لا يبعد عن المغتر به ويا جواداً لا يبخل

باعانت کردن خود پس فرمان برداری کرد ای نزدیکی که دور نمیشود از مغرور شدن به او و ای بخشنده

عمن رجا ثوابه إلهي هب لي قلباً يدنيه منك شوقه ولساناً يرفع إليك

از کسی که امید دارد ثواب او را ای خدای من ببخش مرا دلی که نزدیک کند مرا از تو شوق او و زبانی که بلند کند بسوی تو

صدقه ونظراً يقربه منك حقه إلهي إن من تعرف بك غير مجهول

راستی او و نگاهی که نزدیک کند مرا به او از تو سزاواری او ای خدای من کسی که میشناسد بتو غیر مجهول است

ومن لاذ بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير مملول الهي ان

وکسی که پناه برد بتو غیر خوار است وکسی که رو کرده تو بر او غیر ملول ای خدای من بدرستی

من انتهج بك لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت

که کسیکه شاد شود بتو هر آینه روشن است و بدرستی که کسی که چنگ زند بتو هر آینه امان است و بتحقیق که پناه آوردم

بك يا الهي فلا تخيب ظني من رحمتك ولا تحجبني عن رافتك الهي

بتو ای خدای من پس نومید مکن گمان مرا از رحمت خود و منع مکن مرا از مهربانی خود ای خدای من

اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من محبتك الهي والهمني

جای ده مرا در اهل ولایت خود جای کسی که امیدوارست زیادتی را از دوستی تو ای خدای من و الهام

ولها بذكرك واجعل همتي الى روح نجاح اسمائك ومحل قدسك

و حیران کن بیاد کردن خود و بگردان همت مرا بسوی روح و فیروزی نامهای خود و مکان قدس تو

الى ذكرك
بسوی یاد کردن خود

الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل طاعتك والمثوى الصالح

ای خدای من بتو برتست مگر اینکه لاحق کنی مرا بمکان اهل طاعت تو و مکانهای شایسته

من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا املك لها نفعا

از خوشنودی تو پس بدرستی که من قادر نیستم از برای نفس خود دفع کردن و مالک نیستم از برای نفس

الهي انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المعيب

ای خدای من بنده ناتوان گناه کارم و بنده تو ام برگشته شده

فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك

پس مگردان مرا از کسانی که برگردانیدی تو از او روی خود را و منع شده او را فراموشی از بخشش

الهي



الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها

ای خدای من ببخش از برای من کمال توجه بسوی تو و روشن کردن دیدهای دل ما را بروشنائی نگاه کردن

اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن

دلها بسوی تو تا آنکه بسوزد دیدهای دلها مانع روشنی را پس بسوی مکان

العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني

بزرگی و میگردد ارواح ما آویخته شده بعزت قدس تو ای خدای من بگردان

ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا

از کسی که خواندی او را پس اجابت کرده تو و ملاحظه کرده او را پس فریاد زد بجلال تو پس خواندی او را پوشیده

وعمل لك جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس

و عمل کرد از برای تو آشکارا ای خدای من مسلط کردان بر خوبی گمان من ناامیدی ناامید کردن را

ولا انقطع رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا

و قطع مکن امید مرا از خوبی بخشش تو ای خدای من اگر بوده باشد خطاها بتحقیق

قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك ان حطتني

که انداخته است مرا نزد تو پس درگذر از من بحسن توکل من بر تو اگر انداخته است مرا

الهي
ای خدای من

الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم عطفك

گناهان از مکارم لطف پس بتحقیق که بیدار کرده است یقین بسوی کرم بخشیدن تو

الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهني المعرفة

ای خدای من اگر خوابانیده است مرا غفلت از مستعد شدن بسوی لقای تو پس بتحقیق که بیدار

بکرم الا ملک الهی ان دعانی الی النار عظیم عقابک فقد دعانی
بخشش نعمتهای تو ای خداوند من اگر بخواند مرا بسوی آتش بزرگ عذاب تو پس تحقیق که خوانده مرا
الی الجنة جزیل ثوابک الهی فلک اسأل والیک ابتهل وارغب
بسوی بهشت بزرگ ثواب تو ای خداوند من پس از تو سؤال میکنم و بسوی تو زاری میکنم و رغبت میکنم
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعلنی ممن یدیم ذکرک ولا ینقض
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی مرا از آنها که همیشه ذکر میکنند ترا و نمی شکنند
عهدک ولا یغفل عن شکرک ولا یستخف بامرک الهی والحقنی
عهد ترا و غافل نمیشوند از شکر تو و استخفاف نمیکنند امر ترا ای خداوند من ملحق گردان مرا
بنور عزک الابهج فاکون لک عارفا وعن سواک منحرفا ومنک
بنور عزت خود سرور و خوشحال پس باشم من برای تو شناسنده و از غیر تو برگردیده و از تو
خائفا مراقبا یا ذا الجلال والاکرام وصلی الله علی محمد رسوله
ترسنده و رعایت کننده ای صاحب بزرگی و بخشش و درود فرستاد خدا بر محمد و آل او
وآله الطاهرین وسلم کثیرا واین از مناجاتهای جلیل القدر است
و آل او که پاکانند و سلام و رحمت بفرست بسیار و بر مضامین عالیه مشتملست در همه
اوقات که حضور قلبی باشد خواندنش مناسبست و از حضرت رسول
منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله
ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون حقتعالی
عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسند و گناه هزار ساله از او محو کند





و از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند شب چهارده و او را از اهل
بنویسند و کتابی معتبر منقولست که از حضرت صادق ع سؤال کردند
از فضیلت روزه ماه رجب حضرت فرمودند که چرا غافل گردیده اید
از روزه شعبان راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسی که یک روز
شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب او است گفت یا ابن رسول
الله بهترین عملها در این ماه کدام است فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش نمودن
هر که در این ماه تصدقی بکند حقتعالی آنرا تربیت میکند چنانچه یکی
از شما شتر بچه خود را تربیت کند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد بنظر
برسد فصل سیم در فضایل و اعمال ایام مخصوصه اول ماه است تا ایام البیض
بسندهای معتبر منقولست از حضرت صادق ع که هر که روز اول ماه شعبان
را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا منقولست
استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه آخر ماه و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که رسول خدا فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان
زینت کنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران
این روز را و دعای ایشانرا مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان روز
بسیار مبارکیست موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین ع
است و از حضرت امام محمد فرمانی بیرون آمد که روز سیم ماه شعبان
روز ولادت حضرت امام حسین ع است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید

فضیلت ایام البیض ماه شعبان

اعمال نیمه شعبان

اللهم انی اسألك بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم بحق متولد شده در این روز وعده کرده شده بشهادت او

قبل استهلاله وولادته بکته السماء ومن فیها والارض ومن علیها

قبل از استهلال خود و ولادت خود گریست براو آسمان و آنکه در آسمان است و زمین و هر که بر زمین است

ولما یطأ لابتیها قتیل العبرة وسید الاسرة الممدود بالنصرة

و حال آنکه حرکت نکرده بود آن شهید اشک دیده و بزرگ قوم مدد کرده شده بیاری

یوم الکرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله والشفاء فی تربته

در روز رجعت عوض داده شده از کشتن او باینکه پیشوایان از فرزندان اویند و شفا در تربت اوست

والفوز معه فی اوبته والاوصیاء من عترته بعد قائمهم و

و رستگاری با اوست در وقت بازگشتن او و با اوصیا از فرزندان خود بعد از قائم ایشان

غیبته حتی یدرکوا الاوتار ویثاروا الثار ویرضوا الجبار ویکونوا

و غیبت آن تا که دریابند خونهای او و مطالبه کنند خون او و خوشنود سازند خدای جبار را و باشند

خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف اللیل والنهار

بهترین یاوران رحمت فرستاده خدا بر ایشان با آمد شد شب و روز

اللهم فبحقهم الیك اتوسل سؤال مقترف معترف مسیء الی نفسه

خداوندا پس بحق ایشان بسوی تو توسل میجویم و سوال میکنم مانند سوال گناهکار اعتراف کننده بد کننده بنفس خود

مما فرط فی یومه وامسه یسألك العصمة الی محل رمسه اللهم

از تقصیری که کرده در این روز و گذشته خود در خواهد از تو عصمت را بسوی جایگاه دفن خود خداوندا

صح



صل علی محمد وعترته واحشرنا فی زمرته وبوئنا معه دار

رحمت فرست بر محمد و خویشان بزرگ او و در حشر کن ما را اندر گروه او و جا ده ما را با او در سرای

الکرامة ومحل الاقامة اللهم وکما اکرمتنا بمعرفته فاکرمنا

نوازش و جایگاه درنگ خداوندا و چنانچه گرامی داشتی ما را بشناخت او پس گرامی دار ما را

بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممن یسلم لامره

بنزدیکی او و روزی کن ما را رفاقت او و پیشی گرفتن او و بگردان ما را از کسانی که گردن نهند بامر او

ویکثر الصلوة علیه عند ذکره وعلی جمیع اوصیائه واهل اصطفائه

و بسیار فرستند رحمت بر او نزد ذکر او و بر همه اوصیاء او و بر گزیدگان او

الممدودین منك بالعدد الاثنی عشر النجوم الزهر والحجج

که کشیده شده اند از لطف تو بعدد دوازده ستارگان روشن و حجتها

علی جمیع البشر اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر موهبة وانجح

بر همه آدمیان خداوندا ببخش ما را در این روز بهترین بخشش و روا کن

لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین لمحمد جده صلی الله علیه

برای ما در این روز هر حاجتی را چنانچه بخشیدی حسین را بمحمد جد او درود خدا براو

واله وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد

و آل او و پناه گرفت فطرس بگهواره او پس ما پناه گیرندگانیم بقبر او پس از او حاضر میشویم

تربته وننتظر اوبته امین رب العالمین وزیارت الحضرت

قبر او را و انتظار میکشیم رجعت او را اجابت کن ای پروردگار عالمیان و غسل زیارت در این

علیه

براو

روز مستحب است وکیفیت زیارت بعد از این مذکور خواهد شد
انشاء الله وطوسی وشیخ روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین در روز
پنجم اینماه متولد شده است اگر احتیاطا هر دو روز را روزه بدارد و اعمال
در این روز نیز بعمل بیاورد خصوصا زیارت بهتر است وایضا از شیخ
معتبر سند از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین در روز
هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه
در ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت
وسایر اعمال خیر را در این روز بعمل آورند مناسب است فصل چهارم
در ایام البیض ماه شعبانست یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است که در شب سیزدهم دو رکعت
و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد و در
و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل
هو الله احد بخوانند و در نماز سنت سورهای که از حفظ نتواند خواند از روی
قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز سنت است و اعمال و فضایل شب
شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم
بانچه صحیح تر است حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول فرمود
که چون شب نصف شعبان شود شب را بعبادت بایستید و روز را روزه
بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار

کننده



کننده هست که از ما طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان
او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند تا ما روزی او را
فراخ گردانیم و غسل در این شب سنت است و از حضرت صادق منقولست
که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث
تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال
این شب زیارت حضرت امام حسین است و از حضرت امام زین العابدین
منقولست که هر که خواهد که با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار
هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین در شب نصف شعبان
زیرا که ملائکه و پیغمبران در این شب از خدا رخصت میطلبند که زیارت
آنحضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوشحال کسی که این بزرگواران
با او مصافحه کنند و از جمله ایشان پنج پیغمبر اولو العزم نوح و ابراهیم و موسی
و عیسی و محمد که مبعوث گردیده اند بمشرق و مغرب زمین جنیان و آدمیان
و از حضرت صادق منقولست که در شب نیمه شعبان می آمرزند
جمیع گناهان کسی را که زیارت کند آنحضرت را و در آن شب اقل زیارت
آنست که بر بامی یا صحرای گشاده در آید و بجانب راست آسمان و بجانب
چپ و بالای سر نگاه کند پس بانگشت السلام علیک یا ابا عبد الله
اشاره کند بجانب راست قبله و بگوید سلام بر تو ای اباعبدالله
السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک و رحمة الله و

زیارت مطلقه حضرت امام حسین

سلام بر تو ای ... پسر رسول خدا سلام بر تو و رحمت خدا و برکتهای او

بركاته واگر يكي از زيارات مبسوطه اورد السلام عليك يا وارث
بركتهاي او بهتر است و از جمله انها اينست سلام بر تو اي ميراث بر
آدم صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح نبي الله السلام
آدم برگزيده خدا سلام بر تو اي ميراث برنده نوح پيغمبر خدا سلام
عليك يا وارث ابرهيم خليل الله السلام عليك يا وارث
بر تو اي ميراث برنده ابراهيم دوست خدا سلام بر تو اي ميراث برنده
موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله
موسى همسخن خدا سلام بر تو اي ميراث برنده عيسى روح خدا
السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله السلام عليك
سلام بر تو اي ميراث برنده محمد دوست خدا سلام بر تو
يا وارث امير المؤمنين ولي الله السلام عليك يا ابن محمد
اي ميراث برنده امير المؤمنين دوست خدا سلام بر تو اي پسر محمد
المصطفى السلام عليك يا ابن علي المرتضى السلام عليك
برگزيده خدا سلام بر تو اي پسر علي مرتضى سلام بر تو
يا ابن فاطمة الزهراء السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى
اي پسر فاطمه زهرا سلام بر تو اي پسر خديجه كبرى
السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد
سلام بر تو اي خون خدا و پسر خون خدا و اي خون صاحب خون گواهي ميدهم

انك قد اقمت



قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن
بتحقيق كه برپا داشتي نماز را و دادي زكوة را و امر كردي بنيكي و منع كردي از
المنكر واطعت الله ورسوله حتى اتيك اليقين فلعن الله امة
زشتي و فرمان بردي خدا را و رسول او را تا آنكه آمد ترا مرگ پس دور كند خدا امتي
قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك
كه كشتند ترا و لعنت كند خدا گروهي را كه ستم كردند ترا و لعنت كند خدا گروهي كه شنيدند آن
فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في
پس خشنود شدند بآن اي آقاي من اي ابا عبد الله گواهي ميدهم اينكه تو بودي نور در
الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية
صلبهاي با رفعت و رحمهاي پاك نجس كرده ترا جاهليت
بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم
بنجاستهاي خود و نپوشانيده ترا از جامهاي تيره خود و گواهي ميدهم اينكه تو از ستونهاي
الدين واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي
دين و ركنهاي گروه مؤمنان و گواهي ميدهم اينكه تو پيشواي نيكوكار پرهيزكار پسنديده
الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى
پاك راه نماي راه يافته و گواهي ميدهم اينكه پيشوايان از فرزندان تو كلمه پرهيزكاري
واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد
و نشانهاي هدايت و دست آويز محكم و حجتند بر اهل دنيا و گواهي ميدهم

وما یأتیکم من معروف

الله وملائکته وانبیائه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی و
خدا او و فرشتگان او و پیغمبران او و رسولان او که من تصدیق نموده‌ام بشما و بشرایع دین خود
خواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع صلوات الله
و آخرهای کردار خود و دل من مر دل شما را صلح است و امر من مر امر شما را پیروی کننده است رحمتهای خدا
علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی شاهدکم
بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهای شما و بر تنهای شما و بر حاضر شما
وعلی غائبکم وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم پس دو رکعت نماز زیارت
و بر غایب شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما میکند واگر نماز را پیشتر
از زیارت بکند نیز خوبست واگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت

زیارت علی بن الحسین

علی بن الحسین السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک
بکند وبگوید سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو
یا ابن نبی الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک
ای فرزند پیغمبر خدا سلام بر تو ای پسر امیر المؤمنین سلام بر تو
یا ابن الحسین الشهید السلام علیک ایها الشهید السلام علیک
ای پسر حسین شهید سلام بر تو ای شهید سلام بر تو
ایها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة قتلتک ولعن الله
ای ستم رسیده و فرزند ستم رسیده لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا
امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به

گروهی که ستم کردند ولعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آن را پس خشنود شدند بآن

بر ضا



زیارت شهدا

پس قصد زیارت سایر السلام علیکم یا اولیاء الله واحبائه
شهدا بکند وبگوید سلام بر شما ای یاران خدا و دوستان او
السلام علیکم یا اصفیاء الله واودائه السلام علیکم یا انصار
سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستان او سلام بر شما ای یاوران
دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام علیکم یا
دین خدا سلام بر شما ای یاوران رسول خدا سلام بر شما ای
انصار امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة نساء
یاوران پادشاه گروندگان سلام بر شما ای یاران فاطمه بزرگ زنان
العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی
جهانیان سلام بر شما ای یاوران ابی محمد حسن بن علی پاک
الناصح السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی طبتم
نصیحت نماینده سلام بر شما ای یاوران ابا عبدالله پدرم و مادرم فدای شما پاکیزه شدید
وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی
و پاکست زمینی که در آن مدفون شدید و رستگار شدید رستگاری بزرگ پس کاش
کنت معکم فافوز معکم ودر شب اول وپانزدهم ماه رجب و در سیم
میبودم با شما پس رستگار میشدم با شما وپنجم ماه شعبان وشبهای ماه مبارک
رمضان وشبهای عید وسایر ایامی که زیارت آنحضرت مستحب است
بهمین طریق زیارت میتوان کرد وزیارت مبسوطه ومخصوصه در کتاب تحفه

ذکر کرده ام هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله برکات این شب
این است که ولادت واقف السعادت حضرت صاحب الامر در این شب واقع
شده است و باین سبب سنت است این دعا را در این شب بخواند که بمنزلهٔ
زیارت اللهم بحق لیلتنا هذه و مولودها و حجتک و موعودها التی
آنحضرت است خداوندا بحق شب این شب و مولود شده در آن و بحق حجت تو و وعده شده [illegible]
قرنت الی فضلها فضلاً فتمت کلمتک صدقاً و عدلاً لا مبدل
چنین که پیوند فضل آن فضلی بزرگ پس تمام شد کلمهای تو از روی راستی و انصاف نیست تبدیل کننده
لکلماتک و لا معقب لآیاتک نورک المتالق و ضیائک المشرق
مر کلمهای ترا و نه باز پس اندازنده مر نشانهای ترا [illegible] نور درخشنده تو و روشنائی روشن
و العلم النور فی طخیاء الدیجور الغائب المستور جل مولده
و نشان نور در شب تیره تار پنهان [illegible] پیدا است [illegible] بزرگ است
و کرم محتده و الملائکة شهده و الله ناصره و مؤیده اذا آن
و گرامی است اصل او و فرشتگان حاضران اویند و خدا یاور او و قوت دهنده او هر گاه [illegible]
میعاده و الملائکة امداده سیف الله الذی لا ینبو و نوره الذی لا
وعده ظهور او و فرشتگان مدد کنندگان او شمشیر خدا است که هرگز کند نگردد و نور [illegible] که
یخبو و ذو الحلم الذی لا یصبو مدار الدهر و نوامیس العصر
[illegible] و خداوند عقلیت که میل نکند [illegible] مدار زمانه و صاحبان [illegible] عصر
و ولاة الامر و المنزل علیهم الذکر و ما ینزل فی لیلة القدر

دعای شب نیمه شعبان

صاحبان فرمان و فرو فرستاده شده بر ایشان ذکر و آنچه فرو می آید در شب قدر



و اصحاب الحشر و النشر و تراجمة وحیه و ولاة امره و نهیه
و [illegible] زنده کردن [illegible] بیان کنندگان وحی او و والیان امر او و نهی او
اللهم فصل علی خاتمهم و قائمهم المستور عن عوالمهم و ادرک
خداوندا رحمت فرست بر خاتم ایشان و قائم ایشان که پنهان است از عالمهای ایشان
بنا ایامه و ظهوره و قیامه و اجعلنا من انصاره و اقرن ثارنا بثاره
[illegible] روزگار دولت او و ظهور او و بر پا شدن او و بگردان ما را از یاوران او [illegible]
و اکتبنا فی اعوانه و خلصائه و احینا فی دولته ناعمین و بصحبته
[illegible]
غانمین و بحقه قائمین و من السوء سالمین یا ارحم الراحمین
[illegible] سلامت [illegible] ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد خاتم النبیین
[illegible] رحمت [illegible] بر محمد [illegible] پیغمبران
و المرسلین و علی اهل بیته الصادقین و عترته الناطقین
[illegible]
و العن جمیع الظالمین و احکم بیننا و بینهم یا احکم الحاکمین
و لعنت کن جمیع ستمکاران را و حکم کن میان ما و میان ایشان ای حکم کننده‌ترین حکم کنندگان
و شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین ماها [illegible]
در شب نیمه شعبان نزد خود جمع و شب را سه حصه میکرد ثلث اول

عمل شب نیمه شعبان

نماز میکرد و در ثلث دویم دعا میکرد و در ثلث سیم استغفار و طلب
آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکنیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از
نماز شب و نمازهای این شب بسیار است و از جمله آنها چهار رکعت است
هر دو رکعت بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق ایشان از آن
حضرت روایت کرده اند در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله
احد بخوانند و بعد از آن اللّهم انّی الیک فقیرٌ و من عذابک خائفٌ
نماز این دعا را بخوانند خداوندا بدرستی که من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسانم
وبک مستجیرٌ ربّ لا تبدّل اسمی و لا تغیّر جسمی ربّ لا تجهد
و بتو پناه جوینده ام ای پروردگار من بدل مکن اسم مرا و تغییر مده بدن مرا ای پروردگار من
بلائی ربّ لا تشمت بی اعدائی اعوذ بعفوک من عقابک و اعوذ
بلای مرا ای پروردگار من شاد مگردان بمن دشمنان مرا بعفو خود از عذاب تو و پناه
برضاک من سخطک و اعوذ بک منک جلّ ثناؤک انت کما اثنیت
بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم بتو از تو بزرگست ستودن تو تو چنانی که خود
علی نفسک و فوق ما یقول القائلون فیک وبعد از آن دیگر بار نیز چهار
خود را ستوده و بالای آنچه میگویند گویندگان در باره تو رکعت است بدو سلام
در هر رکعت بعد از حمد دویست و پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه
یا پنجاه مرتبه بخواند اللّهم انّی الیک فقیرٌ و انّی من عذابک خائفٌ
بعد از نماز این دعا بخواند خداوندا بدرستی که من بسوی تو محتاجم و من از عذاب تو ترسانم



وبک مستجیرٌ ربّ لا تبدّل اسمی و لا تغیّر جسمی ربّ لا تجهد
و بتو پناه جوینده ام ای پروردگار من بدل مکن نام مرا و تغییر مده بدن مرا ای پروردگار من
بلائی اللّهم انّی اعوذ بعفوک من عقوبتک و اعوذ برضاک
بلای مرا خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بعفو تو از عذاب تو و پناه میبرم بخوشنودی
من سخطک و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ بک منک لا
از خشم تو و پناه میبرم برحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم بتو از تو نیست
اله الا انت جلّ ثناؤک و لا احصی مدحتک و لا الثناء علیک
خدائی بدرستی که تو بزرگست ثنای تو و نمیتوانم شمرد ستایش ترا و ستودن
انت کما اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون ربّ صلّ
تو چنانی که خود ستوده خود را بر خود و بالاتری از آنچه گویند گویندگان پروردگار من
علی محمّد و آل محمّد و افعل بی کذا و کذا بجای و افعل بی کذا و کذا
بر محمد و آل محمد و بکن با من چنین و چنین حاجات خود را یاد کند
و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بعمل آورد موافق مشهور با نماز
حضرت امیر المؤمنین ع و در فضیلت آن احادیث بسیار است
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبها است
بعد از شب قدر وحق تعالی فضل خود را در این شب به بندگان عطا
می نماید و باحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی کنید در عبادت
در این شب که سائلی را از درگاه خود دور نکند مگر آنکه معصیتی از خدا

طلب نماید و این شب را خدا از برای ما اهل بیت قرار داده است بازای شب
قدر که از برای پیغمبر قرار داده است پس اهتمام نمائید در این شب در دعا
و ثنا کردن بر خدا باید رستی هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه
الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی
گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را بر آورد و خواه طلب
نماید و خواه ننماید راوی پرسید که بهترین دعاها در این شب کدام است
فرمود بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد
سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد بخوان
و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله
و سی و چهار مرتبه الله اکبر و اگر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه بخواند نیکو
خوب باشد یا من الیه ملجا العباد فی المهمات و الیه یفزع الخلق
[illegible] ای آنکه بسوی اوست پناه بردن بندگان در کارهای سخت و بسوی او استغاثه
فی الملمات یا عالم الجهر و الخفیات یا من لا یخفی علیه خواطر
در بلاهائی که نازل میشود ای دانای آشکارا و پنهانها ای آنکه پنهان نیست بر او اندیشههای
الاوهام و تصرف الخطرات یا رب الخلائق و البریات یا من
وهمها و گردش خیالات ای پروردگار خلایق و آفریدگان ای آنکه
بیده ملکوت الارضین و السموات انت الله لا اله الا انت امنن
بدست پادشاهی زمینها و آسمانها توئی خدا نیست خدائی بغیر تو ایمان آورم

الیك



الیك بلا اله الا انت فیا لا اله الا انت اجعلنی فی هذه اللیلة
بتو بگفتن لا اله الا انت پس ای آنکه نیست خدائی بغیر تو بگردان مرا در این شب
ممن نظرت الیه فرحمته و سمعت دعاءه فاجبته و علمت
از آنها که نظر افکندی بسوی او و پس رحم کردی او را و شنیدی دعای او را پس اجابت کردی او را و دانستی
استقالته فاقلته و تجاوزت عن سالف خطیئته و عظیم جریرته
طلب گذشتن او را پس در گذشتی او را و تجاوز نمودی از خطایای گذشته خطاهای او و گناه بزرگ او
فقد استجرت بك من ذنوبی و لجأت الیك فی ستر عیوبی اللهم
پس بتحقیق امان خواستهام بتو از گناهان خود و پناه آوردهام بسوی تو در پوشیدن عیبهای خود خدایا
فجد علیّ بکرمك و فضلك و احطط خطایای بحلمك و عفوك
پس بخشش کن بمن ببزرگواری خود و بخشش خود و فرو ریز گناهان مرا ببردباری خود و عفو خود
و تغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتك و اجعلنی فیها من
و بپوشان مرا در این شب بنوازش کامل خود و بگردان مرا در این شب از
اولیائك الذین اجتبیتهم لطاعتك و اخترتهم لعبادتك
دوستان خود آنها که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را برای عبادت
و جعلتهم خالصتك و صفوتك اللهم اجعلنی ممن سعد
و گردانیدی ایشان را مخلصان خود و برگزیده خود خدایا بگردان مرا از آنها که نیک بخت
جده و توفر من الخیرات حظه و اجعلنی ممن سلم فنعم و فاز
شد بخت او و وافر گشته از نیکیها بهره او و بگردان مرا از آنها که سالم ماند پس متنعم شد

فغنم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد في معصيتك
و فیروزی یافتند و دفع کن از من گزند آنچه پیش فرستادم و نگاه دار از زیادتی نمودن در نافرمانی تو
وحبب الي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي
و دوست گردان بسوی من فرمان برداری ترا و آنچه نزدیک گرداند مرا بتو و نزدیک گرداند مرا در نزد تو ای سید من
اليك ملجأ الهارب ومنك ملتمس الطالب وعلى كرمك يعول
بسوی تست پناه آوردن گریزنده و از تست درخواستن طلب کننده و بر بزرگواری تو اعتماد کند
المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم وانت اكرم الاكرمين
طلب عفو نماینده رجوع کننده ادب فرمودی بندگان خود را به بزرگواری و تو بزرگوارترین بزرگواران
وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور الرحيم اللهم فلا تحرمني
و فرمان دادی به درگذشتن بندگان خود و تو آمرزنده مهربانی خداوندا محروم مکن مرا
ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل
آنچه امید داشتم از کرم تو و ناامید مکن مرا از نعمتهای کامل تو و بی بهره مکن مرا از قسمتهای
قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار
بزرگ تو در این شب برای اهل طاعت تو و بگردان مرا در حفظ از بدان
بريتك رب ان لم اكن من اهل ذلك فانت اهل الكرم والعفو
خلق خود پروردگار من اگر نبوده باشم از اهل آن پس تو سزاوار بزرگواری و درگذشتن
والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني
و آمرزش و بخشش کن بر من به آنچه تو سزاوار آنی پس بتحقیق نیکو شد گمان من



بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك وانت ارحم
تو و ثابت شد امید من ترا و آویخته است نفس من به بزرگواری تو و تو رحم کننده ترین
الراحمين واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك
رحم کنندگانی و گرامی ترین بزرگوارانی خداوندا و مخصوص گردان مرا از کرم خود
بجزيل قسمك واعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب
بزرگ از قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو خود از عقوبت خود و بیامرز برای من گناه
الذي يحبس علي الخلق ويضيق علي رزقي حتى اقوم بصالح رضاك
که باز میدارد بر من خلق را و تنگ میکند بر من تا اگر بر پا دارم شایسته خوشنودی
وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك
و تنعم کنم بعطای وافر تو و نیکبخت شوم بنعمت کامل تو پس بتحقیق پناه آورده ام بحرم
وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك
و در آمدم بزرگواری ترا و پناه جستم بعفو تو از عقوبت تو و به بردباری
من غضبك فجد بما سألتك وانل ما التمست منك اسألك
از غضب تو به آنچه سوال کردم و عطا کن مرا آنچه درخواستم از تو میخواهم از تو
بك ولا شيء هو اعظم منك پس بسجده میروی و میگوئی
از تو بوسیله تو و چیزی نیست بزرگتر از تو یا رب یا رب بیست مرتبه یا الله هفت
مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل
ان بفرست آنچه خواهی و حاجت خود را از خدا طلب و بجد اسوگند

الفوز
رستگاری

فجد بما
پس ببخش

ما شاء الله لا قوة الا بالله

هفت مرتبه
ما شاء الله لا قوة
الا بالله

کناه کو بعدد قطرات باران حاجت بطلبی حق تعالی ترا با لطفها میرساند بکرم
و فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفت یا الله هفت مرتبه یا رب محمد و شیخ کفعمی
پس الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون و قصدک فیه القا
بکوید ای خدای من فرا پیش آمدند ترا درین شب فرا پیش آیندگان و قصد کنند ترا دران
صدون و امل فضلک و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل
قصد کنندگان و آرزو نمودند فضل ترا و احسان ترا سوال کنندگان و مر ترا است درین شب
نفحات و جوائز و عطایا و مواهب تمن بها علی من تشاء من عبادک
عطیتها و صلها و عطاها و بخششها که بخشش میکنی بآنها بر آنکه میخواهی از بندگان خود
و تمنعها من لم تسبق له العنایة منک و ها انا ذا عبدک الفقیر
و باز میداری آنها را که پیشی نگرفته او را عنایت از تو و اینک من بنده فقیر توام
الیک المؤمل فضلک و معروفک فان کنت یا مولای تفضلت
بسوی تو امید دارم فضل ترا و شناختن ترا پس اگر بوده باشی ای آقای من که بخشش کردی
فی هذه اللیلة علی احد من خلقک و عدت علیه بعائدة
درین شب بر یکی از خلق خود و نفع رساننده باشی بر او بنفعی
من عطفک فصل علی محمد و آل محمد الطیبین الطاهرین الخیرین
از مهربانی خود پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد پاکان و پاکیزگان نیکان
الفاضلین و جد علی بطولک و معروفک یا رب العالمین و صلی
زیادتی یافتگان و بخشش کن بر من بانعام خود و احسان خود ای پروردگار جهانیان و رحمت



علی محمد خاتم النبیین و آله الطاهرین و سلم تسلیما ان الله
بر محمد ختم کننده پیغمبران و آل او که پاکانند و درود فرستد درود فرستادنی بدرستیکه
حمید مجید اللهم انی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما وعدت
ستوده بزرگوار است خدایا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر فرموده پس مستجاب کن برای من چنانکه
انک لا تخلف المیعاد مؤلف گوید که این دعا بسیار خوبیست و از دعا
بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده گاه را هاي این شب است اما ظاهرا جزو آن عمل
سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن ع روایت کرده است که جبرئیل
بحضرت رسول ص نازل شد و گفت یا محمد ص امت خود را امر کن در شب نیمه
شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند
و در سجده اللهم لک سجد سوادی و خیالی و بیاضی یا عظیم
بگویند خداوندا مر ترا سجده کرد سیاهی من و تن من و سفیدی من ای بزرگ
کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم
هر بزرگی بیامرز برای من گناه مرا که بزرگ است پس بتحقیق که نمی آمرزد آنرا غیر تو ای بزرگ
پس هر که این عمل بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد هزار گناه را
و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد
هزار گناه و نماز دیگر نماز لیست که عامه و خاصه از حضرت رسول ص
روایت کرده اند که حضرت رسول ص فرمود که شب نیمه شعبان در خواب

نماز و دعای دیگر شب نیمه شعبان

جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی و در این شب گفتم
این چه شب است گفت نیمه شعبان است پس برخیز اینده مرا و برو
بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستی
که این شبی است که درهای آسمان در این شب گشوده میشود
یعنی درهای رحمت و درهای خوشنودی خدا و درهای آمرزش
گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه
جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان در این شب بعدد موهای
چهارپایان و شمهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله
اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و نماز کردن و قرآن خواندن
و طلب آمرزش کردن و طلب استغفار نمودن بهشت در آخرت جای قرار او باشد
و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت
بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله — نماز
احد بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند
و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او را
و بعدد هر سوره و هر تسبیحی قصری در بهشت با و عطا کند و شفاعت او را قبول
کند در صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب
شهیدان و ثواب روزه داران آن ماه و عبادت کنندگان این ماه را با و عطا
کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود دلیل احیا کن این شب را ای محمد و امر کن

امت خودرا



امت خودرا که احیا کنند آنرا و تقرب جویند بخدا بعبادت آن بدرستی
که این شبی است [illegible] یا محمد من نزد تو می آمدم جمیع ملائکه
آسمانها همه بعبادت مشغول و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع
بودند و بعضی در سجود و بعضی ایستاده مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر
و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حق تعالی در این شب
نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مؤمنی که بنماز ایستاده
باشد یا نشسته باشد و مشغول بتسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد
یا مشغول بدعا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته دعای او
مستجاب میشود و هر که سؤال کند با و عطا کرده میشود و هر که استغفار
کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول گردد و محروم کسی
که از خیر این شب محروم گردد از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که در
نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر
رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد تا آن در روزی که دلها از ترس مرده باشند
و نمیرد تا آنکه صد ملک را ببیند یا او را ایمن کرده باشند از عذاب الهی
سی نفر ایشان او را بشارت دهند به بهشت و سی نفر آنها باشند که در
دنیا او را از شر شیطان نگاه میداشتند و سی نفر آنها باشند که در شب
و روز برای او استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را
حفظ میکردند از شر دشمنان و منقول است از حضرت رسول که در این شب بیدار

میهون اللهم اقسم لنا من خشیتک ما یحول بیننا وبین معصیتک
بند بند بار خدایا قسمت کن برای ما از ترس خود آنچه حایل شود میان ما و میان نافرمانی تو
ومن طاعتک ما تبلغنا به رضوانک ومن الیقین ما یهون علینا
و از فرمان برداری تو آنچه رسانی ما را بآن بخوشنودی تو و از یقین آنچه آسان شود بر ما
به مصیبات الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا
بسبب آن مصیبتهای دنیا خداوندا برخوردار گردان ما را بشنوائیهای ما و چشمهای ما و توانائی
ما احییتنا واجعله الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا و
ما مادام که زنده داری ما را و بگردان آنرا میراث برنده از ما و بگردان انتقام ما را بر آنکه ستم کرده
انصرنا علی من عادانا ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا
و یاری ده ما را بر کسی که دشمنی کرده با ما و مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را
اکبر همنا ولا مبلغ علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتک
بزرگترین اندیشه ما و نه غایت دانش ما و مسلط مگردان بر ما کسی را که رحم نکند بر ما برحمت تو
یا ارحم الراحمین و این دعای جامع کاملیست و متضمن جمیع
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مطالب دنیا و آخرتست و چون دعای کمیل بن
زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین ع بهترین دعاهاست و از دعا
های این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در این
جا ایراد می نماید که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فایده اش
تمام تر و ثواب اش عظیمتر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس ره در کتاب اقبال

روایت



دعای کمیل بن زیاد

روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت
امیر المؤمنین ع در مسجد کوفه نشسته بودم و شب نیمه شعبان
مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده که این شب بعبادت احیا کند و دعای
خضر را در این شب بخواند البته دعای او مستجاب میگردد چون حضرت
بمنزل خود مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید
که بچه کار آمدی ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر آمده ام
فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه
یا در هر ماهی یکمرتبه یا در هر سالی یکمرتبه یا در همه عمر یکمرتبه بخوان تا
کفایت کند شر دشمنان ترا و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده
شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب این شد که ترا باین نعمت
و کرامت ممتاز و سرفراز گردانم پس نوشت بسم الله الرحمن الرحیم
گفت بنویس دعا را تلقین نمود دعا اینست بنام خداوند بخشاینده مهربان
اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شیء وبقوتک التی
خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو برحمت تو آنچنان که فرا گرفته است هر چیزی را و بتوانائی تو که
قهرت بها کل شیء وخضع لها کل شیء وذل لها کل شیء وبجبروتک
که قهر کرده بآن هر چیزی را و خاضع و منقاد گردیده برای آن هر چیز و خوار و ذلیل شده برای آن هر چیز و بجبروت تو
التی غلبت بها کل شیء وبعزتک التی لا یقوم لها شیء وبعظمتک
که غالب گردیده ای بآن بر هر چیزی و بعزت تو که در برابر آن نمی ایستد چیزی و بعظمت و بزرگی تو

الّتي ملأت كلّ شيء وبسلطانك الّذي علا كلّ شيء وبوجهك الباقي
که پر کرده است هر چیز را و بپادشاهی تو که بزرگست بر هر چیز و بذات مقدس تو که باقیست
بعد فناء كلّ شيء وبأسمائك الّتي ملأت أركان كلّ شيء وبعلمك
بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده است اطراف ارکان هر چیز را و بدانش تو
الّذي أحاط بكلّ شيء وبنور وجهك الّذي أضاء له كلّ شيء
که فرا گرفته است هر چیز را و بروشنی ذات تو که روشن شده است برای آن هر چیز
يا نور يا قدّوس يا أوّل الأوّلين ويا آخر الآخرين اللّهمّ اغفر لي
ای نور ای پاک ای پیش از همه پیشینیان و ای پس از همه پسینیان خداوندا بیامرز از برای من
الذّنوب الّتي تهتك العصم اللّهمّ اغفر لي الذّنوب الّتي تنزل
گناهانی را که میدرند پردهای عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که فرو میآورد
النّقم اللّهمّ اغفر لي الذّنوب الّتي تغيّر النّعم اللّهمّ اغفر لي
عذابهای خدا را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتهای خدا را خداوندا بیامرز برای من
الذّنوب الّتي تحبس الدّعاء اللّهمّ اغفر لي الذّنوب الّتي تنزل
گناهانی را که حبس میکنند دعاها را خداوندا بیامرز از برای من گناهانی را که فرو میآورد
البلاء اللّهمّ اغفر لي الذّنوب الّتي تقطع الرّجاء اللّهمّ اغفر لي
بلاها را خداوندا بیامرز از برای من گناهانی را که قطع میکند امید را خداوندا بیامرز از برای من
كلّ ذنب أذنبته وكلّ خطيئة أخطأتها اللّهمّ إنّي أتقرّب إليك
هر گناهی که کرده‌ام او را و هر خطایی که بجا آورده‌ام او را خداوندا بدرستی که من نزدیکی میجویم بسوی تو

بذكرك



بذكرك واستشفع بك إلى نفسك وأسألك بجودك أن تدنيني
بیاد کردن تو و شفیع میکنم ترا بسوی نفس تو و سؤال میکنم بجود و بخشش تو که نزدیک گردانی مرا
من قربك وأن توزعني شكرك وأن تلهمني ذكرك اللّهمّ إنّي أسألك
بقرب خود و توفیق دهی مرا برای شکر تو و الهام کنی مرا بیاد کردن تو خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم
سؤال خاضع متذلّل خاشع أن تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك
سؤال کردن کسی که با خضوع باشد و خوار و ذلیل باشد و با خشوع باشد که مسامحه کنی و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت خود
راضيا قانعا وفي جميع الأحوال متواضعا اللّهمّ وأسألك سؤال
خوشنود و قانع گردانی و در همه احوال تواضع کننده خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو سؤال کسی
من اشتدّت فاقته وأنزل بك عند الشّدائد حاجته وعظم فيما
کسی که سخت شده است فقر و فاقه او و فرود آورده بتو نزد سختیها حاجت خود را و بزرگ شده است
عندك رغبته اللّهمّ عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك
نزد تو رغبت او خداوندا بزرگست پادشاهی تو و بلند است مکان تو و پنهانست مکر تو
وظهر أمرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار
و ظاهر است امر تو و غالب است قهر تو و جاریست قدرت تو و ممکن نیست گریختن
من حكومتك اللّهمّ لا أجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء
از حکومت تو خداوندا نمی یابم از برای گناهان خود آمرزنده و نه از برای قبایح خود پوشاننده
من عملي القبيح بالحسن مبدّلا غيرك لا إله إلّا أنت سبحانك و
از عمل قبیح من بعمل نیک بدل کننده بجز تو که نیست معبودی بجز تو پاکی و منزهی تو و

وكرمك
واکرام تو

ساترا
پوشاننده

بحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك
وبحمد تو مشغولم ستم کردم نفس خود را وبسیار جرأت کردم بنادانی خود واعتماد کردم برآنکه پیوسته یاد کردی
لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح
مرا ومنت نهادی بر من خداوندا ای آقای من چه بسیار از قبیحی که پوشانیدی وچه بسیار گران از
من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته
از بلا که زایل کردی او را وچه بسیار از لغزشها که نگاه داشتی از او وچه بسیار از ناخوشی که دفع کردی
وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط
وچه بسیار از ثنای نیکو که نبودم من سزاوار او وپهن کردی او را خداوندا بزرگ شد بلای من وزیاده
بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني
شد بدی حال من ونارسا است از نجات کردار من وباز داشت مرا غلهای من ومنع کرده است مرا
عن نفعي بعد امالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها
از نفع خود دوری آرزوهای من وفریب داده است مرا دنیا بفریب خود ونفس من بجنایت خود
ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي
ودرنگ کردن من ای آقای من پس سؤال میکنم از تو بعزت تو که منع نکند از تو دعای مرا
سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري
بدی عمل من وکردار من ورسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از سر من
ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي
وشتاب مکن مرا بعقوبت بر آنچه کرده ام او را در خلوتهای خود از بدی کردار خود

واسائتي



واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي
وگناه من خود ودایم بودن تقصیر خود ونادانی خود وبسیاری شهوتهای خود وغفلت خود
وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤوفا وعلي في جميع
وباش خداوندا بعزت خود برای من در همه احوال مهربان وبر من در همه
الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسأله كشف ضري
کارها مهربان ای خدای من وپروردگار من کیست مرا بجز تو که سؤال کنم از او گشودن بدحالی
والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت
ونظر کردن در کار خود را ای خدای من وآقای من جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم
فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى
در آن خواهش نفس خود را ونگاهداری نکردم خود را از زینت دادن دشمن خود پس فریب داد مرا
واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك
ویاری او کرد بر این امر قضای خدا پس در گذشتم به آنچه جاری شد بر من از این قضا
بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك
پاره از حدهای ترا ومخالفت کردم پاره از امرهای ترا بر من در همه احوال
فلك الحمد
پس برای تو حمد است
علي في جميع ذلك
ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك
ونیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در وی قضای تو ولازم گردانید بر من حکم تو وامتحان تو
وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا
وبتحقیق که آمده ام نزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود وزیاده روی بر نفس من عذر خواهنده

نادماً منكسراً مستقيلاً مستغفراً منيباً مقرّاً مذعناً معترفاً

پشیمان گشته خواهان عفو طلب کننده آمرزش توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده اعتراف کننده

لا أجد مفرّاً ممّا كان منّي ولا مفزعاً أتوجّه إليه في أمري غير

نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شده از من و نه ... که رو کنم بسوی او در کار خود غیر

قبولك عذري وإدخالك إيّاي في سعةٍ من رحمتك اللهمّ

قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود خداوندا

فاقبل عذري وارحم شدّة ضرّي وفكّني من شدّ وثاقي يا ربّ

پس قبول کن عذر مرا و رحم کن سختی بدحالی مرا و رها کن مرا از بستن بند گناهان من ای پروردگار

ارحم ضعف بدني ورقّة جلدي ودقّة عظمي يا من بدأ خلقي

رحم کن ضعف بدن مرا و تنگی پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای کسی که ابتدا کرد آفرینش مرا

وذكري وتربيتي وبرّي وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف

و یاد کردن مرا و تربیت کردن مرا و نیکویی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود و پیشی

برّك بي يا إلهي وسيّدي وربّي أتراك معذّبي بنارك بعد توحيدك

و خوبیهای تو بمن ای خدای من و آقای من و پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کنی مرا بآتش خود بعد از ...

وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من

و بعد آنچه پیچیده شده است بر آن دل من از شناختن تو و گویا شده بآن زبان من از

ذكرك واعتقده ضميري من حبّك وبعد صدق اعترافي ودعائي

یاد کردن تو و محکم کرده است او را دل من از دوستی تو و بعد از راستی اعتراف من و دعای من

خاضعا



خاضعاً لربوبيّتك هيهات أنت أكرم من أن تضيّع من ربّيته

از روی خضوع مر پروردگاری ترا دور است این تو گرامی‌تری از آنکه ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده

أو تبعّد من أدنيته أو تشرّد من آويته أو تسلّم إلى البلاء

یا دور کنی کسی را که خود نزدیک گردانیده یا برانی کسی را که خود جای داده یا بگذاری بسوی بلاها

من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيّدي وإلهي ومولاي أتسلّط

کسی را که خود کفایت کرده او را و رحم کرده او را و کاش میدانستم ای آقای من و خدای من و بزرگ من آیا مسلط

النار على وجوهٍ خرّت لعظمتك ساجدة وعلى ألسنٍ نطقت بتوحيدك

آتش را بر روها که افتاده‌اند مر عظمت ترا سجده کنان و بر زبانها که گویا شده‌اند بیگانگی تو

صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوبٍ اعترفت بإلهيّتك محقّقة

راست گویان و بشکر تو مدح گویان و بر دلها که اعتراف کرده‌اند بخدایی تو از روی تحقیق

وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتّى صارت خاشعة وعلى

و بر دلها که احاطه کرده‌اند از دانستن تو تا آنکه گردیده‌اند با خشوع و بر

جوارح سعت إلى أوطان تعبّدك طائعة وأشارت باستغفارك

عضوی چند که سعی کرده‌اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت و اشاره کرده بطلب آمرزش تو

مذعنة ما هكذا الظنّ بك ولا أُخبرنا بفضلك عنك يا كريم

از روی اذعان نیست چنین گمان ما بتو و چنین خبر داده نشده‌ایم بفضل تو از تو ای کریم

يا ربّ وأنت تعلم ضعفي عن قليلٍ من بلاء الدنيا وعقوباتها

ای پروردگار و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلای دنیا و عقوبتهای آن

وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه
وانچه جاري ميشود در دنيا از مكروهات بر اهل دنيا با انكه اين بلاي و ناخوشي است
قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة
كه اندك است ماندن ان وكمست بقاي ان وكوتاه است مدت ان پس چگونه تاب اورم مر بلاي
وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم
ونازل شدن و واقع شدن ناخوشيهايي كه در ان واقع است و حال انكه بلاييست دراز است مدت ان وداٸم
مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك و
اقامت ان وسبك نميشود از اهل ان زيرا كه ان نميباشد مگر از غضب تو و
انتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات والارض
وانتقام كشيدن تو وخشم تو وچنين امر نميشود كه در برابر او ايستاد و تاب اورد اسمانها و زمين
يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير
اي اقاي من پس چگونه تاب اورم ومن بنده توام ضعيف ناتوان خوار بيمقدار
المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي
تنگدست ومسكين كننده اي خداي من و پروردگار من واقاي من وبزرگ من از براي كدام
الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب
امور بسوي تو شكايت كنم واز براي كدام يك از انها نعره كشم وگريه كنم از براي عذاب دردناك
وشدته ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات
وسختي ان يا براي درازي بلا ومدت ان پس اگر واگذاري مرا در عقوبتها

مع اعدائك



مع اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني
با دشمنان خود وجمع كني ميان من وميان اهل بلا خود وجدايي افكني ميان من
وبين احبائك واوليائك فهبني يا الهي وسيدي ومولاي
وميان دوستان واولياء خود پس گرفتم اي خداي من واقاي من وبزرگ من
وربي صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك وهبني
وپروردگار من صبر كردم بر عذاب تو پس چگونه صبر كنم بر مفارقت تو و گرفتم
صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن النظر الى كرامتك ام
كه صبر كنم بر گرمي اتش تو پس چگونه صبر كنم بر محرومي از نظر تو بسوي كرامت تو يا
كيف اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي
چگونه ساكن شوم اندر اتش وحال انكه اميد من عفو تست پس بعزت تو اي اقاي من
ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك
وصاحب اختيار من قسم ميخورم راستي كه اگر واگذاري مرا سخنگو هر اينه خروش كنم بسوي تو
بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين
ميان اهل جهنم خروش اميدواران وهر اينه ناله كنم بسوي تو ناله استغاثه كنندگان
ولابكين عليك بكاء الفاقدين ولاناديك اين كنت يا ولي
وگريه كنم بر محرومي تو گريستن انان كه دوست خود گم كرده باشند وهر اينه ندا كنم كه كجايي اي دوست
المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب
مومنان واي نهايت ارزوهاي عارفان واي فريادرس ياري خواهان اي دوست

قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ أَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي

دلهای راستگویان وای خداوند عالمیان آیا یافته میشوی تو منزه میکنم ترا ای خدای من

وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ

وبحمد تو مشغولم بشنوی در جهنم صدای بنده مسلمانی را که در زندان کرده باشند او را بمخالفت او

طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ

و مزه عذاب او را بنافرمانی خود و بند کرده باشند میان طبقات جهنم بجرم و گناه او و حال آنکه

يَضِجُّ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ

خروش کند بسوی تو خروش کسی که امیدوار رحمت تو باشد و ندا کند ترا بزبان یکتاپرستان

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ

و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو ای آقای من پس چگونه باقی ماند در عذاب

وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ

و او امید دارد بآنچه گذشته است از بردباری تو و رحمت تو و مهربانی تو یا چگونه

تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيبُهَا

بدرد آورد آتش او را و حال آنکه او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا یا چگونه بسوزاند او را زبانهای آتش

وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

و تو بشنوی صدای او را و ببینی مکان او را یا چگونه مشتمل شود بر او زبانهای

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

و تو دانی ضعف او را یا چگونه مضطرب باشد در میان طبقات جهنم و تو دانی راستی او

ام کیف



أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو

یا چگونه زجر کنند او را زبانیه آتش و او ندا کند ترا که ای پروردگار یا چگونه امید دارد

فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ

فضل ترا در آزاد کردن او از آتش جهنم پس خواهی گذاشت او را در آن دور است این خیال و نیست این گمان

بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ

بتو و نه شناخته شده است از فضل تو و نه شبیه است بآنچه معامله کرده با یکتاپرستان

مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

از نیکویی تو و احسان تو پس یقین جزم دارم که اگر نه آن بود که حکم کرده‌ای که عذاب

جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ

منکران خداوندی خود را و مقرر گردانیدی که همیشه در جهنم داری معاندان خود را هر آینه میگردانیدی

كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لَكِنَّكَ

همه سرد و سلامت و نبود واحدی را در آن محل قراری و جایی اقامتی ولیکن تو

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ

منزه است نامهای تو قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از پریان

وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ

و از میان آدمیان همگی و اینکه همیشه داری در جهنم منکران خداوندی خود را و تو که بزرگ است ثنای تو

قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ

گفته و ابتدا کرده و بخشش کرده به نعمت دادن کرم کننده این که گفته آیا کسی بود مؤمن چون کسی

كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة
كه بوده باشد فاسق مساوی نیستند ای خدای من و ای سید من پس سؤال میکنم از تو بقدرتی
التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من
که مقدر کرده آنرا و بحکمی که حتم کرده آنرا و حکم کرده بر آن و غالب شده بر کسی
عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة
که آن حکم را بر آن جاری کرده که ببخشی مرا در این شب و در این ساعت
كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل
هر جرمی که کسب کرده ام آن را و هر گناهی که بجا آورده ام آن را و هر بدی که پنهان کرده ام آن را و
جهل عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل
نادانی که عمل کرده ام خواه پنهان و خواه آشکار خواه مخفی خواه هویدا و هر
سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم
گناهی که امر کرده به محافظت آن بزرگواران نویسندگان را آنکه موکل ساختی ایشان را
بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت
به حفظ کردن آنچه صادر میشود از من و گردانیدی ایشان را گواه بر من با اعضای من و بودی
انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك
تو مطلع بر من بغیر ایشان و گواه از آنچه پنهان است از ایشان و برحمت خود
اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير تنزله او
پنهان داشته و بفضل خود پوشانیده آن را و آنکه فراوان گردانیدی بهره مرا از هر خیری که فرود آوردی

احسان



احسان تفضله او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطا تستره
یا احسانی که بفضل نمایی یا رزقی که گشایش دهی او را یا گناهی که بیامرزی آن را یا خطایی
يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده
ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من و آقای من و بنده کی من ای آنکه بدست
ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب
اوست پیشانی من ای دانا به بدحالی من و بیچارگی من ای آگاه به فقر من و احتیاج من ای پروردگار من
يا رب يا رب اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك
ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفات تو
واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك
و اسمای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد کردن تو
معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي عندك مقبولة حتى تكون
آباد و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده تا آنکه بوده باشد
اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا
کارهای من و وردهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو پیوسته دایم
يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي يا رب يا رب
ای آقای من ای آنکه بر او است اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کنم احوال خود را ای پروردگار من
يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي
ای پروردگار من توانا گردان بر ملازمت خود اعضای مرا و محکم گردان بر عزم و نیت خود دل مرا و ببخش برای

ومالك
مالک

الجِدَّ في خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى أسرح

کوشش در ترس خود و دایم بودن و متصل بودن در ملازمت تو تا روان شوم

إليك في ميادين السابقين وأسرع إليك في المبادرين

سوی تو در میدانهای پیش گیرندگان و شتابنده شوم سوی تو در پیش گیرندگان

وأشتاق إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك دنو المخلصين و

و مشتاق گردم سوی قرب تو در میان مشتاقان و نزدیکی جویم از تو نزدیکی جستن مخلصان

أخافك مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم

و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین و گرد آیم در همسایگی قرب تو با مومنان خداوندا

ومن أرادني بسوء فأرده ومن كادني فكده واجعلني من

هرکه خواهد بمن بدی پس اراده کن او را به بدی و هرکه مکر کند مرا پس مکر کن او را و بگردان مرا از

أحسن عبادك نصيبا عندك وأقربهم منزلة منك وأخصهم

بهترین بندگان تو در بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان در مرتبه نسبت بتو و مخصوص ترین

زلفة لديك فإنه لا ينال ذلك إلا بفضلك وجد لي بجودك

در قرب خود زیرا که نمیتوان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بجود خود

واعطف علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك

و مهربانی کن بر من به بزرگواری خود و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بیاد کردن

لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن إجابتك وأقلني عثرتي

گویا و دل مرا بدوستی خود شیفته و منت نه بر من بنیکی اجابت خود و درگذر از لغزش من

واغفر زلتي



واغفر زلتي فإنك قضيت على عبادك بعبادتك وأمرتهم

و ببخش گناه مرا پس بدرستی که تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود و امر کرده ایشانرا

بدعائك وضمنت لهم الإجابة فإليك يا رب نصبت وجهي

بخواندن خود و ضامن شدی ایشانرا اجابت کردن پس بسوی تو ای پروردگار بازداشتم روی

وإليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي

و بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام دست خود را قسم بعزت تو که اجابت کن برای من دعای مرا

وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر

و برسان مرا بآرزوی من و قطع مکن از فضل خود امید مرا و بازدار از من بدی

الجن والإنس من أعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك

پریان و آدمیان را از دشمنان من ای زود خوشنود شونده بیامرز کسی را که ازو دست او نگیرد

إلا الدعاء فإنك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره

مگر دعا پس بدرستی که تو کننده ای آنچه را که خواهی ای کسی که نام او دوا است و یاد او

شفاء وطاعته غنى ارحم من رأس ماله الرجاء وسلاحه

شفا است و طاعت او بی نیازیست رحم کن کسی را که سرمایه او امید است و حربه اش

البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم

گریه است ای بخشنده نعمتها ای دفع کننده عذابها ای روشنی وحشت یافتگان در تاریکیها

يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله

ای دانایی که نیاموخته از کسی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن آنچه سزاوار آنی

وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من آله وسلم

ورحمت فرستاد خدا بر پیغمبر خود و پیشوایان صاحب برکت از آل و اولاد او و سلام کرد

تسليما كثيرا **فصل پنجم** در اعمال نصف ماه هست از حضرت

سلام فرمودن امام رضا منقولست که هر که روز از آخر ماه شعبان

را روزه بدارد و بماه رمضان وصل کند حقتعالی ثواب روزه دو ماه

متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است

که در جمعه آخر شعبان بخدمت حضرت امام رضا رفتم حضرت فرمود

که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر است پس تدارک

و تلافی کن در آنچه از این ماه مانده است تقصیرهای که در ایام گذشته

این ماه کرده پس تو باد که رو آوری بر آنچه واقع است برای تو در آخر

و دعا و استغفار بسیار بکن درین ماه و تلاوت قران مجید بسیار

بکن و توبه کن بسوی حقتعالی تا آنکه چون ماه مبارک در آید پاک شوی

و خالص کرده باشی خود را برای خدا و مگذار دینی که در گردن خود

و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه

بیرون کنی و مگذار گناهی را مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل

بر خدا در پنهان و آشکار امور خود را هر که بر خدا توکل کند خدا بس است او را

و بسیار بخوان در: اللهم ان لم تکن غفرت لنا فیما مضی من شعبان

بقیه ماه این دعا را

دعای آخر ماه شعبان





فاغفر لنا فیما بقی منه بدرستی که حقتعالی در این ماه آزاد میکند

بنده‌های بسیار از آتش جهنم برای حرمت

ماه مبارک رمضان بسندهای معتبر منقولست که حضرت صادق در شب

آخر ماه شعبان و شب اول اللهم ان هذا الشهر المبارک

ماه رمضان این دعا میخواندند خداوندا بدرستی که این ماه مبارک

الذی انزلت فیه القرآن وجعلته هدی للناس وبینات

آنچنانست که فرو فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی او را هدایت از برای مردمان و حجتها

من الهدی والفرقان قد حضر فسلمنا فیه وسلمه لنا و

از هدایت و فرق کننده میان حق و باطل بتحقیق که حاضر شده پس سالم دار ما را در آن و سالم دار آن را

تسلمه منا فی یسر منک وعافیة یا من اخذ القلیل وشکر

و سالم از جانب ما در آسانی از تو و عافیت ای آنکه گرفته عمل کم را و پاداش داده

الکثیر اقبل منی الیسیر اللهم انی اسئلک ان تجعل لی الی

بسیار را بپذیر از من عمل کم را خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی از برای من

کل خیر سبیلا ومن کل ما لا تحب مانعا یا ارحم الراحمین یا من

بسوی هر نیکی راهی و از هر چه دوست نداری بازدارنده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای آن

عفی عنی وعما خلوت به من السیئات یا من لم یؤاخذنی بارتکاب

درگذشته از من و از آنچه در خلوت کرده ام از بدیها ای آنکه مواخذه نکرده مرا بارتکاب

المعاصی عفوک عفوک عفوک یا کریم الهی وعظتنی فلم اتعظ

دعای آخر شعبان و شب اول رمضان

گناهان
درگذر از من درگذر
از من درگذر ای بزرگوار
خدایا پند دادی مرا پس
پند نگرفتم

وزحزحني عن محابيك فلم أنج منهما عذري فاعف عني يا كريم
و منع کردی مرا از محبوبات خود پس نجات نیافتم پس عذر من پس درگذر از من ای کریم
عفوك عفوك اللهم إني أسألك الراحة عند الموت والعفو
درگذشتن خود خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو آسایش را نزد مردن و درگذشتن
عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من
نزد حساب بزرگ شد گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن
عندك يا أهل التقوى ويا أهل المغفرة عفوك عفوك
نزد تو ای اهل پرهیزگاری و ای سزاوار آمرزش درگذر بدرگذشتن خود
اللهم إني عبدك ابن عبدك ابن أمتك ضعيف فقير
خداوندا بدرستی که من بنده توام پسر بنده تو و پسر کنیز توام ضعیف محتاجم
إلى رحمتك وأنت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر
بسوی رحمت تو و تو فرود آرنده توانگری و برکتی بر بندگان غالب
مقتدر أحصيت أعمالهم وقسمت أرزاقهم وجعلتهم مختلفة
توانایی شمردی کردارهای ایشان و قسمت کردی روزیهای ایشان و گردانیدی ایشان را
ألسنتهم وألوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك
زبانهای ایشان و رنگهای ایشان آفریدی ایشان را بعد آفریدن نمیدانند بندگان دانش ترا
ولا يقدر العباد قدرك وكلنا فقراء إلى رحمتك فلا
و توانا نمیشوند بندگان توانایی ترا و همه محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان



عني وجهك واجعلني من صالح خلقك في العمل والأمل و
از من روی خود را و بگردان مرا از شایسته خلق خود در کردار و امید و
القضاء والقدر إلهي أبقني خير البقاء وأفنني خير الفناء
در حکم خود و اندازه کردن ای خدای من باقی دار مرا بهترین باقی داشتن و بمیران مرا بهترین میراندن
على موالاة أوليائك ومعاداة أعدائك والرغبة إليك و
بر دوست داشتن دوستان تو و دشمن داشتن دشمنان تو و خواهش نمودن بسوی تو
الرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق
و ترسیدن از تو و فروتنی کردن و وفا نمودن و گردن نهادن برای تو و باور داشتن
بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك
کتاب تو و پیروی کردن طریقه رسول تو خدایا آنچه باشد در دل من از شک
أو ريبة أو جحود أو قنوط أو فرح أو بذخ أو بطر أو خيلاء أو
یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی یا سرکشی یا کبر یا طغیان یا کبر
رياء أو سمعة أو شقاق أو نفاق أو كفر أو فسوق أو عصيان
یا ریا یا سمعه یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا گناه یا نافرمانی
أو عظمة أو شيء لا تحب فأسألك يا رب أن تبدلني مكانه
یا بزرگی یا چیزی که دوست نداری پس سوال میکنم ترا ای پروردگار من که بدل کنی برای من
إيمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضا بقضائك وزهدا في الدنيا
تصدیق بوعده تو و وفا کردن بپیمان تو و خشنودی بحکم تو و بی رغبتی در دنیا

ورغبة فیما عندك واثق وطمأنینة وتوبة نصوحا اسالك ذلك
و خواهشمندی در آنچه نزد تست و عطایی که منفرد باشم بان و توبه خالص سوال میکنم ترا ان را
یا رب العالمین الهی انت الذی من حلمك تعصی فكانك لم تر
ای پروردگار عالمیان خدایی من تو از بردباری خود عصیان کرده شده تو و عصیان
ومن كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم یعصك
و از بزرگواری تو و بخشش تو اطاعت کرده میشوی پس گویا عصیان کرده نشده و من و کسی که نافرمانی نکرد
سكان ارضك فكن علینا بالفضل جوادا وبالخیر عوادا یا ارحم
ساکنان زمین تو پس باش بر ما بفضل عطیه بخشنده و بنیکی بسیار بازگردنده ای رحم
الراحمین وصلی الله علی محمد وآله صلوة دائمة لا تحصی
کنندهٔ کنندگان و درود کند خدا بر محمد و آل محمد رحمتی همیشه که در یافته نشود
ولا تعد ولا یقدر قدرها غیرك یا ارحم الراحمین واما نماز
و شمرده نشود و اندازه نکند اندازه آن را غیر تو ای بخشنده ترین بخشندگان های
مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد شده و علما ذکر کرده اند شب اول
صد رکعت با حمد و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه
سوره حمد شب دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین یکمرتبه شب سیم
دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید شب چهارم چهل رکعت
در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید شب پنجم دو رکعت در هر رکعت
حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل

نماز شبهای ماه شعبان

بفرستند



بفرستند شب ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب هفتم
دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید شب هشتم دو رکعت
در رکعت اول حمد و آیه آمن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید
و در رکعت دویم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید
شب نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله والفتح
شب دهم شب دهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و آیة الکرسی یکمرتبه
و سوره انا اعطینا سه مرتبه شب یازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد
و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون شب دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد
و ده مرتبه سوره الهکم التکاثر شب سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و سوره
سوره والتین شب چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سوره والعصر
شب پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا
و ده مرتبه یا رب تب علینا و بیست و یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان
الله الذی یحیی الموتی ویمیت الاحیاء وهو علی كل شیء قدیر
شب شانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه
توحید شب هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و هفتاد مرتبه توحید
و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار شب هجدهم ده رکعت در هر رکعت
حمد و پنج مرتبه توحید شب نوزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه

توحید و پنجم شب آیه قل اللهم مالک الملک شب سیم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و پانزده مرتبه سورة اذا جاء نصر الله شب بیست و یکم هشت رکعت در هر
رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین شب بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید شب بیست و سیم
سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورة اذا زلزلت شب بیست و چهارم دو رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورة اذا جاء نصر الله شب بیست و پنجم ده رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه الهکم التکاثر شب بیست و ششم دو رکعت در هر
رکعت حمد و ده مرتبه آیه آمن الرسول شب بیست و هفتم دو رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه سبح اسم شب بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و
یکمرتبه توحید و معوذتین شب بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه
و هر یک از الهکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه شب سیم دو رکعت
در هر رکعت حمد یکمرتبه و ده مرتبه سبح اسم و بعد از سلام صلوة
اللهم صل علی محمد و آل محمد باب سیم در بیان مجملی از
فضایل ماه مبارک رمضان و در آن هشت فصل است فصل اول
در بیان فضیلت این ماه مبارک است باید دانست که ماه رمضان ماه
خداست و شریفترین ماههاست چنانچه بسند معتبر از حضرت
امام رضا روایت کرده اند که حضرت رسول در آخر ماه شعبان خطبه
خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستی که رو کرده است بسوی شما

فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان





ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهیست که نزد خدا بهترین ماههاست
و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و ساعتهایش
بهترین ساعتهاست این ماهیست که خوانده اند شما را در آن بسوی
ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن
ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است
و دعای شما در آن مستجابست سؤال کنید از حق تعالی بنیتهای درست
و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای
روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی که بدعاقبت کسی است
که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی
در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران
و مسکینان خود و تعظیم نمایید پیران خود را و رحم کنید کودکان
خود را و نوازش نمایید خویشان خود را و نگاه دارید از آنچه نباید گفت
و بپوشید دیده خود را از آنچه حلال نیست شما را از نظر کردن بسوی
آن و باز دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن
و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما
و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین
ساعتهاست و نظر رحمت میکند حق تعالی در این اوقات بسوی بندگان

وجواب میدهد ایشانرا هرگاه اورا مناجات کنند ولبیك میگوید ایشانرا
هرگاه اورا ندا کنند ومستجاب میگرداند هرگاه اورا دعا کنند ای گروه
مردمان بدرستی که نفسهای شما در گرو کردهای شماست پس از گرو
بدر آورید بطلب آمرزش از خدا وپشتهای شما گران بار است از گناهان
شما پس سبك گردانید آنهارا بطول دادن سجدهها وبدانید که حقتعالی
سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازکنندگان و
سجدهکنندگان را ونترساند ایشانرا باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس
هرکه از شما افطار نماید روزهدار مومنی را در این ماه از برای خوشنودی
خدا ثواب بنده آزاد کردن وآمرزش گناهان گذشته پس بعضی
صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود بپرهیزید
از آتش جهنم بافطار فرمودن روزهدار اگرچه بنصف خرما باشد
اگرچه بیك شربت آب باشد بدرستی که خدا این ثواب را میدهد کسی که
چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هرکه خلق خود را
در این ماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد
وهرکه سبك گرداند در اینماه خدمت غلام وکنیز خود را حقتعالی در قیامت
حساب اورا آسان گرداند وهرکه در این ماه شر خود را از مردم باز دارد
حقتعالی غضب خود را در قیامت از آن باز دارد وهرکه در این ماه یتیم را
گرامی دارد خدا اورا در قیامت گرامی دارد وهرکه در این ماه صله واحسان

کند با



کند با خویشان خود خدا وصل کند اورا برحمت خود وهرکه در اینماه قطع
احسان از خویشان خود بکند خدای عز وجل در قیامت قطع رحمت
خود از آن بکند حقتعالی برای او برات بیزاری از آتش بنویسد وهرکه
در اینماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز
واجب که در ماههای دیگر کرده شود وهرکه در اینماه بسیار صلوات فرستد
بر من وبر اهلبیت من خدا سنگین گرداند ترازوی عمل اورا در روزی که ترازوی
اعمال سبك باشد وکسی که یك آیه از قرآن در این ماه بخواند گویا داشته باشد
که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستی که درهای
بهشت در این ماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر
شما نگشاید ودرهای جهنم در این ماه بسته است پس سوال کنید
که بر شما نگشاید وشیاطین را در اینماه غل میکنند پس سوال کنید از خدا
که هرگز بر شما مسلط نگردد وایضا از حضرت امیر المؤمنین منقولست که در
ماه رمضان خطبه خواندند وفرمودند ایها الناس این ماهیست که خدا
اورا بر سایر ماهها فضیلت وزیادتی داده است مانند فضیلت اهل
بیت بر سایرین ودر این ماه گشوده میشود درهای آسمان ودرهای بهشت
ودرهای رحمت وبسته میشود درهای جهنم ودر این ماه شنیده
میشود نداهای مومنان ومستجاب میشود دعاهای ایشان ورحم میکند
گریههای ایشانرا ودر اینماه شبی هست که در آن شب ملائکه از آسمان

دیگر نماز سستی ودر این کند

درهای بهشت

بزمین می‌آیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار بر حسب
پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حقتعالی مقدر کرده است
در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه آدم را خلق کند بدو هزار سال
عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و در روز روزش بهتر است
از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستی که آفتابهای ماه رمضان و
طالع میشوند بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و اینماه شهر اللّٰه
ماهها دیگر نیست روزهاش بهترین روزهاست و شبهایش
بهترین شبهاست و دیوان و شیاطین در اینماه غل کرده و در بند
و زیاد میکنند در این ماه روزیها و عمرها را و مینویسند و مقدر
میگردانند در این ماه حاجیان بیت الله را و در اینماه حقتعالی روی میکند
بسوی اهل ایمان بآمرزش و فیروزی و رحمت و روزی و خوشنودی
خداوند جزا دهندهای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستی که در این ماه
مهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل نما چگونه خواهی بود در شب خود و روز
روز خود نگاه میداری اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار
خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی
پس بیرون رود ماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامی که
روزه داران مزدها خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی و در وقتی
که کرامت آقای خود فایض گردد تو از جمله محرومان باشی و در هر روز





که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از
راندۀ شده گان باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود
بیرون کرد بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند ترا
پروردگار تو کی روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند کی ترا
گرامی خواهد داشت ترا و اگر او ترا ذلیل گرداند کی ترا عزیز خواهد
کرد و اگر او ترا واگذارد کی ترا یاری خواهد کرد و اگر او ترا از بنده
گان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او
لغزشها و گناهان ترا نیامرزد امید بکی خواهی داشت برای آمرزش
گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید
چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه دار تقرب بسوی خدا بتلاوت
کردن کتاب خدا در شبها و روزها اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت
کننده ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت
میکند برای آنها که تلاوت آن کرده اند پس بالا میروند بر درجات
بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر
نفسی که در این ماه میکشی ثواب تسبیح در نامه عمل تو مینویسند و خواب
تو در این ماه عبادتست و طاعت در این ماه مقبولست و گناهان
تو در این ماه آمرزیده است و آوازهای تو بدرگاه خدا شنیده
شده است و بمناجات تو نادری که با خدا میگویی بر تو رحم میکند بدرستی که

کہ شنیدم از حبیب خود حضرت رسول که خداوند عالمیان را در هر شب
از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کرده‌هاست از آتش جهنم که
عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند چون شب آخر ماه میشود در آن شب
بمثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است وایضا فرمود که هر کس ماه
رمضان روزه بدارد و نفس خود را از چیزهایی که خدا حرام کرده است
نگاه دارد بهشت البته او را واجب گردد و هر که در اینماه روزه دارد
در هیچ شب از شبهای آن افطار بحرام نکند البته داخل بهشت گردد
پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیاء که فرمود بهترین او
صیاء بعضی از در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم که بهترین
ماهها کدام است وبهترین اوصیا کیست فرمود بهترین ماهها ماه
رمضان است وبهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این
خواهد بود فرمود بلی بحق پروردگار که دوم بدبختی که برانگیخته میشود
بدبخت‌ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خوا
هد زد که ریش مبارک تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع
بگریه و فغان کردن حضرت از منبر بزیر آمد وایضا از حضرت رسول
منقول است بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس هر که دو شب را و ماه
پس روزه داران را و بایستد بنماز و عبادت قدری از شب آنرا
و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه ان

وبامداد



حقیقت صوم

بیان چیزهائی که روزه را باطل میکند

و بامداد بنماز عید آن حاضر شود پس چنانکه ثواب شب قدر
وقایع میکند بجایزها و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند
بخششهای بندگان نیست فصل ششم در بیان حقیقت روزه است
و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی
چند که روزه را میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی جانب
مشرق بنابر مشهور یا پنهان شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن
شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است با نیت
قربت پس باید که بداند این چیزها را تا نیت تواند کرد چون میان علما اختلا
ف بسیار هست در آنها اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا تمام
کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متفق باشد وجوب ترک آنها بعنوان
وجوب آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچه دغدغه
مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد ترک جمیع محرمات
را هم کند بهتر است و آنها که ترک آنها واجب است اول و دوم چیزی خوردن
و چیزی آشامیدن است و چیزی که خوردن و آشامیدن آن متعارف
و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا
و کفارات هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد
مانند آنکه در دماغ یا در گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل
خلاف است و همچنین خلاف است در خوردن و آشامیدن چیزی چند

که متعارف مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها مانند چوب و سنگ
و خاک و گیاهها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر
آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجب است و احوط
آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد **سیم** جماع کردن در قبل
زن مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و کفاره
میشود بخلاف جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل
میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور آنست که جماع در زن
در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی
مبطل نمیدانند و اول اولیست **چهارم** باقی ماندنست بر جنابت تا صبح
و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است
و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا تنها واجب دانسته اند و احوط
که اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل کند و اگر نکند احوط آنست
که غسل کند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند
و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند و تیمم را
نشکند تا صبح بشود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت
غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است
و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روز بر او واجب
نیست و بعضی واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست





که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و کفاره
لازم است و این احوط است اگر چه در دلیل سخنی هست و مشهور
در خواب دویم وجوب قضاست و این قول اقویست بلکه خلافی
در آن ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد آنست که در خواب
سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است و قوی
عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد آنست
که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب دویم دارد چنانچه
والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این احوط است بلکه خالی از قوتی نیست
و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه رمضان خلافست که آیا باید صبح را
پاک دریابد یا نه و حق آنست که در قضای ماه رمضان میباید صبح جنب
نباشد و در غیر قضا احوط آنست که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین
نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد
و قضا نیز بکند و اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار
نباشد و اگر بدهد احوط است و در روزه سنت اگر بر جنابت عمدا بماند
تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر
روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک کند
و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه اش باطل است
و قضا میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت

واترك كند تا زوال نيت ميتواند كرد در واجب غير معين تا زوال
نيت ميتواند كرد اگرچه قضاي ماه رمضان باشد و در روزهٔ
سنت خلافي نيست و اگر در شب نيت نكرده باشد و مفطري
بعمل نياورده باشد تا اول زوال نيت ميتواند كرد و بعد از زوال
خلافست بعضي گفته اند تا نزديك بشام نيت ميتواند كرد و جمعي
از محققين علما باين قايلند و نزد فقير اقوي ايست و بعضي گفته اند
بعد از زوال نيت ميتواند كرد و بعضي گفته اند كه اگر پيش از زوال
نيت كند ثواب روزهٔ تمام روز را مي يابد و اگر بعد از زوال نيت
كند ثواب روزهٔ بعد از نيت تا شام مي يابد **پنجم** رسانيدن
غبار غليظ است بحلق و بعضي اين را موجب قضا و كفاره ميدانند
و بعضي قضا تنها و بگمان فقير مبطل نيست و احوط رعايت مشهور
و بعضي از متاخرين ملحق ساخته بغبار غليظ دود غليظ و بخار غليظ
كه از ان اجزا منفصل شود چون دود تنباكو و بخار ديگ و اظهر عدم بطلان
و احوط اجتناب است حتي از دود تنباكو **ششم** استمنا است يعني طلب
نزول منيست باحصول ان و موجب قضا و كفاره است و مشهور انست
هرگاه ملامسه و ملاعبه كند و انزال شود روزه او باطل مي شود
و قضا و كفاره لازم است و بعضي در اين تامل نموده اند خصوصا وقتي
كه نسبت بحلال خود باشد و عادت انزال نباشد و احوط بلكه اقوي

وجوب قضا



وجوب قضا و كفاره است و در نظر كردن بزن حلال و حرام يا صحبت
انها شنيدن يا بخيال خود اوردن هرگاه باعث امدن مني و قصد
انزال نداشته باشد و بان معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب
قضا و كفاره است **هفتم** قي كردن است عمدا و اكثر موجب قضاي
تنها ميدانند و بعضي قضا و كفاره هر دو را واجب ميدانند و بعضي
هيچيك را واجب نميدانند و مسئله مشكل است و وجوب قضاي تنها
خالي از قوتي نيست و مشهور انست كه هرگاه قي بي اختيار ايد بر او قضا
نيست و بعضي قضا را واجب دانسته اند و اين قول ضعيف است **هشتم**
حقنه است و بعضي موجب قضا و كفاره هر دو دانسته اند و بعضي
موجب قضا تنها و بعضي حرام دانسته اند و موجب هيچيك ندانسته
اند و بعضي حقنه مايع را موجب قضا دانسته اند و حقنه جامد را
نه شياف مكروه دانسته اند و بعضي مطلقا مكروه دانسته اند و اين قول
قويست و احوط انست كه بدون ضرورت حقنه مايع نكنند و اگر بكنند
قضا بكنند و اشهر و اقوي انست كه چكانيدن دوا در گوش موجب
فساد صوم نمي شود و سعوط در بيني هرگاه تعدي بحلق نكند **ايضا**
اقوي انست كه جايز است و بعضي موجب قضا و كفاره دانسته اند
و اگر بحلق رسد احوط اجتنابست **نهم** دروغ گفتن است بر خدا و رسول
و ائمه ع بانكه حديث دروغي نقل كند يا مسئله خلافي واقعي بگويد بلكه

کسی را اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد و مسئله نیکو بداند در حرمت
آن شکی نیست و بعضی دود دخانی را موجب قضا و کفارت میدانند
و بعضی میگویند که موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست
و احوط آنست که اگر بکند قضا کند و کفارت بدهد دهم سر فرو
بردن در آبست و جمعی آن را موجب قضا و کفارت میدانند و بعضی
موجب قضای تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب مبطل
نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمتست و عدم وجوب
قضا و کفارت و بعضی گفته‌اند که اگر سر را باب فرو برد تا گردن و بدن
بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوطست و بعضی گفته‌اند
که اگر فرو برد منافذ سر را دفعه هرچند منابت مو بیرون باشد باز حکم
ارتماس دارد و این احوطست و احوط آنست که در روزه سنت نیز سر
باب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده‌اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که
از سینه برآید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قولست
اول جواز ابتلاع آنچه بیرون آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود
و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هردو قسم مادام که بدهن
نرسد و تحریم ابتلاع هردو هرگاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه
و سر و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده
و بعضی بقضای تنها قایل شده‌اند و بعضی کفارت را نیز واجب میدانند

وبعضی



و بعضی بکفارت قایل شده‌اند و گمان فقیر آنست که هیچیک لازم نمیشود
و اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بفضای دهن بیاید فرو نبرد
دوازدهم مشهور میان علما آنست که مکروهست که زن روزه
دار در میان آب نشیند و بعضی گفته‌اند که هرگاه تا کمر در آب بنشیند
قضا بر او لازم است و بعضی کفارت را نیز لازم دانسته‌اند و اول اظهر
است و در جاویدن قند را و مصطکی که اثر فرو برد بعضی حرام
دانسته‌اند و بعضی موجب قضا دانسته‌اند و اظهر جوازست و مشهور
میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه
اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص
شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است در وقت خوردن یا آشامیدن اگر
ملاحظه کرده باشد مثلا و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه
نکرده باشد خورده باشد واجبست و کفارت واجب نیست و اگر کسی
مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا
بر او نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته‌اند قضا بر او واجبست
و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته‌اند
و این احوطست و اظهر عدم وجوبست مطلقا و در روایتی وارد شده
که از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد و احوطست فصل سیم در
و آداب روزه است مکروهست روزه دار را بوسیدن زنان و دست مالیدن

ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که
کراهیت مخصوص بصورتی نیست که اینها محرک شهوت او باشد و خوف
وقوع در جماع نداشته باشد و مکروهست بچشم کشیدن چیزی
که از اطعمه باشد که بحلق رسد یا در دهان مشکی باشد و مشهور کراهیت
بیرون آوردن خونست از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت
احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن در حمام که مضعف
باشد و مکروهست بوییدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک را
هم نبوید و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنت است واز حضرت
صادق منقولست که طیب تحفه صائم است و فرمود که هر که روزه دارد
که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نگردد و اشهر و اقوی آنست
که بوییدن رایحه غلیظ مفطر نیست و بعضی گفته اند بوییدن رایحه غلیظ
که بجوف رسد موجب قضا و کفارت میشود و احوط آنست که بوی خوش
ساییدن که بدماغ بالا رود و نبوید چنانچه در روایت وارد شده است و مکروه
که صائم جامه ملاصق بدن خود را تر کند و مکروهست زن صائمه در آب
نشیند چنانچه گذشت واز حضرت صادق منقولست که هرگاه روزه داری
میباید که روزه باشد گوش و چشم و موی تو همه و پوست و جمیع اعضای
تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید روز روزه تو
مانند روز افطار تو نباشد ایضا از آنحضرت منقولست که فرمود که د



نه همین از خوردن و آشامیدنست تنها بلکه باید که در روز روزه
نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را
از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید
و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز
و دشنام مدهید و فحش مگویید و ستم مکنید و بیخردی مکنید
و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش
باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از
اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم
و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بآخرت
دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد باشید و آرزومند ثواب
آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای آخرت بردارید و بر شما باد بآرام دل
و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت و مثل بنده که از آقای خود
ترسد و ترسان باشید از عذاب خدا امیدوار باشید رحمت او را باید که
پاک باشید ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها و پاکیزه
باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجویی بسوی خدا از آنچه غیر اوست و خالص گردانی
از آنچه حق تعالی نهی کرده است تا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خدا و از حق
آنچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را
بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای همت

او و یاد او و بدن خود را بکار فرمایی در انچه خدا تعالی امر کرده است
یا ان و خواندن است بسوی ان اگر همه اعضا را بعمل ورزی انچه سزاوار
روزه داشتن است بعمل اورده و فرمود که خدا را اطاعت کرده وانچه
کم کنی از انها که بیان کردم از برای تو بقدر ان از روزه تو کم میشود
از فضل ان و ثواب ان بدرستی که پیغمبر گفت که رسول خدا شنید که زنی
در روزه جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و ان زن را گفت
بخور زن گفت من روزه ام حضرت فرمود چگونه روزه که جاریه خود را
دشنام دادی روزه همین از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی
حقتعالی روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از گفتار بد و کردار
بد چه بسیار کم اند روزه داران و بسیار اند گرسنگی کشندگان و حضرت
امیر المؤمنین فرمود که بسیار است روزه داری که بهره نیست او را از
روزه بغیر از گرسنگی و تشنگی و چه بسیار عبادت کنندگان که نیست او را
بهره از عبادت بغیر از تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر است از بیداری
و عبادت احمقان است و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه
داشتن بیخردانست زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر
واقع میشود از جمله عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم
قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار
غیب برؤیای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب ایشان

وافطار

اداب دخول ماه رمضان

و افطار خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی که حقتعالی
خواسته افطار مینمایند بهتر است از روزه گرفتن احمقان
که روزه را دستگاه خودفروشی خود کرده اند و بریا و عجب ممزوج
میگردانند و بشرایط صوم عمل نمیکنند **فصل چهارم** در بیان
اداب دخول ماه رمضان است سنت که طلب هلال ماه رمضان
و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که چون هلال ماه رمضان دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله
کن و دستها را بسوی خدا ربی و ربک الله رب العالمین اللهم
بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار عالمیان خداوندا
اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والمسارعة الی
والاسلام
طالع گردان بر ما با ایمانی و امان و سلامتی و اسلام و شتافتن بسوی
ما تحبّ و ترضی اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا
انچه دوست میداری و پسندی خداوندا برکت ده ما را در این ماه و روزی کن ما را
خیره و عونه واصرف عنا ضرّه و شرّه و بلاءه و فتنته
نیکوئی ان و مدد کردن ان و بگردان از ما بدحالی ان و شر ان و بلای ان و
و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و ابن عقیل این دعا را
در وقت رؤیت هلال ماه الحمد لله الذی خلقنی و خلقک
مبارک و واجب دانسته است سپاس مر خدای را که افرید مرا و آفرید

اهلّه علینا اهلالاً مبارکاً اللهم

وقدّر ه منازل لک وجعلک مواقیت للناس اللهم ادخله
وتقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا وقتها برای مردمان خداوندا داخل گردان او را
علینا بالسلامة والاسلام والیقین والایمان والبرّ والتقوی
برما با سلامتی و اسلام و یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزگاری
والتوفیق لما تحب وترضی ودرشب اول ماه جماع با حلال
و توفیق و مددی برای آنچه دوست داری و پسندی خود سنت است از حضرت صادق
منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری
و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان دیگر و در
حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند
خارش بدن در ان سال باو نرسد وایضا منقولست که چون ماه
رمضان داخل میشد حضرت صادق فرزندان خود را وصیت میفرمود
که اهتمام کنید و سعی نمایید در اینها در عبادت که در این ماه روزیها
قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه
مقدّر میشوند و در اینماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه حضرت
امیر المؤمنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا
بدرستی که دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان
شما را و زیارت حضرت امام حسین در شب اول ماه رمضان سنت است
و از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب

بزن



میان یا شب آخر زیارت آنحضرت کند گناهان از آن بریزد مانند برگ
از درختان و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد
شده باشد و ثواب حج و عمره خدا او را عطا نماید ایضا از آنحضرت
منقولست که هر که در هر شب ماه رمضان سوره انا فتحنا در نماز نافله
بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان دو رکعت نماز بجا آورد
در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند از حقتعالی
از او کفایت شر و بکند خدا او را کفایت کند از آنچه میترسد در این
ماه و حفظ کند او را از آنچه میترسد و از بیماریها و دردها و نماز را
نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قران میتوان خواند و اگر در شب
اول ماه نیت روزه تمام ماه را بکند باز هر شب نیت کند بهتر است
و نیت چنین میکند که قصد میکند که فردا روزه ماه رمضان
میدارم واجب قربة الی الله و در روز اول ماه سنت است که غسل
کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق
منقولست که چون اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها
در تمام سال ایمن باشد وایضا از آنحضرت که هر که در روز اول این
ماه کفی از گلاب بر رو بزند از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز
بکند در آن روز از بلاها ایمن گردد و هر که این کند از گلاب ...

اول ثلث سیر برید دران سال از مرض سر سالم ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت
امام محمد تقی منقولست که در اول ماه دو رکعت نماز بکذارد در رکعت اول
بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه
سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند بانچه میسر شود سلامتی
تمام آن ماه را خریده است و در اللّهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت
روز اول این دعاست بار خدایا بتحقیق که حاضر شد ماه رمضان و تحقیق واجب
علینا صیامه وانزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات
بر ما روزه داشتن آن را و فرو فرستادی در آن قرآن را در حالتی که راهنمای مردمان است
من الهدی والفرقان اللهم اعنا علی صیامه وتقبله منا و
از راه نما و جدا کننده حق و باطل خداوندا مدد کن ما را بر روزه داشتن و بپذیر او را از ما و
تسلّمه منا وسلّمه لنا فی یسر منک وعافیة انک علی کل شیء قدیر
و قبول کن او را از ما و سالم دار او را از ما در توانگری از تو و عافیت بدرستی که تو بر هر چیز
وایضا از حضرت صادق منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت
رسول این اللّهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان
دعا میخواندند خداوندا بدرستی که داخل شد ماه رمضان بار خدایا ای پروردگار ماه رمضان
الذی انزلت فیه القرآن وجعلته بینات من الهدی والفرقان
آنکه فرو فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی او را معجزهای روشن و راه نمای
اللهم فبارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی صیامه وصلواته وتقبله

برکت ده برای در ماه رمضان ... مدد کن ما را بر روزه داشتن ... و نماز آن و بپذیر آن را از ما



وایضا بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان
یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد
سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد حق تعالی جمیع بدیها
را از او دران سال دفع کند در حفظ خدا باشد و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه
کامله بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران
بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه
مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند
این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای خدا و نه بنا
اعراض فاسده در بار بخواند دران سال باو نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی
که ضرر رساند بدین او یا بدن او ان حق تعالی او را حفظ کند از شر انچه دران
سال واقع میشود اللهم انی اسالک باسمک الذی دان له
از بلاها و دعا اینست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم بر اسم تو آن نامی که ذلیل
کل شیء وبرحمتک التی وسعت کل شیء وبعظمتک التی تواضع
همه چیز و برحمت تو که فرا گرفته هر چیزی و بعظمت تو آنکه فروتنی
لها کل شیء وبعزتک التی قهرت بها کل شیء وبقوتک التی خضع
برای آن هر چیز و بعزت تو که قهر و غلبه نمود هر چیز را و بتوانایی تو که پستی نمود
لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت کل شیء وبعلمک الذی احاط بکل
برای آن همه چیز و به بزرگواری تو که غلبه نمود هر چیز را و بدانش تو که فرو گرفته

شيء يا نور يا قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله

چيزی را ای روشنی ای بسيار منزه ای اول پيش از هر چيزی وای باقی پس از هر چيزی ای خدا

يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير

ای بخشاينده رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبيامرز برای من گناهانی را که متغير ميكند

النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي

نعمتها و بيامرز برای من گناهانی را که فرود می‌آورد عذابها و بيامرز برای من گناهانی را

تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء واغفر لي

که ميبرد اميدها را و بيامرز برای گناهانی را که غالب ميكند دشمنان را و بيامرز برای

الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي تستحق

گناهانی را که بر ميگرداند دعا را و بيامرز برای من گناهانی که سزاوار ميكرديم بسبب

بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء

فرود آمدن بلا را و بيامرز برای من گناهانی را که باز ميدارد باران آسمان

واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي

و بيامرز برای من گناهانی را که بر ميدارد پرده‌ها را و بيامرز برای من گناهانی که

تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي

بشتاب می‌آورد فنا را و بيامرز برای من گناهانی را که در عقب می‌آورد پشيمانی و بيامرز

الذنوب التي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام

گناهانی را که ميدرد پرده عصمت را و بپوشان مرا زره محکم خود که قصد کرده نشود

كرزانش ميكند پرده‌ها را



وعافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه

و عافيت بخش مرا از شر آنچه ميترسم در شب و روز در آينده سال من اين سال

اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما

خداوندا پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمينهای هفتگانه و آنچه در آنست و آنچه

بينهن ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم

در ميان آنهاست و پروردگار عرش عظيم است و پروردگار سورهای هفتگانه و قرآن عظيم

ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه

و پروردگار اسرافيل و ميكائيل و جبرئيل و پروردگار محمد رحمت فرستاد خدا بر او

وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسألك بك وبما سميت

و آل او بزرگ فرستاده‌گان و ختم پيغمبران درميخواهم از تو بحرمت تو و آنچه نام

به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور

بردی نفس خود را ای بزرگ مرتبه تويی آنکه بخشش ميکنی بخشش بزرگ و دفع ميکنی هر ترس

وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثير

و عطا ميفرمايی هر عطای وافری را و چندين برابر ميکنی نيکيها در مقابل عمل کم و عمل بسيار

وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيته

و ميکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدا ای بخشاينده رحمت فرست بر محمد و اهل خانه او

والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي بنورك واحببني

و بپوشان مرا در آينده سال من اين سال پرده خود و درخشان کن روی مرا بروشنائی خود

دوست دار مرا

بمحبتك وبلّغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطيتك
به دوستی خود و برسان مرا بخشنودی خود و نوازش بلند پایه تو و عطیه بزرگ تو

واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من
و عطا کن مرا از بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا فرمایی به یکی از

خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى ويا سامع
آفریدگان تو و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت و ای شنوا

كل نجوى ويا عالم كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل
همه رازها و ای دانای و ای دانای

خفية ويا دافع ما تشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز
پنهانی و ای دافع آنچه خواهی از بلا ای کریم ای درگذرنده ای نیکو تجاوز

توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد صلى الله عليه
بمیران مرا بر ملت ابراهیم و دین او و بر دین محمد رحمت فرستاد خدا بر او

وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك ومعادياً
و آل او و طریقه او و بر بهترین مردن پس بمیران مرا حالانکه دوست باشم دوستان ترا و دشمن

لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل
دشمنان ترا خداوندا و دور گردان مرا در این سال از هر کرداری یا گفتاری یا فعلی

يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه
دور سازد مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک گرداند مرا بتو در این سال

السنة



السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون
سال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و باز دار مرا از هر عملی یا گفتاری یا فعلی که باشد

مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذار ان
از من که میترسم ضرر عاقبت آن را و میترسم دشمنی ترا بجهة خوف از آنکه

تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصا من حظ لي عندك
بگردانی روی خود را از من پس مستحق گردم بسبب آن کم کردن از بهره که مرا

يا رؤف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك
ای مهربان ای مهربان خداوندا بگردان مرا در آینده سال من این در حفظ خود

وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز
و در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا بپوشش عافیت خود و ببخش مرا نوازش خود عزیز است

جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالح
همسایه تو و بزرگ است ستودن تو و نیست سزاوار پرستش غیر تو خداوندا بگردان مرا پیرو نیکوکار

من مضى من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق
آنکه گذشته است از دوستان تو و در پیوند مرا بایشان و بگردان مرا منقاد برای آنکه گویا است براستی

عليك منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي
بر تو از ایشان و پناه میگیرم بتو خداوندا از آنکه فرو گیرد مرا گناه من و ستم من

واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي
و از اندازه گذشتن من بر نفس من و پیروی من مر خواهش مرا و مشغول شدن من بخواهشهای من

فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فاكون منسيا

پس حايل شود آن ميان من وميان رحمت تو وخوشنودي تو پس بوده باشم فراموش

عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل

نزد تو قابل پيش آينده مر غضب ترا وعذاب ترا خداوندا توفيق ده مرا براي هر

عمل صالح ترضى به عني وتقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت

كردار شايسته كه خشنود شوي بسبب آن از من ونزديك كردن مرا بسوي خود اي خدا پس چنانچه

نبيك محمدا صلى الله عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت

از پيغمبر خود محمد رحمت فرستادي خدا بر او وآل او شدت دشمن او وگشودي اندوه او

غمه وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك

غم او وراست نمودي براي او وعده خود را ووفا كردي از براي او عهد خود را خداوندا پس بآن

فاكفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها

دفع كن از من خوف اين سال وآفات وبيماريهاي آن وآشوب آن وبديهاي آن را

واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية

واندوهاي آن وتنگي معاش در آن وبرسان مرا برحمت تو بكمال عافيت

بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسألك سؤال من اساء

بتمامي هميشه نعمت نزد من تا آخر مدت عمر من سوال ميكنم ترا مانند سوال كسي كه بد كرده

وظلم واستكان واعترف واسألك ان تغفر لي ما مضى من

وستم كرده وفروتني كرده واعتراف كرده وميخواهم از تو اينكه بيامرزي مرا آنچه را گذشته

الذنوب



الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام ملائكتك

از گناهاني كه فرا گرفته آنها را فرشتگان تو وشمرده آنها را بزرگواران فرشتگان تو

علي وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى

بر من واينكه نگاه داري مرا اي خداي من از گناهان در آنچه باقي مانده از عمر من تا آخر اجل

اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيته وآتني

ووعده من اي خدا اي بخشاينده اي مهربان رحمت فرست بر محمد واهل خانه او وعطا كن

كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني بالدعاء

هر آنچه سوال كردم از تو ورغبت كردم بسوي تو در آن پس بدرستيكه امر كردي مرا به دعا

وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين **فصل پنجم** در اعمال

وضامن شدي براي من باجابت اي رحم كننده ترين رحم كنندگان هر شب وهر روز ماه

مبارك رمضان است از حضرت صادق وموسى بن كاظم منقولست

كه بعد از هر نماز در ماه يا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم انت الرب

مبارك اين دعا بخوانند اي بلند مرتبه اي بزرگ اي آمرزنده اي رحيم توئي پروردگار

العظيم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وهذا

عظيم بزرگ آنكه نيست مانند او چيزي واو شنوا وبيناست واين

شهر عظمته وكرمته وشرفته وفضلته على الشهور

ماهيست كه بزرگ گردانيدي آن را وگرامي داشتي او را وزيادتي دادي آن را بر ماهها

وهو الشهر الذي فرضت صيامه علي وهو شهر رمضان

اعمال هر شب وهر روز ماه رمضان

ودر آن
ماه نازل گردانيدي
كه واجب گردانيدي
روزه داشتن او را بر من
واو ماه رمضان است

الذی انزلت فیه القرآن هدًی للناس وبیّنات من الهدی
که فرو فرستادی در ان قران را که راه نماینده است و بیانست و حجتهای روشن از راه
والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها خیراً من
و جدا کننده حق از باطل و گردانیدی در ان شب قدر را و گردانیدی آن شب را بهتر از
الف شهرٍ فیا ذا المنّ ولا یُمنّ علیک منّ علیّ بفکاک رقبتی
هزار ماه پس ای خداوند عطا و منت که داشته نشود بر تو منت بر من بخلاص نمودن گردن
من النار فیمن تمنّ علیه وادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین
از آتش در زمره آنانکه منت گذارده بر او و داخل گردان مرا در بهشت برحمت خود ای مهربانترین مهربانان
ودعا بسیار خوبیست واقلا شبی یکمرتبه خوبست خوانده شود وایضا
منقولست که هر که در هر شب ماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل
ساله او آمرزیده شود اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن
ای خداوند ای پروردگار ماه رمضان که فرو فرستادی در ان قران را
وافترضت علی عبادک فیه الصیام صلّ علی محمد وآل محمد
و واجب گردانیدی بر بندگان خود در ان روزه داشتن را رحمت فرست بر محمد و آل محمد
وارزقنی حجّ بیتک الحرام فی عامی هذا وفی کل عام واغفر
و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در سال من این و در هر سال و بیامرز
لی تلک الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک یا رحمن یا علّام
برای من آن گناهان بزرگ را پس بدرستیکه نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشاینده

وایضا



وایضا در هر شب هزار مرتبه سوره انا انزلناه سنت است خواندن
وصد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر شود و سحور خوردن در سحر
هر شب ماه مبارک مستحب است واز حضرت رسول منقولست که
ترک نکند امت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرما باشد و ایضا
از آنحضرت منقولست که حقتعالی وملائکه صلوات میفرستند بر آنها
که استغفار میفرستند در سحرها و سحور میخورند اگرچه بیک شربت
آب باشد و بهترین سحورها قاووت و خرماست وایضا فرموده که سحور
بخورید اگرچه بیک جرعه آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد
بر سحور خورندگان واز حضرت صادق منقولست که هر که سوره انا انزلناه
در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت ثواب
کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده
باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکنند بهتر است و
از اول شب یا آخر شب نیت میتوان کرد و همین که میدانند و قصد دارند
که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است واما آداب افطار
سنت است که اول نماز شام بکند و بعد از ان افطار کند مگر آنکه
جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی یا تشنگی بر او غالب شده باشد
و مانع حضور قلب او باشد در نماز در این دو صورت افطار را مقدم
داشتن بهتر است و در وقت افطار سوره انا انزلناه خواندن سنت است

چنانچه دانستی و از حضرت رسول منقولست که هر که در وقت افطار
بگوید یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرک اغفرلی الذنب
ای بزرگ ای بزرگ تویی خدای که نیست خدایی غیر تو بیامرز برای من گناه بزرگ
العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم از گناهان بیرون
بدرستی که نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ رود مانند روزی
که از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام حسن منقولست که هر
روزه دار را دعای مستجاب است پس باید در لقمه اول بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم یا واسع المغفرة اغفرلی و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی
منقولست که در وقت افطار بگوید اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک
خداوندا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم و بر
توکلت تا خدا عطا کند بتو ثواب هر کس را که در این روز روزه داشته است
توکل کردم و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المومنین در وقت
افطار بدو زانو می نشستند و چون خوان را میگذاشتند میگفتند
اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا انک انت السمیع
بار خدایا از برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس قبول کن از ما بدرستی که تو شنوا
العلیم و در احادیث معتبر وارد شده است که حضرت رسالت پناه افطار میکردند
دانایی
بر خرما و آب یا بر طبیخ و در حدیث منقولست که آنحضرت در وقت افطار ابتدا بحلوا
میفرمودند و اگر نمی یافتند بر نبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر هیچ نمی یافتند





باب نیم گرم افطار میکردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند
معده را و قوت میدهد حدقه را و بینایی را زیاد میکند و گناهان را میبرد
و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و قطع
بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و از حضرت
رسول منقولست که هر که بر خرمای حلالی افطار کند ثواب
او چهار صد برابر مضاعف گردد و از حضرت صادق منقولست
که افطار کردن بآب گناهان دلها می شوید و در حدیث دیگر میگوید
از حضرت امیر المومنین دوست میداشت که افطار فرماید بشیرینی
و از حضرت امام رضا منقولست که هر که در وقت افطار یک گرده
نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد و ثواب یک
بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود
و بهترین اعمال در روزها و شبها تلاوت قرانست و بسیار باید خواند
چون قران در این ماه نازل شده است و در حدیث است که هر چیز را
بهاریست و بهار قران ماه رمضان است و در ماههای دیگر در ماهی
یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک رمضان
هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوبست
و در حدیث است که ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم زیاده
میکرده اند و اگر هر ختمی را ثوابش را بروح مقدس امامی از ائمه یا رسول

خدا و فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیهما هدیه کند ثوابش مضاعف میکردد
وصلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار باید کرد و لا اله الا
الله بسیار باید گفت و نافلهای شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای
طاق ماه مبارک غسل سنت است خصوصا شب پانزدهم و هفدهم
و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت
غسل نیز سنت است خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده است
که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است بسند معتبر از حضرت صاحب الامر
عم منقولست که بشیعیان نوشتند که در هر شب ماه رمضان این دعا بخوانید که دعای
این ماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند دعا اینست اللهم انی افتتح الثناء بحمدک
خداوندا بدرستی که من میگشایم ثنای خود را بسپاس تو
وانت مسدد للصواب بمنک وایقنت انک انت ارحم الراحمین
و تو توفیق دهنده ای براه صواب بمنت و بخشش خود و باور کردم که بتحقیق توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان
فی موضع العفو والرحمة واشد المعاقبین فی موضع النکال
در جایگاه عفو و رحمت و سخت عقوبت کننده ترینی در جایگاه عقوبت
والنقمة واعظم المتجبرین فی موضع الکبریاء والعظمة اللهم
و عذاب و بزرگترین بزرگواران در جایگاه بزرگواری و عظمت خداوندا
اذنت لی فی دعائک ومسئلتک فاسمع یا سمیع مدحتی واجب
دستوری دادی مرا در خواندن خود و درخواستن از خود پس بشنو ای شنوا ثنای مرا و اجابت کن

دعای افتتاح ماه مبارک رمضان

یا رحیم



یا رحیم دعوتی واقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی من کربة قد
ای مهربان دعای مرا و درگذر ای آمرزنده از لغزش من پس بسیار ای خدای من اندوه که
فرجتها وهموم قد کشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها
گشودی و رفع نمودی و غمها که بتحقیق زایل کردی آنرا و لغزشی که بتحقیق درگذشتی از آن و رحمتی که پهن کردی
وحلقة بلاء قد فککتها الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة
و حلقه بلائی که بتحقیق باز کردی آنرا سپاس مر خدائیرا که فرا نگرفت همسری را
ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
و نه فرزندی و نبوده است مر او را انبازی در پادشاهی و نبوده مر او را دوستی از
من الذل وکبره تکبیرا الحمد لله بجمیع محامده کلها علی جمیع
از خواری و به بزرگی یاد کن او را بزرگ یاد کردنی سپاس مر خدا را بهمه ستایشهای او همه آنها بر همه
نعمه کلها والحمد لله الذی لا مضاد له فی ملکه ولا منازع
نعمتهای او و سپاس مر خدا را که نیست مخالف کننده مر او را اندر پادشاهی و خصومت کننده
له فی امره الحمد لله الذی لا شریک له فی خلقه ولا شبه له
مر او را در کار او و سپاس مر خدا را که نیست انبازی مر او را اندر آفرینش او و مانندی برای
فی عظمته الحمد لله الفاشی فی الخلق امره وحمده الظاهر
در بزرگی او و سپاس مر خدا را که منتشر است در میان خلق امر او و سپاس او و هویداست
بالکرم مجده الباسط بالجود یده الذی لا تنقص خزائنه ولا
بزرگواری او و گشوده است بجخشش دست او آن خدائی که کم نمیگردد خزانهای او و نمی کند

مَنْ يَدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَكَرَماً إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ

زیاده او را بسیاری عطا مگر در بخشش و بزرگواری بدرستی که او است بسیار بخشنده خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ

بدرستی که من سؤال میکنم از تو اندکی از بسیار با احتیاج من بسوی آن احتیاج بزرگ و بی‌نیازی

عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّ

تو دیرینه است و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل و اندک است خداوندا بدرستی که

عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ

عفو تو از گناه من و درگذشتن تو از خطای من و تجاوز تو از ستم من و پوشانیدن

عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَئِي

از کردار زشت من و بردباری تو از بسیاری گناه من نزد آنچه واقع شد از خطای من

وَعَمْدِي أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي

و عمد من بطمع انداخته مرا از آنکه سؤال کنم از تو آنچه نیستم سزاوار آن از تو که روزی کردی

مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ

از رحمت خود و نمودی مرا از توانایی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود پس گردیدم

أَدْعُوكَ آمِناً وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِساً لَا خَائِفاً وَلَا وَجِلاً مُدِلّاً عَلَيْكَ

که بخوانم ترا با ایمنی و درخواهم از تو انس دارنده نه ترسان و نه بیمناک نازکننده بر تو

فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ

در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو پس اگر درنگ شود از من عتاب میکنم بنادانی خود بر تو و شاید

الذی ابطا



الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلًى

آنچه درنگ شده از من آن بهتر باشد برای من بجهت علم تو بانجام کارها پس ندیدم سید

كَرِيماً أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي

بزرگواری صبرکننده‌تر بر بنده سفله از تو بر من ای پروردگار من بدرستی که تو میخوانی

فَأُوَلِّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ

پس رو میگردانم از تو و مهربانی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم از تو دوستی میکنی با من

فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ

پس قبول نمیکنم از تو گویا که مرا احسانی هست بر تو پس منع نکرد ترا آن

مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

از مهربانی بمن و احسان بمن و بخشش بر من به بخشش خود و بزرگواری خود

فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ

پس رحم کن بنده نادان خود را و بخشش کن بر او بفضل بخشش خود بدرستی که تو بخشنده

كَرِيمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ

بزرگواری سپاس مر خدایرا که خداوند پادشاهی روان کننده کشتیها رام کننده بادها شکافنده سپیده دم

دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ

دهنده جزا پروردگار عالمیان است سپاس مر خدایرا که بردباری او است پس از علم او و سپاس

لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طُولِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ

مر خدایرا بر عفو او پس از توانایی او و سپاس مر خدایرا بر درازی مدارای او در غضب خود

وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق

و او توانا است بر آنچه اراده کند سپاس مر خدای راست آفریننده خلق گشاینده روزی

فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل والانعام

شکافنده صبح خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش و انعام

الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد

آن خدایی که دور است پس دیده نشود و نزدیکست پس گواهست بر راز نهانی منزه است و برتر است

لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله قهر

مر خدای را که نیست مر او را کوشنده که برابری کند او را و مانندی که ماند او را قهر و غلبه کرده

بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته

بر غلبه داران و فروتنی نموده برای بزرگی او بزرگان پس رسید به توانایی خود

ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة

آنچه را که خواهد سپاس مر خدای را که اجابت میکند مرا هنگامی که میخوانم او را و میپوشد بر من هر زشتی

وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة

و حال آنکه من نافرمانی میکنم او را و بزرگ میکند نعمت را بر من پس شکر نمیکنم او را پس بسیار بخشش

هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة

گوارا بتحقیق که بخشیده مرا و بزرگ که ترسنده بود که بتحقیق دفع نمود از من و نیکویی خوب

قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي

بتحقیق نمود مرا پس ستایش میکنم او را ستایش کنان و یاد میکنم او را تسبیح کنان سپاس مر خدای را که

ولا ظهير يعاضده

و نه یاوری که مدد کند او را

لا يهتك



لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله

که دریده نمیشود پرده او و بسته نمیشود درگاه او و برگردانیده نمیشود درخواست کننده او و ناامید نمیشود امیدوار او

الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع

سپاس مر خدای را که ایمنی بخشد ترسکاران را و رهاند شایستگان را و بلند

المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف

ناتوانان را و پست میکند گردنکشان را و هلاک میکند پادشاهان و جانشین میکند

آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك

دیگران را و سپاس مر خدای را درهم شکننده متکبران هلاک کننده ستمکاران دریابنده

الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات

گریزندگان عذاب کننده ستمکاران فریادرس دادخواهان قرارگاه حاجتهای

الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد

سوال کنندگان اعتماد کرده شده گروندگان سپاس مر خدای را که از ترس او مضطرب است

السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار

آسمان و قرارگرفتگان او و میلرزد زمین و ساکنان او و موج میزند دریاها

ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا

و آنکه شنا میکند در گردابهای آن سپاس مر خدای را که راه نمود ما را به این و نبودیم

لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم

که راه یابیم اگر نمینمود راه ما را خدا سپاس مر خدایی که می آفریند و

بخالق ومن رزق ولا یرزق ویطعم ولا یطعم ویمیت الاحیاء

و آفریده نشده و روزی میدهد و روزی داده نشده و بخوراند و خورانیده نشده و میمیراند زندگان را

ویحیی الموتی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء

و زنده میکند مردگان را و او زنده ایست و نمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیزی

قدیر اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک وامینک و

توانا است خداوندا خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده خود و رسول خود و امانت دار خود

صفیک وحبیبک وخیرتک من خلقک وحافظ سرک ومبلغ

و برگزیده خود و دوست خود و اختیار کرده شده تو از خلق تو و نگاه دارنده راز تو و رساننده

رسالاتک افضل واحسن واجمل واکمل وازکی وانمی و

پیغامهای تو زیادتی و بهتر و نیکوتر و کامل تر و پاکتر و فراوانتر

اطیب واطهر واسنی واکثر ما صلیت وبارکت وترحمت

و پاک تر و پاکیزه تر و بلند تر و بیشتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی

وتحننت وسلمت علی احد من عبادک وانبیائک ورسلک

و مهربانی کردی و درود فرستادی بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود و رسولان خود

وصفوتک واهل الکرامة علیک من خلقک اللهم صل

و برگزیدگان خود و آنانکه گرامی اند بر تو از خلق تو خداوندا رحمت

علی علی امیر المؤمنین ووصی رسول رب العالمین عبدک

بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار جهانیان بنده تو

و وکیلک



ووکیلک واخی رسولک وحجتک علی خلقک وآیتک الکبری

و دوست تو و برادر رسول تو و حجت تو بر همه بندگان تو و نشانه بزرگ

والنبأ العظیم وصل علی الصدیقة الطاهرة فاطمة سیدة

و خبر بزرگ و رحمت فرست بر همیشه راستگوی پاک فاطمه بزرگ

نساء العالمین وصل علی سبطی الرحمة وامامی الهدی

زنان جهانیان و رحمت فرست بر دو فرزندزاده رحمت و پیشوای راه نمایی

الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة اجمعین وصل

حسن و حسین دو بزرگوار جوانان اهل بهشت همگیان و رحمت فرست

علی ائمة المسلمین علی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن

بر پیشوایان مسلمانان علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر

محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد

محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد

والحسن بن علی والخلف الهادی المهدی حججک علی عبادک

و حسن پسر علی و جانشین و رهنمای راه یافته حجتهای تو بر بندگان تو

وامنائک فی بلادک صلاة کثیرة دائمة اللهم صل علی ولی

و امانت داران تو در شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت فرست بر دوست

امرک القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائکتک المقربین

امر تو پا ایستاده امید داشته شده و دادخواه انتظار برده شده و فرو گیر او را به فرشتگان خود

وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي
و وقت ده او را بروح القدس ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان او را خواننده
الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما
بسوی کتاب خود و بر پا دارنده دین خود خلیفه گردان او را در زمین چنانکه
استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته
خلیفه گردانیدی آنان را که بودند پیش از او دین او را که پسندیدی او را
له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا
برای او و بدل گردان برای او پس از بیم او ایمنی می پرستد ترا شریک نکند به تو چیزی
اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا
خداوندا غالب گردان او را و غالب گردان بسبب او یاری کن او را و یاری کن بسبب او یاری کن او را یاری
وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا
و بگشا برای او گشودن آسانی و بگردان برای او از نزد خود حجتی یاری دهنده
اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء
خداوندا ظاهر کن بسبب او دین خود را و طریقه پیغمبر خود را تا آنکه پنهان نماند چیزی
من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك
از حق را بجهت بیم احدی از آفریدگان خداوندا بدرستی که ما خواهش داریم بسوی تو
في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق
در دولت گرامی که عزیز داری بآن اسلام را و اهل آن را و خوار سازی بسبب آن نفاق



واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك
و اهل آن را و بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت تو و کشندگان بسوی راه تو
وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة اللهم ما عرفتنا من الحق
و روزی کنی ما را بسبب آن کرامت دنیا و آخرت خداوندا آنچه شناسانیدی ما را از حق
فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب
پس بار کن ما را و آنچه ماندیم از آن پس برسان ما را خداوندا فراهم آور بسبب او پراکندگی ما را
به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن
بسبب او شکافتگی ما را و ببند بسبب او گسستگی ما را و بسیار کن اندکی ما را و ارجمندی ده بسبب او خواری ما را و بی نیاز کن
به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا
این نیازمندان ما را و ادا کن بسبب او از صاحب قرض ما و تدارک کن درویشی ما را و بستان کن بسبب او حاجت ما را
ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به
و آسان کن بسبب او دشواری ما را و سفید کن بسبب او روهای ما را و بگشا بسبب او گرفتاری ما را و برآور بسبب او
طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به سؤلنا
حاجت ما را و روا کن بسبب او وعده های ما را و اجابت کن بسبب او دعای ما را و عطا کن بسبب او
وبلغنا به من الدنيا والاخرة امالنا واعطنا به فوق رغبتنا يا
و برسان ما را بسبب او از دنیا و آخرت آرزوهای ما را و عطا کن ما را بالای خواهش ما
خير المسؤلين يا خير المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ
ای بهترین سوال کرده شدگان ای بهترین بخشندگان شفا ده بسبب او سینه های ما را و ببر بسبب او خشم

واوسع

قلوبنا واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي

و بهای ما را و راه نمائی کن ما را سبب آن چیزی که اختلاف کرده شده است در آن از حق بحضرت خود بدرستی که تو راه می نمائی

من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا على عدوك وعدونا

آن را که میخواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را بسبب آن بر دشمن خود و دشمن ما

اله الحق امين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك

ای خدای بحق بپذیر دعای ما را خداوندا بدرستی که ما شکایت میکنیم بتو پس از نیافتن پیغمبر خود صلواتهای تو

عليه واله وغيبة ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة

بر او و آل او و پنهانی صاحب ما و بسیاری دشمن ما و کمی شمار ما و سختی

الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد واله واعنا على

آشوبها بما و یاری دادن زمانه بر ما پس رحمت بر محمد و آل محمد و مدد کن ما را بر

ذلك بفتح تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره

آن بگشایش [illegible]

ورحمة منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين

و رحمتی از خود [illegible] و عافیتی از خود که بپوشانی [illegible]

بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که در هر شب ماه مبارک این دعا [illegible]

اللهم اني اسألك ان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم

خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو اینکه بگردانی در آنچه حکم کنی و تقدیر نمائی از امر واجب گردانیده

في الامر الحكيم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج

دعای شب ماه مبارک رمضان



بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم

خانه محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان [illegible] شود گناهان

المكفر عن سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري

در گذشته شود از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در آنچه حکم کنی و مقدر کنی آنکه دراز کنی عمر مرا

في خير وعافية وتوسع في رزقي وتجعلني ممن تنتصر به لدينك

در نیکوئی و عافیت و گشاده کنی در روزی من و بگردانی مرا از آنکه انتقام کشی بسبب او از برای دین

ولا تستبدل بي غيري و این دعای عالیة المضامین نیز اللهم

و بدل بگیر از من غیر مرا که در هر شب خواندن وارد شده است خداوندا

برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا وبكاس من

برحمت خود در زمره شایستگان پس داخل کن ما را و در علیین پس بلند کن ما را و بجامی از

معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا

شراب شیرین از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از حوران سیاه چشم برحمت خود پس زن ده ما را

ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار

و از کودکان جاویدان که گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خادم بخش ما را و از میوه های

الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق

بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامه های دیبای نازک و ابریشم و دیبای ستبر

فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك فوفق

پس بپوشان ما را و روزی [illegible] شب قدر و حج خانه محترم خود و کشته شدن در راه خود پس توفیق

یا خالقنا

فصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا واذا جمعت الاولین

و شایسته دعا و سؤال کن پس مستجاب گردان برای ما و هرگاه جمع کنی اولین و پیشینیان را

والآخرین یوم القیمة فارحمنا وبراءة من النار فاکتب

و پسینیان را روز قیامت پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش پس بنویس

لنا وفی جهنم فلا تغلّنا وفی عذابک وهوانک فلا تبتلنا

برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را و در عذاب خود و خواری خود پس مبتلا مکن ما را

ومن الزقوم والضریع فلا تطعمنا ومع الشیاطین فلا تجعلنا

و از زقوم و خار خشک زهردار پس مخوران ما را و با شیاطین پس مگردان

تکبّنا

وفی النار علی وجوهنا فلا تکبّنا ومن ثیاب النار وسرابیل

و در آتش بر روها پس میفکن ما را و از جامهای آتش و پیراهنهای

القطران فلا تلبسنا ومن کل سوء یا لا اله الا انت بحق

قطران پس مپوشان ما را و از هر بدیی ای آنکه خدائی نیست مگر تو بحق

لا اله الا انت فنجّنا و از ادعیهٔ سحر خواندن این دعا بسند معتبر

کلمه لا اله الا انت پس برهان ما را دعای سحر ماه رمضان

دعاء سحر

وارد شده است که حضرت امام رضا فرمود که این دعائیست که حضرت

امام محمد باقر ع در سحر ماه مبارک میخواندند و میفرمودند که اگر مردم

بدانند عظمت این دعا نزد خدا و سرعت اجابت او را هر آینه شمشیر

برای طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم



دعای سحر که از امام رضا منقولست

خدا در این دعاست راست گفتم پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام

تمام و تضرع و از غیر اهلش اللهم انی اسألک من بهائک بابهاه

پنهان دارید و دعا اینست بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنیکوئی نیکوترین

وکل بهائک بهیّ اللهم انی اسألک ببهائک کله اللهم انی

و همه نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنیکوئی تو همه آن خداوندا من

اسألک من جمالک باجمله وکل جمالک جمیل اللهم انی اسألک

سؤال میکنم از تو از نیکوئی تو بنیکوترین آن و همه نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستی که من

بجمالک کله اللهم انی اسألک من جلالک باجله وکل جلالک

بنیکوئی تو همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن و همه بزرگواری

جلیل اللهم انی اسألک بجلالک کله اللهم انی اسألک من

بزرگست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ببزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو

عظمتک باعظمها وکل عظمتک عظیمة اللهم انی اسألک

بزرگواری تو ببزرگی آن و همه بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو

بعظمتک کلها اللهم انی اسألک من نورک بانوره وکل نورک

ببزرگی تو همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از نور تو بروشنترین آن و همه نور تو

نیّر اللهم انی اسألک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة

روشن است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از رحمت تو بفراخترین آن و همه رحمت تو فراخ است

اللهم انی اسألک برحمتک کلها اللهم انی اسألک من کلماتک

اللهم انی اسألک بنورک کله

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بنور تو همه آن و برحمت تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو از کلمهای تو

بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم إني أسألك بكلماتك كلها

به تمامترین آنها و همه کلمه‌های تو تمام است خداوندا من سؤال میکنم از تو به کلمه‌های تو به همه آن

اللهم إني أسألك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني

خداوندا من سؤال میکنم از تو از کمال تو به کاملترین آنها و همه کمال از تو کامل است خداوندا من

أسألك بكمالك كله اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها

سؤال میکنم از تو به کمال تو به همگی آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از نامهای تو به بزرگترین آنها

وكل أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك كلها اللهم

و همه نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو به نامهای تو به همه آن خداوندا

إني أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة اللهم إني أسألك

بدرستی که من سؤال میکنم از تو از ارجمندی تو به ارجمندترین آنها و همه ارجمندی تو ارجمند است خداوندا بدرستی که

بعزتك كلها اللهم من مشيتك بأمضاها وكل مشيتك ماضية

به ارجمندی تو به همه ارجمندی خداوندا از خواهش تو به گذرکننده‌ترین آن و همه خواهش تو گذرنده است

اللهم إني أسألك بمشيتك كلها اللهم إني أسألك من قدرتك

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو به خواهش تو به همه خواهش خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از توانایی

بالقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة

به آن توانایی که استیلا یافتی به آن بر هر چیزی و همه توانایی تو مستولی است

اللهم إني أسألك بقدرتك كلها اللهم إني أسألك من علمك

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو به توانایی تو به همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از دانش



بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم إني أسألك من قولك بأرضاه

به رواترین آن و همه دانش تو رواست خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از گفتار تو به پسندیده‌ترین

وكل قولك رضي اللهم إني أسألك بقولك كله اللهم

و همه گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو به گفتار تو به همه آن خداوندا

إني أسألك من مسائلك بأحبها إليك وكل مسائلك إليك

بدرستی که سؤال میکنم از تو از سؤالهای تو به دوست‌ترین آنها بتو و همه سؤالهای تو بسوی تو

حبيبة اللهم إني أسألك بمسائلك كلها اللهم إني

دوست داشته شده است خداوندا من سؤال میکنم از تو از سؤالهای تو به همه سؤالها خداوندا بدرستی که من

أسألك من شرفك بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم

سؤال میکنم از تو از رفعت تو به رفعت‌ترین آن و همه رفعت تو رفیع است خداوندا

إني أسألك بشرفك كله اللهم إني أسألك من سلطانك

بدرستی که سؤال میکنم از تو به رفعت تو به همه رفعتها خداوندا من سؤال میکنم از تو از پادشاهی تو

بأدومه وكل سلطانك دائم اللهم إني أسألك بسلطانك

به همیشه‌ترین آن و همه سلطنت تو همیشه است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو به پادشاهی تو

كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره وكل ملكك فاخر

به همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از پادشاهی تو به بزرگترین آن و همه غلبه بزرگ است

اللهم إني أسألك بملكك كله اللهم إني أسألك من علوك

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو به پادشاهی تو به همه آن پادشاهیها خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو از بلندی

يا علاه وكل علوك عال اللهم اني اسئلك بعلوك كله اللهم
بلندیترین آن و همه بلندیهای تو بلند است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو به بلندی تو همه بلندی خداوندا
اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني
بدرستی که من سؤال میکنم از تو از انعام بدیرینه ترین آن و هر انعام تو دیرینه است خداوندا بدرستی
اسئلك بمنك كله اللهم اني اسالك من اياتك باكرمها
که سؤال میکنم از تو بانعام تو همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو از نشانهای تو بگرامی ترین
وكل اياتك كريمة اللهم اني اسئلك باياتك كلها اللهم اني
و همه نشانهای تو گرامی است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بنشانهای تو همه آن خداوندا از
اسئلك بما انت فيه من الشأن والجبروت واسالك بكل
سؤال میکنم از تو بآنچه تو در آنی از هر کاری و بزرگواری و سؤال میکنم از تو به هر کاری
شأن وحده وجبروت وحدها اللهم اني اسالك بما تجيبني
و امری به تنهائی و بزرگواری تو به تنهائی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو به آنچه جواب گوئی
حين اسئلك فاجبني يا الله پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی
آن هنگامی که سؤال میکنم از تو پس اجابت کن مرا ای خدا بطلبد که البته برآورده است
واز جمله ادعیه مشهوره سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزه
ثمالی روایت کرده اند حضرت امام زین العابدین ع در شبهای ماه مبارک
رمضان اکثر شبها تمام میکردند الهي لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمكر بي
و چون سحر میشد این دعا میخواندند خداوندا عقوبت مکن مرا در پی من و مکر مکن با من

دعای سحر ماه مبارک رمضان منقول از ابو حمزه



في حيلتك من اين لي الخير يا رب ولا يوجد الا من عندك
در مواخذه خود از کجا است برای من نیکوئی ای خداوند من و یافت نمیشود مگر از نزد تو
ومن اين لي النجاة ولا تستطاع الا بك لا الذي احسن استغنى
و از کجا است برای من نجات و میسر نمیشود مگر باعانت تو نه آن کسی که خوبی کرده است بی نیاز
عن عونك ورحمتك ولا الذي اساء واجترء عليك ولم
از امداد تو و رحمت تو و نه آن کسی که بدی کرده است و دلیری کرده است بر تو و
يرضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب يا رب اينقدر بگويد
خشنود نکرده تو را بیرون رفته از توانائی تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار که نفس قطع شود
بك عرفتك وانت دللتني عليك ودعوتني اليك ولولا
بلطف تو شناختم من ترا و تو دلالت نمودی مرا بر وجود خود و خواندی مرا بسوی خود و اگر نبودی
انت لم ادر ما انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت
تو ندانستم من که کیست تو سپاس مر خدا را که میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و اگر چه هستم
بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي اسئله فيعطيني وان كنت
کاهل هنگامی که میخواند مرا و سپاس مر خدا راست که طلب میکنم از او پس عطا میکند مرا و اگر چه هستم
بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي
خسیس در هنگامی که قرض خواهد از من و سپاس مر خدا را که آواز میکنم او را هر وقت که خواهم برای حاجت
واخلو به حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله
و خلوت میکنم با او در هر جا که خواهم برای راز خود بدون شفاعت کننده پس برمیآورد برای من حاجت مرا

الذي أدعوه ولا أدعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي
آنکه میخوانم او را و نمی خوانم غیر او را و اگر بخوانم غیر او را بر نمی آورد برای من
دعائي والحمد لله الذي أرجوه ولا أرجو غيره ولو رجوت
حاجت مرا و سپاس مر خدا را که امید دارم از او و امید ندارم غیر او و اگر امید دارم
غيره لأخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني إليه فأكرمني
از غیر او خلف میکند امید مرا و سپاس مر خدا را که باز گذاشت مرا بسوی خود پس عزیز کرد
ولم يكلني إلى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب إلي
و وا نگذاشت مرا بسوی مردمان تا آنکه خفیف کنند مرا و سپاس مر خدا را که دوستی کرد بسوی من
وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني حتى كأني لا ذنب لي
و او بی نیاز است از من و سپاس مر خدا را که درگذرد از من تا آنکه گویا نبوده است گناهی برای من
فربي أحمد شيء عندي وأحق بحمدي اللهم إني أجد سبل
پس پروردگار من ستوده ترین چیزهاست نزد من و سزاوارتر است بستایش من خدایا بدرستی که می یابم راههای
المطالب إليك مشرعة ومناهل الرجاء إليك مترعة
مطلبها بسوی تو گشوده و سرچشمهای امید را بسوی تو مملو از آبها
والاستعانة بفضلك لمن أملك مباحة وأبواب الدعاء
و مدد جوئی به بخشش ترا برای کسی که چشم دارد از تو مباح و جایز و درهای دعا را
إليك للصارخين مفتوحة وأعلم أنك للراجين بموضع إجابة
بسوی تو برای فریاد کنندگان گشوده و میدانم که تو برای امیدواران تو در جایگاه برآوردنی

وللملهوفين



وللملهوفين بمرصد إغاثة وأن في اللهف إلى جودك والرضا
و برای ستم رسیدگان در کمینگاه فریادرسی و آنکه در حسرت بردن بسوی بخشش خود و خوشنودی
بقضائك عوضا من منع الباخلين ومندوحة عما في أيدي المستأثرين
بحکم تو عوض از منع کردن بخل کنندگان و فراخی است از آنچه در دستهای متفردین
وأن الراحل إليك قريب المسافة وأنك لا تحتجب عن
و بدرستی که میدانم کوچ کننده بسوی تو نزدیک راه تو و آنکه تو نمی پوشی پنهان از
خلقك إلا أن تحجبهم الأعمال دونك وقد قصدت إليك
خلق خود مگر آنکه باز دارد ایشان را کارهای دنیوی ایشان و متوجه شده ام بسوی تو
بطلبتي وتوجهت إليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي
برای حاجت خود و روآورده ام بسوی تو برای حاجت خود و گردانیدم بتو فریادرسی را
وبدعائك توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب
و بخواندن تو متوسل شدن خود را از غیر آنکه مستحق باشم بر شنیدن ترا از من
لعفوك عني بل لثقتي بكرمك وسكوني إلى صدق وعدك
درگذشتن ترا از من بلکه از جهت اعتماد من بکرم تو و آرمیدن بسوی راستی وعده تو
ولجائي إلى الإيمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني أن
و پناه بردن من بسوی اعتقاد یگانه دانستن تو و اعتماد دانستن تو از من اگر
لا رب لي غيرك ولا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك اللهم
نیست پروردگاری برای من غیر تو و نیست خدای مگر تو یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا

اَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْأَلُوا اللّٰهَ

تویی گوینده و سخن تو راست است و وعده تو راست است و سوال کنید خدا را

مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي

از بخشش او بدرستی که خدا هست بشما رحم کننده و نیست از صفات تو ای آقای من

اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَاَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ

اینکه امر کنی بطلب کردن تو و باز داری بخشش خود را و تویی بخشنده بخششها

عَلَى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَاْفَتِكَ اِلٰهِي رَبَّيْتَنِي

بر ساکنان مملکت خود و تویی عطا کننده بر ایشان بشفقت و مهربانی خود ای خدای من پرورده

فِي نِعَمِكَ وَاِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّانِي

در نعمتهای خود و احسان خود کوچکی و بلند ساختی نام مرا در بزرگی پس ای کسی که پرورده

فِي الدُّنْيَا بِاِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَاَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ اِلَى

در دنیا بنیکویی از جانب خود و احسان خود و نعمتهای خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی

عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي

عفو او و کرم او و شناختن من ترا ای آقای من رهنمای منست بتو و دوستی من تو شفاعت خواه

اِلَيْكَ وَاَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي اِلَى

بسوی تو و من معتمدم از رهنمایی خودم برهنمایی تو و مطمئن از شفاعت خواهی خودم

شَفَاعَتِكَ اَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ اَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ

در شفاعت تو میخوانم ترا ای آقای من بزبانی بتحقیق که گنگ کرده او را تقصیر او

اُنَاجِيكَ





بِقَلْبٍ قَدْ اَوْبَقَهُ جُرْمُهُ اَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا

بدلی که هلاک کرده است تقصیر او میخوانم ترا ای پروردگار من ترسنده و خواهان و امیدوار

خَائِفًا اِذَا رَاَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَاِذَا رَاَيْتُ كَرَمَكَ

ترسانم هرگاه ببینم ترا ای آقای من گناهان خود را بیناک شوم و چون ببینم کرم ترا

طَمِعْتُ فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ رَاحِمٍ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي

طمع میکنم پس اگر درگذری از گناهان من پس بهترین رحم کننده ای و اگر عقاب کنی مرا پس نیستی ستمکار حجت من

يَا اَللّٰهُ فِي جُرْاَتِي عَلَى مَسْاَلَتِكَ مَعَ اِتْيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودُكَ

ای خدا در دلیری من بر سوال کردن از تو با وجود کردن من کاری که خوش نمی آید ترا بخشش

وَكَرَمُكَ وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيَائِي رَاْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ

و احسان تست و ذخیره من در حال سختی من با کمی حیا از من مهربانی تو و رحمت تو

وَقَدْ رَجَوْتُ اَنْ لَا تُخَيِّبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ

و بتحقیق که امیدوارم اینکه نا امید نگردانی میان این و احسان تو پس راست گردان امید مرا و بشنوی

وذين
بخشش

دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَاَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ يَا سَيِّدِي

دعای مرا ای بهترین کسی که خوانده است او را خواننده و بهترین کسی که امید داشته او را امیدوار بزرگ است

اَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَاَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ اَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي

آرزوی من و بد است کردار من پس بخش مرا از گذشت خود بقدر آرزوی من و مگیر مرا

بِاَسْوَءِ عَمَلِي فَاِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاتِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمُكَ

ببدترین کردار من پس بدرستی که بخشش تو عظیم است از مکافات گناهان و بردباری

يكبر عن مكافاة المقصّرين وأنا يا سيّدي عائذ بفضلك هارب

بزرگتر است از مكافات كردن تقصيركاران و من اي آقاي من پناه آورنده ام ببخشش تو گريزانم

منك إليك متنجّز ما وعدت من الصفح عمّن أحسن بك ظنّاً

از تو بسوي رحمت تو طلب كننده ام آنچه وعده داده از گذشت از كسي كه نيكو ساخته است بتو گمان

وما أنا يا ربّ وما خطري هبني بفضلك وتصدّق عليّ بعفوك

وچه چيزم من اي پروردگار من و چه چيز است شأن من ببخش مرا بفضل خود و رحمت خود بر من بگذر

أي ربّ جلّلني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك فلو

اي پروردگار من بپوشان مرا به پرده خود و درگذر از سرزنش كردن من بكرم خودت پس اگر

اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة

مطلع مي‌شد امروز بر گناه من كسي غير تو نمي‌كردم من آن را و اگر مي‌ترسيدم زود وارد شدن عقوبت

لاجتنبته لا لأنّك أهون الناظرين إليّ وأخفّ المطّلعين

اجتناب مي‌كردم از آن نه از جهة آنكه تو پست‌ترين نظر كنندگاني بسوي من و سبك‌ترين اطلاع دارندگاني

عليّ بل لأنّك يا ربّ خير الساترين وأحكم الحاكمين وأكرم

بر من بلكه از جهة آنست اي پروردگار من بهترين عيب‌پوشندگاني و محكم كننده‌ترين حكم كنندگاني و بخشنده‌ترين

الأكرمين ستّار العيوب غفّار الذنوب علّام الغيوب تستر

بخشندگاني پوشاننده عيبهايي آمرزنده گناهاني داناي نهانهايي مي‌پوشاني

الذنب بكرمك وتؤخّر العقوبة بحلمك فلك الحمد على

گناه را ببخشش خود و پس مي‌اندازي عقوبت را به بردباري خود پس براي تست حمد بر

حلمك بعد



حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني ويجرّئني

بردباري تو پس از دانستن تو و بر عفو تو بعد از توانايي تو و وامي‌دارد مرا و دلير مي‌كند مرا

على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني إلى قلّة الحياء سترك

بر نافرماني تو بردباري تو از من و مي‌خواند مرا بسوي كم شرمي از تو عيب‌پوشي تو

عليّ ويسرعني إلى التوثّب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك

بر من و بشتاب مي‌اندازد مرا بسوي جستن بر حرامهاي تو شناختن من گشادگي رحمت تو

وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حيّ يا قيّوم يا غافر الذنب يا قابل

و بزرگي گذشتن تو اي بردبار اي بخشنده اي زنده اي هميشه اي آمرزنده گناه اي قبول

التوب يا عظيم المنّ يا قديم الإحسان أين سترك الجميل أين

توبه اي بزرگ بخشش اي هميشه نيكوكار كجاست پرده‌پوشي نيكوي تو كجاست

عفوك الجليل أين فرجك القريب أين غياثك السريع أين

درگذشت بزرگ تو كجاست نجات دادن نزديك تو كجاست فريادرسي شتابان كجا

رحمتك الواسعة أين عطاياك الفاضلة أين مواهبك

رحمت تو گشاده است كجاست بخششهاي تو كه زياده است كجاست عطيه‌هاي تو

الهنيئة أين صنائعك السنيّة أين فضلك العظيم أين

گوارا است كجاست نيكوكاريهاي تو بلند است كجاست بخشش تو بزرگ كجاست

منّك الجسيم أين إحسانك القديم أين كرمك يا كريم

نعمت تو كه بسيار بزرگ است كجاست انعام تو كه هميشه است كجاست بخشش تو اي بخشنده

بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْني وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْني

بحق بخشش و حرمت محمد و آل محمد پس نجات ده مرا و بحق رحمت خود پس برهان مرا از عذاب

يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجاةِ

ای احسان کننده ای نیکی کننده ای انعام کننده هستم من که اعتماد کنم در خلاصی

مِنْ عِقابِكَ عَلى أَعْمالِنا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوى

از عقوبت تو بر کردارهای خود بلکه اعتماد دارم بر بخشش تو بر ما از جهت آنکه تو سزاوار پرهیزگاری

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسانِ نِعَماً وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ

و سزاوار آمرزشی کننده ای ابتدا میکنی به بخشیدن نعمتها و درمیگذری از گناه

كَرَماً فَما نَدْري ما نَشْكُرُ أَجَميلَ ما تَنْشُرُ أَمْ قَبيحَ ما تَسْتُرُ أَمْ

از روی کرم پس نمیدانیم که کدام نعمت را شکر نماییم آیا خوبی آنچه را پیش کرده ای یا زشتی آنچه پنهان کرده ای

عَظيمَ ما أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثيرَ ما مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعافَيْتَ يا

یا بزرگ آنچه را که بخشیدی و انعام کردی یا بسیاری از آنچه از آن رهانیدی و سلامتی دادی ای

حَبيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ

دوست کسی که دوستی نمود با تو و ای روشنی چشم کسی که پناه آورد به تو و بریده از همه

أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسيئُونَ فَتَجاوَزْ يا رَبِّ عَنْ قَبيحِ ما عِنْدَنا

تویی نکوکار و ماییم بدکرداران پس بگذر ای پروردگار من از زشت آنچه نزد ماست

بِجَميلِ ما عِنْدَكَ وَأَيُّ جَهْلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جُودُكَ وَأَيُّ زَمانٍ

بسبب خوبی آنچه نزد تست و کدام نادانی است ای پروردگار من که فرا نگرفت آنرا بخشش تو و کدام





أَطْوَلُ مِنْ أَناتِكَ وَما قَدْرُ أَعْمالِنا في جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ

که دراز تر باشد از زمان بردباری تو و چه حرمت قدر کارهای ما در جنب نعمتهای تو و چگونه

نَسْتَكْثِرُ أَعْمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضيقُ عَلَى الْمُذْنِبينَ

بسیار شمریم کردارها را که در برابر قرار دهیم با کرم تو چگونه تنگ میشود بر گناهکاران

ما وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالر

آنچه فرا گرفته ایشان را از رحمت تو ای فراخ آمرزش ای گشاده دستها بقدرت پس

فَوَعِزَّتِكَ يا سَيِّدي لَوْ نَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ وَلا كَفَفْتُ

بعزت تو ای آقای من اگر دور کنی مرا دور نمیشوم از درگاه رحمت تو و باز داشته نمیشوم

عَنْ تَمَلُّقِكَ لِما انْتَهى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ

از تضرع و چاپلوسی برای تو آنچه رسیده بمن از شناخت بخشش تو و کرم تو و تویی

الْفاعِلُ لِما تَشاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ وَتَرْحَمُ

کننده هر چیزی که خواهی عذاب میکنی کسی را که میخواهی آنچه خواهی چگونه خواهی و رحم کنی

مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ وَلا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلا تُنازَعُ

هر کرا که خواهی به آنچه خواهی چگونه خواهی و سوال کرده نمیشوی از کار خود و گفتگو کرده نمیشوی

في مُلْكِكَ وَلا تُشارَكُ في أَمْرِكَ وَلا تُضادُّ في حُكْمِكَ وَلا يَعْتَرِضُ

در پادشاهی و شریک کرده نمیشوی در امر خود و مخالف کرده نمیشوی در فرمان خود و اعتراض نمیکند

عَلَيْكَ أَحَدٌ في تَدْبيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبارَكَ اللهُ رَبُّ الْعا

بر تو کسی در تدبیر تو مر تراست آفرینش و فرمان بلند است خدای پروردگار عالمیان

يا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك وألف إحسانك

ای پروردگار من این مقام کسی است که التجا آورده بتو و پناه جسته است بکرم تو و خوی کرده است احسان

ونعمك وأنت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك

و نعمتهای ترا و توئی بخشنده آنکه تنگ نمیشود گذشت تو و کم نمیشود بخشش تو

ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل

و کم نمیگردد رحمت تو و بتحقیق که اعتماد داریم ما از جانب تو بدرگذشت قدیم و بخشش

العظيم والرحمة الواسعة أفتراك يا رب تخلف ظنوننا أو تخيب

بزرگ و شفقت فراخ آیا می‌بینی خود را ای پروردگار من که مخالفت نمائی اعتقادهای ما

آمالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا بك ولا هذا فيك طمعنا

آرزوهای ما را نه چنین است ای بخشنده پس نیست این گمان ما بتو و نه این است توقع ما درباره تو

يا رب إن لنا فيك أملا كثيرا إن لنا فيك رجاء عظيما طويلاً

ای پروردگار من بتحقیق ما را در تو است چشم داشتی دراز بسیار بدرستی که ما را در تو است امیدواری بزرگ

عصيناك ونحن نرجو أن تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو

نافرمانی کردیم ترا و ما امید داریم که بپوشانی بر ما و خواندیم ترا و حال آنکه امیدواریم

أن تستجيب لنا فحقق رجاءنا يا مولانا فقد علمنا ما نستوجب

اینکه قبول کنی دعای ما را پس متحقق گردان امید ما را ای صاحب ما پس دانستیم آنچه را که مستحق آنیم

بأعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا بأنك لا تصرفنا عنك

بسبب کردارهای خود و لیکن دانش تو درباره ما و علم ما باینکه حاصل است باینکه دور نمیکنی ما را از تو



حثنا على الرغبة إليك وإن كنا غير مستوجبين لرحمتك فأنت أهل

و حریص گردانید ما را بخواهش بسوی تو و هرچند هستیم ما غیر سزاوار برای رحمت تو پس تو

أن تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا

آنکه بخشش کنی بر ما و بر همه گناهکاران بفراخی بخشش خود پس منت گذار بر ما

بما أنت أهله وجد علينا

سزاوار آنی و بخشش کن بر ما

فإنا محتاجون إلى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا وبفضلك

که ما محتاجانیم بسوی عطیه تو ای آمرزنده بروشنی تو هدایت یافتیم و به بخشش تو

استغنينا وبنعمتك أصبحنا وأمسينا ذنوبنا بين يديك

بی نیاز گشتیم و بنعمت تو داخل صباح شدیم و داخل شب کردیم گناهان ما در پیش روی تو

نستغفرك اللهم منها ونتوب إليك تتحبب إلينا بالنعم ونعارضك

آمرزش میخواهیم از تو خداوندا از آنها و بازگشت میکنیم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بدادن نعمتها

بالذنوب خيرك إلينا نازل وشرنا إليك صاعد ولم يزل ولا يزال

بگناهان خیر تو فرود آینده است بسوی ما و بدی ما بسوی تو بالا رونده است و همیشه و همیشه

ملك كريم يأتيك عنا بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك من أن تحوطنا

فرشته مقربی می‌آورد بسوی تو از جانب ما کردار زشتی پس باز نمیدارد ترا این کردار از اینکه احاطه کنی ما را

بنعمك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما أحلمك و

بنعمتهای خود و بخشش کنی بر ما ببخششهای خود پس منزهی تو و چه بسیار بردباری تو و چه

أعظمك وأكرمك مبدئا ومعيدا تقدست أسماؤك وجل

بزرگی تو و چه بسیار بخشندگی تو در حال ابتدا و در حال انتها پاکیزه است نامهای تو و بزرگ گشته

ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك أنت إلهي أوسع فضلاً
ستایش تو و نیکوست کردارهای تو و کارهای تو ای خداوند من تو فراخ‌تر در بخشش
وأعظم حلماً من أن تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو
و بزرگتر در بردباری از آنکه عقوبت کنی مرا بکردار خودم و گناه خودم پس طلب میکنم عفو ترا عفو ترا
سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك وأعذنا من
ای آقای من ای آقای من خداوندا مشغول ساز ما را بذکر خودت و پناه ده ما را از
سخطك وأجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وأنعم
غضب خودت و رهایی ده ما را از عذاب خودت و روزی ده ما را از بخشش خودت و احسان کن
علينا من فضلك وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك
بر ما از بخشش خودت و روزی کن ما را زیارت خانه خودت و زیارت قبر پیغمبر خودت رحمتهای تو
ومغفرتك ورحمتك ورضوانك عليه وعلى أهل بيته إنك
و آمرزش تو و رحمت تو و خشنودی تو بر آنحضرت و بر اهل خانه آنحضرت که تو
قريب مجيب وارزقنا عملاً بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة
نزدیکی اجابت کننده و روزی کن ما را کرداری خوب بطاعت تو و بمیران ما را بر دین خودت و طریقه
نبيك صلى الله عليه وآله اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما
پیغمبر خودت رحمت فرستد خدا بر او و آل او خداوندا بیامرز برای من و برای پدر و مادرم و رحم کن
كما ربياني صغيراً واجزهما بالإحسان إحساناً وبالسيئات غفراناً
چنانکه تربیت کردند مرا در حال کوچکی و جزا ده ایشان را به نیکویی بسیاری و بعوض بدیهای ایشان آمرزش

وبركاتك

اللهم صل على محمد وآله





اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات
خداوندا بیامرز همه مؤمنین و مؤمنات زنده‌های ایشان و مرده‌های ایشان
وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا و
و پیوسته گردان ما را با ایشان در نیکوییها خداوندا بیامرز زنده ما را و مرده ما را و
شاهدنا وغائبنا ذكرنا وأنثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا
حاضر ما و غایب ما را مردان ما و زنان ما را کوچک ما و بزرگ ما را آزاد ما و بنده ما را
كذب العادلون بالله وضلوا ضلالاً بعيداً وخسروا خسراناً
دروغ گفتند تجاوز کنندگان بخدا و گمراه شدند گمراهی دور و زیانمند شدند زیانی
مبيناً اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني
ظاهر و هویدا خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و تمام کن برای من بخوبی و کفایت کن مرا
ما أهمني من أمر دنياي وآخرتي ولا تسلط على من لا يرحمني
از آنچه غمگین سازد مرا از امر دنیای من و آخرت من و مسلط مگردان بر من کسی را که رحم نکند مرا
واجعل علي منك واقية باقية ولا تسلبني صالح ما أنعمت
و بگردان بر من از جانب خودت نگهبان نگاه دارنده و برطرف مکن از من نیکویی که انعام
به علي وارزقني من فضلك رزقاً واسعاً حلالاً طيباً اللهم احرسني
بر من و روزی ده مرا از بخشش خودت روزی فراخ حلال و پاک خداوندا نگاه دار مرا
بحراستك واحفظني بحفظك واكلأني بكلائتك وارزقني حج
بنگاهبانی خود و نگاه دار مرا بنگاه داشتن خود و حفظ کن مرا بحفظ کردن خودت و روزی کن مرا زیارت

بَيْتِكَ الحَرامِ في عامِنا هذا وفي كُلِّ عامٍ وزِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ

بیت خود است که حرام است در این سال ما این و در هر سال و زیارت قبر پیغمبر تو

والأئمةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ولا تُخْلِني يا رَبِّ مِنْ تِلْكَ المَشاهِدِ الشَّريفَةِ

و امامان تو بر ایشان باد درود و منع مکن مرا ای پروردگار من از این مکانهای شاهدهای مبارک

والمَواقِفِ الكَريمَةِ اللّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتّى لا أعْصِيَكَ وألْهِمْنِي

و جاهای حضور ملائکه بهتر که عطا و مدد قبول توبه کن رحمت تا آنکه فرمان بردار باشم و در دل من انداز

الخَيْرَ والعَمَلَ بِهِ وخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ والنَّهارِ أبَداً ما أبْقَيْتَنِي

نیکویی و بجا آوردن آن و ترس از عذاب ترا در شب و روز مادامی که باقی میداری مرا

يا رَبَّ العالَمِينَ اللّهُمَّ إنِّي كُلَّما قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وتَعَبَّأْتُ

ای پروردگار عالمیان خداوندا من هر وقت که با خود گفتم تحقیق که آماده شدم و مهیا شدم

وقُمْتُ لِلصَّلاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وناجَيْتُكَ ألْقَيْتَ عَلَيَّ نُعاساً إذا

و ایستادم برای نماز در نزد تو و شروع کردم که راز گویم انداختی بر من پینکی و چرت

أنا صَلَّيْتُ وسَلَبْتَنِي مُناجاتَكَ إذا أنا ناجَيْتُ ما لِي كُلَّما قُلْتُ

من اداء کردم که نماز کردم و بر طرف کردی مناجات خود را هر گاه من مناجات کنم به چه حالت است مرا هر گاه

قَدْ صَلُحَتْ سَرِيرَتِي وقَرُبَ مِنْ مَجالِسِ التَّوّابِينَ مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي

تحقیق که نیکو شد خاطرم و نزدیک شد از جایگاه توبه کنندگان جای من عارض شد مرا

بَلِيَّةٌ أزالَتْ قَدَمِي وحالَتْ بَيْنِي وبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ

بلایی که لغزانید پای مرا و مانع شد میان من و میان خدمت تو آقای من از جهة آنکه تو





عَنْ بابِكَ طَرَدْتَنِي وعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ رَأيْتَنِي

از باب خود منع کردی مرا و از خدمت خود دور گردانیدی مرا یا از جهة آنکه دیدی مرا که

مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ فَأقْصَيْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ رَأيْتَنِي مُعْرِضاً عَنْكَ

سبک شمرده ام حق ترا پس دور انداختی مرا یا از جهة آنکه دیدی مرا که روی گردانیدم از تو

فَقَلَيْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي في مَقامِ الكاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أوْ

پس دشمن کردی مرا یا از جهة آنکه یافتی مرا در جایگاه دروغگویان پس ترک کردی مرا یا

لَعَلَّكَ رَأيْتَنِي غَيْرَ شاكِرٍ لِنَعْمائِكَ فَحَرَمْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي

از جهة آنکه دیدی مرا غیر شکر کننده مر نعمتهای ترا پس بی بهره ساختی مرا یا از جهة آنکه نیافتی مرا

مِنْ مَجالِسِ العُلَماءِ فَخَذَلْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ رَأيْتَنِي في الغافِلِينَ

در جایگاه دانشمندان پس وا گذاشتی مرا یا از جهة آنست که دیدی مرا در میان بیخبران

فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ رَأيْتَنِي آلِفَ مَجالِسِ البَطّالِينَ

پس از رحمت خود نا امید گردانیدی مرا یا از جهة آنست که تو دیدی مرا که خو گرفته ام مجلسهای بیکاران

فَبَيْنِي وبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أنْ تَسْمَعَ دُعائِي

پس میان من و میان ایشان واگذاشتی یا از جهة آنست که تو دوست ندیدی مرا که بشنوی دعای مرا

فَباعَدْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وجَرِيرَتِي كافَيْتَنِي أوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ

پس دور گردانیدی یا از جهة آنست که تو بگناه من و تقصیر من عقوبت نمودی مرا یا از جهة آنست بقلت

حَيائِي مِنْكَ جازَيْتَنِي فَإنْ عَفَوْتَ يا رَبِّ فَطالَ ما عَفَوْتَ عَنِ

شرم من از تو سزا دادی مرا پس اگر ببخشی مرا ای پروردگار من پس دور و دراز است که

المذنبين قبلي لان كرمك اي رب يجل عن مجازاة المذنبين
از گناه کاران پیش از من زیرا که بخشش تو ای پروردگار من بزرگترست از جزا دادن گناه کاران
وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب
و بردباری تو عظیم ترست از جزا دادن تقصیر کاران و من پناه آورنده ام ببخشش تو گریزانم
منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا
از تو بتو برآورده شدن آنچه وعده کردی از درگذشتن از تقصیر کسی که نیکو باشد گمان
الهي انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بعملي او
خداوندا تویی فراخ تر از بخشش تو و بزرگتر در بردباری از آنکه محسوب نمایی مرا بکردارم
ان تستزلني بخطيئتي فما انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك
اگر بیندازی مرا بسبب گناهم و چه چیزم من ای مولای من و چه قدرست شأن من ببخش مرا ببخشش خود

ای رب

يا سيدي وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي
ای سید من و تصدق نما بر من بعفو خود و بپوشان مرا به پرده خود و درگذر از سرزنش من
بكرم وجهك سيدي انا الجاهل الذي علمته وانا الضال
بحق ذات خود ای آقای من منم نادانی که دانا کردی او را و منم گمراهی
الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا الخائف الذي
که راه نمودی او را و منم افتاده مرتبه که بلند کردی او را و منم ترسانی که ایمنی
امنته وانا الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي ارويته والعاري
دادی او را و منم گرسنه که سیر کردی او را و تشنه که آب دادی او را و برهنه

انا الصغير الذي ربيته
کوچکی که پروردی او را

الذي كسوته



الذي كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي
که پوشانیدی او را و آن محتاجی که بی نیاز گردانیدی او را و ناتوانی که
قويته والذليل الذي اعززته والسقيم الذي شفيته و
توانا کردی او را و ذلیلی که عزیز کردی او را و بیماری که شفا دادی او را و
السائل الذي اعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ
سوال کننده که عطا کردی او را و گناهکاری که پوشانیدی گناه او را و تقصیری
الذي اقلته وانا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي
که درگذشتی او را و منم آن کم مایه بسیار که تونگری دادی او را و ناتوانی
نصرته وانا الطريد الذي اويته انا يا رب الذي لم استحيك
که یاری کردی او را و آواره که جای دادی او را منم ای پروردگار که حیا نکردم از تو
في الخلاء ولم اراقبك في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى
در تنهایی و نه ترسیدم از تو در کثرت منم صاحب مصیبتها و گناهان بزرگ
انا الذي على سيده اجترى انا الذي حين بشرت بها خرجت
منم آنکه بر آقای خود جرأت بیجای نمودم منم آنکه وا گذاشتی سوی آنها
اليها اسعى انا الذي امهلتني فما ارعويت وسترت علي
که سعی نمایم سوی آنها آنکه وا گذاشتی مرا پس منزجر نگردیدم و پرده پوشیدی برای گناهم
فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني من عينك
پس حیا و شرم نکردم و کردم همه گناهان را پس تعدی کردم و انداختی تو مرا از نظر خود

عصيت بجبار السماء انا الذي
اعطيت على معاصي الجليل الرقيب
انا الذي

فما انا لبثت فبحلمک امهلتنی و بسترک سترتنی حتی کانک

پس نه وا کردم پس بسبب بردباری تو مهلت دادی مرا و بپرده پوشی خود پوشانیدی مرا تا آنکه گویا تو

اغفلتنی من عقوبات المعاصی جنبتنی حتی کانک استحییتنی

غافل شدی مرا از عقوبتهای گناهان دور گردی مرا تا آنکه تو شرم و حیا کنی از من

الهی لم اعصک حین عصیتک و انا بربوبیتک جاحد و لا

خداوندا نافرمانی کردم ترا هنگامیکه نافرمانی ورزیدم ترا و من بپروردگاری تو منکر باشم و نه آنکه

بامرک مستخف و لا لعقوبتک متعرض و لا لوعیدک متهاون

فرمان ترا سبک شمارنده باشم و نه عقوبت را چاره سازنده باشم و نه وعده را سهل شمارم

و لکن خطیئة عرضت و سولت لی نفسی و غلبنی هوای و اعانی

ولیکن خطایی که صادر شده و زینت داد از برای من نفس من و غلبه کرد خواهش من و یاری کرد

علیها شقوتی و غرنی سترک المرخی علی فقد عصیتک و خالفتک

بر آن شقاوت من و مغرور کرد مرا پرده تو که افتاده است بر من بتحقیق نافرمانی کردم ترا و مخالفت کردم

بجهدی فالآن من عذابک من یستنقذنی و من ایدی الخصماء

بسعی خودم پس الحال از عقوبت خود کیست که خلاص کند مرا و از دستهای ملائکه عذاب

غدا من یخلصنی و بحبل من اتصل ان انت قطعت حبلک

فردا کیست که خلاص کند مرا و بحبل که دست در زنم اگر تو ببری حمایت خود را

عنی فوا سوأتاه علی ما احصی کتابک من عملی الذی لولا ما ارجو

از من پس وای بدحالی من بر آنچه مشتمل است دفتر تو از کار و کردار من که اگر نبود آنچه امید دارم

کذاکره



من کرمک و سعة رحمتک و نهیک ایای عن القنوط لقنطت

از بخشش تو و فراخی رحمت تو و اگر نمیبود نهی تو مرا از نا امیدی البته که امید بگسستم

عندما اتذکرها یا خیر من دعاه داع و افضل من رجاه راج

در هنگامی که یاد میآمد مرا کارهای خود ای بهترین کسی که خوانده است او را و نیکوترین کسی که امید داشته است

اللهم بذمة الاسلام اتوسل الیک و بحرمة القرآن اعتمد

خداوندا بعهد اسلام متوسل میشوم بسوی تو و بحرمت قرآن اعتماد میکنم

علیک و بحبی للنبی الامی القرشی العربی التهامی المکی

بر تو و بدوستی من از برای پیغمبر ناخوانده مادر زاد از قبیله قریش عربی متولد شده بمکه

المدنی ارجو الزلفة لدیک فلا توحش استیناس ایمانی و لا تجعل

هجرت کننده بمدینه نزد خود پس بتنهایی مبدل مکن همراهی مرا و مگردان

ثوابی ثواب من عبد سواک فان قوما آمنوا بالسنتهم لیحقنوا به

جزای مرا مانند جزای کسی که بندگی کرده غیر ترا پس بدرستی که گروهی بزبانهاشان برای که

دماءهم فادرکوا ما املوا و انا آمنا بک بالسنتنا و قلوبنا لتعفو

خونهای خود را پس رسیدند بآرزو و بدرستی که ما ایمان آوردیم بتو بزبانهای خود و دلهای خود برای آنکه

عنا فادرکنا ما املنا و ثبت رجاءک فی صدورنا و لا تزغ

از ما پس برسان ما را آنچه که آرزو داریم و پاینده تر گردان امیدواری را اندر سینهای ما و فارغ گردان

قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت

دلهای ما بعد از آنکه تو راه نمودی ما را و ببخش برای ما از نزد خود رحمتی بدرستی که تو تویی

التهامی

صلواتک علیه و آله

الوهاب فوعزتك لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن

بخشنده پس قسم بعزت تو که اگر دور کنی مرا از رحمت خود از درگاه خود نمی روم از درگاه تو و باز نمی ایستم از

تملقك لما الهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك الى

چاپلوسی تو از آنچه در دل من از شناخت بخشش تو و فراخی رحمت تو بسوی

من يذهب العبد الا الى مولاه والى من يلتجئ المخلوق الا

که میتواند رفت بنده مگر بسوی آقای خودش و بسوی که پناه میبرد آفریده شده مگر

الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني سيبك من بين

بسوی آفریدگار خود الهی من اگر همراه کنی مرا بزنجیرهای گران و بازداری مرا از رحمت خود در میان

الاشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وامرت بي الى

حاضران و مطلع گردانی بر بدیهای من چشمهای بندگان را و امر کنی مرا بسوی

النار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك وما

آتش و مانع شوی میان من و میان نیکوکاران البته بر طرف نکنم امید خود را از تو و بر نمی

صرفت تأميلي للعفو عنك ولا خرج حبك عن قلبي انا لا انسى

گردانم روی امید خود را از عفو تو و بیرون نمیرود دوستی تو از دل من فراموش نمیکنم

اياديك عندي وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على

نعمتهای ترا که نزد من است و پوشیدن تو گناهان مرا در خانه دنیا ای آقای من رحمت فرست

محمد وآل محمد واخرج حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين

بر محمد و آل محمد و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان

المصطفى



المصطفى وآله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد

پیغمبر برگزیده خود و آل او که اختیار کرده شده اند از خلقان تو و ختم پیغمبران تو که محمد است

صلى الله عليه وآله وسلم وانقلني الى درجة التوبة

رحمت فرستد خدا بر او و آل او و درود و نقل کن مرا بسوی مرتبت بازگشت

اليك واعني بالبكاء على نفسي فقد افنيت بالتسويف

بسوی تو و مدد کن مرا بگریستن بر حال خودم پس بتحقیق که بر طرف کردم بسبب امروز فردا کردن

والامال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري

و آرزوهای عمر خودم را و بتحقیق که فرود آورده ام در منزل ناامیدان از خیر خود

فمن يكون اسوء حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي الى قبر لم

پس که باشد بدحال تر از من اگر من نقل کرده شوم بر چنین حالی بسوی قبرم

امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي ومالي لا ابكي

آنکه هموار نکرده ام آن را بعبادت و فرش نگسترانیده ام در آن کردار نیکو برای خوابیدنم و چه حالت است مرا

ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني

و حال آنکه نمیدانم بسوی چه خواهد بود بازگشت من و می بینم نفس خود را که فریب میدهد مرا و روزگار مرا

وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج

و بر یکدگر خورده است نزد سر من بالهای مرگ پس چه چیز است که گریه نکنم باید که گریه کنم برای بیرون رفتن

نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير اياي

جانم گریه کنم برای تاریکی قبرم گریه کنم از برای تنگی لحدم گریه کنم از برای سؤال منکر و نکیر مرا

أبكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً حاملاً ثقلي على ظهري

گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر در حالی که برهنه و ذلیلم بردارنده بار گران خودم بر پشت من

أنظر مرة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق في شأن غير شأني

نگاه کنم یک مرتبه از جانب راست و دیگری از چپ من در هنگامی که آفریدگان در حالی شده غیر حال من

في

لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة

از برای هر مردی از ایشان در آن روز حالی باشد که بی نیاز سازد او را و رویها که در آن روز نورانی

ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة

خندان بشارت یافته شده و بسا رویها که نشسته در آن روز بر آنها غبار که در گرفت سیاهی آنها را

وذلة سيدي عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي

و خواری ای آقای من بر توست اعتماد من و تکیه من و امید من و توکل من

وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب

و برحمت توست دست آویز من میرسانی برحمت خود کسی را که خواهی و هدایت میکنی به بخشش خود کسی را که دوست داری

فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني

علي

پس مر تراست ستایش بر آنچه پاک کرده از کفر دل مرا و مر تراست سپاس بر گشوده گی زبان من

أفبلساني هذا الكال أشكرك أم بغاية جهدي في عملي أرضيك

آیا پس به این زبان کند شده شکر کنم ترا یا بنهایت سعی در کردار خود خوشنود گردانم ترا

لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر

وما قدر عملي في جنب نعمك وإحسانك إلي إلا أن جودك بسط

و چیست مرتبه کردار من در پهلوی نعمت تو و احسان تو بمن مگر آنکه بخشش تو زیاده کرده است





أملي وشكرك قبل عملي سيدي إليك رغبتي ومنك رهبتي

طمع مرا و شکر تو قبول کرده است کردار مرا آقای من بسوی توست خواهش من و از عذاب توست ترس من

وإليك تأميلي وقد ساقني إليك أملي وعليك يا واحدي عكفت

و بسوی توست امیدواری من و در آورده است مرا بسوی تو آرزوی من و بر توست ای یگانه من ملازم و مصروف

همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي

مقصود من و در آنچه نزد توست گشوده شده آرزوی من و مر تراست خالص امید من و ترس من

وبك أنست محبتي وإليك ألقيت بيدي وبحبل طاعتك مددت

و بتو خوگر شده دوستی من و بسوی تو افکندم دست خود را و برشته فرمان برداری تو کشیدم

رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت ألم الخوف

ترس خود را ای آقای من بیاد تو زندگانی کرده دل من و براز گویی تو سرد نموده درد ترس

عني يا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وآل محمد

از خود را ای آقای من و ای امیدگاه من و ای نهایت مطلب من رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وفرق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك فإنما أسألك

و جدایی افکن میان من و گناه من که باز دارنده است مرا از فرمان برداری تو جز این نیست که سؤال میکنم

لقديم الرجاء فيك وخوفي إليك وعظيم الطمع منك الذي

از دیرینه بودن امید من از تو و از جهت خوف من بتو و بزرگی توقع داشتن از تو که

أوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة والأمر لك وحدك

لازم گردانیده تو آن را بر خود از مهربانی و رحمت و فرمان روایی توست یگانه تو

لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك وكل
بجز شريكي براي تو و خلايق همگي عيال تو اند و در دست قدرت و همه
شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت
چيز زاري كننده است براي تو بزرگست اي پروردگار جهانيان خداي من رحم كن مرا چون بريده
حجتي وكل عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك اياي لبي
شود حجت من و گنگ گردد از جواب تو زبان من و مضطرب گردد نزد پرسش تو از من عقل من
فيا عظيم رجائي ولا تخيبني اذا اشتدت فاقتي اليك ولا تردني
پس اي بزرگ تو لي اميد من نا اميد مگردان مرا كه سخت گردد احتياج من بتو و باز مگردان مرا
لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي
بناداني‌ام و باز مدار مرا از جهة كمي طاقت من ببخش بمن از جهة بي‌چيزيم و رحم كن از براي ناتواني
سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك
اقا اي من بر تست اعتماد من و آرزوي من و اميد من و توكل من و برحمت
تعلقي وبفنائك احط رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك
دست آويز من و بفناء ساخته تو فرود مي آورم بار خود را و ببخشش تو ميجويم حاجت خود را و بكرم تو
اي رب استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي
اي پروردگار گشايش ميجويم دعاي خود را و نزد تو اميد دارم فقر خود را و ببي نيازي تو [illegible]
وتحت ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى
و در زير سايه عفو تست ايستادن و بسوي بخشش تو و كرم تست كه بالا ميكنم چشم خود را و بسوي

معروفك



معروفك اديم نظري فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي
احسان تو پيوسته ميدارم نظر خود را پس مسوز مرا باتش و تو محل آرزوي مني
ولا تسكني الهاوية فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك
و جاي مده مرا در جهنم در پستي كه تو معتمد مني و اميد مني و محروم مگردان مرا از ثواب نيك خود
فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك قرة عيني يا
در پستي كه تو اميد مني و معتمد مني و نا اميد مگردان مرا از جزا نيك خود كه تو نور چشم مني اي
سيدي لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك فانك ثقتي
اقا اي دروغ مگردان اعتقاد مرا بانعام تو و بخشش تو در پستي كه تو اميد مني
ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان كان
و معتمد مني و محروم مكن مرا از جزا نيك خود كه تو شناسايي بفقر من اي خداي من اگر
قد دنا اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف
نزديك شده اجل من و نزديك نساخته مرا از تو كردار من پس گردانيده ام اقرار
اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو
نزد تو بگناه خود و وسيلهاي عذرخواهي خود خداي من اگر درگذري پس كيست سزاوارتر از تو بعفو
وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي
و اگر عقوبت كني پس كيست عادل تر از تو در فرمان خود رحم كن در اين دنيا غريبي
وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي اذا
و نزد موت اندوه مرا و در قبر تنهايي مرا و در گور بيكسي مرا ان گاه كه بر انگيخته

يا رب العالمين الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته الخصاصة

ای پروردگار جهانیان ای خدای من و آقای من بنده تو بدرگاه تست بپا داشته او را بیچارگی

بين يديك يقرع باب احسانك بدعائه ويستعطف جميل

در پیش تو میکوبد در احسان ترا بدعای خود و طلب شفقت و مهربانی میکند

نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم عني واقبل مني ما اقول

نظر نیکوی ترا بوسیله امید پنهان خود و مگردان روی خود را که بخشنده است از من و قبول کن از من آنچه میگویم

فقد دعوتك بهذا الدعاء وانا ارجو ان لا تردني معرفة مني

بتحقیق خواندم ترا باین دعا و من امید دارم که برنگردانی مرا شناسائی من

برأفتك ورحمتك الهي انت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك

بمهربانی تو و رحمت تو ای خدا تو آنکه محتاج نمیکند ترا ابرام کننده سؤال کننده و کم

نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسألك صبرا جميلا

نمیکند ترا بخشش تو چنانکه خود ستایش کنی خود را و برتر از آنچه ما ستایش میکنیم ترا خدایا سؤال میکنم صبری نیکو

وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما اسألك يا رب من الخير

و راحت نزدیکی و گفتار راست و جزای بزرگ سؤال میکنم از تو ای پروردگار من از خوبیها

كله ما علمت منه وما لم اعلم اسألك اللهم من خير ما سألك

همه آن آنچه دانسته ام از آن و آنچه را که ندانسته ام سؤال میکنم از تو خداوندا از بهترین آنچه سؤال

منه عبادك الصالحون يا خير من سئل واجود من اعطى اعطني

کرده اند از آن بندگان تو که شایسته اند ای بهترین کسیکه سؤال کرده شده و ای نیکوترین بخشش نمائی



سؤلي في نفسي واهلي وولدي ووالدي واهل حزانتي

سؤال مرا در باره خودم و اهلم و فرزندم و پدر و مادرم و کسانیکه محافظت ایشان بر من است

واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروتي واصلح جميع

و برادرانم در راه دین تو و بسیار کن روزی مرا و آشکار گردان انصاف مرا و نیکو ساز همه

احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت عمله واتممت عليه

حالتهای مرا و بگردان مرا از آنانکه دراز کرده عمر او را و نیکو ساخته کردار او را و تمام کرده بر او

نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة طيبة في ادوم السرور

نعمت خود را و خوشنود شده از او و زنده داشته تو او را زندگانی پاکیزه در پاینده ترین شادی

واسبغ الكرامة واتم العيش انك تفعل ما تشاء ولا تفعل

و تمامترین بخشش و کاملترین زندگانی که تو میکنی آنچه را که خواهی و نمیکنی

ما يشاء غيرك اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا

آنچه را که خواهد غیر تو خداوندا و مخصوص گردان مرا از خود به آنچه مخصوص است از ذکر تو و مگردان

مما اتقرب به في اناء الليل واطراف النهار رياء ولا سمعة ولا

از آنچه نزدیکی میجویم بآن در ساعتهای شب و ساعات روز خودنمائی و نه آوازه و نه

اشرا ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين اللهم اعطني السعة

خودداری و نه سرکشی و بگردان مرا از برای خودت از زاری کنندگان خداوندا ببخش مرا فراخی

في الرزق والامن في الوطن وقرة العين في الاهل والمال والولد

در روزی و ایمنی در جایگاه و روشنی چشم را در اهل و مال و فرزند

والمقام في نعمتك عندي والصحة في الجسم والقوة في البدن
وثبات در نعمتهای تو که نزد من است و سلامتی در بدن و توانایی در تن
والسلامة في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك
و رستگاری در دین را و کار فرما مرا بفرمان برداری و فرمان تو که محمد است
محمد وأهل بيته صلى الله عليه وآله أبداً ما استعمرتني
و فرمان برداری اهل خانه او رحمت خدا بر او و آل و همیشه مادام که زنده داری
واجعلني من أوفر عبادك عندك نصيباً في كل خير أنزلته
و بگردان مرا از زیاده ترین بندگان تو بهره در هر نیکی که فرستاده ای
وتنزله في شهر رمضان في ليلة القدر وما أنت منزله
و میفرستی تو آن را در ماه رمضان در شب قدر و آنچه تو فرستی تو او را
في كل سنة من رحمة تنشرها وعافية تلبسها وبلية تدفعها
در هر سال از رحمتی که پراکنده میکنی آن و سلامتی که می پوشانی او را و بلایی که ...
وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز عنها وارزقني حج بيتك
و نیکیهایی که قبول میکنی او را و گناهانی که درگذری از آنها و روزی کن مرا زیارت خانه تو
الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقاً واسعاً من فضلك
که حرمت در سال ما این سال و در هر سال و روزی کن روزی فراخی از کرم خود
الواسع واصرف عني يا سيدي الأسواء واقض عني الدين والظلامات
که گشاده است و بگردان از من ای آقای من همه بدیها را و ادا کن از من قرض مرا و حقوق

حتی لا اتاذی



حتى لا أتأذى بشيء منه وخذ عني بأسماع وأبصار أعدائي
تا آنکه آزار نکشم هیچ چیز از آن و بگیر از من گوشها و چشمهای دشمنان مرا
وحسادي والباغين علي وانصرني عليهم وحقق ظني وأقر
و حسودان مرا و ستمکاران بر من و یاری ده مرا بر ایشان و راست دار گمان مرا و روشن کن
عيني وفرح قلبي واجعل لي من همي وكربي فرجاً ومخرجاً واجعل
چشم مرا و کشاده کن دل مرا و بگردان از برای من از هم و غم من خلاصی و بیرون شدنی و بگردان
من أرادني بسوء من جميع خلقك تحت قدمي واكفني شر الشيطان
کسی که قصد کند مرا به بدی از همه آفریدگان تو در زیر پایهای من و نگاه دار مرا از شر شیطان
وشر السلطان وسيئات عملي وطهرني من الذنوب كلها
و از شر پادشاه ظالم و از بدیهای کردار خود و پاک گردان مرا از گناهان همه آنها
وأجرني من النار بعفوك وأدخلني الجنة برحمتك وزوجني
و پناه ده مرا از آتش به درگذشت خود و داخل کن مرا در بهشت برحمت خود و زن ده مرا
من الحور العين بفضلك وألحقني بأوليائك الصالحين
از حوریان بهشت بکرم خود و برسان مرا به دوستان خود که پسندیده کارانند
محمد وآله الأبرار الطيبين الطاهرين الأخيار صلوات الله
که محمد و آل وی اند که نیکوکارانند پاکیزگانند پاکانند و برگزیدگانند رحمتهای خدا
عليهم وعلى أرواحهم وأجسادهم ورحمة الله وبركاته إلهي
بر ایشان و بر جانهای ایشان و بدنهای ایشان و رحمت خدا و برکتهای خدا

وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لَأُطَالِبَنَّكَ

وای آقای من قسم بعزت تو و بزرگی تو اگر بازخواست کنی مرا به گناهان من هر آینه طلب کنم از تو

بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ

در گذشتن تو و اگر بازخواست نمایی مرا به پدی هر آینه طلب کنم سوال از تو و اگر

اَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي

در آوری مرا در آتش خبر میدهم ساکنان آتش را بدوستی من تو را ای خداوند من و آقای

اِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ اِلَّا لِاَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِلٰى مَنْ يَفْزَعُ

اگر هستی تو که نمی آمرزی مگر کسانی که وفا کنند به عهد ترا پس که جزع و تضرع

الْمُذْنِبُونَ وَاِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ اِلَّا اَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ

نمایند گناهکاران و اگر هستی تو که نمی بخشی مگر کسانی که وفا کنند به عهد ترا پس که جزع نمایند

الْمُسِيئُونَ اِلٰهِي اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ

بدکاران خداوندا اگر در آوری مرا در آتش پس در آن خوشوقت میشود دشمن تو

وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ وَاَنَا وَاللّٰهِ اَعْلَمُ

و اگر در آوری مرا به بهشت پس در این خوشحال خواهد بود پیغمبر تو و من قسم بخدا میگویم که

اَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

که شادمانی پیغمبر تو دوست تر است بسوی تو از شادمانی دشمن تو خداوندا من

اَسْئَلُكَ اَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ ~~وَخَشْيَةً~~ مِنْكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَاِيمَانًا

سوال میکنم از تو که پر کنی دل مرا از محبت از تو و ترس از تو و تصدیق بقرآن تو و اعتقاد

وَخَشْيَةً

بک وفرقا



بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا اِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ حَبِّبْ اِلَيَّ

بتو و ترس از تو و اشتیاق بسوی رحمت ای صاحب بزرگی و بخشش دوست گردان

لِقَائَكَ وَاَحْبِبْ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ

رحمت خود را و دوست دار ملاقات مرا و بگردان برای من در بر خوردن من راحت و نجات

وَالْكَرَامَةَ اَللّٰهُمَّ اَلْحِقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضٰى وَاجْعَلْنِي مِنْ

و بخشش خود را خداوندا برسان مرا بشایستگی آن کسی که گذشته است و بگردان مرا از

صَالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَاَعِنِّي عَلٰى نَفْسِي

پسندیده آن کسی که آینده است و بگیر مرا و ببر براه شایستگان و یاری کن مرا بر نفس من

بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَاخْتِمْ لِي عَمَلِي بِاَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ

به آنچه یاری میکنی به آن شایستگان را بر نفسهای ایشان و به انجام رسان کردار مرا بنیکوئی او و بگردان

ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَاَعِنِّي عَلٰى صَالِحِ مَا اَعْطَيْتَنِي

جزا و خیر مرا از آن بهشت بحق بخشش خود ای پروردگار عالمیان و مدد کن مرا

وَثَبِّتْنِي يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

و پاینده دار مرا ای پروردگار من و بر مگردان مرا در بلائی که رهانیده تو مرا از آن خداوندا بدرستی که

اِيمَانًا لَا اَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ اَحْيِنِي مَا اَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي

ایمانی را که نباشد نهایتی برای آن تا رسیدن من برحمت تو زنده که زنده داری مرا بر آن و بمیران

اِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي اِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَاَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ

آنگاه که بمیرانی مرا بر آن و خالی سازی مرا چون برانگیزانی مرا بر آن و خالی ساز دل مرا از ریا و شک

والتمعة في دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم اجعل
و آوازه در طاعت تو تا آنکه باشد کردار من بیریا برای تو خداوندا بخش مرا
بصيرة في دينك وفهما في حكمك وفقها في علمك وكفلين
بینایی در دین و اطاعت تو و دانش در حکم تو و فهم آن را در علم تو و دو بهره
من رحمتك وورعا يحجزني عن معصيتك وبيض وجهي بنورك
از رحمت خود را و پارسایی را که مانع شود مرا از نافرمانیهای تو و سفید کردان روی مرا
واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة
و بگردان خواهش مرا در آنچه نزد توست و بمیران مرا در راه دین خود و بر کیش
رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل
پیغمبر خود صلى الله عليه وآله خداوندا من پناه میبرم از کسل
والفقر والفشل والهم والجبن والبخل والغفلة والقسوة و
و فقر و کاهلی و اندوه و بی دلی و بخیلی و غفلت و سنگدلی
الذلة والمسكنة والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش
و خواری و پریشانی و احتیاج بخلایق و از هر بلایی و رسوایی
ما ظهر منها وما بطن واعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع
آنچه آشکار است از آنها و آنچه پنهان و پناه میبرم بتو از نفسی که قانع نشود و شکمی که سیر نشود
وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع وصلوة لا ترفع
و دلی که نترسد و دعایی که شنیده نشود و کرداری که سود نبخشد و نمازی که بالا نرود

بك يا رب



بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني
بتو ای پروردگار من بر نفس من و فرزندم و دینم و مالم و بر همه آنچه روزی کردی
من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه لا
از رجم شده شیطان رانده شده که تویی شنوای دانا خداوندا بدرستی که
يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في
پناه نمیدهد مرا از عقوبت تو احدی و نمییابم از غیر تو گریزی پس مگردان نفس مرا در
شيء من عذابك ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني واعل
چیزی از عقوبت تو و باز مگردان مرا بعذاب دردناک خداوندا بپذیر از من و بلند
ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي
ذکر مرا و بالا بر مرتبه مرا و بیفکن بار گران مرا و یاد مکن مرا بگناه من
واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك
و بگردان جزای نشستن مرا و جزای گفتار مرا و جزای دعا خواندن مرا خوشنودی
والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك وزدني من فضلك
و بهشت و عطا کن بمن ای پروردگار من همه آنچه سوال کردم از تو و بیفزایی بمن از بخشش
اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في كتابك
بدرستی که من بسوی تو میل کننده ام ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستی که تو فرو فرستادی
العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا
گذشتن و فرمودی ما را اینکه درگذریم از کسی که ستم کرده بر ما بتحقیق که ستم کردیم بر جانهای خود

هلكة ولا تردني

فإنك أولى بذلك منا وأمرتنا أن لا نرد سائلا عن أبوابنا وقد

پس تو سزاوارتری بآن از ما و فرموده ما را اینکه گردانیم سؤال کنندگان را از درهای خود [illegible]

جئتك سائلا فلا تردني إلا بقضاء حاجتي وأمرتنا بالإحسان إلى

آمده ام ترا سؤال کننده پس برمگردان مرا مگر بر آوردن مطلب و فرموده ما را به نیکویی کردن [illegible]

ما ملكت أيماننا ونحن أرقاؤك فأعتق رقابنا من النار يا مفزعي

آنچه مالک شده است دستهای ما و ما بندگان توایم پس آزاد گردان گردنهای ما را از آتش ای پناه من

عند كربتي ويا غوثي عند شدتي إليك فزعت وبك استغثت

نزد اندوه و بلای من ای فریادرس من نزد سختی من بتو پناه آورده ام و بتو طلب فریادرسی [illegible]

وبك لذت لا ألوذ بسواك ولا أطلب الفرج إلا منك فأغثني

و بتو التجا نموده ام و پناه نمی آورم بغیر تو و سؤال نمیکنم راحت را مگر از تو پس فریادرس

وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير

و بر طرف کن از من غم مرا ای آنکه قبول میکند اندک را و درمیگذرد از بسیار قبول کن از من اندک را

واعف عني الكثير إنك أنت الغفور الرحيم اللهم إني أسألك

و بگذر از من بسیار را بدرستی که تو آمرزنده مهربانی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو

إيمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما

ایمانی را که باشی تو بسبب آن در دل من و اعتقاد درستی را تا آنکه بدانم نمیرسد بمن مگر آنچه

كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين

نوشته ای از برای من و خشنود گردان مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان



ومختصر دعا يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي إليك

[illegible] ای پناه من نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو

فزعت وبك استغثت وبك لذت لا ألوذ بسواك ولا أطلب

پناه آورده ام و بتو استغاثه نموده ام و بتو پناه آورده ام و نه پناه بغیر تو و طلب نمیکنم

الفرج إلا منك فأغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير

گشایش را مگر از تو پس فریادرس مرا و بگشا از من ای آنکه می پذیرد اندک را

ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير إنك أنت

و درمیگذرد از گناه بسیار بپذیر از من کمی را و درگذر از گناه بسیار که توئی که

الغفور الرحيم اللهم إني أسألك إيمانا تباشر به قلبي ويقينا

آمرزگار مهربان [illegible] خداوندا سؤال میکنم از تو ایمانی که [illegible]

حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما كتبت لي ورضني من العيش بما

تا آنکه بدانم [illegible] مگر آنچه [illegible] و خشنود ساز مرا [illegible]

قسمت لي يا أرحم الراحمين يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای ذخیره من در اندوه من و ای یار من در سختی من و ای [illegible]

في نعمتي ويا غايتي في رغبتي أنت الساتر عورتي والآمن روعتي و

در نعمت من و ای نهایت مطلب من [illegible] توئی پوشاننده [illegible] و ایمنی بخشنده خوف من

المقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا أرحم الراحمين وأما دعا ماه

و درگذرنده از لغزش من پس بیامرز برای من گناه مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان [illegible] ماه مبارک بسند معتبر

دعای هر روز ماه مبارک رمضان

منقول است که حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر صلوات الله
علیهما در هر روز ماه اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت
مبارک میخواندند بارخدایا این ماه رمضان است که فرو فرستادی
فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان وهذا
دران قرآن را که راه نمای آدمیان است و نشانهای روشن است و جدا کننده حق و باطل
شهر الصیام وهذا شهر القیام وهذا شهر الانابة وهذا شهر
ماه روزه داشتن است و این ماه برخواستن است و این ماه بازگشتن است و این ماه
التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من
توبه است و این ماه آمرزش و بخشایش است و این ماه آزادی از
النار والفوز بالجنة وهذا شهر فیه لیلة القدر التی هی
آتش و رستگاری بهشت و این ماه ماهی است که دران شب قدر است که آن
خیر من الف شهر اللهم فصل علی محمد وال محمد واعنی علی
بهتر است از هزار ماه خداوندا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر
صیامه وقیامه وسلمه لی وسلمنی فیه واعنی علیه بافضل عونک
روزه داشتن آن و بپا ایستادن آن سالم دار این را برای من و سالم دار مرا دران و مدد کن مرا بر آن به نیکوتر مدد خود
ووفقنی فیه لطاعتک وطاعة رسولک واولیائک صلوات
و توفیق ده مرا دران اسباب طاعت خود را و طاعت رسول خود را و دوستان خود را رحمتهای خدا
الله علیهم وفرغنی فیه لعبادتک ودعائک وتلاوة کتابک
بر ایشان و فارغ دار مرا دران بجهة عبادت خود و دعا خود و تلاوت کتاب خود

و عظم



و اغفر

وعظم لی فیه البرکة واحسن لی فیه العافیة واحرز لی
و بزرگ گردان دران برکت مرا و نیکو گردان برای من عافیت را و نگاه دار مرا
فیه التوبة واصح لی فیه بدنی واوسع فیه رزقی واکفنی
دران توبه را و سالم دار برای من دران بدن مرا و فراخ کن دران روزی مرا و کفایت کن
فیه ما اهمنی واستجب فیه دعائی وبلغنی فیه رجائی اللهم
دران آنچه غمگین ساخته مرا و بپذیر دران دعای مرا و برسان مرا دران امید من خداوندا
صل علی محمد وال محمد واذهب عنی فیه النعاس والکسل
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ببر از من دران خواب سبک و کاهلی
والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبنی فیه
و سستی و سخت دلی و بیخبری و فریفتگی را و دور گردان از من دران
العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض
علتها و بیماریها و اندوهها و غمها و حوادث و مرضها
والخطایا والذنوب واصرف عنی فیه السوء والفحشاء و
و خطاها و گناهان را و بگردان از من دران بدی و زشتی را و
الجهد والبلاء والتعب والعناء انک سمیع الدعاء اللهم
مشقت و بلا و رنج و بیچارگی به درستیکه تو شنونده دعایی خداوندا
صل علی محمد وال محمد واعذنی فیه من الشیطان الرجیم
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا دران از شیطان رانده شده

وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره

و بیم چوبه او و بدگویی او و دمیدن او و سحر او و وسوسه او و کاهل گردانیدن او و حیله او و مکر او

وحبائله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وشركه واخوانه

و دامهای او و فریبهای او و دروغهای او و فریبندگی او و آشوب او و دامهای او و برادران

واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم

و پیروان او و تابعان او و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او خداوندا

صل على محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را پا ایستادن و روزه او و رسیدن به آرزو

فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عنا صبرا واحتسابا

در ان و در ایستادن او و تمام کردن انچه خوشنود سازد ترا از من از روی شکیبایی و ثواب

وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك منا بالاضعاف الكثيرة والاجر

و گرویدن و یقین پس بپذیر آن را از من به اضعاف بسیار و مزد

العظيم يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني

بزرگ ای پروردگار عالمیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن

والعزم والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة

و عزیمت و سعی کردن و کوشش نمودن و توانایی و خرمی و بازگشت و توبه

والتوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع

و نیک گردانیدن اسباب و نزدیکی و نیکی پذیرفته و ترس و خواهش و زاری نمودن

والخشوع



والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل

و فروتنی و نرم دلی و عزیمت درست و راستی زبان و ترس

منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع

از تو و امید داشتن مر ترا و توکل داشتن بر تو و اعتماد داشتن به تو و پرهیزگاری

عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل

از محرمات تو با شایسته گفتار و حرکت پذیرفته و عمل بالا برده شده

ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض

و دعای اجابت کرده شده و حایل مکن میان من و میان چیزی از آنچه در عوض به عارضه

ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد

و نه بیماری و نه غمی و نه اندوهی و نه بیماری و نه بیخبری و نه فراموشی بلکه معاهدت

والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك

ملاحظه کردن و خود نگاه داشتن در راه تو و رعایت کردن مر حق ترا و وفا نمودن بعهد تو و وعده

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن

لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه

برای من در این ماه بهترین آنچه قسمت کنی آن را برای بندگان خود شایسته و ببخش مرا در آن

افضل ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن

بهترین آنچه بخشش فرمایی دوستان نزدیک خود را از بخشش و آمرزش و مهربانی

والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة

و پذیرفتن و عفو و درگذشتن و آمرزش پیوسته و عافیت و معافات

والعتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم

و آزادی از آتش و رستگاری به بهشت و خیر این جهان و آن جهان خداوندا

صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي فيه إليك واصلاً

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان دعای مرا در آن بسوی خود رسنده

ورحمتك وخيرك إليّ فيه نازلاً وعملي فيه مقبولاً وسعيي

و رحمت خود را و خیر خود را بسوی من فرود آینده و کردار مرا در آن پذیرفته و کوشش مرا

فيه مشكوراً وذنبي فيه مغفوراً حتى يكون نصيبي فيه الأكبر

در آن جزا داده شده و گناه مرا در آن آمرزیده شده تا آنکه بوده باشد بهره من در آن بزرگتر

وحظي فيه الأوفر اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقني

و نصیب من در آن وافرتر خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و توفیق ده مرا

فيه لليلة القدر على أفضل حال تحب أن يكون عليها

در آن شب قدر بر بهترین حالتی که دوست داری آنکه بوده باشد بر آن

أحد من أوليائك وأرضاها لك ثم اجعلها لي خيراً من

یکی از دوستان تو و پسندیده‌ترین برای تو پس بگردان این شب را بهتر از

ألف شهر وارزقني فيها أفضل ما رزقت أحداً ممن بلغته

هزار ماه و روزی کن مرا در آن شب بهتر آنچه روزی کرده یکی را از آنکه رسانیده



إياها وأكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك

شب قدر و گرامی داشتی او را بآن شب بگردان مرا در آن شب از آزادشدگان از دوزخ و آزادگان

من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك يا أرحم

از آتش و نیکبختان خلق خود به آمرزش خود و خوشنودی خود ای رحم کننده‌ترین

الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا في شهرنا هذا

رحم کنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را در ماه

الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم

سعی و کوشش و توانایی و خرمی و آنچه دوست داری و پسندی خداوندا

رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان

ای پروردگار سپیده دم و شبهای دهگانه و شفع و وتر و پروردگار ماه رمضان

وما أنزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل

و آنچه فرو فرستادی در آن که قرآنست و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وجميع الملائكة المقربين ورب إبرهيم وإسمعيل وإسحق

و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابراهیم و اسمعیل و اسحق

ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين

و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و رسولان

ورب محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم أجمعين وأسألك

و پروردگار محمد آخر پیغمبران رحمتهای تو بر او و بر ایشان باد همگی و سؤال میکنم

بحقهم علیک وبحقک العظیم علیهم لما صلیت علیه وآله
بحق ایشان بر تو وبحق تو که بزرگست بر ایشان پس درود بفرست بر او وآل او
وعلیهم اجمعین ونظرت الی نظرة رحیمة ترضی بها عنی رضا
و بر ایشان همگان و در نگر بسوی من نظر با شفقت که خوشنود شوی بسبب آن
سخط علی بعده ابدا واعطیتنی جمیع سؤلی ورغبتی وامنیتی
از من خشمی نباشد بر من پس از آن هرگز و عطا کنی مرا تمام خواسته و خواهش و آرزوی
وارادتی وصرفت عنی ما اکره واحذره واخاف علی نفسی وما
و مقصود مرا و بگردانی از من آنچه ناخوش دارم و بیم دارم و بترسم بر نفس خود و آنچه
لا اخاف وعن اهلی ومالی واخوانی واخواتی وذریتی اللهم الیک
نترسم و از خاندان من و مال من و برادران من و خواهران من و فرزندان من خداوندا بسوی تو
فررنا من ذنوبنا فآونا تائبین وتب علینا مستغفرین واغفر لنا
گریختیم ما از گناهان ما پس جای ده ما را حالی که توبه کننده باشیم و رجوع نما بما حالی که طلب آمرزش کنندگان باشیم و بیامرز برای ما
متعوذین واعذنا مستجیرین واجرنا مستسلمین ولا تخذلنا راهبین
حالی که پناه جوینده باشیم پناه ده ما را حالی که پناه جوینده باشیم ... و خوار مگردان ما را حالی که ترسنده باشیم
وآمنا راغبین وشفعنا سائلین واعطنا انک سمیع الدعاء
و ایمنی بخش ما را خواهشمندان و قبول کن شفاعت ما را و ببخش ما را بدرستی که تو شنونده دعایی
قریب مجیب اللهم انت ربی وانا عبدک واحق من سئل العبد
نزدیک اجابت کننده خداوندا تویی پروردگار من و من بنده توام و سزاوارترین کسی که سؤال کند بنده

ربه ولم



ربه ولم یسئل العباد مثلک کرما وجودا یا موضع شکوی السائلین
پروردگار خود را و سوال نکردند بندگان مانند ترا از روی بزرگواری و بخشش ای فرودگاه شکایت سائلان
ویا منتهی حاجة الراغبین ویا غیاث المستغیثین ویا مجیب
وای منتهای حاجت خواهشمندان و فریادرس دادخواهان وای مجیب
دعوة المضطرین ویا ملجا الهاربین ویا صریخ المستصرخین
دعای درماندگان وای پناه گریزندگان وای دادرس دادخواهان
ویا رب المستضعفین ویا کاشف کرب المکروبین ویا فارج
وای پروردگار ضعیف شمرده شدگان وای رفع نماینده اندوه اندوهناکان وای گشاینده
هم المهمومین ویا کاشف الکرب العظیم یا الله یا رحمن یا رحیم
غم غمناکان وای رفع نماینده اندوه بزرگ الله ای بخشاینده ای مهربان
یا ارحم الراحمین واغفر لی ذنوبی وعیوبی واسائتی وظلمی وجرمی
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و بیامرز برای من گناهان من و عیبهای مرا و ستم مرا و گناه مرا
واسرافی علی نفسی وارزقنی من فضلک ورحمتک فانه لا یملکها
و زیادتی نمودن مرا بر نفس من و روزی کن مرا از فضل خود و رحمت خود که او مالک نیست آنها
غیرک واعف عنی واغفر لی کلما سلف من ذنوبی واعصمنی
غیر تو و درگذر از من و بیامرز مرا آنچه گذشته از گناهان من و نگاه دار مرا
فیما بقی من عمری واستر علی وعلی والدی وولدی وقرابتی
در آنچه باقیست از عمر من و بپوشان بر من و بر پدر و مادر من و فرزند من و خویشان من

صلّ علی محمد وآل محمد

واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات

و اهل محرمان من و هر کس که بوده باشد من را بهی از گروندگان مردان و زنان

في الدنيا والآخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة

در جهان و در آن جهان که اینها همه بدست تست و تو فرا گیرنده آمرزشی

فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا يدي الى نحري

پس نا امید مکن مرا ای آقای من و بر مگردان دعای مرا و مگردان دست مرا بسوی گلوی من

حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك وتزيدني

تا آنکه بکنی این را و بپذیری برای من همه آنچه سوال کردم از تو و زیاده کنی

من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون

از بخشش خود مرا که تو بر هر چیز توانایی و ما بتو خواهشمندیم

اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

خداوندا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری

والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت

و نعمتها و سوال میکنم از تو بنام خدای بخشاینده مهربان اگر بوده

قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح ان تصلي

که حکم کرده باشی درین شب فرود آمدن ملائکه و روح را آنکه رحمت فرستی

على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي وروحي مع

بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان



الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة

و روح مرا با شهیدان و نیکوییهای مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك و

و آنکه بخشی مرا یقینی که مباشر گردانی بآن دل مرا و ایمانی که نیامیزد آنرا شکی و

رضا بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

خوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من و بده مرا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل

و نگاهدار مرا از عذاب دوزخ و اگر نبوده باشی که حکم کرده باشی درین شب فرود آمدن

الملائكة والروح فيها فاخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك

ملائکه و روح در آن پس بازدار مرا تا آن شب و روزی کن مرا در آن یاد کردن

وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل على محمد وآل محمد

و شکر ترا و طاعت ترا و نیکویی پرستیدن تو پس رحمت فرست بر محمد و آل

بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد

به بهترین رحمتها ای مهربانترین رحم کنندگان ای یگانه ای بی نیاز ای پروردگار محمد

وآل محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعدائهم بددا

و آل محمد غضب کن درین روز برای محمد و برای نیکوکاران گروه او و بکش دشمنان ایشان را پراکنده

واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم

و دریاب ایشان را بشماره و وامگذار بر پشت زمین از ایشان یکی را و میامرز

ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين
هرگز اي نيكو مصاحبت اي خليفه پيغمبران تو بخشنده ترين بخشندگاني
البدئ البديع الذي ليس كمثله شئ والدائم غير الغافل
آفريدگار نو پديد آورنده كه نيست مانند او چيزي و هميشه موجودي كه نيست بيخبر
والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شان انت خليفة محمد
و زنده كه نميرد و تو هر روز در كاري تو خليفه كننده پيغمبري
وناصر محمد ومفضل محمد اسئلك ان تنصر وصي محمد وخليفة
و ياور محمد و زيادتي دهنده محمد سوال ميكنم از تو اينكه ياري كني وصي محمد و جانشين
محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك عليه وعليهم
محمد و آن را كه رعايت عدل از اوصياء محمد رحمتهاي تو بر او و بر ايشان
اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل
بگردان بر ايشان ياري خود را اي آنكه نيست خدائي مگر تو بحق آنكه نيست خدائي مگر تو درود فرست
على محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة واجعل
بر محمد و آل محمد و بگردان مرا با ايشان در دنيا و آخرت و بگردان
عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك
كار مرا بسوي آمرزش تو و رحمت تو اي رحم كننده ترين رحم كنندگان و همچنين
نسبت نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف فصل على
ناميده ذات خود را اي آقاي من بمهرباني بلي بدرستي كه مهرباني پس رحمت فرست



محمد وال محمد والطف بي انك لطيف لما تشاء اللهم صل على
محمد و آل محمد و لطف كن با من بدرستي كه تو لطف كننده از آنكه خواهي خداوندا رحمت فرست
محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل
محمد و آل محمد و روزي كن مرا حج و عمره در سال اين سال و در هر سال
عام وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والاخرة سه استغفر الله
سال و احسان كن بر من بهمه حاجتهاي من كه بجهة دنيا و آخرت مرتبه بگو طلب آمرزش ميكنم از
ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب
پروردگار من و رجوع ميكنم بسوي او كه پروردگار من نزديك پذيرنده است آمرزش ميكنم از خدا پروردگار خود
اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان
ميكنم بسوي او كه پروردگار من مهربان و دوست است طلب آمرزش ميكنم از خدا پروردگار من و بازگشت ميكنم بسوي او كه او بود
غفارا اللهم اغفر لي انك ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا
آمرزگار خداوندا بيامرز مرا بدرستي كه تو بخشنده ترين بخشندگاني پروردگار من كردم بدي
او ظلمت نفسي فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله
و ستم كردم نفس خود را پس بيامرز مرا بدرستي كه نمي آمرزد گناهان را مگر تو طلب آمرزش ميكنم از
الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم العليم الكريم الغفار
آنكه نيست خدائي مگر او زنده پاينده بردبار بزرگ دانا آمرزنده
للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما
مر گناه بزرگ را و رجوع ميكنم بسوي او طلب آمرزش ميكنم از خدا كه خدا هست آمرزنده مهربان

بیته اللهم انی اسألك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل
مرتبه خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی
فیما تقضی وتقدر من الامر العظیم المحتوم فی لیلة القدر
در جمله آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر بزرگ واجب گردانیده شده در شب قدر
من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتك
از حکمی که بر گردانیده نشود و بدل کرده نشود و اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان
الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم
خانه محترم تو که پذیرفته شود حج ایشان پاداش داده شود کوشش ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان
عنهم سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل
از ایشان گناهان ایشان و اینکه بگردانی در جمله آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی اینکه دراز کنی
عمری وتوسع رزقی وتؤدی عنی امانتی ودینی آمین رب
عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از من امانت مرا و قرض مرا اجابت کن ای پروردگار
العالمین اللهم اجعل لی فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث احتسب
عالمیان خداوندا بگردان از برای من گشایشی و بیرون شدنی و روزی کن مرا از آنجا که گمان میکنم
ومن حیث لا احتسب واحرسنی من حیث احترس وصلی الله
و از آنجا که گمان ندارم و نگهبانی کن مرا از آنجا که خود را نگاه دارم و رحمت فرستاد خدا
علی محمد وآله وسلم تسلیما واین تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت
بر محمد و آل او و درود فرستاد درود بسیار صادق منقولست که در هر روز اینها بخوان

ومن حیث لا احترس ع



سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
پاکست خداوند آفریننده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورت پاکست خدا آفریننده
الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
مخلوقات همه پاکست خدا خلق کننده تاریکیها و روشنی پاکست خدا
فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله
شکافنده دانه و خرما پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا
خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان
آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا بشمار کلمهای او پاکست
الله رب العالمین سبحان الله السمیع الذی لیس شیء اسمع
خدا پروردگار عالمیان پاکست خدا شنوایی که نیست هیچ چیز شنواتر
منه یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین ویسمع ما فی
از او میداند از بالای عرش خود آنچه در زیر زمینهای هفتگانه و میداند آنچه در
ظلمات البر والبحر ویسمع الانین والشکوی ویسمع السر
تاریکیهای بیابان و دریا و میشنود ناله و شکایت و میشنود راز
واخفی ویسمع وساوس الصدور ولا یصم سمعه صوت سبحان
و پنهان تر از آن و میداند اندیشهای سینهها و کر نمیسازد گوش او صدایی پاکست
باری النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
آفریننده هر ذی روح پاکست خدا آفریننده هر صورتی پاکست خدا آفریننده انواع مخلوق

الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
مخلوقات همه پاکست خدا خلق کننده تاریکیها و روشنی پاکست خدا
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان
شکافنده دانها و هستها پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست
الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدا بشمار کلمهای وی پاکست
الله رب العالمين سبحان الله البصير السميع الذي ليس
خدا پروردگار جهانیان پاکست خدای بینای شنوا آنکه نیست
شيء اسمع ابصر منه يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين
چیزی شنواتر و بیناتر از آن می بیند از بالای عرش خود آنچه در زیر هفت زمینهاست
ليسمع ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الابصار وهو
میشنود و می بیند آنچه را در ظلمتهای بیابان و دریا درنیابد او را دیدها و او
اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمة ولا يستتر منه لستر ولا
مهربان آگاه نمی پوشاند چیزی را از دیده او تاریکی و پوشیده نشود چیزی از او و نه
يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل ما في
پوشاند از او دیواری و پنهان نیست از او بیابانی و نه دریایی و پنهان نمیدارد از آن کوهی آنچه
اصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر منه صغير
بیخ اوست و نه دلی را آنچه در اوست و نه پهلوی را آنچه در دل اوست و پوشیده نیست از او خردی

ولا كبير



ولا كبير ولا شيء في الارض ولا في السماء هو الذي
و نه بزرگی و نه چیزی در زمین و نه در آسمان اوست آنکه
يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم
صورت می کند شما را در رحمها هر روشی که خواهد نیست خدایی مگر او که غالب درست کردار
سبحان الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله
پاکست خدا پدید آورنده جزوی روح پاکست خدا که صورت گر است پاکست خدا
خالق الازواج كلها سبحان الله خالق كل شيء سبحان
آفریننده هر نوع همه چیزها پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا
خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله
آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدا مداد کلمهای وی پاکست خدا
رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال
پروردگار جهانیان پاکست خدا آنکه پیدا کند ابرهای گران بار را
ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق
و تسبیح میکند رعد بستایش او و فرشتگان از بیم او و میفرستد صاعقها
فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي
پس میرساند آنها را که خواهد و میفرستد بادها که مژده دهنده اند پیش از فرود
رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته وينبت النبات بقدرته
آمدن رحمت او و میفرستد آب را از آسمان بکلمه خود و میرویاند گیاه را بقدرت خود

جاعل الظلمات
والنور سبحان الله
فالق الحب والنوى
سبحان الله
ع

وَيَسْقُطُ الْوَرَقُ بِعِلْمِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ
و فرو نيفتد برگ درخت الا بعلم خود پاکست آنکه پنهان نيست ازو همسنگ
ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ
مورچه خوردی در زمين و نه در آسمان و نه خوردتر ازان و نه کوچک تر
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ
مگر اندر نامه روشن پاکست خدا پديد آرنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده
سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ
پاکست خدا آفريننده هر نوع چيزها پاکست خدا آفريننده تاريکيها
وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ
و روشنی پاکست خدا برون آورنده دانها و نباتها پاکست خدا آفريننده
كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللّٰهِ
هر چيز پاکست خدا آفريننده آنچه ديده ميشود و آنچه ديده نميشود پاکست خدا
مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي
مداد کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانيان پاکست خدا آنکه
يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ
ميداند آنچه بر ميدارد هر زنی و آنچه کم ميکنند رحمها و آنچه بيفزايند و هر
شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ
چيز نزد او باندازه است داناي هر پنهان و آشکار است بزرگ بلند مرتبت يکسان

منكم من



مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ
از شما آنچه پنهان دارد سخن و آنکه آشکار کند آن و آنکه او پوشاننده عمل خود است بشب
وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ
و آنکه آشکار نماينده است در روز مر انکس راست نگهبانان از پيش روی او و از پس سر او
يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللّٰهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي
نگاه دارنده او مر خدا را پاکست خدا آنکه ميميراند زندهرا و زنده ميکند
الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَيُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ
مردگان را و ميداند آنچه کم ميکند زمين از ايشان و ثابت ميدارد در رحمها آنچه خواهد
إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ
تا مدت معين پاکست خدا پديد آرنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورتها
سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ
پاکست خدا آفريننده هر نوع چيزها پاکست خدا پديد آرنده تاريکيها
وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ
و روشنی پاکست خدا شگافنده دانها و نباتها پاکست خدا خلق کننده
كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
هر چيز پاکست خدا مداد کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانيان
سُبْحَانَ اللّٰهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ
پاکست خداوند پادشاهی ميدهد آنکه را که ميخواهد و ميگيری پادشاهی

سبحان الله خالق ما يرى
وما لا يرى

ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على

از که خواهی و عزیز میداری هر که خواهی و ذلیل میداری هر که خواهی بدست تست خیر بدرستی که تو

كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل

بر هر چیز توانایی در آوری شب را اندر روز و در آوری روز را اندر شب

وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب

و بیرون آوری زنده را از مرده و بیرون آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که خواهی بی شمار

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق

پاکست خدا پدید آرنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورتها پاکست خدا خلق کننده

الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

هر نوع چیزها پاکست خدا پدید آرنده تاریکیها و روشنی پاکست خدا

فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق

شکافنده دانه و ناها پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا خلق کننده

ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين

آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا مداد کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان

سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم

پاکست خدا آنکه نزد اوست کلیدهای غیب نمیداند آنها را مگر او و میداند

ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات

آنچه در بیابان و دریاست و نمی افتد هیچ برگی از درختی مگر او میداند او را و نه دانه در تاریکی

الارض



الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان الله بارئ

زمین و نه تر و نه خشکی مگر در کتاب روشن پاکست خدا پدید آرنده

النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها

هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورتها پاکست خدا آفریننده انواع خلقها همه

سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب

پاکست خدا پدید آرنده تاریکیها و روشنی پاکست خدا شکافنده دانه

والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى

و ناها پاکست خدا خلق کننده هر چیز پاکست خدا پدید آرنده آنچه دیده میشود

وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين

و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا مداد کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان

سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا يجزي

پاکست خدا آنکه شمار نمیکنند ستایش او را ستایندگان و شکر نمیکنند

بآلائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله

در مقابل نعمتهای او شکر گزاران و پرستندگان او و چنانست که خود گفته و بالای آنچه گوییم

سبحانه كما اثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء

پاکست او و چنانست که خود ستوده خود را و فرا نمیرسند ایشان بچیزی از دانش او مگر بآنچه

وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو

خواسته فرا گرفته کرسی او آسمانها و زمین را و گران نمیکند او را نگهبانی کردن هر دو و اوست

هو

العلي العظيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
رفيع الشان بزرگ مرتبه پاکست خدا پدید آرنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده
سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
پاکست خدا آفریننده انواع چیزها پاکست خدا گرداننده تاریکیها
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق
و روشنایی پاکست خدا شگافنده دانها و نباتها پاکست خدا آفریننده
كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
هر چیز پاکست خدا خلق کننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج
کلمهای او پاکست خدا پروردگار عالمیان پاکست خدا آنکه میداند آنچه
في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
اندر زمینها و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن
ولا يشغله ما يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من السماء
و باز نمیدارد او را از آنچه در زمین است و آنچه بیرون می آید از آن از آنچه فرود می آید از آسمان
وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما يلج
و آنچه بالا میرود در آن و باز نمیدارد او را آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن از آنچه
في الارض وما يخرج منها ولا يشغله علم شيء عن علم شيء ولا خلق
داخل میشود در زمین و آنچه بیرون می آید از آن و باز نمیدارد او را دانش چیزی از دانش چیزی و نه آفریدن

شيء عن



شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء
چیزی از آفریدن چیزی و نه نگاهبانی چیزی و مساوی نیست او را چیزی و برابر نمیکند او را چیزی
ليس كمثله شيء وهو السميع العليم سبحان الله بارئ النسم
نیست مثل او چیزی و او شنوا و داناست پاکست خدا پدید آرنده هر ذی روح
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان
پاکست خدا نگارنده صورتها پاکست خدا آفریننده انواع چیزها پاکست
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
خدا پدید آرنده تاریکیها و روشنی پاکست خدا شگافنده دانها و نباتها
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله
پاکست خدا مداد کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا
فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى و
خلق کننده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان بالهای دو دو
ثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير
و سه و چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد که خدا بر هر چیز تواناست
ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل
آنچه بگشاید خدا برای آدمیان از بخشش نیست بازدارنده مر او را و آنچه باز دارد نیست فرستنده

لَهُ مِنْ بَعْدُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ

مر اورا از پس او واوست غالب راست کار پاک خدا پدید آرنده همه روح پاک

اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ

خدا نگارنده صورتها پاک خدا آفریننده همه نوع چیزها پاک خدا

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ

پدید آرنده تاریکیها و روشنی پاک خدا شکافنده دانها و ناهها پاک

اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ

خدا آفریننده هر چیز پاک خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاک

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي يَعْلَمُ

مداد کلمهای او پاک خدا پروردگار جهانیان پاک خدا آنکه میداند

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ

آنچه اندر آسمانها و آنچه اندر زمین است نباشد راز گفتن هیچ سه تن مگر چهارم ایشان

وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا

و نه پنج تن مگر او ششم ایشانست و نه کمتر از آن و نه بیشتر از آن مگر

هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

او با ایشانست هر جا که بوده باشند پس آگاه کند ایشانرا آنچه کرده اند روز قیامت بدرستی که خدا بهر چیز

عَلِيمٌ وایضا مستحب است این صلوات را در هر روز ماه مبارک رمضان و در

داناست هر جمعه در تمام سال بخوانند إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ



عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ

بر پیغمبر ای گروهی که گرویده اید رحمت فرستید بر او و درود فرستید درود فرستادنی

يَا رَبِّ وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى

ای پروردگار من و پاکی تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ

محمد و آل محمد چنان که رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ

بدرستی که تو ستوده بزرگواری خداوندا رحم کن محمد و آل محمد چنان که رحم کردی ابراهیم

وَآلَ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

و آل ابراهیم را بدرستی که ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانکه

سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

درود فرستادی نوح در جهانیان خداوندا بخشش نمودی بر محمد و آل محمد

كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

چنانکه بخشش نمودی بر موسی و هارون خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه

هَدَيْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا

هدایت کردی ما را بان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برانگیز او را در جایگاه ستوده

يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ

که در رشک برند او را پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل او باد درود هرگاه که طالع

اللهم صل علی محمد وآل محمد کما ...

شمس او غربت على محمد و آله السلام كلما طرفت عين او برقت

آفتاب یا فرو رود درود بر محمد و آل او باد درود هر گاه بر هم زند یکبار چشم یا درخشد

على محمد و آله السلام كلما طرفت عين او برقت على محمد و آله

بر محمد و آل او باد درود هر گاه که بر هم زند یکبار چشم یا درخشد درود بر محمد و آل

السلام كلما طرفت عين او ذرفت على محمد و آله السلام كلما

باد درود هر گاه ذکر کرده شود و هر گاه بر هم زند یکبار چشم یا اشک ریزد درود بر محمد و آل محمد باد درود

ذكر السلام على محمد و آله السلام كلما سبح الله ملك او قدسه

ذکر کرده شود درود بر محمد و آل او درود هر گاه تسبیح کند خدا را فرشته یا تقدیس کند

السلام على محمد و آله في الاولين السلام على محمد و آله في

درود بر محمد و آل او در میان پیشینیان درود بر محمد و آل او در

الآخرين السلام على محمد و آله في الدنيا و الآخرة السلام

پسینیان درود بر محمد و آل او در دنیا و آخرت درود

على محمد و آله و رحمة الله و بركاته اللهم رب البلد الحرام

بر محمد و آل او و رحمت خدای و برکتهای او خداوندا پروردگار شهر محترم

و رب الركن و المقام و رب الحل و الحرام ابلغ نبيك محمدا و آله

و پروردگار رکن کعبه و مقام و پروردگار حل و حرام برسان به پیغمبر خود محمد و آل او

عنا السلام اللهم اعط محمدا من البهاء و السرور و النضرة

از ما درود خداوندا ببخش محمد را از نیکویی و شادی و بزرگواری

والكرامة



و الكرامة و الغبطة و الوسيلة و المنزلة و المقام و الشرف

و بزرگواری و خوشحالی و وسیله و مرتبه و جایگاه و شرف

و الرفعة و الشفاعة عندك يوم القيمة افضل ما تعطي

و بلندی و شفاعت کردن نزد تو در روز رستخیز بهتر از آنچه عطا کنی

احدا من خلقك و اعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق من الخير

یکی از خلق خود را و عطا کن محمد را بر بالای آنچه عطا کنی آفریدگان از نیکی

اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد و آل

اضعاف بسیار که شمار و احصا نکند غیر تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل

محمد اطيب و اطهر و ازكى و انمى و افضل ما صليت على

محمد پاک تر و پاکیزه تر و فزاینده تر و بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر

احد من الاولين و الآخرين و على احد من خلقك يا ارحم الراحمين

یکی از پیشینیان و پسینیان و بر یکی از خلق خود ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم صل على علي امير المؤمنين و وال من والاه و عاد من عاداه

خداوندا رحمت فرست بر علی پادشاه گروندگان و دوست دار کسی که دوست دارد او را و دشمن دار کسی که دشمن دارد او را

و ضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة

و چندین برابر کن عذاب را بر آنکه شریک شده در خون او خداوندا رحمت فرست بر فاطمه

بنت نبيك محمد عليه و آله السلام و العن من آذى نبيك

دختر پیغمبر خود محمد بر او و آل او درود باد و لعن کن کسی را که آزار کرد پیغمبر را

فيهما اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال

در بارهٔ او خداوندا رحمت فرست بر حسن و حسین امام مسلمانان و دوست دار

من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك

کسی که دوست دارد ایشان را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد ایشان را و چندین برابر کن عذاب بر کسی که شریک

في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين ووال من

در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی پسر حسین پیشوای گردن نهندگان و دوست دار کسی

والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل

که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و چندین برابر کن عذاب بر کسی که ستم کرد او را خداوندا

على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف

بر محمد پسر علی پیشوای گردن مسلمانان و دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن دار کسی که دشمن دارد او را

العذاب على من ظلمه اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين

عذاب را بر کسی که ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر جعفر پسر محمد امام پیشوای گردن

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

و دوست دار کسی که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و چندین برابر کن عذاب بر کسی که ستم

اللهم صل على موسى بن جعفر امام المسلمين ووال من والاه وعاد

خداوندا رحمت فرست بر موسی پسر جعفر پیشوای گردن نهندگان و دوست دار کسی که دوست دارد او را و دشمن

من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على علي

کسی که دشمن دارد او را و چندین برابر کن عذاب را بر کسی که شریک شده در خون او خداوندا رحمت فرست

ابن موسی



بن موسى امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف

پسر موسی پیشوای گردن نهندگان دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را

العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن علي امام

عذاب را بر کسی که شریک شده در خون او خداوندا رحمت کن بر محمد پسر علی پیشوای

المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

گردن نهندگان و دوست دار کسی را که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و چندین برابر کن عذاب

على من ظلمه اللهم صل على علي بن محمد امام المسلمين ووال

بر کسی که ستم کرد او را خداوندا رحمت کن بر علی پسر محمد پیشوای گردن نهندگان و دوست دار

من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

کسی که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و چندین برابر کن عذاب بر کسی که ستم کرد او را

اللهم صل على حسن بن علي امام المسلمين ووال من والاه و

خداوندا رحمت کن بر حسن پسر علی پیشوای گردن نهندگان و دوست دار کسی را که دوست دارد او را

عاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على الخلف

و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و چندین برابر کن عذاب بر کسی که ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر محمد

من بعده امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل

از پس او پیشوای گردن نهندگان و دوستی کن با کسی که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را

فرجه اللهم صل على القاسم والطاهر ابني نبيك اللهم صل على رقية

گشایش او را خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود خداوندا رحمت فرست بر رقیه

بنت نبیک والعن من آذی نبیک فیها اللهم صل علی ام کلثوم

دختر پیغمبر خود و لعنت کن کسی را که بیازرد پیغمبر ترا درو خداوندا رحمت فرست بر ام کلثوم

بنت نبیک والعن من آذی نبیک فیها اللهم صل علی ذریة

دختر پیغمبر خود و دور کن از رحمت خود کسی که بیازرد پیغمبر ترا درو خداوندا رحمت کن بر اولاد

نبیک اللهم اخلف نبیک فی اهل بیته اللهم مکن لهم فی الارض

پیغمبر خود خداوندا خلیفه باش پیغمبر خود را در خاندان او خداوندا جای ده ایشان را در زمین

اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم علی الحق فی السر

خداوندا بگردان ما را از شمار ایشان و یاوران ایشان و یاری دهندهٔ ایشان بر حق در نهانی

والعلانیة اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وکف

و آشکارا خداوندا طلب کن دم ایشان را و خون ایشان را و بازدار

عنا وعنهم وعن کل مؤمن ومؤمنة بأس کل باغ وطاغ وکل دابة

از ما و از ایشان و از هر مرد گرونده و زن گرونده دلیری هر ستم کننده و ...

و در کتاب اقبال بعض انت آخذ بناصیتها انک اشد بأسا واشد تنکیلا

که تو فرا گیرنده موی پیشانی او بدرستی که تو لی توانا ترین در عذاب کردن از نسخهای دیگر

از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام

بجای من ظلمه چنین است علی من شرک فی دمهم و از جمله دعاهای هر روز

ماه مبارک رمضان دعاییست که سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهة آن

روایت کرده است و در استجابت دعوات مجربست و مضامین عالیه





و این دعا عظیم الشان در جمیع ماه رمضان مبارک ...

مشتمل است اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی

دعاء البهاء خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر از من چنانکه وعده کردی مرا

پس بسم اللهم انی اسألک من بهائک بابهاه وکل بهائک بهی

خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست

اللهم انی اسألک ببهائک کله اللهم انی اسألک من جلالک

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بنیکوئی تو همه خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از بزرگواری

باجله وکل جلالک جلیل اللهم انی اسألک بجلالک

بزرگوارترین آن و همه بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو ببزرگواری تو

کله اللهم انی اسألک من جمالک باجمله وکل جمالک جمیل

همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از نیکوئی تو بنیکوترین آن و همه نیکوئی تو نیکوست

اللهم انی اسألک بجمالک کله پس بگو اللهم انی ادعوک

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بنیکوئی تو همه آن پس بگوید خداوندا بدرستی که من میخوانم

کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگو اللهم انی اسألک

چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر از من چنانکه وعده کردی مرا پس بگوید خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو

من عظمتک باعظمها وکل عظمتک عظیمة اللهم انی اسألک

از بزرگی تو به بزرگترین آن و همه بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستی که من

بعظمتک کلها اللهم انی اسألک من نورک بانوره وکل نورک

به بزرگی تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از روشنی تو بروشن ترین آن و هر

پس بگو اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسئلک
روشن است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بنور تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو
من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم انی
از رحمت تو بفراخ‌ترین آن و همه رحمت تو فراخ است خداوندا بدرستی که من
اسئلک برحمتک کلها پس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی
سوال میکنم از تو برحمت تو همه آن پس بگو خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی
فاستجب لی کما وعدتنی پس بگو اللهم انی اسئلک من کمالک
پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا پس بگو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از کمال تو
باکمله وکل کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله
بکامل‌ترین آن و همه کمالات تو کامل است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بکمال تو همه آن
اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها وکل کلماتک تامة اللهم
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از کلمهای تو بتمام‌ترین آنها هر یک از کلمهای تو تام است خداوندا
انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک من اسمائک
بدرستی که من سوال میکنم بکلمهای تو همه آنها خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از نامهای تو
باکبرها وکل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک
ببزرگترین آنها و همه نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بنامهای تو
کلها پس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی
همه پس بگو خداوندا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا





پس بگو اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها وکل عزتک
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از عزت تو بعزیزترین آن و همه عزت تو
عزیزة اللهم انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک
عزیز است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بعزت تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو
من مشیتک بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی
از خواهش تو بگذرنده‌ترین آن و همه خواهش تو گذرنده است خداوندا بدرستی که
اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی اسئلک بقدرتک
سوال میکنم از تو بخواهش تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بتوانایی تو
التی استطلت بها علی کل شیء وکل قدرتک مستطیلة
که استیلا دادی بآن بر همه چیز و همه توانایی تو مستولیست
اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها پس بگو اللهم انی ادعوک
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بقدرت تو همه آن پس بگو خداوندا بدرستی که میخوانم ترا
کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگو اللهم انی اسئلک من
چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا پس بگو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از
علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک
دانش تو بروانترین آن و همه دانش تو روان است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بدانش تو
کله اللهم انی اسئلک من قولک بارضاه وکل قولک رضی
همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از گفتار تو بپسندیده‌ترین آن و همه گفتار تو پسندیده

اللهم انی اسئلک بقولک کله اللهم انی اسالک من مسائلک

خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بمسائل تو

باحبها الیک وکل مسائلک حبیبة الیک پس سه اللهم

دوسترین آنها بسوی تو و همه سوالهای تو دوست داشته شده است پس تا سه مرتبه بگو خداوندا

انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس اللهم

من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده کردی بمن پس بگو خداوندا

انی اسئلک من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف

من سوال میکنم از تو از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و همه بزرگواری تو بزرگ است

اللهم انی اسئلک بشرفک کله اللهم انی اسئلک من

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو به بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از

سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللهم انی اسئلک

سلطنت تو به پاینده ترین آن و همه سلطنت تو همیشه است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو

بسلطانک کله اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره وکل

بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از ملک تو بعظیم ترین آن و همه

ملکک فاخر اللهم انی اسالک بملکک کله پس سه اللهم

ملک تو عظیم است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بملک تو همه آن سه مرتبه بگو خداوندا

انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس اللهم انی اس

من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده کردی پس بگو خداوندا بدرستی که سوال

اللهم انی اسئلک بمسائلک کلها صح



من علائک باعلاه وکل علائک عال اللهم انی اسالک

از بلندی تو به بلندترین آن و همه بلندی تو بلند است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو

بعلائک کله اللهم انی اسئلک من منک باقدمه وکل منک

به بلندی تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از انعام تو به همیشه ترین آن و همه انعام تو

قدیم اللهم انی اسئلک بمنک کله اللهم انی اسئلک من

همیشه است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بانعام تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از

آیاتک باعجبها وکل آیاتک عجیبة اللهم انی اسئلک بآیاتک

نشانهای تو بشگفت آورنده ترین و همه نشانهای تو شگفت است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنشانهای

کلها پس سه اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی

همه آن سه مرتبه بگو خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن چنانکه وعده

پس اللهم انی اسئلک من فضلک بافضله وکل فضلک

بگو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از زیادتی تو به زیادترین آن و همه زیادتی تو

فاضل اللهم انی اسالک بفضلک کله اللهم انی اسئلک

زیاد است خداوندا من سوال میکنم ترا بافزونی تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم

من رزقک باعمه وکل رزقک عام اللهم انی اسئلک برزقک

از روزی تو به فراگیرنده ترین آن و همه روزی تو فراگیرنده است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بروزی

کله اللهم انی اسالک من عطائک باهنأه وکل عطائک

همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از نیکوئی تو بگواراترین آن و همه نیکوئی تو

هنیٔ اللهم انی اسئلک بعطائک کله اللهم انی اسئلک
گوارات خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بخشش تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو
من خیرک باعجله وکل خیرک عاجل اللهم انی اسئلک
از نیکویی تو شتابکننده تر آن و همه نیکویی تو شتابکننده است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو
بخیرک کله اللهم انی اسئلک من احسانک باحسنه وکل احسانک
بنیکویی تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از نیکویی تو بنیکوترین آن و همه نیکویی تو
حسن اللهم انی اسئلک باحسانک کله اللهم انی اسئلک
نیکوست خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بنیکویی تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو
بما تجیبنی به حین ادعوک فاجبنی یا الله نعم دعوتک یا الله
بچیزی که اجابت میکنی مرا بآن هنگامی که میخوانم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا بلی خواندم ترا ای خدا
اللهم انی اسئلک بما انت فیه من الشئون والجبروت اللهم
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بآنچه تو در آنی از کارها و بزرگواری خداوندا
انی اسألک بکل شأن وجبروت اللهم انی اسألک بشأنک
من سوال میکنم از تو بهر کاری و بزرگواری خداوندا بدرستی که من میخوانم از تو بهر کاری
وجبروتک کلها اللهم انی اسئلک بما تجیبنی به حین اسئلک
و بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بآنچه اجابت میکنی مرا بآن هنگامی که سوال
به فاجبنی یا الله صل علی محمد وآل محمد پس هر حاجت که اراده داری اللهم صل
بآن پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت فرست بر آل محمد مطلب و بگو خداوندا رحمت

علی محمد



علی محمد وآل محمد وابعثنی علی الایمان بک والتصدیق برسولک
بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن بتو و باور داشتن پیغمبر تو
والولایة لعلی بن ابی طالب علیه السلام والائتمام بالائمة
و دوستی علی بن ابی طالب را درود بر او سلام و اقتدا به پیشوایان
من آل محمد والبراءة من اعدائهم فانی قد رضیت بذلک
از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان که من خشنودم بآن
یا رب اللهم صل علی محمد وآل محمد واسئلک خیر الخیر
ای پروردگار من خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد و سوال میکنم از تو بهترین نیکی
رضوانک والجنة واعوذ بک من شر الشر سخطک والنار
که خشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو از بدترین بدی که غضب تست و آتش
اللهم صل علی محمد وآل محمد واحفظنی من کل مصیبة ومن
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و نگاهدار مرا از هر رنجی و از
کل بلیة ومن کل عقوبة ومن کل فتنة ومن کل بلاء ومن کل
هر عقوبتی و از هر آشوبی و از هر فتنه و از هر بلایی و از هر
شر ومن کل مکروه ومن کل مصیبة ومن کل آفة نزلت او تنزل
گزندی و از هر ناخوشی و از هر آفتی و از هر مصیبتی که فرود آمده یا فرود آید
من السماء الی الارض فی هذه الساعة وفی هذه اللیلة
از آسمان سوی زمین در این ساعت و در این شب

وفي هذه اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل

ودر این روز ودر این ماه ودر این سال خداوندا رحمت

على محمد وآل محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة ومن

بر محمد وآل محمد وبخش مرا از هر شادی واز هر نیکوئی واز هر

استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل

اعتدالی واز هر خوشحالی واز هر گشادگی واز هر سلامتی واز هر

كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة

بزرگی واز هر روزی فراخ حلال پاکیزه واز هر نعمتی

ومن كل حسنة نزلت او تنزل من السماء الى الارض في هذه

واز هر نیکی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان سوی زمین ودرین

الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر

ساعت ودرین شب ودرین روز ودرین ماه

وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي

ودرین سال خداوندا اگر بود گناه من که کهنه کرده باشد روی مرا

عندك وحالت بيني وبينك او غيرت حالي عندك فاني اسئلك

نزد تو وحایل شده باشد میان من ومیان تو یا تغیر داده باشد حال مرا نزد تو پس بدرستی که من سوال میکنم

بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ وبوجه حبيبك محمد المصطفى

بنور ذات تو که بزرگست آنکه فرو نشانیده نشده وبجاه دوست تو محمد برگزیده



وبوجه وليك علي المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم

وبجاه دوست تو علی پسندیده وبحق دوستان تو آنانکه برگزیدی ایشان را

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ولوالدي وما ولد

اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بیامرزی مرا ومادر وپدر مرا وانچه زادند

وكل المؤمنين والمؤمنات وما توالدوا وذنوبا كلها صغيرها و

ومردان گروندگان وزنان گروندگان وانچه زاییده شد ایشان وگناهان همه خوردان را

كبيرها وان تختم لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات

وبزرگ نهان را واینکه ختم کنی برای ما کردارهای شایسته واینکه روا کنی برای ما حاجات

والمهمات وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد

ومهمات وشایسته از دعا وسوال را پس اجابت کن برای ما بحق محمد

وآله اللهم صل على محمد وآل محمد آمين آمين آمين ما شاء

وآل او خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد اجابت کن بپذیر بپذیر آنچه خواست

الله لا حول ولا قوة الا بالله سبحان ربك رب العزة عما يصفون

خدا نیست جنبش ونه قدرت ونه توانائی مگر بخدای پاکست پروردگار تو پروردگار ارجمندی از آنچه وصف میکنند

وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دستها

ودرود بر فرستادگان وستایش مر خدای را پروردگار جهانیان بسوی آسمان

بلند کن ومیل فکر بشنو البته خود وشرح بعد یا لا اله الا انت اسئلك

خود وکویه بکن واکی نیاید خود را بکوید بگوی ای آنکه نیست خدایی مگر تو سوال میکنم

محل الفاتحة دعا

يا رباه يا رباه انقذ بگويد كه بيك نفس فاكند پس بگويد بدين همان حاليكه

ای پروردگار ای بزرگوار كه بود گردن كج كرده بسوى دوش چپ اسألك يا سيدي

پس بگويد يا الله يا رباه انقذ يا سيداه يا مولاه يا غياثاه يا ملجاه

كه بيك نفس فاكند پس بگويد ای بزرگ من ای پناهی من ای پروردگار من ای پناه من

يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين اسألك فليس كمثلك

ای منتهی نهايت خواهش ای بخشنده ترين بخشندگان سوال ميكنم ترا بحق و پس نيست مثل تو

شيء اسألك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي مرسل او

چيزی سوال ميكنم از تو بهمه دعايي پذيرفته كه خوانده ترا بدان پيغمبر مرسل يا

ملك مقرب او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت

فرشته مقربي يا بنده مومنی كه آزموده دل او را برای ايمان و در پذيرفتی

دعوته منه اتوجه اليك بمحمد نبيك نبي الرحمة وقدمته بين يدي

دعای او را از او و روی آوردم بسوی تو بوسيله محمد پيغمبر تو پيغمبر رحمت و پيش ميدارم او را در

حوائجي يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي توجهت بك الى ربك

حاجتهای من ای محمد ای رسول خدا پدر و مادرم فدای تو باد روی آوردم بوسيله تو بسوی

وربي وقدمتك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه اسألك

پروردگار من و پيش ميدارم ترا پيش حاجتهای من ای پروردگار ای پروردگار سوال ميكنم از

فليس كمثلك شيء واتوجه اليك بمحمد حبيبك وبعزته اللهم

پس نيست مانند تو چيزی و روی آوردم بسوی تو بحق محمد دوست تو و بوسيله بوی ثنائی



بحق من حقه عليك عظيم بلا اله الا انت اسألك ببهاء

بحق انكه حق او بر تو عظيم است بلا اله الا انت سوال ميكنم بنيكوئی

لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله الا

لا اله الا انت ای انكه نيست خدائی مگر تو سوال ميكنم ترا بنيكوئی لا اله الا

انت يا لا اله الا انت اسألك بجمال لا اله الا انت يا لا اله

انت ای انكه نيست خدائی مگر تو سوال ميكنم از تو بنيكوئی لا اله الا انت ای انكه نيست

الا انت اسألك بنور لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسا

مگر تو سوال ميكنم از تو بروشنی لا اله الا انت ای انكه نيست خدائی مگر تو سوال ميكنم

بكمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعزة لا اله

بتمامی لا اله الا انت ای انكه نيست سزاوار پرستش مگر تو سوال ميكنم از تو بعزت لا اله

الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعظيم لا اله الا انت

الا انت ای انكه نيست سزاوار پرستشی مگر تو سوال ميكنم از تو ببزرگی لا اله الا انت

يا لا اله الا انت اسألك بقول لا اله الا انت يا لا اله الا

ای انكه نيست سزاوار پرستشی مگر تو سوال ميكنم از تو بگفتار لا اله الا انت ای انكه نيست خدائی مگر

انت اسألك بشرف لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك

تو سوال ميكنم از تو بشرافت لا اله الا انت ای انكه نيست خدائی مگر تو سوال ميكنم از

بعلاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا انت

بلندی لا اله الا انت ای انكه نيست خدائی مگر تو يا لا اله الا انت

سوال ميكنم ترا بحرمت لا اله الا انت ای انكه نيست خدائی مگر تو

ياربّاه

وأقدّمهم بين يدي حوائجي وأسألك اللهم بجنانك التي

و پیش می‌دارم ایشان را پیش حاجتهای خود و سؤال میکنم ترا خداوندا بحق بهشتی که زایل

لا تموت وبنور وجهك الذي لا يطفأ وبعينك التي لا تنام

نمیشود و بروشنائی ذات تو که فرو نشانیده نشود و بدیدهٔ تو که نمی‌خوابد

وأسألك بحق من حقه عليك عظيم أن تصلّي على محمد وآل

و سؤال میکنم ترا خداوندا بحق آنکه حق او بر تو بزرگست اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد قبل كل شيء وبعد كل شيء وعدد كل شيء وزنة كل شيء

محمد پیش از هر چیزی و بعد از هر چیز و شمار هر چیزی و سنجش هر چیزی

وملء كل شيء اللهم إني أسألك أن تصلّي على محمد عبدك

و پری هر چیزی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد بنده تو

المصطفى ورسولك المرتضى وأمينك المصطفى

برگزیده تو و رسول تو پسندیده ذات و معتمد برگزیده تو و برگزیده تو

ونجيك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك أجمعين

و همراز گردانیده شده از خلق تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو همگی

النذير البشير السراج المنير وعلى أهل بيته الطيبين الطاهرين

ترساننده و مژده دهنده و هم مانند چراغ روشن و بر اهل بیت او که پاکیزگان پاکان

المطهّرين الأخيار الأبرار وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم

پاک گردیدگان نیکوکارانند و بر فرشتگان تو آنکه خالص گردانیده ایشان را

اللهم

لنفسك



لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى أنبيائك الذين ينبئون

برای نفس ذات تو و باز داشته ایشان را از خلق خود و بر پیغمبران تو آنکه خبر دهندگانند

بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين أدخلتهم

براستی از تو و بر بندگان تو شایسته تو آنکه درآوردی ایشان را

في رحمتك الأئمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى

در رحمت خود که پیشوایان هدایت یافتگان راه یافتگان پاک کرده‌شدگان و بر

جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وملك الموت ورضوان خازن

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت و رضوان خزینه دار

الجنة ومالك خازن النار والروح القدس وحملة العرش

بهشت و مالک خزینه دار دوزخ و روح القدس و بردارندگان عرش

ومنكر ونكير وعلى الملكين الحافظين عليّ بالصلوة التي تحب

و منکر و نکیر و بر آن دو فرشته که موکلند بر حفظ اعمال من رحمتی که دوست

أن تصلّي بها عليهم صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية نامية طاهرة

اینکه رحمت فرستی بر ایشان رحمتی بسیار پاکیزه با برکت پاک و افزاینده پاک

شريفة فاضلة تبيّن بها فضلهم على الأولين والآخرين

با شرف زیادتی ایشان اظهار سازی ایشان زیادتی ایشان را بر پیشینان و پسینان

اللهم إني أسألك أن تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر لي

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامرزی مرا

وتنجح طلبتي وتقضي حاجاتي وتقبل قصتي وتنجز لي ما

و برآوری مطلب مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری حکایت مرا و وفا کنی برای من آنچه

وعدتني وتقيلني عثرتي وتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي

وعده داده مرا و درگذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطای من و درگذری از ستم من

وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني

و عفو کنی از گناه من و رو کنی بر من و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی

وتعافيني ولا تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه واهناه

و عافیت بخشی مرا و مبتلا نسازی و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها و بسیارترین و گواراترین

وامراه وامتعه واكثره ولا تحرمني يا رب النظر الى وجهك الكريم

و بسیارترین ان و تمامترین ان و نا امید نکنی مرا ای پروردگار من از نظر بسوی ذات تو

والفوز بالجنة والعتق من النار واقض عني يا رب ديني وامانتي

و رستگاری به بهشت و آزادی از آتش و قضا کن از من ای پروردگار من قرض و امانت

وضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني في

و بگذار از من بار گران مرا و بار مکن مرا آنچه طاقت نیست مرا بآن ای آقای من و درآور مرا

كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجتهم

در هر خیر که درآوردی در آن محمد و آل محمد را و بیرون آور مرا از هر بدی که بیرون کردی

منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة

ایشان را از آن و جدا مکن میان من و میان ایشان بقدر برهم زدن چشمی هرگز در این جهان و آن جهان



اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني ليس

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی نیست

اللهم اني اسئلك قليلا من كثير مع حاجتي اليه عظيم

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو اندکی از بسیار با نیازمندی من بسوی او نیازمندی بزرگ

وغناك عنه قديم وهو عندك كثير وهو عندي كثير وهو

و بی نیازی تو از آن دیرینه است و او نزد من بسیار است و او

عليك سهل يسير فامنن به علي انك على كل شيء قدير

بر تو سهل و آسان است پس بخشش کن آن بر من که تو بر هر چیزی توانائی

اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين [illegible]

خداوندا برحمت خود در زمره نیکوکاران پس درآور ما را و در علیین پس بلند کن ما را

وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين

و بجامی از شراب شیرین از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از حوریان فراخ چشم

برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب

پس خادم بخش ما را از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامه

السندس والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر و

دیبای نازک و ابریشم و دیبای سطبر پس بپوشان ما را و شب قدر و

حج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك مع وليك فوفق لنا و
و حج خانه محترم خود و کشته شدن در راه خود با دوستان خود پس توفیق ده ما را و
صالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا واذا جمعت الاولين
شایسته از دعا و سؤال را پس بپذیر برای ما و هرگاه جمع کنی پیشینیان
والآخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار وامانا من العذاب
و پسینیان را روز رستخیز پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش و ایمنی از عذاب
فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا
پس بنویس برای ما و اندر دوزخ پس مگردان ما را و با دیوان پلید در آتش پس
تقرنا وفي هوانك وعذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع
[illegible] ما را و در خواری خود و عذاب خود پس مگردان ما را و از زقوم و از خار خشک
فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار
پس مخوران ما را و در آتش بر رویهای ما پس میفکن ما را و از جامهای آتش
وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت
و پیراهنهای قطران پس مپوشان ما را و از هر بدی ای که نیست [illegible]
بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم اني اسئلك ولم يسئل مثلك
بحق لا اله الا انت پس نجات ده ما را خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو و سؤال کرده نشده
وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك يا رب انت موضع مسئلة
و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده بسوی مثل تو ای پروردگار تو موضع سؤال

يا خالقنا
ای آفریننده ما

السائلين



السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسئلك اللهم
و درماندگانی و منتهای رغبت خواهش کنندگانی سؤال میکنم از تو خداوندا
بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا رحمن وباسمك
به بهترین نامهای تو همه آنها و فیروزترین آنها ای الله ای بخشاینده و بنام تو
المخزون المصون الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه وتهوى
که پنهان داشته نگاه داشته ارجمندتر و بزرگوارتر بزرگترانست که دوست میداری [illegible]
وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك
و خوشنود میشوی از آنکه بخواند ترا بدان و میپذیری برای او دعای او را و حق بر تو
يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسئلك دعاك به عبد
ای پروردگار که محروم نسازی سؤال کننده خود را خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو خواند ترا آن بنده
هو لك في بر او بحر او سهل او جبل او عند بيتك الحرام
که او برای تست در بیابان یا دریا یا در زمین هموار یا کوه یا نزد خانه تو که محترم است
او في شهر من سبلك فادعوك يا رب دعاء من قد اشتدت
یا در جنگی از راههای قرب تو پس میخوانم ترا ای پروردگار خواندن کسی که سخت شده
فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه فاشرف على الهلكة
احتیاج او و بزرگ باشد گناه او و سست باشد کوشش او و مشرف گشته باشد بهلاک
نفسه ولم يثق لشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه سادا ولا لذنبه
نفس او و اعتماد نکرده باشد بچیزی از کردار خود و نیابد برای آنچه در وی است [illegible]

بكل اسم هو لك
بهر نامی که آن برای تست

غافرا

غافراً ولا لعثرتي مقيلاً غيرك هارباً اليك متعوذاً بك

آمرزنده و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو حالتی که گریزانم بتو پناه جوینده بتو

متعبداً لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستحسر ولا

پرستنده مر ترا غیر عار دارنده از عبادت تو و نه گردنکش و نه صاحب ماندگی و نه

متجبر ولا متعظم بل بائس فقير خائف مستجير اسئلك

تکبر کننده و نه بزرگی کننده بلکه بدحال محتاج ترسان امان جوینده درخواست میکنم

يا الله يا رحمن يا حنان يا منان يا بديع السموات

ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بخشنده ای نو پدید آرنده آسمانها و زمین

والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد وآل محمد

و زمین ای صاحب بزرگی و گرامی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

صلوة كثيرة مباركة نامية زاكية شريفة اسئلك اللهم

رحمتی بسیار پاکیزه با برکت افزایش کننده پاکیزه بلند پایه سوال میکنم ای خدا

ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني وتعتق رقبتي من النار

اینکه بیامرزی برای من در این ماه و رحم کنی و آزاد گردانی گردن مرا از آتش

وتعطيني فيه خير ما اعطيت احداً من خلقك وخير ما انت معطيه

و عطا کنی مرا در آن بهتر آنچه عطا کردی کسی از خلق خود را و بهترین آنچه عطا فرمائی آن

ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ اسكنتني ارضك

و مگردان او را آخر ماه رمضان که روزه داشتم آنرا برای تو که ساکن کردی مرا در زمین



الى يومي هذا بل اجعله على اتم نعمة وامة عافية واوسع

تا روز من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمامترین رمضان نعمتی و فروگیرنده ترین عافیتی و

رزقاً واجزله واهناه اللهم اني اعوذ بك وبوجهك

روزی و وافرترین آن و گواراترین او خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو و بذات

الكريم وملكك العظيم ان تغرب الشمس من يومي هذا

بزرگوار تو و پادشاهی بزرگ مرتبه از آنکه غروب کند آفتاب از روز من این

او تنقضي بقية هذا اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه او

یا بپایان رسد باقی مانده این روز یا برآید صبح از شب من این یا

يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب او خطيئة تريد

بیرون رود این ماه باشد مر ترا از من ... گناهی یا خطایی که خواهی

ان تقايسني بها او تؤاخذني بها او توقفني بها موقف

که ... مرا بآن یا مواخذه نمائی مرا بآن یا بازداری مرا بآن در جایگاه

خزي في الدنيا والآخرة او تعذبني بها يوم القاك يا ارحم

خواری در دنیا و آخرت یا عذاب کنی مرا در روزی که ملاقات کنم ترا ای رحم

الراحمين اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا

رحم کنندگان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا از برای همی که نمیگشاید آنرا غیر تو و برای رحمتی که

تنال الا بك ولكرب لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا

نمی رسد مگر بسبب تو و برای اندوهی که زایل نمیکند آنرا مگر تو و برای خواهشی که نمیرسد مگر

بك ولحاجة لا يقضيها دونك اللهم فكما كان من شأنك ما اذنت

بحاجت تو و بحاجتی که روا کرده نمیشود گذشته از تو خداوندا پس چنانچه بود از کار تو آنچه رخصت

به من مسئلتك ورحمتني به من ذكرك فليكن من شأنك

دادی مرا به سوال کردن و رحم نمودی مرا بدان از یاد کردن تو پس باید که بوده باشد از کار تو

الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت اليك

اجابت کردن برای من در آنچه خوانده ام ترا بدان و رستگاری برای من در آنچه پناه آورده ام

منه يا ملين الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب

از آن ای نرم سازنده آهن بجهت داود ای زایل کننده اندوه و بدحالی

العظام عن ايوب واي مفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف

بزرگ از ایوب و گشاینده غم یعقوب و ای زایل کننده اندوه یوسف

صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی که تو سزاوار

التقوى واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي

پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی خداوندا تو معتمد منی در هر اندوهی و امید

في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب

در هر سختی و تو برای من در هر امری که فرود آید بمن معتمد و ذخیره چه بسیار اندوه

يضعف فيه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق و

که ناتوان میشود دل من و اندک میشود در آن چاره و خوار میگردد در آن دوست و





فيه العدو وانزلته بك وشكوته اليك رغبة مني فيه

در آن دشمن و فرود آورده بتو و شکایت نمودم بتو از رغبت من از من در آن

اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيته فانت ولي كل

بسوی تو از غیر تو پس گشودی آن را و زایل کردی او را و دفع نمودی پس تو خداوند

نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات

هر نعمتی و صاحب هر نیکی و منتهای هر خواهشی پناه میگیرم بکلمهای

الله التامات ومن شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي

خدا که تمام و کامل اند و از گزند آنچه آفریده از چیزی خداوندا عافیت ده مرا در روز

هذا حتى امسي اللهم اني اسألك بركة يومي هذا وما نزل

امروز تا آنکه شام کنم خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو برکت این روزم و آنچه فرود آمد

فيه من عافية ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال

دران روز از عافیت و آمرزش و رحمت و خشنودی و روزی فراخ حلال

تبسطه علي وعلى والدي وولدي واهلي وعيالي واهل

که پهن کنی آن را بر من و بر پدر و مادر من و فرزند من و اهل من و عیال من و آنکه

حزانتي ومن احببت واحبني وولدت وولدني اللهم اني

غمخوار منست و آنکه دوست دارم و دوست دارد مرا و زاییده من و زاینده مرا خداوندا بدرستی

اعوذ بك من الشك والشرك والحسد والبغي والحمية والغضب

که پناه میبرم بتو از شک نمودن و شرک آوردن و حسد بردن و ظلم کردن و حمیت و خشم

اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن

خداوندا پروردگار آسمانها هفتگانه و پروردگار زمین هفتگانه و آنچه در آنهاست

وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد وآل محمد و

و آنچه در میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ رحمت فرست بر محمد و آل محمد

اكفني المهم من امري بما شئت وكيف شئت ثم يقرأ سورة الحمد و

و کفایت کن مهم از امر مرا به آنچه خواهی و به هر روش که خواهی وآية الكرسي

اللهم انك قلت لنبيك صلى الله عليه وآله ولسوف

خداوندا بدرستی که گفتی مر پیغمبر خود را رحمتهای خدا بر او و آل او و هر آینه زود باشد

يعطيك ربك فترضى اللهم ان نبيك ورسولك وحبيبك

که عطا کند ترا پروردگار تو پس خشنود شوی خداوندا بدرستی که پیغمبر تو و رسول تو و دوست تو

وخيرتك من خلقك لا يرضى بان تعذب احدا من امته

و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمیشود به آنکه عذاب کنی احدی از امت او را

دان لك بموالاته وموالاة الائمة من اهل بيته وان كان منهم

که نزدیک شده ترا به وسیله دوستی او و دوستی امامان از خاندان او و اگرچه بوده باشد

خاطئا في نار جهنم فاجرني يا رب من جهنم وعذابها وهبني

خطاکار در آتش دوزخ پس زینهار ده مرا ای پروردگار از جهنم و از عذاب و ببخش مرا

لمحمد وآل محمد يا ارحم الراحمين يا جامعا بين اهل الجنة على

بمحمد و آل محمد ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت





تألف من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم

انجمنی از دلها و شدت دوستی و برکننده کینه‌ها از سینه‌های ایشان

وجاعلهم اخوانا على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته

و گرداننده ایشان برادران بر کرسیها رو به روی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل طاعت

وبين من خلقها له ويا مفرج حزن كل محزون ويا منهل

و میان آنکه خلق نمودی طاعت را برای او و ای زایل کننده اندوه هر اندوهناکی و ای

كل غريب يا راحمي في غربتي وفي كل احوالي بحسن الحفظ

هر غریبی ای رحم کننده در غریبی من و در همه احوال من به نیکی محافظت نمودن

والكلاءة لي يا مفرج ما بي من الضيق والخوف صل على

و نگهبانی کردن مرا ای گشاینده آنچه با من است از تنگی و بیم رحمت فرست بر

محمد وآل محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادتي وسادتي

محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من و پیشروان من و بزرگان

وهداتي وموالي يا مؤلفا بين الاحباء صل على محمد وآل

و راه نمایان من و صاحبان امر من ای الفت دهنده میان دلهای دوستان رحمت فرست بر محمد و آل

محمد ولا تفجعني بانقطاع رؤيتهم عني فبكل مسائلك يا رب

محمد و [illegible] مرا به سبب بریده شدن دیدن ایشان پس به همه سوالهای تو ای پروردگار

ادعوك الهي فاستجب دعائي اياك يا ارحم الراحمين اللهم انا

میخوانم ترا ای معبود من پس مستجاب کن دعای مرا ای بخشنده ترین بخشندگان [illegible]

محمد وآل محمد عني
ولا بانقطاع دونهم

اسألك بانقطاع حجتي ووجوب حجتك ان تغفر لي اللهم
سوال میکنم از تو بسبب بریده گی من و لازم بودن حجت تو اینکه بیامرزی مرا خداوندا
اني اعوذ بك من خزي يوم المحشر ومن شر ما بقي من الدهر
در هستی که من پناه میبرم بتو از خواری روز محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمان
ومن شماتة الاعداء وصغير الفناء وعضال الداء وخيبة
و از کرند دشمنان و خواری دعا و عاجز کردننده و بی بهره شدن از
الرجاء وزوال النعمة وفجاءة النقمة اللهم اجعل لي قلبا
امید و زایل شدن نعمت و ناگاه رسیدن عقوبه خداوندا بگردان برای من دلی
يخشاك كانه يراك الى يوم يلقاك و در روایت که در هر اوقات
که بترسد ترا گویا که او می بیند ترا تا روزی که ملاقات کند ترا دیگر گوشدتی رو دهد
یا حاجتی پیش آید این دعا را برای بر آمدن حاجت میتوان خواند

**فصل ششم** در اعمال مختصر شبها و روزهای مخصوص اینماه مبارکست و در روایت
وارد شده که انجیل بر حضرت عیسی در سیم این ماه نازل شده در
روایت دیگر در ششم و بروایت معتبر دیگر در دوازدهم و شیخ مفید نقل کرده
است که در روز ششم اینماه مامون خان ملعون با حضرت امام رضا
بیعت کرد و روایت وارد شده است که هر که در آن روز دو رکعت نماز
بکند در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر
نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت

اعمال مختصر شبها و روزهای ماه رمضان



اعمال ماه مبارک رمضان

صادق منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بکند و در هر
رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارك الذي بيده الملك و قل هو الله
و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب
پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت در شب پانزدهم
از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت امام حسین مستحب است چنانچه بعد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود
که در شب نیمه ماه مبارك رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی ده ملک فرستد
بسوی او که دفع کنند از او ضرر دشمنان او را از جنیان و ادمیان و
در هنگام مرگ او سی ملک بفرستد که او را بشارت دهند ببهشت
و سی ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که
در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین بکند و بعد از نماز
عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند عمر مرتا در خواب به بیند ملکی چند که بشارت
دهند او را به بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم
و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر حضرت
رسول با لشکر کفار قریش ملاقات کردند و در بدر و در روز ش
جنگ شد حق تعالی لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات

نماز نیمه ماه

اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب
نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید انا انزلناه
فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی
که در نزد حق تعالی قدر و منزلت بسیار دارد یا تقدیر امور سال
در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه
و ما ادریک ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده است که چیست
شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار
ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل الملائکة
و الروح فیها فرود می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است
در این شب باذن ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل امر
بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح
در این شب بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب
مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر
یعنی سلامتیست این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند
بر امام و بر مؤمنان که در این شب عبادت میکنند تا طلوع صبح
و میان سنی و شیعه در شب قدر خلاف بسیار است بعضی از سنیان گفته
اند که شب قدر در زمان حضرت رسول بود و بعد از آنحضرت برطرف
شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته اند که در تمام



سال پنهانست و در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب
قدر را در یابند و بعضی گفته اند در ماه شعبان و ماه رمضان
پنهانست و بعضی گفته اند در شب نیمه شعبان است و بعضی گفته اند
که شب اول رمضان است و بعضی گفته اند که شب نیمه است و
بعضی گفته اند شب هفدهم است و بعضی شب بیست و یکم است و بعضی
شب بیست و سیم و بعضی شب بیست و هفتم و بعضی شب آخر گفته اند
و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده اند در شب بیست و هفتم
و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست
و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد میان شب بیست
و یکم و بیست و سیم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند
بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست
و یکم و بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابد
و بعضی از احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی
تعیین خصوص بیست و سیم شده است و منقولست که آن شب جهنی
و او اعرابی که بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه
میخواهم شبی را از برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب
بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سیم را از برای او تعیین فرمود
و او پیوسته در آن شب با خیل و اهل و حشم و خدم خود داخل مدینه

سریع الحساب یا من هو شدید العقاب یا من هو حسن الثواب یا من هو عنده ام الکتاب سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

شدید المحال یا من هو ... السحاب الثقال یا من هو ... الملک والجلال یا من له ... القدس والکمال یا من له ... العز والجمال یا من له ... الکبریاء

وچون نفخ صبح میشد بر میکشت و از بعضی از احادیث ظاهر میشود
که هر سه قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دوم
بکثرت دعا و عبادت ممکن است که بعضی تغییر یابد و در شب
سیوم حتم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم تغییر می یابد بلا تشبیه
مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسان است
و بعد از ان بثبت دفاتر می شود و تغییراتش دشوار تر است اما تا بمهر
مهر اسامرتین نکردیده است باز ممکن است که تغییر یابد چون بمهر رسید
رسید بمنزله حتم است و تغییرش در غایت صعوبت است
و حکمتها در ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که در
اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازها است و ساعت
استجابت دعا در هر شب و در روز جمعه و عمل مقبول در اعمال و امثال
اینها و یک حکمت پنهان ساختن اینها انست که در همه اسمای مقدس
الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند در همه ساعات
روز جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول
گردد و همچنین در شب قدر و شبها اگر احتمال دارد که همه را احیا
و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتوان بود مثل انکه اگر اسم اعظم را
همه کس بدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره او را وسیله حصول
دنیوی بکنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت

یا من ... کل شیء ... یا من ... نعیم ... اللطیف ... یا من





یا من تفرد ... کل شیء ... یا من ... الجبال ... یا من ... الارض ... سبحانک یا لا اله الا انت

استجابت اگر بخصوص انها ابدانند ممکن است که امور غیر مشروعه
یا ضرر رسانها عظیم نسبت ببعضی از مسلمانان استدعا کنند و اگر
بخصوص دانند باید البته مستجاب گردد دیگر انکه مغرور و ربا عمال
خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر
انها ندارد پس مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و
دعا کند و فضیلت شب قدر زاد دریابد و در دو شب اخر اهتمام
بیشتر بکنند و در شب بیست و سیم که احادیث معتبر بسیار در تخصیص
ان وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر بکنند و فواید عبادت
شب قدر بسیار است از جمله انکه چون عبادت شب قدر را بنص
قران زیاده از عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر کرده
دیگر انکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و غیر و صحت و توفیق
اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود
در این شب کرده خواهد شد و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد
و در این شب تغییر یابد و از زمره سعدا نوشته شود چنانچه این
مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر انکه چون
حضرت صاحب الامر در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است
و فوج فوج بخدمت او میایند و بران سلام میکنند و تقدیراتی که از برای
او و سایر خلق شده است بران عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی غافل

یا قاضی المنی یا واهب المنی یا سامع الشکایا ... الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

یا ذا الحمد والثناء یا ذا العفو والرضاء یا ذا الفضل والعطاء یا ذا العز والبقاء یا ذا المن والقضاء ... لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

با امام خود نکند و بغفلت بسر برد و در از حضرت رسول منقولست که چون شب
قدر میشود فرود می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان
جبرئیل با خود علمها می آورد و یک علم بر قبر منور من نصب میکنند و یکی را
بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند
هر مؤمن و زن مؤمنه مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول
منقولست که بهشت را هر سال برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت
میکنند چون اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که اوراق و میوه میکوبد
و بصدا می آورد درختان و حلقه های درهای بهشت را این نغمه از آن میشود
که هرگز شنونده گان از آن خوشاینده تر نغمه نشنیده اند حوریان از غرفه های
بهشت بیرون می آیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را
خواستگاری کند از خدا با اعمال صالح خود پس از رضوان بهشت
میپرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکو رویان این شب
اول رمضانست درهای بهشت گشوده شده است برای روزه داران
امت محمد حق تعالی میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشت ای مالک ببند
درهای جهنم را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل برو بسوی زمین
و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان کن و ایشان را
در لجه های دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امت حبیب من محمد روزه های
ایشان را حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان





سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا
کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست
که گناهانش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که
هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده ایست که بوعده های خود سستی
نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت
افطار حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه
میشود و روز جمعه در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد
میکند که همه مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز
آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند و چون
شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بر زمین می آید با لشکر
عظیمی از ملائکه و با خود علم سبزی می آورد و بر بالای کعبه معظمه
نصب میکنند و او ششصد بال دارد و دو بال را نمیگشاید مگر در شب
قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد و پهن میکند
جبرئیل آن ملائکه را در آن شب در اطراف زمین پس سلام میکنند
بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان
میکنند و چون ایشان دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته
مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند
جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس ملائکه

میگویند ای جبرئیل چه کرد خدا در حوایج مؤمنان از امت محمد
جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسی که همیشه
شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع صله رحم یا با مؤمنان
عداوت کند و چون شب فطر میشود و آن شب جوایز میگویند
خدا مزد میدهد همه عمل کنندگان ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد
روز عید میشود حقتعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد
که در زمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها و راهها می ایستند
و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریم
که عطاهای عظیم میبخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی میروند
برای نماز عید حقتعالی بملائکه میگوید یا ملائکه من چیست جزای مزدور
هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند ما و آقای ما
جزای آن است که مزدش تمام داده شود حقتعالی میفرماید ای ملائکه
من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت
شبهای آن عطا کردم از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم
پس ندا میفرماید مؤمنان را که در آن مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من
هر چه خواهید از من سؤال کنید بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این
مجمع شما مرا حاجت که برای آخرت و دنیا خود سؤال کنید البته عطا میکنم
و عیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف



میدهم و شما را در میان گناهکاران رسوا نمیکنم و برگردید از مصلی آمرزیده
بدرستیکه خوشنود کردید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه همه در آن روز
شاد میشوند و بیکدیگر مبارکباد میگویند بآنچه حقتعالی بامت محمد
عطا کرده در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست هر که احیا کند
شب قدر را گناهانش آمرزیده شود هر چند بعدد ستارههای آسمان و
سنگینی کوهها و کیل دریاها و اعمال این شبها بر دو نوع است اول
آنکه در هر سه شب باید کرد دویم آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول از حضرت
رسول منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد در هر
رکعتی بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن
هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید از جای خود بر نخیزد تا
حقتعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات
برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها
از برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری گردانند
و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب
سنت است و تاکید شده است و غسل این شبها مقارن غروب آفتاب کردن
بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و مستحب است که قرآن مجید را بدست
بگیرد و بگشاید اللهم انی اسالک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه
و این دعا را بخواند [illegible]

اسمك الاكبر واسمائك الحسنى وما يخاف ويرجى ان
نام بزرگ تو و نامهای نیکوی تست و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود
تجعلني من عتقائك من النار وتقضي حوائجي للدنيا والآخرة
که بگردانی مرا از آزاد کردگان خود از آتش و روا کنی حاجتهای مرا که بجهة دنیا و آخرت
پس حاجات خود را از حقتعالی طلب نماید که انشاء الله بر آورده شود
و این دعا از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق منقولست که
که مصحف را بگیرد اللهم بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته
و بر سر بگذارد و بگوید خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستادی او را
به وبحق كل مؤمن مدحته فيه وبحقك عليهم فلا احد اعرف بحقك
بآن و بحق هر گرونده که ستوده آنرا در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست کسی داناتر بحق تو
منك پس ده مرتبه بگوید بك يا الله ده مرتبه بمحمد ده مرتبه بعلي ده مرتبه بفاطمة
ده مرتبه بالحسن ده مرتبه بالحسين ده مرتبه بعلي بن الحسين ده مرتبه بمحمد بن
علي ده مرتبه بجعفر بن محمد ده مرتبه بموسى بن جعفر ده مرتبه بعلي بن
موسى ده مرتبه بمحمد بن علي ده مرتبه بعلي بن محمد ده مرتبه بالحسن بن
علي ده مرتبه بالحجة القائم ع هر یکرا ده بار بگوید و بگوید الله صلعم
من عندك مددي و بعد از آن نادعلی تمام بخواند و بعد از آن
بگوید يا ابا الغيث اغثني يا علي ادركني پس هر حاجت که دارد
طلب کن و زیارت حضرت امام حسین در هر یک از این سه شب مستحب



خصوصا شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند
و در بعضی از روایات معتبره وارد شده که سوره قل هو الله بهفت مرتبه
یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار
در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت
غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتوان
کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای طلب
دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن
و زنده و مرده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور
شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در
هر یک از این سه شب بخوانند اما دعا پس اعمال مخصوص شب
که صد مرتبه بگوید استغفر الله ربي واتوب اليه و صد مرتبه بگوید
اللهم العن قتلة امير المؤمنين اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من
المؤمنين و این دعا بخواند خداوندا بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از
الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر
امر واجب کرده شده و در آنچه جدا میکنی از امر موافق حکمت در شب قدر
من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك
از آن حکمی که بر گردیده نشود و بدل کرده نشود که بنویسی مرا از حج کنندگان خانه

الحرام المبين ورحمهم المشكور وسعيهم المغفور ذنوبهم المكفر

محرم نمودی که بدرستیکه حج ایشان جزا داده شود و از سعی ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان

عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدّر ان تطيل عمري

از ایشان گناهان ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی اینکه دراز کنی عمر مرا

وتوسّع علي في رزقي وتقدّر لي في جميع اموري ما هو خير لي

و گشایش دهی بر من در رزق من و تقدیر کنی برای من در همه کارهای من آنچه او بهتر است برای

في دنياي وآخرتي يا ارحم الراحمين پس حوائج خود را از حقتعالی

در دنیا و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان طلب نماید و شب بیست و یکم

فضیلتش زیاده از شب نوزدهم است و غسل و اعمال سابقه را همه را بعمل بیاورد

و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و دهه استحباب

دعا است و بسند معتبر از حضرت امام موسی منقولست که در شب بیست و یکم

و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله احد

و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر دو شب را احیا میکرد

و در نصف اول مشغول دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز میشد

و بسند موثق از حضرت صادق مرویست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست

و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر نافله شب و صبح تا

صبح بیدار باش و سنت است که مشغول دعا و نماز و تضرع باشی که امید است شب

قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود که یعنی بهتر است



از عمل هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر

میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای دهه آخر مذکور خواهد شد

ان شاء الله و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه

شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و دیگری در آخر

شب و حضرت صادق فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است

و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در این شب مقدر میشود

مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در این سال واقع میشود

تا شب قدر آینده پس خوشحال بنده که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت

و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیده خود ممثل

گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم

نگردد ان شاء الله و فرمود که حقتعالی امر میکند ملکی را که ندا کند در هر زمین

در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان که بخشیدم گناهان گذشته

شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم

مگر کسی که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مؤمنی را در دل داشته باشد

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست

و سیم بخواند والله که او اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم

که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره نزد حقتعالی منزلت عظیم است

و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقولست که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان

وَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَإِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَامْحُنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي

ورسان مرا بآرزوی من واگر بوده باشم از بدبختان دمحو کن مرا از بدبختان و بنویس

مِنَ السُّعَدَاءِ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ

از نیکبختان بدرستی که تو گفته در کتاب خود [illegible] بر پیغمبر خود [illegible]

عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ وَأَيْضاً

برا او و آل او محو میکند خدا آنچه میخواهد و ثابت میدارد [illegible] اصل کتاب بگویید

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي هٰذِهِ

[illegible]

اللَّيْلَةِ أَوْ أَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ

[illegible]

تَقْسِمُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ

[illegible]

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ الثَّوَابَ وَأَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ

[illegible]

مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي ذٰلِكَ

از تو عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار [illegible] بر محمد و آل محمد و بکن بمن [illegible]

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وهر مقدار که از قرآن ممکن باشد در این شب

برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بخواند و دعاهای صحیفهٔ کامله را بخواند خصوصاً

سوره انا انزلناه را بخواند هزار مرتبه صبح کند با یقین شدید باعتراف باختصاص

ما است از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب بیند و سوره روم و دخان

نیز سنت است در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی منقول است

که هر که زیارت کند حضرت امام حسین را در شب بیست و سیم که امید

شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کند با او

روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت میطلبند

از حق تعالی در زیارت آنحضرت بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت کرده

است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه رمضان را و صد رکعت نماز بگذارد

حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان را از او کفایت کند و

پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سر او خراب شدن و لقمهٔ درندگان

گردیدن و از شر درندگان و دفع کند او را از هول نکیر و منکر و از قبر

بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه

اعمال او را بدست راست او دهند و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش

جهنم و گذشتن بر صراط و ایمنی از عذاب و داخل شدن بهشت بی حساب

و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان

گرداند ایشان و دعای این شب را از جمله دعاها بهتر است بخواند و ایضاً

این دعا را اللّٰهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمُرِي وَأَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَأَصِحَّ جِسْمِي

بخواند خداوندا دراز گردان عمر من و گشایش ده روزی من [illegible]

یا من هو فی علوه قریب یا من هو فی قربه لطیف یا من هو فی شرفه عزیز یا من هو فی عزه عظیم یا من هو فی عظمته مجید یا من هو فی مجده حمید

سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

دعاء مکارم اخلاق و دعای توبه و دعاهای این شب را نیز حرمت باید داشت
و بعبادة و تلاوة و دعا بسر آورد و دیگر در حدیث معتبر وارد شده است
که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست
و چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز
غسل سنت است و بحار تیره در استحباب غسل در آن وارد شده است
و منقولست که خدای عز و جل در این شب دفع میکند بدیهای او
و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند
بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان در شب بیست و هفتم نیز غسل
بخصوص وارد شده است و منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
در این شب مکرر این اللهم ارزقنی التجافی عن دار الغرور و الانابة
دعا میخواندند از اول شب خداوندا روزی کن مرا کناره کردن از سرای فریبندگی و بازگشت
الی دار الخلود و الاستعداد للموت قبل حلول الفوت و در شب بیست
بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن برای مردن پیش از فوت و آمدن مرگ و نهم نیز غسل بخصوص
وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام سنت است و وداع ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است برای اظهار آنکه دوری از
این ماه بر ما دشوار بود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن افسرده و محزونیم و هر که لذت
عبادت را یافته است و فواید آن در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت
و بندگی میباشد پس باید این ماه را فی الجمله تا بخوبی وداع کند که عزیزی از

یا هادی یا داعی یا راعی یا کافی یا شافی یا معافی یا عالی یا ... سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب ... یا من کل شیء خاضع له



یا من کل شیء قائم به یا من کل شیء صائر الیه یا من کل شیء خاشع له یا من کل شیء خائف منه ... یا من کل شیء موجود به یا من کل شیء منیب الیه یا من کل شیء ... یا من کل شیء هالک الا وجهه سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

اهل خود را در هنگام مفارقت میکند و معلوم است غلامی که از خدمت
آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل
غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی نباشد و دعاهای
وداع در شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخوانند
خوبست و در حدیثیست که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست
و نهم احتیاطا سنت است خواندن و دعای وداع بسیار است و بهترین
دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام این
وداع بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک قلت فی کتابک
منقول است بنام خداوند بخشاینده مهربان خداوندا بدرستی که تو گفته در کتاب
المنزل علی لسان نبیک المرسل صلواتک علیه و آله و قولک حق
که فرو فرستاده بر زبان پیغمبر خود فرستاده شده و رحمتهای تو بر او و آل او و سخن تو راست
شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من
که آن ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده در آن قرآن در حالتی که راهنمای آدمیان است و نشانهای
الهدی و الفرقان و هذا شهر رمضان قد تصرم و انقضت ایامه
راهنمائی و جدا کننده و این ماه رمضان بتحقیق بریده شده و بپایان رسیده روزهای آن
و لیالیه فاسئلک بوجهک الکریم و کلماتک التامة ان کان بقی
و شبهای آن پس درخواهم از تو بحق ذات تو و کلمات تمام تو اگر بوده که باقی بود
علی ذنب لم تغفره لی ترید ان تعذبنی علیه او تقایسنی به ان یطلع

یا من لا مفر الا الیه یا من لا مفزع الا الیه یا من لا مقصد الا الیه یا من لا منجی منه الا الیه یا من لا یرغب الا الیه یا من لا حول و لا قوة الا به یا من لا یستعان الا به یا من لا یتوکل الا علیه یا من لا یرجی الا هو یا من لا یعبد الا ایاه

فجر هذه الليلة او بتصرم هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم

صبح این شب یا منقطع شود این ماه مگر آنکه بتحقیق آمرزیده باشی آن را برای من ای رحم کننده

الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلها اولها وآخرها ما قلت

ترین رحم کنندگان بار خدایا مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه آنها اول آنها و آخر آنها آنچه خود گفتی

لنفسك منها وما قال لك الخلائق الحامدون المجتهدون

برای ذات خود از آنها و آنچه گفتند برای تو آفریدگان سپاس کنندگان کوشش کنندگان

المعددون الموقرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء

شمارندگان بزرگ شمارندگان در ذکر تو و سپاس گذاری تو آنانکه مدد کردی ایشان را بر ادای

حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقربين والنبيين و

حق خود از اقسام خلق تو از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران

المرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك من جميع العالمين على

و فرستادگان و اصناف سخن گویندگان تسبیح کنندگان مر ترا از همه جهانیان بر

انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل قسمك

آنکه رسانیدی ما را بماه رمضان و حال آنکه بر ماست نعمتهای تو و نزد ماست بخششهای تو

واحسانك وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم

و احسان تو ... نعام تو واجب ... منتهای سپاس جاوید پیوسته

الراكد المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا

جاوید پاینده همیشه که پایان رسد ... بزرگست ثنای تو مدد کردی



عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة وما كان منا

بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه داشتن آن و ایستادن او را بجهت نماز و آنچه بود از ما

فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك

در آن از نیکی یا شکری یا ذکری ... بار خدایا پس قبول کن آن را از ما به نیکوترین پذیرفتن تو و تجاوز تو

وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا

و عفو تو و درگذشتن تو و خوشنودی تو و آمرزش تو و خوشنودی تو تا آنکه ظفر دهی ما را

فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتوقينا فيه من كل

در آن بهر نیکی که طلب کرده شود و عطای وافری که بخشیده شود و ایمن گردانی ما را در آن از هر

مرهوب وذنب مكسوب اللهم اني اسألك بعظيم ما سألك

ترسیده شده و گناهی که کسب کرده شود ... خواهم از تو بحرمت بزرگ

احد من خلقك من كريم اسمائك وجميل ثنائك وخاصة دعائك

یکی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و بسیاری ثنای تو و دعای خاص تو

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بگردانی ماه ما را این ماه بزرگترین

شهر رمضان مر علينا منذ انزلتنا الى دار الدنيا بركة في عصمة

ماه رمضانی که گذشته بر ما بوقتی که فرو فرستادی ما را بسوی دنیا از روی برکت در نگاه

ديني وخلاص نفسي وقضاء حاجتي وتشفعني في مسائلي وتمام

دین من و رهایی نفس من و روا کردن حاجت من و اینکه بپذیری شفاعت مرا در سوالهای من و تمام

يا من اليه يقصد ... يا من اليه يرغب الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر المحبون يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل المتوكلون سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية لي وان تجعلني

نعمت بر من و گردانيدن بدي از من و لباس عافيت مرا و اينكه گرداني مرا

برحمتك ممن خرت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف

برحمت خود از آنكه زنده براي ايشان شب قدر و گردانيدي آنرا براي ايشان بهتر از هزار

شهر في اعظم الاجر وطول العمر وحسن الشكر ودوام اليسر

ماه در بزرگترين مزدها و درازي عمر و نيك سپاسگذاري و هميشگي توانگري

اللهم واسئلك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك وجلالك

خداوندا و سوال ميكنم از تو برحمت تو و احسان تو و عفو تو و انعام تو و بزرگي تو

وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منا لشهر

و ديرينه احسان تو و انعام تو اينكه نگرداني او را آخر ديدني از ما مر ماه مبارك

رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله

رمضان را تا آنكه برساني ما را بآن از سال آينده بر نيكوترين حالتي و بشناساني مرا هلال آنرا

مع الناظرين اليه والمتعرفين له في اعفى عافيتك واوسع

با نظر كنندگان بسوي او و شناسندگان مر او را در بزرگترين عافيت خود و فراخترين

رحمتك واجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره

رحمت خود و افزونترين قسمتهاي تو خداوندا اي پروردگار من كه نيست خدايي مرا بجز او

لا يكون هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء

نباشد اين وداع از من وداع مردني و نه آخر ملاقات و ديداري

اللهم اني اسئلك باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا اقرب من كل قريب يا احب من كل حبيب ... يا اشرف من كل شريف



... من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من كل جواد يا اراف من كل رءوف سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع

حتى تبلغنيه من قابل في اسبغ النعم وافضل الرجاء وانا لك

تا آنكه برساني مرا بآن از سال آينده در تمام ترين نعمتها و بهترين فراخي و من بشما ...

على احسن الوفاء انك سميع دعائي وارحم تضرعي وتذللي

بر نيكوترين وفايي كه تو شنونده دعاي مرا و رحم كن زاري مرا و پستي نمودن

لك واستكانتي لك وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجوا

براي تو و فروتني مرا براي تو و توكل مرا بر تو و من مر ترا گردن نهنده ام اميد ندارم

نجاحا ولا معافاتا ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن

رستگاري را و نه عافيت را و نه گرامي شدن را و نه رسانيدن مگر بتو و از تو پس انعام كن

على جل ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان

بر من بزرگست ستايش تو و پاكست نامهاي تو برسانيدن من ماه رمضان

وانا معافا من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد

و من عافيت يافته شوم از هر ناخوبي و ترسيده شده و از همه سختيها سپاس

لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا

مر خدايرا كه مدد كرد ما را بر روزه داشتن اين ماه و ايستادن در آن تا آنكه رسانيد ما را

آخر ليلة منه اللهم اني اسئلك باحب ما دعيت به وارضى

به آخر شبي از آن خداوندا درستي كه من سوال ميكنم از تو بدوست ترين چيزي كه خوانده شوي بآن و پسنديده ترين

ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه وآله ان تصلي على محمد

چيزي كه خشنود شدي بآن از محمد كه رحمتهاي خدا بر او و آل او اينكه رحمت فرستي بر محمد

يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا نور النور يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور ... يا نورا بعد كل نور

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ
و آل محمد و مگردان وداع مرا این ماه رمضان را وداع بیرون شدن از
الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا آخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي
دنیا و نه وداع آخر عبادت تو دران و نه آخر روزهٔ من مر ترا و روزی
الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَفِّقْنِي
بازگشت دران باز گشت دران برحمت تو ای دوست مومنان و توفیق ده مرا دران
فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يَا رَبَّ اللَّيْلِ
دران شب قدر و بگردان او را برای من بهتر از هزار ماه ای پروردگار شب
وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ
و روز و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان
يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا قَيُّومُ يَا بَدِيعَ
ای آفریننده ای صورت بخشنده ای نعمت دهنده ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای همیشه ای پدید آرنده
السَّمٰوَاتِ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
آسمانها مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری
وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ
و نعمتها سوال میکنم از تو بنام تو بنام خداوند بخشاینده مهربان آنکه رحمت فرستی
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ
بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در دیوان نیکبختان

سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ



وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً
و روح مرا با شهیدان و نیکویی در علیین و بدی مرا آمرزیده
وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًى
و اینکه ببخشی از برای من یقینی که مباشرت کنی دل مرا و ایمانی که … و خوشنودی
بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
بآنچه قسمت کردی مرا و اینکه بدهی مرا در دنیا نیکی و در جهان نیکی
وَأَنْ تَقِيَنِي عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي
و اینکه نگاه داری مرا از عذاب دوزخ سوزان خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم میکنی
وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ
و اندازه میکنی از امری که قرار داده و در چیزی که متفرق کرده از امر محکم در شب
الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ وَلَا يُغَيَّرُ أَنْ
قدر از آن حکم که برگردانیده نشود و تغییر و تبدیل داده نشود آنکه
تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ
بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که مقبول باشد حج ایشان و پسندیده سعی
الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي
… گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی
وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ
و اندازه میکنی آنکه دراز کنی عمر مرا و اینکه آزاد گردانی گردن مرا از آتش ای بخشنده ترین

يا إله الأولين والآخرين يا مفرج عن المغمومين يا منفس عن المكروبين يا غياث العابدين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا أنيس المريدين يا حبيب التوابين

سبحانك يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

اللهم إني أسألك باسمك يا ربنا يا إلهنا يا سيدنا يا مولينا يا حافظنا يا دليلنا

الراحمين اللهم إني أسألك ولم يسأل العباد مثلك جودا

بخشندهٔ کانی بیاوند بکسی که مثل سوال میکنم از تو و سوال نکردند بندگان مانند از روی کرم

وكرما وأرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت موضع

و بزرگواری و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت میکنم بمانند تو تو محل و قرارگاه

مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين أسألك بأعظم

سوال کنندگانی و منتهای رغبت رغبت کنندگانی سوال میکنم از تو بزرگترین

المسائل كلها بأفضلها وأنجحها التي ينبغي للعباد أن يسألوك

سوالها همه آن و بهترین آنها و روان شده ترین آنها که سزاوار است مر بندگان که سوال

بها يا الله يا رحمن وبأسمائك ما علمت منها وما لم أعلم وبأسمائك

کنند بآنها ای خدا ای بخشاینده و بنامهای تو آنچه دانسته ام از آنها و آنچه ندانسته ام و بنامهای

الحسنى وأمثالك العليا وبنعمتك التي لا تحصى وبأكرم

نیک و داستانهای بلند تو و بنعمتهای تو که شمرده نشود و گرامی ترین

أسمائك عليك وأحبها إليك وأشرفها عندك منزلة و

نامهای تو بر تو و دوست داشته ترین آنها بتو و بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه

أقربها منك وسيلة وأجزلها منك ثوابا وأسرعها لديك

و نزدیکترین آنها بتو وسیله و وافرترین آنها از روی پاداش و شتابنده ترین آنها

إجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الأكبر الأجل

از روی اجابت و بنام تو که پوشیده پنهان داشته شده زنده پاینده بزرگتر بزرگوارتر

يا ناصرنا يا معيننا يا مجيبنا يا الله يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا رب النبيين والأبرار يا رب الصديقين والأخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الأنهار والأشجار يا رب الصحاري والقفار يا رب البراري

الذي تحبه



والعذاب يا رب النهار والأعلان يا رب السر والإعلان لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار

يا من نفذ في كل شيء يا من لحق بكل شيء يا من بلغت إلى كل أمره يا من لا تحصى عليه نعمه يا من لا تبلغ قدرته

الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك وتستجيب له

که دوست میداری او را و میخواهی آن را و خوشنود میشوی آن را از کسی که خواند ترا و میپذیری بجهة او

دعاءه وحق عليك أن لا تخيب سائلك وأسألك

دعای او را و لازمست بر تو آنکه نا امید نگردانی سوال کننده خود را و سوال میکنم از تو بهر

بكل اسم هو لك في التوراة والإنجيل والزبور والفرقان

اسمی که او راست در توریة و انجیل و زبور و فرقان

وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة سماواتك وجميع

و بهر اسمی که خوانده اند ترا بآن بردارندگان عرش تو و ملائکه آسمانهای تو و همه

الأصناف من خلقك من نبي أو صديق أو شهيد وبحق الراغبين

اقسام از خلق تو از پیغمبری یا راستگویی یا شهیدی و بحرمت رغبت کنندگان

إليك الفرقين منك المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك

بتو و ترسندگان از تو و پناه گیرندگان بتو و بحرمت همسایگان خانه تو

الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك

محترم حج کنندگان و عمره کنندگان و تنزیه کنندگان و کارزار کنندگان در راه تو

وبحق كل عبد متعبد لك في بر أو بحر أو سهل أو جبل أدعوك

و بحرمت هر بنده که عبادت کرده برای در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا

دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف

خواندن کسی که سخت شده باشد فقر او و بسیار باشد گناهان او و بزرگ شده باشد جرم او و

الأوهام كنهه يا من الكبرياء ردائه يا من لا ترد العباد قضاءه يا من الملك الأملاك يا من الأعطاء الأعناق

سبحانك يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا من له الصفات العليا يا من له الأسماء الحسنى يا من له المثل الأعلى يا من له الآخرة والأولى

كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا و

كوشش و مانند خواندن كسى كه نيابد بجهة نفس خود بازدارنده و بجهة ناتوانى خود قوت دهنده

لا لذنبه غافرا غيرك هاربا اليك متعبدا لك غير مستكبر

بجهة گناهان خود آمرزنده غير تو گريزان و شتابنده بسوى تو پناه گيرنده و بنده تو نه گردنكشى

ولا مستنكف خائفا بائسا فقيرا مستجيرا بك اسئلك بعزتك

و ننگ دارنده بلكه باشد ترسان محتاج درويش زنهار خواهنده بتو سؤال ميكنم ترا بعزت

وعظمتك وجبروتك وسلطانك وملكك وبهائك

و بزرگى تو و بزرگوارى تو و غلبه تو و پادشاهى تو و نيكوئى تو

وجودك وكرمك وآلائك وحسنك وجمالك وبقوتك

و بخشش تو و بزرگوارى تو و نعمتهاى تو و خوبى تو و نيكوئى تو و بتوانائى

على من اردت من خلقك ادعوك يا رب رغبة ورهبة وطمعا ورغبة

بر آنچه اراده نمائى از آفرينش خود ميخوانم ترا اى پروردگار من از روى بيم و اميد

وتخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا اله الا

و فروتنى و دوستى و زارى مودن و الحاح كردن حال آنكه فروتنى كننده‌ام ترا نيست

انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله

تو يگانه‌اى انبازى مر ترا اى بغايت پاك اى منزه اى خدا

يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم

اى خدا اى خدا اى بخشاينده اى بخشاينده اى مهربان اى مهربان



يا رب يا رب يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد

اى پروردگار پناه ميبرم بتو اى خداى يگانه يكتا بى‌مانند

الوتر المتكبر المتعال واسئلك بجميع ما دعوتك به وباسمائك

بى‌مانند بزرگوار بلند مرتبه و درخواست ميكنم از تو بهمه آنچه خواندم ترا بان و بنامهاى تو

التى تملأ اركانك كلها ان تصلى على محمد وآل محمد واغفر لى

كه پر ميكند اطراف مملكت ترا همه آنها اينكه رحمت فرستى بر محمد و آل محمد و بيامرز مرا

وارحمنى واوسع على من فضلك العظيم وتقبل منى شهر

و رحم كن مرا و گشايش ده بر من از بخشش خود كه بزرگست و بپذير از من ماه

رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لى وارحمنى

رمضان را و روزه آن را و ايستادن او را و واجب او را و نوافل او را و بيامرز مرا و رحم كن

واعف عنى ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك وعبدتك

و در گذر از من و مگردان او را آخر ماه رمضانى كه روزه داشتم او را براى تو و عبادت

فيه ولا تجعل وداعى اياه وداع خروجى من الدنيا اللهم اوجب

در آن و مگردان وداع كردن آن را وداع كردن بيرون شدن من از دنيا خداوندا واجب گردان

لى من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل ما اعطيت

براى من از رحمت خود و آمرزش خود و خشنودى خود و ترس خود بهتر آنچه بخشيدى

احدا ممن عبدك فيه اللهم لا تجعلنى اخسر من سألك فيه

يكى از آنان را كه پرستيده‌اند ترا در آن خداوندا مگردان مرا زيان‌كارتر از كسى كه سؤال كرده ترا در آن

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

یا ولی من استولاه یا مقوی من استقواه یا موفق من استوفقه یا مغنی من استغناه یا قاضی من استقضاه یا شافی من استشفاه یا راعی من استرعاه

سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

اللهم انی اسئلک باسمک یا خالق یا رازق یا ناطق

المشکور سعیهم

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ

و بکردان مرا از انهائیکه آزاد کرده او را در این ماه از آتش و آمرزیدی برای او آنچه را که پیش گذشت

مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَاَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ مَا رَجَاكَ وَاَمَّلَ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ

از گناه او و آنچه باز پس مانده و واجب ساختی برای او بهترین آنچه امید داشت و آرزو کرد از تو ای

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْنَ فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ

بخشنده‌کان خداوندا روزی کن مرا مدد کردن در روزه داشتن برای تو و پرستش تو در ان

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و بکردان مرا از انهائیکه نوشتی ایشان را در این ماه از حج کننده‌کان خانه محترم تو

الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ الْمَغْفُورِ ذَنْبُهُمْ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ اٰمِينَ اٰمِينَ يَا رَبَّ

مقبول شده حج ایشان آمرزیده شود برای ایشان گناهان ایشان پذیرفته شده کردار ایشان بپذیر ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا خَطِيئَةً اِلَّا

جهانیان خداوندا وامگذار برای من در ان گناهی مگر بیامرزی آن را و خطائی مگر

مَحَوْتَهَا وَلَا عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا

محو کنی آن را و لغزشی مگر درگذری از آن و قرضی مگر ادا کنی آن را و نیازمندی مگر

اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا

بی‌نیاز کنی آن را و اندوهی مگر گشایش بخشی آن را و حاجتی مگر رفع کنی آن را و برهنه

اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرِيضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً

مگر بپوشانی او را و بیماری مگر شفا بخشی او را و دردی مگر ببری آن را و حاجتی

یا من جعل الظلمات والانوار یا من جعل الظل والحرور یا من سخر الشمس والقمر یا من قدر الخیر والشر یا من خلق الموت والحیاة

یا صادق یا فالق یا فارق یا سابق یا فاتق یا راتق

سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب



یا من له الخلق والامر یا من لم یتخذ صاحبة ولا ولدا یا من لیس له شریک فی الملک یا من لم یکن له ولی من الذل

سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

یا من یعلم مراد المریدین یا من یعلم ضمیر الصامتین یا من یسمع انین الواهنین یا من یری بکاء الخائفین یا من یملک حوائج السائلین

مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ اَمَلِي وَرَجَائِي

از حاجتهای دنیا و آخرت مگر روا کنی آن را بهترین آرزوی من و امید من

فِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا

در حق تو ای بخشنده‌ترین بخشایندگان خداوندا میل مده بباطل دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را

وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا

و خوار مکن ما را پس از آنکه ارجمندی دادی ما را و پست مکن ما را بعد از آنکه بلند کردی ما را و ذلیل مکن ما را

بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ

بعد از آنکه گرامی داشتی ما را و محتاج مکن ما را بعد از آنکه بخشش نمودی ما را و منع مکن ما را پس از آنکه

اَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا

بخشش نمودی ما را و نا امید مکن ما را بعد از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده هیچ چیز را از نعمتهای خود بر ما

وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَاِنَّ فِي

و احسان خود را بسوی ما بچیزی که واقع شده از گناهان ما و نه بانچه واقع شود از ما بدرستی که در

كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً لِمَغْفِرَةِ ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ

بزرگواری تو و عفو تو و فضل تو گشایشی هست بجهة آمرزش گناهان پس بیامرز ما را و درگذر

عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْنِي فِي مَجْلِسِي

از ما و عقوبت مکن ما را بر ان ای بخشنده‌ترین بخشایندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من

هٰذَا كَرَامَةً وَلَا تُهِنِّي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلَّنِي بَعْدَهُ

این مجلس گرامی داشتنی و خوار مگردان مرا بعد از ان هرگز و ارجمند گردان مرا ارجمندی که بعد از ان خوار نکنی مرا

یا من یقبل عذر التائبین یا من یصلح اعمال المفسدین یا من لا یضیع اجر المحسنین یا من لا یبعد عن قلوب العارفین یا اجود الاجودین

سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

یا دائم البقاء یا سامع الدعاء یا واسع العطاء یا غافر الخطاء یا بدیع السماء یا حسن

ابدًا وعافني عافية ولا تبتليني بعدها ابدًا واوفني دفعة

هرگز وبا عافیت بخش مرا عافیتے و مبتلا نسازی مرا پس از آن هرگز و ببخش مرا بخشش ...

ولا تضعني بعدها ابدًا واصرف عني شر كل شيطان مريد

که پست نسازی مرا بعد از آن هرگز و بگردان از من گزند هر شیطان سرکشی را

وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب او بعيد وكل صغير او كبير

و شر هر متکبر ستیزه گری را و شر هر نزدیکے و دوری و گزند هر خورد و بزرگی

وشر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم

و شر هر جنبنده که تو گیرنده موی پیش سر آن هر ستی که پروردگار من بر راه راست است

اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او

خداوندا آنچه بوده در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا

فرح او مرح او بطر او بذخ او خيلاء او رياء او سمعة او

شادی یا نازیدن یا حیرانی یا گردنکشی یا تکبر یا ریا یا سمعه یا

شقاق او نفاق او كفر او فسوق او معصية او شيء لا تحب

بدبختی یا دوروئی یا ناسپاسی یا نافرمانی یا عصیانی یا چیزی که دوست نداری

عليه وليا لك فاسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تمحو

بر آن دوستی را برای تو پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه محو کنی

من قلبي وتبدلني مكانه ايمانا بوعدك ورضا بقضائك ووفاء

از دل من و بدل آوری مرا برای من بجای او تصدیق بودن بوعده تو و خوشنودی بحکم تو و وفا

...الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب ... لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار ...



بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما

بپیمان تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت در آنچه

عندك وثقة بك وطمانينة اليك وتوبة نصوحا اليك

نزد تست و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشت خالص بسوی تو

اللهم ان كنت بلغتناه والا فاخر عنا اجالنا الى قابل حتى

خداوندا اگر ... ... ... پس بتأخیر انداز ما اجلهای ما را تا سال آینده تا

تبلغناه في يسر منك وعافية يا ارحم الراحمين وصلى الله

برسانی ما را در توانگری از تو و عافیت ای بخشنده ترین بخشندگان و درود فرستد خدا

على محمد واله كثيرا ورحمة الله وبركاته عليهم ودر جمعه

بر محمد و آل او بسیار و رحمت خدا و برکتهای او بر ایشان آخر وداع

جمعها بد نیست واز جابر عبد الله انصاری منقولست که گفت

رفتم بخدمت حضرت رسول در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر

برمن افتاد فرمود که این جمعه آخر است از ماه رمضان پس او را وداع

کن و بگو اللهم لا تجعله اخر العهد من صيامنا اياه فان جعلته

خداوندا مگردان او را آخر عهدے از روزه داشتن ما او را پس اگر گردانیدی او را

فاجعلني مرحوما ولا تجعلني محروما زیرا که هر که این دعا را در این

پس بگردان مرا بخشنده شده و مگردان مرا نا امید روز بخواند بیکی از دو خصلت

نیکو ظفر می یابد یا برسیدن ماه رمضان آینده یا بآمرزش خدا و رحمت

... يا رب ... يا من ... الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب ...

بی انتهاها بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اخر رمضان
این دعا اللهم لا تجعله اخر العهد من صیامی لشهر رمضان
را بخواند خداوندا مگردان آخر عهد من روزه داشتن من مر ماه رمضان را
واعوذ بك ان يطلع فجر هذه الليلة الا وقد غفرت لي حق تعالی
و پناه میبرم بتو از آنکه طلوع کند صبح این شب مگر آنکه بخشیده باشی مرا پیش از
صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابه روزی کند و ایضا سنت که این دعا
بخواند اللهم انی اسألك باحب ما دعیت به وارضی ما رضیت به عن
خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بمحبوبترین آنچه خوانده شده ای بآن و پسندیده ترین چیزی که خشنود شده ای
محمد وعن اهل بیت محمد علیه وعلیهم السلام ان تصلی علیه
محمد و از اهل بیت محمد را و بر ایشان باد سلام اینکه رحمت فرستی بر او
وعلیهم ولا تجعل وداع شهری هذا وداع خروجی من الدنيا ولا
و بر ایشان و مگردان وداع مرا این ماه وداع بیرون شدن من از دنیا و
وداع اخر عبادتك ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا
وداع آخر عبادت تو و توفیق ده مرا در آن شب قدر و بگردان آنرا برای من
من الف شهر مع تضاعف الاجر والاجابة والعفو عن الذنب
از هزار ماه با مضاعف شدن مزد و اجابت کردن و در گذشتن از گناهان من
[illegible] الرب و از جمله چیزهایی که سنت است در شب اخر ماه
خشنودی پروردگار کردن بندهاست زیرا که شبی است که حق تعالی بندها



از آتش جهنم آزاد میگرداند هرگاه بنده ضعیف فرومایه بنده
گان از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی زوال
بآن وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد گرداند و نام او را از جریده
عاصیان محو نماید چنانچه منقولست از حضرت امام زین العابدین
بندها که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم
در شب آخر ماه آزاد مینمود و میفرمود که شما ها را آزاد کردم بامید آنکه
خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد
گرداند و چون روز عید میشد جایزه های عظیم بایشان می بخشید
که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی
در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد میکند
از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه
آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلامی و کنیزی را زیاده از
یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بندهای خود را
آزاد میفرمود و روایتی وارد شده است که سنت است در شب آخر سوره
انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب الیه
فصل هفتم در دعاهای مخصوص دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر
از حضرت صادق منقولست که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه
آخر این دعا میخواند اللهم انك قلت فی کتابك شهر رمضان

يا من هو اعلم بالمسيئين يا من يحب المحسنين يا من يحب المتطهرين يا من يحب التوابين يا من يحب الصابرين يا من يحب الحامدين يا ... الاجمعين

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

اسئلك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط

الذي انزل فيه القران هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان

که فرو فرستاده شده دران قران حال آنکه راهنمای است مردمان را و نشانه‌های روشن است از هدایت و جدا کننده

فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه القران وخصصته

پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان بسبب آنکه فرستادی درآن قران را و مخصوص گردانیدی آنرا

بليلة القدر وجعلتها خيرا من الف شهر اللهم وهذه

بشب قدر و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه خداوندا و اینک

ايام شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت

روزهای ماه رمضان بتحقیق بپایان رسید و شبهای آن بتحقیق که منقطع شد

وقد صرت يا الهي منه الى ما انت اعلم به مني واحصى

و گردیدم ای خدای من از آن بسوی آنچه تو داناتری بآن از من و ضبط کننده‌تری

لعدده من الخلق اجمعين فاسئلك بما سالك به ملائكتك

مر شماره آن را از خلق همگی پس سوال میکنم ترا بآنچه سوال کرده‌اند ترا بآن فرشتگان

المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون ان تصلي

مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو که رحمت فرستی

على محمد وال محمد وان تفك رقبتي من النار وتدخلني الجنة

بر محمد و آل محمد و آنکه آزاد گردانی گردن مرا از آتش و درآوری مرا در بهشت

برحمتك وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف من كل هول اعددته

برحمت خود و آنکه بخشش نمائی بر من با ایمنی در روز ترس از هر ترسی که آماده کرده

يا مغيث يا معين يا مبدع يا مذل يا ... سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا من هو

يا من هو احد بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو رب بلا وزير



يا من هو عزيز بلا ذل يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو موصوف بلا شبيه لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين

ليوم القيمة الهي واعوذ بوجهك الكريم وبجلالك العظيم

از برای روز قیامت ای خدای من پناه میبرم بذات بزرگ تو و ببزرگواری تو بزرگ

ان ينقضي عني ايام شهر رمضان ولياليه ولك قبلي تبعة

اینکه بپایان رسد از من روزهای ماه رمضان و شبهای آن حال آنکه باشد برای تو نزد من مظلمه

او ذنب تؤاخذني به او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم تغفرها لي

یا گناهی که مواخذه کنی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی که بگیری قصاص آنرا از من که نیامرزیده باشی

سيدي سيدي سيدي اسئلك يا لا اله الا انت اذ لا اله

آقای من آقای من سوال میکنم ترا ای آنکه نیست خدائی مگر تو چون خدائی

الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر فازدد عني رضا

مگر تو که بوده باشی که خوشنود باشی از من درین ماه پس افزون خوشنودی خود

وان لم تكن رضيت عني فمن الان فارض عني يا ارحم الراحمين

و اگر نبوده باشی که خوشنود گشته باشی از من پس از الحال خوشنود از من ای بخشنده‌ترین بخشندگان

يا الله يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد

ای خدا ای یگانه ای پناه ای کسی که نه زاییده ...

وليستار يا ملين الحديد لداود عليه السلام يا كاشف الضر

ميكفشتار ای نرم سازنده آهن برای داود ای برطرف کننده

والكرب العظام عن ايوب عليه السلام اي مفرج هم يعقوب

و اندوههای بزرگ از ایوب بر او باد درود ای گشاینده غم یعقوب

يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته قريب من المحسنين سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه

يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا من لا تغلطه الحاجات ... يا من لا يخفى عليه ... يا من الكبرياء رداؤه ... يا من العظمة بهاؤه ... يا من يدوم بقاؤه ... يا من تقدست اسماؤه

عليه السلام اي منفس غم يوسف عليه السلام صل على محمد

براو باد درود اي گشاینده غم یوسف براو باد درود و رحمت و بفرست درود

وال محمد كما انت اهله ان تصلي عليهم اجمعين وافعل بي ما

وآل محمد چنانکه سزاوار آني اینکه درود بر ایشان همگی و بکن با من آنچه تو

اهله ولا تفعل بي ما انا اهله و بسند معتبر دیگر از ان حضرت منقولست

سزاوار آني و مکن با من آنچه هستم من سزاوار آن که در هر شب دهه اخر این دعا را بخوانند

اعوذ بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر رمضان او

پناه میگیرم به بزرگواری تو اینکه بسر آید از من ماه رمضان یا

يطلع الفجر من ليلتي هذه ويبقى لك عندي تبعة او ذنب

طلوع کند صبح از شب من این و باقی مانده برای تو نزد من وبالی یا گناهی

تعذبني عليه يوم القاك و بسند هاي معتبر در هر شب دهه اخر دعاي

که عذاب کنی مرا بران در روزگاری که ملاقات کنم ترا

مخصوص از حضرت صادق وارد شده است

و بر مطالب دنیا و اخرة مشتمل است يا مولج الليل في النهار و يا مولج

دعای شب بیست و یکم اي درآورنده شب در روز و اي درآورنده

النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي يا رازق

روز در شب و بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده اي روزی دهنده

من تشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله

هر که خواهی بی شمار اي خدا اي بخشاینده اي خدا اي مهربان اي خدا اي خدا

اني اسالك ... يا معين يا امين يا مبين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد سبحانك يا لا اله الا انت

دعاهای مخصوص شب‌های دهه آخر

الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب يا ذا العرش المجيد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد



يا من هو على كل شيء رقيب يا من هو ليس كمثله شيء ... سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء و

ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و

الالاء اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي

نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه گردانی نام مرا

في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني

در این شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و احسان مرا

في عليين واساءتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي

در علیین و بدی مرا آمرزیده و بخشی مرا یقینی که مباشر گردانی به دلم

وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في

و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود سازی مرا به آنچه قسمت کرده برای من و بده ما را

الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق و

در جهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و

ارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة

روزی کن مرا در آن شب که ذکر تو و سپاس گذاری خود و رغبت بسوی تو و بازگشت و توبه

والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام

و توفیق برای چیزی که توفیق دادی برای محمد و آل محمد براو و برایشان باد درود

دعای شب بیست و دوم يا سالخ النهار من الليل فاذا نحن مظلمون ومجري

ای برکشنده روز از شب پس گهان ناگاه ما در تاریکی ایم و ای روان کننده

يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء قدير سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر القمر

آفتاب بجایی که قرارگاه اوست باندازه کردن خودی غالب ای دانا و ای تقدیر کننده ماه

منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى

در منزلهای معلوم تا آنکه گردد مانند شاخ خرمای دیرینه ای نور هر نور و منتهی

كل رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس

هر خواهش و خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشاینده ای خدای منزه

يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى

ای یگانه ای یکتا ای فرد ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو

والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان تصلي

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی

على محمد واهل بيته وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء

بر محمد و خانواده او و اینکه گردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان

وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واساءتي مغفورة

و روح مرا با شهیدان و نیکوکاری مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده

وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني

و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا و ایمانی که برد شک را از من

وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

و اینکه خوشنود داری مرا بآنچه قسمت کرده برای من و در دنیا نیکی و در آن جهان نیکی

يا عالم الغيب والعيب يا كاشف الضر والالم يا عالم السر والهم ... البيت والحرم يا بارئ ... خلق الانبياء يا من ... سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار

يا رب الناس والنعم يا بارئ الذر والنسم خالق اللوح والقلم ... الفضل والكرم يا ... الجود والنعم يا ذا ...

يا رب ... اني اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل يا واصل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من ...



وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك و

و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر خود و سپاس داری تو و

الرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له

خواهش بسوی تو و پشیمانی و بازگشت و توفیق برای چیزی که توفیق دادی

محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعاء شب يا رب ليلة

محمد و آل محمد بر او و بر ایشان باد درود دعای شب ای پروردگار شب

القدر وجاعلها خيرا من الف شهر ورب الليل والنهار

قدر و گرداننده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز

والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ

و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنائیها و زمین و آسمان ای آفریننده

يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله

ای صورت بخش ای مهربان ای بخشاینده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای زنده ای خدا

يا بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال

ای بدیع ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای

العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان تصلي على محمد

بلند و بزرگی و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع

و آل محمد و اینکه گردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان و روح مرا

يا من ... يا من ... يا من بيده ... يا من علا فقهر يا من ... سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضل من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يتوب على من يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور في الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من يشاء سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب
شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی
لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی وترضینی
برای من یقینی که مباشر آن گردانی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنود گردانی
بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا
به آنچه قسمت کردی برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و باز دار ما را
عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة
از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر تو و سپاسگذاری تو و رغبت
الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمداً وآل
بتو و بازگشت و توبه و توفیق برای چیزی که توفیق دادی مر او را برای محمد و آل
محمد صلواتک علیه وعلیهم دعا [illegible] یا فالق الاصباح ویا جاعل
محمد رحمتهای تو بر او و بر ایشان [illegible] ای شکافنده صبح و ای پدید آرنده
اللیل سکناً والشمس والقمر حسباناً یا عزیز یا علیم یا ذا
شب موجب آرام و آفتاب و ماه وسیله شماری غالب بدانا ای صاحب
المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام یا ذا
بخشش و احسان و توانائی و بخشش و نعمت دادن ای خداوند
الجلال والاکرام یا الله یا رحمن یا الله یا فرد یا وتر یا الله
بزرگواری و گرامی داشتن ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه ای یکتا ای خدا

یا من جعل الارض قراراً یا من خلق من الماء بشراً یا من جعل لکل شیء امداً یا من احاط بکل شیء علماً یا من احصی کل شیء عدداً یا لا اله الا انت سبحانک الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب [illegible]

اللهم انی اسألک باسمک یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا بر یا حق یا فرد یا وتر یا صمد یا سرمد سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب یا خیر معروف عرف یا خیر افضل معبود [illegible]



یا ظاهر یا باطن یا حی لا اله الا انت لک الاسماء الحسنی
ای ظاهر ای باطن ای زنده نیست خدائی مگر تو مر تراست نامهای نیکو و خوب
والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسألک ان تصلی
و داستانهای بلند و بزرگی و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه درود فرستی
علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء
بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در دیوان نیکبختان
وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده
وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً یذهب الشک عنی
و اینکه بخشی از برای من یقینی که مباشر گردانی بآن دل مرا و گروشی که ببرد شک را از من
وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة
و خوشنودی مرا بآنچه قسمت کنی از برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی
وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة
و باز دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن در آن شب ذکر خود و سپاس خود و رغبت
الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمداً وآل
سوی تو و بازگشت و توبه و توفیق برای چیزی که توفیق دادی محمد و آل
محمد صلواتک علیه وعلیهم دعا [illegible] یا جاعل اللیل
محمد رحمتهای تو بر او و بر ایشان [illegible] ای پدید آرنده شب

[illegible] یا الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب یا سید المتوکلین [illegible]

یا انیس الذاکرین یا مفزع الملهوفین یا منجی الصادقین یا اقدر القادرین یا اعلم العالمین یا اله الخلق اجمعین یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب یا من علا فقهر یا من ملک فقدر [illegible]

لِباساً والنهار معاشاً والأرض مهاداً والجبال أوتاداً يا الله

پوشش و روز را وقت کسب معیشت و زمین را فراش گسترده و کوهها را میخها ای خدا ای

يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب

ای غالب ای خدا ای مهربان ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده

يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای

العليا والكبرياء والآلاء أسئلك أن تصلي على محمد

بلند و بزرگی و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي

و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان و روح

مع الشهداء وإحساني في عليين وإسائتي مغفورة وأن

با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده و اینکه

تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وإيماناً يذهب الشك عني وترضيني

ببخشی از برای من یقینی که مباشر کنی آن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و راضی

بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب

به آنچه قسمت کرده از برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و بازدار ما را از عذاب

النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك

آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر تو را و شکر تو را و رغبت کردن بسوی تو



والإنابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد

و بازگشت و توبه را و توفیق دهی مرا به آنچه توفیق داده ای برای محمد و آل محمد

عليه وعليهم السلام دعای شب يا جاعل الليل والنهار

بر او و برایشان باد درود بیست و ششم ای گرداننده شب و روز

آيتين يا من محا آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا

دو نشانه قدرت ای آنکه زایل گرداننده نشانه شب و گرداننده نشانه روز را روشن تا طلب کنید

فضلاً منه ورضواناً يا مفصل كل شيء تفصيلاً يا الله يا ماجد

بخشش را از او و خشنودی ای بیان کننده هر چیزی بیان کردنی ای خدا ای بزرگوار

يا الله يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله لك الأسماء

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشش کننده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای

الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء أسئلك

نیکو و داستانهای بلند و بزرگی و نعمتها سوال میکنم از تو

أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب

في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في عليين و

در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و احسان مرا در علیین

إسائتي مغفورة وأن تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وإيماناً يذهب

و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی از برای من یقینی که مباشر کنی آن دل و ایمانی که ببرد

يا من وسعت رحمته كل شيء سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

اللهم اني اسئلك باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم

يا من هو خبير بكل شيء يا من لا يعزب عليه شيء يا من له كل شيء يا من ليس كمثله شيء يا من لا ينقص من خزائنه شيء يا من لا يخفى عليه شيء

الشك عني ورضا بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي

شک را از من و خوشنودی به آنچه قسمت کرده ای برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در

الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك

آخرت نیکی و باز دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر

وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق

و شکر ترا و رغبت بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق

لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام شب بیست

مرا آنچه توفیق داده برای محمد و اهل محمد بر او و بر ایشان باد درود شب هفتم

يا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا

ای کشنده سایه و اگر میخواستی میگردانیدی او را ساکن و گردانیدی آفتاب را بر او راهنما

ثم قبضته اليك قبضا يسيرا يا ذا الجود والطول والكبرياء و

پس گرفتی او را بسوی خود گرفتنی آسان ای صاحب بخشش و انعام و بزرگی و

الآلاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

نعمتها نیست خدایی مگر تو دانای پنهان و آشکار اوست بخشاینده مهربان

لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار

نیست خدایی مگر تو ای پاک ای سالم از نقص ای امان دهنده ای دانای غالب ای کار فرمای قهر

يا متكبر يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله لك

ای بزرگوار ای خدا ای خلق کننده ای پدید آرنده ای تصویر کننده ای خدا ای خدا مر تراست

يا معطي يا مغني يا مقني يا محيي يا مرضي يا منجي سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل

يا اول كل شيء وآخره يا اله كل شيء ومليكه يا رب كل شيء وصانعه يا بارئ كل شيء وخالقه يا قابض كل شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده



يا من هو كل يوم في شأن يا خالق كل شيء ومقدره يا مكون كل شيء ومحوله يا محيي كل شيء ومميته يا خالق كل شيء ووارثه سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء

نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگی و نعمتها

اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه

سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این

الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين

شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و احسان مرا در علیین

واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب

و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی برای من یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا و ایمانی که

الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة

شک را از من و خوشنودی کنی مرا به آنچه قسمت کرده ای برای من و بده ما را در دنیا نیکی

وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك

و در آخرت نیکی و باز دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر و شکر

والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد

و رغبت بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق مرا آنچه توفیق داده برای محمد و آل محمد

صلى الله عليه وعليهم شب هشتم يا خازن الليل في الهواء وخازن النور

درود خدا بر او و بر ایشان ای نگاه دارنده شب در هوا و نگاه دارنده نور

في السماء ومانع السماء ان تقع على الارض الا باذنه وحابسهما

در آسمان و منع کننده آسمان از آنکه فرود آید بر زمین مگر بفرمان او و باز دارنده آن

يا خير ذاكر ومذكور يا خير شاكر ومشكور يا خير حامد ومحمود يا خير شاهد ومشهود يا خير داع ومدعو يا خير مجيب ومجاب يا خير مونس وانيس يا خير صاحب وجليس يا خير مقصود ومطلوب يا خير حبيب ومحبوب سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث

فصل

يا من هو لمن دعاه مجيب يا من هو لمن اطاعه حبيب سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

فصل

ان تتوفی یا عظیم یا غفور یا قائم یا الله یا وارث یا باعث من
از آنکه ناچیز شوند ای بزرگ ای آمرزنده ای همیشه ایستاده ای الله ای میراث برنده ای برانگیزاننده
فی القبور یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال
در قبرها است ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای
العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل
بلند و بزرگی و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل
محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی
محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان و روح
مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب
با شهیدان و احسان مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه بخشی
لی یقینا تباشر به قلبی ویذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت
از برای من یقینی که مباشر گردانی بآن دل مرا و ببرد شک را از من و خوشنود گردانی مرا بآنچه قسمت
لی وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
از برای من و بده مرا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و باز دار ما را از عذاب آتش
الحریق وارزقنا فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والتوبة
سوزان و روزی کن درین شب ذکر ترا و شکر ترا و رغبت بسوی تو و بازگشت
والانابة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم
و توبه و توفیق ده ما را توفیقی مر او را محمد و آل محمد بر او و بر ایشان



السلام دعای شب یا مکور اللیل علی النهار ومکور النهار علی
درود بیست و پنجم ای در آورنده شب بر روز و در آورنده روز بر
اللیل یا علیم یا حکیم یا رب الارباب وسید السادات لا
شب ای دانا ای درست کردار ای پروردگار پروردگاران و بزرگ بزرگان نیست
اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله
خدائی مگر تو ای کسیکه او نزدیکتر است بمن از رگ گردن ای خدا ای خدا
یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء
ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگی
والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل
و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی
اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء و
نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان
احسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا
و احسان مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی از برای من یقینی
تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی
که مباشر گردانی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنود گردانی مرا بآنچه قسمت کردی
وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و باز دار ما را از عذاب آتش سوزان

لا یفتقر یا کبیر لا یصغر یا حافظا لا یتعب … یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

هذا دعای جوشن صغیر

بسم الله الرحمن الرحیم

الهی کم من عدو انتضی علی سیف عداوته وشحذ لی ظبة مدیته وارهف لی شبا حده وداف لی قواتل سمومه

وارزقنا فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والتوبة والانابة

و روزی کن ما را دران ذکر ترا و شکر ترا و رغبت بسوی تو و بازگشت و توبه

والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام

و توفیق آنچه ما را توفیق کرده برای محمد و آل محمد بر او و بر ایشان درود

دعا تسبیح الحمد لله لا شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه

وعز جلاله وکما هو اهله یا قدوس یا نور یا قدوس یا سبوح المنتهی

التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف

یا جلیل یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله لک

الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء

نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگی و نعمتها

اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی

سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا

هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی

این شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و احسان مرا



وسدد نحوی صوائب سهامه ولم تنم عنی عین حراسته واضمر ان یسومنی المکروه ویجرعنی زعاق مرارته فنظرت الی ضعفی عن احتمال الفوادح وعجزی عن الانتصار ممن قصدنی بمحاربته ووحدتی فی کثیر عدد من ناوانی وارصد لی … فیما لم اعمل فکری فی الارصاد لهم

فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر

در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی برای من یقینی که مباشر

به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا

فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق

در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان

وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة

و روزی کن مرا در این شب ذکر ترا و شکر ترا و رغبت بسوی تو و بازگشت

والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله

و توبه و توفیق آنچه ما را توفیق داده برای محمد و آل محمد

علیه وعلیهم اجمعین **فصل هشتم** در بیان نمازهای شبها

و روزهاست مشهور است که علما در کتب

دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست **شب اول** چهار رکعت در هر

رکعت بعد از حمد یازده مرتبه توحید **شب دوم** چهار رکعت در هر

رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه انا انزلناه **شب سوم** ده رکعت در هر رکعت

بعد از حمد پنجاه مرتبه توحید **شب چهارم** هشت رکعت در هر رکعت

بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه **شب پنجم** دو رکعت در هر رکعت

حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد وآل

محمد شب ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک شب هفتم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه شب هشتم دو رکعت
در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان
الله شب نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد
و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از سلام پنجاه مرتبه اللهم صل
علی محمد و آل محمد شب دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی
مرتبه توحید شب یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطینا
شب دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلنا شب سیزدهم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید شب چهاردهم شش رکعت
در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت شب پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول حمد
و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر حمد و پنجاه مرتبه توحید شب شانزدهم
دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده رکعت الهکم شب هفدهم دو رکعت
در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه
توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله شب هجدهم چهار رکعت در هر
رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطینا شب نوزدهم پنجاه رکعت با حمد
و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد این باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که
مشکل است که در یک شب هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت را خواند شب بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم
و بیست و سوم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود شب بیست و پنجم هشت رکعت



در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت
حمد و صد مرتبه توحید شب بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک او اگر نتواند
بیست و پنج مرتبه توحید شب بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد
صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز
صد صلوات بر محمد و آل محمد شب بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه توحید شب سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه
توحید و بعد از فارغ شدن صد صلوات بر محمد و آل محمد و این نماز
چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است اما دعاهای روزها
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسول صلعم فضیلت بسیار از
روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوص
با فضیلت و ثواب بسیار برای آن ذکر کرده اند و ما با اصل دعا اکتفا کنیم
دعای روز اول اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین و قیامی
خداوندا بگردان روزه مرا در آن روزه روزه داران و ایستادن
فیه قیام القائمین و نبهنی فیه عن نومة الغافلین و هب
مرا در آن ایستادن ایستادگان و بیدار کن مرا در آن از خواب بیخبران و ببخش
لی جرمی فیه یا اله العالمین و اعف عنی یا عافیا عن المجرمین
برای من گناه مرا در این ماه ای خدای جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از گناهکاران
دعای روز دوم اللهم قربنی فیه الی مرضاتک و جنبنی فیه من سخطک

ونقماتك ووفقني فيه لقراءة آياتك برحمتك يا ارحم الراحمين
و عقوبتهای خود و توفیق ده مرا در ان بخواندن آیات خود برحمت خود ای رحم کننده‌ترین
روز اللهم ارزقني فيه الذهن والتنبيه وباعدني فيه
سیم خداوندا روزی کن مرا در ان زیرکی و آگاه کردن و دور گردان مرا در ان
من السفاهة والتمويه واجعل لي نصيبا من كل خير تنزل
از بیخردی و پوشانیدن حق و بگردان برای من از ان بهره از هر نیکوئی که فرو
فيه بجودك يا اجود الاجودين روز اللهم قوني فيه على
در ان ببخشش خود ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان چهارم خداوندا توانائی ده مرا در ان بر
اقامة امرك واذقني فيه حلاوة ذكرك واوزعني فيه لاداء
برپا داشتن فرمان تو و بچشان مرا در ان شیرینی یاد خود و توفیق ده مرا در ان برای بجا
شكرك بكرمك واحفظني بحفظك وسترك يا ابصر الناظرين
آوردن شکر خود به بزرگواری خود و محافظت کن مرا بنگاه داشتن خود و پوشش خود ای بیناترین
روز اللهم اجعلني فيه من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك
پنجم خداوندا بگردان مرا از آمرزش طلبان و بگردان مرا در ان از بندگان خود
الصالحين القانتين واجعلني فيه من اوليائك المقربين
که نیکوکارانند فرمانبردارانند و بگردان مرا از دوستان مقرب خود
المتقين برافتك يا اكرم الاكرمين روز اللهم لا تخذلني فيه
پرهیزکاران برحمت خود ای ... ششم خداوندا خوار مگردان مرا در ان



لتعرض معصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك وزحزحني
بجهة در پیش آمدن نافرمانی خود و مزن مرا بتازیانهای عقوبت خود و دور گردان مرا
فيه من موجبات سخطك بمنك وايا ديك يا منتهى رغبة
در ان از امور که واجب گرداند غضب ترا به بخشش خود و نعمتهای خود ای نهایت خواهش
الراغبين روز اللهم اعني فيه على صيامه وقيامه وجنبني
خواهش کنندگان هفتم خداوندا مدد کن مرا بر روزه داشتن ان و ... دور گردان
فيه من هفواته وآثامه وارزقني فيه ذكرك بدوامه بتوفيقك
در ان از لغزشهای ان و گناهان ان و روزی کن مرا در ان یاد کردن ...
يا هادي المضلين روز اللهم ارزقني فيه رحمة الايتام
ای راه نمای گمراهان هشتم خداوندا روزی کن مرا در ان مهربانی یتیمان
واطعام الطعام وافشاء السلام وصحبة الكرام بطولك
و خورانیدن طعام و ظاهر ساختن سلام و صحبت کرام ببخشش خود
يا ملجأ الآملين روز اللهم اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك
ای پناه امیدواران نهم خداوندا بگردان برای من در ان بهره از بخشش خود
الواسعة واهدني فيه لبراهينك الساطعة وخذ بناصيتي
فراخ خود و راه نما مرا در ان ... و بگیر موی پیش سر مرا
الى مرضاتك الجامعة بمحبتك يا امل المشتاقين روز
بسوی خشنودی خود ... بدوستی خود ای امید آرزومندان دهم

فصل الثانی

اللهم اجعلني من المتوكلين عليك واجعلني فيه من الفائزين
لديك واجعلني فيه من المقربين اليك باحسانك يا غاية
الطالبين روز [یازدهم] اللهم حبب الي فيه الاحسان وكره الي
فيه الفسوق والعصيان وحرم علي فيه السخط والنيران
بعونك يا غياث المستغيثين روز [دوازدهم] اللهم زين لي فيه بالستر
والعفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف واحملني فيه
على العدل والانصاف وآمني فيه من كل ما اخاف بعصمتك
يا عصمة الخائفين روز [سیزدهم] اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار
وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه للتقى وصحبة الابرار



بعونك يا قرة عين المساكين روز [چهاردهم] اللهم لا تؤاخذني فيه
بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني فيه
غرضا للبلايا والآفات بعزتك يا عز المسلمين روز [پانزدهم] اللهم
ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري بانابة
المخبتين بامانك يا امان الخائفين روز [شانزدهم] اللهم وفقني فيه
لموافقة الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار وآوني فيه
برحمتك الى دار القرار بالهيتك يا اله العالمين روز
هفدهم
اللهم اهدني فيه لصالح الاعمال واقض لي فيه الحوائج والآمال
يا من لا يحتاج الى التفسير والسؤال يا عالما بما في صدور العالمين

روز اللهم نبهني فيه لبركات اسحاره ونور فيه قلبي
هجدهم خداوندا بیدار کن مرا درین ماه برای برکتهای سحرهای آن و روشن کن دل مرا
بضياء انواره وخذ بكل اعضائي الى اتباع آثاره بنورك يا منور
بروشنائی روشنیهای آن و بدار همه اعضای مرا بسوی پیروی کردن نشانهای آن
قلوب العارفين روز اللهم وفر فيه حظي من بركاته
دلهای عارفان نوزدهم خداوندا وافر کن درین ماه بهره مرا از برکتهای او
وسهل سبيلي الى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته يا هاديا
و آسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای خود و ناامید مکن مرا در قبول نیکوئیهای آن ای
الى الحق المبين روز اللهم افتح لي فيه ابواب الجنان
بسوی دین حق روشن بیستم خداوندا بگشا برای من درین ماه درهای بهشت را
واغلق عني فيه ابواب النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن
و به بند از من درهای آتش دوزخ را و توفیق ده مرا درین ماه تلاوت قرآن را
يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين روز اللهم اجعل لي
ای فرود آرنده آرام در دلهای گروندگان بیست و یکم خداوندا بگردان برای
فيه الى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان فيه علي سبيلا
من درین ماه بسوی خوشنودی خود رهنمائی و مگردان برای شیطان درین ماه بر من راهی
واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين
و بگردان بهشت را برای من محل فرود آمدن و آرامگاهی ای برآورنده حاجتهای خواهندگان



روز اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه بركاتك
بیست و دوم خداوندا بگشا برای من درین ماه درهای فضل خود و فرود آر بر من درین ماه برکتهای خود
ووفقني فيه لموجبات مرضاتك واسكني فيه بحبوحات جناتك
و توفیق ده مرا درین ماه برای اموری که واجب میشود بآنها خوشنودی تو و ساکن گردان مرا درین ماه در میان بهشتهای تو
يا مجيب دعوة المضطرين روز اللهم اغسلني فيه من الذنوب
ای اجابت کننده دعای درماندگان بیست و سیم خداوندا بشوی مرا درین ماه از گناهان
وطهرني فيه من العيوب وامتحن قلبي فيه بتقوى القلوب
و پاک گردان مرا درین ماه از عیبها و امتحان کن دل مرا درین ماه به پرهیزکاری دلهای
يا مقيل عثرات المذنبين روز اللهم اني اسألك فيه
ای درگذرنده از لغزشهای گناهکاران بیست و چهارم خداوندا سؤال میکنم از تو درین ماه
ما يرضيك واعوذ بك فيه مما يؤذيك واسألك التوفيق
آنچه خوشنود سازد ترا و پناه میبرم بتو درین ماه از آنچه آزرده کند ترا و سؤال میکنم از تو توفیق را
فيه لان اطيعك ولا اعصيك يا جواد السائلين روز اللهم
درین ماه برای آنکه فرمان برم ترا و نافرمانی نکنم ترا ای بخشاینده سؤال کنندگان بیست و پنجم خداوندا
اجعلني فيه محبا لاوليائك ومعاديا لاعدائك مستنا بسنة
بگردان مرا درین ماه دوست مر دوستان ترا و دشمن دارم مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه
خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين روز اللهم اجعل سعيي
آخر پیغمبران ای نگاه دارنده دلهای پیغمبران بیست و ششم خداوندا بگردان کوشش

فیه مشکوراً وذنبی فیه مغفوراً وعملی فیه مقبولاً وعیبی

روزی که ... مرا در او شده و گناه مرا در ان آمرزیده و کردار مرا در ان پذیرفته و عیب مرا

فیه مستوراً یا اسمع السامعین روز اللهم ارزقنی فیه

در ان ماه پوشیده ای شنواترین شنوایندگان بیست و هفتم خداوندا روزی کن مرا در ان

فضل لیلة القدر وصیّر اموری فیه من العسر الی الیسر

فضیلت شب قدر و بگردان کارهای مرا در ان ماه از دشواری بسوی آسانی

واقبل معاذیری وحطّ عنی الوزر یا رؤفاً بعباده الصالحین

و بپذیر عذرهای مرا و فرو آر از من بار گران ای مهربان به بندگان شایسته

روز اللهم وفّر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه باحضار

بیست و هشتم خداوندا وافر گردان بهره مرا در ان ماه از ... و گرامی دار مرا در ان ماه بحاضر

المسائل وقرّب فیه وسیلتی الیک من بین الوسائل یا من

سوالها و نزدیک گردان در ان ماه وسیله مرا بسوی خود از میان وسیلهای ای کسی

لا یشغله الحاح الملحّین روز اللهم غشّنی فیه بالرحمة

که مشغول نمیکند او را مبالغه مبالغه کنندگان بیست و نهم خداوندا بپوشان مرا در ان ماه برحمت

وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهّر قلبی من غیاهب التهمة

و روزی کن مرا در ان ماه توفیق و نگهداری و پاک کن دل مرا از تیرگیهای ...

یا رحیماً بعباده المؤمنین روز اللهم اجعل صیامی فیه بالشکر

ای مهربان به بندگان گروندگان سی‌ام خداوندا بگردان روزه مرا در ان ماه ...



والقبول علی ما ترضاه ویرضاه الرسول محکمة فروعه بالاصول

و پذیرفته ... پسندی تو او را و پسندد او را رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای ان باصلها

بحق سیدنا محمد واله الطاهرین والحمد لله رب العالمین

بحق بزرگ ما محمد و آل او که پاکانند و سپاس مر خدای را پروردگار جهانیان

مؤلف گوید که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبارات هر یک در
کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند که چون روایتش را معتبر ندانستم
متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در بیست
و هشتم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیم خواندن
دور نیست که انسب باشد والله یعلم باب چهارم در اعمال لیالی
و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذیقعده است و از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز
عید فطر است و شبش از لیالی شریفه است در فضیلت و ثواب عبادت
و احیاء آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول منقولست که هر که احیا
کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت
امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید را
احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد میماند و میگفت این
امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت است و شخصی
بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل میشود
بر کسی که روزه دارد در ماه مبارک رمضان در شب قدر حضرت فرمود که

مزد شر امید هند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید
راوی گفت که چکار سزاوار است که در آن شب بکنیم فرمود که چون
آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله اش بجا آوردی
دستها را بسوی یا ذا المن و الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد
بلند کن و بگو ای خداوند انعام و احسان ای خداوند بخشش ای برگزیننده محمد
و ناصره صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی کل ذنب اذنبته
و ای یاری دهنده او رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من هر گناهی که کرده‌ام
و هو عندک فی کتاب مبین پس بسجده رو و صد مرتبه بگو اتوب الی الله
و او نزد تو در کتابیست روشن بگو پس هر حاجت که داری از حق تعالی
طلب کن که انشاء الله بر آورده است و بسند معتبر منقولست که حضرت
امیر المؤمنین در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت
اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم یکمرتبه
میخواندند پس برکوع و بسجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند
و میگفتند اتوب الی الله یا ذا المن و الجود یا ذا المن و الطول یا مصطفی
الله پس میگفتند ای خداوند انعام و احسان و بخشش ای خداوند انعام و احسان ای برگزیننده
محمد صلی الله علیه و آله صل علی محمد و آله پس حاجت خود را از خدا
محمد رحمت فرستنده بر او و آل او رحمت کن بر محمد و آل محمد میطلبیدند پس سر از سجده
بر میداشتند و میفرمودند بحق آنکه جانم بدست قدرت اوست که



این نماز را بکنند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد البته او را عطا کند
و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد او را
بعد از نماز سنت است یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا
که این دعا بخوانند ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای
یا الله یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا
ای خدا ای پاکیزه ای خدا ای سالم ای خدا ای امان دهنده ای خدا ای
مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله
ای دانا ای خدا ای جبار ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بزرگی کننده ای خدا
یا خالق یا الله یا بارئ یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله
ای آفریننده ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگارنده ای خدا ای دانا ای خدا
یا عظیم یا الله یا علیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم
ای بزرگ ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بردبار ای خدا ای درستکار
یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب یا الله یا مجیب
ای خدا ای شنونده ای خدا ای بینا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده
یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله یا وفی یا الله
ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا ای وفا کننده ای خدا
یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله
ای صاحب ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای زود جزا دهنده ای خدا ای توانا ای خدا

يا مجيب يا الله
يا جواد يا الله
٤٣

ولا يستغلب سترا ولا يستطيع ضرا ولا نفعا وهو في حصن ... وانا في صحة من البدن وسلامة من العيش كل ذلك بفضلك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين

محصورا لا يستطيع ... يتقلب في غمه ولا يجد ... ملتفا في انين وعويل

يا رؤوف يا الله يا رقيب يا الله يا ماجد يا الله يا علي يا الله
ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای برتر ای خدا
يا حفيظ يا الله يا محيط يا الله يا سيد السادات يا الله
ای نگاه دارنده ای خدای فراگیرنده ای خدا ای بزرگ بزرگان ای خدا
يا اوّل يا الله يا آخر يا الله يا ظاهر يا الله يا باطن يا الله
ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای هویدا ای خدا ای پنهان ای خدا
يا فاخر يا الله يا قاهر يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله
ای بزرگوار ای خدا ای صاحب قهر و غلبه ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا
يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله يا ودود يا الله يا
ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست ای خدا ای
نور يا الله يا دافع يا الله يا مانع يا الله يا فاتح يا الله يا نفاع
نور ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای منع کننده ای خدا ای گشاینده ای خدا ای سود رسان
يا الله يا جليل يا الله يا جميل يا الله يا شهيد يا الله يا شاهد
ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای نیکو ای خدا ای گواه ای خدا ای دانا
يا الله يا حبيب يا الله يا فاطر يا الله يا مطهّر يا الله يا ملك يا الله
ای خدا ای دوست ای خدا ای آفریننده ای خدا ای پاک ای خدا ای پادشاه ای خدا
يا مقتدر يا الله يا قابض يا الله يا باسط يا الله يا محيي يا الله يا مميت
ای توانا ای خدا ای گیرنده ای خدا ای گسترانده ای خدا ای زنده کننده ای خدا ای



وكلا الايمان من الله اكبر ... امسى واصبح ... مغلولا ... شفقا وحيدا وجلا ... متضيق او قحماة من الكآبة ... فقد ضاقت عليه الارض برحبها ولا يجد حيلة ولا منجى ولا مأوى ولا مهربا وانا في امن وامان وطمأنينة وعافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب

يا الله يا مجيب يا الله يا باعث يا الله يا معطي يا الله يا مفضل
ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای برانگیزاننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشش
يا الله يا منعم يا الله يا حق يا الله يا مبين يا الله يا طبيب يا الله
ای خدا ای منعم کننده ای خدا ای راست ای خدا ای هویدا ای خدا ای دانا ای خدا
يا محسن يا الله يا مبدئ يا الله يا معيد يا الله يا بارئ يا الله
ای نیکوکار ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای بازگرداننده ای خدا ای آفریدگار ای خدا
يا بديع يا الله يا هادي يا الله يا كافي يا الله يا شافي يا الله يا
ای پدید آرنده ای خدا ای راهنما ای کارگزار ای خدا ای شفا دهنده ای خدا
علي يا الله يا حنان يا الله يا منان يا الله يا ذا الطول يا الله يا
ای بلند مرتبه ای خدا ای مهربان ای خدا ای انعام کننده ای خدا ای صاحب بخشش ای خدا ای
متعالي يا الله يا عدل يا الله يا ذا المعارج يا الله يا صادق يا الله
بلند مرتبه ای خدا ای دادگر ای خدا ای صاحب ... ای خدا ای راستگو ای خدا
يا ديّان يا الله يا باقي يا الله يا ذا الجلال يا الله يا ذا الاكرام يا الله
ای جزا دهنده ای بی زوال ای خدا ای همیشه ای خدا ای صاحب بزرگی ای خدا ای صاحب کرامت ای خدا
يا معبود يا الله يا محمود يا الله يا صانع يا الله يا معين يا الله يا مكوّن
ای پرستیده شده ای خدا ای ستوده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای مددکننده ای خدا ای پدید آورنده
يا الله يا فعال يا الله يا لطيف يا الله يا جليل يا الله يا غفور يا الله يا شكور
ای خدا ای توانا ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای آمرزنده ای خدا ای

وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ... يا رب من معتقد لا يغلب

يا الله يا نور يا الله يا حنان يا الله يا مدبر يا الله يا ديان يا رباه يا الله يا رباه

يا خدا اي نور يا خدا اي مهربان يا خدا اي تو انا اي خدا اي پروردگار اي خدا اي

يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا

اي خدا اي پروردگار اي خدا اي پروردگار اي خدا اي پروردگار اي خدا اي

الله اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وتمن علي برضاك وتعفو عني

خدا سؤال میکنم از تو اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و منت گذاری بر من بخوشنودی خود و درگذری

بحلمك وتوسع علي من رزقك الحلال الطيب من حيث احتسب

ومن حيث لا احتسب فاني عبدك ليس لي احد سواك ولا احد

اسألك غيرك يا ارحم الراحمين ما شاء الله لا قوة الا بالله العلي

العظيم يا رحمن يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله يا منزل

اي خدا اي پروردگار اي خدا اي پروردگار اي خدا اي پروردگار اي خدا اي

البركات بك تنزل كل حاجة اسألك بكل اسم في مخزون الغيب

عندك والاسماء المشهورات عندك المكتوبة على سرادق عرشك

لا يجعلني من الشاكرين ولا تجعلني من الذاكرين

الفصل التاسع الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح

وآل محمد واجعلني لا تجعل صلى على محمد لا يغلب ودي اناه

مغلولا مكبلا بالحديد بايدي العداة والكفار بيتا ولو متلا يرحمونه

نقيلا من اهاليه ولا منقطعا عن اخوانه وبلية تتوقع في كل ساعة نائمة قتلة تقبل

الخ



ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقبل مني شهر رمضان

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من ماه رمضان را

وتكتبني من الوافدين الى بيتك الحرام وتصفح لي عن الذنوب

و بنویسی مرا از زمره واردشوندگان بسوی خانه محترم خود و درگذری از برای من از گناهان

العظام وتستخرج يا رب كنوزك يا رب ودر روايت ديگر بجاي

بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار گنجهای خود را هزار مرتبه صد مرتبه

نيز وارد شده است وايضا سنت مؤكد است كه بعد از نماز شام و خفتن

و صبح شب عيد و نماز الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله والله

عيد اين تكبيرات را بخواند

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نيست خدايي مگر خدا و خدا

اكبر الله اكبر ولله الحمد والله اكبر على ما هدانا واما اعمال

بزرگتر است خدا بزرگتر است و سپاس مر خدا راست و خدا بزرگتر است بر آنچه راه نمود ما را

روز عيد

پس زكوة روز عيد فطر واجب مؤكد است و تركش با تحقق شرايط

وجوب گناه كبيره است و شرط قبول روزه ماه مبارك است چنانچه از حضرت

صادق منقولست كه از تمامي روزه دادن زكوة است يعني فطره چنانچه

صلوات بر محمد و آل محمد از تمامي نماز است زيرا كه هر كه روزه بدارد و

زكوة فطره ندهد روزه او مقبول نيست هرگاه عمدا ترك كند و كسي

صلوات بر محمد و آل محمد را ترك كند در تشهد نمازش مقبول نيست و خدا

رابتش از نماز ذكر كرده است در آنجا كه فرموده است قد افلح من تزكى وذكر اسم ربه

من الشاكرين ولا تجعلني من الذاكرين الفصل العاشر

الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح يقاسي الحرب

ومباشرة القتال بنفسه قد غشيته الاعداء من كل جانب والسيوف

فصلی بعون بتحقیق که رستکاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را
یاد کرد بیان تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانکه زکوة مال
باعث پاکیزگی مال میشود و مال از تلف محفوظ میماند چنانکه منقولست
که هیچ مال در دریا و صحرا تلف نمیشود مگر بندادن زکوة مال و همچنین فطره
بدنست و بدن را پاکیزه میگرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و اورا از
دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه معتبره منقولست که حضرت صادق
با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان
ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة از اندهی زیرا که یکی را ترک کنی میترسم
که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة فطره بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب
نمیشود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر آن کس واجبست که فطره ایشان
بدهد و زکوة سنت را اقامه بدهد بنا بر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال
دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرطست و مراد
مشهور آنست که قوت سالیانه خود و عیال خود داشته باشد که وفا بمعیشت او
و عیال او بکند و بعضی گفته اند که در شب عید زیاده بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره
داشته باشد بر او واجب است و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک فطره
را با عیال خود دست بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهد همه ثواب فطره را یافته
و باید که غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط آنکه عیال
دیگری نباشد و در شب فطر که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجبست و همچنین است



از هر کس که در خانه او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان
پیش از شام در آن خانه باشد و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود
و افطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام
داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند
یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربة الی الله و اگر شخصی
عیال او نباشد و اما نفقه و کسوه او داده شد و در خانه دیگری باشد
زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهت
همسایها طعامی بفرستند یا فقیری را چیزی بدهند یا شخصی در ماه رمضان
مهمان باشد و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از
شام عید افطار کرده بخانه او آید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام
بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت اخیر هر دو بدهند
بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون
کردن فطره موافق مشهور شام شب عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته
اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا کند پیش از نماز عید
بدهد و اگر در صبح جدا کند نیز خوبست و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد
نماز در آن روز یا روز دیگر بجهت حاضر نبودن مستحق یا عذری دیگر تأخیر کند
قصوری ندارد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا
نکند و اگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند

تا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد
والا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزند و فرزند زاده کان
هرگاه فقیر باشد نفقهٔ ایشان بر او واجبست پس اگر نفقهٔ او را خورند
فطره بر اوست و اگر عیال شخصی دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال
دیگری نباشند اشهر و احوط آنست که او فطرهٔ ایشان را بدهد و اما
جنس فطره مشهور آنست که هر چه قوت غالب و باشد میتواند داد و احوط آنست
که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد
و بعد از آن مویز است و بعد از آن هر چه قوت غالب باشد چنانچه مردم
شهر چون غالب قوت ایشان نان گندم است بهتر آنست که گندم بدهند
و مردم دهات که غالبا نان جو میخورند جو بدهند و در حدیثست که اگر یکصاع
خرما در فطره بدهم دوستر میدارم از آنکه یکصاع طلا بدهم و اما مقدار فطره
از هر شخصی یکصاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور شاه اکبری نبرین
و چهار ده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که یکمن و نیم تبریزی بدهند
و نهایت احتیاط آنست که یکمن شاه بدهند و باید که بکسی بدهند که قوت
سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشد و سایل بکف نباشد و احوط آنست
که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت
امام علیه السلم بمجتهد جامع شرایط عادل بدهند که او بمستحقان برساند
چون مصادف او بهتر میداند و بعضی از علما ایراو ایجب دانسته اند و احوط آنست



که فقیر را کمتر از یکصاع ندهند و بیک کس چند سر میتوان داد
و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان غیر واجب النفقه
دادن بهتر است و بعد از آن بهمسایگان پریشان و بعد از آن بیکسانی
که فاضلتر و صالحتر و پریشانتر باشند و فطرهٔ غیر سید را بسید
داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت است که
در روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند و سنت است
که بر خرما افطار کنند و غسل روز عید سنت مؤکد است و بعضی واجب
دانسته اند و از حضرت صادق منقولست که غسل را در این روز در زیر
مکن و در زیر آسمان و پیش از غسل بگو اللهم ایمانا بک وتصدیقا
بکتابک واتباع سنة نبیک صلی الله علیه وآله پس بسم الله بگو
و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی
وطهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس و زیارت حضرت امام حسین
در این روز سنت مؤکد است و ثواب بسیار دارد وارد شده است و نماز
عید در زمان حضور امام علیه السلام واجبست و در زمان غیبت امام
اکثر علما سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند
که تنها نمیتوان کردن و بگمان فقیر واجبست که بجماعت بکنند و با
مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است
و نماز عید دو رکعتست و در رکعت اول بعد از قراءت پنج تکبیر و بعد از

هر تكبيري يك قنوت ميخواند و در ركعت دويم چهار تكبير ميگويد و چهار
قنوت ميخواند و قنوت مخصوصي دارد و اگر كسي نتواند انچه در قنوت نمازهاي
ديگر ميخواند بخواند و هرگاه بجماعت كنند پيش نماز دو خطبه بعد از نماز
ميخواند و قنوت اللّهمّ أهل الكبرياء والعظمة وأهل الجود و
نماز عيد اينست خداوندا اي سزاوار بزرگي و عظمت و سزاوار بخشش
الجبروت وأهل العفو والرحمة وأهل التقوى والمغفرة
و بزرگواري و سزاوار درگذشت و بخشش و سزاوار پرهيزگاري و آمرزش
أسألك بحقّ هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيداً ولمحمّد
سؤال ميكنم از تو بحق اين روز كه گردانيدي او را براي مسلمانان عيد و براي
صلّى الله عليه وآله ذخراً ومزيداً أن تصلّي على محمّد وآل
رحمت فرستاد خدا بر او و آل او ذخيره و زيادتي اينكه رحمت فرستي بر محمد و آل محمد
محمّد وأن تدخلني في كلّ خير أدخلت فيه محمّداً وآل محمّد وأن
و اينكه درآوري مرا در هر نيكي كه درآوردي در آن محمد و آل محمد و اينكه
تخرجني من كلّ سوء أخرجت منه محمّداً وآل محمّد صلواتك عليه
بيرون آوري مرا از هر بدي كه بيرون كردي از آن محمد و آل محمد را رحمتهاي تو بر او
وعليهم اللّهمّ إنّي أسألك خير ما سألك به عبادك الصالحون
و بر ايشان خداوندا سؤال ميكنم از تو بهترين آنچه سؤال كنند ترا بآن بندگان شايسته تو
وأعوذ بك ممّا استعاذ منه عبادك المخلصون و بعد از نماز عيد

وشرفاً وكرامة



دعاهاي بسياري وارد شده است و بهترين دعاها دعاي صحيفه كامله
است بسند صحيح از حضرت امام محمد باقر منقولست كه در روز جمعه و عيد
فطر و عيد قربان در هنگام مهيا رفتن بسوي نماز جمعه و عيد ميشوي
اين دعا اللّهمّ من تهيّأ في هذا اليوم أو تعبّأ أو أعدّ واستعدّ
بخوان خداوندا اگر مهيا گرديده در اين روز يا بار گرديده يا آماده گرديده و ساخته شود
لوفادة إلى مخلوق رجاء رفده ونوافله وفواضله وعطاياه
براي وارد شدن بسوي مخلوقي باميد بخشش و زيادتيهاي آن و نيكيهاي آن و عطاهاي آن
فإنّ إليك يا سيّدي تهيئتي وتعبئتي وإعدادي واستعدادي
بدرستي كه بسوي تست اي آقاي من مهيا شدن من و بار شدن من و خود ساختن من و آماده شدن
رجاء رفدك وجوائزك ونوافلك وفواضلك وفضائلك
باميد بخشش تو و صلههاي تو و زيادتيهاي تو و برتري تو و نيكيهاي تو
وعطاياك وقد غدوت إلى عيد من أعياد أمّة نبيّك محمّد
و بخشش تو و بتحقيق كه بامداد آمدم بسوي عيدي از عيدهاي امت پيغمبر تو محمد
صلوات الله عليه وآله ولم أفد إليك اليوم بعمل صالح
رحمتهاي خدا بر او و آل او و وارد نيامدم بسوي تو امروز بكردار شايسته
أثق به قدّمته ولا توجّهت بمخلوق أمّلته ولكن أتيتك
كه اعتماد كنم بآن پيش داشته باشم آن را و رو نكردم بمخلوقي كه اميد داشته باشم او را و ليكن آمدم ترا
خاضعاً مقرّاً بذنوبي وإساءتي إلى نفسي فيا عظيم يا عظيم

صل على محمد وآل محمد
لا يغلب ونبيا لا يغلب
سبحانك انى كنت من
وكرمك فلا اله الا انت

اغفر لي العظيم من ذنوبي فانه لا يغفر الذنوب العظام الا انت

بیامرز برای من بزرگ را از گناهان من پس بدرستی که نیامرزد گناهان بزرگ را مگر تو

يا لا اله الا انت يا ارحم الراحمين وفي حديث معتبر از حضرت صادق

ای ... ای رحم کننده ترین رحم کنندگان الامام عليه السلام منقولست كه

نماز صبح روز عيد فطر اللهم اني توجهت اليك بمحمد امامي

اين دعا را بخوانيد خداوندا بدرستی که من رو کرده‌ام بتو بحق محمد که پیش روی منست

وعلي من خلفي وعن يميني وائمتي عن يساري استتر بهم من عذابك

و علی از پس سر من و از جانب راست خود و امامان خود را از جانب چپ خود پنهان میشوم بایشان

واتقرب اليك زلفى لا اجد احدا اقرب اليك منهم فهم

و نزدیکی میجویم بسوی تو نزدیکی نمی‌یابم هیچکس را نزدیکتر بسوی تو از ایشان

ائمتي فآمن بهم خوفي من عقابك وسخطك وادخلني برحمتك

پیشوایان منند پس ایمن گردان بسبب ایشان ترسیدن مرا از عقوبت تو و غضب تو و درآور مرا برحمت

في عبادك الصالحين اصبحت بالله مؤمنا موقنا مخلصا على

در زمره بندگان شایسته خود صبح کردم در حالتی که ایمان آورنده‌ام ... اخلاص بر

دين محمد وسنته وعلى دين علي وسنته وعلى دين الاوصياء

دین محمد و طریقه او و بر دین علی و طریقه او و بر دین اوصیا

وسنتهم آمنت بسرهم وعلانيتهم وارغب الى الله فيما رغب فيه

و طریقه ایشان ایمان آوردم به نهان و آشکارای ایشان و خواهش کنم بسوی خدا در آنچه رغبت نمودند

واجعلني لك من العابدين و
لا تجعلني من الشاكرين
لا تجعلني من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين
مولاي وسيدي
فصل
لما عشر
اللهم اني اصبحت عليلا
وكم من عبد امسى
مريضا سقيما مدنفا على
فراش العلة وفي لباسها
لا تفلت من بين يديه



من الكرام التنزيل
لا نفصح ولا نفقها لا الباقي
انه لا يضيع
وكرمك فلا اله الا انت سبحانك اني كنت من
فلا اله الا انت
لا يغلب ونبيا
صل على محمد وآل محمد

اليه محمد وعلي والاوصياء ولا حول ولا قوة الا بالله العلي

بسوی ایشان محمد و علی و جانشینان و نیست قوتی و نه توانائی مگر بخدا بلند مرتبه

العظيم ولا عزة ولا منعة ولا سلطان الا لله الواحد القهار

بزرگ و نیست ارجمندی و نه بزرگی و نه سلطنتی مگر مر خدای یگانه غلبه کننده

العزيز الجبار توكلت على الله ومن يتوكل على الله فهو حسبه

ارجمند بزرگوار توکل کردم بر خدا و هر که توکل کند بر خدا پس او کافیست

ان الله بالغ امره اللهم اني اريدك فاردني فاطلب ما عندك

بدرستی که خدا رساننده است امر او را خداوندا بدرستی که آهنگ کرده‌ام ترا پس آهنگ کن مرا و میجویم آنچه نزد تست

فيسره لي واقض لي حوائجي فانك قلت في كتابك وقولك الحق

پس آسان کن آن را برای من و روا کن برای من حاجتهای مرا پس بدرستی که گفته در کتاب خود و گفتار تو راست

شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات

که ماه رمضانست که فرو فرستاده شده در آن قرآن در حالتی که راه نماینده است مر مردمان را و

من الهدى والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه

روشن است از راه نمائی و جدا کننده حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان را بآنچه فرو فرستادی

من القرآن وخصصته وعظمته بتصييرك فيه ليلة القدر

از قرآن و مخصوص گردانیدی آن را و بزرگ گردانیدی آن را بگردانیدن تو در آن شب قدر

فقلت ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح

پس گفتی شب قدر بهتر است از هزار ماه فرود آیند فرشتگان و روح

واجعلني لك من العابدين و
لا تجعلني من الشاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين
فصل مولاي وسيدي
لما عشر
وكم من عبد امسى
واصبح قلقا
في خوفه ونكد

فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر اللهم وهذه

در آن شب بفرمان پروردگار ایشان از هر کاری سلامتی است آن شب تا وقت طلوع صبح خداوندا و اینک

ايام شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت

روزهای ماه رمضان بتحقیق که بپایان رسیده و شبهای آن بتحقیق منقطع گردیده و منتهی گردیدم

منه يا الهي الى ما انت اعلم به مني واحصى لعدده من عددي

از آن ای خدای من سوی آنچه تو داناتری بآن از من و داناتر بشماره آن از شمار من

فاسئلك يا الهي بما سئلك به عبادك الصالحون ان تصلي

پس سوال میکنم ترا ای خدای من بآنچه سوال کردند ترا بآن بندگان شایسته تو اینکه رحمت فرستی

على محمد وال محمد وان تتقبل مني كل ما تقربت به اليك وتتفضل

بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من آنچه را که نزدیکی جستم بآن بسوی تو و بخشش

علي بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب

نمایی بر من بدو چندان گردانیدن کردار من و پذیرفتن نزدیکی جستن من و قربت من و اجابت دعای من و ببخش

لي منك عتق رقبتي من النار ومن علي بالفوز بالجنة والامن يوم

برای من از جانب خود آزاد نمودن گردن من از آتش و منت گذار بر من برستگاری به بهشت و ایمنی در روز

الخوف من كل فزع ومن كل هول اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة

ترس از هر ترسی و از هر هولی که آماده کرده آن را برای روز قیامت پناه میگیرم بحرمت

وجهك الكريم وحرمة نبيك وحرمة الصالحين ان ينصرم

ذات بزرگوار تو و حرمت پیغمبر خود و حرمت نیکوکاران از اینکه بپایان



هذا اليوم ولك قبلي تبعة تريد ان تؤاخذني بها او ذنب

این روز و مر تراست نزد من وبالی که اراده کنی که مواخذه کنی مرا بآن یا گناهی که قصد کنی

ان تقايسني به وشقوة تفضحني بها وخطيئة تريد ان تقايسني

اگر بسنجی مرا بآن و بدبختی که رسوا نمایی مرا بآن و خطایی که قصد کنی اگر بسنجی مرا

بها وتقتصها مني لم تغفرها لي واسئلك بحرمة وجهك الكريم

بآن و بکیفر رسانی مرا اگر نیامرزیده باشی مرا و سوال میکنم ترا بحرمت ذات بزرگوار تو

الفعال لما يريد الذي تقول للشيء كن فيكون لا اله الا هو اللهم

که بجا آورنده است آنچه خواهد که بگویی برای هر چیزی باش پس میباشد نیست معبودی بجز او خدایا

اني اسئلك بلا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر

بدرستی که سوال میکنم ترا بحرمت لا اله الا انت اگر بوده باشی که خوشنود شده باشی از من درین ماه

ان تزيد فيما بقي من عمري رضا وان كنت لم ترض عني في هذا الشهر

اگر زیاده کنی در آنچه باقی مانده از عمر من خوشنودی را و اگر نبوده باشی که خوشنود شده باشی از من درین ماه

فمن الآن فارض عني الساعة الساعة واجعلني في هذه

پس از حالا خوشنود شو از من درین ساعت درین ساعت و بگردان مرا درین

الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك من النار وطلقائك من

ساعت و بگردان مرا درین مجلس از آزاد کردگان خود از آتش و رها کردگان خود از

جهنم وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين

دوزخ و نیکبختان خلق تو بآمرزش خود و بخشش تو ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم اني اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بگردانی ماه مرا

هذا خير شهر رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت

این ماه بهترین ماه رمضان که عبادت کردم ترا در آن و روزه داشتم او را برای

به اليك منذ اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه

در آن بسوی تو از آن وقت که ساکن کردی مرا در آن بزرگترین از روی مزد و تمامترین آن

مغفرة واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله

از روی آمرزش و کاملترین از روی خوشنودی و نزدیکترین آن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا مگردان

اخر شهر رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود

آخر ماه رمضان که روزه داشتم از برای تو و روزی کن مرا بازگشتن در آن

ويعد الرضى حتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض

و پس خوشنودی تا آنکه بیرون بری مرا از دنیا سالم و حال آنکه تو از من خوشنود شوی

وانا لك مرضي اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم

و من برای تو پسندیده‌ام خداوندا بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازم کرده

الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في هذا

اگر بر نگردد و بدل نشود اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود در

العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم

سال و در همه سال آنکه پذیرفته شود حج ایشان و جزا داده شود سعی ایشان آمرزیده

آنا اذا لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك

يا ارحم الراحمين الفصل التاسع

مولاي وسيدي وكريم فعيل اصبح وامسي فان استدرك

الدنيا التي عيني فيها الى ان خاطر بنفسه وما لي حجة عليها وفات ركب





المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم المقبلين على شكرهم

پذیرفته شود عبادتهای ایشان عافیت بخشیده شود در سفرهای ایشان روآورنده بر اعمال خیر خود

المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم وكل ما انعمت به

نگاه داشته شوند در نفسهای خود و مالهای خود و اولاد ایشان و هر چه انعام کرده

عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا في يومي هذا

بر ایشان ای خدا بازگردان مرا از مجلس من این مجلس من در این ماه در این روز

في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنبي معافا من النار

در ساعت من این ساعت رستگار و برآورده دعای من آمرزیده شده گناهان من

ومعتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب

و آزاد کرده از آن آزادی که نباشد بندگی پس از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران

اللهم اني اسالك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی در آنچه خواسته و اراده نموده و حکم کرده

وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ في اجلي

و تقدیر فرموده و واجب ساخته و روان ساخته اینکه دراز کنی عمر مرا و پس اندازی اجل مرا

وان تقوي ضعفي وان تغني فقري وان تجبر فاقتي وان ترحم

و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی درویشی مرا و اینکه تدارک کنی احتیاج مرا

مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان تغني عائلتي وان تؤنس

بیچارگی مرا و اینکه عزیز کنی خواری مرا و اینکه بلند کنی پستی مرا و اینکه بی نیاز کنی درویشی مرا

القلب واكبر ... فرحه وانا في الكباب

ولا يرى الا ... الى نفسه

حسن الا يقبل بها على

خير ولا نفع وانا خلو من

كلمه بحر دلك وكرمك ... دلك

الله لا اله الا انت سبحانك ...

الحمد يا رب من مقتدر

لا يغلب وذي اناة لا يعجل

صل على محمد وآل محمد

واجعلني من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك

وحشتي وان تكثر قلتي وان تقدر رزقي في عافية ويسر

و بیکسی مرا و بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت و توان گری

وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تكلني

و در فراغت و اینکه دفع کنی از من آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و آخرت من و وا مگذاری مرا

الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان تعافيني

سوی نفس من پس عاجز شوم از آن و نه بسوی مردمان پس واگذارند مرا و اینکه عافیت دهی مرا

في ديني وبدني وجسدي وروحي وولدي واهلي واهل

در دین من و بدن من و جسد من و روح من و فرزندان من و اهل من و اهل

مودتي واخواني وجيراني من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين

دوستان من و برادران من و همسایگان من از مومنین و مومنات و مردان مسلمان

والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تمن علي بالامن

و زنان مسلمان زندگان از ایشان و مردگان ایشان و اینکه منت گذاری بر من به امن

والايمان ما ابقيتني فانك وليي وثقتي ورجائي ومعدن

و ایمان مادام که باقی داری مرا بدرستی که تو ولی و آقای من و محل اعتماد من و امید من و

مسئلتي وموضع شكوى ومنتهى رغبتي فلا تخيبني في رجائي

سوال من و جایگاه شکایت من و منتهای خواهش من پس ناامید مکن مرا در امید من

يا سيدي ومولاي ولا تبطل طمعي ورجائي فقد توجهت اليك

ای بزرگ من و آقای من و باطل مکن طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق رو آورده ام بسوی تو



بمحمد وآل محمد وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي

بوسیله محمد و آل محمد و پیش داشته ام ایشان را بسوی تو در پیش خود و پیش حاجت خود

وتضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة

و زاری نمودن خود و سوال نمودن خود پس بگردان مرا بحق ایشان روشناس در دنیا و آخرت

ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة

و از نزدیکان پس بدرستی که تو منت گذاشتی بر من بشناسائی ایشان پس ختم کن برای من نیکبختی

والسلامة والامن والايمان والمغفرة والرضوان والسعادة

و سلامتی و ایمنی و ایمان و آمرزش و خوشنودی و سعادت

والحفظ يا الله انت لكل حاجة لنا فصل على محمد واله وعافنا

و نگاهداری ای خدا تو برای هر حاجتی که از ما است پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و عافیت ده ما را

ولا تسلط علينا احدا من خلقك لا طاقة لنا به واكفنا كل امر

و مسلط مگردان بر ما هیچکس را از خلق خود که نباشد طاقتی ما را بآن و کفایت کن برای ما هر کاری

من امر الدنيا والاخرة يا ذا الجلال والاكرام صل على محمد وال

از کار دنیا و آخرت ای صاحب بزرگی و بخشش رحمت فرست بر محمد و آل

محمد وال محمد وسلم على محمد وال محمد كافضل ما صليت

محمد و درود فرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین آنچه رحمت کردی و فرستادی

وباركت وترحمت وسلمت وتحننت على ابراهيم وال ابراهيم انك

و برکت دادی و رحم کردی و درود فرستادی و مهربانی کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو

اعمال ذيقعدة الحرام

حميدٌ مجيدٌ واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از عيد
ستوده بزرگوارى در بعضى از روايات وارد شده است ونهى از آن
وارد شده است وظاهرا روزه داشتن محمول بر تقيه است چنانكه
درميان سنيان مشهور است وتركش بهتر است وهمچنين كراهت
نكاح كردن درميان عيد فطر وعيد قربان اصلى ندارد وشايد اصلش
از عامه بوده باشد ودر ماه شوال چون عقد عايشه عليها اللعنه در آن
واقع شده است واكثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شد واز بعضى روايات
كراهت مستفاد ميشود واگر از خصوص شوال احتراز كنند بهتر است
واما اعمال ذيقعدة الحرام بدانكه اول ماههاى حرام است كه حق تعالى
در قرآن ياد فرموده است وآنها ذوالقعده وذوالحجه ومحرم ورجب است
ودر اين ماهها ابتداى قتال با كافران نبايد كرد وشيخ مفيد وغير او
از حضرت رسول روايت كرده اندكه هر كه در يكى از ماههاى حرام پنجشنبه وجمعه
وشنبه را متوالى روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت براى او نوشته
شود ودر روايتى از حضرت رسول منقولست كه در شب يازدهم ماه ذى
القعده حق تعالى بندگان مؤمن نظر رحمت ميكند كسى كه آن شب را بعبادت
بسر آورد ثواب صد عابد باو عطا كنند ودر يك چشم زدن معصيت
خدا نكرده باشد چون نصف شب بگذرد شروع كن بعبادت ونماز و
حاجات خود را از حق تعالى طلب كن كه هر حاجت كه طلب كنى مستجاب ميگردد



وبعضى از علما گفته اند كه در روز بيست وسيم ماه ذى القعده زيارت
حضرت امام رضا از نزديك واز دور سنت است وروز بيست وپنجم ذى القعده
روز دحو الارض است يعنى پهن شدن زمين از كعبه بسوى آب وروز
بسيار مباركيست وكلينى از محمد بن عبد الله روايت كرده است كه
حضرت امام رضا در شهر مرو در روز بيست وپنجم ذيقعده بيرون آمد
وفرمودند كه امروز را روزه بداريد كه من روزه ام گفتيم فداى تو شويم
امروز چه روز است فرمود كه امروز روزيست كه رحمت در اين روز منتشر
گرديده است وزمين در اين روز پهن شده است وكعبه در اين روز نصب شده است
وحضرت آدم در اين روز بر زمين فرود آمده است وابن بابويه روايت كرده
از حسن وشا كه من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا شام خورديم در
شب بيست وپنجم ذى القعده پس فرمود كه امشب حضرت ابراهيم وحضرت
عيسى متولد شده اند وزمين از زير كعبه پهن شده است پس هر كه روز شد
روزه بدارد چنانست كه شصت ماه را روزه داشته است وحضرت قائم
در اين روز ظاهر خواهد شد واز حضرت رسول منقولست كه حق تعالى رحمت خود
بر بندگان در اين روز فرستاده است وروزه اش مثل روزه هفتاد سال است
وبروايت ديگر رحمت از آسمان نازل شده است وتعظيم كعبه بر آدم در اين روز
نازل شده است هر كه اين روز را روزه بدارد هر چه در ميان آسمان وزمين است
براى او استغفار كنند وطلب آمرزش وطلب رزق نمايند واز حضرت امير المؤمنين

علی کثیر من خلقک تحمیدا
الاعز الطاهر هذا فضلک
منک وکرمک لا باستحقاق
منی الهی فلک الحمد علی ذلک
کما تصلی علی محمد وآل محمد
واجعلنی لنعمائک من الذاکرین

مرویست که اول رحمتی که از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذی
القعده بود و هر که این روز را روزه دارد و شب او را بعبادة بایستد او را
عبادهٔ صد ساله نوشته شود که روزه‌ها را روزه داشته باشد و شبها
بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که در این روز جمع شوند برای ذکر
پروردگار خود پیش از آنکه متفرق گردند حاجت ایشان بر آورده است
و در این روز صد هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد
نود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول
گردند و روز او را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد است
که مستحب است که در این روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در
هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سورهٔ والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا مقیل العثرات اقلنی
نیست توانائی و نه قدرتی مگر بخدای بزرگ مرتبه ای درگذرنده لغزشها درگذر
عثرتی یا مجیب الدعوات اجب دعوتی یا سامع الاصوات اسمع
از لغزش من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا ای شنونده صداها بشنو
صوتی وارحمنی وتجاوز عن سیئاتی یا ذا الجلال والاکرام
صدای مرا و رحم کن مرا و درگذر از گناهان من ای صاحب بزرگی و بخشش
و شیخ طوسی گفته است که مستحب است اللهم داحی الکعبة وفالق الحبة
است که در این روز این دعا بخوانند خداوندا ای گسترانیده کعبه و شکافنده دانه

ولا یامن من الله الرحیم
وارحمنی برحمتک یا ارحم
الراحمین لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم



وصارف اللزبة وکاشف کل کربة اسألک فی هذا الیوم من ایامک
و گرداننده سختی و زایل کننده هر اندوه سؤال میکنم از تو در این روز از روزهای
التی اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنین
که بزرگ گردانیدی حق آن را و پیش داشتی پیشی آن را و گردانیدی آن را نزد گروندگان
والیک ذریعة ودیعة وبرحمتک الواسعة ان تصلی
و بسوی تو وسیله و امانت و برحمت تو فراخ کرده ترا اینکه رحمت فرستی
علی محمد عبدک المنتجب فی المیثاق القریب یوم التلاق
بر محمد بنده تو که برگزیده شده است در روز پیمان نزدیک تو روز بهم رسیدن
فاتق کل رتق وداع الی کل حق وعلی اهل بیته الاطهار
گشاینده هر بسته و خواننده بسوی هر حقی و بر خاندان او که پاکانند
الهداة المنار دعائم الجبار وولاة اهل الجنة والنار
رهنمایان این روز ستونهای خدای بزرگوار و والیان اهل بهشت و دوزخ
واعطنا فی یومنا هذا من عطائک المخزون غیر مقطوع
و عطا کن ما را در روز ما این روز از عطای پنهان نه بریده شده
ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة یا خیر مدعو
و نه ممنوع که جمع کنی بسبب آن توبه و نیکوئی بازگشت ای بهترین کسی که خوانده شود
واکرم مرجو یا کفی یا وفی یا من لطفه لی بلطفک واسعدنا
و بزرگوارترین کسی که امید داشته شود ای کفایت کننده ای وفا کننده ای کسی که لطف او لطف خود بکن

بعفوك وأيدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة أمرك

بعفو خود و یاری کن مرا بیاری خود و فراموش مکن از من ذکر گرامی خود را بسبب ولایت والیان امر

وحفظك ستر احفظني من شوائب الدهر إلى يوم الحشر

و نگهداشتن سر کان را از خود نگهدار مرا از چرکهای زمانه تا روز برانگیختن

والنشر واشهدني أولياءك عند خروج نفسي وحلول

و زنده کردانیدن و حاضر گردان برای من دوستان خود را بر وقت بیرون آمدن روح من و فرود آمدن

رمسي وانقطاع عملي وانقضاء أجلي اللهم واذكرني

در قبر خود و بریده گردیدن کردار من و منقضی شدن مدت عمر من خداوندا و یاد کن مرا

على طول البلى إذا حللت بين أطباق الثرى ونسيني الناسون

بر درازی پوسیده گی هرگاه فرود آیم میان طبقهای خاک و فراموش کنند فراموش کنندگان

من الورى وأحللني دار المقامة وبوئني منزل الكرامة

از خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده در جایگاه نوازش

واجعلني من مرافقي أوليائك وأهل اجتبائك واصطفائك

و بگردان مرا از رفقای دوستان خود و برگزیدگان خود و اختیار کرده شدگان

وبارك لي في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الأجل بريئا

و برکت ده مرا در ملاقات خود و روزی کن مرا نیکوئی کردار پیش از رسیدن اجل بری

من الزلل وسوء الخطل اللهم وأوردني حوض نبيك محمد صلى

از لغزش و زشتی سخن فاسد خداوندا و در آر مرا در کنار حوض پیغمبر خود محمد صلی



الله عليه وآله واسقني منه مشربا رويا سائغا هنيئا لا أظمأ

خدا بر او و آل او و بیاشامان مرا از آن آشامیدنی سیراب کننده خوشگوار گوارنده که تشنه نشوم

بعده ولا أحلأ ورده ولا عنه أذاد واجعله لي خير زاد وأوفى

پس از آن و منع کرده نشوم از وارد شدن آن و از آن رانده نشوم و بگردان آن را برای من بهترین توشه و

ميعاد يوم يقوم الأشهاد اللهم والعن جبابرة الأولين والآخرين

وفا کننده ترین وعده خویش در روزی که بر پا شوند حاضران خداوندا و لعنت کن ستمکاران پیشینیان و

وبحقوق أوليائك المستأثرين اللهم واقصم دعائمهم وأهلك

و بحقوق دوستان تو که میفروختند خداوندا و درهم شکن ستونهای ایشان را و هلاک کن

أشياعهم وعاملهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم وضيق

پیروان ایشان و دوستان ایشان را و بشتابان هلاکهای ایشان را و بگیر از ایشان ملکهای ایشان را و تنگ کن

عليهم مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم اللهم وعجل فرج

بر ایشان راههای ایشان را و لعنت کن شریکان ایشان را و انبازان ایشان را خداوندا و بشتابان گشایش

أوليائك واردد عليهم مظالمهم وأظهر بالحق قائمهم واجعله

دوستان خود را و برگردان بر ایشان چیزهائی که ستم کرده شده اند و ظاهر ساز براستی قائم ایشان و بگردان او را

لدينك منتصرا وبأمرك في أعدائك مؤتمرا اللهم احففه بملائكة

بدین خود انتقام کشنده و بآنچه امر کرده در دشمنان فرمان برنده خداوندا فرو گیر او را بفرشتگان

النصر وبما ألقيت إليه من الأمر في ليلة القدر منتقما لك حتى

یاری و بآنچه فرستادی بسوی او از امر در شب قدر که بوده باشد انتقام کشنده از برای تو

تَرضیٰ وَ یَعُودُ دینُکَ بِهِ وَ عَلیٰ یَدَیهِ جَدیداً غَضّاً وَ یَمحَضُ الحَقَّ مَحضاً
تا خشنود شوی تو و برگردد دین تو بسبب او و بر دستهای او تازه و خالص نماید حق را خالص محض و بر طرف کند
وَ یَرفُضُ الباطِلَ رَفضاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ عَلیٰ جَمیعِ آبائِهِ
باطل را بر طرف کردنی بار خدایا رحمت فرست بر او و آل او و بر همه پدران او
وَاجعَلنا مِن صَحبِهِ وَ اُسرَتِهِ وَ ابعَثنا فی کَرَّتِهِ حَتّیٰ نَکُونَ فی
و بگردان ما را از یاران او و گروه او و برانگیز ما را در رجعت و تا آنکه بوده باشیم در
زَمانِهِ مِن اَعوانِهِ اَللّٰهُمَّ اَدرِک بِنا قِیامَهُ وَ اَشهِدنا اَیّامَهُ وَ صَلِّ
زمان او از یاوران او خداوندا برسان ما را بزمان پادشاهی او و حاضر گردان ما را در روزهای او
عَلَیهِ وَ اردُد اِلَینا سَلامَهُ وَ السَّلامُ عَلَیهِم وَ رَحمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ
بر او و برگردان بسوی ما سلام او را و درود و باد بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

اعمال ماه ذی الحجة الحرام

## باب پنجم در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک ذی الحجه است

و در آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضایل ماه ذی الحجه و ده
اول و اعمال آنست بدانکه ایام این ده همه در نهایت فضیلت است و حق
تعالی میفرماید وَ اذکُرُوا اللّٰهَ فی اَیّامٍ مَعدُوداتٍ یعنی یاد کنید خدا را در
روزی چند شمرده شده یعنی کم و یاد فرموده است و یَذکُرُوا اسمَ اللّٰهِ فی
اَیّامٍ مَعلُوماتٍ عَلیٰ ما رَزَقَهُم مِن بَهیمَةِ الاَنعامِ یعنی اعلام کنید مردم را
که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنید خدا را در روزهای
معلوم برای آنکه روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و شتر





نماز ده شب اول ماه ذی الحجه

کی سفید و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه علیهم السلام
منقولست که ایام معلومات ده روز اول ماه ذی الحجه است و ایام معدودات
روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه است و از حضرت
رسول منقولست که عمل خیر و عبادت هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر
نیست از ده روز اول ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای
صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادة میکردند بسند معتبر منقولست
از حضرت امام جعفر صادق ع که پدرم امام محمد باقر ع بمن گفت ای
فرزند گرامی البته در هر شب ده اول ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آور
در میان نماز شام و نماز خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و یکمرتبه
قل هو الله احد و این آیه را بخوان وَ واعَدنا مُوسیٰ ثَلاثینَ لَیلَةً وَ اَتمَمناها
بِعَشرٍ فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ اَربَعینَ لَیلَةً وَ قالَ مُوسیٰ لِاَخیهِ هارُونَ اخلُفنی
فی قَومی وَ اَصلِح وَ لا تَتَّبِع سَبیلَ المُفسِدینَ و چون چنین کنی با حاجیان
در ثواب حج شریک خواهی بود و هر چند بحج تو نیامده باشی و روز اول
ذی الحجه روز مبارکیست روایت وارد شده است که حضرت ابراهیم خلیل
در این روز متولد شده است و در این روز حق تعالی حضرت ابراهیم را خلیل
خود گردانید بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هر که روز
اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه
بنویسد و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر که روز اول ذیحجه را روزه

ثواب دو ماه تمام عمر او را بنویسد و شیخ طوسی گفته است
که روزه روز اول ذی الحجه تا روز نهم مستحب است و اگر نتواند روزه دو روز
روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه حضرت فاطمه و حضرت امیر
المؤمنین را تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم بدانکه روزه قضا ماه
رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند
و احادیث صحیحه بران دلالت دارد و بعضی از روایات که در منع وارد
شده است مستندش معلوم نیست و محمول اند بر تقیه چنانکه در کتب
مبسوطه دلایل آنرا ایراد کرده ام و باز شیخ گفته است که مستحب است
که در روز اول نماز حضرت فاطمه را بجا آورد و روایت شده است
که آن چهار رکعتست بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
و بعد از سلام تسبیح حضرت سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ
فاطمه را میخواند و تسبیح اینست پاکست خداوند صاحب عزت
سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ
پاکست خداوند بزرگوار بزرگ پاکست خداوند پادشاه فاخر دیرینه
سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي
پاکست آنکه می بیند آثار مورچه در صاف پاکست آنکه می بیند در هوا
الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ مؤلف گوید که بعد از این انشاء الله
هوا پاکست آنکه او چنین است و چنان نیست غیر او مذکور خواهد شد که نماز حضرت



فاطمه دو رکعتست و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه است
و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله و اگر هر دو را بعمل آورد و دو آن
دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام تسبیح
مشهور حضرت فاطمه بخواند و بعد از آن تسبیح را بخواند شاید بهتر باشد
و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول
نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از
حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند
بروایتی دیگر وارد شده که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید
حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي حق تعالی کفایت شر آن ظالم بکند
و شیخ و سید بن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق
در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب
آفتاب پیش از نماز شام اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى غَيْرِهَا
این دعا را میخوانده اند خداوندا این روزها روزهائی است که زیادتی داده بر
مِنَ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا
از روزها و بزرگ گردانیده آنها را و بتحقیق رسانیدی مرا بآنها و رحمت خود و فرو فرست بر
مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَائِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ
ما از برکتهای خود و فرو فرست بر ما در آنها از نعمتهای خود خداوندا من از تو سؤال میکنم که
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَأَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى

وارزقنا فيهما التقوى والعفاف والغنى والعمل فيهما بما تحب

و روزی کن ما را در آن پرهیزکاری و عفت و بی نیازی و کار کردن در آنها بآنچه

وترضى اللهم انی اسألك يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى

و بپسندی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو ای قرارگاه هر شکایت و ای شنونده هر رازی

ويا شاهد كل ملاء ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد وآل

و ای حاضر هر جمعیتی و ای دانای هر پنهانی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

محمد وان تكشف عنا فيهما البلاء وتستجيب لنا فيهما الدعاء

محمد و دیگر زایل کنی از ما در آنها بلا را و اجابت کنی از ما در آنها دعا را

وتقوينا فيهما وتعيننا وتوفقنا فيهما لما تحب ربنا وترضى وعلى

و قوت دهی ما را و توفیق دهی ما را در آنچه دوست داری پروردگارا و می‌پسندی

ما افترضت علينا من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك

آنچه واجب کرده بر ما از طاعت خود و طاعت پیغمبر خود و دوستان خود

اللهم انی اسألك يا ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وآل محمد

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو ای بخشنده ترین بخشندگان اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وان تهب لنا فيهما الرضا انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير

و اینکه ببخشی برای ما در آنها خوشنودی که تو شنونده دعایی و محروم مساز ما را از خیر

ما نزل فيهما من السماء وطهرنا فيهما من الذنوب يا علام الغيوب

آنچه فرستاده از آسمان و پاک کن ما را در آن از گناهان ای داننده پنهانها

واوجب



واوجب لنا دار الخلود اللهم صل على محمد وآل محمد ولا

و واجب کردان از برای ما سرای همیشگی را خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و وا

تترك لنا فيهما ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دينا الا

مگذار برای ما در آن گناهی را مگر آنکه بیامرزی آن را و غمی مگر آنکه گشایش دهی آن را و قرضی مگر آنکه

قضيته ولا غائبا الا اديته ولا حاجة من حوائج الدنيا و

اداکنی آن را و پنهانی مگر رسانی آن را و حاجتی از حوایج دنیا و

الآخرة الا سهلتها ويسرتها انك على كل شيء قدير اللهم

و آخرت مگر سهل کنی آن را و آسان کنی آن را بدرستی که تو بر هر چیز توانایی خداوندا

يا عالم الخفيات يا راحم العبرات يا مجيب الدعوات يا رب

ای دانای پنهانها ای بخشنده ترین سرشک دیدها ای پذیرنده دعاها ای پروردگار

الارضين والسموات يا من لا تتشابه عليه الاصوات صل

زمینها و آسمانها ای آنکه مشتبه نمیشود بر او آوازها رحمت فرست

على محمد وآل محمد واجعلنا فيهما من عتقائك وطلقائك من

بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در این روز از آزاد کردهای خود و آزاد کردگان

النار والفائزين بجنتك الناجين برحمتك يا ارحم الراحمين

آتش و فیروزی یافتگان بهشت تو رستگاران برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

وصلى الله على محمد وآله اجمعين وسلم تسليما

و رحمت فرستاد خدا بر محمد و آل او همگی و درود و فرستاد درود بسیار

از حضرت امام محمد باقر روایت کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل
برای حضرت عیسی پنج دعا را هدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را
در دهه اول ذی الحجه بخوان بدرستی که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب
تر نیست از عبادت اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
کردن در این دهه اول گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا یکتا است نیست شریکی مر او را
له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر دوم
مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش بدست اوست نیکی و او بر هر چیز تواناست سیم
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم
گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا یکتاست اوست نیست شریکی مر او را یکتاست پناه بیچارگان
یتخذ صاحبة ولا ولدا سیم اشهد ان لا اله الا الله وحده
و نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا یکتاست
لا شریک له احدا صمدا لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
نیست شریکی مر او را یکتاست بی نیاز نزاده و نه زاییده شده و نباشد مر او را مانندی هیچکس
چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا یکتاست و نیست شریکی مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
زنده میکند و میمیراند و او زنده است و نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیز تواناست
پنجم حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی

هر که این کلمه [illegible] مستجاب گردد
خدا آنچه خوانده [illegible] برای
که خواند [illegible]

اشهد



اشهد لله بما دعا وانه بریء مما برئ وان لله الاخرة والاولی
گواهی میدهم برای خدا آنچه خوانده و گواه او بیزار است از آنچه بیزاری جوید و بدرستی که مر خدا راست آنجهان
پس حواریان گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید
حضرت عیسی گفت که هر که دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچ یک
از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز قیامت
حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دوم را صد مرتبه بخواند
چنان باشد که دوازده مرتبه توریة وانجیل را خوانده باشد و ثواب
الها را باو بدهند حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب خواندن تورات
وانجیل چیست گفت طاقت برداشتن یک حرف تورات وانجیل نداشت
هر که در آسمانهای هفت گانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم
من و اسرافیل نیز اگر اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول ولا قوة
الا بالله و هر که دعای سیم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای
او باین دعا ده هزار حسنه و محو کند از او ده هزار گناه و بلند
کند در بهشت از برای او ده هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفت
هزار ملک که دستها برداشته باشند و صلوات فرستند بر کسی که این
کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت که ای جبرئیل یا ملائکه
صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد با پیغم
پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییر ندهد شریعت ایشان را حق تعالی

ثواب پیغمبران باو عطا کند و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند
این دعا را استقبال نماید ملکی و بالا میبرد بسوی حق تعالی پس خدا
نظر کند بسوی گوینده این دعا برحمت و هر کرا خدا نظر رحمت براو بکند
هرگز شقی و بدعاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب
دعای پنجم چیست جبرئیل گفت این دعا منست و حق تعالی مرا رخصت
نداده است که ثواب او را بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز یک از این دعاها ده مرتبه
بخواند دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را
صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید ابن طاوس از حضرت
امیر المؤمنین روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه
این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه
در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد ساله
راه باشد برفتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در
آن شهر قصری باشد از یک جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از
شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانه و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان
و نهالیها و متکاها و خدمتکارها و درختها و ظرفها و زیورها و حلتها بوده باشد
که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد چون از قبر بیرون آید از هر موی
بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک
و از پیش روی او و از جانب راست و چپ او راه روند تا او داخل بهشت



و چون داخل بهشت شوند او را مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند
تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از
زبرجد سبز و در آن شهر هر نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق کرده است
پس باو گویند که ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست
گوید نه شما کیستید گویند ما ملکیم که حاضر بودیم در هنگامی
که تو آن تهلیلها میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در آن هست از
نعمتهای الهی یک ثواب تو است بر خواندن آن تهلیلها و بشارت باد ترا
به بهتر از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام
که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد و نعمتها و رحمتهای خدا
هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیل این است که در هر روز از اول ماه تا آخر ده باید خواند
لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور لا اله الا الله عدد
نیست خدایی بجز خدا بشمار شبها و روزها نیست خدایی بجز خدا شماره
امواج البحور لا اله الا الله و رحمته خیر مما یجمعون لا اله
موجهای دریاها نیست خدایی بجز خدا و بخشش او بهتر است از آنچه جمع میکنند نیست
الا الله عدد الشوک و الشجر لا اله الا الله عدد الشعر و
بجز خدا شماره سنگ و کلوخ و درخت نیست خدایی بجز خدا شمار مو و
الوبر لا اله الا الله عدد الحجر و المدر لا اله الا الله عدد
پشم نیست خدایی بجز خدا که شماره ریشه سنگ و کلوخ نیست خدایی بجز خدا شماره

تهلیل اول دهه ذی الحجه

لا اله الا الله عدد القطر و المطر

والبصر

اعمال روز ترویه و عرفه

لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس و فی الصبح
گردیدن چشمها است خدایی که هست عدد از شب چون تاریک شود و در صبح
اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری و الصخور
چون بدمد نیست خدایی غیر از خدا بشمار بادها در صحراها و کوهها
لا اله الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور و از بعضی از دعاها
نیست خدایی غیر از خدا از این روز تا روزی که دمیده شود در صور مستفاد میشود
که یکمرتبه نیز اکتفا میتوان کرد و الله یعلم **فصل دوم** در اعمال روز
ترویه و عرفه است و روز ترویه روز هشتم ذی الحجه است و روز مبا
رکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی روایت کرده است که حضرت
رسول فرموده که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه
و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا از حضرت صادق
روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت سال گناهانست
و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول که در شب عرفه دعا
مستجابست و کسی که اشتغال بعبادت نماید او را اجر صد و هفتاد سال عبادت
دارد و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است و هر که در آن
شب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق منقولست که هر که در شب
یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد و البته
اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل شکوی و عالم کل خفیة و منتهی

بار خدایا ای دانای راز و درگاه هر شکایت و دانای هر سری از رازها

کل حاجة



کل حاجة یا مبتدئا بالنعم علی العباد یا کریم العفو یا حسن التجاوز
هر حاجت ای ابتدا کننده بنعمتها بر بندگان ای کریم عفو ای نیکو تجاوز
یا جواد یا من لا یواری منه لیل داج و لا بحر عجاج و لا سماء
ای بخشنده ای کسی که نمی پوشاند از او شب تار و نه دریای موج زننده و نه آسمان
ذات ابراج و لا ظلم ذات ارتتاج یا من الظلمة عنده ضیاء اسألک
خداوند برجها و نه تاریکیهای صاحب شکنج ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سؤال میکنم
بنور وجهک الکریم الذی تجلیت به للجبل فجعلته دکا و
بروشنایی ذات بزرگوار تو که تابان نمودی آنرا بر کوه پس گردانیدی او را هموار
خر موسی صعقا و باسمک الذی رفعت به السموات بلا عمد
و افتاد موسی بیهوش و بنام تو که بلند کردی بسبب آن آسمانها را بی ستون
و سطحت به الارض علی وجه ماء جمد و باسمک المکنون
و گستردی بسبب آن زمین را بر روی آب ایستاده و بحرمت نام تو که پوشیده و
المخزون المکتوب الطاهر الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت
پنهان داشته شده و نوشته شده پاکست آن نامی که هرگاه خوانده شوی باو اجابت میکنی و هرگاه سؤال
به اعطیت و باسمک السبوح القدوس البرهان الذی هو
بآن کرده شوی عطا مینمایی و بنام تو آن نامی که پاکست بغایت منزه است دلیل روشن است آنکه او
نور علی کل نور و نور من نور و نور یضیء منه کل نور اذا
نور است بر هر نوری و نوریست از هر نور و نوری که روشن شود از آن هر نوری چون

بلغ الارض انشقت واذا بلغ السموات فتحت واذا بلغ العرش

چون برسد زمین شکافته شود و چون برسد آسمان گشوده شود و چون برسد عرش

اهتز وباسمك الذي ترتعد منه فرائص ملائكتك واسألك

حرکت آرد و بنام تو آن نامی که لرزان شوند از آن رگهای گردن فرشتگان تو و سوال میکنم

بحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل وبحق محمد المصطفى صلى

بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد برگزیده رحمت و

الله عليه واله وعلى جميع الانبياء وجميع الملائكة وبالاسم

خدا بر او و آل او و بر همه پیغمبران و همه فرشتگان و بنامی که

الذي مشى به الخضر على قلل الماء كما مشى به على جدد

که حرکت نمود بدان خضر بر بالای آب چنانکه حرکت نموده بدان بر روی

الارض وباسمك الذي فلقت به البحر لموسى واغرقت

زمین و بنام تو که شکافته بدان دریا را برای موسی و غرق نمودی

فرعون وقومه وانجيت به موسى ومن معه وباسمك الذي

فرعون را و گروه او را و نجات دادی بسبب آن موسی و آنکه با او بودند و بنام تو که

دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الايمن فاستجبت

خواندترا بآن موسی پسر عمران از طرف راست کوه طور پس اجابت کردی

له والقيت عليه محبة منك وباسمك الذي احيى به عيسى

او را و افکندی بر او محبتی از جانب خود و بنام تو که زنده کرده بسبب آن عیسی





بن مريم الموتى وتكلم في المهد صبيا وابرئ الاكمه والا

پسر مریم مردگان را و سخن گفت در گهواره که کودک بود و عافیت بخشید کور و پیس را

باذنك وباسمك الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل

بدستوری تو و بنام تو که خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو و جبرئیل

واسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه واله وملائكتك

و اسرافیل و دوست تو محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او و فرشتگان

وميكائيل

محمد صلى الله عليه واله وملائكتك المقربون وانبيائك

مقرب و پیغمبران

المرسلون وعبادك الصالحون من اهل السموات والارض

مرسل تو و بندگان شایسته تو از اهل آسمانها و زمین

وباسمك الذي دعاك به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن

و بنام تو آن نامی که خواندند ترا بآن خداوند ماهی چون رفت خشمگین پس گمان

ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت

کرد که تنگ نگیریم بر او پس ندا کرد در تاریکیها اینکه نیست خدایی سزاوار پرستش مگر تو

سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من

منزهی تو بدرستی که من بودم از ستمکاران پس قبول کردی دعای او را و نجات دادی او را از

الغم وكذلك ننجي المؤمنين وباسمك العظيم الذي دعاك

اندوه و همچنین نجات دهیم گروندگان را و بنام بزرگ تو که خواندند ترا

بِهِ داوُدُ وخَرَّ لَكَ ساجِداً فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وباسْمِكَ الَّذي دَعَتْكَ

بدان داود و افتاد برای تو سجده کنان پس آمرزیدی از برای او گناهان او را و بنام تو که

بِهِ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ إذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لي عِنْدَكَ بَيْتاً في الجَنَّةِ و

بدان آسیه زن فرعون چون گفت پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و

نَجِّني مِنْ فِرْعَوْنَ وعَمَلِهِ ونَجِّني مِنَ القَوْمِ الظّالِمينَ فاسْتَجَبْتَ

نجات ده مرا از فرعون و کردار او و نجات ده مرا از گروه ستمکاران پس اجابت کردی

لَها دُعاءَها وباسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ أيُّوبُ إذْ حَلَّ بِهِ البَلاءُ

مر او را دعای او و بنام تو آن نامی که خواند ترا بدان ایوب چون فرود آمد باو بلا

فَعافَيْتَهُ وآتَيْتَهُ أهْلَهُ ومِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وذِكْرى

پس عافیت بخشیدی او را و دادی باو مانند ایشان با ایشان بخشایشی از نزد خود و پندی

لِلْعابِدينَ وباسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ

مر پرستندگان را و بنام تو که خواند ترا بدان یعقوب پس گردانیدی باو دیده او را

وقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ وجَمَعْتَ شَمْلَهُ وباسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ

و روشنی دیده او را یوسف و فراهم آوردی پراکندگی او را و بنام تو که خواند ترا بدان

سُلَيْمانُ فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكاً لا يَنْبَغي لِأحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إنَّكَ أنْتَ الوَهّابُ

سلیمان پس بخشیدی مر او را پادشاهی که نسزد از برای احدی پس از او بدرستی که توئی بخشنده

وباسْمِكَ الَّذي سَخَّرْتَ بِهِ البُراقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآلِهِ وسَلَّمَ

و بنام تو که رام کردی بدان براق را از برای محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او

اذ قال تعالى



إذْ قالَ تَعالى سُبْحانَ الَّذي أسْرى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ المَسْجِدِ الحَرامِ

چون گفت خدا منزه است آنکه ببرد بنده خود را از مسجد الحرام

إلى المَسْجِدِ الأقْصى وقَوْلُهُ سُبْحانَ الَّذي سَخَّرَ لَنا هذا وما كُنّا

تا مسجدی که دورتر است و قول خدا پاکست آنکه رام گردانید برای ما این را و نبودیم

لَهُ مُقْرِنينَ وإنّا إلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وباسْمِكَ الَّذي تَنَزَّلَ بِهِ

مر او را طاقت داران و بسوی پروردگار خود بازگردندگانیم و بنام تو آنکه فرود فرستادی بآن

جَبْرَئيلُ عَلى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآلِهِ وباسْمِكَ الَّذي دَعاكَ

جبرئیل بر محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او و بنام تو که خواند ترا

بِهِ آدَمُ فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وأسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ وأسْألُكَ بِحَقِّ القُرْآنِ

بدان آدم پس آمرزیدی گناهان و ساکن کردی او را در بهشت خود و سؤال میکنم از تو بحرمت قرآن

العَظيمِ وبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وبِحَقِّ إبْراهيمَ وبِحَقِّ فَصْلِكَ

بزرگ و بحرمت محمد آخر پیغمبران و بحرمت ابراهیم و بحرمت جدا کردن

يَوْمَ القَضاءِ وبِحَقِّ المَوازينِ إذا نُصِبَتْ والصُّحُفِ إذا نُشِرَتْ وبِحَقِّ

در روز حکم کردن و بحق ترازوهای عمل چون برپا شوند و نامهای عمل هرگاه گشوده شوند و بحرمت

القَلَمِ وما جَرى واللَّوْحِ وما أحْصى وبِحَقِّ الاسْمِ الَّذي كَتَبْتَهُ

قلم و آنچه روان شود و لوح و آنچه شمرده و بحق آن نامی که نوشته آنرا

عَلى سُرادِقِ العَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ الخَلْقَ والدُّنْيا والشَّمْسَ والقَمَرَ

بر سراپرده عرش پیش از آفرینش تو خلق و دنیا را و آفتاب و ماه را

يا غنيّ عامّ وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد
بی‌نیاز رسا و گواهی میدهم اینکه نیست معبودی بجز خدا که یگانه است شریکی ندارد و گواهی
أنّ محمداً عبده ورسوله وأسألك باسمك المخزون في خزائنك الذي
میدهم که محمد بنده او است و پیغمبر او است و سؤال میکنم از تو بنام تو که مخزون است در خزانهای تو که مخصوص داری
به في علم الغيب عندك لم يظهر عليه أحد من خلقك لا ملك مقرّب
او را در علم نهانی که نزد تست آنکه گردیده بآن هیچکس از خلق خود و نه ملک مقربی
ولا نبيّ مرسل ولا عبد مصطفى وأسألك الذي شققت به البحار
و نه پیغمبر مرسلی و نه بنده برگزیده و سؤال میکنم از تو که شکافتی به آن دریاها را
وقامت به الجبال واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني
و بر پا است باو کوهها و آمد شد کرد بسبب او شب و روز و بحرمت هفت مثانی
وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق توراة
و بحرمت بزرگواران نویسندگان و بحرمت طه و یس و کهیعص و حمعسق و بحرمت توریة
موسى وإنجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه وآله
موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد رحمت خدا بر او و آل او
وعلى جميع الرسل وباهيا شراهيا اللهم إني أسألك بحق تلك
و بر همه فرستادگان و بحرمت دو ملک خدا و ندا میکنی که سؤال میکنم از تو بحرمت آن
المناجاة التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق جبل طور
بزرگواری که بود میانه تو و میانه موسی بن عمران بالای کوه طور

والقرآن العظيم
و قرآن بزرگ





سيناء وأسألك باسمك الذي علّمته ملك الموت لقبض
سینا و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو که آن نامی که آموختی آن را ملک الموت بجهت گرفتن
وأسألك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون فخضعت
و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو که نوشته شده بر برگ درخت زیتون پس فروتنی نمود
النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني برداً وسلاماً وأسألك
آتشها برای آن برگ پس گفتی ای آتش باش سرد و سلامت و سؤال میکنم
باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه
بحرمت نامی که نوشته بر سراپرده‌های بزرگواری و کرامت ای آنکه نمیکند او را
سائل ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث وإليه يلجأ أسألك بمعاقد
سؤال سؤال کننده و کم نمیسازد او را عطای عطا دهنده ای آنکه باو استغاثه کرده میشود و بسوی او پناه آورده میشود سؤال میکنم
العزّ من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الأعظم
عزّت از عرش تو و نهایت رحمت که ظاهر است از کتاب تو و بحرمت نام بزرگ تو
وجدّك الأعلى وكلماتك التامّات العلى كلّها اللهم ربّ الرياح
و بزرگوار و برتر و کلمات تو که تمام است و بلند همه آن خداوندا پروردگار بادها
وما ذرت والسماء وما أظلّت والأرض وما أقلّت والشياطين
و آنچه روان کردیدند و آسمان و آنچه سایه افکنده و زمین و آنچه برداشته و شیاطین
وما أضلّت والبحار وما جرت وبحق كلّ حقّ هو عليك حقّ وبحق
و آنچه گمراه نمودند آن را و دریاها و آنچه روان کردیدند و بحرمت هر حقی که او بر تو ثابت و بحق

المَلائكةِ المُقرَّبينَ والرُّوحانيّينَ والكرُوبيّينَ والمُسبِّحينَ
و فرشتگان مقرب و روحانیان و کروبین و تسبیح کنندگان
لكَ بِاللَّيلِ والنَّهارِ لا يَفتُرونَ وبِحقِّ إبراهيمَ خليلِكَ وبحقِّ
در شب و روز که سست نمیشوند و بحرمت ابراهیم دوست تو و بحرمت
كُلِّ وليٍّ يُناديكَ بَينَ الصَّفا والمَروَةِ وتَستَجيبُ لَهُ دُعاءَهُ
هر دوستی که میخواند ترا میان صفا و مروه و میپذیری برای او دعای او را
يا مُجيبُ أسألُكَ بِحقِّ هذهِ الأسماءِ وبِهذهِ الدَّعَواتِ أنْ تَغفِرَ لَنا
ای قبول کننده سوال میکنم از تو بحق این نامها و بحق این دعاها اینکه بیامرزی بجهة ما
ما قَدَّمنا وما أخَّرنا وما أسرَرنا وما أعلَنّا وما أبدَينا وما أ[خفينا]
آنچه پیش داشتیم و آنچه باز پس گذاشتیم و آنچه پنهان داشتیم و آنچه آشکار ساختیم و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه
وما أنتَ أعلَمُ بهِ مِنّا إنَّكَ على كُلِّ شيءٍ قَديرٌ بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الر[احمين]
و آنچه داناتری به آن از ما هستی که تو بر هر چیز توانایی ببخشایش ای بخشنده ترین بخشندگان
يا حافِظَ كُلِّ غَريبٍ يا مُؤنِسَ كُلِّ وَحيدٍ يا قُوَّةَ كُلِّ ضَعيفٍ يا ناصِرَ
ای نگاهدارنده هر مسکین ای انیس دهنده هر تنهایی ای قوت هر ناتوانی ای یاری دهنده
كُلِّ مَظلومٍ يا رازِقَ كُلِّ مَحرومٍ يا مُؤنِسَ كُلِّ مُستَوحِشٍ يا صاحِبَ كُلِّ
هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر نا امیدی ای انیس هر ترسیده ای یار هر
مُسافِرٍ يا عِمادَ كُلِّ حاضِرٍ يا غافِرَ كُلِّ ذَنبٍ وخَطيئةٍ يا غِياثَ المُستَغيثينَ
سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضری ای آمرزنده هر گناهی و خطایی ای فریادرس دادخواهان

یا صریخ



يا صَريخَ المُستَصرِخينَ يا كاشِفَ كَربِ المَكروبينَ يا فارِجَ هَمِّ المَهمومينَ
ای زایل کننده اندوه اندوهگینان ای زایل کننده هم مهمومین ای گشاینده غم غمناکان
يا بَديعَ السَّماواتِ والأرَضينَ يا مُنتَهى غايَةِ الطّالِبينَ يا مُجيبَ
ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای منتهای نهایت درخواهندگان ای پذیرنده
دَعوَةِ المُضطَرّينَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ يا رَبَّ العالَمينَ يا دَيّانَ يَومِ الدِّينِ
دعای درماندگان ای بخشنده ترین بخشندگان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا
يا أجوَدَ الأجوَدينَ يا أكرَمَ الأكرَمينَ يا أسمَعَ السّامِعينَ يا أبصَرَ
ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوارترین بزرگواران ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین
النّاظِرينَ يا أقدَرَ القادِرينَ اغفِر لِي الذُّنوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ
بینایان ای تواناترین توانایان بیامرز برای من گناهان آنچنانی که تغییر میدهد
واغفِر لِي الذُّنوبَ الَّتي تُورِثُ النَّدَمَ واغفِر لِي الذُّنوبَ
و بیامرز برای من گناهانی را که در عقب دارد پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی
الَّتي تُورِثُ السَّقَمَ واغفِر لِي الذُّنوبَ الَّتي تَهتِكُ العِصَمَ واغفِر
که در عقب دارد بیماری را و بیامرز برای من گناهانی که میدرند پردهای عصمت را و بیامرز برای
الذُّنوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ واغفِر لِي الذُّنوبَ الَّتي تَحبِسُ قَطرَ
گناهانی که بر میگرداند دعا را و بیامرز برای من گناهانی را که حبس میکند بارانهای
السَّماءِ واغفِر لِي الذُّنوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الفَناءَ واغفِر لِي الذُّنوبَ
آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که شتاب آورد مردن را و بیامرز برای من گناهانی

التي تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي

که برانگیزد بدبختی را و بیامرز برای من گناهانی که تاریک کند هوا را و بیامرز برای من

الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا تغفر

گناهانی که پرده را میکند پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که نمی آمرزد آنها را

غيرك يا الله واحمل عني كل تبعة لاحد من خلقك واجعل لي

غیر تو ای خدا و بردار از من هر وبالی را که باشد برای یکی از خلق تو و بگردان از برای من

من امري فرجا ومخرجا ويسرا وانزل يقينك في صدري ورجاءك

از امر خود گشایشی و بیرون شدنی و آسانی و فرو فرست یقین خود را در سینه من و امید خود را

في قلبي حتى لا ارجو غيرك اللهم احفظني وعافني في مقامي واصحبني

در دل من تا آنکه امید ندارم غیر ترا خداوندا نگهدار مرا و عافیت بخش در جایگاه من و همراه باش

في ليلي ونهاري ومن بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي

در شب من و روز من و از پیش من و از پس سر من و از راست من و از چپ من

ومن فوقي ومن تحتي ويسر لي السبيل واحسن لي التيسير ولا تخذلني

و از بالای من و از زیر من و آسان کن برای من راه را و نیکو کن برای من آسانی و فرو مگذار

في العسير واهدني يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور ولقني

در دشواری و راه نمائی کن مرا ای بهترین راهنمای و وامگذار مرا بسوی نفس من در کارها و پیش آور

كل سرور واقلبني الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل

بمن هر شادی و باز گردان مرا بسوی اهل خود برستگاری و فیروزی شاد کرده شده در دنیا



والآجل انك على كل شيء قدير وارزقني من فضلك واوسع علي

و آخرت بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و روزی کن مرا از بخشش خود و گشاده کن بر من

من طيبات رزقك واستعملني في طاعتك واجرني من عذابك

از روزیهای پاکیزه خود و بکار دار مرا در فرمان برداری تو و پناه ده مرا از عذاب خود

ونارك واقلبني اذا توفيتني برحمتك اللهم اني اعوذ بك من

و آتش خود و بگردان مرا چون بمیرانی مرا بسوی بهشت خود برحمت خود خداوندا پناه میبرم بتو از

زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن نزول

زایل شدن نعمت خود و از گردیدن عافیت تو و از فرود آمدن عقوبت تو و از فرود آمدن

عذابك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن سوء

عذاب تو و پناه میبرم بتو از مشقت بلا و دریافتن بدبختی و از بدی

القضاء وشماتة الاعداء ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر

حکم کردن و شادی کردن دشمنان و از شر آنچه فرود آید از آسمان و از شر

ما في الكتاب المنزل اللهم لا تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب

آنچه در کتاب فرو فرستاده شده مگردان مرا از بدان و نه از یاران

النار ولا تحرمني صحبة الاخيار واحيني حيوة طيبة وتوفني

آتش و نا امید مگردان مرا از صحبت نیکوکاران و زنده دار مرا زندگانی پاکیزه و بمیران مرا

وفاة طيبة تلحقني بالابرار وارزقني مرافقة الانبياء في مقعد

مردن پاکیزه که برساند مرا بنیکوکاران و روزی کن مرا رفاقت پیغمبران در

صدق عند ملیك مقتدر اللهم لك الحمد علی حسن بلائك
پسندیده نزد پادشاه صاحب اقتدار خداوندا مر تراست سپاس بر نیکوئی انعام تو
وصنعك ولك الحمد علی الاسلام والسنة یا رب کما هدیتهم
و معروف تو و مر تراست سپاس بر اسلام دین اسلام و طریقه حق ای پروردگار چنانچه راه نمودی ایشان را
لدینك وعلمتهم کتابك فاهدنا وعلمنا ولك الحمد علی
بر دین خود و آموختی ایشان را کتاب خود پس راه نما ما را و بیاموز ما را و مر تراست سپاس بر
حسن بلائك وصنعك خاصة کما خلقتنی فاحسنت خلقی
نیکوئی عطای تو و معروف تو بخصوص چنانچه آفریدی مرا پس نیکو نمودی آفرینش مرا
وعلمتنی فاحسنت تعلیمی وهدیتنی فاحسنت هدایتی فلك
و آموختی مرا پس نیکو آموختی مرا و راه نمودی که پس نیکو نمودی راه نمائی مرا پس مر ترا
الحمد علی انعامك علی قدیما وحدیثا فکم من کرب یا سیدی قد فرجته
سپاس بر انعام تو بر من پوشیده و بر دیده بسیار از اندوه ای آقای من که گشودی آن را
وکم من غم یا سیدی قد نفسته وکم من هم یا سیدی قد کشفته
و بسا از غم ای آقای من که زایل کردی آن را و بسا از هم ای آقای من که برطرف کردی
وکم من بلاء یا سیدی قد صرفته وکم من عیب یا سیدی قد سترته
و بسا از بلا ای آقای من که گردانیدی آن را و بسا از عیب ای آقای من که پوشیدی
فلك الحمد علی کل حال فی کل مثوی وزمان ومنقلب ومقام وعلی
پس مر تراست سپاس بر هر حال و در هر جایگاهی و زمانی و بازگشتی و مکانی و بر





هذه الحال وکل حال اللهم اجعلنی من افضل عبادك نصیبا
این حال و بر هر حال خداوندا بگردان مرا از فزون ترین بندگان خود بهره
فی هذا الیوم من کل خیر تقسمه او ضر تکشفه او سوء تصرفه
در این روز از نیکی که قسمت کنی آن را یا بدی که برطرف کنی آن را یا گزندی که بگردانی
او بلاء تدفعه او خیر تسوقه او رحمة تنشرها او عافیة تلبسها
یا بلائی که زایل کنی آن را یا خیری که برانی آن را یا رحمتی که پهن کنی آن را یا عافیتی که بپوشانی
فانك علی کل شیء قدیر وبیدك خزائن السموات والارض وانت
در رستی که تو بر هر چیز توانائی و بدست قدرت تست خزینهای آسمان و زمین و تو
الواحد الکریم المعطی الذی لا یرد سائله ولا یخیب امله
یگانه بزرگوار بخشنده که برگردانیده نشود سوال کننده و نا امید گردانیده نشود امیدوار
ولا ینقص نائله ولا ینفد ما عنده بل یزداد کثرة وطیبا وعطاء
و کم کرده نشود عطای او و آخر نشود آنچه نزد اوست بلکه افزون کند بسیاری و نیکوئی و بسیاری
وجودا وارزقنی من خزائنك التی لا تفنی ومن رحمتك الواسعة
و بخشش و روزی کن مرا از خزینهای خود که فانی نگردد و از رحمت فراگیرنده خود
ان عطاءك لم یکن محظورا وانت علی کل شیء قدیر برحمتك
در رستی که عطای تو ممنوع نشده و تو بر هر چیز توانائی برحمت خود
یا ارحم الراحمین واحادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام
ای بخشنده ترین بخشندگان حسین ع در شب و روز عرفه وارد شده است و زیادت

نزدیک او در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و زیارت دوم ان شاء الله
بعد از این مذکور خواهد شد و بیشتر نیز زیارت انحضرت مذکور
شد و اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسی که توفیق یابد که در
عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار وارد و بهترین اعمال در این روز
دعاست حتی مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت
و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد
و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه
**حدیث صحیح منقول است** که ابراهیم بن هاشم که من عبد الله بن جندب را دیدم در
موقف عرفات و حال هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود
بسوی اسمان بلند کرده بود و اب از دیدهاش جاری بود تا بزمین میرسید
مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا
سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی ع
شنیدم که هر که دعا کند از برای برادر مؤمن خود در غیبت او از عرش
ندا باو رسد که از برای تو صد هزار برابر باد پس من نخواستم که دست
بردارم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست برای یک دعای
خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه
در تحت قبه مقدس **حضرت امام حسین علیه السلام** ثوابش کمتر از کسی که در عرفه باشد نیست بلکه
زیاده است چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که هر که در روز عرفه بزیارت

اعمال و ادعیه روز عرفه





انحضرت حق او را بشناسد و او را امام واجب الاطاعة داند بنویسد
**حق تعالی** از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره مقبول و هزار جهاد
که با پیغمبر مرسل کرده باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب
وقوف عرفات حضرت از روی غضب باو نظر کرد و فرمود که ای بشیر
که بنده مؤمن چون در روز عرفه بنزد قبر انحضرت حاضر شود و در
فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر گامی که برمیدارد ثواب یک حج و عمره
برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه **حق تعالی** اول
نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین ع میکند و گناهان ایشان را می
امرزد و حاجات ایشان را بر می اورد و بعد از ان متوجه اهل عرفات میگردد
زیرا که در میان زوار ان حضرت حرام زاده و فرزند زنا نیست و در میان
اهل عرفه هست و کسی که توفیق هیچیک از اینها را نیافته باشد باید که
در سایر بلاد غسل بکند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت انحضرت
بکند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول
دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب اهل عرفه شریک
باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقولست و احادیث در باب روزه عرفه
مختلفاست و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اول
در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند سنت است و الا مکروه
یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه

برابر است با روزه یکسال و اگر اشتباه در ماه باشد یا با دو نیز از دعا ضعف
شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق ع منقول است که هر که
در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در
زیر آسمان اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای
خود فایز گردد بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده
گردد و شیخ مفید این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است
که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و به
حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود
اول صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله
و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه
بخواند و بروایت دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه
لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل
محمد پس مشغول دعا شود که بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است
آنرا با خشوع و خضوع و تأنی و رقت بخواند که مشتمل بر جمیع مطالب
دنیا و آخرت است و شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت
رسول بحضرت امیر المؤمنین ع گفت که میخواهم ترا تعلیم نمایم دعای روز
عرفه را و آن دعای پیغمبران است لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
پیش از من است میگوید نیست خداوندی بجز خدا یگانه است نیست شریکی مر او را مر او راست پادشاهی

اگر تواند
واقعه که کند در
عرفه باید
خواند



وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو
و مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند و او زنده است نمیمیرد در قبضه قدرت اوست نیکی و او
على كل شيء قدير اللهم لك الحمد كالذي تقول وخيراً
بر هر چیزی توانا است خداوندا مر تراست سپاس مانند آنچه خود میستایی و بهتر از
مما نقول وفوق ما نقول وفوق ما يقول القائلون اللهم لك
آنچه ما میستاییم و بالای آنچه میستاییم و بالای آنچه میستایند گویندگان خداوندا مر تراست
صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي ولك براءتي وبك حولي
نماز من و عبادات من و زندگی من و مردن من و مر تراست بیزاری من و بتست حرکت
ومنك قوتي اللهم اني اعوذ بك من الفقر ومن وساوس
و از تست توانایی من خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از احتیاج و از اندیشه‌های باطل
الصدر ومن شتات الامر وعذاب القبر اللهم اني اسألك
سینه و از پراکندگی کار و عذاب قبر خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم
خير الرياح واعوذ بك من شر ما تجيء به الرياح واسألك
بهترین بادها و پناه میبرم بتو از بدی آنچه جاری میشود بان بادها و سؤال میکنم
خير الليل وخير النهار اللهم اجعل في قلبي نوراً وفي سمعي
نیکی شب و نیکی روز خداوندا بگردان در دل من روشنایی و در گوش من
نوراً وفي بصري نوراً وفي لحمي نوراً وفي دمي نوراً وفي عظامي
روشنایی و در چشم من روشنایی و در گوشت من روشنایی و در خون من و در استخوانهای من

وعروقي ومقامي ومقعدي ومدخلي ومخرجي نورا واعظم

و رگهای من و ایستادگاه من و نشستگاه و دو اخل شدن من و بیرون آمدن من و بزرگ گردان

لي النور يا رب يوم القاك انك على كل شيء قدير و از حضرت

از برای من روشنایی ای پروردگار من روزی که ملاقات کنم ترا بدرستی که تو بر همه چیز قادری امام محمد باقر

منقولست که این دعا را در اللهم كما سترت علي ما لم اعلم فاغفر

روز عرفه بخوانند و بگویند خداوندا چنانچه پوشانیدی بر من آنچه را که ندانستم پس بیامرز

لي ما تعلم وكما بدأتني بالاحسان فاتمم نعمتك بالغفران وكما اكرمتني

برای من آنچه را که میدانی و چنانچه ابتدا کردی مرا بنیکویی کردن پس تمام کن نعمت خود را بآمرزش و چنانچه گرامی داشتی

بمعرفتك فاشفعها بمغفرتك وكما عرفتني وحدانيتك فاكرمني

بشناخت خود پس جفت کن آنرا بآمرزش خود و چنانچه شناسانیدی مرا یگانگی خود پس گرامی دار

بطاعتك وكما عصمتني مما لم اكن اعتصم منه الا بعصمتك

بفرمان برداری خود و چنانچه نگاه داشتی مرا از آنچه نبوده ام که باز دارم خود را از آن مگر بنگاه داری تو

فاغفر لي ما لو شئت عصمتني منه يا جواد يا كريم يا ذا الجلال

پس بیامرز برای من آنچه اگر خواستی نگاه داشتی مرا از آن ای بخشنده ای بزرگوار ای صاحب بزرگی

والاكرام واز حضرت امام موسى اللهم اني عبدك وابن

و گرامی داشتن این دعا منقولست خداوندا بدرستی که من بنده توام و پسر

عبدك ان تعذبني فبامور قد سلفت مني وانا بين يديك

بنده توام و اگر عذاب کنی مرا پس بسبب کارهایی است که پیش صادر شده از من و من پیش توام تمام

فاشفعها بمغفرتك ... پس جفت کن آنرا بآمرزش خود



بر مني وان تعف عني فاهل العفو انت يا اهل العفو يا احق من

بتمام اعضای خود و اگر درگذری از من پس سزاوار درگذشتن تویی ای سزاوار درگذشتن وای سزاوارتر

عفى اغفر لي ولاخواني واز جمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای

که در گذشته بیامرز مرا و برادران مرا حضرت سید الشهدا امام حسین است

بشر و بشير پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه

در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند

با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و

وخشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه

گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد

و این دعا را خواند بسم الله الرحمن الرحيم الحمد

ند و دعا اینست بنام خداوند بخشاینده مهربان ستایش

لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا كصنعه صنع

مر خدا را که نیست مر حکم او را دفع نماینده و بخشش او را منع کننده و نه کار او را صنعت کردن

صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع واتقن بحكمته الصنائع

صنعت کننده و اوست بخشنده فراخ کرم آفریده انواع نو پدید آمدگان را و محکم نموده بدانش

ولا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده الودائع جازي كل صانع

و پنهان نیست بر او و تلف نگردد نزد او امانتها جزا دهنده هر کار کننده

ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل المنافع والكتاب الجامع

دعای حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

کسی عطا کننده هر قانع شونده و رحم نماینده هر زاری کننده و فرو فرستنده سودها و کتابی فراهم آورنده

بالنور الساطع وهو الدعوات سامع وللمطيعين نافع وللدرجات رافع

بروشنایی مرتفع و او مر دعاها را شنونده است و مر فرمانبرداران را نافع و مر درجهای فرمانبرداران را

وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع ودافع ضر عن

و مر غمها را بلند سازنده و دفع کننده و مر جباران را زایل کننده و رحم کننده اشک هر گریه کننده و دفع کننده ضرر

كل ضارع فلا إله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو السميع

هر تضرع کننده پس نیست معبودی غیر او و نه چیزی که برابری کند او را و نیست مثل او چیزی و او شنوا

البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم إني أرغب إليك

و بینا مهربان آگاه است و او بر هر چیزی تواناست خداوندا بدرستی که من خواهش دارم

وأشهد بالربوبية لك مقرا بأنك ربي وأن إليك مردي ابتدأتني

و گواهی میدهم بپروردگاری برای تو اقرار کننده باینکه تو پروردگار منی و بسوی تست بازگشت من ابتدا کردی

بنعمتك قبل أن أكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم أسكنتني

بنعمت خود پیش از آنکه بوده باشم چیزی یاد کرده شده و آفریدی مرا از خاک پس قرار دادی مرا

الأصلاب آمنا لريب المنون واختلاف الدهور فلم أزل ظاعنا من صلب

پشتهای پدران ایمن از ریب منون یعنی حوادث زمانه و ناموافقی روزگار پس همیشه بودم منتقل از پشت پدری

إلى رحم في تقادم الأيام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني لرأفتك

بسوی رحم مادری در دیرینگی روزگار گذشته و زمانهای رفته بیرون نیاوردی مرا بجهت مهربانی

بي ولطفك لي وإحسانك إلي في دولة أيام الكفرة الذين نقضوا

بمن و لطف تو بمن و احسان تو بسوی من در دولت روزگار گروه کافران که شکستند

عهدك



عهدك وكذبوا رسلك لكنك أخرجتني رأفة منك وتحننا علي

پیمان ترا و دروغ داشتند پیغمبران ترا لیکن تو بیرون آوردی مرا از جهت مهربانی خود و شفقت بر من

للذي سبق لي من الهدى الذي له يسرتني وفيه أنشأتني ومن قبل

برای آن چیزی که سبقت گرفت برای من از راه نمایی که مهیا کردی برای من و در آن مرا پیدا کردی و از پیش

ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمتك وابتدعت خلقي

از آن مهربانی کردی بمن ببخشش نیکوی خود و نعمتهای کامل خود و پیدا کردی مرا

من مني يمنى ثم أسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم وجلد ودم

از آب منی باز قرار دادی مرا در تاریکیهای ثلث میان گوشت و پوست و خون

لم تشهرني بخلقي ولم تجعل إلي شيئا من أمري ثم أخرجتني إلى

نکردی مشهور مرا بخلقت من و نگذاشتی بسوی من چیزی از کار من باز بیرون آوردی مرا بسوی

الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء

دنیا تمام و مساوی و نگاه داشتی مرا در گهواره حالتیکه طفل کوچکی بودم و روزی کردی مرا از

لبنا مريا وعطفت علي قلوب الحواضن وكفلتني الأمهات

شیر بیمزه گوارا و میل دادی بمن دلهای پرستاران و کفیل کردی مرا مادرهای

الرواحم وكلأتني من طوارق الجان وسلمتني من الزيادة والنقصان

مهربان و نگاه داشتی مرا از واردهای جن و سالم داشتی مرا از زیاده و نقصان

فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى إذا استهللت ناطقا بالكلام أتممت

پس بلند مرتبتی ای بخشاینده ای مهربان تا آنگاه که ابتدا کردم بسخن گفتن بکلام تمام کردی

على سوابغ الانعام فربيتني زائدا في كل عام حتى اذا اكملت فطرتي

بر من نعمت دادن را پس تربیت فرمودی زاده شونده در هر سال تا چون تمام فرمودی خلقت مرا

واعتدلت سريرتي اوجبت علي حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني

و راست فرمودی درستی مرا واجب فرمودی بر من حجت خود را باینکه الهام فرمودی مرا شناختن خود و ترسانیدی مرا

بعجائب فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك من بدائع

بعجایب خلق فرمودن خود و گویا فرمودی مرا برای آنچه خلق فرموده در آسمانهای خود و زمین خود از کارهای

خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك

خلق فرمودنت و آگاه فرمودی مرا بآنچه یاد کردنت و شکر خودت و وجوب طاعت خودت و عبادت خودت

وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت

و فهمانیدی مرا آنچه داده بودند بآن پیغمبران تو و میسر فرمودی برای من قبول کردن خوشنودی خودت را و منت گذاشتی

علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ خلقتني من خير الثرى لم

بر من در همه اینها بیاری خود و شفقت خود بعد خلق فرمودی مرا از خالص خاک نپسندیدی

ترض لي يا الهي نعمة دون اخرى ورزقتني من انواع المعاش وصنوف

راضی نشدی برای من ای معبود من نعمتی دون نعمت دیگر و روزی کردی مرا از اقسام معاش و انواع

الرياش بمنك العظيم علي واحسانك القديم الي حتى اذا اتممت

جامه‌های نیک بسبب منت خودت که بزرگست بر من و احسان خودت که دیرینه است بمن تا چون تمام کردی

علي جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك

بر من همه نعمتها را و گردانیدی از من همه عذابها را منع نکرد ترا نادانستن من و جرات من بر تو

ان دللتنی



ان دللتني على ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني لديك

اینکه راه نمایی فرمودی مرا بآنچه نزدیک کند مرا بتو و توفیق دادی مرا بآنچه نزدیک کند مرا نزد تو

فان دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك

اگر بخوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر سوال کنم از تو بخشش میکنی مرا و اگر فرمان برم ترا

شكرتني وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالا لانعمك علي

مزد میدهی مرا و اگر شکر کنم ترا زیاده میکنی مرا همه اینها تمام کردنست مر نعمتهای ترا بر من

واحسانك الي فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد مجيد

و احسان خود را بمن پس منزهی تو و پاکی تو که ابتدا کننده و برگرداننده ستایش کرده بزرگ

تقدست اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي احصي عددا

پاکست نامهای تو و بزرگست نعمتهای تو پس کدام نعمت ترا ای معبود من شماره کنم

وذكرا ام اي عطاياك اقوم بها شكرا وهي يا رب اكثر من

و یاد کنم یا کدام یک بخششهای تو را بپا دارم بآن شکر را و آنها ای پروردگار بیشترست از

ان يحصيها العادون او يبلغ علما بها الحافظون ثم ما درأت

اگر شماره کنند آنها را شمارندگان یا برسند بآن دانش حفظ کنندگان باز آنچه دور کردی

صرفت عني اللهم من الضر والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية

گردانیدی از من خدایا از بدی و ناخوشی بیشترست از آنچه ظاهر شد از برای من از عافیت

والسراء وانا اشهدك يا الهي بحقيقة ايماني وعقد عزمات يقيني

و خوشی و من شاهد میگیرم ترا ای معبود من بحقیقت ایمان من و بستن عزمهای یقین من

وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون ضميري وعلائق مجاري نور بصري
و خالص صریح توحید من و پنهان پوشیده خاطر من و علاقهای محل جریان نور بینش من
وأسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي وخذاريف مارن عرنيني
و چینهای صفحهٔ پیشانی من و پردهای ظاهر جانم و پرچینهای شدهای بر بینی من
ومسارب صماخ سمعي وما ضمت وأطبقت عليه شفتاي وحركات
و ظرف سوراخ گوشم و آنچه ضم کرده شده و بر یکدیگر گذاشته شده بر دو لبهای من و حرکتهای
لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي ومنابت أضراسي وبلوغ حبائل
لفظ زبانم و مفصل تحت دهانم و جانه‌ام و محل رویدن دندانم و رسیدن رگهای
بارع عنقي ومساغ مأكلي ومشربي وحمالة أم رأسي وجمل حمائل
گردنم و محل سهولت اکلم و شربم و آنچه متعلق است اصل سرم و تمام علاقهای
حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري ونياط حجاب قلبي و
رگ دلم و آنچه مشتمل است بر آن و جای سینه من و رگهای پرده دل من و
أفلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف أضلاعي وحقاق مفاصلي
قطعهای اطراف جگر من و آنچه احاطه کرده است کنارهای دل و دندهای من و حقهای بندهای
وأطراف أناملي وقبض عواملي ودمي وشعري وبشري وعصبي وقصبي
و طرفهای انگشتان من و خون من و گوشت من و موهای من و بشره من و پی من و
وعظامي ومخي وعروقي وجميع جوارحي وما انتسج على ذلك أيام رضاعي
و استخوانهای من و مغز من و عروق من و تمام اعضای من و آنچه منسوج شده بر آن در ایام شیر خوردن



وما أقلت الأرض مني ونومي ويقظتي وسكوني وحركات
و آنچه کم کرده است زمین از من و خواب من و بیداری من و سکون من و حرکت من و
ركوعي وسجودي أن لو حاولت واجتهدت مدى الأعصار والأحقاب
رکوع من و سجود من اینکه اگر طلب کنم و سعی کنم در مدت عصرها و دهرها
لو عمرتها أن أؤدي شكر واحدة من أنعمك ما استطعت ذلك إلا
اگر عمر داده شوم در آنها اینکه ادا کنم شکر یکی از نعمتهای ترا نتوانم آن را مگر
بمنك الموجب علي به شكرك أبدا جديدا وثناء طارفا عتيدا أجل
بمنت تو که واجب گشته بر من شکر تو همیشه تازه و ثنای تازه مهیا شده بلی
ولو حرصت أنا والعادون من أنامك أن نحصي مدى إنعامك
و اگر حریص شوم من و شمارندگان از خلق تو اینکه احاطه کنیم نهایت نعمت دادن تو
سالفه وآنفه لما حصرناه عددا ولا أحصيناه أمدا هيهات
از پیش و حال نتوانیم هر آینه حصر کرد شماره آن را و نتوانیم شمردن آن را هرگز دور است
أنى ذلك وأنت المخبر عن نفسك في كتابك الناطق والنبأ
و کجاست آن و تویی خبر دهنده از نفس خود در کتاب خود گویا و خبری
الصادق وإن تعدوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك
که راست است و اگر بشمارید نعمت خدا را نتوانید شمرد راست است کتاب تو
اللهم وإنباؤك وبلغت أنبياؤك ورسلك ما أنزلت عليهم
خداوندا و خبر تو و رسانیدند پیغمبران تو و رسولان تو آنچه فرستادی بر ایشان

من وحيك وشرعت لهم من دينك غير اني يا الهي اشهد بجهدي
از نزد خود و قرار دادی برای ایشان راه از دین خود غیر اینکه ای خدای من شهادت میدهم من بسعی
وجدي ومبلغ طاقتي ووسعي واقول مؤمنا موقنا الحمد لله
و کوشش خود و محل رسیدن طاقت خود و وسع خود و میگویم گرونده یقین دارنده سپاس خدای را
الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن له شريك في الملك فيضاده
که فرا نگرفته فرزندی تا اینکه میراث برده شود و نباشد مر او را انبازی در پادشاهی
فيما ابتدع ولا ولي من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه
در آنچه پیدا کرده است و نه دوستی از خواری پس کمک کند او را در آنچه ساخته است پاک است و پاک است او
سبحانه لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا وتفطرتا فسبحان
پاک است او اگر بود در آسمان و زمین خدایان غیر از خدا هر آینه فاسد میشدند و از هم پاشیده میشدند پس پاک است
الله الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
خدای واحد یگانه بی نیاز آنکه نزاید و زائیده نشود و نباشد مر او را شریک
احد الحمد لله حمدا يعدل حمد ملائكته المقربين وانبيائه
احدی سپاس مر خدا راست که حمد ملائکه مقربین و پیغمبران او را
المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم النبيين
و فرستادگان او را و درود فرستاد خدا بر برگزیده خود از خلق خود محمد ختم کننده پیغمبران
وآله الطاهرين المخلصين پس شروع فرمود آنحضرت در سؤال
و آل او که پاکانند خالصانند واهتمام نمود در دعا و آب از دیده های



مبارکش جاری بود پس گفت اللهم اجعلني اخشاك كأني اراك واسعدني
خداوندا بگردان مرا که بترسم از تو گویا که ترا میبینم و سعادتمند گردان مرا
بتقواك ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك
به ترس خود و شقی مگردان مرا به معصیت تو و اختیار نیک کن در قضای خود و مبارک گردان
لي في قدرك لا احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم
برای من در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم تعجیل آنچه تاخیر فرموده و نه تاخیر آنچه تعجیل فرموده خداوندا
اجعل غناي في نفسي واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور
بگردان توانگری مرا در نفس من و یقین را در دل من و اخلاص را در کردار من و روشنی
في بصري والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي واجعل سمعي
در بصر من و بینایی در دین من و بهره مند گردان مرا باعضای خود و بگردان
وبصري الوارثين مني وانصرني على من ظلمني وارزقني فيه
گوش و چشم مرا وارث از من و یاری کن مرا بر آنکه ستم کند مرا و روزی کن مرا
مآربي وثاري واقر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر
حاجات مرا و داد مرا و روشن کن بآن چشم مرا خداوندا بر طرف کن اندوه مرا و بپوشان
عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني واجعل
عیب مرا و بیامرز برای من گناهان مرا و دور کن شیطان مرا از من و برهان مرا و بگردان
لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة والاولى اللهم لك الحمد
برای من ای خدای من درجه بلند را در آخرت و دنیا خداوندا مر تراست سپاس

كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني
چنانكه خلق فرمودی مرا پس گردانیدی مرا شنوا بینا و مر تراست سپاس چنانكه خلق كردی مرا پس گردانیدی
خلقا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت
زنده بخلق درست از روی رحمت و بودی از خلق كردن من بی نیاز ای پروردگار من آنكه فرمودی مرا پس
فطرتي رب بما أنشأتني فأحسنت صورتي يا رب بما أحسنت
خلقت مرا پروردگار من آنكه انشا كردی پس نیكو كردی صورت مرا ای پروردگار من آنكه نیكوی كردی
إليّ وفي نفسي عافيتني رب بما كلأتني ووفقتني رب بما أنعمت
بمن و در نفس من عافیت بخشیدی مرا پروردگار من آنكه محافظت فرمودی مرا و توفیق دادی ای پروردگار من آنكه
عليّ فهديتني رب بما أوليتني ومن كل خير آتيتني وأعطيتني
بر من پس هدایت كردی مرا پروردگار من آنكه عطا فرمودی مرا از هر خوبی دادی مرا و عطا فرمودی مرا
رب بما أطعمتني وسقيتني رب بما أغنيتني وأقنيتني رب بما
پروردگار من آنكه خورانیدی مرا و آشامانیدی مرا پروردگار من آنكه بی نیاز كردی مرا و عزیز كردی مرا پروردگار
أعنتني وأعززتني رب بما ألبستني من سترك الصافي ويسرت
آنكه یاری كردی مرا و عزیز كردی مرا پروردگار من آنكه پوشانیدی مرا از پرده كه خالص و آسان گردانیدی
لي من صنعك الكافي صل على محمد وآل محمد وأعني على بوائق
مرا از كار خود كه كافیست رحمت فرست بر محمد و آل محمد و یاری كن مرا بر بلاهای
الدهر وصروف الأيام والليالي ونجني من أهوال الدنيا وكربات
روزگار و گردش روزها و شبها و برهان مرا از هولهای دنیا و غمهای



الآخرة واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض اللهم ما أخاف
آخرت و كفایت كن مرا از بدی آنچه میكنند ستمكاران در زمین خداوندا آنچه میترسم
فاكفني وما أحذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري
پس كفایت كن مرا و آنچه حذر میكنم پس نگاه دار مرا و در نفس من و دین من پس محافظت كن مرا و در سفر من
فاحفظني وفي أهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني
پس نگاه دار و در اهل من و مال من و فرزند من پس جانشین كن مرا و در آنچه روزی كردی
فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي أعين الناس فعظمني ومن شر
پس بركت ده مرا و در نفس من پس ذلیل كن مرا و در چشمهای مردم پس بزرگ گردان مرا و از شر
الجن والإنس فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني
جن و انس پس سالم دار مرا و بگناهان من پس رسوا مكن مرا و بامر پنهان من پس رسوا مكن مرا
وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني وإلى غيرك فلا تكلني إلى
و بعمل من پس مبتلا مساز مرا و نعمتهای خود را پس سلب مكن از من و بغیر خود وا مگذار مرا و بسوی
من تكلني إلى القريب يقطعني أم إلى البعيد يتجهمني أم إلى المستضعفين
كه كسی وا گذاری مرا بسوی نزدیكی كه قطع كند رحم را یا بسوی دوری كه عبوس كند بمن یا بسوی ضعیف شمارندگان
لي وأنت ربي ومليك أمري أشكو إليك غربتي وبعد داري
و حال آنكه تویی پروردگار من و صاحب اختیار من شكوه میكنم بسوی تو غریبی خود و دوری خانه خود را
وهواني على من ملكته أمري اللهم ولا تحلل بي غضبك فإن لم تكن
و بیقدری مرا بر كسی كه مالك گردانیده ام او را در امر خود خداوندا و حلول مكن بمن غضب تو پس اگر نبوده باشی

غضبت علي فلا ابالي سواك غير ان عافيتك اوسع لي فاسألك
غضب کرده بر من پس پروا ندارم غیر مرا غیر آنکه عافیت تو وسیعتر است برای من پس میخواهم از تو
بنور وجهك الذي اشرقت له الارض والسموات وانكشفت
بروشنی ذات تو که درخشان شده است برای او زمین و آسمانها و منور شده گشت
به الظلمات وصلح عليه امر الاولين والآخرين ان لا تميتني
به آن تاریکیها و بصلاح آمده است بر آن امر اولین و آخرین که اینکه نمیرانی مرا
على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك
بر غضب خود و فرود نیاوری بر من خشم خود را برای تست عذرخواهی تا راضی شوی پیش از آن
لا اله الا انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق
نیست معبودی مگر تو پروردگار شهر حرام و مشعر حرام و خانه کهنه
الذي احللته البركة وجعلته للناس امنة يا من عفى عن العظيم
آنکه حلول کرده در آن برکت را و گردانیدی او را برای مردمان ایمنی ای کسی که عفو کرده است از بزرگ
من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله يا من اعطى الجزيل
از گناهان به بردباری خود ای کسیکه تمام کرده است نعمت را بفضل خود ای کسی که داده است بزرگ
لكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي في كربتي
بکرم خود ای ساز من در شدت من ای یار من در یگانگی من ای فریادرس من در غم من
يا مونسي في حفرتي يا وليي في نعمتي يا الهي واله آبائي ابرهيم واسمعيل
ای مونس من در گور من ای دوست من در نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابرهیم و اسمعیل



واسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب
و اسحق و یعقوب و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار
محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل
محمد آخر پیغمبران و آل او که برگزیدگانند و فرو فرستنده توریة و انجیل
والزبور والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن
و زبور و فرقان و فرو آرنده کهیعص و طه و یس و قرآن
الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق علي
حکیم توئی پناه من در وقتی که تنگ بیاورد مرا راهها در وسعت آن و تنگ شود بر من
الارض برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وانت مقيل
زمین با وسعت آن و اگر نه رحمت تو بود هر آینه بودم از هلاک شدگان و توئی بر دارنده
عثرتي ولولا سترك اياي لكنت من المفضوحين وانت مؤيدي
از لغزش من و اگر نه پرده پوشی تو باشد مرا هر آینه بودم من از رسوا شدگان و توئی قوت دهنده
بالنصر على اعدائي ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين يا من
بیاری بر دشمنان و اگر نه یاری تو باشد هر آینه بودم من از مغلوبین ای کسی
خص نفسه بالسمو والرفعة فاولياؤه بعزه يعتزون يا من
که مخصوص ساخته است نفس خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیز میشوند ای
جعلت له الملوك نير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته
که گذاشته اند برای او پادشاهان سر طوق ذلت بر گردنهای خود پس ایشان از غضب او ترسان

خائفون تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور وغيب ما ت
میداند خیانت چشمها را و آنچه را که پنهان میدارند سینها و غیب آنچه اگر
بر الازمان والدهور یا من لا یعلم ما یعلمه الا هو یا من کبس
بیاورند از زمانها و روزگارها ای آنکه نمیداند کسی آنچه میداند او ای آنکسی که در خل کرد
الارض علی الماء وسد الهواء بالسماء یا من له اکرم الاسما
زمین را بر آب و سد کرد هوا را با آسمان ای آنکسی که برای وست نامهای گرامی
یا ذا المعروف الذی لا ینقطع ابدا یا مقیض الرکب لیوسف فی البلد
ای صاحب نیکی که قطع نشود هرگز ای برانگیزنده سواران برای یوسف در شهر
القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودیة ملکا یا راده
خراب و بیرون آورنده او از چاه و گرداننده او بعد از بندگی پادشاه ای رد کننده او
علی یعقوب بعد ان ابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم یا کاشف
بر یعقوب بعد از آنکه سفید شده بود چشمهای او از اندوه پس او خشمناک بود ای برطرف کننده
الضر والبلاء عن ایوب یا ممسک یدی ابرهیم من الذبح عن ابنه بعد
ناخوشی و بلا از ایوب ای نگاهدارنده دست ابرهیم از ذبح پسرش بعد
ان کبر سنه وفنی عمره یا من استجاب لزکریا فوهب له یحیی ولم
از آنکه بسیار شده سن او و فانی شده بود عمر او ای آنکه مستجاب فرمود برای زکریا پس بخشید مر او را یحیی
یدعه فردا وحیدا یا من اخرج یونس من بطن الحوت یا من فلق
نگذاشت او را تنها و یگانه ای آنکسی که بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای آنکسی که شکافت

یا من یعلم کیف تواری الصدور





البحر لبنی اسرائیل فانجیهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقین
دریا را از برای بنی اسرائیل پس نجات داد ایشان را و گردانید فرعون و لشکر او را از غرق شدگان
یا من ارسل الریاح مبشرات بین یدی رحمته یا من لم یعجل علی
ای آنکه فرستاد بادها را بشارت دهنده پیش روی رحمت او ای آنکه تعجیل نکرد بر
من عصاه من خلقه یا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود وقد
کسیکه نافرمانی او کرد از خلق او ای آنکسی که بیرون آورد ساحران را از بعد طول انکار و حال
غدوا فی نعمته یاکلون رزقه ویعبدون غیره وقد حادوه ونادوه
چاشت کرده بودند در نعمت او میخوردند روزی او را و می پرستیدند غیر او را و دشمنی و برابری میکردند با او
وکذبوا رسله یا الله یا بدیع لا بدء لک یا دائما لا نفاد لک یا
و تکذیب میکردند پیغمبران او را ای خدا ای ابداع کننده نیست ابتدائی برای تو ای دائم که نیست فنائی برای تو ای
حی یا محیی الموتی یا من هو قائم علی کل نفس بما کسبت یا من قل له
زنده ای زنده کننده مردگان ای کسی که او ایستاده است بر هر نفسی به آنچه کرده است ای کسی که کم
شکری فلم یفضحنی ورآنی علی المعاصی فلم یخذلنی یا من حفظنی فی صغری
شکر من پس رسوا نکرد مرا و دید مرا بر گناهان پس خوار نگذاشت مرا ای آنکه نگاه داشته است مرا در کوچکی
یا من رزقنی فی کبری یا من ایادیه عندی لا تحصی یا من نعمه عندی
ای آنکه روزی کرده مرا در بزرگی من ای آنکه نعمتهای او در نزد من شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد
لا تجازی یا من عارضنی بالخیر والاحسان وعارضته بالاسائة
شکر کرده نشود ای آنکسی که پیش آمد با من به نیکی و احسان و پیش آمدم با او به بدی

فلم یحرمنی وعظمت
پس محروم نساخت مرا و بزرگ شد
خطیئتی
گناه من

وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْامْتِنَانِ

و نافرمانی ای کسی که راه نموده مرا به ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را

يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَطْعَمَنِي

ای کسی که خوانده ام او را در حال بیماری پس شفا بخشید مرا و در حالیکه برهنه بودم پوشانید مرا و در حال گرسنگی سیر

وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا

و در حالت تشنگی پس سیراب کرد مرا و در حالت خواری عزیز گردانید مرا و در حالت نادانی پس شناسا کرد مرا و در حالت تنهائی

فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فِي دِينِي وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَ

بسیار گردانید و در حالت پنهانی پس برگردانید مرا و در نیازمندی پس غنی گردانید مرا و در حالت دادخواهی پس یاری کرد مرا و

غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ

و در حالت بی نیازی پس سلب نکرد از من و وا ایستادم خود را از همه اینها پس پیشی گرفت مرا پس تراست سپاس

يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَّسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي

ای آنکه درگذشت از لغزش من و زایل کرد اندوه مرا و اجابت کرد دعای مرا و پوشانید عورت مرا

وَغَفَرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَإِنْ أَعُدَّ نِعَمَكَ

و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا به مطلب من و یاری کرد مرا بر دشمن من و اگر خواهم که شمارم

وَمِنَنَكَ وَكَرَائِمَ مِنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ

نعمتهای ترا و بخششهای گرامی ترا نتوانم شمرد آنها را ای آقای من توئی که انعام کرده

أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ

توئی آنکه بخشش نمودی توئی آنکه نیکوئی کردی توئی آنکه زیادتی دادی توئی آنکه





الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي

آنکه انعام کردی توئی آنکه تمام و کامل گردانیدی توئی آنکه روزی دادی توئی آنکه

وَفَّقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي

توفیق دادی توئی آنکه عطا فرمودی توئی آنکه بی نیاز فرمودی توئی آنکه

أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي

روزی دادی بقدر کفاف توئی آنکه جا دادی توئی آنکه کفایت کردی توئی آنکه

هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي

هدایت کردی توئی آنکه نگاه داشتی توئی آنکه پوشانیدی توئی آنکه

غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْزَزْتَ

آمرزیدی توئی آنکه درگذشتی توئی آنکه دست دادی توئی آنکه عزیز گردانیدی

أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ

توئی آنکه اعانت کردی توئی آنکه مدد کردی توئی آنکه قوت دادی

أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ

توئی آنکه یاری کردی توئی آنکه شفا دادی توئی آنکه عافیت بخشیدی

أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ رَبِّي وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ

توئی آنکه اکرام کردی با فضیلتی پروردگار من و برتری پس تراست ستایش همیشه و مر ترا

الشُّكْرُ وَاصِبًا ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي

سپاس گذاری دائمی پس منم ای خدای من اعتراف کننده به گناهان خود پس بیامرز آنها را ای که منم آنکه

انت الذي اقنيت

سأت انا الذي اخطأت انا الذي غفلت انا الذي جهلت

بد کردم منم آنکه خطا کردم منم آنکه غافل شدم منم آنکه ندانستم

انا الذي هممت وانا الذي سهوت انا الذي عمدت انا الذي

منم آنکه قصد معصیت کردم منم آنکه فراموش کردم گناه منم آنکه گناه دانسته کردم منم آنکه

تعمدت انا الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت

اعتماد کردم منم آنکه منم آنکه وعده کردم

انا الذي اخلفت انا الذي نكثت انا الذي اقررت انا الذي

منم آنکه خلف کردم وعده را منم آنکه شکستم پیمان را منم آنکه اقرار کردم بتقصیر خود

يا الهي اعترف بنعمك عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي يا من

ای خدای من اعتراف کردم بنعمت تو نزد خودم و اقرار میکنم بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من ای آنکه

لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق من عمل

ضرر نمیرساند او را گناهان بندگان او و مستغنی است از فرمان برداری ایشان و توفیق دهنده است

منهم صالحا بمعونته ورحمته فلك الحمد الهي امرتني فعصيتك

از ایشان کار شایسته بمدد کردن او و بخشش او پس مر تراست سپاس ای خدای من فرمان دادی مرا

ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا

و نهی کردی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم نه خداوند برائتی پس عذرخواهی کنم و نه خداوند توانایی

قوة فانتصر فبأي شيء استقبلك يا مولاي ابسمعي ام ببصري ام بلساني

پس یاری کنم پس بکدام چیز رو بروی تو آیم ای آقای من آیا بگوش یا بدیده خود یا بزبان خود



ام بيدي ام برجلي اليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك يا

یا بدست خود یا بپای خود آیا نیست همه اینها نعمتهای تو نزد من و به همه اینها نافرمانی کردم ترا ای آقا

فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء والامهات

پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه پوشانیدی مرا از پدران و مادران

ان يزجروني ومن العشائر والاخوان ان يعيروني ومن السلاطين

از آنکه منع کنند مرا و از خویشان و برادران اینکه سرزنش کنند و از پادشاهان

ان يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني اذا ما انظروني

اینکه عذاب کنند و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر آنچه مطلع شدی بر آن ای آقای من از گناهان مهلت نمیدادند

ولرفضوني وقطعوني فها انا ذا بين يديك يا سيدي خاضع ذليل

و هر آینه ترک میکردند مرا پس اینک من در پیش توام ای آقای من فروتنی کننده خوار

حصير حقير لا ذو قوة فانتصر ولا حجة لي فاحتج بها ولا قائل لم اعمل

بیمقدار نه خداوند توانایی پس انتقام کشم و نه حجتی برای من که حجت آورم بآن و نه گوینده ام که نکرده ام

سوءا وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي فينفعني فكيف وانى ذلك

گناهی و نشاید انکار اگر انکار کنم ای آقای من سود بخشد مرا پس چگونه سود بخشد و کجا

وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقينا غير ذي شك

و عضوهای من همه آنها گواهند بر من بر آنچه بتحقیق کردم و دانستم از روی یقین و حال آنکه نیستم شک

انك سائلي عن عظائم الامور وانك الحكم العدل الذي لا يجور

بدرستی که سؤال کننده مرا از کارهای بزرگ و بدرستی که توئی حاکم عادلی که ستم نکند

لا ذو براءة فاعتذر

نه خداوند برائتی ام پس عذرخواهی کنم

اجترح ولم

گناه کرده ام

ام سعیدی

وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي
وعدل تو هلاک کننده است مرا و از همه عدالت تو گریزش من پس اگر عذاب کنی مرا پس بگناهان
يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك
بجزای من پس از حجت گرفتن تو بر من و اگر درگذری از من پس به بردباری تو و بخشش تو و کرم تو
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين لا إله إلا أنت
نیست خدایی مگر تو پاک و منزهی تو بدرستی که من بودم از ستمکاران نیست سزاوار پرستش مگر تو
سبحانك إني كنت من المستغفرين لا إله إلا أنت سبحانك إني
پاکی تو بدرستی که من بودم از استغفار کنندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستی که
كنت من الموحدين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الخائفين
بودم از یگانه پرستان نیست سزاوار پرستش مگر تو منزهی تو که من بودم از ترسناکان
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الوجلين لا إله إلا أنت
نیست سزاوار الوهیت مگر تو پاکی تو بدرستی که من بودم از بیمناکان نیست خدایی مگر تو
سبحانك إني كنت من السائلين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
منزهی تو که من هستم از سوال کنندگان نیست خدایی مگر تو منزهی تو که من هستم
من الراجين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
از امیدواران خواهش دارندگان نیست خدایی مگر تو منزهی که من هستم
من المهللين المسبحين لا إله إلا أنت ربي ورب آبائي الأولين
از تهلیل کنندگان تسبیح کنندگان نیست پروردگاری مگر تو پروردگار من و پروردگار پدران من

اللهم



اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا وإخلاصي لذكرك موحدا وإقراري
خداوندا این ستودن من مر تو را حال آنکه تعظیم کنم و خلاص من ذکر تو را حال آنکه یگانه دانم و اقرار
بآلائك معددا وإن كنت مقرا أني لا أحصيها لكثرتها وسبوغها
نعمتهای تو حال آنکه بشمارم و اگر چه هستم اقرار دارنده که من نتوانم شمردن آنها را بجهت بسیاری و تمامی
وتظاهرها وتقادمها إلى حادث ما لم تزل تتعهدني به معها مذ خلقتني
و پی در پی آمدن آنها و قدیم آنها تا نعمت تازه که همیشه میپوشانیدی مرا بآنها از وقتی که
وبرأتني من أول العمر من الإغناء بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب
و بیافریدی مرا از اول زندگانی از بی نیاز کردن پس از بی نیازی و زایل کردن بدحالی و سبب کردن
اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة في
آسانی و دفع نمودن دشواری و گشودن اندوه و صحت بخشیدن در بدن و سلامتی در
الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمتك جميع العالمين من الأولين
دین و اگر یاری کردندی مرا باندازه یاد نعمت تو تمامی جهانیان از پیشینیان
والآخرين لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب
و پسینیان هر آینه قدرت نداشتمی و نه ایشان بر آن پاکی تو و برتری تو از پروردگار
عظيم كريم رحيم لا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل
بزرگ مرتبه مهربانی شمرده نشود نعمتهای تو و رسیده نشود ستایش تو و مکافات کرده نشود نعمتهای تو
على محمد وآل محمد وأتمم علينا نعمك وأسعدنا بطاعتك سبحانك
بر محمد و آل محمد و تمام گردان بر ما نعمتهای خود را و نیکو گردان ما را بفرمانبرداری خود پاکی تو

لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة المضطر اذا دعاك وتكشف السوء
نیست خداوندی سزاوار پرستش بجز تو خداوندا بدرستی که تو می پذیری دعای درماندگان را چون بخوانند ترا و دور میکنی بدی را
وتغيث المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم
و فریاد میرسی غمناک را و شفا می بخشی بیمار را و بی نیاز میکنی نیازمند را و درست میکنی شکسته را و رحم میکنی
الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت
خورد را و مدد میکنی بزرگ را و نیست غیر تو یاوری و نه بالای تو توانایی و تو
العلي الكبير يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة
بلند مرتبه بزرگواری ای آزاد کننده بند کرده شده و دستگیر شده ای روزی دهنده و خورد ای نگاهدارنده
الخائف المستجير يا من لا شريك له ولا وزير صل على محمد وآل
ترسنده و زنهار جوینده ای آنکه نیست انبازی برای او و نه وزیری رحمت فرست بر محمد و آل
محمد واعطني في هذه العشية افضل ما اعطيت وانلت احدا
محمد و ببخش مرا در این وقت عشا بهتر از آنچه بخشیدی و رسانیدی کسی از
من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة
از بندگان خود از نعمتی که انعام میکنی آن را و نعمتهایی که تازه میکنی آن را و بلایی که میگردانی آن را و اندوهی
تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها انك
که زایل میکنی آن را و دعایی که میشنوی آن را و نیکی که قبول کنی آن را و گناهی که بیامرزی آن را که تو
لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انت اقرب من دعي واسرع من اجاب
مهربان آگاهی و بر هر چیز توانایی خداوندا بدرستی که تو نزدیکتری از هر که خوانده شود و شتابنده تری

واکرم



واكرم من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل يا رحمن الدنيا
و بزرگوارتری از آنکه درگذشته و فراخ دهنده تری از آنکه بخشش نموده و شنواتری از آنکه سوال کرده شده ای بخشنده دنیا
والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك مأمول دعوتك
و آخرت و مهربان هر دو جهان نیست مانند تو سوال کرده شده و غیر تو امید داشته شده خواندم ترا
فاجبتني وسألتك فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني ووثقت
پس اجابت کردی مرا و درخواستم از تو پس عطا کردی مرا و خواهش نمودم بتو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم
بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني اللهم فصل على محمد
بتو پس نجات دادی مرا و پناه گرفتم بسوی تو پس کفایت کردی خداوندا پس رحمت فرست بر محمد
عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطاهرين اجمعين وتمم
بنده خود و پیغمبر تو و نبی تو و بر آل او که پاکان اند همگی و تمام گردان
لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين ولآلائك
برای ما نعمتهای خود را و گوارا گردان بخشش خود را و بگردان ما را برای خود شکر کنندگان و برای نعمتهای تو
ذاكرين آمين آمين يا رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر
یاد کنندگان اجابت کن ای پروردگار جهانیان خداوندا ای آنکه مالک پس توانا است
فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين
پس غالب شد و عصیان کرده شد پس پوشانید و طلب آمرزش کرده شد پس آمرزید ای نهایت خواهش خواهش کنندگان
ومنتهى امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين
و منتهای آرزوی امیدواران ای آنکه فرا گرفته بهر چیز دانش او و فرا گرفته طالبان

رأفة ورحمة وحلما اللهم انا توجهنا اليك في هذه العشية التي

مهربانی و بخشش و بردباری خداوندا بدرستی که ما روی آوردیم بسوی تو درین وقت پسین که

شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك

بلند کردهای آن را و بزرگ کردهای آن را بمحمد پیغمبر تو و رسول تو و برگزیده تو از خلق تو

وامينك على وحيك اللهم فصل على البشير النذير السراج المنير

و معتمد تو بر پیغام تو خداوندا پس رحمت فرست بر مژده دهنده و بیم نماینده چراغ روشن

الذي انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل

آنکه انعام کردی به او بر مسلمانان و گردانیدی او را بخشایشی برای جهانیان خداوندا پس رحمت

على محمد وآله كما محمد اهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى آل

بر محمد و آل محمد چنانکه محمد سزاوار آنست ای بزرگ رحمت فرست بر او و بر آل

محمد المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك

محمد که برگزیدگان پاکان پاکیزگانند همگی و بپوشان گناهان ما به عفو خود

عنا فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه

از ما پس بسوی تو بلند کرده صداها به اقسام زبانها و بگردان برای ما درین وقت

العشية نصيبا في كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة تنشرها

عشا بهره در هر نیکی که قسمت کنی آن را و در روشنائی که راه نمائی به آن و بخششی که پهن کنی آن را

وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين

و عافیتی که بپوشانی آن را و برکتی که فرود آری و روزی که فراخ کنی آن را ای بخشنده ترین بخشندگان





اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين

خداوندا بگردان ما را درین وقت فیروزی یافتگان رستگاران احسان کرده شدگان

ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله

و مگردان ما را از ناامیدان و خالی مکن ما را از رحمت خود و محروم مگردان از آنچه امید داریم

من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا

از فضل تو و باز مگردان ما را از ناامیدان و نه از رانده شدگان از درگاه خود و مگردان ما را

من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله من عطاياك قانطين

از رحمت خود بی نصیبان و نه از بخشش آنچه امید داریم از عطاهای تو ناامیدان

يا اجود الاجودين واكرم الاكرمين اليك اقبلنا موقنين

ای بخشنده ترین بخشندگان و ای بزرگوارترین بزرگواران بسوی تو رو کردیم ما گرویدگان

ولبيتك الحرام امين قاصدين فاعنا على منسكنا واكمل لنا

و بخانه محترم تو اراده نمایندگان پس مدد ده ما را بر عبادت ما و کامل گردان برای ما

حجنا واعف اللهم عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي

حج را و درگذر خداوندا از ما و عافیت بخش ما را پس بتحقیق دراز کردیم بسوی تو دستهای خود را و آن

بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا في هذه العشية

بخواری اعتراف گناه نشان کرده شده خداوندا پس عطا کن ما را درین وقت پسین

ما سألناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب

آنچه سوال کردیم از تو و کارگذاری کن ما را آنچه طلب کفایت نمودیم از تو پس نیست کارگذاری برای ما غیر از تو و نیست پروردگار

لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك

براى ما غير تو روانست در ما حكم تو فرو گرفته مارا علم تو عادلست انصاف در ما حكم تو

اقض لنا الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك

حكم كن براى ما نيكى و بگردان مارا از اهل نيكى خداوندا واجب گردان براى ما به بخشش خود

عظيم الاجر وكريم الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين

مزد بزرگ و ذخيره گرامى و دوامى آسانى و بيامرز براى ما گناهان ما همه

ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك ورحمتك يا ارحم

و هلاك مكن مارا با هلاك شوندگان و مگردان از ما مهربانى خود و رحمت خود اى رحم كننده ترين

الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته

رحم كنندگان خداوندا بگردان مارا در اين وقت از آنكه درخواست از تو پس عطا كردى

وشكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه

و شكر كرد ترا پس سپاس كرد او را افزون كردى پس رجوع كرد پس پذيرفتى او را و عذر خواهى نمود بسوى تو از گناهان

فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا

پس آمرزيدى گناهان او را اى صاحب گرامى و بزرگوارى خداوندا توفيق ده مارا و درست كن مارا و نگاه دار

واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا ١

و بپذير زارى نمودن مارا اى بهترين كسى كه سؤال كرده شده و اى بخشنده ترين كسى كه طلب بخشش كرده شد اى كه

يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون

پنهان نيست بر او بهم آوردن پلكها و نه نگريستن گوشه چشمها و نه آنچه ثابت است در امور پوشيده

ولا ما انطوت



ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه

و نه آنچه در نورديده شده بر آن نهانيهاى دلها نظر كن همه اينها كه شمرده اند

علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون

دانش تو و فرا گرفته آنها را بردبارى تو پاكى و برترى و بلند مرتبه ترى از آنچه ميگويند ستمكاران

علوا كبيرا تسبح لك السموات السبع والارض ومن فيهن وان

برترى بغايت بزرگ تسبيح ميكنند مر ترا آسمانهاى هفتگانه و زمين و آنكه در آنهاست و نيست

من شيء الا يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال

الحمد

هيچ چيز مگر آنكه تسبيح ميكند ترا بسپاس و مر تراست سپاس و بزرگوارى و بلندى عظمت اى خداوند بزرگوارى

والاكرام والفضل والانعام والايادي الجسام وانت الجواد

و گرامى داشتن و بخشش و نعمت دادن و نعمتهاى بزرگ و تويى بخشنده

الكريم الرؤوف الرحيم اللهم اوسع على من رزقك الحلال

بزرگوار مهربان بخشاينده خداوندا گشايش ده بر من از روزى خود حلال كرده

وعافني في بدني وامن خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر

ودينى / و دين من

و عافيت بخش مرا در بدن من و ايمن دار ترس مرا و آزاد كن گردن مرا از آتش خداوندا مكر مكن

ولا تستدرجني ولا تخذلني وادرأ عني شر فسقة الجن والانس

و در امهال مكن و خوار مكن مرا و دفع كن از من شر فاسقان ديوان و آدميان

پس سر و دست خود را بسوى آسمان بلند كرد و دستها را مبارك گردانيده

مانند دو مشك و بصداى بلند ميگفت يا اسمع السامعين ويا

ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين
اي بيناترين بينندگان واي زود حساب كنندگان واي رحم كننده ترين رحم كنندگان
صل على محمد وآل محمد واسألك اللهم حاجتي التي
رحمت فرست بر محمد وآل محمد وميخواهم از تو خداوندا حاجت خود را آن حاجتي
ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما
كه اگر عطا كني آنرا ضرر نكند بمن آنچه باز داشته مرا واگر باز داري آنرا سود نبخشد مرا آنچه
اعطيتني اسألك فكاك رقبتي من النار لا اله الا انت وحدك
بخشي مرا سوال ميكنم از تو آزاد كردن من از آتش نيست خدائي مگر تو يگانه تو
لا شريك لك لك الملك ولك الحمد وانت على كل شيء قدير
نيست شريكي مر ترا مر تراست پادشاهي و مر تراست سپاس و تو بر هر چيز توانا
يا رب يا رب يا رب ليس مكرر ميفرمودند يا رب وصد ها بكي به
اي پروردگار من اي پروردگار من بلند شد و بار كردند و رو بجانب مشعر الحرام
شدند سيد طاوس در مصباح روايت كرده است از حضرت امام جعفر صادق
كه در روز عرفه چون زوال الشمس بشود نماز ظهر و عصر را بكن پس برو
بجاى وقوف وصد مرتبه الله اكبر وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه
سبحان الله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه قل هو الله احد
وصد مرتبه سوره انا انزلناه لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا
بخوان پس اين دعا را بخوان نيست خدائي مگر خداي بزرگوار بخشنده كريم

دعاى ديگر روز عرفه



الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب
خداي بلند مرتبه بزرگ منزه است خدا پروردگار آسمانهاي هفتگانه و پروردگار
الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وهو رب العرش العظيم
زمين هفتگانه وآنچه در آنست وآنچه ميان آنست واوست پروردگار عرش بزرگ
والحمد لله رب العالمين اللهم اياك اعبد واياك استعين
و سپاس مر خدا راست پروردگار جهانيان خداوندا ترا مي پرستم واز تو ياري ميجويم
اللهم اني اريد ان اثني عليك وما عسى ان ابلغ من مدحك
خداوندا بدرستي كه ميخواهم اينكه ستايش كنم ترا و نشايد اينكه برسم بجزئي از ستايش تو
مع قلة عملي وقصر رأيي وانت الخالق وانا المخلوق وانت
با كمي كردار خود و كوتاهي تفكر خود و توئي خالق و منم خلق كرده شده و توئي
المالك وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزيز
خداوند و منم مملوك و توئي پروردگار و منم بنده و توئي ارجمند
وانا الذليل وانت القوي وانا الضعيف وانت الغني
و منم خوار و توئي توانا و منم ناتوان و توئي بي نياز
وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت الغفور وانا الخاطئ وانت
و منم محتاج و توئي بخشنده و منم سوال كننده و توئي آمرزنده و منم گنهكار و توئي
الحي الذي لا يموت وانا خلق اموت اللهم انت الله رب العالمين
زنده كه نميميري و منم آفريده كه ميميرم خداوندا توئي خدا پروردگار جهانيان

وانت الله لا اله الا انت العزيز الحكيم وانت الله لا اله

و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو غالب درست کردار و تویی خدا که نیست خدایی

الا انت العلي العظيم وانت الله لا اله الا انت الغفور

مگر تو بلند مرتبه بزرگ و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو آمرزنده

الرحيم وانت الله لا اله الا انت مالك يوم الدين وانت الله

مهربان و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو پادشاه روز جزا و تویی خدا

لا اله الا انت منك بدء الخلق واليك يعود وانت الله لا

که نیست خدایی مگر تو از تست بخشش آفرینش خلق و بتو باز میگردد و تویی خدا که نیست

اله الا انت لم تزل ولا تزال وانت الله لا اله الا انت خالق

خدایی مگر تو همیشه بوده و نخواهی که زایل شوی تویی خدا که نیست خدایی مگر تو آفریننده

الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت خالق الخير والشر

بهشت و دوزخی و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو آفریننده نیک و بدی

وانت الله لا اله الا انت الواحد الفرد الصمد لم يلد ولم

و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو یکتایی تنها پناه نیازمندان نزاده و نه زاییده شده

يولد ولم يكن له كفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغيب

و نباشد از برای او مانند احدی و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو دانای پنهان

والشهادة الرحمن الرحيم وانت الله لا اله الا انت الملك

و آشکار بخشاینده مهربان و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو پادشاه پاک

القدوس



القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان

منزهی سالمی ایمنی دهنده نگهبانی غالبی کار فرماینده بقهر و بزرگواری منزه است

الله عما يشركون وانت الله لا اله الا انت الخالق البارئ

خدا از انچه شریک میدانند و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو آفریدگار پدید آورنده

المصور لك الاسماء الحسنى يسبح لك ما في السموات والارض

نگارنده صورت مر تراست نامها نیکو تسبیح میکند مر ترا انچه اندر آسمانها و زمین است

وانت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت الكبير المتعال

و تویی غالب درست کردار و تویی خدا که نیست خدایی مگر تو بلند مرتبه و بزرگواری

والكبرياء رداؤك اللهم انك سابغ النعماء حسن البلاء

و بزرگی جامه تست خداوندا بدرستی که تو کامل نعمتی نیکو انعامی

جزيل العطاء مقسط القضاء باسط اليدين بالرحمة نفاع

بسیار بخشش عدالت کننده در حکم گشاده دستهای بخشش نفع بخش

بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات منزل الايات من فوق

به نیکیها زایل کننده غمهایی بلند گرداننده مرتبها فرو فرستنده نشانها از بالای

سبع سموات عظيم البركات مخرج من في الظلمات الى النور

هفت آسمانها صاحب برکتی بزرگ بیرون آورنده آنکه در تاریکیهاست بسوی روشنایی

مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات درجات اللهم

بدل کننده بدیها به نیکوییها و پدید آرنده و گرداننده نیکوییها مرتبها خداوندا

إنك دنوت في علوك وعلوت في دنوك فدنوت فليس دونك شيء
بدرستی که تو نزدیکی در بلندی خود و بلندی در نزدیکی خود در نهایت نزدیکی پس نیست نزدیکتر از تو چیزی
ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى فالق الحب والنوى لك ما في
می بینی و دیده نمیشوی و تو در دیدگاه بلند تری و شکافنده دانه و هستهای خرمایی مر تراست آنچه اندر
السموات العلى ولك الكبرياء في الآخرة والاولى اللهم انك
آسمانها بلندست و مر تراست بزرگواری در آنجهان و در اینجهان خداوندا بدرستی که تو
غافر الذنب شديد العقاب ذو الطول لا اله الا انت اليك
آمرزنده گناهانی سخت عقوبتی خداوند نعمتهایی نیست خدایی مگر تو بسوی تست
المصير وسعت رحمتك كل شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك
بازگشت فرا گرفته رحمت تو هر چیز را و رسانست حجت تو و نیست باز پس دارنده مر حکم
وانت لا تخيب سائلك انت الذي لا رافع لما وضعت ولا واضع
و تو نا امید نمیسازی سوال کننده خود را تویی آنکه نیست بلند سازنده مر آنچه را که پست کردی و نیست پست کننده
لما رفعت انت الذي اثبت كل شيء بحكمتك واحصيت كل
مر آنچه را که بلند کردی تویی آنکه ثابت داشتی هر چیز را بحکم خود و شمردی هر چیز را
بعلمك واتقنت كل شيء بحكمتك ولا يفوتك شيء بعلمك ولا
بدانش خود و محکم نمودی هر چیز را بحکم خود و فوت نشود از تو چیزی بدانش تو و
يمتنع عنك شيء انت الذي لا يعجزك هاربك ولا ينفع صريعك
امتناع نکند از تو چیزی تویی آنکه عاجز نکند مرا گریزنده تو و بند نشود فایده تو



ولا يحيى قتيلك انت علوت فقهرت وملكت وبطنت فخبرت
و زنده نشود کشته شده تو منبدی پس غالبی و مالکی هر چیز را و دانایی باطن پس آگاهی
وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة الاعين وما تخفي الصدور
و بر هر چیز غلبه نمودی و دانایی خیانت دیدهها را و آنچه پنهان دارند سینهها
وتعلم ما تحمل كل انثى وما تضع وما تغيض الارحام وما تزداد
و میدانی آنچه را که بر میدارد هر زنی و آنچه را که مینهد و آنچه کاهد در رحمها و آنچه بیفزاید
وكل شيء عندك بمقدار انت الذي لا تنسى من ذكرك ولا تضيع
و هر چیزی نزد تست باندازه تویی آنکه فراموش نکنی کسی یاد کند ترا و ضایع نکنی
من توكل عليك انت الذي لا يشغلك ما في جو ارضك عما في
کسی را که توکل نموده بر تو تویی آنکه باز ندارد ترا آنچه در فضای زمین تست از آنچه در فضای
جو سمواتك ولا يشغلك ما في جو سمواتك عما في جو ارضك
آسمان تست و باز ندارد ترا آنچه در فضای آسمان تست از آنچه در فضای زمین
انت الذي تعززت في ملكك ولم يشركك احد في جبروتك
تویی آنکه عزت غالبی در پادشاهی تو و شریک نیست مر احدی در بزرگواری تو
انت الذي علا كل شيء ملكك وملك كل شيء امرك انت الذي
تویی آنکه برتر است هر چیزی را پادشاهی تو و مالکست هر چیز را فرمان تو تویی آنکه
ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الارباب بعزتك و
پادشاهی پادشاهان را بتوانایی خود و ببندگی گرفته مهتران و بزرگی را بغلبه خود و تویی

فقدرت
پس توانایی

الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك انت

که غالبی بر همه چیزی به نیروی توانائی تو و برتری بر همه چیزی به بخشش خود توئی

الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت

که مقدور نیست رسیدن به پایان ستایش تو و نیست نهایت مر آنچه از نزد تست توئی

الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزايلون

آنکه نمی توانند ستایندگان بزرگی ترا و طاقت ندارند مفارقت کنندگان

تحويلك انت شفاء لما في الصدور ورحمة للمؤمنين انت الله

گردانیدن ترا توئی شفا بخشنده مر چیزی را که در سینه هاست و راه نمائی و مهربانی مر گروندگان را توئی

لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحتك مادح

برنجاند ترا سوال کننده و کم نمی سازد خزینه ترا و نمی رسد ستایش ترا ستاینده

ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والكائن بعد كل شيء انت

و نه گوینده توئی موجود پیش از هر چیز و موجود پس از هر چیز توئی

الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد

یگانه بی نیاز آنکه نزاده و زائیده نشده و نباشد مر ترا انباز احدی

ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا رب السموات ومن فيهن لك والارض

و فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی پروردگار آسمانها و آنکه در آسمانهاست برای تست و زمین

ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى احصيت كل شيء

و آنکه در زمین است برای تست و آنچه در میان آنهاست و آنچه در زیر خاکست شمرده تو هر چیز را

واحطيت



واحطيت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل

و احاطه کرده هر چیز را از روی دانش و توئی که زیاد میکنی در آفرینش آنچه را که میخواهی و توئی که سوال کرده نمیشوی

عما تفعل وهم يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب

از آنچه میکنی و ایشان سوال کرده میشوند و توئی کننده مر آنچه را که اراده کنی و توئی نزدیک

وانت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الماجد

و توئی دور و توئی شنوا و توئی بینا و توئی بزرگوار

وانت الواجد وانت العليم وانت الحكيم وانت الغني وانت

و توئی یابنده و توئی دانا و توئی درستکردار و توئی بی نیاز و توئی

الكريم وانت البار وانت الرحيم وانت القادر وانت القاهر

بزرگوار و توئی نکوکردار و توئی مهربان و توئی توانا و توئی غالب

لك الاسماء الحسنى كلها وانت الجواد الذي لا تبخل و

مر تراست نامهای نیکو همه آنها و توئی بخشاینده که بخل نمی ورزی و

انت العزيز الذي لا تذل وانت ممتنع لا ترام يسبح لك ما في

توئی غالب آنچنانی که خوار نشوی و توئی امتناع کننده تسبیح میکند مر ترا آنچه در

السموات والارض وانت بالخير اجود منك بالشر انت ربي و

آسمانها و زمین است و تو به نیکیها بخشنده تری از خود به گزندها پروردگار منی

رب آبائي الاولين انت تجيب المضطر اذا دعاك انت تنجيه

و پروردگار پدران من پیشینیان تو اجابت میکنی درماندگان را چون بخوانند ترا و تو نجات میدهی

نوحاً من الغرق وانت غفرت لداود ذنبه وانت نفست عن ذي

نوح را از غرق شدن و تو آمرزیدی داود را گناه او را و تو گشودی از خداوند

النون كربه وانت كشفت عن ايوب ضره وانت رددت موسى

ماهی اندوه او را و تو زایل کردی از ایوب بدحالی او را و تو آن که برگردانیدی موسی را

على امه وانت صرفت قلوب السحرة اليك حتى قالوا آمنا برب

بر مادرش و تو گردانیدی دلهای جادوگران را بسوی خود تا آنکه گفتند گرویدیم به پروردگار

العالمين وانت ولي نعم الصالحين لا يذكر منك الا الحسن

جهانیان و تو متولی نعمتهای شایستگانی یاد کرده نمیشود از تو مگر نیکوئی

الجميل وما لا يذكر اكثر لك الآلاء والنعم وانت المحسن المجمل

نیک و آنچه یاد کرده نشود بیشتر است مر ترا ست نعمتها و عطاها و تو ای احسان کننده نیکوکار رسیده

لا نبلغ مدحتك ولا الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك

نمیشود ستایش تو و نه ثنای بر تو تو ای چنانکه خود ستوده خود را

على نفسك سبحانك وبحمدك تباركت اسماؤك وجل ثناؤك

بر خود پاک و منزهی تو و بسپاس تو برکت نامهای تو و بزرگ ستایش تو

ما اعظم شأنك واجل مكانك وما اقربك من عبادك والطفك

چه بزرگ قدر تو و بزرگوار است پایگاه تو و چه نزدیکی بر بندگان تو و چه مهربانی

بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز واجل واسمع وابصر واعلى

بخلق خود و چه غالبی بتوانائی تو تو عزیزتر و بزرگوارتری و شنواتر و بیناتری و والا



واكبر واظهر واشكر واقدر واعلم واجبر واكبر واعظم

و بزرگتر و ظاهر شونده تر و توانا تر و داناتر و قهر کننده تر و بزرگتر و عظیمتر

واقرب واملك واوسع واعطى واحكم واحمد من ان يدرك

و نزدیکتر و تسلط دارنده تر و فراخ تر و بخشنده تر و حکم کننده تر و ستوده تر از آنکه دریابد

العيان عظمتك او يصف الواصفون صفتك او يبلغوا غايتك

معاینه و مشاهده بزرگی ترا یا بستایند ستایندگان وصف ترا یا برسند بکنه ذات تو

اللهم انت الله الذي لا اله الا انت اجل من ذكر واشكر من

خداوندا توئی خدا که نیست خدائی مگر تو تو بزرگوارتری از آنکه یاد کرده شده و قدردان تری

عبد وارأف من ملك واجود من سئل واوسع من اعطى تحلم

از هر پرستیده و مهربان تری از هر مالک و بخشنده تری از آنکه سوال کرده شده و فراخ تری از آنکه بخشش نموده

بعد ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تطع قط الا باذنك

پس از آنچه میدانی و درمیگذری و عفو میکنی پس از آنچه توانائی فرمانبرداری کرده نشده ای هرگز مگر باذن تو

ولم تعص قط الا بقدرتك تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر

و معصیت کرده نشده ای هرگز مگر بتوانائی تو فرمان برده میشوی ای پروردگار پس جزا میدهی و معصیت کرده میشوی ای پروردگار

اللهم انت اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين القلوب و

خداوندا تو نزدیکتری نگهبان و نزدیکتر حاضری حایل شدی میان دلها و

اخذت بالنواصي واحصيت الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك

فرا گرفتی پیشانیها را و شمرده کردارها را و دانستی خبرها را و بدست

المقادير والقلوب إليك مفضية والسرّ عندك علانية و

اندازه و دلها بسوی تو میل داده شده اند و پنهان نزد تو آشکار است و

المهتدي من هديت والحلال ما حللت والحرام ما حرّمت

راه یافته آنست که راه نمودی و حلال چیزیست که حلال کرده و حرام چیزیست که حرام نموده

والدين ما شرعت والأمر ما قضيت تقضي ولا يُقضى عليك

و دین آنست که شرع داده و فرمان آنچیزیست که تو کرده و حکم کرده نمیشوی بر تو

اللهم أنت الأول فليس قبلك شيء وأنت الآخر فليس بعدك

خداوندا توئی اول پس نیست پیش از تو هیچ چیز و توئی آخر پس نیست بعد

شيء وأنت الظاهر فليس فوقك شيء وأنت الباطن فليس دونك

چیزی و توئی ظاهر پس نیست بالای تو چیزی و توئی باطن پس نیست کمتر

شيء وأنت العزيز الحكيم اللهم بيدك مقادير الليل والنهار

چیزی و توئی غالب درست کردار خداوندا بدست تست اندازهای شب و روز

وبيدك مقادير الشمس والقمر وبيدك مقادير النصر والخذلان

و بدست تست اندازهای ماه و آفتاب و بدست تست اندازهای یاری کردن و فروگذاشتن

وبيدك مقادير الدنيا والآخرة وبيدك مقادير الموت والحياة

و بدست تست اندازهای دنیا و آخرت و بدست تست اندازهای مردن و زنده بودن

وبيدك مقادير الخير والشر صلّ على محمد وآل محمد واغفر لي

و بدست تست اندازهای نیک و بد و رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من





كل ذنب أذنبته في ظلم الليل وضوء النهار عمدًا أو خطأً

هر گناهی که کرده ام در تاریکیهای شب و روشنی روز از روی عمد یا خطا

سرًّا أو علانية إنك على كل شيء قدير وهو عليك سهل

در پنهانی و آشکارا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی و آن بر تو آسانست

يسير ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم إني

و آسانست و نیست توانائی و نه قدرتی مگر بخدای برتر بزرگ خداوندا بدرستیکه من

أثني عليك بأحسن ما أقدر عليه وأشكرك بما مننت به

ثنا میکنم بر تو به بهترین آنچه توانائی دارم بر آن و ستایش گذاری میکنم ترا بآنچه تو انعام کردی

عليّ وعلّمتني من شكرك اللهم لك الحمد بمحامدك كلها على

بر من و تعلیم کردی از ستایش گذاری خداوندا مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه بر

نعمائك كلها وعلى جميع خلقك حتى ينتهي الحمد إلى ما تحب

نعمتهای تو همه آن و بر همه آفریدگان تو تا آنکه برسد سپاس تو بسوی آنچه دوست داری

ربنا فترضى اللهم لك الحمد عدد ما خلقت وعدد ما ذرأت

پروردگارا و بپسندی خداوندا مر تراست سپاس عدد آنچه آفریده و شمار آنچه پدید آورده

ولك الحمد عدد ما برأت ولك الحمد عدد ما أحصيت و

و مر تراست سپاس شمار آنچه آفریده و مر تراست سپاس شمار آنچه شمرده و

لك الحمد عدد ما في السماوات والأرضين ولك الحمد ملء

مر تراست سپاس شمار آنچه اندر آسمانها و زمین است و مر تراست سپاس پری

الدنيا والآخرة يس ده لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك

رحمت کننده دو جهان ده مرتبه بگو نیست خدایی مگر خدا یگانه است و شریک نیست او را و ازان اوست پادشاهی

وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو

و ازان اوست سپاس زنده میکند و میمیراند و او زنده است و نمیمیرد بدست اوست نیکی و او

على كل شيء قدير يس ده استغفر الله الذي لا اله الا هو

بر هر چیز توانا است ده مرتبه بگو طلب آمرزش میکنم از خدا انکه نیست خدایی بجز او

الحي القيوم واتوب اليه يس ده يا الله يا الله يس ده

زنده است همیشه و باز گشت میکنم سوی او ده مرتبه بگو ای خدا ای خدا ده مرتبه بگو

يا رحمن يا رحمن يس ده يا رحيم يا رحيم يس ده يا بديع السموات

ای بخشاینده ای بخشاینده ده مرتبه بگو ای مهربان ای مهربان ده مرتبه بگو ای پدید آرنده آسمانها

والارض يس ده يا ذا الجلال والاكرام يس ده يا حنان يا منان

و زمین ده مرتبه بگو ای خداوند بزرگواری و بخشش ده مرتبه بگو ای بخشنده ای انعام کننده

يس ده يا حي يا قيوم يس ده بسم الله الرحمن الرحيم يس ده اللهم

ده مرتبه بگو ای زنده ای همیشه ده مرتبه بگو بنام خداوند بخشاینده مهربان ده مرتبه بگو خداوندا

صل على محمد وال محمد يس اللهم لك الحمد واليك المشتكى

رحمت فرست بر محمد و آل محمد ده بگو خداوندا مر تراست سپاس سزاوار سپاس و شکایت

الحمد وفي العهد عزيز الجند قديم المجد الحمد لله الذي كان عرشه

سپاس و وفا کننده به پیمان لشکر غالب بی دیرینه بزرگواری سپاس مر خدا را که باشد عرش او





على الماء حين لا شمس تضحى ولا قمر يسري ولا بحر يجري ولا

بر آب هنگامیکه نبود آفتاب و نه ماهی که حرکت نماید و نه بحری که جاری شود و نه

رياح تذري ولا سماء مبنية ولا ارض مدحية ولا ليل

بادی که هوا بر دهد خاک را و نه آسمانی برافراشته شده و نه زمین گسترده و نه شب

يجن ولا نهار يكن ولا عين تدمع ولا صوت يسمع ولا جبل مرسى

که پوشاننده و نه روزی که فرو گیرد و نه دیده که اشک ریزد و نه صدایی که شنیده شود و نه کوهی که

ولا سحاب منشئ ولا انس مبرؤ ولا ملك كريم ولا شيطان

و نه ابری برانگیخته شده و نه آدمی آفریده شده و نه فرشته بزرگواری و نه دیوی

رجيم ولا ظل ممدود ولا شيء معدود الحمد لله الذي استحمد

رانده شده و نه سایه کشیده شده و نه چیزی شمرده شده سپاس مر خدا را که فرستاده

الى من استحمد من اهل محامده ليحمد على ما بذل من نوافله

سوی کسی که ستایش کرده او را از اهل ستایشهای او تا ستایش کنند او را بر آنچه بخشش نموده از زیادتی

الذي فاق مدح المادحين وعلا وصف الواصفين هو مستحق

که گذشته ستایش ستایش کنندگان و در گذشته از ستایش ستایش کنندگان

هو اهل لكل حمد ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة الواحد

اوست سزاوار هر حمدی و منتهای هر خواهشی و بر آورنده هر مطلبی یگانه است

الذي لا ابد له الملك الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس

آنکه نیست ابتدایی از برای او پادشاهیست آنکه نیست زوال شدنی مر او را بلند مرتبه است آنکه نیست

أجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء إن الله على كل

بالها دو دو و سه سه و چهار چهار می‌افزاید در آفرینش آنچه را که میخواهد بدرستی که خدا بر هر

شيء قدير سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر

چیز تواناست پاکست خدا و سپاس مر خدای را و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگترست

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم سبحان الله حين تمسون

و نیست گردیدنی و نه توانایی مگر بخدا بلند مرتبه بزرگ پاکست خدا هنگامی که شام کنید

وحين تصبحون وله الحمد في السموات والأرض وعشيا وحين

و هنگامی که صبح کنید و مر او راست سپاس در آسمانها و زمین و آخر روز و هنگامی

تظهرون وسبحان الله آناء الليل وأطراف النهار وسبحان

که ظهر میکنید و پاکست خدا در ساعتهای شب و ساعتهای روز منزهست

الله بالغدو والآصال وسبحان ربك رب العزة عما يصفون

خدا در بامداد و بعد از عصر منزهست پروردگار تو پروردگار عزت و غلبه از آنچه وصف میکنند

وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين والحمد لله كما

و درود بر فرستادگان و سپاس مر خدا راست پروردگار جهانیان و سپاس مر خدا راست

يحب ربنا وكما يرضى حمدا كثيرا طيبا وسبحان الله كما سبح الله

چنانچه دوست میدارد و می‌پسندد سپاس بسیار پاکیزه و پاکست خدا هر گاه تنزیه کند خدا را

شيء وكما يحب الله أن يسبح والحمد لله كما حمد الله شيء وكما يحب

چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه سپاس گزارده شود و سپاس مر خدا راست هر گاه که تحمید کند خدا را چیزی و چنانچه دو



الله أن يحمد ولا إله إلا الله كما هلل الله شيء وكما يحب الله

خدا آنکه ستایش کرده شود و نیست خدایی مگر خدا هر گاه [illegible] و چنانچه دوست میدارد خدا

أن يهلل والله أكبر كما كبر الله شيء وكما يحب الله أن يكبر

آنکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگترست هر گاه بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا که تعظیم کرده شود

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم پس این دعای اللهم إني

و نیست توانایی و نه قوتی مگر بخدا برتر بزرگ مرتبه مخزون را بخوان خداوندا بدرستی که من

أسألك يا الله يا رحمن هفت بأسمائك الرضية المرضية المكرمة

سوال میکنم از تو ای خدا ای بخشاینده هفت مرتبه بنامهای خوش آینده پسندیده و نیکو

يا الله اللهم إني أسألك بأسمائك الكبيرة الكبريائية اللهم

ای خدا خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بنامهای تو که بزرگوارست بزرگواری خدا خداوندا

إني أسألك بأسمائك العزيزة المنيعة وأسألك بأسمائك

بدرستی که من سوال میکنم از تو بنامهای تو که ارجمندست و غالب و سوال میکنم از تو بنامهای تو

التامة الكاملة المشهورة يا الله وأسألك بأسمائك التي هي

که کامل و مشهورند ای خدا و سوال میکنم از تو بنامهای تو که [illegible]

رضاك يا الله وأسألك بأسمائك التي لا يبتغها دونك أحد إلا

[illegible] ای خدا و سوال میکنم از تو بنامهای تو که [illegible]

وأسألك من مسائلك بما عاهدت وأوفى العهد يا الله أن لا تخيب

و سوال میکنم ترا از سوالهای تو بآنچه عهد کرده و وفا کرده شده بر عهدی ای خدا آنکه ناامید نسازی

لتغفر لي ولوالدي وما ولدا واعتقهما من النار وارحمهما وارضهما

تا بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و هر چه زاییده اند و آزاد کنی ایشان را از آتش و رحم کنی ایشان را و خوشنود سازی

عني واغفر لكل والد لي دخل في الاسلام ولاهلي وولدي وجميع

از من و بیامرزی هر کس که پدران مرا که در آمده در اسلام و اهل مرا و فرزندان مرا و همگی

قراباتي انك على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع ورثة ابي

خویشان مرا بدرستی که تو بر هر چیز توانایی خداوندا بگردان مرا و همه میراث بزرگان پدر مرا

واخواني فيك من اهل ولايتك ومحبتك فانه لا يقدر على ذلك

و برادران مرا در راه تو از اهل یاری خود و دوستی خود زیرا که قدرت ندارد بر آن

غيرك يا رحمن اللهم اوزعني ان اشكرك واشكر نعمتك التي انعمت

غیر تو ای بخشاینده خداوندا توفیق ده مرا اینکه سپاسگذاری کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی

علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضاه واصلح لي في ذريتي اني

بر من و بر والدین من و اینکه کنم کار شایسته که پسندیده باشد او را و شایسته گردان در فرزندان من

تبت اليك واني من المسلمين والحق والدي خير ما جزيت والدا

بدرستی که من رجوع نمودم بتو و من از گردن نهندگانم و برسان پدر و مادر مرا بهتر آنچه سزا دادی پدری را

عن ولده واجعل ثوابهما عندك جنات النعيم واغفر لنا ولاخواننا

از فرزندش و بگردان ثواب ایشان را نزد خودت بهشتهای با نعمت و بیامرز ما را و برادران ما را

الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك

آنانکه پیشی گرفتند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه گرویدند پروردگارا

رؤف رحيم

رؤف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات الاحياء

مهربان بخشاینده و بیامرز برای ما و برای مردان مومن و زنان مومن زندگان ایشان

منهم والاموات اللهم اصلح ذات بينهم واجمع على الهدى

از ایشان و مردگان ایشان خداوندا اصلاح آور در حالتی که میان ایشان است و گردان جمع

امرهم واجعلني واياهم على طاعتك ومحبتك اللهم والمم

کار ایشان را و بگردان مرا و ایشان را بر فرمانبرداری خود و دوستی خود خداوندا فراهم آور

شعثهم واحقن دماءهم وول امرهم خيارهم اهل الرافة

پراکندگی ایشان را و باز دار ریخته شدن خونهای ایشان را و بگردان متولی کار ایشان اهل مهربانی

والمعدلة عليهم انك على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب

و عدالت بر ایشان بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی ای پروردگار من ای پروردگار

اللهم بديع السموات والارض عالم الغيب والشهادة

خداوندا پدید آرنده آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار

ذا الجلال والاكرام والجود والقوة والسلطان والجبروت

صاحب بزرگی و بخشش و جود و توانایی و سلطنت و بزرگواری

والملكوت والكبرياء والعظمة والقدرة والمدحة والرهبة

و گرامی داشتن و بزرگی و بزرگواری و توانایی و ستایش و ترس

والرغبة والجود والعلو والحجة والهدى والطاعة والعبادة

و خواهش و بخشش و بلندی و حجت و براهنمائی و فرمانبرداری و پرستش

ولا امر والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين يا رب يا رب
دو امری و آفرینش و هر چیزی که مر تراست ای پروردگار جهانیان ای پروردگار ای پروردگار
يا رب اسالك يا رب سؤال الضارعين المتضرعين المسا
ای پروردگار من سوال میکنم از تو ای پروردگار من سوال کردن فروتنی کنندگان زاری نمایندگان درگاه
كين المستكينين الراهبين الراغبين الذين لا يجدون
درویشان تذلل کنندگان ترسندگان خواهشمندان آنکه بی پرسند
سواك يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي
غیر ترا ای آنکه اجابت میکند درمانده را و زایل میکند بدحالی را و اجابت میکند خواننده را
ويعطي السائل اسالك سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا
و عطا میفرماید سوال کننده را سوال میکنم از تو سوال کردن کسی که نیافته باشد برای ناتوانی خود تقویت دهنده
لذنبه غافرا ولا لفقره سادا غيرك اسالك سؤال من اشتد
و نه آمرزنده گناهان خود و نه برای حاجت خود بسته کننده غیر از تو سوال میکنم از تو سوال کردن کسی که
فاقته وضعفت قوته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والاكرام يا رب
فقر او و سست گشته باشد توانائی او و بسیار شده باشد گناهان او ای صاحب بزرگی و بخشش ای پروردگار
يا رب يا رب اسالك يا رب مسئلة من كل سائل ورغبة كل راغب
ای پروردگار من سوال میکنم از تو ای خدای من سوال کردن هر سوال کننده و خواهش هر خواهش کننده
تذلل اذا دعيت اجبت وبحق السائلين عليك وبحق صفوتك
که بخشش کنی او را هرگاه خوانده شوی اجابت کنی و بحق سوال کنندگان بر تو و بحق برگزیده از

من عبادك ومنتهى العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
از بندگان تو و منتهی عزت تو از عرش تو و منتهی رحمت تو که از کتاب
ان لا تستدرجني بخطيئتي ولا تجعل مصيبتي في ديني واكرمني
اینکه کمند نافرمانی مرا بعقوبت خود و نه گردانی مصیبت مرا در دین من و گرامی کن
يا رب برضاك ولا تنسني حتى تنشر رحمتك واقبل علي بوجهك
ای پروردگار من بخوشنودی خود و فراموش مکن مرا تا پراکنده کنی رحمت خود را و بپذیر بر من بروی
الكريم وامنن علي بكل امنيتك يا كريم العفو واستجب دعائي
کریم خود و احسان کن بر من بهر آرزوی خود ای کریم در گذشتن و اجابت کن دعای مرا
وارحم تضرعي فاني بائس فقير خائف مستجير من عذابك
و رحم کن زاری نمودن مرا که من بدحال محتاج ترسان زنهار جوینده ام از عذاب تو
لا اقوى بعلي ولكني اتقوى برحمتك يا رب يا رب يا رب اللهم كن
من توانایی ندارم بر بلا و لیکن توانائی دارم ببخشش تو ای پروردگار من خداوندا باش
بي حفيا ولا تجعلني بدعائك رب شقيا وامنن علي بعافيتك
بمن مهربان و مگردان مرا بخواندن خود پروردگار من بدبخت و بخشش کن بمن بعافیت خود
واعتق رقبتي من النار فانني لا استغيث بغيرك فاجرني
و آزاد کن گردن مرا از آتش پس من استغاثه نمیکنم بغیر تو پس پناه ده مرا
من كل هول ومشقة وخوف وامن خوفي وشجع جبني وقو ضعفي
از هر ترس و مشقتی و ترس و ایمن دار خوف مرا و دلیر کن بددلی مرا و توانا گردان

وَسُدَّ فاقتي واصلح لي جميع أموري يا رب أعوذ بك من هول المطّلع

و ببند حاجت مرا و بصلاح آور برای من همه کارهای مرا ای پروردگار من پناه میبرم بتو از ترس روز قیامت

ومن شدة الموقف يوم الدين فإنك تجير ولا يجار عليك يا رب

و از سختی محل ایستادن در روز جزا پس تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار

يا رب يا رب اللهم لا تعرض عني وجهك حين أسألك فلا ترد

ای پروردگار من خداوندا مگردان از من روی خود را هنگامی که سوال کنم رد مکن

لي سؤالك وأعطني مسألتي وآمن خوفي يوم ألقاك اللهم إني

مرا بجز تو و ببخش کن مرا آنچه خواستم و ایمن گردان از ترس مرا در روزی که ملاقات کنم خداوندا

أعوذ بك فأعذني فإني ضعيف خائف مستجير بالشر فقير يا رب

پناه میگیرم بتو پس پناه ده مرا درستی که من ناتوانم ترسانم زنهار جوینده ام محتاجم ای پروردگار

يا رب يا رب اللهم اكشف ضر ما استعذتك منه والبسني رحمتك

ای پروردگار من خداوندا زایل کن گزند آنچه را که پناه میجویم بتو از آن و بپوشان مرا رحمت خود

وجللني عافيتك وآمني رحمتك فإنك تجير ولا يجار عليك اللهم

و فرو گیر مرا بعافیت خود و ایمنی بخش مرا برحمت خود که تو پناه میدهی و پناه داده نشود بر تو خداوندا

إني أعوذ بك من وحشة القبر ومن خلوته ومن ظلمته وضيقه وعذابه

من پناه میبرم بتو از رمیدن در قبر و از تنهایی آن و از تاریکی آن و تنگی آن و عذاب آن

ومن هول ما أتخوف بعده يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم

و از ترس آنچه میترسم پس از آن ای پروردگار عالمیان ای پروردگار من خداوندا

اني اسألك

إني أسألك أن تصلي على محمد وأهل بيته صفوتك وخيرتك

بدرستی که من سوال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل خانه او و برگزیده خود و پسندیده خود

من خلقك وأن تستجيب لي دعائي وتعطيني سؤلي واكفني أمر

از خلق خود و اینکه اجابت کنی برای من دعای مرا و عطا کنی مرا سوال مرا و بازداری از من امر

آخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي ما تقدم منها

آخرت من و دنیای من و رحم کن درویشی مرا و بیامرز گناهان مرا آنچه مقدم است از آنها

وما تأخر وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني

و آنچه مؤخر است و بده مرا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و بازدار از من

عذاب النار اللهم ارزقني صلة قرابتي وحجا مقبولا وعملا

از عذاب آتش خداوندا روزی کن مرا به پرسش خویشان خود و حجی پذیرفته و کرداری

صالحا مبرورا ترضاه ممن عمل به وأصلح لي أهلي وولدي أسألك

شایسته قبول کرده شده که پسندی آنرا از هر که کند آن را و صلاح آور برای من و فرزندان مرا

أن تجعل لي عقبا صالحا تلحقني من دعائهم رضوانا ومغفرة و

اینکه گردانی برای من فرزندانی شایسته که برسانی مرا از دعای ایشان خوشنودی و آمرزشی

زيادة في كرامتك إنك على كل شيء قدير وأنت أرحم الراحمين

زیادتی در نوازش تو بدرستی که تو بر هر چیز توانایی و تو بخشنده ترین بخشندگانی

يا رب يا رب يا رب اللهم وكلما كان في قلبي من شك أو ريبة

ای پروردگار من خداوندا و هر چه باشد در دل من از شک یا تهمت

أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ فَرَحٍ أَوْ مَرَحٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ فَخْرٍ أَوْ خُيَلَاءَ أَوْ جُبْنٍ

یا انکار یا نومیدی یا شادی یا فرحی یا طغیان یا نازیدن خود یا ترس یا بیم

أَوْ خِيفَةٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيَانٍ

یا خوف یا ریا یا سمعه یا عناد یا نفاق یا کفر یا بیکاری یا فرمانی

أَوْ عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِمَّا لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ أَوْلِيَاءَكَ فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

یا بزرگی یا چیزی از آنچه دوست نمیداری بران دوستان خود را پس الهی بحق محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمْحُو ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي وَأَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيمَاناً بِوَعْدِكَ

و آل محمد و اینکه زایل کنی آن را از دل من و اینکه بدل آوری برای من گرویدن وعدهٔ تو

وَرِضاً بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً

و خشنودی بحکم تو و وفا کردن به پیمان تو و ترس از تو و بی رغبتی

فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ

در دنیا و خواهش در آنچه نزد تست و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو

وَتَوْبَةً إِلَيْكَ نَصُوحاً يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا

و بازگشت بتو بازگشت خالص ای پروردگار من خداوندا مر تراست سپاس چنانکه

خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَاعْفُ عَنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ

خلق کردی مرا و نبودم چیزی نام برده شده پس عفو کن مرا از شدائد دنیا و بلاهای

الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ

مهلک روزگار و مکتبهای حوادث زمانه و اندوههای آخرت و مصیبتهایی که میرسد از شبها و روزها

واكفني شر

وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ

و دفع کن کرده آنچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا برکت ده مرا در تقدیر خود

وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَارْزُقْنِي شُكْرَكَ

و خوشنود کن مرا بحکم خود خداوندا بگشا گوشهای دل مرا برای شنیدن ذکر خود و روزی کن

وَتَوْفِيقاً وَعِبَادَةً وَخَشْيَةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و توفیق و طاعت و ترس ای پروردگار عالمیان ای پروردگار من

اللَّهُمَّ اطَّلِعْ إِلَيَّ الْيَوْمَ اطِّلَاعَةً تُدْخِلُنِي بِهَا الْجَنَّةَ اللَّهُمَّ

خداوندا بنگر بر من در این روز نگریستنی که در آوری مرا بسبب آن در بهشت خداوندا

اسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْهُ مِنِّي وَاجْعَلْهُ دُعَاءً جَامِعاً يُوَافِقُ

اجابت کن دعای مرا و قبول کن آن را از من و بگردان او را دعای جمع آورنده موافق

بَعْضُهُ بَعْضاً فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ

بعضی از او با بعضی آن بدرستی که هر چیز نزد تو باندازه است خداوندا و بگردان او را از

شَأْنِكَ فَإِنَّكَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ اللَّهُمَّ وَاكْتُبْهُ لِي فِي عِلِّيِّينَ

جملهٔ کار خود که تو هر روز در کاری خداوندا و بنویس آن را برای من در علیین

فِي كِتَابٍ لَا يُمْحَى وَلَا يُبَدَّلُ بِأَنْ تَقُولَ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي مَا تَقَدَّمَ

در کتابی که محو نشود و تغییر داده نشود و اینکه گویی بتحقیق آمرزیدم برای بندهٔ خود آنچه پیش

مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَاسْتَجَبْتُ لَهُ دَعْوَتَهُ وَوَفَّقْتُهُ وَاصْطَفَيْتُهُ

از گناه او و آنچه از پس مانده و پذیرفتم برای او دعای او را و توفیق دادم او را و برگزیدم او را

لِنَفْسِي وَكَرَّمْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ وَعَصَمْتَهُ وَهَدَيْتَهُ وَذَكَّيْتَهُ وَ

برای ذات خود گرامی داشتم و او را بزرگی دادم و او را نگاه داشتم و او را هدایت کردم و او را پاک نمودم و او را

أَصْلَحْتَهُ وَاسْتَخْلَصْتَهُ وَغَفَرْتَ لَهُ وَغَفَرْتَ عَنْهُ آمِينَ يَا رَبِّ

و اصلاح کردم او را و او را برگزیدم و او را آمرزیدم و درگذشتم از آن اجابت کن ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار من خداوندا بدرستی که من متوجه میشوم بسوی تو بوسیله پیغمبر تو پیغمبر رحمت محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خَلَاصِي وَخَلَاصِ وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا

رحمت فرستاد خدا بر او و آل او در خلاصی خود و خلاصی مادر و پدر من و آنچه زائیده‌اند

وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ ذُرِّيَّتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَجَمِيعِ

و خاندان من و فرزندان من و همه فرزندان فرزندان من و برادران من در راه تو و همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكُلِّ وَلَدٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ

مؤمنین و مؤمنات و هر یک از فرزندان من که داخل شده در اسلام از شداید روز

الْقِيٰمَةِ وَمِنْ شَرِّ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالِهَا

قیامت و از شر عذاب قبر و از غمهای این جهان و آن جهان و شدتهای آن

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي عِزَّهَا وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّهَا وَتُثَبِّتَنِي بِالْقَوْلِ

و سؤال میکنم از تو اینکه روزی کنی مرا عزت آن و بگردانی از من شر آن را و ثابت داری مرا بگفتار

الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ وَصَلَّى اللّٰهُ

ثابت خود در زندگانی دنیا و آخرت بدرستی که تو مهربان بخشاینده و رحمت فرستاد

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا رَبِّ

بر محمد و آل او درود بسیار و بس است ما را خدا و خوب کارگذاریست ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ

ای پروردگار من خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی از من گزند هر ستمکار

عَنِيدٍ وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ وَمِنْ

ستیزه کننده و از شیطان سرکش و از گزند هر ناتوانی از خلق خود و توانایی و از

شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَالْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

گزند هر صاحب سمی که کشنده و صاحب گزندی که کشنده نیست و دیوانه کننده خاص و عام و از گزند هر

دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ

جنبنده خورد و بزرگی در شب و روز و از گزند بدکاران عرب

وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و عجم و از گزند بدکاران دیو و آدمیان بدرستی که تو بر هر چیز توانایی

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ

و نیست قدرتی و نه توانایی مگر بخدا بلندمرتبه بزرگ و رحمت فرستاد خدا بر بهترین

مَخْلُوقِهِ دَعَا إِلَى الْخَيْرِ مَعْبُودِهِ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

آفریننده که خواننده بسوی بهترین آفریننده خداوندا پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و در آن جهان نیکی و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای پروردگار من

يا رب اللهم وما كان من خير او عمل صالح اسألك به واكون
ای پروردگار من خداوندا و آنچه باشد از نیکی یا کردار شایسته سوال میکنم ترا بآن و بگردم
في رضوانك وعافيتك وما صلح من ذلك من البر فامنن
در خشنودی تو و عافیت تو و آنچه شایسته باشد از آن از نیکی پس بخشش کن
علي به اني اليك راغب وبك مستجير اللهم ما استعفيتك
بر من بآن که من بسوی تو خواهشمندم و بتو زنهار جوینده‌ام خداوندا آنچه طلب کردم عفو
منه وما لم استعفك منه وتوجب علي به النار وسخطك
از آن و آنچه طلب گذشتن نکردم ترا از آن و واجب میکنی بر من بآن آتش را و غضب خود را
فعافني منه وما عذت من الخازي يوم القيمة وسوء المطلع
پس عافیت بخش مرا از آن و آنچه پناه گرفتم از خوارهای روز قیامت و بدی گردیدن را
الى ما في القبور فاعذني منه اللهم وما اندم عليه من فعلي
بسوی آنچه هست در قبرها پس پناه ده مرا از آن خداوندا و آنچه پشیمان گردم بر آن از کردن خود
له واجازي عليه يوم المعاد او تراني في الدنيا على الحال
آن را و پاداش داده شوم بر آن روز رستخیز یا ببینی مرا در دنیا بر حالتی
التي تورث سخطك فاسألك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي
که میراث دهد غضب ترا پس سوال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگی تو آنکه بزرگ کنی عافیت مرا
من جميع ذلك يا ولي العافية يا رب يا رب يا رب واسألك يا رب
از همه اینها ای بخشنده عافیت ای پروردگار من ای پروردگار من و سوال میکنم از تو

مع ذلك

مع ذلك العافية من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة
با آنچه مذکور شد عافیت ترا از دشواری بلا و بدی حکم و شادی
الاعداء وان لا تحملني ما لا طاقة لي به وان تسلط علي ظالما
دشمنان و آنکه بار نکنی مرا آنچه طاقت نداری من بآن و آنکه دست ندهی بر من ستمکار را
وتبتليني بما لا طاقة لي به وتناقشني الحساب يوم الحساب
و آنکه مبتلا نکنی مرا بآنچه نیست توانائی مرا بآن و آنکه استقصا نکنی حساب مرا در حساب کردن
مناقشة بمساوي احوج ما اكون الى عفوك وتجاوزك اسألك
استقصا نمودن در حساب گناهان در محتاج‌ترین وقتی که باشم بسوی عفو تو و درگذشتن تو سوال کنم
بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي العافية
بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بزرگ کنی عافیت مرا در همه اینها ای بخشنده عافیت
اي من عفى عن السيئات ولم يجازها ارحم عبدك يا رب يا رب
ای آنکه درگذشته از گناهان و پاداش نداده بآنها رحم کن بنده خود را ای پروردگار من
يا رب يا الله يا الله نفسي نفسي عبدك يا سيداه عبدك
ای پروردگار من ای خدا ای خدا رحم کن نفس مرا رحم کن بنده خود را ای آقا بنده تو
بين يديك يا رباه يا رباه يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في
در پیش تست ای پروردگار من ای پروردگار من ای نهایت خواهش من ای روان‌کننده خون در
عروق عبدك يا سيداه يا مالك عبده يا سيداه يا مالكاه
رگهای من بنده توام ای آقا ای خداوند بنده خود ای آقا ای خداوند

يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا غنا بي عن نفسي ولا استطيع لها

بیچاره ای پروردگار نیست چاره مرا و نیست بی‌نیازی مرا از جان خویشم و قدرت ندارم برای

ضرا ولا نفعا ولا رجاء لي ولا اجد مصانعه تقطعت اسباب

زیانی و نه سودی و نه امیدی مرا و نیست کسی که رشوت دهم او را بریده شده رشته‌های

الخدائع واضمحل عني كل باطل افردني الدهر اليك فقمت

فریبها و رفته شد از من هر باطلی که تنها گذاشته مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم

هذا المقام الهي بعلمك فكيف انت صانع بي ليت شعري

در اینجا ای خدای من بدانش تو پس چگونه تو معامله کنی با من کاش دانستمی

ولا اشعر كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول لا فان قلت

و ندانم که چگونه جواب میگویی دعای مرا آیا میگویی بلی یا میگویی نی پس اگر گویی

لا فيا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه

نی پس ای وای وای ای فغان وای وای فغان و زاری ای فغان و زاری

يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلاه يا ذلاه الى من وممن

ای بدبختی ای بدبختی ای خواری ای خواری بسوی که جویم از که گریزم

عند من او كيف او بماذا او الى اي شيء ومن ارجو ومن يعود علي

نزد که یا چگونه یا بچه روش یا بسوی کدام چیز و که را امید دارم و که نفع رساند

ان رفضتني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى

اگر تو واگذاری مرا ای فراخ آمرزش و اگر گویی بلی چنانچه می‌پندارم بتو پس خوشا

لی وانا السعید

لي انا السعيد فطوبى لي انا المرحوم يا مترحم يا مترئف يا

از تست منم نیکبخت پس خوشحالی از تست منم بخشوده شده ای بخشاینده ای مهربان ای

متعطف يا محيي يا متملك يا متسلط لا عمل لي ارجو به نجاح

متعطف ای زنده سازنده ای پادشاه ای سلطنت کننده نیست کرداری مرا که امید دارم بآن

حاجتي ولا احد انفع لي منك يا من عرفني نفسه يا من امرني

روا شدن حاجت خود و نیست کسی نفع رساننده‌تر برای من از تو ای که شناسانده بمن نفس خود را ای که امر کرد

بطاعته يا مدعو يا مسئول يا مطلوبا اليه رفضت وصيتك

بفرمانبرداری خود ای خوانده شده ای درخواست شده ای طلب کرده شده بسوی او واگذاشتم وصیت

التي وصيتني ولو اطعتك لكفيتني ما قمت اليك فيه من

که وصیت فرمودی و اگر فرمان برداری کردی ترا کفایت کردی مرا آنچه ایستادم بسوی تو در آن پیش

قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين

از آنکه بایستم و من با نافرمانی خود مر ترا امیدوارم پس حایل مشو میان من و میان

ما رجوته واردد يدي ملأ من خيرك بحقك يا سيدي يا مولى

آنچه امید دارم آن را و برگردان دست مرا پر از خیر خود بحق خود ای آقای من ای مولای

انا من قد عرفت شر عبد وانت خير رب يا مخشي الانتقام

منم آنکه بتحقیق شناختی او را بدترین بنده و تو بهترین پروردگاری ای ترسیده شده انتقام

يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا محيط بملكوت السما

ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای فراگیرنده پادشاهی آسمانها

والارض اصلح لي دنياي واصلح لي آخرتي لاهلي واصلح لي ولدي
و زمین و اصلاح آور برای من دنیای من و اصلاح آور کار دین من و کار اهل من و اصلاح آور برای
واصلح لي ما خولتني يا الهي واصلح لي من خطاياي يا حنان
و اصلاح آور برای من آنچه عطا فرمودی به من ای خدای من و اصلاح آور برای من از گناهان من ای مهربان
يا منان تفضل علي برحمتك وامنن علي باجابتك وصل
ای انعام کننده بخشش کن بر من برحمت خود و بخشش کن بر من باجابت خود و رحمت فرست
اللهم على محمد النبي واهله وسلم وحل بيني وبين ما حال
خداوندا بر محمد که پیغمبر است و خاندان او و حایل شو میان من و میان آنچه حایل است
بينه وبين اهل بيت محمد من الباطل واتنا في الدنيا حسنة
میان او و میان خاندان محمد از امر ناحق و بده ما را در دنیا نیکی
وفي الآخرة حسنة يا ارحم الراحمين يس بسم الله الرحمن الرحيم
و در آخرت نیکی ای بخشنده ترین بخشندگان بگوا بنام خداوند بخشاینده مهربان
والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله
و خدای شما خدای یگانه است نیست خدایی مگر او که بخشاینده مهربانست خدایست که نیست
الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
مگر او که زنده است و پاینده است نگیرد او را پینکی و نه خواب مر او راست آنچه اندر آسمانها
وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين
و آنچه در زمین است کیست آنکه درخواست کند نزد او مگر بدستوری او و میداند آنچه پیش

ایدیهم وما



ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء
پیش روی ایشانست و آنچه پس سر ایشانست و در نمی یابند چیزی از دانش او مگر بآنچه خواسته
وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو
فراگرفته کرسی او آسمانها و زمین و در رنج نمیکند او را نگاهداشتن آنها و اوست
العلي العظيم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي
بلند مرتبه بزرگ مرتبه خدایست که نیست خدایی مگر او که زنده است و پاینده است اوست آنکه
يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم
نگار و صورت شما را در رحمهای مادران بهر گونه که میخواهد نیست خدا مگر او که غالب است درست کردار
الذين يقولون ربنا اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب
آنکه میگویند ای پروردگار ما بدرستی که گرویدیم پس بیامرز برای ما گناهان ما را و نگاهدار ما را از عذاب
النار الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين و
آتش شکیبایان و راست گویان و طاعت کنندگان و خرج کنندگان
المستغفرين بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولو
و آمرزش طلبان در سحرها گواهی داد خدا آنکه نیست خدایی مگر او و فرشتگان و صاحبان
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند
دانش ایستاده بعدالت نیست خدایی مگر او که غالب درست کردار است بدرستی که دین نزد
الله الاسلام لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب
خدا اسلام است نیست خدایی مگر او که فراهم آورد شما را در روز قیامت نیست شکی

فيه ومن اصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق

و آن و کیست راست‌تر از خدا به گفتار آنست خدا پروردگار شما نیست خدایی مگر او آفریننده

كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من

هر چیزی پس بپرستید او را و او بر همه چیز نگهبان پیروی کن آنچه وحی شده بسوی تو

ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني

پروردگار تو نیست خدایی مگر او و روی گردان از شرک آرندگان بگو ای مردمان بدرستی که

رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا

فرستاده خدایم بسوی شما همه آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدایی

اله الا هو يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن

خدایی مگر او زنده میکند و میمیراند پس بگروید بخدا و پیغمبر او پیغمبر امی آنکه میگرود

بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا

بخدا و کلمهای او و پیروی کنید او را شاید شما راه یابید و فرموده نشدند مگر آنکه بپرستید

الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون لقد جاءكم رسول

خدا را یگانه نیست خدایی مگر او پاکست خدا از آنچه انباز آورند بتحقیق که آمد شما را پیغمبری

من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم

از جنس نفسهای شما گران است بر او رنج و تعب شما حریص بر شما بگروندگان مهربان بخشاینده

فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش

پس اگر برگشتند پس بگو بس است مرا خدا نیست خدایی مگر او بر او اعتماد کردم و او پروردگار عرش





العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذي امنت

بزرگ است تا آنکه دریافت او را غرق گفت باور کردم اینکه نیست خدایی مگر آنکه گرویده‌اند

به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل

بآن پسران یعقوب و من از گردن نهندگانم پس اگر اجابت نکردند مر شما را پس بدانید که این فرو فرستاده شده

بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون قل هو ربي لا اله

بدانش خدا و اینکه نیست خدایی مگر او پس آیا شما گردن نهندگانید بگو وی پروردگار من نیست خدایی

الا هو عليه توكلت واليه متاب ان انذروا انه لا اله الا انا

مگر او بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من اینکه اعلام کنید بتحقیق که نیست خدایی مگر من

فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى فاستمع لما يوحى

پس بترسید مرا خداست که نیست خدایی مگر او مر او راست نامهای نیکو پس گوش دار آنچه وحی کرده شود

انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما

بدرستیکه منم خدا که نیست خدایی مگر من پس بپرستید مرا و بپا دارید نماز را که بخاطر آوردن من

الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا

جز این نیست که معبود شما خدایست که نیست خدایی مگر او که فرا گرفته هر چیز را بدانش و نفرستادیم

من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون

پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه وحی کرده شده بسوی او و ...

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات

و یاد کن صاحب ماهی را یونس چون رفت خشمناک پس گمان کرد که تنگ نگیریم بر او پس ندا کرد در تاریکیها

أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا

اینکه نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو که من بودم از ستمکاران پس اجابت کردیم

له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك

برای او و رهانیدیم او را از اندوه و همچنین میرهانیم گروندگان را پس برتر است خدا پادشاه

الحق لا إله إلا هو رب العرش الكريم الله لا إله إلا هو رب

باستحقاق نیست خدایی مگر او پروردگار عرش بزرگ خدا که نیست خدایی مگر او پروردگار

العرش العظيم وهو الله لا إله إلا هو له الحمد في الأولى

عرش بزرگ و اوست خدا که نیست خدایی مگر او مر او راست ستایش در اینجهان

والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون يا أيها الناس اذكروا نعمت

و آنجهان و مر او راست حکم و بسوی او بازگردیده شوند ای گروه مردمان یاد کنید نعمت

الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض

خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا که روزی کند شما را از آسمان و زمین

لا إله إلا هو فأنى تؤفكون إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله

نیست خدایی مگر او پس از کجا دروغ بر بسته میشوید بدرستی که ایشان بودند چون گفته میشد ایشان را که نیست خدایی مگر خدا

يستكبرون ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى تصرفون

گردنکشی میکردند آنست خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدایی مگر او پس بکجا گردانیده میشوید

غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا إله إلا

آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت عقوبت خداوند انعام نیست خدایی مگر



هو إليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو فأنى

او بسوی اوست بازگشت آنست خدا پروردگار شما خلق کننده هر چیز نیست خدایی مگر او پس بکجا

تؤفكون تبارك الله رب العالمين لا إله إلا هو يحيي ويميت

[illegible] پروردگار جهانیان نیست خدایی مگر او زنده میکند و میمیراند

ربكم ورب آبائكم الأولين فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر

پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینیان شما پس بدان بدرستی که نیست خدایی مگر خدا و طلب آمرزش کن

لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم

برای گناهان خود و برای مردان گرونده و زنان گرونده و خدا میداند جای تردد شما و جای آرام شما

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من

اگر فرو فرستادیمی این قرآن را بر کوه هرآینه میدیدی او را ترسان شکافته از

خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

ترس خدا و این داستانها مثلها است که میزنیم آنها را برای مردمان شاید ایشان اندیشه کنند

هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

اوست خدا که نیست خدا مگر او دانای پنهان و آشکار اوست بخشاینده مهربان

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن

اوست خدا که نیست خدایی مگر او پادشاه پاک از هر عیب ایمن دهنده

المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله

نگهبان غالب صاحب عظمت بزرگوار پاکست خدا از آنچه شرک می آرند اوست خدا

الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في

آفریننده آفریدگار صورت بخش مر اوراست نامهای نیک تسبیح کند مر او را آنچه در

السموات والارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى

آسمانها و زمینهاست و اوست غالب راست گفتار خدائیست که نیست خدائی مگر او و بر

الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو

خداست پس توکل میکنند گروندگان پروردگار مشرق و مغرب نیست خدائی مگر او

فاتخذه وكيلا پس بگو وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من

پس دگیر او را کارساز من پس بگو و بدرستی که او کتابیست غالب نیاید او را باطل [illegible] از

بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد پس آمنا بالله و

پیش او و نه از پس او فرو فرستاده شده [illegible] بگو گرویدیم بخدا

ما انزل الينا وما انزل الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب

و آنچه فرستاده شده بسوی ما و آنچه فرو فرستاده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب

والاسباط وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم

و اسباط و آنچه داده شده اند موسی و عیسی و آنچه داده شده اند پیغمبران از پروردگار

لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والارض

جدائی نمی کنیم هیچیک از ایشان و ما مر او را گردن نهندگانیم پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین

لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذي هدانا

هرگز نخوانیم بجز او خدائی را هر آینه بتحقیق گفته باشیم آنوقت کاری دروغ بسیار حمد مر خدای را که راه نمود ما را

لهذا وما كنا



لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل

بطرف خود اینجا و نبودیم که بخود راه بریم اگر نه هدایت میکرد ما را خدا هر آینه آمدند پیغمبران

ربنا بالحق صلى الله عليهم اجمعين پس السلام عليك يا رسول

پروردگار ما براستی درود فرستاد خدا بر ایشان همگنان بگو درود باد بر تو ای رسول

السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا خيرة الله من خلقه

درود باد بر تو ای پیغمبر خدا درود باد بر تو ای برگزیده خدا از خلق او

وامينه على وحيه السلام عليك يا مولاي يا امير المؤمنين

و معتمد او بر پیغام او درود باد بر تو ای آقای من ای پادشاه گروندگان

انت حجة الله على خلقه وامينه على وحيه وباب علمه ووصي

تو حجت خدا بر خلق او و با امانت اوئی بر وحی او و درگاه علم او و وصی

نبيه والخليفة من بعده في امته لعن الله عصبة غصبتك حقك

پیغمبر اوئی و جانشین پس از پیغمبر در امت او لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق

وقعدت مقعدك انا بريء منهم ومن شيعتهم اليك السلام

و نشستند در نشستنگاه تو من بیزارم از ایشان و از پیروان ایشان بسوی تو درود

عليك يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين

بر تو ای فاطمه بتول درود باد بر تو ای بهترین زنان جهانیان

السلام عليك يا بنت رسول الله رب العالمين صلى الله عليه

درود باد بر تو ای دختر رسول خدا پروردگار جهانیان درود فرستاد خدا بر او

وعلیه السلام علیک یا ام السبطین الحسن والحسین

و بر او سلام او بر تو ای مادر دو فرزند زاده پیغمبر که حسن و حسین است

لعن الله امة غصبتک حقک ومنعتک ما جعله الله لک

دور کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا و باز داشتند از تو آنچه را که گردانیده بود خدا

حلالا انا بریء الیک منهم ومن شیعتهم السلام علیک یا

حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان و از پیروان ایشان درود باد بر تو ای

مولای یا ابا محمد الحسن الزکی لعن الله امة قتلتک وتابعت

آقای من ای ابا محمد حسن پاکیزه لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و همراهی کردند

فی امرک وشایعت انا بریء الیک منهم ومن شیعتهم السلام علیک

در کار تو و گروهی را که پیروی کردند من بیزارم بسوی تو از ایشان و از پیروان ایشان درود بر

یا مولای یا ابا عبد الله الحسین بن علی صلوات الله علیک وعلی

ای آقای من ای ابا عبد الله الحسین پسر علی رحمتهای خدا بر تو و بر

ابیک وجدک محمد المصطفی صلی الله علیه وآله لعن الله امة

پدر تو و جد تو محمد برگزیده درود خدا بر او و آل او دور کند خدا گروهی

استحلت دمک ولعن الله امة قتلتک واستباحت حریمک

که حلال دانستند خون ترا و دور کند خدا گروهی را که کشتند ترا و مباح شمردند گروه دیگر حرم

ولعن الله اشیاعهم واتباعهم ولعن الله الممهدین لهم بالتمکین

و دور کند خدا پیروان ایشان و متابعان ایشان را و دور کند خدا آنها که در گرفتند کار ایشان

من قتلکم



من قتلکم انا بریء الی الله والیک منهم السلام علیک یا مولای

از کشتن شما من بیزارم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان درود باد بر تو ای آقای من

یا ابا محمد علی بن الحسین السلام علیک یا مولای یا ابا جعفر

ای ابا محمد علی پسر حسین سلام بر تو ای آقای من ای ابا جعفر

محمد بن علی السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله جعفر بن محمد

محمد پسر علی سلام بر تو ای آقای من ای ابا عبد الله جعفر پسر محمد

السلام علیک یا مولای یا ابا الحسن موسی بن جعفر السلام علیک

سلام بر تو ای آقای من ای ابا الحسن موسی پسر جعفر سلام بر تو

یا مولای یا ابا الحسن علی بن موسی الرضا السلام علیک یا مولای

ای آقای من ای ابا الحسن علی پسر موسی الرضا سلام بر تو ای آقای من

یا ابا جعفر محمد بن علی السلام علیک یا مولای یا ابا الحسن علی

ای ابا جعفر محمد پسر علی سلام بر تو ای آقای من ای ابا الحسن علی

بن محمد السلام علیک یا مولای یا ابا محمد الحسن بن علی السلام

پسر محمد سلام بر تو ای آقای من ای ابا محمد حسن پسر علی سلام

علیک یا مولای یا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان صلی

بر تو ای آقای من ای ابا القاسم حجت پسر حسن صاحب زمان رحمت

الله علیک وعلی عترتک الطاهرة الطیبة یا موالی کونوا شفعاء

خدا بر تو و بر عترت تو که پاک و پاکیزه اند ای آقایان من باشید در خواست

لي عند الله في حط وزري وخطاياي آمنت بالله وبما انزل

برای من نزد خدا در فرو گذاشتن بار گناهان من و خطاهای من گرویدم بخدا و بآنچه فرو فرستاده شد

اليكم واتوالى آخركم بما اتوالى اولكم وبرئت من الجبت والطا

بسوی شما و پیروی میکنم آخر شما را بآنچه پیروی کردم بآن اول شما را و بیزار شدم از جبت و طاغ

واللات والعزى يا موالي انا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم

و لات و عزی ای صاحبان من من صلحم آنرا که صلح است شما را و جنگم کسی که جنگ است شما را

وعدو لمن عاداكم وولي لمن والاكم الى يوم القيمة ولعن الله

و دشمنم کسی را که دشمن است شما را و دوستم کسی که دوست است شما را تا روز قیامت و دور کند خدا

ظالميكم وغاصبيكم ولعن الله اشياعهم واتباعهم واهل مذهبهم

ستمکاران شما را و غصب کنندگان شما را و دور کند خدا پیروان ایشان و متابعان ایشان را و هم کیشان ایشان

وابرأ الى الله واليكم منهم اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا

و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و کافیست تو گواه

واشهد محمدا صلى الله عليه وآله وعليا والاوصياء من

و گواه میگیرم محمد را رحمت خدا بر او و بر آل او و علی را و اوصیا را از

ذريتهما والثمانية حملة عرشك والاربعة الاملاك خزنة

فرزندان ایشان و هشت تن را که بردارندگان عرش تواند و چهار تن را که فرشتگان

علمك انا بريء من اعدائهم فصل على محمد وعلى اهل بيته الطيبين

و خزینه داران علم تواند بدرستیکه من بیزارم از دشمنان ایشان پس رحمت کن بر محمد و بر اهل بیت ایشان که پاکیزگان

الطاهرين



الطاهرين الصلوة والسلام اللهم اقرر عيني بصلاتي

پاکانند رحمت و درود خداوندا خنک کن دیده مرا بفرستادن تو

وصلوة اهل بيته واجعل ما هديتني اليه من الحق و

و درود فرستادن خاندان او و بگردان آنچه که راه نمودی مرا بسوی آن از حق و

المعرفة بهم مستقرا لا مستودعا يا ارحم الراحمين اللهم

شناختن ایشان ثابت شده نه امانت گذاشته شده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا

وعرفني نفسك وعرفني رسلك وعرفني ملائكتك و

و بشناسان بمن ذات خود را و بشناسان بمن فرستادگان خود و بشناسان بمن فرشتگان خود و

ولاة امرك اللهم اني لا آخذ الا ما اعطيت ولا اوقى الا

و والیان امر خود را خداوندا بدرستیکه من فرا نمیگیرم مگر آنچه بخشیدی تو و نگاه داشته نمیشوم مگر

ما وقيت اللهم لا تخرجني من منازل اوليائك ولا تزغ قلبي

آنچه نگاه داری مرا خداوندا بیرون مکن مرا از درجاهای فرود آمدن دوستان خود و میل مده دل مرا

بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب

بعد از آنکه رهنمودی مرا و ببخش برای من از نزد خود بخششی بدرستیکه تویی بخشاینده

وهيئ لي من امري رشدا اللهم وعلمني ناطق التنزيل وخلصني

و آماده کن برای من از کار من رستگاری خداوندا و بیاموز مرا قرآن فرو فرستاده شده و رهایی ده مرا

من المهالك اللهم وخلصني من الشيطان وجنوده ومن الشيطان

از موضعهای هلاکت خداوندا و برهان مرا از شیطان و گروه او و از شیطان

وَجُنْدِهِ وَمِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمَحْمُودِ وَبِعَلِيٍّ الْمَقْصُودِ
ولشکر او از جنت و یاوران او بحرمت محمد ستوده و بحرمت علی قصد کرده شده
وَبِحَقِّ شَبَّرٍ وَشَبِيرٍ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ
و بحرمت حسن و حسین و بحرمت نامهای تو که نیکست رحمت فرست بر محمد بهترین
الصَّلَوَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ يَا رَبِّ
رحمتها بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی و تو همه چیز را رسنده ای پروردگار من
يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ
ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای پروردگار ای پروردگار من ای آقا
يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ
ای آقای من ای معتمد من ای آقای من ای عماد آنکه نیست معتمدی برای او
يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ اَنْتَ رَبِّي وَاَنَا عَبْدُكَ
ای معتمد آنکه نیست معتمدی برای او و ای ذخیره آنکه نیست ذخیره برای او تو پروردگار منی و من بنده تو
عَلٰى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ مَوْقِفًا مَحْمُودًا وَلَا تَجْعَلْهُ
بر پیمان تو و وعده تو خداوندا بگردان آن عهد را اقامت گاهی ستوده و مگردان او را
آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَاَشْرِكْنَا فِي صَالِحِ الدُّعَاءِ مَنْ دَعَاكَ بِمِنًى وَعَرَفَاتٍ
آخر پیمان از ما و شریک کن ما را در شایسته دعای آنکه خواند ترا در منی و عرفات
وَمُزْدَلِفَةَ وَعِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَ زَمْزَمَ وَالْمَقَامِ
و مشعر و نزد قبر پیغمبر تو بر او و آل او درود و نزد چاه زمزم و مقام

اللهم لك



اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَيْثُ رَفَعْتَ اَقْدَارَنَا عَنْ شَدِّ الزَّنَانِيرِ فِي
خداوندا مر تراست سپاس آنجا که بلند کردی قدرهای ما را از بستن زنارها در
الْاَوْسَاطِ وَالْخَوَاتِيمِ فِي الْاَعْنَاقِ وَلَكَ الْحَمْدُ حَيْثُ لَمْ تَجْعَلْنَا
میانها و خاتمها در گردنها و مر تراست سپاس آنجا که نگردانیدی ما را
زَنَادِقَةً مُضِلِّينَ وَلَا مُدَّعِيَةً شَاكِّينَ مِنْ تَائِبِينَ وَلَا مُعَارِضِينَ
زندیقان گمراه نمایندگان و نه دعوت کنندگان شک دارندگان و نه معارضه کنندگان
وَلَا عَنْ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنْحَرِفِينَ
و نه از خاندان پیغمبر تو رحمت فرستاد خدا بر او و آل او میل کنندگان
اَللّٰهُمَّ كَمَا بَلَّغْتَنَا هٰذَا الْيَوْمَ الْمُبَارَكَ مِنْ شَهْرِنَا وَسَنَتِنَا هٰذِهِ
خداوندا چنانچه رسانیدی ما را این روز با برکت از ماه ما و سال ما این سال
الْمُبَارَكَةِ فَبَلِّغْنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ وَبَلِّغْنَا اَعْوَامًا كَثِيرَةً بِرَحْمَتِكَ
با برکت پس رسان ما را به آخر آن در عافیت و برسان ما را سالهای بسیار به رحمت خود
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا
يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا مَوْ
ای پروردگار من ای پروردگار من ای آقای من ای آقای من ای بزرگ من ای بزرگ
لَاهُ يَا مَوْلَاهُ اَللّٰهُمَّ وَمَا قَسَمْتَ لِي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَهٰذَا الْيَوْمِ
ای مولای من خداوندا و آنچه قسمت کردی برای من در این ساعت و در این روز

وفی هذا الشهر وفی هذه السنة من خیر او برکة او عافیة
و درین ماه و درین سال از نیکی و زیادتی یا عافیت
او مغفرة او رحمة او عتق من النار او رزق واسع حلال طیب
یا آمرزش یا مهربانی یا آزادی از آتش یا روزی فراخ حلال پاکیزه
او توبة نصوح فاجعل لنا فی ذلک اوفر النصیب واجزل
یا توبه خالص پس بگردانی برای ما درین روز و درین ماه وافرترین نصیب و فراوان‌تر
الحظ اللهم وما انزلت فی هذه الساعة وفی هذا الیوم و
بهره خداوندا و آنچه فرو فرستاده درین ساعت و درین روز و
فی هذا الشهر وفی هذه السنة من حرق او شرق او غرق
درین ماه و درین سال از سوختن یا اندوه یا غرق شدن
او هدم او ردم او خسف او قذف او مسخ او صیحة او زلزلة
یا ویران شدن یا در پستی یا فرو رفتن یا دشنام دادن یا بدل کردن یا فغان یا زلزله
او فتنة او صاعقة او برد او جنون او جذام او برص او اکل سبع
یا آشوب یا آتش آسمانی یا سردی یا دیوانگی یا خوره یا پیسی یا خوردن جانور
او میتة سوء وجمیع انواع البلاء فی الدنیا والآخرة فاصرفه
یا مردن ناخوش و همه اقسام بلا در دنیا و آخرت پس بگردان آنرا
عنا کیف شئت وانی شئت وعن جمیع المؤمنین فی کل دار و منزل
از ما هر روش که خواهی و هر سو که خواهی و از همه گروندگان در هر خانه و منزلی

فی شرق



فی شرق الارض وغربها عز جارک وجل ثناؤک ولا اله غیرک
در مشرق زمین و مغرب آن غالب است پناه برنده تو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدایی غیر تو
وحدک لا شریک لک فاطر السموات والارض عالم الغیب و
یگانه تویی نیست شریکی برای تو پدید آرنده آسمانها و زمین داننده پنهان
الشهادة رب کل شیء وملیکه اشهد ان لا اله الا الله وحده
و آشکار پروردگار هر چیز و مالک آن گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا که یگانه است او
لا شریک له واشهد ان محمدا صلی الله علیه وآله عبده
و نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم اینکه محمد رحمت خدا بر او و آل او بنده اوست
ورسوله واشهد ان الجنة حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها
و فرستاده اوست و گواهی میدهم اینکه بهشت حق و روز قیامت آینده است بی‌شک در آن
وان الله یبعث من فی القبور اشهد ان لا اله الا الله وحده
و در بیستی که خدا برانگیزاند آنها را که اندر قبرهایند گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا یگانه است
لا شریک له علیها اموت وعلیها ابعث حیا ان شاء الله رضیت
نیست انبازی مر او را بر عقیدت بمیرم و بر آن برانگیخته شوم زنده اگر خواهد خدا خوشنود
بالله ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا وبعلی
شدم بخدا پروردگاری و به اسلام دین و بمحمد که رحمت فرستاد خدا بر او و آل او پیغمبر و بعلی
ولیا وبالقرآن اماما وکتابا وبالکعبة قبلة وبابراهیم لنبینا ابا
صاحب اختیار و بقرآن پیشوا و کتاب و کعبه را قبله و به ابراهیم برای پیغمبر خود پدر

وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبأمير المؤمنين صلوات
وبمحمد که رحمت فرستاده خدا بر او و آل او پیغمبر و بپادشاه گروندگان رحمتهای
الله عليه للحق موضحا وللجنة والنار قاسما وبالأوصياء
خدا بر او باد برای حق ظاهر سازنده و بهشت و دوزخ را قسمت کننده و باوصیا
من ذريته أئمة وبالمؤمنين من شيعته إخوانا لا أشرك بالله شيئا
از ذریه آن پیشوا و به گروندگان از پیروان او برادران شریک قرار ندهم بخدا چیزی
ولا أتخذ من دونه وليا ولا أدعو معه إلها لا إله إلا الله وحده
و فرا نگیرم غیر او را دوستی و دعوی نکنم با او هیچ معبودی نیست سزاوار پرستش مگر خدا
لا شريك له إلها واحدا أحدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا
نیست شریکی مر او را خدای یگانه یکتا تنها پناه محتاجان فرو نگرفته هیچ زنی و نه
ولدا اللهم إني أسألك بالعظيم من الأيمان والقديم من نعمك
فرزندی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو به بزرگ از نعمتهای تو و دیرینه از نعمتهای
والمخزون من أسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد
و پنهان داشته شده از نامهای تو و آنچه پوشانیده از پرده‌ها از نیکویی تو و گرههای
العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا
عزت از عرش تو و نهایت بخشایش از کتاب تو و به تو تنها که نیست
شريك لك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن ترحم هذه النفس
شریکی مر ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی این نفس

الجزوع



الجزوع وهذا البدن الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك
جزع ناک و این تن ناشکیبائی را چنین که تاب ندارد گرمی آفتاب
فكيف حر نارك إن تعاقبني لا يزيد في ملكك شيء وإن
پس چگونه تاب آورد گرمی آتش ترا اگر عقاب کنی مرا فزون نگردد در پادشاهی تو چیزی و اگر
تعف عني لا ينقص من ملكك شيء أنت يا رب بخلقك أرحم
درگذری از من کم نگردد از پادشاهی تو چیزی تویی ای پروردگار بر آفریده تو مهربان‌تر
وبعبادك أعلم وبسلطانك أرأف وبملكك أقدم وبعفوك
و به بندگان تو داناتر و به پادشاهی تو بخشنده‌تر و به سلطنت تو دیرینه‌تر و به بخشش تو
أكرم وعلى عبادك أنعم لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين
بزرگوارتر و بر بندگان تو خود مهربان‌تر زیاد نکند در پادشاهی تو فرمان بردن اطاعت کنندگان
ولا ينقص منه معصية العاصين واعف عني يا أكرم الأكرمين
و کم نسازد از آن نافرمانی نافرمانبرداران پس درگذر از من ای بزرگوارترین بزرگواران
ويا أرحم الراحمين أتودد إليك وأستظل بفنائك وأستجير
و ای بخشاینده‌ترین بخشندگان پناه میگیرم بخدمت تو و پناه میگیرم در درگاه تو و زینهار میجویم
بقدرتك وأستغيث برحمتك وأعتصم بحبلك ولا أثق إلا
بتوانایی تو و استغاثه میکنم برحمت تو و چنگ در میزنم بریسمان تو و اعتماد نکنم
بك ولا ألجأ إلا إليك يا كاشف البلاء يا أحق من تجاوز وعفا
بتو و پناه نبرم مگر بسوی تو ای دفع کننده بلا ای سزاوارترین کسیکه درگذشت و عفو کرد

اللهم إن ظلمي مستجير بعفوك وخوفي مستجير بأمانك وفقري

خداوندا بدرستی که ستم کردن من زنهار جوینده است بعفو تو و ترس من زنهار جوینده است بامان تو و درویشی

مستجير بغناك ووجهي البالي الفاني مستجير بوجهك الدائم

پناه جوینده است ببی نیازی تو و روی کهنه نیست شونده پناه جوینده است بروی تو موجود همیشه

الباقي الذي لا يفنى ولا يبلى يا من لا يشغله شأن عن شأن

باینده که فانی نگردد و زایل نشود ای آنکه باز نمیدارد او را کاری از کاری دیگر

لا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا ولا تسلط

مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین اندوه ما و دست مده

علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وبإحسانك على إساءتنا

بر ما آنکه رحم نکند ما را و مهربانی بر دباری تو بر نادانی ما و به نیکویی خود بر بدکرداری

وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا وأعذنا من الأذى و

و بتوانایی خود بر ناتوانی ما و بی نیازی خود بر بی نیازی ما و پناه ده ما را از آزارها و

القذى والضر وسوء القضاء وشماتة الأعداء وسوء

خاشاکها و رنجها و حکم بد و شادی دشمنان و بدی

المنظر في المال والدين والأهل والولد وعند معاينة ملك

نگریستن در مال و در دین و در اهل و فرزندان و نزد مشاهده ملک

الموت اللهم يا رب نشكو غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة

مرگ خداوندا ای پروردگار من شکوه میکنیم بسوی تو از پنهانی پیغمبر ما و کمی یاوران و بسیاری

عدونا



عدونا وشدة الزمان علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر

دشمنان و سختی روزگار بر ما و واقع شدن آشوبها بما و یاری نمودن

الخلق علينا اللهم صل على محمد وآل محمد وافرج ذلك

خلق بر ما خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشا این را

بفرج منك وتعجله ونصر بعز وحق تظهره اللهم وابعث

بگشایشی از نزد خود و زودی آن و یاری که غالب گردانی آن را و حقی که ظاهر سازی آن را خداوندا و برانگیز

بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله للنصر لدينك وإظهار

قائم آل محمد را رحمت فرستاد خدا بر او و آل او برای یاری نمودن دین خود و ظاهر ساختن

حجتك والقيام بأمرك وتطهير أرضك من أرجاسها برحمتك

حجت خود و برپا داشتن فرمان تو و پاک کردن زمین خود از کثافتهای آن برحمت خود

يا أرحم الراحمين اللهم إني أعوذ بك أن أوالي لك عدوا أو

ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از آنکه دوستی کنم دشمن ترا یا

أعادي لك وليا أو أسخط لك رضا أو أرضى لك سخطا أو أقول

دشمنی کنم با دوست تو و خشم گیرم بر آنچه خشنود ساختی [illegible] یا بگویم

لحق هذا باطل أو أقول لباطل هذا الحق أو أقول للذين كفروا

مر حقی را که این باطل است یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم مر آنان را که کافر گردیده اند

هؤلاء أهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآل

که ایشان راه یافته ترند از آنانکه گرویده اند بحسب راه خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ
و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را به بخشش خود
عَذَابَ النَّارِ و سابقا مذکور شد که عمل استفتاح را نیز در این
از عذاب آتش روز بعمل آوردن مستحب است **فصل سیم**

اعمال شب عید قربان و عرفه

در بیان اعمال خیر و رتبه شب عید قربان و روز آن و ایام تشریق
اعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جمله
چهار شب است که احیای آنها سنت است و منقولست که در این شب
درهای آسمان بسته نمی شود برای آنکه صدای لبیکها و دعای حاجیان بالا رود
و صدای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل و حق تعالی
کند و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شمایید بندگان
و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است که دعای شما را مستجاب کنم پس
هر که مستحق آمرزش است همه گناهانش را می آمرزم و هر که سزاوار آن نیست
گناهانش را کم میکنم پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک باشد
در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین ع
سنت است و منقولست که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده شود و **اعمال روز عید اضحی** غسل بدان سنت است و بعضی
واجب دانسته اند و بهتر آنست که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنا بر مشهور

اعمال روز عید قربان

از نماز عید



در زمان غیبت امام سنت مؤکد است و بگمان فقیر واجب است
بشرایط مقرره و نمازش بهمان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد
و دعای پیش از نماز عید مذکور شد و دعای بسیار پیش از نماز و بعد از آن
وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها
دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش اینست اللّهمّ هذا
یوم مبارک و اگر دعای چهل و ششم که اولش یا من یرحم من لا یرحمه
العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ قدیمه صحیفه
استحباب خواندن آن دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین
دعاهاست و در این عید و سایر اعیاد سنت است خواندن چنانچه ان شاء
الله بعد از این در ضمن زیارت مذکور خواهد شد و در این عید
سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود و از جمله احکام

طریقهٔ افطار کردن

این عید قربانیست و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند
اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که اضحیه
واجب است بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خدا البته بکن و از برای
خود اگر خواهی و از ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که با آنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه
ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکنم حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض ادا میشود
و بهتر آنست که در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم میتوان کشت

واگر در منی باشد در روز سیزدهم نیز میتوان کرد و بهتر آنست که در
دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروهست قربانی کردن حیوانی که در خانه
تربیت کرده باشد و میباید شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و جانور دیگر
قربانی نمیتوان کرد و اگر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته باشد
یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد میباید یکسالش تمام باشد و داخل در سال
دوم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند
باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام شده باشد بهتر است و کور
بیک چشم یا هر دو چشم بوده باشد و بسیار لاغر نباشد که در راه رفتن بر او
دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد و جدا نشده باشد
باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهتر است و باید که شاخش نشکسته باشد
و اگر پوستش نیز نشکسته باشد بهتر است و بهتر آنست که بسیار بسیار پیر نباشد
و سنت است که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش نباشد
و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش بریده باشد و مکروهست اگر خصیه اش
مالیده باشد و اگر غیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی میتوان کرد و سنت است
که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد
و سنت است که خود بکشد و اگر نتواند دست بر دست قصاب بگذارد
و مدد وی بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را
مانند کارد یا نیزه در گودال پایین گردنش فرو برد و اگر بعض آن ذبح کند



حرام میشود و واجبست که رو بقبله بدارد و نام خدا ببرد و سنت است
که او را ایستاده بدارد و رو بقبله و هر دو دستش را از سر یا تا زانو
یا استیم بیکدیگر ببندد و آنگه نحر کند و در جانب راست شتر بایستد
و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز باشد باید که چهار رگ
از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم است
و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن در اندرون میرود
و اگر اینها را نحر کند حرام میشود و سنت است که دعا بخواند و در وقت
کشتن چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که چون قربانی بخری
روی او را بقبله کن و بگو وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ
و در وقت نحر یا ذبح بگو گردانیدم روی خود را بسوی آنکه آفرید آسمانها و زمین را
حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ
حال آنکه بسوی حق گردانیده ام و نیستم من از شریک آرندگان بدرستی که نماز من و عبادت من و زندگانی
وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ
و مردن من از برای خداست پروردگار عالمیان نیست شریکی مر او را و باین امر کرده شده ام و من از
الْمُسْلِمِینَ اللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَکْبَرُ پس نحر یا ذبح کند اللّٰهُمَّ
گردن نهندگانم خداوندا از تو است و برای تست بنام خدا و خدا بزرگتر است بکند و بگوید خداوندا
تَقَبَّلْ مِنِّی و تا نمیرد سرش را جدا مکن و چون پوست بکند سنت است
که یک حصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر آنست که خود بآن افطار کند

ویکحصه را برای همسایگان بدهد یا بفرستند و اگر پریشان باشند بهتر است
و یکحصه را بفقرا و سؤال کنندگان بدهد و اگر کل را تصدق کند شاید
بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اجزای حلال آنرا تصدق
کند و تصرف نکند و بقصاب ندهد مگر آنکه قصاب پریشان باشد و
بتصدق باو بدهد و در حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را میتواند بافت
کند و بر روی آن نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند یافت نشود سنت است که قیمت
وسطش را تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و اهل و عیال خود بکشند
کافیست و اگر یکی از برای خود و یکی از برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد
عیال بکشد ثواب بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که
مرده باشند قربانی کردن خوبست و اگر برای حضرت رسول و ائمه قربانی
کند ظاهر خوبست و منقولست که حضرت رسول دو گوسفند قربانی کردند و در
اول فرمودند که این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و حضرت
امیر المؤمنین هر سال یک گوسفند قربانی میکردند و میفرمودند که این از پیغمبر
است پس یک گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر نباشند
که هر یک جدا قربانی بکنند جایز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه
تا هفتاد نفر و حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات
یعنی در روزی چند شمرده شده و در حدیث معتبر منقولست که مراد تکبیر گفتن است
و در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید



و آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها عقب ده نماز که اولش ظهر روز
عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی واجب
دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یک مرتبه است و اگر مکرر بگوید
بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر موافق
حدیث الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر و لله
صحیح اینست خدا بزرگست خدا بزرگست نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است و مر خدا راست
الحمد الله اکبر علی ما هدینا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة
سپاس خدا بزرگست بر آنچه انعام کرده ما را خدا بزرگست بر آنچه روزی کرده ما را از چهارپایان
الانعام و الحمد لله علی ما ابلانا فصل پنجم در فضایل و اعمال شب
بر نعمتها و سپاس مر خدا راست بر آنچه روزی کرد ما را و روز عید غدیر است و عید غدیر
هیجدهم این ماهست و عظیم ترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه
و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصا است
و در این مقام بچند حدیث اکتفا مینمائیم در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع
منقولست که چون روز قیامت شود چهار روز را بسوی عرش الهی برند
با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانه داماد برند روز عید اضحی
و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان
آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابرهیم
خلیل را از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر حق تعالی

اعمال شب و روز عید غدیر

واین روزیست که در آن روز کامل گردانید دین را بآنکه حضرت رسول
حضرت امیر المؤمنین را نصب کرد بخلافت و فضیلت و ولایت و وصی بودن او
او ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن
دین است و روزیست که بینی شیطان بخاک مالیده شده است و روزیست
که اعمال شیعیان و دوستان آل محمد در این روز مقبول میشود و این روزیست
که حق تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میگرداند مانند ذره‌ها
در میان هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدا عز و جل امر کرد جبرئیل را
که نصب کند کرسی کرامت خدا در برابر بیت المعمور و جبرئیل بالای آن کرسی
بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد
و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین و دوستان
ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندگان
اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز
عید غدیر و نه نویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت محمد و علی
و ائمه و این روزیست که خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان ایشان گردانید
و این روزیست که خدا زیاده میکرد مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز
و وسعت دهد در روزی بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را از آتش
دانا از آتش جهنم و این روزیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی میدهد
و گناهان را می‌آمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این روزیست که خدا





شیعیان را زایل میگرداند و گناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش است
و روز عطیه است و روز ظاهر کردن علمست و روز بشارتست و روز
عید بزرگست و روزیست که دعا در آن مستجاب میگرداند و روز موقف
بزرگست و روز پوشیدن جامه‌های نیکوست و روز بخشیدن گناهان
شیعیان امیر المؤمنین است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد
بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد است
و روز اعمالست و روز طلب زیادتی ثوابست و روز راستی مؤمنان
است و روز دوستی کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن به رحمت
خداست و روز ترک گناهانست و روز عبادتست و روز افطار
فرمودن مؤمنانست و روزه دارانست پس هر که روزه داری را در این روز
افطار اطعام فرماید چنانست که ده فئام را افطار کرده باشد و هر فئام
صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکبادست پس هر مؤمن که دیگری
ملاقات کند چنین تهنیت بگوید الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین
بولایة امیر المؤمنین و الائمة علیهم السلام یعنی حمد و سپاس
خدا را سزاست که گردانید ما را از آنهایی که چنگ زده اند بدوستی و
و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه و این روز تبسم است در روی مؤمنان
پس هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر حق تعالی
نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و

الطاهرین

در بهشت از برای او قصری از زمرد و مروارید سفید و روی او را نورانی کرد
و این روز تهنیت است پس هر که زینت کند برای روز عید غدیر حق تعالی
بیامرزد از برای او هر گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد بسوی
ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند کردانند برای او
درجات تا سال اینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و
ثواب شهیدان را داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند
و هر که طعام دهد در این روز مومنی را چنان باشد که طعام داده باشد
جمیع پیغمبران را و صدیقان را و هر که دیدن کند در این روز مومنی را
داخل کرداند خدا در قبر او هفتاد نور و قبرش را کشاده کرداند و زیارت
کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک بشارت دهند او را به بهشت
و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت
بر اهل اسمانها هفت کونه پس پیشی کرفتند باقرار بان اهل اسمان هفتم
پس زینت داد او را بعرش پس بعد از ان سبقت کرفتند اهل اسمان چهارم پس
زینت داد او را ببیت المعمور پس سبقت کرفت باقرار ما اهل اسمان اول
پس او را زینت بخشید بستارکان پس عرض کرد بر زمینها پس پیشی کرفت
باقرار بان مکه معظمه پس زینت داد او را بکعبه پس پیشی کرفت مدینه طیبه
پس زینت داد او را بمحمد مصطفی ص پس سبقت کرفت بسوی ان شهر کوفه پس زینت
داد او را بقبر حضرت امیر المومنین ع پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول





کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه فیروزه و کوه یاقوت و باین سبب این جواهر در
انها بهم رسید پس کوهها دیگر سبقت کرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره
و سایر معدن ها کردیدند و هر یک که اقرار نکردند معدن هیچ چیز نکردید
و باز در روز عید غدیر عرض کرد ولایت ما را بر ابها هر چه قبول کرد شیرین شد
و هر چه قبول نکرد تلخ و شور شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ
که قبول کرد سخن کو و خوش اواز کردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد
اواز شد و مثل مومنان در قبول کردن ولایت امیر المومنین ع در روز
عید غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده ادم ع و مثل انها
که قبول ولایت انحضرت نکردند در روز عید غدیر مانند مثل شیطان است در قبول
نکردن سجده و در روز عید غدیر این ایه نازل شد الیوم اکملت لکم دینکم
و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا یعنی امروز کامل کردم
از برای شما دین شما را و تمام کردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام
برای دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مکر انکه وصی
و خلیفه خود را در این روز نصب کرده است کلینی بسند معتبر روایت کرده است
که از حضرت صادق ع پرسیدند که ایا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه و اضحی
و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی کفت که کدام عید است
فرمود که ان روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر المومنین را بخلافت خود و فرمود
که هر که من مولای و اقای اویم علی مولا و اقا و پیشوای اوست و ان روز هیجدهم

ذی الحجه است راوی گفت چه کار در آن باید کرد فرمود که باید روزه بدارد
و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و
کرد رسول خدا امیر المؤمنین را که این روز را عید گردانند و هر پیغمبری چون خود
وصیت میکرد که این روز را عید گردانند و بروایت دیگر فرمود که روزه روز
غدیر کفارهٔ شصت سال گناه هست و بروایت دیگر منقول است که مفضل از حضرت
صادق پرسید که امر میکنی مرا بروزه روز غدیر فرمود که آری والله آری والله
آری والله بدرستی که در این روز خدا توبه حضرت آدم را قبول کرد پس بشکر آن این نعمت
این روز را روزه داشت و در این روز حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر
این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی هرون را وصی خود گردانید
و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و در این روز حضرت عیسی وصی خود
شمعون الصفا ظاهر گردانید و این روز را بشکر حق تعالی روزه داشت و در
این روز حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را خلیفه و جانشین خود گردانید
و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر گردانید و این روز را بشکر این
نعمتها روزه داشت و این روز روز روزه داشتن است و روز عبادت
و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است با برادران مؤمن و روز
خوشنود میگردد و بینی شیطان بخاک مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر
منقول است که گفت روزی در خدمت حضرت امام رضا بودم و جماعت
بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد و بعضی از حاضران





انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرش روایت کرد که روز غدیر
غدیر در آسمان مشهورتر است از روی زمین و بدرستی که خدا را در
فردوس اعلی قصری هست که یک خشت آن از طلاست و یک خشت از نقره و در آن
قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت
سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب
و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و بر دور آن درختها است
از انواع میوهها و بر آن درختها مرغان خوش الحان هستند بدنهای ایشان
مروارید است و بالهای ایشان از یاقوت و بانواع نغمهها خوانندگی میکنند
و چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها
و تسبیح و تقدیس و تهلیل حق تعالی میکنند و آن مرغان پرواز میکنند در میان
آن آب فرو میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع شدند
پرواز میکنند و مشک و عنبر بر سر ایشان می افشانند و در این روز نثار
حضرت فاطمه را که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی و درخت طوبی
نثار کردند برای یکدیگر هدیه میفرستند و چون آخر این روز میشود ندا
از جانب رب العلی با ایشان میرسد که برگردید بسوی درجهها و مرتبههای
خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز از سال
آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود ای پسر
ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که بنزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین حاضر شوی

بدرستی که خدا در این روز می‌آمرزد همه مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت
ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد
کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که در این روز
برادران مؤمن بدهد برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهد و
احسان در این روز برادران خود کند و شاد گرداند همه مرد مؤمن و زن مؤمنه
را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر
روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین
در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوان
و غیر آن اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت کنند و در رکعت
اول سوره انا انزلنا و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد بخوانند بعد از
این دعا اللهم صل علی ولیک واخی نبیک ووزیره وحبیبه
را بخوانند خداوندا رحمت فرست بر دوست خود و برادر پیغمبر خود و وزیر او و حبیب او
وخلیله وموضع سره وخیرته من اسرته ووصیه وصفوته وخالصته
و صندوق سر او و جایگاه سر او و برگزیده او از قبیله او و وصی او و برگزیده او و دوست خالص او
وامینه ووليه واشرف عترته الذین آمنوا به وابی ذریته وباب
و بامانت او و دوست او و بزرگترین خویشان او و آنکه گرویده اند بدان و پدر فرزندان او و در
حکمته والناطق بحجته والداعی الی شریعته والماضی علی سنته
حکمت او و گویا به برهان او و خواننده بسوی شریعت او و آنکه رفت بر طریقه او

زیارت و نماز و دعای روز عید غدیر





وخلیفته علی امته سید المرسلین وامیر المؤمنین وقائد الغر
و جانشین او بر امت او بزرگ پیغمبران و پادشاه گروندگان و کشنده سپید
المحجلین افضل ما صلیت علی احد من خلقک واصفیائک
رویان بهترین رحمتی که فرستادی بر یکی از خلق خود و برگزیدگان خود
واوصیاء انبیائک اللهم انی اشهد انه قد بلغ عن نبیک
و جانشینان پیغمبران خود خداوندا بدرستی که من گواهی میدهم که او بتحقیق رسانید از پیغمبر خود
صلی الله علیه وآله ما حمل ورعی ما استحفظ وحفظ ما
رحمت فرستد خدا بر او و آل او آنچه را بار کرده شده و رعایت کرد آنچه حفظ آن خواسته شده و نگاه داشت
استودع وحلل حلالک وحرم حرامک واقام احکامک
امانت سپرده شده و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و برپا داشت احکام ترا
ودعی الی سبیلک ووالی اولیائک وعادی اعدائک وجاهد
و خواند بسوی راه تو و دوستی کرد دوستان ترا و دشمنی کرد دشمنان ترا و کارزار کرد
الناکثین عن سبیلک والقاسطین والمارقین عن امرک صابرا
آنان را که گسستند از راه تو و ستمکاران و آنان که بیرون رفتند از امر تو صبر کننده
محتسبا مقبلا غیر مدبر لا تاخذه فی الله لومة لائم حتی بلغ
ثواب خواهنده و رو کننده غیر رو گرداننده نمیگرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کننده تا آنکه رسید
فی ذلک الرضا وسلم الیک القضاء وعبدک مخلصا ونصح
در آن بخوشنودی تو و گذاشت بسوی تو حکم را و پرستید ترا خالص گرداننده و نصیحت

لك مجتهد حتى اتيه اليقين فقبضته اليك شهيدا سعيدا

باری تو کوشش یافت وا آمد او را مرگ پس قبض کرده او را بسوی خود شهید نیکبخت

وليا تقيا رضيا زكيا هاديا مهديا اللهم صل على محمد وآل

دوست پرهیزکار پسندیده پاک هدایت کننده راه یافته خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

محمد وعليه افضل ما صليت على احد من انبيائك يا رب العالمين

و بر او بهترین رحمتی که فرستادی بر یکی از پیغمبران خود ای پروردگار جهانیان

واگر اشارت کند بانگشت شهادة بجانب قبر آنحضرت و این زیارت را بخواند

بهتر السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام

است درود بر تو ای پادشاه گروندگان و رحمت خدا و برکتهای او درود

عليك يا امين الله في ارضه وحجته على عباده اشهد لقد

بر تو ای امین خدا در زمین او و حجت او بر بندگان او گواهی میدهم که

جاهدت يا امير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه

کارزار نمودی ای پادشاه گروندگان در راه خدا کارزار لایق او و عمل کردی در کتاب او

واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله

و پیروی کردی طریقه پیغمبر او رحمت فرستاد خدا بر او و بر آل او تا آنکه خواند ترا خدا

الى جواره فقبضك اليه باختياره لك كريم ثوابه والزم اعداءك

بسوی پناه خود پس گرفت ترا بسوی خود برگزید برای تو ثواب گرامی و لازم کرد بر دشمنان

الحجة في قتلهم اياك مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه





اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و گردان نفس مرا آرام گرفته بتقدیر تو خوشنود

بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك

بحکم تو حریص بیاد نمودن تو و خواندن تو دوست دارنده برگزیدگان دوستان تو

محبوبة في ارضك وسمائك صابرة عند نزول بلائك شاكرة

دوست داشته شده در زمین تو و آسمان تو شکیبائی کننده نزد فرود آمدن بلای تو سپاس گزار

لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة الى فرحة لقائك

مر زیادتیهای نعمت ترا یاد کننده مر نعمتهای کامل ترا آرزومند بسوی شادی ملاقات تو

متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن اوليائك مفارقة

توشه گیرنده پرهیزکاری را برای روز جزا دادن تو فرا گیرنده طریقه دوستان ترا جدا

لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم

مر عادتهای دشمنان ترا باز داشته شده از دنیا بستایش تو و ستودن تو خداوندا

ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين اليك

بدرستی که دلهای فروتنی کنندگان بسوی تو شیفته و راههای خواهشمندان بسوی تو

شارعة واعلام القاصدين اليك واضحة وافئدة العارفين

گشوده و واضح و نشانهای آهنگ کنندگان بسوی تو آشکار و هویدا است دلهای شناسان

منك فالعارفين منك فازعة واصوات الداعين اليك صاعدة

از تو ترسان است و صداهای خوانندگان بسوی تو بالا رونده

وأبواب الإجابة لهم مفتّحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة

و درهاى [illegible] براى ايشان گشوده است و دعاى آنكه راز گفته ترا اجابت كرده شده و توبه كسيكه

من أناب إليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة و

بازگشت نموده بسوى تو پذيرفته است و آب چشم كسيكه گريست از ترس تو رحم كرده شده

الإغاثة لمن استغاث بك موجودة والإعانة لمن استعان بك مبذولة

و فريادرسى براى آنكه استغاثه كرده بتو موجود و ثابت است و مدد كردن براى كسيكه مددجويى كرده بتو [illegible]

وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك مقالة وأعمال

و وعده هاى تو مر بندگان ترا وفا كرده شده است و لغزشهاى آنكه طلب كرده در گذشتن از تو [illegible]

العاملين لديك محفوظة وأرزاقك إلى الخلائق من لدنك نازلة

جهانيان نزد تو نگاه داشته شده است و روزيهاى تو بخلق از نزد تو فرود آمده است

وعوائد المزيد إليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة

و نفعهاى زياده سوى ايشان رسيده است و گناه آمرزش طلبان آمرزيده است

وحوائج خلقك عندك مقضيّة وجوائز السائلين عندك

و حاجتهاى خلق خود نزد تو روا كرده شده است و جايزه هاى درخواهندگان نزد تو

موفّرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدّة ومناهل

وافر كرده شده و نفعهاى زيادتى پى در پى رسيده است و خوانهاى طعام خواهان آماده است

الظماء لديك مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع

تشنگان نزد تو پر است خداوندا پس اجابت كن دعاى مرا و بپذير ستايش مرا و جمع كن

بينى وبين



بيني وبين أوليائي وأحبائي بحقّ محمد وعلي وفاطمة والحسن

ميان من و ميان ياران من و دوستان من بحرمت محمد و على و فاطمه و حسن

والحسين إنك وليّ نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي

و حسين [illegible] منتهاى آرزوى من و نهايت اميد من

في منقلبي ومثواي واگر بعد از نماز اول اين زيارت را بعمل آورده

در بازگشت من و آرامگاه من — والخوان دعا را بخوانند شايد بهتر باشد و شب

غدير نيز شب بسيار مباركيست نيز مناسبست كه اين زيارت را بعمل
آورند و نمازى در شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود
ايراد ننمودم اما فضيلت روزه داشتن و تصدق كردن و افطار روزه
دار نمودن در اين روز در اين ابواب احاديث بسيار است از جمله الفاظ اين
روايتست كه حضرت صادق ع فرمود كه روزه روز عيد غدير برابر است
با روزه عمر دنيا كه اگر كسى بقدر تمام عمر دنيا عمر بيابد و روزه بدارد
روزه اين روز برابر است با ثواب او و روزه اين برابر است نزد خدا با
صد حج و صد عمره و اين عيد بزرگ خداست و خدا نفرستاده است پيغمبرى
مگر آنكه اين روز را عيد كرده است و حرمت او را داشته است و نامش
در آسمان روز عهد معهود است و نامش در زمين روز ميثاق مأخوذ
و جمع مشهور است و هر كه مؤمنى را در اين روز افطار فرمايد ثواب كسى دارد
كه ده فئام را طعام دهد و هر فئامى صد هزار كس است و ثواب كسى دارد كه

فضيلت روزه روز عيد غدير

طعام دهد وآب دهد باین عدد که مذکور شد از پیغمبران واوصیای ایشان
وشهیدان وصالحان را در سال قحط ویک درهم که درین روز تصدق
کند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کند پس فرمود
که شاید که گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز
بیشتر باشد نه والله نه والله نه والله وبروایت دیگر فرمود که روزه
اش برابر است با شصت ماه از ماههای حرام که روزه بدارند فرمود
که روز عید وسرور وشادی است بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست
که گفت روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت امام رضا بودم
وآنحضرت در آن روز مخصوصان وخویشان واصحاب خود را جمع کرده
بود وایشان را نگاه داشته بود که در شب افطار کنند وبمنزلهای ایشان
طعام وزرها وخلعتها فرستاد حتی انگشتر وکفش نیز فرستاد وبایشان
خلعتهای فاخر شفقت فرمود وملازمان وخدمتکاران خود را جامها
نو لباسها تغییر پوشانیده بود وفضیلت این روز را برای مردم نقل میفرمود
از جمله آنها گفت که بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر المؤمنین ع
روز جمعه با عید غدیر یک روز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از
روز گذشت بر منبر بالا رفت وخطبه طولانی خواند وفضایل روز عید
غدیر را بسیار بیان فرمودند وتا مجلسها بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود
که بعد از انقضاء این مجمع برگردید بمنزلهای خود وتوسعه کنید بر عیال





خود واحسان ونیکی کنید نسبت ببرادران مومن خود ودر خانهای
خود وبرادران مومن را جمع کنید ونیکوئی کنید نسبت بایشان ویکدیگر را
تهنیت ومبارکباد بگوئید ونیکی واحسان کردن درین روز مال را وعمر را
زیاد میکند ومهربانی بایکدیگر موجب مزید رحمت الهی است وتا توانید
بخشش واحسان کنید باعیال خود وبرادران مومن خود واظهار شادی
وخوشحالی کنید وهر که امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر مکنید
وضعیفان وفقیران وغلامان وکنیزان را با خود برابر کنید بدرستی
که دادن یکدرهم درین روز برابر است با دویست هزار درهم حق تعالی زیاده ازین
عطا میکند وروزه این روز را حق تعالی سنت کرده است وثواب آن مانند ثواب
کسی کرده است که از اول دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بآنکه روزها را روزه بدارد
وشبها را بعبادت بایستد وکسی که برآورد حاجت برادر مومنی را پیش از آنکه
او اظهار کند واز روی رغبت وخواهش با او نیکی کند چنان باشد که این روز
روزه داشته باشد وتمام شبش را عبادت کرده باشد وهر که در شبش مومنی را
افطار فرماید چنان باشد که ده هزار پیغمبر وصدیق وشهید را افطار فرموده باشد
پس چگونه باشد ثواب کسی که متکفل احوال چندین نفر از مردان مومن وزنان مومنه
بشود وهر که اینچنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن وفقیر شدن
واگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بدون آنکه
کبیره بعمل آید بکند البته آمرزیده است وهر که قرضی بکند درین روز برای ادای

نماز روز عید غدیر

من ضامنم بر خدا که اگر او را تا ده بدارد از آن نقص را ادا و متحمل میشود و از دو ثواب
بردارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و بر با هما یکدیگر تهنیت
بگویید و توانگران رعایت کنید فقیران را دستگیری کنید ضعیفان را حضرت رسول
مرا بهمه اینها امر فرموده و بدانکه غسل در اول این روز سنت مؤکد است
واما کیفیت نماز روز عید غدیر مشهور شد است که حضرت صادق روایت
کرده اند که هر که در این روز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا
آورد و در هر رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه قل هو الله احد
و انا انزلناه و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند
برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که از حاجتهای
دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته با سانی و عافیت برآورده
شود و چون برادر مؤمن را زیارت و ملاقات کنی بگو الحمد لله الذی اکرمنا
بهذا الیوم وجعلنا من الموفین بعهده الذی عهد الینا ومیثاقه
الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا
من الجاحدین والمکذبین بیوم الدین یعنی سپاس خدای را سزاست
که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمان آورندگان
و گردانید ما را از وفاکنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما و پیمانی
که محکم گردانیده است که ولایت والیان امر امامت است و آنها حکم میکنند
بعدالت در میان خلق و نگردانید ما را از انکار کنندگان [illegible]



دعای بعد از نماز

روز بجا آورد و فرموده که ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان
بعد از نماز این دعا بخواند پروردگارا ما شنیدیم آگاه کننده را که میخواند سوی ایمان
ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا و
اینکه ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم پروردگارا پس بیامرز گناهان ما را و محو گردان از ما بدیهای ما و
توفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا
بمیران ما را با نیکوکاران پروردگارا بده ما را آنچه وعده دادی بر زبان پیغمبران خود و خوار مکن ما را
یوم القیامة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک وکفی
روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم ترا و کافیست
بک شهیدا واشهد ملائکتک وانبیاءک وحملة عرشک و
تو گواه و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و بردارندگان عرش ترا
سکان سمواتک وارضک بانک انت الله لا اله الا انت المعبود
و ساکنان آسمانهای ترا و زمینهای ترا اینکه تو یی خدایی نیست معبودی بر حق سوای تو
فلا نعبد سواک فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد
پس نمی پرستیم غیر ترا پس برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگی و گواهی میدهم
ان محمدا عبدک ورسولک واشهد ان امیر المؤمنین عبدک
اینکه محمد بنده تو و فرستاده تست و گواهی میدهم اینکه امیر المؤمنین بنده تو
ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادی رسولک صلی
و مولای ماست پروردگارا شنیدیم ما و اجابت کردیم و تصدیق نمودیم ما خواننده را که فرستاده ترا که

الله عليه وآله إذ نادى بنداء عنك بالذي أمرته أن يبلغ

خدا بر او و آل او هنگامی که خواند بخواندنی از تو آنچه امر کردی او را که برساند

ما أنزلت إليه من ولاية ولي أمرك وحذرته وأنذرته إن

آنچه که فرود فرستادی بسوی او از فرمان فرمایی خداوند مرتبت و بیم فرمودی او را و ترسانیدی او را که اگر

لم يبلغ ما أمرته أن تسخط عليه وأنه إذا بلغ رسالاتك عصمته

نرساند آنچه را که امر کردی او را این که غضب کنی بر او و چون رساند پیغام تو را نگاه داری او را

من الناس فنادى مبلغا عنك ألا من كنت مولاه فعلي مولاه و

از مردمان پس ندا کرد رساننده از جانب تو که آگاه باش هر کس که هستم آقای او پس علی آقای او و

من كنت وليه فعلي وليه ومن كنت نبيه فعلي أميره ربنا

هر که من هستم دوست او پس علی دوست اوست و هر که من هستم پیغمبر او پس علی پادشاه اوست پروردگارا

أجبنا داعيك النذير محمدا عبدك ورسولك إلى الهادي

اجابت کردیم خواننده تو بیم نماینده محمد بنده تو را و پیغمبر تو را بسوی راه نماینده

المهتدي عبدك الذي أنعمت عليه وجعلته مثلا لبني إسرائيل

هدایت شده بنده تو آنکه انعام کردی بر او و گردانیدی او را مثل از برای بنی اسرائیل

علي أمير المؤمنين ومولاهم ووليهم ربنا آمنا واتبعنا مولانا وو(لينا)

یعنی علی پادشاه گروندگان و صاحب ایشان و دوست ایشان پروردگارا گرویدیم و پیروی ...

وهادينا وداعينا وداعي الأنام وصراطك المستقيم وحجتك البيضاء

و راه نمای خود و خواننده خود و خواننده مردمان و راه راست تو را و حجت روشن تو را

وسبيلك



وسبيلك الداعي إليك على بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان

و راه تو را که خواننده است بسوی تو از بینایی او و آنکه پیروی کرد او را و پاک است

الله عما يشركون وأشهد أنه الإمام الهادي الرشيد أمير المؤ(منين)

خدا از آنچه انباز گیرند و گواهی می‌دهیم اینکه او پیشوای راه نمای راه یافته پادشاه گروندگان

الذي ذكرته في كتابك وقولك الحق وإنك قلت وإنه

آنکه یاد کردی تو او را در کتاب خود و گفتار تو راست است و به درستی که تو گفته و به درستی که او

في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فإنا نشهد بأنه عبدك

در لوح محفوظ نزد ما هر آینه بلند مرتبه است درستکردار خدایا گواهی می‌دهیم اینکه بنده تو

والهادي بعد نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم

راه نماینده بعد از پیغمبر تو بیم نماینده و ترساننده و راه راست تو

وأمير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك

و پادشاه گروندگان و کشنده پیشانی سفیدان و حجت رسای تو و زبان تو

المعبر عنك في خلقك وإنه القائم بالقسط في بريتك ودي(ان)

بیان کننده از جانب تو در خلق تو و آنکه تحقیق اوست بپا کرده عدل و انصاف در خلق تو و جزا دهنده

دينك وخازن علمك وأمينك المأمون المأخوذ ميثاقه مع (ميثاق)

دین تو و نگاه دارنده علم تو و امانت تو امین کرده شده که گرفته شده پیمان او با پیمان

رسولك عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالإخ(لاص)

فرستاده تو بر ایشان باد درود از همه خلق تو و آفریدگان تو حال آنکه گواهی ...

لك والوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت

براى تو ويگانگى و پروردگارى بتحقيق كه توئى خدائى كه نيست خدائى مگر تو

محمد عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك

و آنكه محمد بنده توست و پيغمبر تو و آنكه على پادشاه گروندگان گردانيدى او را دوست

والاقرار بولايته تمام توحيدك وكمال دينك وتمام نعمتك

و اقرار بدوستى او را تمام كننده يگانگى خود و كامل نماينده دين خود و تمام شدن

على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم اكملت

بر همه خلق تو و آفريده خود پس گفتى تو و سخن تو راست است كه امروز كامل

لكم دينكم واتممت عليكم نعمتى ورضيت لكم الاسلام دينا

براى شما دين شما را و تمام كردم بر شما نعمت خود را و پسنديدم براى شما اسلام را دين

فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علينا بالذى جددت

پس مر تراست سپاس بدوستى او و تمام كردن نعمت خود را بر ما بآنچه تازه كردى از

عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص

عهد خود و پيمان خود و بياد آورى خود بما آن را و گردانيدى ما را از اهل خالص شدگان

والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من

و تصديق كنندگان به پيمان تو و از وفا كنندگان بآن و نگردانيدى ما را از

اتباع المغيرين والمبدلين والمحرفين والمبتكين آذان الانعام

پيروان تغيير كنندگان و بدل كنندگان و ميل كنندگان بباطل و بُرندگان گوشهاى چهارپايان

والمغيرين



والمغيرين خلق الله ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان فانساهم

و تغيير دهندگان آفريده خدا و از آنها كه مسلط شده بر ايشان شيطان پس فراموش

ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين

ياد خدا و باز داشت ايشان را از طريق حق و راه راست خداوندا لعنت كن انكار كنندگان

والناكثين والمغيرين والمبدلين والمكذبين بيوم الدين من

و پيمان شكنندگان و تغيير دهندگان و بدل كنندگان و دروغ شمارندگان روز جزا

الاولين والآخرين اللهم فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى

از پيشينيان و پسينيان خداوندا پس مر تراست سپاس بر بخشش نمودن تو بر ما براه نمائى

الذى هديتنا به الى ولاة امرك من بعد نبيك صلى الله عليه

كه راه نمودى ما را بآن بسوى واليان امر تو از پس پيغمبر خود درود فرستاد خدا بر او

وآله الائمة الهداة الراشدين واعلام الهدى ومنار القلوب

و آل او پيشوايان راه نمايان راه يافتگان و نشانهاى راه راست و روشنائى دلها

والتقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم

و پرهيزكارى و دستاويز محكم و كامل كردانيدن دين تو و تمام كردانندهٔ نعمت تو و آنانكه

وبموالاتهم رضيت لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد آمنا بك

و بدوستى ايشان پسنديدى براى ما اسلام را دين پروردگارا پس مر تراست سپاس گرويديم

وصدقنا بمنك علينا بالرسول النبى المنذر والينا وليهم

و تصديق نموديم انعام ترا بر ما به رسول پيغمبر ترساننده و دوست گرفتيم دوست ايشان

وعادينا عدوهم وبرئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين

و دشمن داشتیم دشمن ایشان را و بیزار گشتیم از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا

اللهم فكما كان ذلك من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف

خداوندا پس چنانچه بود آن از کار تو ای راست وعده ای آنکه خلف نمیکند وعده

يا من هو كل يوم في شأن اذ اتممت علينا نعمتك بموالاة او

ای آنکه او هر روز در کاریست هنگامی که تمام کردی بر ما نعمت خود را بدوستی

ليائك المسؤول عنهم عبادك فانك قلت ثم لتسئلن يومئذ عن

دوستان خود که سؤال کرده شوند ایشان بندگان تو پس بدرستی که تو گفته پرسیده شوند از

النعيم وقلت وقفوهم انهم مسؤولون ومننت

نعمت خود را و گفته و گفتار است و درست و باز دارید ایشان را بدرستی که ایشان سؤال کرده شوند و منت

علينا بشهادة الاخلاص بولاية اوليائك الهداة بعد النذير المنذر

بر ما گواهی دادن از روی اخلاص و بدوستی دوستان خود که راه نمایند بعد از بیم دهنده

السراج المنير فاكملت لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة و

چراغ روشن پس کامل گردانیدی برای ما ایشان دین را و تمام کردی بر ما نعمت خود را

جددت لنا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء

و تازه کردی برای ما عهد خود را و یاد دهانیدی ما را پیمان خود که واگرفته شده از ما در آغاز

خلقك ايانا وجعلتنا من اهل الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك

آفریدن تو ما را و گردانیدی ما را از اهل اجابت بودن و فراموش نگردانیدی یاد خود

قلت واذ



قلت اذ اخذ ربك من بني ادم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم

گفتی هنگامی که گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان فرزندان ایشان را و گواه گرفت

على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك فانك انت

بر نفسهای خود آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم بلطف تو و انعام تو

الله لا اله الا انت ربنا ومحمد عبدك ورسولك نبينا وعلي

خدائی که نیست خدائی بجز تو پروردگار ما و محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر ما و علی

امير المؤمنين عبدك الذي انعمت به علينا وجعلته اية

امیر مؤمنان بنده تو آن بنده که انعام کردی بر ما و گردانیدی او را نشانه

لنبيك صلى الله عليه واله واياتك الكبرى وصراط المستقيم

برای پیغمبر خود رحمت خدا بر او و آل او و نشانه بزرگتر خود و خبر بزرگ

والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون مسؤولون اللهم فكما كان

و خبر بزرگ آنچه ایشان در آن اختلاف کننده اند و از آن پرسیده شوند خداوندا پس چنانچه

من شأنك ان انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شأنك

از کار تو آنکه انعام کردی بر ما براه نمائی بسوی شناختن ایشان پس باید که باشد

ان تصلي على محمد وال محمد وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برکت دهی برای ما در روز ما این روزی که

اكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك واكملت ديننا واتممت

گرامی داشتی ما را بآن و یاد دهانیدی ما را در آن عهد خود و پیمان خود و کامل کردی دین ما را و تمام

علینا نعمتك وجعلتنا بمنك من اهل الاجابة لك والبراءة

*بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را به انعام خود از آنها که اجابت نمودند مر ترا و بیزاری*

من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين بيوم الدين فاسئلك

*از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو تکذیب کنندگان بروز جزا پس میخواهم از تو*

یا رب تمام ما انعمت وان تجعلنا من الموقنين ولا تلحقنا بالمكذبين

*ای پروردگار من تمامی آنچه را که انعام کردی و اینکه بگردانی ما را از یقین دارندگان و ملحق نسازی*

واجعل لنا قدم صدق مع المتقين اماما يوم تدعو كل اناس

*و گردان برای ما قدم راست ثابتی با پرهیزکاران پیشوا این روزی که میخوانی همه آدمیان را*

بامامهم واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين

*به پیشوای ایشان و محشور کن ما را در زمره اهل بیت پیغمبر خود که پیشوایانند راست گویانند*

واجعلنا من البراء من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة

*و گردان ما را از آنها که بیزارند از آنها که ایشان خوانندگانند بسوی آتش و در روز رستخیز*

هم من المقبوحين واحينا على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول

*ایشان از رانده شدگانند و زنده دار ما را بر آن مادام که زنده داری ما را و گردان از برای ما با رسول*

سبيلا واجعل لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير المحيا

*راهی و گردان برای ما قدم ثابتی در کوچ کردن بسوی ایشان و گردان زندگی ما را بهترین زندگی*

خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة

*بهترین مردن و بازگشت ما را بهترین بازگشت بر دوستی دوستان تو و دشمنی*

واجعلنا مع المتقين
*و گردان ما را با پرهیزکاران*

ومماتنا
*و مردن ما را*

اعدائك حتى



اعدائك حتى توفانا وانت عنا راض قد اوجبت لنا جنتك

*دشمنان تو تا که بمیرانی ما را و تو از ما خوشنود باشی تحقیق لازم گردانیده باشی برای ما بهشت خود*

برحمتك يا ارحم الراحمين والمثوى من جوارك في دار المقامة

*برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان و آرامگاه از قرب خود در سرای اقامت*

من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر

*از فضل خود حالی که نرسد ما را در آن تعبی و نرسد ما را در آن رنجی پروردگارا بیامرز*

لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما

*برای ما گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوکاران پروردگارا بده ما را آنچه*

وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد

*که وعده دادی بر پیغمبران خود و خوار مکن ما را در روز رستخیز که تو خلف نمیکنی وعده را*

اللهم احشرنا مع الائمة الهداة من آل رسولك نؤمن بسرهم

*خداوندا محشور کن ما را با پیشوایان راه نمایان از آل رسول تو ایمان میآوریم به نهانی ایشان*

وعلانيتهم اللهم اني اسئلك بالحق الذي جعلته عندهم

*و آشکار ایشان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحرمت آن حقی که قرار دادی او را نزد ایشان*

وبالذي فضلتهم على العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا

*و بآنچه زیادتی دادی ایشان را بر جهانیان همگی اینکه برکت دهی ما را در روز ما*

هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافاة بعهدك الذي عهدته الينا و

*این روزی که گرامی داشتی ما را در آن بوفا نمودن به پیمان تو آن پیمانی که فراگرفتی از ما*

بالميثاق الذي واثقتنا به من موالاة اوليائك والبراءة من اعدائك
به همان عهد و پیمانی که بسته بودی ما را با آن در دوست داشتن دوستان تو و بیزاری از دشمنان تو
ان تتم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا
که تمام کنی بر ما نعمت خود را و مگردانی او را امانت گذاشته شده و بگردان او را ثابت
ولا تسلبناه ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة وليك
و از ما مگیر او را هرگز و مگردان او را عاریت گذاشته و روزی کن ما را رفاقت دوست خود
الهادي المهدي الى الهدى وتحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين
که راه نما و راه یافته است بسوی راه و در زیر علم او و در گروه او گواهان راست گویان
على بصيرة من دينك انك على كل شيء قدير و اگر این عمل برا و دشوار
بر بینایی از دین تو بدرستی که تو بر هر چیز توانایی باشد باین روایت عمل
کند که شیخ مفید و دیگران از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که
در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک بزوال
که در آن ساعت حضرت رسول حضرت امیر المومنین را در غدیر خم برای
مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است بعنوان شکر هر سوره که خواهد
و اگر در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله احد بخواند
چنانچه در روایت معتبر دیگر وارد شده است بهتر است پس بسجده رود
و صد مرتبه بگوید شکرا لله یا شکرا چون سر از سجده بردارد این دعا بخواند
اللهم اني اسألك بان لك الحمد وحدك لا شريك لك وانك واحد

عمل دیگر روز عید غدیر

و در بعضی نسخ
سوال میکنم از تو
به اینکه از برای تو است سپاس
به آنکه یگانه توئی نیست شریکی مر ترا
و بدرستی که تو
یگانه



احد صمد لم تلد ولم تولد ولم يكن له كفوا احد وان محمدا عبدك
یگانه بی نیاز زاینده و زائیده نشده و نباشد مر او را انباز احدی و بدرستی که محمد بنده تو
ورسولك صلواتك عليه واله يا من هو كل يوم في شان
و پیغمبر تست رحمتهای تو بر او و آل او ای آنکه او هر روز در کاریست
كما كان من شانك ان تفضلت علي بان جعلتني من اهل اجابتك
چنانچه بود از کار تو آنکه بخشش نمودی بر من باینکه گردانیدی مرا از اهل اجابت تو
واهل دينك واهل دعوتك ووفقتني لذلك في مبتدء
و اهل ملت تو و اهل خواندن تو و توفیق دادی مرا در آن در آغاز آفرینش
خلقتني تفضلا منك وكرما وجودا ثم اردفت الفضل فضلا
آفرینش من از راه تفضل خود و بزرگواری و بخشش از خود پس ردیف کردی فضل را بفضلی
والجود جودا والكرم كرما رافة منك ورحمة الى ان جددت
و بخشش را ببخششی و نوازش را بنوازشی بجهة مهربانی از تو و بخشش تا آنکه تازه کردی تو
ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديد لخلقي وكنت نسيا منسيا
آن پیمان را برای من پس از تازه گردانیدن تو آفرینش حال آنکه بودم فراموش
ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك بان ذكرتني ذلك ومننت
فراموش کننده سهو کننده غافل پس تمام کردی نعمت خود را باینکه یادآوری نمودی مرا بآن و احسان کردی
به علي وهديتني له فليكن من شانك يا الهي وسيدي ومولاي
بآن بر من و راه نمودی مرا بآن پس باید که بوده باشد از کار تو آنکه ای خدای من و بزرگ من و آقای من

ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على ذلك وانت عني

اگر تمام کنی برای من آن را و رفع نکنی آن را از من تا آنکه بمیرانی مرا بر آن و حال آنکه تو از من

راض فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك علي اللهم سمعنا و

خوشنود باشی که تو سزاوارترین انعام کنندگانی که تمام کنی نعمت خود را بر من خداوندا شنیدیم

اطعنا واجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك

و فرمان برداری نمودیم و اجابت کردیم خواننده ترا بانعام تو پس مر تراست سپاس میخواهیم آمرزش ترا پروردگار ما و بسوی تو

المصير آمنا بالله وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى الله عليه

بازگشت ایمان آوردیم بخدا که یگانه است شریکی ندارد و بفرستاده او محمد رحمت فرستاد خدا بر او

وآله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة مولانا و

و آل او و تصدیق نمودیم و اجابت کردیم خواننده خدا را و پیروی کردیم پیغمبر را در دوست داشتن

مولى المؤمنين علي بن ابي طالب عبد الله واخي رسوله والصديق

پادشاه ما و پادشاه گروندگان علی پسر ابو طالب بنده خدا و برادر رسول او و تصدیق کننده

الاكبر والحجة على بريته المؤيد به نبيه ودينه الحق المبين

بزرگتر و حجت خدا بر خلق او آنکه قوت داده شد به آن پیغمبر خود و دین خود که حق و هویداست

علما لدين الله وخازنا لعلمه وعيبة علم الله وموضع سر الله وامين

نشانه در دین خدا و محافظت کننده مر علم او را و صندوق علم خدا و جایگاه راز خدا و امانت

الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي

خدا بر خلق او و گواه او در آفریده خداوندا پروردگار ما بدرستی که شنیدیم ندا کننده

للايمان



للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا

میخواند مردمان را بایمان که ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای

وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة

و بمیران ما را با نیکان پروردگار ما بده آنچه وعده کردی ما را بر پیغمبران خود و خوار مکن ما را در روز رستخیز

انك لا تخلف الميعاد فانا يا ربنا بمنك ولطفك اجبنا داعيك

که تو خلاف نمیکنی وعده گاه را پس بدرستی پروردگار ما بانعام تو و مهربانی تو اجابت کردیم خواننده

واتبعنا الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا

و پیروی نمودیم رسول ترا و تصدیق نمودیم او را و تصدیق نمودیم پادشاه گروندگان را و کافر شدیم

بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا فانا بهم

بجبت و طاغوت پس متوجه گردان ما را آنجا که رو کرده ایم و برانگیزان ما را با پیشوایان ما پس بدرستی که ما به ایشان

مؤمنون موقنون ولهم مسلمون آمنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم

گرونده ایم با یقین و برای ایشان گردن نهندگانیم ایمان آوردیم به نهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر

وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة و

و غایب ایشان و زنده و مرده ایشان و خوشنود شدیم به ایشان امامان و پیشروان و بزرگان

حسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا ولا

بس است ما را ایشان میانه ما و میانه خدا از سوای خلق او و نمیجوییم بدل ایشان عوضی و فرا

نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كل من نصب لهم حربا

نمیگیریم بجز ایشان دوست معتمدی و بیزاری جستیم بسوی خدا از هر کس که برپا کرده جنگ با ایشان

من الجن والانس من الاولين والآخرين وكفرنا بالجبت والطاغوت

از آدمیان و پریان از پیشینیان و پسینیان و کافر شدیم بجبت و طاغوت

والاوثان الاربعة واشياعهم وكل من والاهم من الجن والانس

و بتهای چهارگانه و گروه ایشان و هر که دوستی کردند ایشان را از پریان و آدمیان

من اول الدهر الى آخره اللهم انا نشهدك انا ندين بما دان

از ابتدای روزگار تا انجام آن خداوندا بدرستی که ما گواه میگیریم ترا به آنچه اعتقاد کردیم

به محمد وآل محمد صلى الله عليه وعليهم وقولنا ما قالوا

باو محمد و آل محمد درود فرستد خدا براو و برایشان و گفتار ما همان گفته ایشان و

ودیننا ما دانوا به وما انكروا انكرنا ومن والوا والينا ومن

دین ما دینی است که اعتقاد کردند به آن اعتقاد داریم و انکار نمودند انکار نمودیم و هر که دوستی کردند ایشان او را

عادوا عاديناه ولعنوا لعنّاه ومن تبرؤوا منه تبرأنا منه ومن ترحموا

که دشمنی کردند دشمنی نمودیم و هر که لعن کردند لعن کردیم و هر که بیزاری جستند از او بیزاری جستیم از او و هر که

عليه ترحمنا عليه آمنا وسلمنا ورضينا واتبعنا موالينا صلوات

براو رحم کردیم براو گرویدیم و گردن نهادیم و خوشنود شدیم و پیروی کردیم صاحبان

الله عليهم اللهم فتمم لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله مستقرا

خداوندا پس تمام کن برای ما این را و از ما مگیر آن را و بگردان آن را برقرار

ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا واحينا ما احييتنا عليه وامتنا اذا

ثابت نزد ما و مگردان آن را عاریت گذشته و زنده دار ما را مادام که زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را



امتنا عليه آل محمد ائمتنا فبهم نأتم واياهم نوالي وعدوهم عدو

بمیران ما را بر آن آل محمد را پیشوایان پس بایشان اقتدا میکنیم و ایشان را دوست میداریم و دشمن ایشان را

الله نعادي فاجعلنا معهم في الدنيا والآخرة ومن المقربين

دشمن میداریم پس بگردان ما را با ایشان در دنیا و آخرت و از نزدیک شدگان

فانا بذلك راضون يا ارحم الراحمين پس باز بسجده رود و صد مرتبه

پس بدرستی که ما به این خوشنودیم ای بخشاینده ترین بخشایندگان الحمد لله و صد مرتبه شکر

لله بگوید پس حضرت فرموده هر که این عمل بجا آورد ثواب کسی داشته

که در روز عید غدیر نزد حضرت رسول حاضر شده باشد و با حضرت

رسول و حضرت امیر المؤمنین بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد و درجه

در بهشت باو دهند و درجه راست گویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق

خدا و رسول در آن روز نمودند و خالص کردند مانند سلمان و ابوذر و مقداد

رضی الله عنهم و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و

امیر المؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند کسی باشد که در

زیر علم صاحب الامر صلوات الله علیه و در زیر خیمه آنحضرت بوده باشد از

نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت و شیخ مفید روایت کرده است

که سنت است که این اللهم انی اسألك بحق محمد نبيك وعلي و

دعا را در روز غدیر بخوانند خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی

وليك والشأن والقدر الذي خصصتهما به دون خلقك ان

تفصیل عید غدیر

و قدر و مرتبه که مخصوص گردانیدی ایشان را بآن نه سایر مخلوق

تصلي على محمد وعلي وان تبدا بهما في كل خير عاجل اللهم صل

رحمت فرستی بر محمد و علی و اینکه ابتدا کنی ایشان را در هر نیکی شتابنده خداوندا رحمت فرست

على محمد وآل محمد الائمة القادة والسادة والنجوم الزاهرة

بر محمد و آل محمد پیشوایان کشندگان و خداوندگان بزرگان و ستارگان درخشنده

والاعلام الباهرة وساسة العباد واركان البلاد والناقة

و نشانهای روشن و والیان بندگان و رکنهای شهرها و ناقه

المرسلة والسفينة الناجية الجارية في اللجج الغامرة اللهم

فرستاده شده و کشتی رستگار روان در دریاهای فرو پوشنده خداوندا

صل على محمد وآل محمد خزان علمك واركان توحيدك ودعائم

رحمت فرست بر محمد و آل محمد خزینه داران علم تو و رکنهای یگانه شماری تو و ستونهای

دينك ومعادن كرامتك وصفوتك من بريتك وخيرتك من

دین تو و قرارگاهان نوازش تو و برگزیدگان از آفریدگان تو و اختیار کرده شده از

خلقك الاتقياء النجباء الابرار والباب المبتلى به الناس من اتاه

خلق تو پرهیزکاران پاکان برگزیدگان نیکوکاران و درگاهی که امتحان کرده شده اند به او مردمان هر که آمد او را

نجى ومن اباه هوى اللهم صل على محمد وآل محمد اهل الذكر الذين

رستگار شد و هر که خودداری کرد هلاک شد خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد یاران ذکر آنکسان که

امرت بمسئلتهم وذوي القربى الذين امرت بمودتهم وفرضت حقهم

فرمودی بسوال کردن از ایشان و صاحبان خویشی آنکسان که فرمودی بدوستی ایشان و واجب کردی حق ایشان را



وجعلت الجنة معاد من اقتص اللهم صل على محمد وآل محمد

و گردانیدی بهشت را بازگشت آنکه پیروی کرد خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

كما امروا بطاعتك ونهوا عن معصيتك ودلوا عبادك على وحد

چنانچه فرمان دادند بفرمانبرداری تو و باز داشتند از نافرمانی تو و راه نمودند بندگان ترا بر

نيتك اللهم اني اسئلك بحق محمد نبيك ونجيبك وصفوتك

یگانگی تو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بحق محمد پیغمبر تو و اختیار کرده تو و برگزیده تو

وامينك ورسولك الى خلقك وبحق امير المؤمنين ويعسوب

و امانت دار تو و پیغمبر تو بسوی خلق تو و بحق پادشاه گروندگان و بزرگ

الدين وقائد الغر المحجلين الوصي الوفي والصديق الاكبر والفاروق

دین و کشنده سفیدپیشانیان سفیددستان و وصی وفادار و راستگوی بزرگتر و جدا کننده

بين الحق والباطل والشاهد لك والدال عليك والصادع

میان حق و باطل و گواهی دهنده برای تو و راه نماینده بر تو و ظاهر سازنده

بامرك والمجاهد في سبيلك لم تاخذه فيك لومة لائم ان تصلي

فرمان تو و کارزار نماینده در راه تو فرا نگرفت او را در راه تو سرزنش سرزنش کننده اینکه رحمت فرستی

على محمد وآل محمد وان تجعلني في هذا اليوم الذي عقدت فيه

بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی مرا درین روزی که بستی در آن

لوليك العهد في اعناق خلقك واكملت لهم الدين من العارفين

برای دوست خود پیمان را در گردنهای خلق خود و کامل کردی برای ایشان دین را از شناسایان

بحرمته والمقرين بفضله من عتقائك من النار ولا تشمت بي

بحرمت او و اقرار دارندگان بفضل او از آزاد کرده گان از آتش و شاد مکن بلای من

حاسدي النعم اللهم فكما جعلته عيدك الأكبر وسميته في

حسد برنده نعمتها را خداوندا و چنانچه گردانیدی این روز را عید بزرگتر خود و نامیدی او را در

السماء يوم العهد المعهود وفي الأرض يوم الميثاق المأخوذ

آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفته شده

والجمع المسؤول صل على محمد وآل محمد وأقرر به عيوننا واجمع

و جمع آوران پرسیده شده رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روشن کن بان دیدهای ما و جمع کن

به شملنا ولا تضلنا بعد إذ هديتنا واجعلنا لأنعمك من الشاكرين

بان پراکندگی ما را و گمراه مکن ما را پس از آنکه راه نمودی ما را و بگردان ما را برای نعمتهای خود از سپاس گزاران

يا أرحم الراحمين الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم و

ای بخشنده ترین بخشندگان سپاس مر خدایرا که شناسانید بما بزرگی این روز را و

بصرنا حرمته وكرمنا به وشرفنا بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول

بینا گردانید ما را بحرمت آن و گرامی داشت ما را بان و بزرگ گردانید ما را بشناخت آن و راه نمود ما را بنور آن ای رسول

الله يا أمير المؤمنين عليكما وعلى عترتكما وعلى محبيكما مني أفضل

خدا ای امیر مؤمنان بر شما و بر خویشان شما و بر دوستداران شما از من بهترین

السلام ما بقي الليل والنهار وبكما أتوجه إلى الله ربي وربكما

درود باد مادام که پاینده باشد شب و روز و بوسیله شما رو میکنم بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما



في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير أموري اللهم إني

در روا شدن مطلب من و برآوردن حاجت من و آسان کردن کارهای من خداوندا بدرستی که من

أسألك بحق محمد وآل محمد أن تصلي على محمد وآل محمد وأن

سوال میکنم از تو بحرمت محمد و آل محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تلعن من جحد حق هذا اليوم وأنكر حرمته فصد عن سبيلك

لعنت کنی آن کسی را که انکار نمود حق این روز را و انکار نمود حرمت آنرا پس باز داشت از راه تو

لإطفاء نورك فأبى الله إلا أن يتم نوره اللهم فرج عن أهل بيت

بجهت فرو نشانیدن نور تو پس نخواست خدا مگر آنکه تمام کند نور خود را خداوندا گشایش ده اهل بیت

محمد نبيك واكشف عنهم وبهم عن المؤمنين الكربات اللهم

محمد پیغمبر خود و دور کن از ایشان و بحرمت ایشان از گروندگان اندوهها را خداوندا

املأ الأرض بهم عدلا كما ملئت ظلما وجورا وأنجز لهم

پر کن زمین را بایشان از عدالت چنانچه پر گشته از ظلم و ستم و وفا کن برای ایشان

ما وعدتهم إنك لا تخلف الميعاد و اگر بعد از این بسجده رود و

بانچه وعده دادی ایشان را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

شكرا وصلوة شبه الحمد لله

وصلوة تبرا بخواند الحمد لله على إكمال الدين وإتمام النعمة

سپاس مر خدایرا بر کامل گردانیدن دین و تمام گردانیدن نعمت

ورضى الرب والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير خلقه

و خوشنودی پروردگار و سپاس مر خدایرا پروردگار عالمیان و درود بر بهترین خلق او

محمد و عترته الطاهرین بهتر خواهد بود چنانکه سید بن طاوس و کفعمی
محمد و آل او که پاکانند روایت کرده اند و شیخ مفید این زیادتی را نقل کرده
فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله است و در تعیین روز مباهله
میان علما خلافست و اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است
و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند
و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور
بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله آنست که چون
حضرت رسول رسولان فرستاد نصاری نجران که اعظم ترسایان عرب
بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت پناه
در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب
شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند
که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده نمایند و
بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول حجتهای شافی
بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله
مضایقه کردند در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه را فرستاد فمن حاجک
فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا
و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین
یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی

فضیلت و اعمال روز مباهله

از علم و برهان



از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد
بیایید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را
و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها که بمنزله جان ما اند و آنها
که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت و
دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول
عبائی بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین
صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را
اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بودند باو خداوندا اینها اهل
بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک
کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه را که در شان ایشان آورد انما یرید الله
لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا یعنی جز این نیست که
اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما گناهان و پاک گرداند
پس حضرت رسول و علی و فاطمه و حسن و حسین را با خود بیرون برد از مدینه
برای مباهله و چون نصاری حقیقت آنحضرت را دانسته بودند و بعد از
ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب
در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت نظر کنید که من رویهائی
چند می بینم که اگر دعا کنند کوه از جای کنده شود کندن خواهد شد
جرات نکردند بر مباهله و استدعای مصالحه و مصالحه کردند و قبول

کردند که هر سال جزیه بدهند [illegible] ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی بر
ایشان جزیه قرار داد و حضرت فرمود بخدا سوگند که هلاک و عذاب
آویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم همه این جماعت میمون
و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد
بنجران و همه ترسایان نجران میسوختند و پیش از آنکه سال تمام شود
جمیع نصاری میمردند و یک نصاری بر روی زمین نمیماند و باین
سبب چند امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیقت آنحضرت زیرا اگر
او را اعتماد بر حقیقت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را
در معرض مباهله بدر نمی‌آورد و اگر آن جماعت حقیقت آنحضرت بر ایشان
ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار
نمیدادند دوم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق
بودند که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سیم آنکه ایشان
عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیقت خود ایشان را در معرض
نفرین بدر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را بمهالک می‌افکند اما اعزه
عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر بدر آورد و چنانچه صاحب
کشاف و غیر آن از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن
و حسین علیهما السلام فرزند حقیقی آنحضرت اند و قرب ایشان از سایر صحابه
بیشتر بوده است نزد خدا و رسول با آن صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه





زنان بود و از زوجات و سایر قرابات با آنحضرت اخص و اقرب بوده و منزلت
او نزد حق تعالی از همه بیشتر ششم آنکه باتفاق خواص و عام حضرت امیر
المؤمنین در مباهله داخل بود و داخل با ابنا و نسا نیست پس داخل انفس است
و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس
مراد آنست اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت در کمالات و صفات مگر نبوت
بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول
بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع
صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد بآنحضرت
و اعز خلق باشد نزد او و در روایات مفصله این قصه شریفه فوایدی
که از آن مستفاد میشود در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله
گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده
و موجب مزید فضل آن گردیده آنست که در این روز حضرت امیر المؤمنین
در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشیدند و این آیه کریمه نازل شد
و امامت آنحضرت را بر اصحاب بصیرت هویدا گردید انما ولیکم الله و رسوله
والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون
یعنی نیست اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول و آنها که
ایمان آورده اند و نماز را بر پا میدارند چنانچه باید بجا می‌آورند و زکوة
میدهند در رکوع و این آیه نص صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه

نماز روز مباهله

در سایر کتب ذکر کردم و در این روز غسل سنت است و زیارت حضرت
امیر المؤمنین در این روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت مناسب است
و روزه این روز مستحب است و تأسی بمولای خود حضرت امیر المؤمنین
در تصدق بفقرا و ارباب حاجات بانچه مقدور و میسر باشد
مطلوبست و اعمال این روز مبارک بسیار است اول شیخ طوسی از حضرت
صادق روایت کرده است که در این روز پیش از زوال بیک ساعت دو رکعت
بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد هر یک
از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلنا
ده مرتبه بخواند کسی که این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج
و هزار عمره و هر حاجتی که از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند
البته برآورده شود هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است
که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل سوم از اعمال این روز دعای مباهله است
که شیخ طوسی و سید بن طاوس بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق
روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که اگر گویم که در این دعا اسم اعظم حق تعالی
هست هر آینه راست گفته ام و اگر مردم بدانند که این دعا در اجابت
چگونه تأثیر می نماید البته هر نحو که مقدور باشد سعی می نمایند در تحصیل
آن هر چند باید که تمنا کنند و هر حاجت که عارض میشود این دعا را بخوانند





دعای مباهله

و بعد از آن حاجت خود را میطلبیم و البته مستجاب میگردد و این دعائیست
که در وقتی آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بر حضرت
سید رسل نازل شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون رو
و وصی خود علی بن ابی طالب را و سیدة النساء فاطمه زهرا و دو نور دیده
و فرزندان پسندیده خود حسن و حسین را با خود بیرون ببر و این دعا را
بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت امام
جعفر صادق گفت که هرگاه این دعا را بخوانید بجهد و سعی کنید در دعا
و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسی که اهلش
نباشد از سفیهان و منافقان پنهان دارید و بایشان تعلیم ننمائید
که از علمهای مخزونست و هر کس قابل ه اللهم انی اسألک من بهائک
این گوهر گرانبها نیست و دعا اینست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنیکوئی تو
بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسألک ببهائک کله
نیکوترین نیکوئی تو و نیکوست همه او خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنیکوئی تو همه آن
اللهم انی اسألک من جلالک باجله و کل جلالک جلیل
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بزرگواری تو ببزرگوارترین و همه بزرگواری تو بزرگوار است
اللهم انی اسألک بجلالک کله اللهم انی اسألک من جمالک
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو ببزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بزیبائی تو
باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسألک بجمالک کله اللهم

بزیباترین آن و همه زیبائی تو زیباست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بزیبائی تو همه آن خداوندا

إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك

بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که سوال

من عظمتك بأعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم إني أسألك بعظمتك

از بزرگی تو به بزرگترین آن و همه بزرگی تو با برکت خداوندا بدرستی که سوال میکنم

كلها اللهم إني أسألك من نورك بأنوره وكل نورك نير اللهم

همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از روشنائی تو بروشنترین آن و همه روشنی تو روشن است خداوندا

إني أسألك بنورك كله اللهم إني أسألك من رحمتك بأوسعها

بدرستی که سوال میکنم از تو بروشنی تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از رحمت تو بفراخترین آن

وكل رحمتك واسعة اللهم إني أسألك برحمتك كلها اللهم

و همه رحمت تو فراخ است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو برحمت تو همه آن خداوندا

إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك

من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که من سوال

من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك بكمالك

از کمال تو بکاملترین آن و همه کمال تو کامل است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بکمال

كله اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم إني

همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از کلمات تو بتمامترین آن و همه کلمات تو تمام است خداوندا بدرستی

أسألك بكلماتك كلها اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها

سوال میکنم از تو بکلمات تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از نامهای تو به بزرگترین آن

وكل أسمائك



وكل أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك كلها اللهم إني

و همه نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بنامهای تو همه آن خداوندا بدرستی

أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من

میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که سوال میکنم

عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة اللهم إني أسألك بعزتك كلها

عزت تو بعزیزترین آن و همه عزت تو عزیز است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بعزت تو

اللهم إني أسألك من مشيتك بأمضاها وكل مشيتك ماضية اللهم

خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو از خواست تو بروانترین آن و همه خواست تو روان است خداوندا

إني أسألك بمشيتك كلها اللهم إني أسألك بقدرتك التي استطلت

بدرستی که من سوال میکنم از تو بخواست تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بقدرت تو که استیلا داری

بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم إني أسألك بقدرتك

بآن بر هر چیز و همه توانائی تو مستولیست خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بتوانائی

كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني

همه آن خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا

أسألك من علمك بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم إني أسألك بعلمك

که من سوال میکنم از تو از دانش تو بروانترین آن و همه دانش تو روان است خداوندا بدرستی که من سوال

كله اللهم إني أسألك من قولك بأرضاه وكل قولك رضي اللهم

همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از گفتار تو به پسندیده‌ترین آن و همه گفتار تو پسندیده است خداوندا

انی اسئلك بقولك كله اللهم انی اسألك من مسائلك باحبها الیك

بدرستی که من سوال میکنم از تو بگفتار تو بهمه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از سوالهای تو بدوسترین آن

وكل مسائلك الیك حبیبة اللهم انی اسألك بمسائلك كلها

و همه سوالهای تو بسوی تو دوست داشته شده است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بسوالهای تو بهمه آن

اللهم انی ادعوك كما امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی اللهم انی اسئلك

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه فرمودی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که

من شرفك باشرفه وكل شرفك شریف اللهم انی اسألك بشرفك

از بزرگی تو به بزرگترین آن و همه بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو ببزرگی تو

كله اللهم انی اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم

بهمه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از سلطنت تو بهمه آن و همه سلطنت تو پیوسته است

اللهم انی اسألك بسلطانك كله اللهم انی اسألك من ملكك

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بسلطنت تو بهمه آن خداوندا من سوال میکنم از تو از پادشاهی

بافخره وكل ملكك فاخر اللهم انی اسألك بملكك كله اللهم انی

تو بعظیمترین آن و همه پادشاهی تو عظیم است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بپادشاهی تو بهمه آن خداوندا

ادعوك كما امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی اللهم انی اسألك من علائك

میخوانم ترا چنانکه فرمودی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از بلندی تو

باعلاه وكل علائك عال اللهم انی اسألك بعلائك كله اللهم انی

ببلندترین آن و همه بلندی تو بلند است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو ببلندی تو بهمه آن خداوندا

اسئلك من ...



اسألك من آیاتك باعجبها وكل آیاتك عجیبة اللهم انی اسألك

سوال میکنم از تو از نشانهای تو بشگفتترین آن و همه نشانهای تو شگفت است خداوندا بدرستی که من سوال

بآیاتك كلها اللهم انی اسألك من منك باقدمه وكل منك

بنشانهای تو بهمه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از بخشش تو بقدیمترین آن و همه بخشش تو

قدیم اللهم انی اسألك بمنك كله اللهم انی ادعوك كما امرتنی

قدیم است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو ببخشش تو بهمه آن خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه

فاستجب لی كما وعدتنی اللهم وانی اسألك بما انت فیه من الشؤن

پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بآنچه تو در آنی از کارها

والجبروت اللهم وانی اسألك بكل شأن وكل جبروت اللهم

و بزرگواری خداوندا و بدرستی که من سوال میکنم از تو بهمه کارها و همه بزرگواری خداوندا

وانی اسألك بما تجیبنی به حین اسألك یا الله یا لا اله الا انت

و بدرستی که من سوال میکنم از تو بآنچه اجابت کنی مرا بآن هنگامی که سوال کنم از تو ای خدا ای آنکه نیست خدائی بجز تو

اسئلك ببهاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجلال

سوال میکنم از تو بنیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی بجز تو سوال میکنم از تو ببزرگی

لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا انت اللهم

لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی بجز تو سوال میکنم از تو به لا اله الا انت خداوندا

انی ادعوك كما امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی اللهم انی اسألك

بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که من سوال

من رزقك بأعمه وكل رزقك عام اللهم إني أسألك برزقك

از روزی تو بعمه گیرنده ترین آن و همه روزی تو فراگیرنده است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بروزی تو

كله اللهم إني أسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك هني

همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از بخشش تو به گواراترین آن و همه بخششهای تو گوارا است

اللهم إني أسألك بعطائك كله اللهم إني أسألك من خيرك

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو به بخششهای تو همه آن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو از نیکی تو

بأعجله وكل خيرك عاجل اللهم إني أسألك بخيرك كله اللهم

بشتابنده ترین آن و همه نیکی تو شتابنده است خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بنیکی تو همه آن خداوندا

إني أسألك من فضلك بأفضله وكل فضلك فاضل اللهم

بدرستی که من سوال میکنم از زیادتی تو بافزون ترین آن و همه زیادتی تو زیاده است خداوندا

إني أسألك بفضلك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب

من سوال میکنم از تو بزیادتی تو همه آن خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت

لي كما وعدتني اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثني على الإيمان

مرا چنانکه وعده کردی مرا خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن

بك والتصديق برسولك عليه وآله السلام والولاية لعلي بن

بتو و باور داشتن پیغمبر فرستاده تو بر او و آل او باد درود و دوستی علی پسر

أبي طالب والبراءة من عدوه والائتمام بالأئمة من آل محمد عليهم

ابی طالب و بیزاری از دشمن او و پیروی نمودن پیشوایان از آل محمد بر ایشان باد

السلام فانی



السلام فإني قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على محمد عبدك

درود و بدرستی که من خشنودم به آن ای پروردگار من خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده

ورسولك في الأولين وصل على محمد وآله في الآخرين وصل

و پیغمبر تو در زمره پیشینیان و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان و رحمت

على محمد وآله في الملأ الأعلى وصل على محمد وآله في المرسلين

بر محمد و آل او در زمره بزرگان و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در زمره رسولان

اللهم أعط محمدا الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة

خداوندا ببخش محمد را وسیله و بزرگواری و زیادتی و مرتبه

الكبيرة اللهم صل على محمد وآل محمد وقنعني بما رزقتني

بزرگ خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و خشنود ساز مرا بآنچه روزی کردی

وبارك لي فيما أعطيتني واحفظني في غيبتي وفي كل غائب هو

و برکت ده مرا بآنچه بخشیدی مرا و نگاه دار مرا در پنهانی من و در هر غایبی که او

لي اللهم صل على محمد وآل محمد وأسألك خير الخير رضوانك

مراست خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و سوال میکنم از تو بهتر از هر نیکی که خشنودی

والجنة وأعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على

و بهشت است و پناه میگیرم بتو از بدتر هر بدی خشم تو و دوزخ خداوندا رحمت فرست

محمد وآل محمد واحفظني من كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة

محمد و آل محمد و نگاه دار مرا از هر مصیبتی و از هر بلایی و از هر عقوبتی

ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل
واز هر آشوبی واز همه بلایی واز همه بدی واز هر مکروهی واز هر
مصيبة ومن كل آفة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض في هذه
مصیبتی واز هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این
الساعة وفي كل ساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا
ساعت و در هر ساعت و در این شب و در این روز و در این
الشهر وفي هذا السنة صل على محمد وآل محمد واقسم لي من كل
ماه و در این سال رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بخش مرا از همه
سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية
شادی واز هر نیکویی واز هر راستی واز هر گشایشی واز هر عافیتی
ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب
واز هر سلامتی واز هر نوازشی واز هر روزیی فراخ حلال پاکیزه
ومن كل نعمة ومن كل سعة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض
واز هر نعمتی واز هر گشایشی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین
في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذه اليوم وفي هذه الشهر
در این ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه
وفي هذه السنة اللهم إن كانت ذنوبي قد أخلقت وجهي عندك
و در این سال خداوندا اگر بوده باشد گناهان من تحقیق خلق کرده روی مرا نزد تو





وحالت بيني وبينك غيرت حالي عندك فإني أسألك بنور
و حایل شده باشد میان من و میان تو و تغیر داده باشد حال مرا نزد خود پس سؤال میکنم ترا بروشنی
وجهك الذي لا يطفأ وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه
ذات تو که فرو نشانیده نمیشود و بجاه محمد دوست تو برگزیده و بجاه
وليك علي المرتضى وبحق أوليائك الذين انتجبتهم أن تصلي
دوست تو علی پسندیده و بحق دوستان تو آنکه برگزیدی ایشان را آنکه رحمت فرستی
على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ما مضى من ذنوبي وأن تعصمني
بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی مرا آنچه گذشته از گناهان من و آنکه نگاه داری مرا
فيما بقي من عمري وأعوذ بك اللهم أن أعود في شيء من معاصيك
در آنچه باقی مانده از عمر من و پناه میبرم بتو خداوندا آنکه بازگردم در چیزی از نافرمانیهای تو
أبدا ما أبقيتني حتى تتوفاني وأنا لك مطيع وأنت عني راض وأن
مدام که باقی داری مرا تا بگیری جان مرا و من مر ترا فرمانبردارم و تو از من خوشنودی و آنکه
تختم لي عملي بأحسنه وتجعل لي ثوابه الجنة وأن تفعل بي ما أنت
ختم کنی برای من کردار من به نیکوترش و گردانی مرا پاداش آن را بهشت و آنکه بکنی بمن آنچه تو
أهله يا أهل التقوى ويا أهل المغفرة صل على محمد وآل محمد
سزاواری آن ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزش رحمت فرست بر محمد و آل محمد
وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين وبعد از آن هر حاجت که
و رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان دارى از خدای تعالی طلب کن انشاء الله

عمل ششم روز مباهله

را آورده است موافق گویا که خواندن این دعا در روز مباهله انسب است
که شیخ طوسی نیز در این روز روایت کرده است و از روایت مذکور معلوم است
که در همه وقت میتوان خواند و در دعا اختلافی هست میان روایات و آنچه
در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ و در روایت دیگر با ترجمه در رساله
دیگر ایراد نموده‌ام و شبیه باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و در دعای
آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از عظیم ترین دعاهاست عمل ششم
آنست که شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر روایت کرده
اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و در این روز آنچه
خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه استغفر الله
ربّی و اتوب الیه بگو پس می ایستی و بموضع سجود خود نظر میکنی و این دعا
میخوانی و باید با غسل باشی و در روایت دیگر فرموده که روز بیست و چهارم
روز مباهله است باید که این روز را روزه بداری برای شکر حق تعالی
بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و آنچه توانی
از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر از جمله
مشاهد مشرفه حاضر باشی نزد آن قبر ضریح مقدس بر خلوت میشوی و الا بجای
خلوتی بروی یا بر کوه بلندی بر آئی یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون
روی و غسل کند و بهترین جامهای خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن
داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار

کند پس



دعا بعد از نماز روز مباهله

کند پس بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن
فرمود که هر دعائی که خواهی بکنی باذن دو رکعت نماز بکن و این دعاست
الحمد لله رب العالمین الحمد لله فاطر السموات و الارض
سپاس مر خدا را پروردگار جهانیان سپاس مر خدا را پدید آورنده آسمانها و زمین
الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض الحمد لله الذی
سپاس مر خدا را که مر او راست آنچه اندر آسمانها و آنچه اندر زمین است سپاس مر خدا را که
خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفروا
آفرید آسمانها و زمین را و گردانید تاریکیها و روشنائیها پس آنانکه کافر شدند
بربهم یعدلون الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به جاهلا و لولا
به پروردگار خود عدیل گرفتند سپاس مر خدا را که شناسانید مرا آنچه بودم بآن نادان و اگر نبود
تعریفه ایای لکنت هالکا اذ قال و قوله الحق قل لا اسئلکم علیه
شناسانیدن او مرا هر آینه بودم هالک هنگامی که گفت و گفتار او راست بگو ای محمد نمیخواهم
اجرا الا المودة فی القربی فبین لی القرابة و قال سبحانه انما یرید
مزدی مگر دوستی خویشان را پس بیان کرد برای من خویشان را … و گفت منزه است او بدرستیکه
الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا
خدا میخواهد که برد از شما گناهان را ای اهل بیت رسالت و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی
فبین لی اهل البیت بعد القرابة ثم قال تعالی مبینا عن الصادقین
پس بیان کرد برای من اهل بیت را بعد از خویشان پس گفت حق تعالی … بیان کننده از راستگویان

الذين امرتنا بالكون معهم والرد اليهم بقوله سبحانه يا ايها الذين

اناكه امر كرده ما را به بودن با ايشان و گردانيدن مشكلات بسوي ايشان بگفتار خود كه گفت اي آنكه

آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين فاوضح عنهم وابان عن حقيقتهم

گرويده ايد بپرهيزيد از خدا و باشيد با راستگويان پس ظاهر ساخت از ايشان و آشكار نمود

بقوله جل ثناؤه قل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم

بگفتار خود بزرگوار است ثناء او بگو بيائيد بخوانيم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان

وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين فلك

و نفس خود و نفسهاي شما را پس زاري كنيم پس گردانيم لعنت خدا را بر دروغ گويان پس مر

الشكر يا رب ولك المن حيث هديتني وارشدتني حتى لم يخف

سپاس اي پروردگار من و مر تراست انعام آنجا كه راه نمودي مرا و راه نمودي مرا تا آنكه پنهان

على الاهل والبيت والقرابة فعرفتني نساءهم واولادهم

بر من اهل و خانه و خويش پس شناسانيدي بمن زنان ايشان را و فرزندان ايشان را

ورجالهم اللهم اني اتقرب اليك بذلك المقام الذي لا يكون

و مردان ايشان را خدايا بدرستي كه من نزديكي ميجويم بتو بآن مرتبتي كه نباشد

منه اعظم فضلا للمؤمنين ولا اكثر رحمة لهم بتعريفك اياهم

بزرگتر از آن از روي زيادتي براي گرويدگان و بيشتر از آن از جهت رحمت براي ايشان بشناسانيدن تو

شأنه وابانتك فضل اهله الذين بهم ادحضت باطل اعدائهم

مرتبه او و آشكار نمودن تو فضيلت اهل او را آنكه بايشان باطل گردانيدي حجت دشمنان خود را

وثبت بهم



وثبت بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود الذي انقذ

و ثابت داشتي بايشان اساسهاي دين خود را و اگر نبودي اين جايگاه ستوده كه رهانيد ما را

به ودللتنا على اتباع المحقين من اهل بيت نبيك الصادقين

بآن و راه نمودي ما را به پيروي نمودن ايشان كه حقند از خانواده پيغمبر تو كه راست گويانند

عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الافعال لخصم

از تو آنانكه نگاه داشتي ايشان را از گفتار بيمعني و چركهاي كردارها هر آينه غالب گرديد

اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل الالحاد وفعل اولي العناد

اهل اسلام و آشكار نمودي كلمه آنكه از حق برگشته و كردار عناد ورزنده گري

فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك واياديك اللهم

پس مر تراست سپاس و مر تراست انعام و مر تراست شكر بر نعمتهاي تو و عطاياي تو خداوندا

فصل على محمد وآل محمد الذين افترضت علينا طاعتهم و

پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد آنانكه واجب ساختي بر ما فرمان ايشان را و

عقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع

بستي در گردنهاي ما دوستي ايشان را و گرامي داشتي ما را بشناسانيدن ايشان و بزرگ كردي ما را بپيروي

آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه فاعنا على الاخذ

ايشان و ثابت داشتي ما را بگفتار حقي كه شناسانيدند ما را پس مدد كن ما را بر فرا گرفتن

بما بصرونا واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل

به آنچه بينا نمودند ما را و پاداش ده محمد را از ما بهترين پاداشي در مقابل آنكه پند داد مر خلق خود را و

وسعه في ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه في اقامة دينك و

طاقت خود را در رسانیدن پیغامهای تو و بهلاکت افکنده خود را در پا داشتن دین خود او

على اخيه ووصيه والهادي من بعده الى دينه والمقيم سنته

بر برادر او و وصی او و رهنمای از پس او بسوی دین او و برپا دارنده طریقه او

علي امير المؤمنين صلوات الله عليه وصل على الائمة من

علی پادشاه گروندگان رحمتهای خدا بر او و رحمت فرست بر پیشوایان از

ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا

فرزندان او راستگویان آنکه وصل کرده فرمان برداری ایشان بفرمان برداری خود

بشفاعتهم دار الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب

بر شفاعت نمودن ایشان در سرای بزرگواری ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا اینها اند یاران

الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسأل

ردا و عبا بند در روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفیعان و سوال

بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي وتتوب

بحق این جایگاه ستوده شده و روز گواهی داده شده اینکه بیامرزی مرا و بپذیری

علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان ارواحهم

بر من بدرستی که تو توبه پذیرنده مهربانی خداوندا بدرستی که من گواهی میدهم اینکه جانهای

وطينتهم واحدة وهي شجرة التي طاب اصلها وفرعها وغصنها

و طینت ایشان یکی است و طینت ایشان درختی که پاکیزه است بیخ آن و شاخهای آن



واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في

و برگهای آن خداوندا رحم کن ما را بحق ایشان و پناه ده ما را از جاهای خواری در

الدنيا والآخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال يوم

دنیا و آخرت بدوستی ایشان و وارد ساز ما را در جایگاه ایمنی از شدائد روز

القيمة بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واهتدائنا

رستخیز بدوستی ایشان و اقرار نمودن ما بزرگی ایشان و پیروی نمودن نشانهای ایشان و راه یافتن

بهداهم واعتقادنا ما عرفونا من توحيدك ووقفونا عليه

براه نمودن ایشان و اعتقاد نمودن ما آنچه را شناسانیده اند ما را از یکانه داشتن تو و مطلع نمودن ما براو

من تعظيم شأنك وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات

از بزرگ شمردن تو و پاکی یاد نمودن نامهای تو و سپاس گذاری نعمتهای تو و نفی صفات

ان تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك

اینکه عارض شود ترا و دانش اینکه فرا رسد ترا و وهم اینکه واقع شود بر تو بدرستی که

اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه

برپا داشتی ایشان را بر خلق خود و دلالت کنندگان بر یکتایی تو و راه نمایی که آگاه نمایند

على امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل على عبادك وبابا

بر کار تو و راه نمایند بسوی دین تو و آشکار نمایند آنچه که مشکل کرده بر بندگان تو و در

للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك وتدعو الى

برای معجزه هایی که عاجز است از آنها غیر تو و بآنها ظاهر میشود حجت تو و میخوانند بسوی

تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت المتفضل عليهم حيث

تعظیم رسول اصلاح کننده میان تو و میان خلق تو و توئی بخشنده بر ایشان انجا

قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك

که نزدیک گردانیدی ایشان را به پادشاهی خود و میان خلق تو اختصاص دادی ایشان را بر راز خود و برگزیدی ایشان را

واورثتهم غوامض تاويلك رحمة بخلقك ولطفا بعبادك

و میراث دادی ایشان را تفسیر کتاب خود از جهت بخشش نمودن آفریدگان خود و مهربانی به بندگان

وحنانا على بريتك وعلما بما ينطوي عليه ضمائر امنائك

و ترحم کردن بر خلق خود و شناختن آنچه در نوشته شده بران دلهای امانت داران تو

وما يكون من شان صفوتك وطهرتهم في منشائهم ومبتدئهم

و آنچه واقف شود از کار برگزیدگان تو و پاک گردانیدی ایشان را از آفرینش ایشان و بود ایشان

وحرستهم من نفث نافث اليهم واريتهم برهانا على من عرض

و نگهبانی نمودی ایشان را از چیزی که فرشته آید بسوی ایشان و نمودی ایشان را حجتی بر آنکه قرار

بسوء ظنهم فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك وملأوا

ایشان را پس اجابت کردند فرمان ترا و مشغول کردند نفوس خود را بفرمان برداری تو و پر کردند

اجوافهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزؤا اوقاتهم

اجزای درون خود را از یاد تو و آباد کردند دلهای خود را بتعظیم فرمان تو و قسمت کردند اوقات خود

فيما يرضيك واخلوا ادخالهم من معاريض الخطرات الشاغلة

در آنچه خوشنود سازد ترا و فارغ کردند باطنهای خود را از پوشیده های اندیشهای باز دارنده



عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب لامرك

از تو پس گردانیدی دلهای ایشان را جایگاهها برای خواست تو و خردهای ایشان را جاهای فرا گرفتن

ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم

و نهی تو و زبانهای ایشان را بیان کننده سنت خود پس گرامی داشتی ایشان را به روشنائی خود تا

من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم بوحيك و

از میان اهل زمان ایشان و نزدیکان بسوی ایشان پس مخصوص گردانیدی ایشان را بوحی

انزلت اليهم كتابا وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم وولاء

و فرو فرستادی بسوی ایشان کتاب خود و امر کردی ما را بچنگ در زدن بایشان و برگردانیدن مطالب بسوی ایشان

منهم اللهم فانا قد تمسكنا بهم بكتابك وبعترة نبيك صلوات

از ایشان خداوندا بدرستی که ما چنگ در زدیم بایشان بکتاب تو و بخویشان پیغمبر تو رحمتهای تو

عليهم الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم

برایشان آنانکه برپا داشتی ایشان را راهنما و نشانه و امر فرمودی ما را به پیروی نمودن ایشان

اللهم فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون

خداوندا بدرستی که ما چنگ در زدیم ایشان را پس روزی کن ما را شفاعت ایشان هنگامی که میگویند

فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصادقين

پس نیست ما را هیچ درخواست کننده و نه دوست نزدیکی و بگردان ما را از راستگویان

المصدقين لهم المنتظرين لايامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا

تصدیق کنندگان ایشان انتظار برندگان روزگار ایشان نظر کنندگان بسوی شفاعت ایشان

بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش از برای ما از نزد خود بخششی از رحمتی که تویی بخشاینده
آمین رب العالمین اللهم صل علی محمد نبیک وعلی اخیه و صنوه
اجابت کن ای پروردگار جهانیان بار خدایا رحمت فرست بر محمد پیغمبر خود و بر برادر او و مثل او
امیر المؤمنین وقبلة العارفین وعلم المهتدین وثانی الخمسة
پادشاه گروندگان و قبله شناسایان و نشانه راه یافتگان و دومی پنج تنی
المیامین الذین فخر بهم الروح الامین وباهل الله تعالی
که مبارکند که فخر کرد بدیشان روح الامین و مباهله فرمود خدای تعالی
بهم المباهلین فقال وهو اصدق القائلین فمن حاجک فیه من
بدیشان با مباهله کنندگان پس گفت و او راست گوینده ترین گویندگان است پس هر که مخاصمه کند با تو در او
بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءکم ونساءنا ونساءکم
پس از آنچه آمد ترا از دانش پس بگو بیایید بخوانیم پسران شما را و پسران خود را و زنان خود را
وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین
و نفسهای ما و نفسهای شما را پس زاری کنیم پس بگردانیم لعنت خدا بر دروغ گویان
ذلک الامام المخصوص بمواخاته یوم الاخاء والمؤثر بالقوت بعد
آنست امامی که مخصوص گردانیده شده به برادری پیغمبر روز برادری و ایثار کننده بطعام ضروری
ضر الطوی ومن شکر الله سعیه فی هل اتی ومن شهد بفضله
گرسنگی و آنکه ستوده خدا کوشش او را در سوره هل اتی و آنکه گواهی داده بفضل او

ابناءنا
پسران خود را



معاندوه واقر بمناقبه جاحدوه مولی الانام ومکسر الاصنام
بر دشمنان او و اقرار کرده بفضایل او منکران صاحب اختیار مردمان و شکننده بتان
ومن لم تاخذه فی الله لومة لائم صلی الله علیه وآله ما طلعت
و آنکه فرا نگرفته او را در راه خدا ملامت ملامت کننده رحمت فرستاد خدا بر او و آل او مادامی که طلوع کند
شمس النهار واورقت الاشجار وعلی النجوم المشرقات فی عترته
آفتاب روز و برگ آورد درختها و بر ستارگان درخشان در عترت او
والحجج الواضحات من ذریته و این دعا بسند متصل صحیح از علماست
و حجتهای روشن از فرزندان او و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم
ومشهور است که در این سوره کریمه هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین
و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم نازل شده است
بسبب آنکه حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول
بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین ع
نذر کنند که اگر ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون
خدا عافیت کرامت کرد آن چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند
و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت امیر المؤمنین ع قدری
پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع جو که حضرت فاطمه صلوات الله
علیها هر روز ثلث آن پشم را بریسد و یک صاع از آن جو را بردارد پس در روز اول
حضرت فاطمه قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و صاعی از جو را برداشت و آرد کرد

عمل روز بیست و پنجم ذی الحجه

و پنج گرده نان بپخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول نماز شام کرد
و بخانه برگشت و حضرت فاطمه پنج گرده نان را حاضر کرد و خواستند افطار ک
نند مسکینی بر در خانه ندا داد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من
مسکینی ام از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائدهای
بهشت طعام دهد پس حضرت امیر ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را
و سایر اهل بیت با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانهای خود را بسایل
دادند و بآب افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه
برخاستند و یک ثلث دیگر از آن جو یکصاع دیگر را برداشت و آرد کرد
و پنج گرده دیگر بپخت و چون خواستند افطار کنند سائلی بر در خانه آمد
و ندا کرد السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین
پدر من در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از طعام
بهشت طعام دهد پس حضرت امیر مؤمنان اول نان خود را داد و بعد از
او فاطمه زهرا دو گوشوار عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادت منده
همگی نانهای خود را به یتیم دادند و بآب افطار کردند و در روز سیم روزه د
و باز حضرت سیدة النساء در روز سیم بقیه آن جو را برشت و بقیه جو را
آرد کرد باسیای خود و باز پنج گرده نان بپخت و چون امیر کبیر از نماز برگشت و
فاطمه طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران
ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر میکنید و می بندید



و طعام نمیدهید که بخوریم پس همچو سابق همه گردهای نان را بسائل دادند و با آب
افطار فرمودند و چون صبح شد حق تعالی سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان
فرستاد و در آن سوره اشاره باین قصه نموده که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ
يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا
وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ
مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی
که شر آن اکثر خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت
آن یا از برای مخصوص محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و میگویند بلغت حال
خود و نیت ایشان اینست که ما طعام نمیدهیم شما را مگر از برای رضای
خدا نمیخواهیم از شما نه جزا و پاداشی نه شکر و ثنائی را و ما می ترسیم از روز
قیامت که در نهایت شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و پنجم
ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول
بخانه اهل بیت آمد و ایشان را بآن شدت گرسنگی و آن حال غریب مشاهده نمود
و گریست و فرمود که این چه حالتست که در شما مشاهده می نمایم و امام حسن
و امام حسین را دید که از نقاهت بیماری و از گرسنگی مانند جوجه
بیرون آیند میلرزند و حضرت فاطمه در محراب عبادت ایستاده و از گرسنگی
شکم مبارکش بپشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود و چون از نماز
فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسه بود و کو

و ترید گرم در آن میان بود که میجوشید و بوی خوشتر از بوی مشک از آن
ساطع بود پس حضرت فاطمه آن خوان را برد بحضرت رسول و آن حضرت
فرمود که ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا
هر که را خواهد روزی دهد بی حساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتیم
تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدیم پس از آن تناول
نمودند و تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد و حضرت صادق ع
فرمود که آن کاسه نزد ما و حضرت صاحب الامر است از آن ظاهر خواهد کرد و طعام
را از آن تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده با
طرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام
پس مناسب است که شیعیان اهل بیت در این ایام تاسی نمایند بموالی خود
در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در طعام دادن
شیخ مفید گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر
نعمت نزول سوره هل اتی در شأن آل عبا علیهم السلام و ایضا گفته که غسل و
ائمه و زیارت جامعه در این روز خواندن مناسب است و بعضی از علما
این روز را روز مباهله میدانند دعای مباهله را در این روز نیز خواندن
خوب است و روز بیست و ششم بنابر مشهور عمر علیه اللعنه را بخنجر بر شکم نحس زد
و باین سبب نهایت برکت دارد و روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی
امیه است بجهنم واصل شد و دولت ملعون بنی امیه لعنهم الله بر طرف شد پس در این

روز شکر



روز شکر این نعمت باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی نقی ع
در این روز متولد شده است و روز بیست و نهم بنابر مشهور عمر باسفل
درکات سقر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز
آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت
نماز بجای آورند و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و ده مرتبه قل هو الله و
ده مرتبه آیة الکرسی بخوانند و بعد از سلام این دعای عظیم الشأن را بخوانند اللهم ما عملت فی هذه السنة
خداوندا آنچه کردم در این سال
من عمل نهیتنی عنه و لم ترضه و نسیته و لم تنسه و دعوتنی الی التوبة
از کرداری که منع کرده بودی مرا از آن و نپسندیدی آن را و فراموش کردم و فراموش نکردی تو آن را و خواندی مرا بتوبه
بعد اجترائی علیک اللهم فانی استغفرک منه فاغفر لی و ما
بعد از دلیری من بر تو خداوندا پس بدرستی که من طلب آمرزش میکنم از آن پس بیامرز مرا و آنچه
عملت من عمل یقربنی الیک فاقبله منی و لا تقطع رجائی منک یا کریم
کردم از کرداری که نزدیک کند مرا بسوی تو پس قبول کن آن را از من و منقطع مگردان امید مرا ای بزرگوار

فصل ششم در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است فصل اول
در اعمال دهه محرم است از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول ص در روز
اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون فارغ شدند دست بر دعا برداشتند و سه
و این دعا را سه مرتبه خواندند اللهم انت الاله القدیم و هذه سنة جدیدة فاسئلک
مرتبه خواندند بار خدایا تویی خدای دیرینه و این سال سال نو است

اعمال روز آخر ماه ذی الحجه

در بیان اعمال ماه محرم الحرام

نماز روز اول محرم

فيها العصمة من الشيطان والقوة على هذه النفس الامارة

در آن نگاه داشتن از شیطان و توانائی بر این نفس بسیار امر کننده

بالسوء والاشتغال بما يقربني اليك يا كريم يا ذا الجلال والاكرام

به بدی و مشغول شدن به آنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو ای کریم ای صاحب بزرگی و بخشش

يا عماد من لا عماد له يا ذخيرة من لا ذخيرة له يا حرز من لا حرز له

ای ستون کسی که نیست ستونی برای او ای ذخیره کسی که نیست ذخیره برای او ای پناه کسی که نیست پناهی برای او

يا غياث من لا غياث له يا سند من لا سند له يا كنز من لا كنز له

ای فریادرس کسی که نیست فریادرسی برای او ای تکیه گاه کسی که نیست تکیه گاهی برای او ای گنج کسی که نیست گنجی برای او

يا حسن البلاء يا عظيم الرجاء يا عز الضعفاء يا منقذ الغرقى

ای نیکو نعمت ای بزرگ امید ای غالب گرداننده ناتوانان ای رهاننده غرق شدگان

يا منجي الهلكى يا منعم يا مجمل يا مفضل يا محسن انت الذي سجد

ای نجات بخش هلاک شدگان ای نعمت دهنده ای نیکوکار ای بخشش کننده ای احسان کننده توئی آنکه سجده کرد

لك سواد الليل ونور النهار وضوء القمر وشعاع الشمس ودوي

برای تو سیاهی شب و روشنائی روز و روشنی ماه و تیغ آفتاب و صدای

الماء وحفيف الشجر يا الله لا شريك لك اللهم اجعلنا خيرا

آب و آواز درخت ای خدا نیست شریکی مر ترا خداوندا بگردان ما را بهتر

مما يظنون واغفر لنا ما لا يعلمون ولا تؤاخذنا بما يقولون حسبي الله

از آنچه گمان میبرند و بیامرز برای ما آنچه را که نمیدانند و فرا مگیر ما را به آنچه میگویند بس است مرا



لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم آمنا به كل

نیست خدائی بپرستش بجز او بر او توکل کردم من و اوست پروردگار عرش بزرگ گرویدیم

من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

از نزد پروردگار ما و پند نمیگیرند مگر صاحبان خرد پروردگار ما میل مده دلهای ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را

وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب چون حضرت سید

ببخش ما را از نزد خود بخشایشی بدرستی که توئی بخشاینده الشهداء در این ماه

بسعادت شهادت فایض گردید و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند

و اخبار موحشه بایشان میرسید و باید که شیعیان ایشان در مجموع این دهه

بلوازم تعزیه آنحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند و اخبار

و احادیث که مشتمل بر ذکر مصایب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته اند

که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا منقولست که ماه محرم

ماهی بود که کافران جاهلیت قتال را در آن حرام میدانستند و منافقان این امت

در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان

ما را اسیر کردند و آتش در خیمه‌های ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و

رعایت حرمت رسالت بنا در باب ما نکردند بدرستی که مصیبت امام حسین

چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیده‌های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل کرد

در واقعه کربلا کرب و بلا برای ما مهیا گردانید تا روز قیامت پس باید که بر مصیبت آنحضرت

گریه کنندگان بگریند بدرستی که گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند

فضیلت گریه کردن بر مصیبت امام حسین

فرمود که پدرم امام موسی علیه السلام چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان
نمی دید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه تا
روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و میگفت امروز روز
حسین است و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین علیه السلام شهید شد
آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت صلوات الله علیه گریه کنی که آب از دیده
بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی
بمیری هیچ گناهی بر تو نباشد زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکن و اگر خواهی
که در غرفهای بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین
را و اگر خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را
بیاد آوری بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاش میبودم با ایشان
پس رستگاری می یافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه
بلند باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش و بدانکه
روزه روز اول ماه محرم مستحب است و از حضرت امام رضا منقولست که در روز
اول محرم حضرت زکریا دعا کرد و از خدا فرزند طلبید حق تعالی دعای او را مستجاب
کرد و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه دارد و دعا کند
حق تعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانچه دعای زکریا را مستجاب کرد حق تعالی
گفته است که روز سیم محرم روز مبارکیست و در آن روز حضرت یوسف علیه السلام
از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب را



آسان گرداند و بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی
امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشتند
و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزه آنها بر حضرت رسول بسته اند
و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار در مذمت روزه این دو روز
خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنة
از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره میکرده اند و
از حضرت امام رضا منقولست که هر که ترک کند سعی در حوایج خود را در
روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی حوایج دنیا و آخرت او را برآورد و
هر که روز عاشورا را روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت
را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن گردد
و هر که روز عاشورا را روز برکت داند و از برای منزل خود چیزی ذخیره کند خدا
آن ذخیره را برای او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن
زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة محشور گردد پس باید که در روز عاشورا مردم
مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند
و امر کنند اهل خانه خود را که تعزیه آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند
چنانچه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساک
کنند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کنند و در آخر روز بعد از
عصر افطار کنند اگر چه بیک شربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه

از روز روزه واجبی داشته باشد که بشکند یا مثل آن بر آن واجب باشد که
که آن روز را باید که روزه بگیرد و قوت آن روز را در خانه ذخیره نکند و نخندد
و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند و بگوید
اللهم العن قتلة الحسین و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق
که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن
نظر رحمت بسوی او بکند و هر که خدا نظر رحمت بسوی او بکند هرگز او را عذاب
نکند و در شب عاشورا نیز باید احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تأسی
بحضرت امام حسین ع و اصحاب او که در آن شب صحرای کربلا در میان سی هزار نفر
از کافران بی حیا تا صباح احیا کردند و عبادت و تهیه سعادت شهادت
میکردند **فصل دوم** در زیارت مشهوره آنحضرت است در روز عاشورا و فضیلت
زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا **بسند معتبر** از حضرت صادق ع منقول است
که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت
کند در روز قیامت محشور گردد بخون آلوده و طپیده شهدای کربلا
میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا او را زیارت کند آنحضرت را
چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد **و بسند صحیح** از آنحضرت
منقولست که هر که حضرت امام حسین ع را در روز عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب گردد
و اما زیارت مشهوره **شیخ طوسی** و ابن قولویه و غیر ایشان روایت کرده اند از سیف بن
عمیره و صالح بن عقبه و هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمة بن محمد حضرمی و هر دو از

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

زیارت

جهنی که حضرت



جهنی که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام
حسین ع را در روز دهم محرم تا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند
خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار
جهاد که هر یکی با رسول خدا و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد
مالک گفت فدای تو شوم چه ثوابست برای کسی که در شهرهای دور باشد
و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا
در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالای بلندی یا بام بلندی در خانه خود
و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتل آنحضرت
و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کارها در اول روز و اول پیش از
پیشین ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین ع و امر کند هر که در خانه او است
و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبت برپا دارد
باظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای
خود بگریه کردن و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت
پس من ضامنم بر خدا که هر گاه این کارها بکنند **حق تعالی** جمیع این ثوابها را بایشان
عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی برای ایشان باین ثواب فرمود بلی
پرسید چگونه یکدیگر را تعزیت عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین
بگویند فرمود که میگویند بزرگ گرداند خدا مزدهای ما را بمصیبتهای ما بسبب حسین
علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام

تعزیت گفتن مؤمنان یکدیگر را

علیه السلام
و گرداند ما و شما را
از طلب کنندگان
خون او با دوست او مهدی

المهدي من آل محمد عليهم السلام واگر تواني دران روز براي
هيچ كاري بيرون مرو واگر *زيارت كنندهٔ مهدي از آل محمد بر ايشان باد درود*
نحس است كه حاجت هيچ مؤمني دران روز برآورده نميشود واگر برآورده
شود از براي او مبارك نيست و دران خيري و رشدي نخواهد بود و
ذخيره مكن از براي منزل خود چيزي كه هر كه دراين روز از براي منزل
خود چيزي ذخيره كند از براي او مبارك نيست آنچه ذخيره كرده است
و اهلش كه از براي ايشان ذخيره كرده است مبارك نخواهد بود از براي
پس كسي كه چنين كند از براي او نوشته ميشود ثواب هزار هزار حج و هزار
هزار عمره و هزار هزار جهاد كه همه با رسول خدا كرده باشد و از براي او
خواهد بود ثواب مصيبت هر پيغمبري و رسولي و وصي و صديقي و شهيدي كه مرده
باشد يا كشته شده باشد از وقتي كه خدا دنيا را خلق كرده است تا روز قيامت
علقمه بن محمد گفت كه من گفتم بحضرت امام محمد باقر كه تعليم نما مرا دعائي
كه بخوانم دراين روز هر گاه كه خواهم آنحضرت را زيارت كنم از نزديك و دعائي
كه هر گاه در شهرهاي دور كه خواهم اشاره كنم و آنحضرت را زيارت كنم بخوانم
فرمود كه اي علقمه هر گاه بگذاري آن دو ركعت نماز را بعد از آنكه اشاره كرده
باشي بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشي و بعد از اشاره و نماز از نماز
را كه مذكور خواهد پس دعا كرده خواهي بود بدعائي كه ملائكه ميخوانند
در وقتي كه زيارت آنحضرت را ميكنند و مينويسد خدا براي تو بآن زيارت



هزار هزار حسنه و محو ميكند از تو هزار هزار گناه و بلند ميكند
از براي تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهي بود از آنها كه شهيد
شده باشند با حسين بن علي صلوات الله عليهما تا آنكه شريك شوي
با ايشان در درجات رفيعهٔ ايشان و نشناسند ترا مگر از آنها كه با آنحضرت
شهيد شدند و نوشته شود براي تو ثواب هر پيغمبري و رسولي و ثواب
زيارت هر كه آنحضرت را زيارت كرده است از روزي كه شهيد شده است
ميگوئي السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ
اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ
*سلام بر تو اي ابا عبد الله سلام بر تو اي پسر رسول خدا سلام بر تو اي پسر پادشاه گروندگان و پسر بزرگ اوصيا*
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ السَّلامُ
*درود باد بر تو اي پسر فاطمه بزرگ زنان جهانيان درود باد*
عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلامُ عَلَيْكَ
*بر تو اي خون خدا و پسر خون خدا و خون نو نخواسته درود باد بر تو*
وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ
*و بر جانهائي كه فرود آمدند بدرگاه تو بر شما باد از من همگي درود*
اللهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ يا أَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ
*خدا هميشه تا وقتي كه باقيم من و باقيست شب و روز اي ابا عبد الله بحقيقت*

بسم الله الرحمن الرحيم
السلام عليك يا رسول الله
السلام عليك يا صفوة الله
السلام عليك يا امين الله
السلام علی من اصطفاه الله واختصه واختاره
من بريته السلام عليك يا خليل الله
ما دجی الليل وغسق واضاء النهار واشرق

عظمت الرزية وجلت المصيبة بك علينا وعلى جميع اهل
بزرگ گشته مصیبت تو و بزرگ شده بر ما و بر همه اهل
الاسلام وجلت وعظمت مصيبتك في السموات على جميع
اسلام و بزرگ و عظیم گشته مصیبت تو در آسمانها بر همه
اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور عليكم
اهل آسمان پس لعنت کند خدا امتی را که بنا نهادند بنای ظلم و جور را بر شما
اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن
اهل بیت و لعنت کند خدا امتی را که گشتند شما را از جایگاه شما و دفع کردند شما را از
مراتبكم التي رتبكم الله فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله
مرتبهای خود که مرتب گردانیده شما را خدا در آن و لعنت کند خدا امتی را که کشتند شما را و لعنت کند
الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم برئت الى الله واليكم منهم ومن
گروهی را که آماده کردند برای ایشان تمکین از کارزار با شما بیزار گشتم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از
اشياعهم واتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم
تابعان ایشان و پیروان ایشان و یاران ایشان ای ابا عبدالله من صلحم با کسی که صلح کند با شما
وحرب لمن حاربكم الى يوم القيمة ولعن الله آل زياد وآل مروان
و جنگم با کسی که جنگ کند شما را تا روز قیامت و لعنت کند خدا آل زیاد و آل مروان را
ولعن الله بني امية قاطبة ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد
و لعنت کند خدا بنی امیه را همگی و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند خدا عمر بن سعد را

السلام عليك يا صامت ... صامت وناطق ورحمة الله وبركاته السلام على مولانا امير المؤمنين علي بن ابي طالب صاحب السوابق والمناقب والنجدة ومبيد الكتائب الشديد البأس العظيم المراس المكين الاساس ساقي المؤمنين بالكأس من حوض الرسول المكين الامين السلام على صاحب النهى والفضل والسوابق والمكرمات السلام على فارس المؤمنين وليث الموحدين وقاتل المشركين ووصي رسول رب العالمين



ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت وتنقبت
و لعنت کند خدا شمر را و لعنت کند خدا امتی را که زین کردند و لجام کردند و نقاب بستند
وتهيأت لقتالك بابي انت وامي لقد عظم مصابي بك
و مهیا شدند برای قتال تو پدرم و مادرم فدای تو باد بتحقیق بزرگ شد مصیبت من بسبب تو
فاسئل الله الذي اكرم مقامك واكرمني بك ان يرزقني
پس سؤال میکنم خدا را که گرامی داشت جای اقامت ترا و گرامی داشت مرا بتو اینکه روزی کند مرا
طلب ثارك مع امام مهدي منصور من اهل بيت محمد صلى
طلب کردن خون ترا با امام یاری کرده شده از اهل بیت محمد صلی
الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين
خدا بر او و آل او ای خدا بگردان مرا نزد خود خوشرو بحرمت حسین
في الدنيا والآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله و
در دنیا و آخرت ای ابا عبدالله من نزدیکی میجویم بسوی خدا و
الى رسوله والى امير المؤمنين والى الحسن واليك بموالاتك
بسوی پیغمبر او و بسوی پادشاه گروندگان و بسوی حسن و بسوی تو بدوستی تو
وبالبراءة ممن قاتلك ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس
و بیزاری از آنکه کارزار نمود با تو و برپا کرد برای تو حرب و بیزاری از آنکه بنا کرد
اساس الظلم والجور عليكم وابرء الى الله والى رسوله ممن اسس
بنای ظلم و جور را بر شما و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی پیغمبر او از کسانی که بنا کرد

... السلام على امين الله ... العابدين وعلى آل الكاظمين وعلى الائمة الراشدين المنتجبين الذين امروا بالمعروف ونهوا عن المنكر وفرضوا علينا الصلوات وامروا بايتاء الزكوات وعرفونا صيام شهر رمضان وقراءة القرآن السلام عليك يا امير المؤمنين ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين السلام عليك يا باب الله

أساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره عليكم

[illegible]

وعلى أشياعكم برئت إلى الله وإليكم منهم وأتقرب إلى الله ثم

[illegible]

إليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبراءة من أعدائكم والناصبين

[illegible]

لكم الحرب وبالبراءة من أشياعهم وأتباعهم إني سلم لمن سالمكم

[illegible]

وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فأسأل

[illegible]

الله الذي أكرمني بمعرفتكم ومعرفة أوليائكم ورزقني البراءة

[illegible]

من أعدائكم أن يجعلني معكم في الدنيا والآخرة وأن يثبت لي عندكم

[illegible]

قدم صدق في الدنيا والآخرة وأسأله أن يبلغني المقام المحمود

[illegible]

الذي لكم عند الله وأن يرزقني طلب ثاري مع إمام مهدي

[illegible]



ظاهر ناطق منكم وأسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده

[illegible]

أن يعطيني بمصابي بكم أفضل ما يعطي مصاباً بمصيبته مصيبة

[illegible]

ما أعظمها وأعظم رزيتها في الإسلام وفي جميع أهل السماوات

[illegible]

والأرض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله منك صلوات

[illegible]

ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي

[illegible]

ممات محمد وآل محمد اللهم إن هذا يوم تبركت به بنو أمية

[illegible]

وابن آكلة الأكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك صلى

[illegible]

الله عليه وآله في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك صلى الله

[illegible]

عليه وآله اللهم العن أبا سفيان ومعاوية بن أبي سفيان ويزيد

[illegible]

بن معاوية عليهم منك اللعنة ابد الابدين وهذا يوم فرحت

به آل زياد وآل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه

وآله اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب اللهم

اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حياتي

بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك وآل نبيك

عليهم السلام ... اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد

وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت

الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على قتله اللهم العنهم جميعا

السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح التي حلت



بفنائك عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار

ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين

وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب

الحسين اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني وابدأ به

اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد بن

معاوية خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن

سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيامة

اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله

على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام يوم الورود

الورود وثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين واصحاب الحسين

و وارد شدن و ثابت دار برای من قدم راستی نزد خود با حسین و یاران حسین

الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام علقمه گفت

آنکسانکه بخشیدند خونهای خود را نزد حسین برادر [illegible] که امام محمد

باقر فرمود که اگر توانی هر روز آنحضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن

که جمیع این ثوابها برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی

از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم

بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق بیرون رفته بودند از حیره تمه

بشام از ما پس چون از زیارت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فارغ شدیم صفوان

روی خود را گردانید بسوی قبر امام حسین و گفت زیارت کنید حضرت

امام حسین را ازین مکان از بالای سر امیر المؤمنین که حضرت امام جعفر

صادق چنین کرد در وقتی که در خدمت آنحضرت باین مکان شریف آمده

بودیم پس صفوان آن زیارت را که علقمه از حضرت امام محمد باقر از برای روز

عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد امیر المؤمنین و وداع

کرد بعد از نماز امیر المؤمنین و رو بجانب قبر امام حسین کرد و آنحضرت را

نیز وداع کرد و از جمله دعاها که یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة

بعد از این دو رکعت خواندند این دعا بود ای خدا ای خدا ای خدا ای پذیرنده دعای

المضطرين يا كاشف كرب المكروبين يا غياث المستغيثين ويا صريخ



المستصرخين ويا من هو اقرب الي من حبل الوريد ويا من يحول

داد خواهان ای آنکه او نزدیکتر است بمن از رگ گردن و ای آنکه حایل میشود

بين المرء وقلبه ويا من هو بالمنظر الاعلى وبالافق المبين

میان مرد و دل او و ای آنکه او در دیدنگاه بلند مرتبه است و در کنار روشن است

ويا من هو الرحمن الرحيم على العرش استوى ويا من يعلم خائنة

و ای آنکه اوست بخشاینده مهربان بر عرش مستولی و ای آنکه میداند اشاره

الاعين وما تخفي الصدور ويا من لا يخفى عليه خافية ويا من

دیده را و آنچه پنهانست در سینها و ای آنکه پنهان نیست بر او پنهانی و ای آنکه

لا تشتبه عليه الاصوات ويا من لا تغلطه الحاجات ويا من لا

مشتبه نمیشود بر او آوازها و ای آنکه بغلط نمی اندازد او را حاجتها ای آنکه

يبرمه الحاح الملحين يا مدرك كل فوت ويا جامع كل شمل ويا بارئ

نمیرنجاند او را الحاح الحاح کنندگان ای دریابنده هر فوت شده ای جمع کننده پراکندگی [illegible]

النفوس بعد الموت يا من هو كل يوم في شأن يا قاضي الحاجات

نفسها بعد از مردن ای آنکه هر روز در کاریست ای برآورنده حاجتها

يا منفس الكربات يا معطي السؤلات يا ولي الرغبات يا كافي المهمات

ای زایل کننده اندوهها ای بخشنده سوالها ای دوست دارنده خواهشها ای کفایت کننده کارها

يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي منه شيء اسألك بحق محمد وعلي وفاطمة

ای آنکه کفایت میکند از هر چیز و کفایت نمیکند از او چیزی سوال میکنم از تو بحق محمد و علی و فاطمه

فاطمة بنت نبيك وبحق الحسن والحسين فاني بهم اتوجه اليك

فاطمه دختر پیغمبر تو و بحرمت حسن و حسین بدرستی که من بوسیلهٔ ایشان رو میکنم

في مقامي هذا وبهم اتوسل وبهم اتشفع اليك وبحقهم اسألك

[illegible]

واقسم واعزم عليك وبالشأن الذي لهم عندك وبالقدر الذي

[illegible]

لهم عندك وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي

[illegible]

جعلته عندهم وبه خصصتهم دون العالمين وبه ابنتهم وابنت

[illegible]

فضلهم من فضل العالمين حتى فاق فضلهم فضل العالمين جميعا

[illegible]

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي

[illegible]

وتكفيني المهم من اموري وتقضي عني ديني وتجيرني من الفقر

[illegible]

وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسألة الى المخلوقين وتكفيني

[illegible]

[illegible]



هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة من اخاف حزونته

[illegible]

وشر من اخاف شره ومكر من اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه

[illegible]

وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وكيد من اخاف

[illegible]

كيده ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة

[illegible]

ومكر المكرة اللهم من ارادني بسوء فارده ومن كادني فكده واصرف

[illegible]

عني كيده ومكره وبأسه وامانيه وامنعه عني كيف شئت واني

[illegible]

شئت اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة

[illegible]

لا تسدها وبسقم لا تعافيه وذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم

[illegible]

اضرب بالذل نصب عينيه وادخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم

[illegible]

[illegible]

فی بدنه حتی تشغله عنی بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذکری کما

ذکر مرا بر او تا آنکه باز داری او را از من بشغلی مشغول سازنده که نباشد فراغی از برای او و فراموش گردان

انسیته ذکرک وخذ عنی بسمعه وبصره ولسانه ویده ورجله وقلبه

فراموش کرد آنرا ذکر تو را و بگیر از من گوش او را و دیده او را و زبان او را و دست او را و پای او را و دل او را

وجمیع جوارحه وادخل علیه فی جمیع ذلک السقم ولا تشفه حتی تجعل

و همه اعضای او را و داخل کن بر او در همه اینها بیماری را و شفا مده او را تا آنکه گردانی

ذلک له شغلا شاغلا به عنی وعن ذکری واکفنی یا کافی ما لا یکفی

بیماری را برای او شغلی که باز دارد او را از من و از یاد من و کفایت کن مرا ای کفایت کننده از آنچه کفایت نمی کند

سواک فانک الکافی لا کافی سواک ومفرج لا مفرج سواک ومغیث لا

غیر تو پس بدرستی که توئی کفایت کننده نیست کفایت کننده غیر تو و گشاینده که نیست گشاینده غیر تو و فریادرسی که

مغیث سواک وجار لا جار سواک خاب من کان رجاؤه سواک ومغیثه

نیست فریادرسی غیر تو و پناه نیست غیر تو ناامید شد آنکه بود امید او غیر تو و فریادرس او

سواک ومفزعه الی سواک ومهربه وملجاه الی غیرک ومنجاه من مخلوق

غیر تو و پناه او سوی غیر تو و گریزگاه او و التجای او سوی غیر تو و پناه او از مخلوق

غیرک فانت ثقتی ورجائی ومفزعی ومهربی وملجای ومنجای

غیر تو پس توئی اعتماد من و امید من و پناه من و گریزگاه من و التجای من و پناه من

فبک استفتح وبک استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه الیک واتوسل

پس بتو طلب گشایش میکنم و بتو رستگاری میجویم و بمحمد و آل محمد رو میکنم بسوی تو و توسل میجویم

واتشفع



واتشفع فاسئلک یا الله یا الله یا الله فلک الحمد ولک الشکر

و آنکه شفاعت میجویم پس سؤال میکنم از تو ای خدا ای خدا ای خدا پس مر تراست ستایش و مر تراست سپاس

والیک المشتکی وانت المستعان فاسالک یا الله یا الله یا الله

و بسوی تست شکایت نمودن و توئی مدد خواسته شده پس سؤال میکنم از تو ای خدا ای خدا ای خدا

بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف عنی

بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برطرف کنی از من

غمی وهمی وکربی فی مقامی هذا کما کشفت عن نبیک همه وغمه

غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا در جای اقامت من اینجا چنانچه زایل نمودی از پیغمبر خود هم او و غم او

وکربه وکفیته هول عدوه فاکشف عنی کما کشفت عنه وفرج عنی

و حزن او و دفع کردی از او شدت دشمن او را پس برطرف کن از من چنانچه زایل کردی از او و گشاده کن از من

کما فرجت عنه واکفنی کما کفیته واصرف عنی هول ما اخاف

چنانچه گشودی از او و کفایت کن مرا چنانچه کفایت کردی او را و برگردان از من شدت آنچه میترسم

هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف همه بلا مؤنة علی نفسی

شدت آن و مشقت آنچه میترسم از مشقت آن و اندوه آنچه میترسم اندوه او را بی رسیدن بر نفس من

من ذلک واصرفنی بقضاء حوائجی وکفایة ما اهمنی همه من امر

از آن و برگردان مرا و برآوردن حاجتهای من و دفع نمودن آنچه غمگین کرده مرا اندوه از امر

آخرتی ودنیای یا امیر المؤمنین ویا ابا عبد الله علیکما منی سلام

آخرت من و دنیای من ای پادشاه گروندگان و ای ابا عبد الله بر شما باد از من درود

الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله آخر العهد من

خدا را تا وقتی که باقیم من و تا باقیست شب و روز و نگرداند او را خدا آخر وقت از

زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني حيوة محمد وذريته

زیارت شما و جدایی نیفکند خدا میان من و میان شما خداوندا زنده دار مرا زندگانی محمد و آل او

وامتني مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق

و بمیران مرا مردن ایشان و بمیران مرا بر ملت ایشان و محشور کن مرا در زمره ایشان و جدایی میفکن

بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين

میان من و میان ایشان بقدر برهم زدن چشم هرگز در این جهان و آن جهان ای پادشاه گروه مؤمنان

ويا ابا عبد الله اتيتكما واگر از دور توجهت الى ضريحكما پس زائرا

و ای ابا عبد الله آمدم بر شما خوانند بجای روی آوردم بسوی ضریح شما بگوید زیارت کننده

ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا بكما

و توسل جوینده بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما و رو کننده بسوی او بوسیله شما و شفاعت جوینده

الى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود

بسوی خدا در حاجت خود این پس شفاعت کنید مرا پس بتحقیق برای شما نزد خدا جایگاه ستوده

والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما منتظرا

و نزد گواری بغایت و جایگاه بلند و شفاعت و وسیله بدرستیکه من برمیگردم از نزد شما انتظار برنده

لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما لي الى الله في

بر حصول حاجت او و برآوردن و روا شدن آن از خدا بدرخواست نمودن شما بسوی خدا در



ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون

درین پس نا امید نگردم و نباشد برگشتن من برگشتن نا امیدی و زیان بلکه باشد

منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا لي بقضاء جميع حوائجي

برگشتن من برگشتن با سعادت و فیروزی و رستگاری با اجابت کرده شده برای من به روا کردن همه حاجتهای

وتشفعا لي الى الله انقلبت على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله

و درخواست کردن من بسوی خدا باز میگردم بر آنچه خواهد خدا و نیست حرکتی و نه توانایی مگر بخدا

مفوضا امري الى الله ملجئا ظهري الى الله متوكلا على الله واقول

حال آنکه واگذارم کار خود را بسوی خدا اعتماد و تکیه کننده بسوی خدا و توکل کننده بر خدا و میگویم

حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم يا

بس است مرا خدا و کافیست اجابت کرد خدا از آنکه خواند نیست مرا غیر خدا و غیر شما ای

سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة

بزرگان من بی نهایت آنچه خواست پروردگار من شد و آنچه نخواست نشد و نیست جنبشی و نه توانایی

الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر العهد مني اليكما انصرفت

مگر بخدا امانت میسپارم شما را بخدا و نگرداند او را خدا آخر وقت از من بسوی شما برگردم

يا سيدي يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله يا سيدي

ای آقای من ای پادشاه گروه مؤمنان و آقای من و تو ای ابا عبد الله ای آقای من

وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار واصل ذلك اليكما

و درود من بر شما پیوسته است مادام پیوستن شب و روز و رسیده باد سلام من بسوی شما

غیر محجوب عنکما سلامی ان شاء الله واسأله ان یشاء ذلک

بار و داشته نشده ام از شما سلام من اگر خواهد خدا و در میخواهم از او اگر خواهد خدا آنرا

ویفعل فانه حمید مجید انقلبت یا سیدی عنکما تائبا حامدا

و بکند پس بدرستی که او ستوده و بزرگوار است بازگردیدم ای آقایان من از شما در حالتی که توبه کننده و ستایش کننده ام

لله شاکرا راجیا للاجابة غیر آیس ولا قانط آئبا عائدا راجعا

مر خدا را سپاس گزارنده امیدوارم مر اجابت را نه مأیوس و نه ناامید رجوع نماینده عود کننده ام بازگردنده

الی زیارتکما غیر راغب عنکما ولا من زیارتکما بل راجع عائد

بسوی زیارت شما نه روگردان از شما و نه از زیارت شما بلکه رجوع کننده بازگردنده ام

ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما

اگر خواهد خدا و نیست حرکتی و نه قوتی مگر بخدا ای آقایان من خواهشمندم بسوی شما

والی زیارتکما بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا

و بسوی زیارت شما پس از آنکه بی‌رغبت بودند در شما و در زیارت شما اهل دنیا

فلا خیبنی الله مما رجوت وما املت فی زیارتکما انه قریب مجیب

پس ناامید نگرداند مرا خدا از آنچه امید دارم و آنچه آرزومندم در زیارت شما بدرستی که او نزدیک و اجابت کننده است

سیف بن عمیره گفت که من بصفوان گفتم که علقمه این زیارت را از حضرت امام
محمد باقر ع از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت من وارد
شدم بسید خود امام جعفر صادق ع باین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم
در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز



کرد و این وداع را بجا آورد و بعد از آنکه صفوان گفت که حضرت صادق ع
بمن گفت که تعهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت
بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک
یا از دور اینکه زیارتش مقبول باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش بآن حضرت
برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا طلبد برآورده شود هر چند که
حاجتش نزدیک باشد ای صفوان این زیارت را با همین ضامنی از پدرم
شنیدم و پدرم از علی بن الحسین با همین ضامنی و او از امام حسین
با همین ضامنی و او از برادرش امام حسن ع با همین و او از پدرش امیر المؤمنین
با همین ضامنی امیر المؤمنین ع از رسول خدا ص با همین ضامنی و رسول
خدا از جبرئیل ع با همین ضامنی و جبرئیل ع از خداوند عالمیان با همین ضامنی
و بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است که حضرت امام
حسین را باین روز زیارت کنند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند
زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که طلبد برآوردم هر چند نزدیک باشد
و هر سؤال که بکند عطا کنم و از درگاه من ناامید برنگردد و او را برگردانم شاد
و خوشحال ببر آمدن حاجتش و فایض شدن ببهشت و آزاد شدن از جهنم
و از برای هر کس که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر کسی که دشمن ما اهل
بیت باشد و گواه گرفت ما را خدا بر آنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت
خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای

بشارت و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و
فاطمه حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت
صادق ع فرمود که ای صفوان هرگاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارت
بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را طلب
که البته بر آورده میشود حق تعالی خلف وعده نمیفرماید مؤلف گوید که چون
عبارات حدیث تشویش بسیار دارد و قابل احتمال بسیار هست اگر اول زیارت
السلام علیک یا ابا عبد الله تا و الی بنیک علیهم السلام بخوانند و نماز زیارت
بکنند و باز همان زیارت را اعاده بکنند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعن
باز دیگر نماز بکنند و بعد از صد مرتبه سلام باز دیگر نماز بکنند و متصل بسجده
بروند و بعد از سجده صفین نماز بکنند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشند و اگر
اول یکی از زیارات بعیده را بعمل آورده و نماز بکنند و بعد از آن عمل را بعمل
آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت حضرت امیر المؤمنین ع را با این زیارت ضم
کنند بهتر است خصوصا هرگاه این زیارت را در روضه مقدسه امیر المؤمنین ع بعمل آورد
و چون در حدیث مجوزین گفته اند که در هر وقت وارد شده است اگر در غیر عاشورا
کنند اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیة بگوید اللهم ان یوم قتل الحسین
صلوات الله علیه یوم تبرکت به بنو امیة فصل سیم در سایر زیارات این
روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح عبد الله بن سنان روایت
کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق ع در روز عاشورا و آنحضرت را شکسته

زیارت دیگر در روز عاشورا



رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیدهای مبارک آنحضرت مانند مروارید
میریخت گفتم یا ابن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیدهای
شما را گریان نکند فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل این روز حضرت
امام حسین ع شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمایید در روزه
اش فرمود روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن
نه از روی شماتت و بکن روزه تمام روز مگیر و باید که افطار
تو بعد از نماز عصر باشد بیک ساعت بشربتی از آب زیرا که در این وقت
جنگ برطرف شد از آل رسول و در زمین بودند سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان
افتاده بود که صاحب مصیبت در آنها حضرت رسول ص اگر آنحضرت در دنیا
میبود البته آنحضرت را با ایشان تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست
که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که بهترین کاری که در این
روز بکنی آنست که جامهای پاکیزه بپوشی و بند ها را بگشایی و آستینها
را هم فرو بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابانی
یا مکانی که کسی ترا نبیند یا خانه خالی از برای تقیه ستمکاران در وقت
چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خضوع و خشوع و رکوع نیکو و بعد از
هر دو رکعت سلامی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون
و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول
بعد از حمد سوره احزاب بخوانی و در رکعت دویم سوره اذا جاءک المنافقون

واگر اینها را نداند هر سو که تواند بخواند پس بگردد بانی روی خود را
بجانب روضهٔ مقدس آنحضرت و بخاطر آورد شهادت آن امام مظلوم
و اولاد و اقارب و اصحاب آن جناب را و سلام کند بر آن و صلوات فرستد
بر او و لعنت کند بر قاتلان ایشان و در روایت دیگر هزار مرتبه لعنت کند
بر قاتلان آنحضرت که هر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته شود و هزار
گناه از تو محو شود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند میشود و بهتر
اینست که هزار مرتبه بگوید اللّهمّ العن قتلة الحسين واصحابه پس
فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام که پیش روی بگوید انّا
لله وانّا اليه راجعون رضا بقضائه وتسليما لامره واگر هفت مرتبه
چنین کند بهتر است فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون و غمنا
ک بوده باشد پس اللّهمّ عذّب الفجرة الّذين شاقّوا رسولك و
بجای خود برگردد و بگوید بار خدایا عذاب کن زشت کارانی را که مخالفت کردند رسول ترا و
حاربوا اولياءك وعبدوا غيرك واستحلّوا محارمك والعن القادة
جنگ کردند با دوستان تو و پرستیدند غیر ترا و حلال گردانیدند حرمتهای ترا و لعنت کن پیشروان
والاتباع ومن كان منهم فخبّ واوضع معهم او رضي بفعلهم لعنا
و پیروان را و هرکه بوده باشد از ایشان پس شتاب کرده باشد با ایشان یا خشنود گردیده باشد بکردار ایشان
كثيرا اللّهمّ وعجّل فرج محمّد وآل محمّد واجعل صلواتك عليه و
بسیار خداوندا تعجیل کن گشایش محمد و آل محمد را و بگردان رحمتهای خود را بر ایشان



وعليهم واستنقذهم من ايدي المنافقين المضلّين والكفرة الجاحدين
و بر ایشان و برهان ایشان را از دستهای دورویان گمراه کنندگان و کافران انکار کنندگان
وافتح لهم فتحا يسيرا واتح لهم روحا وفرجا قريبا واجعل لهم من لدنك
و بگشای برای ایشان گشایش آسانی و بگشای برای ایشان راحت و گشایش نزدیک و بگردان برای ایشان از نزد خود
على عدوّك وعدوّهم سلطانا نصيرا پس دست بدعا بردارد و قصد کند
بر دشمن خود و دشمن ایشان غلبهٔ یاری نماینده دشمنان آل محمد علیهم السلام
واللّهمّ انّ كثيرا من الامّة ناصبت المستحفظين من الائمّة وكفرت
بدرستی که بسیاری از امت دشمنی کردند با نگاهبانان از امامان و کافر شدند
بالكلمة وعكفت على القادة الظلمة وهجرت الكتاب والسنّة و
بکلمهٔ حق و اقامت نمودند بر پیشروان ستمکاران و ترک کردند کتاب و شریعت
عدلت عن الحبلين الّذين امرت بطاعتهما والتمسّك بهما فاماتت
برگشتند از دو ریسمانی که امر کرده بودی بفرمانبرداری ایشان و چنگ زدن در آن دو پس میرانیدند
الحقّ وجارت عن القصد وماثلت الاحزاب وحرّفت الكتاب وكفرت
حق را و عدول کردند از راه راست و میل کردند با گروهها و تغییر دادند کتاب را و کافر شدند
بالحقّ لمّا جاءها وتمسّكت بالباطل لمّا اعترضها وضيّعت حقّك
بحق چون آمد ایشان را و چنگ زدند بباطل چون پیش آمد ایشان را و ضایع کردند حق ترا
واضلّت خلقك وقتلت اولاد نبيّك وخيرة عبادك وحملة علمك
و گمراه کردند خلق ترا و کشتند اولاد پیغمبر ترا و برگزیدگان بندگان ترا و بردارندگان علم ترا

وورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل أقدام أعدائك وأعداء

و وارثان شریعت را و پیغام برنده وحی تو خداوندا پس بلرزان قدمهای دشمنان خود و دشمنان

رسولك وأهل بيت رسولك اللهم وأخرب ديارهم وافلل سلاحهم

پیغمبر خود را و اهل بیت رسول خود را خداوندا خراب کن خانهای ایشان را و بشکن آلات جنگ ایشان را

وخالف بين كلمتهم وفت في أعضادهم وأوهن كيدهم واضربهم

و مخالفت کن میان گفتار ایشان و سستی پیاور در بازوهای ایشان و سست کن مکر ایشان را و بزن ایشان را

بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم بالبلاء طماً وقمهم

بشمشیر برنده خود و بینداز ایشان را بسنگ خود که مغز را برآرد و مستاصل کن ایشان را ببلا

بالعذاب قماً وعذبهم عذاباً نكراً وخذهم بالسنين والمثلات

بعذاب و عذاب کن ایشان را عذاب بسیار و فرا گیر ایشان را بقحطیها و عقوبتها

التي أهلكت بها أعداءك إنك ذو نقمة من المجرمين اللهم إن

که هلاک کردی بآنها دشمنان خود را بدرستی که تو صاحب انتقامی از گناهکاران خداوندا بدرستیکه

سنتك ضائعة وأحكامك معطلة وعترة نبيك في الأرض

طریقت تو تلف شده و حکمهای تو فرو گذاشته شد و ذریت پیغمبر تو در زمین

هائمة فأعن الحق وأهله واقمع الباطل وأهله ومن علينا بالنجاة

تشنه و حیرانند پس مدد کن حق و اهل او را و خوار کن باطل و اهل آن را و منت گذار بر ما برستگاری

واهدنا إلى الإيمان وعجل فرجنا وانظمه بفرج أوليائك واجعلهم

و راه نمائی کن بسوی ایمان و شتاب کن گشایش ما را و پیوند آن بگشایش دوستان خود و بگردان ایشان را

لنا ودا



لنا وداً واجعلنا لهم وفداً اللهم وأهلك من جعل يوم قتل ابن

دوستان ما و بگردان ما را برای ایشان وارد شوندگان خداوندا و هلاک کن کسی را که گردانید روز کشتن پسر

نبيك وخيرتك عيداً واستهل به فرحاً ومرحاً وخذ آخرهم

پیغمبر تو و برگزیده تو را عید و صدا بلند کرد در آن روز بشادی و خرمی و بگیر آخر ایشان را

كما أخذت أولهم وضاعف اللهم العذاب والتنكيل على ظالمي

چنانکه گرفتی اول ایشان را و دو چندان کن خداوندا عذاب و عقوبت را بر آنانکه ستم کردند

أهل بيت نبيك وأهلك أشياعهم وقادتهم وأبر حماتهم

اهل بیت پیغمبر خود و هلاک گردان پیروان ایشان را و سروران ایشان را و هلاک کن حمایت کنندگان

وجماعتهم اللهم وضاعف صلواتك ورحمتك وبركاتك

و گروه ایشان را خداوندا و مضاعف کن درودهای خود و رحمت خود و برکات خود

على عترة نبيك العترة الضائعة الخائفة المستذلة بقية

بر عترت نبی یعنی ذریه پیغمبر خود و ذریت تلف کرده ترسان خوار گذاشته شده باقی

من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة وأعل اللهم كلمتهم وأفلج

از درخت پاک فراخ کننده با برکت و بلند کن خداوندا گفتار ایشان را و ظاهر ساز

حجتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس الأباطيل والعمى عنهم

حجت ایشان را و زایل کن بلا و شدت و تاریکیهای بیهوده باطل و کوری را از ایشان

وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك وولايتهم ونصرتهم

و ثابت گردان دلهای پیروان ایشان را و گروه تو بر فرمانبرداری تو و دوستی ایشان و یاری ایشان

وَمَوالاتِهِم وَأَعِنْهُم وَأَلْهِمْهُمُ الصَّبْرَ عَلى الأَذى فيكَ وَاجْعَلْ لَهُم

دوستی ایشان و بخش ایشان را بر شکیبایی بر اذیت ... و گردان از برای

أَيّاماً مَشْهُودَةً وَأَوْقاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فيها فَرَجَهُم وَتُوجِبُ

روزهای حاضر کرده شده و روزگاری ستوده با یمن و برکت که نزدیک باشی در روزها گشایش ایشان را و لازم گردانی

فيها تَمْكِينَهُم وَنَصْرَهُم كَما ضَمِنْتَ لِأَوْلِيائِكَ في كِتابِكَ المُنْزَلِ فَإِنَّكَ

در آنها جای دادن ایشان را و یاری نمودن ایشان را چنانچه ضامن شدی برای دوستان خود در کتاب ... پس بدرستی

قُلْتَ وَقَوْلُكَ الحَقُّ وَعَدَ اللهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ

گفته و گفتار تو راست است که وعده داده خدا آنان را که ... و عمل کرده اند کارهای شایسته

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

بدرستیکه خلیفه کند ایشان را در زمین چنانچه خلیفه کرد آنانکه پیش از ایشان بودند و هر آینه ثابت گرداند

لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَني

از برای ایشان دین ایشان را که پسندیده برای ایشان و هر آینه بدل ... ایشان را از پس ترس ایشان ایمنی

لا يُشْرِكُونَ بي شَيْئاً اللّهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ يا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ

شرک نیاورند بمن هیچ چیزی را خداوندا پس زایل کن اندوه ایشان را ای کسی که قادر نیست بر زایل نمودن بدی

إِلّا هُوَ يا واحِدُ يا أَحَدُ يا حَيُّ يا قَيُّومُ أَنَا يا إِلهي عَبْدُكَ الخائِفُ مِنْكَ

مگر او ای یگانه ای فرد ای زنده ای پاینده منم ای خدای من بنده ترسان از تو

وَالرّاجِعُ إِلَيْكَ السّائِلُ لَكَ المُقْبِلُ عَلَيْكَ اللّاجِئُ إِلى فِنائِكَ

و بازگشت کننده بتو سؤال کننده مر ترا رو آورنده بر تو پناه گیرنده ...

العلم



العالِمُ بِأَنَّهُ لا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلّا إِلَيْكَ اللّهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعائي وَاسْمَعْ

دانا بآنکه ... پناه ... بسوی تو ... پس بپذیر دعای مرا و بشنو

يا إِلهي عَلانِيَتي وَنَجْوايَ وَاجْعَلْني مِمَّنْ رَضيتَ عَمَلَهُ وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ

ای خدای من آشکارا و راز مرا و بگردان مرا از آنکه پسندیده کردار او و پذیرفته عبادت او را

وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ العَزيزُ الكَريمُ اللّهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلاً

و رهانیده او را به بخشایش خود که تو یی غالب بزرگوار خداوندا رحمت فرست اولا

وَآخِراً عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً

و آخر بر محمد و آل محمد و برکت بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى أَنْبِيائِكَ

و آل محمد به کاملتر و بهتر چیزی که فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر پیغمبران خود

وَرُسُلِكَ وَمَلائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلا إِلهَ إِلّا أَنْتَ اللّهُمَّ

و فرستادگان خود و فرشتگان خود و بردارندگان عرش خود بکلمهٔ لا اله الا انت خداوندا

وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

و جدایی میفکن میان من و میان محمد و آل محمد رحمتهای تو بر او و بر ایشان

وَاجْعَلْني يا مَوْلايَ مِنْ شيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ

و بگردان مرا ای آقای من از پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین

وَذُرِّيَّتِهِمُ الطّاهِرَةِ المُنْتَجَبَةِ وَهَبْ لِيَ التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ وَالرِّضا

و فرزندان ایشان که پاک و برگزیده اند و بخش مرا چنگ در زدن بدوستی ایشان و خوشنودی

بسبایهم والاخذ بطریقتهم انک جواد کریم لب بجدر برو و دو طرف
بلاد ایشان و درگرفتن طریقهٔ ایشان که تو بخشندهٔ بزرگواری روی خود را بر خاک
بگذار یا من یحکم ما یشاء ویفعل ما یرید انت حکمت فلک الحمد
وبگو ای آنکه حکم میکند آنچه را میخواهد و میکند آنچه را اراده مینماید تو حکم کرده پس مر تراست ستایش
محمودا مشکورا فعجل یا مولای فرجهم وفرجنا بهم فانک ضمنت
حالی که ستوده شده سپاس شده پس تعجیل کن ای آقای من گشایش ایشان را و گشایش ما را بسبب ایشان بدرستی که تو ضامن
اعزازهم بعد الذلة وتکثیرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول
ارجمند کردن ایشان را بعد از خواری و بسیار نمودن ایشان را پس از کمی و آشکار نمودن ایشان را پس از گمنامی
یا اصدق الصادقین ویا ارحم الراحمین فاسئلک یا الهی وسیدی
ای راستگوترین راستگویان و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان پس سوال میکنم از تو ای خدای من و آقای من
متضرعا الیک بجودک وکرمک بسط املی والتجاوز عنی وقبول
زاری کننده بتو ببخشش تو و بزرگواری تو امید گشایش مرا و درگذشتن از من و پذیرفتن
قلیل عملی وکثیره والزیادة فی ایامی وتبلیغی ذلک المشهد
اندک کردار مرا و بسیاری و زیاده کنی در دوره کار من و برسانی مرا بان جایگاه حضور
وان تجعلنی ممن یدعی فیجیب الی طاعتهم وموالاتهم ونصرهم
و آنکه بگردانی مرا از آنکه خوانده شده پس اجابت کند بسوی فرمانبرداری ایشان و دوستی ایشان و یاری ایشان
وترینی ذلک قریبا سریعا فی عافیة انک علی کل شیء قدیر
و آنکه بنمایی بمن آن را نزدیک زود در عافیت و بدرستی که تو بر هر چیز توانایی

پس سر خود را



پس سر خود را بسوی اعوذ بک ان اکون من الذین لا یرجون ایامک
آسمان بلند کن و بگو پناه میبرم بتو از اینکه بوده باشم از آنانکه امید ندارند روزگار ترا
فاعذنی یا الهی برحمتک من ذلک چنین گفتی این عمل هیچ است از برای
پس پناه ده مرا ای خدای من برحمت خود از آن توجهای بسیار و عزمهای بسیار
که مال بسیار در آن صرف نمائی و بدن خود را در آنها بتعب افکنی و از
اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه کسی که این نماز را در این
روز بکند و این دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق
بجا آورد حق تعالی ده خصلت باو عطا کند که از جمله آنها آنست که او را
از مرضهای بد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت
عمارت ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی بر او مسلط نکرد و دو
نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی در خودش و فرزندانش
تا چهار پشت و شیطان او و دوستان و یاران شیطان را مسلط نکرداند
بر او و نسل او تا چهار پشت زیارت دیگر زیارت نیست که مشتملست بر زیارت
شهدا و متضمن تعزیه حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم و مناسبست که در این روز خوانده شود و اگر بدر الحرم تو نخوانده
خوانده شود شاید السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام
انسب باشد و زیارت اینست درود بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا درود
علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل

زیارت دیگر بجهت روز عاشورا
بر تو ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا درود بر تو ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا

اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسى رُوحِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

خدا درود و درود بر تو ای میراث برنده عیسی روح خدا درود بر تو ای میراث برنده

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ

محمد دوست خدا درود بر تو ای میراث برنده علی پادشاه گروندگان دوست خدا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ سِبْطِ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ

درود بر تو ای میراث برنده حسن شهید فرزند رسول خدا درود

عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

بر تو ای پسر مژده دهنده و بیم کننده و ای پسر بزرگ اوصیا درود بر تو ای پسر

فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ

فاطمه بزرگ زنان جهانیان درود بر تو ای ابا عبدالله درود بر تو

يا خِيَرَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

ای برگزیده خدا درود بر تو ای خون خدا و پسر خون او درود بر تو ای

الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْهادِي الزَّكِيُّ وَعَلى أَرْواحٍ حَلَّتْ

فرد خونخواه درود بر تو ای پیشوای راه نماینده پاک و بر جانهائی که فرود آمدند

بِفِنائِكَ وَأَقامَتْ فِي جِوارِكَ وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِكَ السَّلامُ عَلَيْكَ مِنِّي ما بَقِيتُ

بدرگاه تو و اقامت کردند در همسایگی تو و آمدند با زیارت کنندگان تو درود بر تو از من تا باقی هستم

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّ الْمُصابُ فِي الْمُؤْمِنِينَ

و باقیست شب و روز پس بتحقیق عظیم است بتو مصیبت و بزرگ گشته مصیبت در گروندگان

السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله

النبی

والمسلمین



وَالْمُسْلِمِينَ وَفِي أَهْلِ السَّماواتِ أَجْمَعِينَ وَفِي سُكّانِ الْأَرَضِينَ فَإِنّا لِلّهِ

و گروندگان و در میان اهل آسمانها همگی و در میان ساکنان زمینها بتحقیق ما برای خدائیم

وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ وَصَلَواتُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ عَلَيْكَ وَعَلى آبائِكَ

و ما بسوی او بازگردندگانیم و رحمتهای خدا و برکتهای او و درودهای او بر تو و بر پدران تو

الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ الْمُنْتَجَبِينَ وَعَلى ذَرارِيِّهِمُ الْهُداةِ الْمَهْدِيِّينَ السَّلامُ عَلَيْكَ

که پاکان پاکیزگان برگزیدگانند و بر فرزندان ایشان که راه نمایان راه یافتگانند سلام بر تو

يا مَوْلايَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلى رُوحِكَ وَعَلى تُرْبَتِكَ وَعَلى أَرْواحِهِمْ وَعَلى تُرْبَتِهِمْ

ای آقای من و بر ایشان و بر جان تو و بر خاک تو و بر جانهای ایشان و بر خاک ایشان

اللّهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْواناً وَرَوْحاً وَرَيْحاناً السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ

خداوندا برسان ایشان را بخشایش و خوشنودی و راحت و روزی درود بر تو ای آقای من

يا أَبا عَبْدِ اللهِ يَا ابْنَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدَةِ

ای ابا عبدالله ای پسر آخر پیغمبران و ای پسر بزرگ اوصیا و ای پسر بزرگ

نِساءِ الْعالَمِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهِيدُ يَا ابْنَ الشَّهِيدِ يا أَخَا الشَّهِيدِ يا

زنان جهانیان درود بر تو ای شهید پسر شهید ای برادر شهید ای

أَبَا الشُّهَداءِ اللّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هذِهِ السّاعَةِ وَفِي هذَا الْوَقْتِ وَفِي

پدر شهیدان خداوندا برسان او را از من درین ساعت و درین وقت و در

كُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

هر وقت درودی بسیار و سلام فراوان درود خدا بر تو و بخشایش خدا و برکتهای او

یا بن سید العالمین وعلی المستشهدین معک سلاماً متصلاً ما اتصل
ای پسر بزرگ جهانیان و بر آنکه شهید گشتند با تو درودی پیوسته مادامی که پیوسته است
اللیل والنهار السلام علی الحسین بن علی الشهید السلام علی علی
شب و روز درود بر حسین پسر علی شهید درود بر علی
بن الحسین الشهید السلام علی العباس بن امیر المؤمنین الشهید السلام
پسر حسین شهید درود بر عباس پسر امیر المؤمنین شهید درود
علی الشهداء من ولد امیر المؤمنین السلام علی الشهداء من ولد الحسن
بر شهیدان از فرزندان پادشاه گروندگان سلام بر شهیدان از فرزندان حسن
السلام علی الشهداء من ولد الحسین السلام علی الشهداء من ولد جعفر
درود بر شهیدان از فرزندان حسین درود بر شهیدان از فرزندان جعفر
السلام علی کل مستشهد معهم من المؤمنین اللهم صل علی محمد
درود بر هر که شهید گشته با ایشان از گروندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد
وآل محمد وبلغهم عنی تحیة کثیرة وسلاماً السلام علیک یا رسول
و آل محمد و برسان بایشان از من درودی بسیار و سلام فراوان درود بر تو ای رسول
الله احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا فاطمة
خدا نیکو گرداند خدا برای تو صبر را درباره فرزندت حسین سلام بر تو ای فاطمه
احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا امیر المؤمنین
نیکو گرداند خدا برای تو صبر را درباره فرزندت حسین سلام بر تو ای پادشاه گروندگان

احسن



احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک یا
نیکو گرداند خدا برای تو صبر را درباره فرزندت حسین درود بر تو ای
ابا محمد الحسن احسن الله لک العزاء فی اخیک الحسین
پدر محمد حسن مجتبی نیکو گرداند خدا برای تو صبر را درباره برادرت حسین
یا مولای یا ابا عبد الله انا ضیف الله وضیفک وجار الله و
ای آقای من ای ابا عبد الله من مهمان خدایم و مهمان توام و همسایه خدایم و
جارک ولکل ضیف وجار قری وقرای فی هذا الوقت ان تسأل الله
همسایه توام و مر هر مهمانی را و همسایه را مهمانی است و مهمانی من در این وقت آنست که در خواهی
سبحانه وتعالی ان یرزقنی فکاک رقبتی من النار انه سمیع
که پاکست و برترست که روزی کند مرا خلاص کردن از آتش که او شنونده
الدعاء قریب مجیب شیخ مفید گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم
دعاست نزدیک و اجابت کننده است زفاف حضرت فاطمه و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
باید که روزه بدارند برای شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی
گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب فیل بجهت خرابی کعبه
برگشتن عذاب بر ایشان نازل شد و در روز بیست و پنجم این ماه حضرت
امام زین العابدین بعالم اعلی ارتحال نمود **باب هفتم** در بیان اعمال
ماه صفر است و این ماه مشهور است بنحوست و دو وجه میتوان داشت
اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه در این ماه واقع

اعمال ماه صفر المظفر

شده است دوم آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال
نمیکرده اند و در این ماه قتال میکرده اند لهذا نحس شمرده اند و در
احادیث شیعه ندیدم چیزی که دلالت بر نحوست کند و در روایات
غیر معتبره عامه وارد شده است و سید ابن طاوس از بعضی از کتب معتبره
روایت کرده است که روز دوم و سیوم این ماه که دو رکعت نماز بجا آورند در رکعت
اول بعد از حمد انا فتحنا بخوانند و در دوم توحید و بعد از سلام صد مرتبه
بگویند اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد مرتبه بگویند اللهم العن
آل ابی سفیان و صد مرتبه بگویند استغفر الله و اتوب الیه و روز بیستم
این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید
الشهدا صلوات الله علیه در کتب معتبره از امام حسن عسکری روایت کرده
اند که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله
شب و روز دوم زیارت اربعین و سیم انگشتر در دست راست کردن
چهارم جبین را در سجده شکر بخاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم
بلند گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت
که مولای من حضرت صادق بمن گفت در زیارت اربعین که زیارت میکنی
در هنگامی که روز السلام علی ولی الله و حبیبه السلام علی خلیل
بلند شده باشد میگویی درود بر یار خدا و دوست او درود بر دوست
الله و نجیبه السلام علی صفی الله علی اسیر الکربات و قتیل العبرات

کیفیت زیارت روز اربعین

السلام علی الحسین المظلوم الشهید السلام



اللهم انی اشهد انه ولیک و ابن ولیک و صفیک و ابن
خداوندا بدرستی که من گواهی میدهم که بتحقیق او دوست تو و پسر دوست تو و برگزیده تو و پسر
صفیک الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة و حبوته بالسعادة
برگزیده تو رستگار است بنوازش تو گرامی داشتی او را بشهید شدن و بخشش نمودی او را بنیکوبختی
و اجتبیته بطیب الولادة و جعلته سیدا من السادة و قائدا
و برگزیدی او را بپاکی ولادت و گردانیدی او را بزرگی از بزرگان و کشنده
من القادة و ذائدا من الذادة و اعطیته مواریث الانبیاء
از کشندگان حق و رانده از رانندگان و بخشیدی او را میراثهای پیغمبران
و جعلته حجة علی خلقک من الاوصیاء فاعذر فی الدعاء
و گردانیدی او را حجت بر بندگان خود از اوصیا پس مبالغه نمود در خواندن بحق
و منح النصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة
و عطا نصیحت کرد و بخشید خون خود را در راه تو تا برهاند بندگان ترا از نادانی
و حیرة الضلالة و قد توازر علیه من غرته الدنیا و باع حظه
و سرگشتگی گمراهی و بتحقیق پشت بر پشت کردند و آنکه بفریفت او را دنیا و فروخت بهره
بالارذل الادنی و شری آخرته بالثمن الاوکس و تغطرس و تردی
خود را بپست ترین و خرید آخرت خود را به بهای ناقص و بیداد کرد و هلاک شد
فی هواه و اسخطک و اسخط نبیک و اطاع من عبادک اهل الشقاق
در پیروی خواهش خود و بخشم آورد ترا و بخشم آورد پیغمبر ترا و فرمان برداری نمود از بندگان تو اهل

وَ النِّفَاقِ وَحَمَلَةِ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ

و دو دوستی را و بر دارنده گان بار گناهان را که سزاوار اند آتش را پس کارزار نمود با ایشان از برای تو

صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّٰى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ اَللّٰهُمَّ

شکیبا خالص کرداننده تا آنکه ریخته شد در فرمان برداری تو خون او و حلال شمرده شد حرمت او خدایا

فَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيلًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

پس لعنت کن ایشان را لعنتی سخت گران و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک درود بر تو ای پسر

رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ

رسول خدا درود بر تو باد ای پسر اوصیا گواهی میدهم که تو

اَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمُتَّ

معتمد خدائی و پسر معتمد خدائی زندگانی کردی نیکبخت و گذشتی ستوده شده و مردی

فَقِيدًا شَهِيدًا مَظْلُومًا وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكَ مَا وَعَدَكَ

و حال آنکه بودی نایاب ستم رسیده شده و گواهی میدهم که خدا وفا کننده است ترا آنچه وعده کرده ترا

وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ

و هلاک کننده است آنکه خوار کرد ترا و عذاب کننده است آنکه کشت ترا و گواهی میدهم که تو وفا کردی

بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ

بپیمان خدا و کارزار کردی در راه خدا تا رسید ترا مرگ پس لعنت کند خدا

مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ

آنکه کشت ترا و لعنت کند خدا آنکه ستم کرد ترا و لعنت کند خدا امتی را که شنیدند این را

فرضیت به



فَرَضِيَتْ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ اَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ

پس خوشنود شدند بآن خدایا من گواه میگیرم ترا که من دوست آن کسم که دوست داشت او را و دشمن آن کسم

عَادَاهُ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا

که دشمنی کرد با او پدرم و مادرم فدای تو باد ای پسر رسول خدا گواهی میدهم که تو بودی نوری

فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ

در پشتهای با رفعت و در رحمهای پاک گردیده شده پلید نکرده ترا

الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ

جاهلیت به نجاستهای خود و نپوشانیده ترا جامه‌های تیره از جامه‌های خود و گواهی میدهم

اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَاَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ

که تو از ستونهای دین و رکنهای مسلمانان و پناه‌گاه گروندگانی

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ

و گواهی میدهم که تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاکیزه راه نماینده راه یافته

وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوٰى وَاَعْلَامُ الْهُدٰى

و گواهی میدهم اینکه پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰى وَالْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاَشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ

و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم که من بشما گرویده

وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي

و برجعت شما یقین دارنده‌ام با احکام دین خود و خاتمه‌های کردار خود و دل من مر دل شما را انقیاد کننده است

لامركم متبع ونصرتي لكم معدة حتى يأذن الله لكم فمعكم معكم

مر کار شما را پیروی کننده است و یاری من از برای شما آماده است تا آنکه دستوری دهد خدا برای شما پس من با شما

لا مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم و

نه با دشمن شما رحمتهای خدا بر شما و بر جانهای شما و بدنهای شما و

شاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم آمين رب العالمين ودو

و حاضر شما و غایب شما و ظاهر شما و باطن شما بپذیر دعای مرا ای پروردگار جهانیان رکعت

نماز میکنی و هر دعایی که خواهی میکنی و بر میگردی پس سید بن طاوس گفته

است که من برای این زیارت وداعی یافته‌ام که مخصوص است باین زیارت

که باید بایستی پیش ضریح و بگوئی السلام عليك يابن رسول الله السلام عليك

درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو

يابن علي المرتضى ووصي رسول الله السلام عليك يابن فاطمة

ای پسر علی پسندیده و وصی رسول خدا درود بر تو ای پسر فاطمه

الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك يا وارث الحسن

زهرا بزرگ زنان جهانیان درود بر تو ای میراث برنده حسن

الزكي السلام عليك يا حجة الله في ارضه وشاهده على خلقه

پاک درود بر تو ای حجت خدا در زمین او و گواه او بر خلق او

السلام عليك يا ابا عبد الله الشهيد السلام عليك يا مولاي

درود بر تو ای ابو عبد الله شهید درود بر تو ای آقای من

وابن مولاي



وابن مولاي اشهد انك اقمت الصلوة واتيت الزكوة و

و پسر آقای من گواهی میدهم بدرستی که تو برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و

امرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل

امر کردی به نیکی و منع کردی از بد زشتی و کارزار کردی در راه

الله حتى اتيك اليقين واشهد انك على بينة من ربك

خدا تا آمد ترا مرگ و گواهی میدهم بدرستی که تو بر حجتی روشن از پروردگار تو

واگر از دور اتيتك توجهت اليك بگو اتيتك يا مولاي زائرا

زیارت کنند بجای آمدم ترا رو آوردم من بتو بگو آمدم ترا ای آقای من زیارت کننده

وافدا راغبا مقرا لك بالذنوب هاربا اليك من الخطايا

و وارد شونده و آرزومند و اقرار کننده برای تو به گناهان و گریزنده بسوی تو از خطاها

لتشفع لي عند ربك يابن رسول الله صلى الله عليك حيا

تا آنکه شفاعت کنی مرا نزد پروردگار تو ای پسر رسول خدا رحمت خدا بر تو باد در حال حیوة

وميتا فان لك عند الله مقاما معلوما وشفاعة مقبولة

و ممات پس بدرستی که برای تو نزد خدا جایگاهی است معلوم و شفاعتی پذیرفته

لعن الله من ظلمك ولعن الله من حرمك وغصب حقك

لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا و ستم کرد حق ترا

ولعن الله من قتلك ولعن الله من خذلك ولعن الله من

و لعنت کند خدا کسی را که کشت و لعنت کند خدا کسی را که بی یاری کرد ترا و لعنت کند خدا کسی که

دعوته فلم یجبک و لم یعنک و لعن الله من منعک من حرم
خواندی او را پس اجابت نکردند ترا و مدد نکردند ترا و لعنت کند خدا آنکه منع کرد ترا از حرم
الله و حرم رسوله و حرم ابیک و اخیک و لعن الله من منعک
خدا و حرم رسول او و حرم پدر تو و برادر تو و لعنت کند خدا آنکه منع کرد ترا
من شرب ماء الفرات لعنا کثیرا یتبع بعضها بعضا اللهم
از خوردن آب فرات لعنتی بسیار که در پی باشد بعضی از آن بعضی را خداوندا
فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین
ای آفریننده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار تو حکم میکنی در میان
عبادک فیما کانوا فیه یختلفون وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب
بندگان تو در آنچه بودند که در آن اختلاف کنند و زود باشد بدانند آنکه ستم کردند که کدام بازگشتی
ینقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارته و ارزقنیه ابدا
باز میگردند خداوندا مگردان آنرا آخر [illegible] از زیارت او و روزی کن آنرا همیشه
ما بقیت و حییت یا رب و ان مت فاحشرنی فی زمرته یا ارحم
مادامی که باقی باشم و زنده باشم ای پروردگار من و اگر بمیرم پس محشور کن مرا در زمره او ای مهربان‌ترین
الراحمین واکثر زیارات در روز عاشورا و در این روز نیز مخبر است منا[سب]
رحم کنندگان و بدانکه مشهور آنست که سبب تاکید زیارت آنحضرت در این
روز آنست که حضرت امام زین العابدین ع و با سایر اهل بیت ع در این روز
بعد از مراجعت از شام بکربلای معلی وارد شدند و سرهای مقدس شهدا

ببدنهای مطهر



ببدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از جهات بسیار
که ذکر آنها باعث تطویلست و بعضی گفته‌اند در این روز اهل بیت علیهم
السلام وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته
اند که شاید حضرت امام زین العابدین ع باعجاز و طی الارض مخفی بکربلا آمده
باشد از شام و سرهای ایشان را ببدنها ملحق کرده باشد و این ممکن است ولکن
روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی روایات منافات فی الجمله
با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسی که از صحابه
حضرت و سائر بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبدالله انصاری بود و او
در این روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر
صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشته میتواند بود که سبب مزید فضیلت
زیارت آنحضرت در این روز شده باشد که بر ما مخفی باشد و چون فرموده‌اند
که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تخصیص بسبب آن ضرور نیست و مشهور میان
علمای امامیه آنست که وفات سید انبیا صلی الله علیه و آله در روز بیست و هشتم
ماه صفر واقع شده و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته‌اند که شهادت حضرت امام حسن مجتبی ع
نیز در این روز واقع شد پس قیام بمراسم تعزیه در این روز بکار و زیارت ایشان
از نزدیک و دور مناسب است و بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهار
شنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت
بر این کند بنظر نرسیده است و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا

چهارشنبه آخر ماه وارد شده است و چون این ماه بنابر اشتهار که مذکور شد و حالش معلوم
نحوستی دارد و ممکن است که چهارشنبه آخر آن از سایر چهارشنبه‌ها نحوستش
بیشتر باشد اگر در این روز از قبیل احتراز از طیره و استدفاع بتصدق و
ادعیه و استعاذات که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و رجوع
نمایند بجناب مقدس الهی که این کفاره طیره است مناسب است و اگر بلائی
متوجه باشد باینها دفع میشود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان
شان کنند بلهو و لعب و سور و سرور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند
که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد باب هشتم
در فضایل و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است فصل اول
در فضیلت و اعمال روز اول است روز اول ... شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله
گفته‌اند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در شب اول ماه ربیع الاول
اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت
امیرالمؤمنین جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول کرده در
جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبایل مشرکین نیندیشید و فضل و
بجمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان بر همگنان ظاهر گردید و حق تعالی جمیع
ملائکه سموات با آنحضرت مباهات نمود و آیه کریمه و من الناس من یشری نفسه
ابتغاء مرضات الله در شأن ایشان نازل گردید چنانکه تفصیلش در حیوة
القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن دو جان مقدس نبیان را از کید

فضایل و اعمال ماه ربیع الاول

کافران حفظ



کافران حفظ کرد گفته‌اند که روزه روز اول ماه ربیع الاول است مستحب
است برای شکر این نعمت عظیم روزه بدارند و هرچند علما در این روز زیارتی
ذکر نکرده‌اند اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیرالمؤمنین در این روز
مناسب است بجهاتی که مذکور شد و شیخ طوسی در مصباح گفته است
که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری بعالم بقا رحلت نمود
و حضرت صاحب الامر بمنصب جلیل امامت فایض گردید پس زیارت آن
دو امام عالی مقام در این روز مناسب است اما شیخ در تهذیب و کلینی
و محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید رحمة الله علیهم و غیر ایشان
گفته‌اند که وفات عسکری در روز هشتم این ماه بوده پس در آن روز زیارت
آن دو امام انسب است و اما روز نهم این ماه بدانکه میان علمای خاصه و عامه
در تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب خلافست و مشهور
میان فریقین آنست که قتل آن ملعون در روز بیست و ششم ماه ذی
الحجه واقع شده است چنانچه سابقا اشاره بآن شد و بعضی بیست و هفتم
نیز گفته‌اند و مستند این دو قول نقل مورخان است و از کتب معتبر چنان معلوم
میشود چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل آن [illegible] نهم ماه ربیع
الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز چنین
مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاوس در کتاب اقبال اشاره
نموده است باینکه ابن بابویه روایتی از حضرت امام جعفر صادق روایت

ثواب روزه روز اول و زیارت حضرت رسول
۳

طریقه اعمال روز نهم که مشهور است بعید بابا شجاع الدین

کرده است که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جحیم متوجه
ست و از نقل او چنان مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته
است هرچند سید خود الحدیث را تاویل نموده است وایضا سید ذکر کرده است
که جماعتی از شیعیان عجم پیوسته این روز را بسبب این تکریم و تعظیم میفرموده اند
خلاف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب زوائد الفوائد این مذهب را تقویت
کرده است و روایت معتبری در این باب ایراد نموده است چنانچه که روایت
کرده اند محمد بن ابی العلائی همدانی و یحیی بن محمد بن جریح بغدادی که روزی
ما منازعه کردیم در باب عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب و رفتیم
بشهر قم بنزد احمد بن اسحق قمی که از خواص اصحاب حضرت امام علی نقی
و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما بود و بخدمت حضرت صاحب
الامر نیز رسیده بود چون در را کوبیدیم دختر عراقیه بیرون آمد احوال
احمد را از آن پرسیدیم گفت که امروز مشغول اعمال عید است و این
نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مومنان چهار است عید
فطر و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت
امام علی نقی روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عیدهاست
نزد اهل بیت رسول و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت بطلب تا ما نزد او آییم
چون دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته و عبایی بر خود پیچیده
بود و بوی مشک از او ساطع بود و ما گفتیم این چه حالت است در تو مشاهده



میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر عید است
گفت بلی و مارا بخانه خود داخل کرد و بر روی کرسی نشاند و گفت روزی
با جمعی از برادران خود بنزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری
رفتیم و در سر من رای در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید چون رخصت
یافتیم بخدمت حضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمر
در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود عود در آن مجمر می انداز در مجلس
خود را مزین کرده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامه های فاخر پوشانیده
گفتیم یابن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز
فرحی تازه روی داده است حضرت فرمود کدام روز حرمتش نزد اهل بیت از این روز
عظیمتر است بدرستیکه خبر داد مرا پدرم که حذیفه بن یمان در روز نهم ربیع الاول
داخل شدم بر جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم امیر المومنین و حضرت امام حسن
و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم را که با حضرت رسالت پناه طعام تناول
میفرمودند و آنحضرت بروی ایشان تبسم می نمودند و با امام حسین و امام حسن صلوات الله علیهما
میفرمود بخورید گوارا باد از برای شما برکت و سعادت این روز بدرستیکه این روزی است
که حق تعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب
میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی
در این روز قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیست
که ظاهر میشود راستی گفته خدا که میفرماید فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا

یعنی بیت خانهای ایشان که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان
بخورید که این روزیست شکسته میشود در این روز شوکت دشمن جد شما و
یاری کننده دشمن شما بخورید که این روزیست که در این روز هلاک میشود
فرعون اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده ایشان بخورید که این
روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند حذیفه
گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمت
نماید حضرت فرمود که ای حذیفه بلی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد بود
و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خوا
هد نمود و تازیانه ظلم و ستم بر دوش خواهد گرفت و مردم را از راه خدا منع
خواهد نمود و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد
و میراث فرزند مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد ساخت
و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب خواهد کرد و مال خدا را بر خود حلال
خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من
علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد
پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد
گردانید حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیوة تو
هلاک گرداند حضرت فرمود که ای حذیفه نمیخواهم که جرأت کنم بر قضای خدا
و از او طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است و لیکن از حق تعالی سؤال کردم

که فضیلت



که فضیلت دهد آن روز را که در آن روز بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه
احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و شیعیان اهل بیت من پس
حق تعالی وحی بسوی من فرستاد که ای محمد در علم سابق من گذشته است که در بلیه
و اهل بیت تو محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندگان
از بندگان من که نصیحت کنی ایشان را تو خیر خواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند
و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی
و ایشان دشمنی ترا بدل گرفتند و تو ایشان را خوشنود گردانیدی و ایشان ترا
تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و سوگند یاد
میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بگشایم بروی کسی که غصب کند حق
علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقهای جهنم که آنرا فیلوق
میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر او مطلع
شود و او را لعنت کند و آن منافق را در قیامت عبرت گردانم برای فرعونها
که در زمان پیغمبران دیگر بوده‌اند و بر سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را
بجهنم برم تا دیده هلاکت بوده و همه تا ابد بالنهایت مذلت و خواری و پشیمانی و ایشان
ابد الآباد در عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر بانچه میرسد با او از بلا
از فرعون او و غصب کننده حق او که جرأت میکنند بر من و کلام مرا بدل میکنند
و شرک بمن میاورند و مردم را منع میکنند از راه رضای من و گوساله از برای امت
تو برپا میکنند که ابوبکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمت و جلال خود

کرده‌ام امر کرده‌ام ملائکه هفت آسمان را که برای شیعیان و محبان شما عید کنند
که آن ملعون کشته میشود و امر کرده‌ام ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند
در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان
و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده‌ام ملائکه نویسندگان اعمال را که
این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را از برای
کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را عید گردانیده‌ام برای تو و اهل بیت تو
و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بعزت
و جلال خود و علو و منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز
برا ثواب آنها که بر دور عرش حاضر کرده‌اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان
او و زیاده کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و عیال خود را در این روز
و هر سال در این روز صد هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش
جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان قبول کنم و گناه ایشان را بیامرزم حذیفه گفت
که پس برخواست رسول خدا و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین
بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات رسول دیدم که او چه فتنها را انگیخت و کفر
اصلی خود را ظاهر نمود و از دین برگشت و دامان بچید و قباحت برای غصب امامت
و خلافت برود و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی رسالت زد و بدعتها
در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و حق
حضرت امیر المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله



را دروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود
راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضا جوئی اهل بیت رسالت
نکرد و جمیع سنتهای رسول را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین
کرد و جور و ستم در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال کرده بود
حرام کرد و هر چه خدا حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر
دینار و درهم بسازند و خرج کنند و در بر شکم فاطمه زهرا زد و منبر
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت
امیر المؤمنین افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت
نسبت داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود دختر پیغمبر خود
را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او را بر دست کشنده او رحمة الله علیه
جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیر المؤمنین که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد
بگوییم با آنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون بخدمت
مرا دید گفت که ای حذیفه یاد در خاطر داری آن روز را که آمدی بنزد سید
رسول خدا و من و دو سبط و حسن و حسین با او نشسته بودیم و با او طعام
میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا
حضرت فرمود بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی دیده آل رسول
خود را روشن گردانید و من برای این روز هفتاد دو نام میدانم
گفتم یا امیر المؤمنین میخواهم که آن نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که روز

استراحتست که مؤمنان از شر این منافقان استراحت یافتند و روز
زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان
شیعیان است و روز اختیار نیکوئی برای مؤمنانست و روز برداشتن
قلم از شیعیان است و روز برهم شکستن بنای کفر و عداوتست و روز غنیمت
و روز بزرگست و روز طلب خون های مؤمنانست و روز مستجاب شدن
دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفا بعهد است و روز شرط است
و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز شکسته
شدن شوکت ظالمان است و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض
اعمال کافران است و روز ظهور قدرت خدا و روز عفو از گناهان شیعیانست
و روز فرح ایشانست و روز توبه است و روز انابت بسوی حق تعالی و روز زکوة
بزرگست و روز فطر دوم است و روز نادم بر باغیانست و روز کم شدن آب دهان
در گلوی مخالفانست و روز عید اهل بیتست و روز خشنودی مؤمنانست
و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعون است و روز مقبول شدن اعمال شیعیان
و روز پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست و روز قتل
منافق است و روز وقت معلوم است و روز سرور اهل بیتست و روز مشهود است
و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیاد ضلالت است و روز آنست
که ظالم انگشت ندامت بر دندان میگیرد و روز تنبیه است و روز شرف است و روز
خنک شدن عطشانست و روز شهادتست و روز درگذشتن از گناه مؤمنانست

و روز تازگی



و روز تازگی بوستان اهل ایمان است و روز رهائی مؤمنان است و روز
شیرینی کام ایشان است و روز خوشی دلهای مؤمنان است و روز ظاهر
شدن پادشاهی منافقان است و روز توفیق اهل ایمان است و روز مظاهره
است و روز مفاخره است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است
و روز بخل و عطاست و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومانست
و روز زیارت کردن مؤمنان است و روز محبت کردن ایشانست و روز
رسیدن رحمت های خداست و روز پاک گردانیدن اعمالست و روز فاش
کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک گناهان کبیره است
و روز ندا کردن بحق است و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحت است
و روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه گفت پس از خدمت امیرالمؤمنین
برخاستم و گفتم اگر دریابم از افعال خیر و آنچه امید ثواب در آن دارم مگر
محبت این روز و دانستن فضیلت آن هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود
پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون این حدیث از احمد بن اسحق شنیدیم
هر یک برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم خداوندی را که
برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانید پس بخانه های
خود برگشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب زواید الفواید گفته است
که این حدیث را از خط علی بن محمد قمی نوشتم و در کتب دیگر که تتبع کردم
چندین روایت نمود و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند

واظهار سرور و شادی بکنند و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح
گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که در
روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد
و مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشنود کردن ایشان
و توسعه دادن عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت
حق تعالی و این روز برطرف شدن غمهاست و روز روزه داشتن نیست
مؤلف گوید که از نقل این بزرگواران معلوم شد که فضیلت این روز در وقوع
این قضیه نبوده که در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه
میان شیعه مشهور بوده است و بر خلافش حدیثی بنظر این قاصر نرسیده است
و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد
کند چنین واقعه عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون میتواند بود
که مضبوط نمانده جواب آنست که این واقعه با واقعه وفات حضرت رسول
و شهادت امیر المؤمنین عظیمتر نیست و در هر یک از آنها اختلاف میان عامه
و خاصه هست و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است
و اگر گویند باعث بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب میگوییم که شبهه در
جاری نیست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که دفع شماتت شیعیان
اخفا نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آنست که
در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنا بر احادیث صحیحه کرد





طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا
باو برسد بر عملی و آن عمل را بجا آورد ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد
که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را اگر بخصوص از شارع وارد نشده باشد
و مطابق با آیات یا اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود
و مستحق ثواب خواهد گردید و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنه
در این روز بجهنم واصل شده است اگر چنین باشد این شرافت نیز از برای آن
کافیست و شیخ مفید گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول خدا خدیجه کبری رضی الله
عنها را تزویج نمود و مستحب است برای شکر این مواصلت عظیم البرکه شیعیان
روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول داخل
مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید باین جهت روز مبارکیست و انقضای
دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام
در این روز دولت بنهایت رسید و زایل گردید و این نیز فضیلت دیگر است
برای این روز و اکثر سنیان ولادت با سعادت حضرت رسول را در این
روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله از علمای امامیه در کتاب
کافی چنین قایل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق قول بعضی
از روایات این را اظهر میدانند و اگر چه خلاف مشهور است میان امامیه
اما اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد شد
در این روز بعمل آورند باحتیاط اقرب است و شیخ طوسی رحمه الله و بعضی علما

عجم روایت کرده است که در روز دوازدهم این ماه دو رکعت نماز بجا آورد
اوّل بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سه مرتبه
قل هو الله احد بخواند وایضا شیخ مفید و شیخ طوسی روایت کرده اند که یزید علیه
علیه اللعنة والعذاب الشدید در روز چهاردهم این ماه باسفل درک جهنم
متصل شد باید که شیعیان این روز را جشن و عید مبارک دانند و شکر حق تعالی برای این
نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز را سنت دانسته اند فصل دوم
در فضایل و اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان علمای شیعه
انست که ولادت کثیر السعادة حضرت رسالت صلی الله علیه در روز جمعه
هفدهم ماه ربیع الاول واقع شده و در بعضی از روایات واقع شده است
که عروج آنحضرت باسمانها نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب و روز
هر دو مبارکست و در هر دو روز زیارت حضرت رسالت پناه و حضرت امیر المؤمنین
مناسب است و علما ذکر کرده اند او روز عید و فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید
گفته است که این روز شریفیست و پیوسته فرقه محقه شیعه از قدیم الایام الی الآن
تعظیم آن میکرده اند و حق آن را میشناخته اند و روزه میداشته اند و از ائمه هدی
روایت کرده اند که هر که این روز را روزه بدارد ثواب روزه یکسال برای او نوشته
شود و مستحب است که تصدق نمایند بارباب حاجات باندازه و مومنان و مومنات را
شاد گردانند و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد حضرت رسالت پناه
و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین و شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس گفته

طریقه اعمال روز هفدهم که روز مولود حضرت رسالت پناه میباشد



گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی حضرت رسول صلعم را زیارت کنی
غسل بکن و شبیه بقبر در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آنحضرت را
در آن بنویس و بایست و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
و دل خود را متوجه آنحضرت گردان گواهی میدهم که نیست خداوندی بغیر از خدای یگانه که شریک نیست
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وانه سید الاولین والآخرین
مراو را و گواهی میدهم که محمد بنده و رسول و پیغمبر اوست و بدرستیکه او آقای پیشینیان و پسینیان
وانه سید الانبیاء والمرسلین اللهم صل علیه وعلی اهل
و بدرستیکه او آقای پیغمبرانست و فرستادگانست خداوندا رحمت بفرست بر او و بر اهل
بیته الائمة الطیبین پس بگو السلام علیک یا رسول الله السلام
بیت او که امامان پاکیزه اند پس بگو درود بر تو ای رسول خدا درود
علیک یا خلیل الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا صفی
بر تو ای دوست خدا درود بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو ای برگزیده
الله السلام علیک یا رحمة الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک
خدا درود بر تو ای رحمت خدا درود بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو
یا حبیب الله السلام علیک یا نجیب الله السلام علیک یا خاتم
ای دوست خدا درود بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو ای ختم کننده
النبیین السلام علیک یا سید المرسلین السلام علیک یا قائم
پیغمبران درود بر تو ای آقای فرستادگان درود بر تو ای برپا دارنده

طریقه زیارت حضرت رسول الله از دور در روز هفدهم

بالقسط السلام عليك يا فاتح الخير السلام عليك يا معدن

بر پای ایستاده بعدالت درود بر تو ای گشاینده نیکی درود بر تو ای جای گاه

الوحي والتنزيل السلام عليك يا مبلغا عن الله السلام عليك

پیغام خدا و فرود آمدن آن درود بر تو ای رساننده از جانب خدا درود بر تو

ايها السراج المنير السلام عليك يا مبشر السلام عليك يا نذير

ای چراغ روشن درود بر تو ای مژده دهنده درود بر تو ای ترساننده

السلام عليك يا منذر السلام عليك يا نور الله الذي يستضاء به

درود بر تو ای بیم نماینده درود بر تو ای روشنائی خدا که روشنائی جسته شود

السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين الهادين المهديين

درود بر تو و بر اهل بیت تو که پاکانند پاکیزگانند راه نمایان راه یافتگان

السلام عليك وعلى جدك عبد المطلب وعلى ابيك عبد الله السلام

درود باد بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله درود

عليك وعلى امك آمنة بنت وهب السلام عليك وعلى عمك حمزة

بر تو و بر مادر تو آمنه دختر وهب درود بر تو و بر عم تو حمزه

سيد الشهداء السلام عليك وعلى عمك وكفيلك ابي طالب

بزرگ شهیدان درود بر تو و بر عم تو و کارگذار تو ابی طالب

السلام عليك وعلى ابن عمك جعفر الطيار في جنان الخلد السلام

درود بر تو و بر پسر عم تو جعفر پرنده در بهشت جاوید درود

عليك



عليك يا محمد السلام عليك يا احمد السلام عليك يا حجة الله

بر تو ای محمد درود بر تو ای ستوده تر درود بر تو ای حجت خدا

على الاولين والآخرين والسابق في طاعة رب العالمين والمهيمن

بر پیشینیان و پسینیان و پیشی گیرنده در فرمانبرداری پروردگار جهانیان و گواه

على رسله والخاتم لانبيائه والشاهد على خلقه والشفيع اليه

بر فرستادگان و ختم پیغمبران و گواه بر آفریدگان و درخواست کننده بسوی او

والمكين لديه والمطاع في ملكوته الاحمد من الاوصاف المحمد

و جای گرفته نزد او و اطاعت کرده شده در پادشاهی او ستوده تر از ثناها ستوده شده

لسائر الاشراف الكريم عند الرب والمكلم من وراء الحجب الفائز

مر سایر بزرگان بزرگوار نزد پروردگار و سخن گفته شده از پشت پرده فیروزی

بالسباق والفائق عن اللحاق تسليم عارف بحقك معترف بالتقصير

پیشی گرفته و گذشته از رسیدن ایشان درود آنکه شناسد حق ترا اقرار دارنده بتقصیر

في قيامه بواجبك غير منكر ما انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات

در قیام نمودن او بحق واجب تو انکار ننماینده آنچه را که رسیده بسوی او از فضل تو جزم دارنده بزیادتی

من ربك مؤمن بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك

از پروردگار تو گرونده بکتاب فرو فرستاده شده بر تو حلال داننده حلال ترا حرام دارنده حرام

اشهد يا رسول الله مع كل شاهد واتحملها على كل جاحد انك قد

گواهی میدهم ای فرستاده خدا با هر گواهی دارنده و بر میدارم بار آن را بر هر انکار کننده بدرستی که تو

رسالات ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت
پیغامهای پروردگارت را ونصیحت کردی امت خود را وکارزار نمودی در راه پروردگار تو وظاهر
بامره واحتملت الاذى في جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة
کردی امر او را وبرداشتی رنج را در کار او وخواندی بسوی راه او بدلیل محکم وپند
الحسنة الجميلة وادیت الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت
نیکوی نیک وادا نمودی حق را که بود بر تو وبدرستی که تو بتحقیق مهربانی
بالمؤمنين وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتاك
بگروندگان ودرشتی نمودی بر کافران وپرستیدی خدا را خالص گردانیده تا آنکه آمد
اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين
مرگ پس رسانید خدا ترا بلندترین جاهای گرامی شدگان وبلندترین مرتبهای نزدیکان
وارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق
وبرترین درجهای فرستادگان آنجا که نرسد ترا هیچ رسنده ونگذرد از تو گذرنده
ولا يسبقك سابق ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله الذي
وپیشی نگیرد ترا پیشی گیرنده وطمع نکند در رسیدن در مرتبه تو طمع کننده سپاس مر خدا راکه
استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة ونورنا بك
رهانیده ما را بوسیله تو از هلاکت وراه نمود ما را بتو از گمراهی وروشن گردانید ما را بتو
من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما جزى نبيا
از تاریکی پس پاداش دهد ترا خدا ای پیغمبر خدا از فرستاده بهتر از آنچه پاداش داد پیغمبر را

عزائمه



عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت وامي يا رسول الله
از جانب امتش وفرستاده را از جانب کسی که فرستاده شده بسوی او پدرم ومادرم فدای تو باد ای پیغمبر خدا
زرتك عارفا بحقك مستبصرا بضلالة من خالفك وخالف اهل
زیارت کردم ترا شناسا بحق تو وبینا بگمراهی آنکه مخالف شود ترا ومخالف
بيتك عارفا بالهدى الذي انت عليه بابي انت وامي ونفسي
بیت تو شناسا براه راستی که تو بر آنی فدای تو باد پدرم ومادرم وخودم
واهلي ومالي وولدي انا اصلي عليك كما صلى الله عليك وصلى
واهلم ومالم وفرزندم من درود میفرستم بر تو چنانچه رحمت فرستاد خدا بر تو ودرود
عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة وافرة متواصلة
بر تو فرشتگان او وپیغمبران او وفرستادگان او درودی پی در پی بسیار پیوسته
لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك
که نباشد بریدگی مر او را ونه انتها ونه وقت رحمت فرستد خدا بر تو وبر اهل بیت تو
الطيبين الطاهرين كما انتم اهله بل ومستحقاه اللهم اجعل
پاکیزگان پاکان چنانچه شما سزاوار آنید بلکه شایسته آن خدایا گردان
جوامع صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك
همه رحمتهای خود وزیاده شونده برکتهای خود وافزونی خیرهای خود وبزرگیهای درودهای خود
وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين
وسلامهای خود وکرامتهای خود وبخششهای خود ودرودهای فرشتگان نزدیک خود را

اقرار کننده بفضل تو

وأنبيائك المرسلين وأئمتك المنتجبين وعبادك الصالحين

و پیغمبران فرستادگان خود و پیشوایان برگزیدگان خود و بندگان شایستهٔ خود

وأهل السموات والأرضين ومن سبّح لك يا ربّ العالمين من

و اهل آسمانها و زمینها و هر که تسبیح کرد مر ترا ای پروردگار جهانیان از

الأوّلين والآخرين على محمّد عبدك ورسولك وشاهدك و

پیشینان و پسینیان بر محمد بندهٔ تو و رسول تو و گواه تو و

نبيّك ونذيرك وأمينك ومكينك ونجيّك ونجيبك وحبيبك

پیغمبر تو و بیم نمایندهٔ تو و امین تو و صاحب مکنت تو و راز گویندهٔ تو و برگزیدهٔ تو و حبیب تو

وخليلك وصفيّك وصفوتك وخاصّتك وخالصتك ورحمتك

و دوست تو و برگزیدهٔ خاص تو و دوست خاص تو و خاص تو و خالص تو و بخشش تو

وخير خيرتك من خلقك نبيّ الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير

و بهترین برگزیدهٔ تو از خلق تو پیغمبر بخشش و خزینه دار آمرزش و کشایندهٔ نیکی

والبركة ومنقذ العباد من الهلكة بإذنك وداعيهم إلى دينك

و برکت و رهانندهٔ بندگان از هلاکت بدستوری تو و خوانندهٔ ایشان بسوی دین

القيّم بأمرك أوّل النبيّين ميثاقاً وآخرهم مبعثاً الذي غمسته في

قایم بفرمان تو اول پیغمبران در پیمان بستن و آخر ایشان از روی بعث آنکه فرو بردی او را در

بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة

دریای فضل و منزلت بزرگ و درجهٔ بلند و مرتبهٔ عظیم

واودعته



وأودعته الأصلاب الطاهرة ونقلته منها إلى الأرحام

و بامانت گذاشتی او را در پشتهای پاک و نقل فرمودی او را از آنها بسوی رحمهای

المطهّرة لطفاً منك له وتحنّناً منك عليه إذ وكّلت لصونه

پاک کرده شده از جهت مهربانی از تو و شفقت بر او هنگامی که موکل گردانیدی

وحراسته وحفظه وحياطته من قدرتك عيناً عاصمةً حجبت

و نگهبانی او و حفظ او و در حمایت او از قدرت خود نگهبانی نگهدارنده که در پوشیدی

بها عنه مدانس العهر ومعائب السفاح حتّى رفعت به نواظر

از او بسبب آن از چرکهای فجور و عیبهای زنا تا آنکه بلند کردی بسبب آن دیدهای

العباد وأحييت به ميت البلاد بأن كشفت عن نور ولادته

بندگان را و زنده گردانیدی بآن مردهٔ شهرها را به اینکه زایل کردی از نور ولادت

ظلم الأستار وألبست حرمك به حلل الأنوار اللّهم فكما خصصته

تاریکی پردهها را و پوشانیدی حرم خود را بسبب او جامهای نور خدایا پس چنانکه مخصوص کردی

بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة صلّ عليه

بشرف این مرتبهٔ گرامی و ذخیرهٔ این مرتبه و منزلت بزرگ رحمت فرست بر

كما وفى بعهدك وبلّغ رسالاتك وقاتل أهل الجحود على توحيدك

چنانچه وفا نمود به پیمان تو و رسانید پیغامهای ترا و کشش نمود با منکران بر یگانگی تو

وقطع رحم الكفر في إعزاز دينك ولبس ثوب البلوى في مجاهدة

و برید قرابت کفر را در عزیز گردانیدن دین تو و پوشید جامهٔ رنج و تعب در کارزار

أعدائك وأوجبت له بكل أذى مسّه أو كيد أحسّ به من الفئة
دشمنان تو و واجب گردانیدی برای او بازای هر آزاری که رسید او را یا مکری که دریافت او را از گروهی
التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل ويملك بها الجزيل
که قصد کردند کشتن او را زیادتی که فایق آمد بر همه زیادتیها و صاحب شد بسبب آن بخشش بسیار
من نوالك وقد أسرّ الحسرة وأخفى الزفرة وتجرّع الغصّة ولم
از انعام تو و بتحقیق پنهان داشت اندوه را و مخفی کرد آه را و فرو خورد غصه و غم را و
يتخطّ ما مثّل له وحيك اللهم صلّ عليه وعلى أهل بيته صلوة
تجاوز نکرد از آنچه مصور شد برای او وحی تو خداوندا رحمت فرست بر او و بر اهل خانواده او درودی
ترضاها لهم وبلّغهم منّا تحيّة كثيرة وسلاماً وآتنا من لدنك
که بپسندی آنرا برای ایشان و برسان بایشان از ما درود بسیار و سلام فراوان و بده ما را از نزد خود
في موالاتهم فضلاً وإحساناً ورحمة وغفراناً إنّك ذو الفضل العظيم
در دوستی ایشان زیادتی و نیکوئی و بخشش و آمرزش بدرستی که تو خداوند فضل بزرگی
پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام با هر سوره که خواهی و چون فارغ
شوی تسبیح فاطمه اللهم إنّك قلت لنبيّك محمّد صلّى الله عليه
و بخوان پس بگو خداوندا بدرستی که تو گفتی مر پیغمبر خود محمد رحمتهای خدا بر او
وآله ولو أنّهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوك فاستغفروا الله واستغفر
و آل او و اگر آنکه ایشان وقتی که ستم کردند بر نفسهای خود آمدند نزد تو پس طلب آمرزش کردند از خدا و طلب آمرزش کند
لهم الرسول لوجدوا الله توّاباً رحيماً ولم أحضر زمان رسولك عليه

برای ایشان رسول هر آینه می‌یافتند خدا را توبه پذیرنده مهربان و حاضر نبودم در زمان پیغمبر تو رحمت خدا بر او

وآله السلام



وآله السلام اللهم وقد زرته راغباً تائباً من سيّئ عملي ومستغفراً
و آل او سلام خداوندا و بتحقیق که زیارت کردم او را در حالتی که راغب و تائب شده‌ام از کردار بد خود و طلب آمرزش کننده
لك من ذنوبي ومقرّاً لك بها وأنت أعلم بها منّي ومتوجّهاً إليك بنبيّك
مر ترا از گناهان من و اقرار کننده مر ترا بآنها و تو داناتری بآنها از من و رو کننده بسوی تو بوسیله پیغمبر
نبيّ الرحمة صلواتك عليه وآله فاجعلني اللهم بمحمّد وأهل بيته
تو پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و آل او پس بگردان مرا خداوندا بحق محمد و اهل بیت او
عندك وجيهاً في الدنيا والآخرة ومن المقرّبين يا محمّد يا رسول الله
نزد تو صاحب جاه در دنیا و آخرت و از مقربان ای محمد ای رسول خدا
بأبي أنت وأمّي يا نبيّ الله يا سيّد خلق الله إنّي أتوجّه بك إلى الله ربّك
پدرم و مادرم فدای تو باد ای پیغمبر خدا ای بزرگ خلق خدا بدرستی که من رو میکنم بتو بسوی خدا پروردگار تو
وربّي ليغفر لي ذنوبي ويتقبّل منّي عملي ويقضي لي حوائجي فكن لي
و پروردگار من تا بیامرزد برای من گناهان مرا و قبول کند از من کردار مرا و برآورد برای من حاجتهای مرا پس باش برای من
شفيعاً عند ربّك وربّي فنعم المسؤول المولى ربّي ونعم الشفيع أنت
شفیع نزد پروردگار تو و پروردگار من پس نیکو سؤال کرده شده‌ایست که مولای من پروردگار من است و نیکو شفیعی تو
يا محمّد عليك وعلى أهل بيتك السلام اللهم وأوجب لي منك
ای محمد بر تو و بر اهل بیت تو سلام خداوندا و واجب گردان برای من از جانب
المغفرة والرحمة والرزق الواسع الطيّب النافع كما أوجبت لمن
تو آمرزش و بخشش و روزی فراخ پاکیزه سودمند چنانچه واجب گردانیدی برای کسی که

نبیک محمد صلی الله علیه وآله وهو حیٌ فاقرّ له بذنوبه واستغفر

پیغمبر تو محمد که رحمت خدا بر او و آل او و حال آنکه او زنده بود پس اقرار کرد برای او بگناهان

له رسولک علیه السلام فغفرت له برحمتک یا ارحم الراحمین

برای او رسول تو بر او باد سلام پس آمرزیدی او را برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم وقد امّلتک ورجوتک وقمت بین یدیک ورغبت الیک

خداوندا بتحقیق که امید کردم ترا و امید داشتم ترا و ایستاده ام در پیش تو و رغبت نمودم بسوی تو

عمن سواک وقد امّلت جزیل ثوابک وانّی مقرٌ غیر منکرٍ وتائبٌ الیک

از هر که غیر تست و امید کردم بسیاری ثواب ترا و بدرستی که من اقرار کننده ام انکار نکننده و توبه کننده

مما اقترفت وعائذٌ بک فی هذا المقام مما قدّمت من الاعمال التی

از آنچه کسب کرده ام و پناه گیرنده ام بتو در این مقام از آنچه پیش فرستاده ام از کردارهایی که

تقدمت الیّ فیها ونهیتنی عنها واوعدت علیها العقاب و

پیش کرده بودی بسوی من در آن و منع کردی مرا از آنها و وعده کردی بر آنها عقوبت را

اعوذ بکرم وجهک ان تقفنی مقام الخزی والذل یوم تهتک فیه

پناه میگیرم به بزرگواری ذات تو از آنکه بداری مرا در جایگاه خفت و خواری روزی که دریده میشود در آن

الاستار وتبدو فیه الاسرار والفضائح وترعد فیه الفرائص

پرده ها و ظاهر میشود در آن نهانیها و رسوائیها و لرزان گردد در آن رگهای گردن

یوم الحسرة والندامة یوم الآفکة یوم الآزفة یوم التغابن یوم

روز اندوه و پشیمانی روز عذاب روز قیامت روز زیان رسانیدن





الفصل یوم الجزاء یوماً کان مقداره خمسین الف سنة یوم النفخة

جدا کردن حق از باطل روز جزا دادن روزی که بوده باشد مقدار او پنجاه هزار سال روز دمیدن

یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة یوم النشر یوم العرض یوم

روزی که بجنبد زمین لرزنده که از پی در آید او را جنبنده دیگر روز برانگیختن روز عرض کردن روزی

یقوم الناس لرب العالمین یوم یفر المرء من اخیه وامه وابیه

که بایستند مردمان برای پروردگار عالمیان روزی که بگریزد آدمی از برادر خود و از مادر خود و از پدر خود

وصاحبته وبنیه یوم تشقق الارض واکناف السماء یوم تأتی

و زن خود و دختر خود روزی که شکافته شود زمین و اطراف آسمان روزی که بیاید

کل نفس تجادل عن نفسها یوم یردون الی الله فینبئهم بما عملوا

هر نفسی که مجادله کند از نفس خود روزی که بازگردانیده شوند بسوی خدا پس آگاه کند ایشان را بآنچه

یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئاً ولا هم ینصرون الا من رحم الله انه

روزی که باز ندارد دوستی از دوستی چیزی و نه ایشان یاری کرده شوند مگر آنکه بخشوده شود که او

هو العزیز الرحیم یوم یردون الی عالم الغیب والشهادة یوم یردون

اوست غالب مهربان روزی که بازگردانیده شوند بسوی دانای پنهان و آشکار روزی که بازگردانیده شوند

الی الله مولیهم الحق یوم یخرجون من الاجداث سراعاً کانهم

بسوی خدا مولای ایشان بحق روزی که بیرون آیند از قبرها شتابان که گویا ایشان

الی نصب یوفضون وکانهم جراد منتشر مهطعین الی الداعی الی الله

بسوی بتان میشتابند و مانند ملخی که پراکنده اند در حالی که شتابانند بسوی خواننده بسوی

يوم الواقعة يوم ترجّ الارض رجّا يوم تكون السماء كالمهل

روز قیامت روزی که لرزانده شود زمین لرزیدنی روزی که گردد آسمان چون مس گداخته

وتكون الجبال كالعهن ولا يسئل حميم حميما يوم الشاهد

و باشند کوهها چون پشم زده شده و نپرسد هیچ خویشی از حال خویشی روز گواهی دهنده

والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم ارحم موقفي

و گواهی داده شده روزی که باشند فرشتگان صف صف خداوندا رحم کن بایستادن من

في ذلك اليوم ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي

در این روز و خوار مگردان مرا در این موقف بجنایت کردن من بر نفس خود

واجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة

و بگردان ای پروردگار من رفتن مرا در آن روز با دوستان تو روان شدن مرا و در زمره

محمد واهل بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه موردي

محمد و اهل بیت او بر ایشان باد درود حشر کرده شدن مرا و بگردان حوض او را محل وارد شدن من

وفي الغر الكرام مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز

و در زمره روشن پیشانی بزرگواران بازگشتن من و عطا کن نامه اعمال مرا بدست راست من تا رستگار گردم

بحسناتي وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي وترجح به ميزاني

بکارهای نیک خود و سفید گردانی بآن روی مرا و آسان کنی بآن حساب مرا و گران کنی بآن ترازوی مرا

وامضي مع الفائزين من عبادك الصالحين الى رضوانك وجنانك

و بگذرم با رستگاران از بندگان تو شایستگان بسوی خوشنودی تو و بهشت

اله العالمين



اله العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان تفضحني في ذلك اليوم بين

ای خدای جهانیان خداوندا من در پناه میگیرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز در پیش

يدي الخلائق بجريرتي او ان القى الخزي والندامة بخطيئتي او

خلق بگناه من یا آنکه برسم بخواری و پشیمانی بسبب گناه من یا

ان تظهر فيه سيئاتي على حسناتي او ان تنوه بين الخلائق باسمي

آنکه غالب گردانی در آن روز بدیهای مرا بر نیکیهای من یا آنکه شهرت دهی میان خلایق نام مرا

يا كريم يا كريم العفو العفو الستر الستر اللهم واعوذ بك من ان

ای بزرگوار امید دارم در گذشتن و پوشانیدن را خداوندا و پناه میبرم بتو از آنکه

في ذلك اليوم في مواقف الاشرار موقفي او في مقام الاشقياء مقامي

باشد در آن روز در جاهای ایستادن بدکاران ایستادن من یا در جایگاه ایستادن بدکاران مقام

واذا ميزت بين خلقك فسقت كلا باعمالهم زمرا الى منازلهم فسقني

و چون جدا سازی میان خلق خود پس رانی هر یکی را بکردارهای ایشان گروه گروه بسوی جاهای ایشان پس بران

برحمتك في عبادك الصالحين وفي زمرة اوليائك المتقين

برحمت خود در بندگان شایستگان خود و در زمره دوستان تو پرهیزکاران خود

الى جناتك يا رب العالمين ثم ودّع وقل السلام عليك يا رسول

بسوی بهشتهای خودای پروردگار جهانیان المختصر ... درود بر تو ای رسول

يا رسول الله السلام عليك ايها البشير النذير السلام عليك ايها

ای رسول خدا درود بر تو ای مژده دهنده بیم نماینده سلام بر تو ای

السراج المنير السلام عليك ايها السفير بين الله وبين خلقه اشهد يا رسول

چراغ روشن درود بر تو ای سفیر میان خدا و میان خلق او گواهی میدهم ای

الله انك كنت نوراً في الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة

[illegible] که تو بودی نوری در پشتهای بلند و در رحمهای پاک

لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها

نجس نکرده ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا از جامههای تیره خود

واشهد يا رسول الله اني مؤمن بك وبالائمة من اهل بيتك موقن بجميع

و گواهی میدهم ای رسول خدا من گرویدهام بتو و بپیشوایان از خانواده تو [illegible]

ما اتيت به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بيتك اعلام الهدى

بانچه آوردهای خوشنودم گرویدهام و گواهی میدهم که پیشوایان از خانواده تو نشانههای [illegible]

والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم لا تجعله آخر العهد من

و دست آویز محکم و حجتند بر اهل دنیا خداوندا مگردان این را آخر زیارت از

زيارة نبيك عليه وآله السلام وان توفيتني فاني اشهد في مماتي على

زیارت پیغمبر خود بر او و آل او درود باد و اگر میرانی مرا پس بدرستی که من گواهم در ممات خود

ما اشهد عليه في حياتي انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك

بانچه گواهی میدهم بر او در حیات خود که توئی خدا نیست خدائی بجز تو یگانه [illegible]

لك وان محمداً عبدك ورسولك وان الائمة من اهل بيته اولياؤك وانصار

مر ترا و بدرستی که محمد بنده تو و رسول توست و بدرستی که پیشوایان از اهل بیت او دوستان تو [illegible]



وحججك على خلقك وخلفاؤك في عبادك واعلامك في بلادك

و حجتهای تو بر خلق تو و خلیفههای تو در بندگان تو و نشانهای تو در شهرهای تو

وخزان علمك وحفظة سرك وتراجمة وحيك اللهم صل على

و خزانه داران علم تو و نگاهبانان سرّ تو و ترجمانان وحی تو خداوندا رحمت فرست بر

محمد وآل محمد وبلغ روح نبيك محمد وآله في ساعتي هذه وفي

محمد و آل محمد و برسان بروح پیغمبر تو محمد و آل او در این ساعت و در

كل ساعة تحية مني وسلاماً والسلام عليك يا رسول الله

هر ساعت درودی از من و سلامی و درود باد بر تو ای رسول خدا

ورحمة الله وبركاته لا جعله الله آخر تسليمي عليك مؤلف گوید

و رحمت خدا و برکتهای او و نگرداند او را خدا آخر درود من بر تو که این زیارت

سندش بنظر فقیر نرسیده است و لهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده ام و اما

زیارت جامعه کامله پس در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی نتواند

زیارت مختصری که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما

ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین در این روز سنت است و خصوص

این زیارت در این روز ذکر کرده اند و از بعضی روایات خصوص این روز معلوم

نمیشود ظاهر بعضی زیارات از جهت لفظ و معنی بسند معتبر منقول است که در

همه ایام و اوقات از نزدیک و دور میتوان کرد خصوصا در این روز چنانکه

شیخ مفید و شیخ شهید و شیخ طوسی روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق بزیارت

که حضرت امیرالمؤمنین ع در هفدهم ماه ربیع الاول با پسر زیارت و تعلیم فرمود
بآن مرد ثقه عظیم الشان محمد مسلم ثقفی فرمود که چون بیایی بمشهد امیرالمؤمنین
غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش
خود را خشبو کن و بر تو باد بآرام و آرام تن پس چون برسی بر باب السلام
یعنی درگاه روضه که ضریح مقدس نمایان میشود رو بقبله بایست و بگو
الله اکبر السلام علی رسول الله السلام علی خیرة الله السلام علی
بگو الله اکبر درود بر رسول خدا درود بر برگزیده خدا درود بر
البشیر النذیر السراج المنیر و رحمة الله و برکاته السلام علی انبیاء
مژده دهنده و بیم دهنده و چراغ روشن و رحمت خدا و برکتهای او درود بر پیغمبران
المرسلین و عباد الله الصالحین السلام علی ملائکة الله الحافین
فرستادگان و بندگان شایسته خدا درود بر فرشتگان خدا که احاطه کرده‌اند
بهذا الحرم و بهذا الضریح اللائذین به پس نزدیک قبر برو و بگو السلام علیک یا وصی
باین حرم و باین ضریح که پناه آورنده‌اند باو پس نزدیک قبر برو و بگو درود بر تو ای وصی
الاوصیاء السلام علیک یا عماد الاتقیاء السلام علیک یا ولی
اوصیا درود بر تو ای ستون پرهیزکاران درود بر تو ای دوست
الاولیاء السلام علیک یا سید الشهداء السلام علیک یا آیة الله
دوستان درود بر تو ای آقای شهیدان درود بر تو ای نشانه خدای
العظمی السلام علیک یا خامس اهل العباء السلام علیک یا قائد الغر المحجلین

طریقه دیگر
زیارت حضرت امیرالمؤمنین
در روز مولود

بزرگ درود بر تو
ای پنجم یاران آل
عبا درود بر تو ای پیشرو
پیشانی سفیدان

الاتقیاء



الاتقیاء السلام علیک یا عصمة الاولیاء السلام علیک یا زین
پرهیزکاران درود بر تو ای حمایت کننده دوستان خدا درود بر تو ای زینت
الموحدین النجباء السلام علیک یا خالص الاخلاء السلام علیک
یگانه پرستان درود بر تو ای خالص دوستان خدا درود بر تو
یا والد الائمة الامناء السلام علیک یا صاحب الحوض و حامل اللواء
ای پدر پیشوایان با امانت درود بر تو ای صاحب حوض کوثر و بردارنده علم
السلام علیک یا قسیم الجنة و لظی السلام علیک یا من شرفت
درود بر تو ای قسمت کننده بهشت و دوزخ درود بر تو ای آنکه شرف گردید
به مکة و منی السلام علیک یا بحر العلوم و کنز الفقراء السلام علیک
بوجود او مکه و منی درود بر تو ای دریای علوم و پناه بیچارگان درود بر تو
یا من ولد فی الکعبة و زوج فی السماء بسیدة النساء و کان شهودها
ای کسی که متولد شد در کعبه و تزویج داده شد در آسمان بخاتون زنان و بودند حاضران
الملائکة الاصفیاء السلام علیک یا مصباح الضیاء السلام علیک
فرشتگان برگزیدگان درود بر تو ای چراغ روشن درود بر تو
یا من خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیک یا من بات علی فراش
ای آنکه مخصوص گردانید او را پیغمبر بعطای جزیل درود بر تو ای آنکه خواب کرد در بستر
خاتم الانبیاء و وقاه بنفسه شر الاعداء السلام علیک یا من رد
خاتم پیغمبران و نگاه داشت او را بنفس خود از شر دشمنان درود بر تو ای آنکه برگردانیده شد

له الشمس فتا مى شمعون الصفا السلام عليك يا من انجى الله سفينة

رسانيد آفتاب پس او قضا كرده شمعون صفا سلام بر تو اى آنكه رهانيد خدا كشتى

نوح باسمه واسم اخيه حيث نظم الماء حولها وطمى السلام عليك

نوح را باسم او و اسم برادر او در جائيكه موج كرد آب گرد اگرد آن كشتى و بلند شد موج آن سلام بر تو

يا من تاب الله به وباخيه على آدم اذ غوى السلام عليك يا فلك

اى آنكه پذيرفت خدا وسيله او و برادرش بر آدم هنگامى كه بيراه رفته بود سلام بر تو اى كشتى

النجاة الذي من ركبه نجا ومن تاخر عنه هوى السلام عليك

رستگارى كه هر كه سوار شد بر آن نجات يافت و هر كه واپس شد از آن هلاك شد سلام بر تو

يا من خاطب الثعبان وذئب الفلا السلام عليك يا امير المؤمنين

اى آنكه گفتگو نمود با اژدها و گرگ بيابان سلام بر تو اى پادشاه گروندگان

ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا حجة الله على من كفر واناب

و رحمتهاى خدا و بركتهاى او سلام بر تو اى حجت خدا بر آنكه كفر ورزيد و بازگشت

السلام عليك يا امام ذوي الالباب السلام عليك يا معدن

سلام بر تو اى پيشواى صاحب عقلها سلام بر تو اى ظاهر سازنده

الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك يا من عنده علم الكتاب السلام

غرايب دانش نهايى قدرت سلام بر تو اى آنكه نزد او است دانش كتاب سلام

عليك يا ميزان يوم الحساب السلام عليك يا فاصل الحكم الناطق

بر تو اى ترازوى روز شمار سلام بر تو اى جدا كننده حكم حق

بالصواب



بالصواب السلام عليك ايها المتصدق بالخاتم في المحراب

براستى سلام بر تو اى صدقه دهنده با انگشترى در محراب

السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به يوم الاحزاب

سلام بر تو اى آنكه كفايت كرد خدا گروندگان را از كارزار او در روز جنگ احزاب

السلام عليك يا من اخلص لله الوحدانية واناب السلام عليك

سلام بر تو اى آنكه خالص گردانيده خدا را به يگانگى و بازگشت نموده بخدا درود

يا قاتل وقالع الباب السلام عليك يا من دعاه خير الانام للمبيت

اى كشنده خيبر و كننده در آن سلام بر تو اى آنكه خوانده او را بهترين مردمان براى خوابيدن

على فراشه فاسلم نفسه للمنية واجاب السلام عليك يا من

در بستر خود پس داد نفس خود را بهلاكت و اجابت نمود سلام بر تو اى آنكه

له طوبى وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي

براى او است درخت طوبى و نيكوى بازگشت و رحمتهاى خدا و بركتهاى او سلام بر تو اى

عصمة الدين وسيد السادات السلام عليك يا صاحب المعجزات

نگاهدارنده دين و بزرگ بزرگان سلام بر تو اى صاحب معجزات

السلام عليك يا من نزلت في فضله سورة العاديات السلام عليك

سلام بر تو اى آنكه فرود آمده در فضيلت او سوره و العاديات سلام بر تو

يا من كتب اسمه في السماء على السرادقات السلام عليك يا مظهر

اى آنكه نوشته شده نام او در آسمان بر سراپرده‌ها سلام بر تو اى ظاهر

العجائب والآيات السلام عليك يا أمير الغزوات السلام عليك يا
عجائب ونشانهاي قدرت سلام بر تو اي پادشاه جنگها سلام بر تو اي
مخبراً بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب ذئب الفلوات
خبر دهنده به آنچه گذشته و به آنچه آمدني است درود بر تو اي خطاب كننده گرگ بيابانها
السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين المشكلات السلام عليك
سلام بر تو اي تمام كننده صدها و بيان كننده مشكلات سلام بر تو
يا من عجبت من حملاته في الوغا ملائكة السموات السلام عليك
اي آنكه شگفت آوردند از حملهاي او در حرب فرشتگان آسمانها درود بر تو
يا من ناجى الرسول فقدم بين يدي نجواه الصدقات السلام
اي آنكه پيش از رازگويي با رسول صدقه داد سلام
عليك يا والد الأئمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته السلام
بر تو اي پدر پيشوايان نيكوكاران بزرگان و رحمتهاي خدا و بركتهاي او سلام
عليك يا تالي المبعوث السلام عليك يا وارث علم خير موروث
بر تو اي جانشين پيغمبر فرستاده شده درود بر تو اي ميراث برنده علم بهترين كسي كه ميراث از او گرفته شد
ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا إمام المتقين السلام عليك
و رحمتهاي خدا و بركتهاي او سلام بر تو اي پيشواي پرهيزكاران سلام بر تو
يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين السلام عليك
اي نگاه دارنده گروندگان سلام بر تو اي ظاهر سازنده دلايل سلام بر تو

السلام عليك يا غياث المكروبين
سلام بر تو اي فريادرس اندوهگنان
٤

يا طه ويس



يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله المتين السلام عليك
اي طه و يس سلام بر تو اي ريسمان محكم خدا سلام بر تو
يا من تصدق في صلوته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا قالع
اي آنكه صدقه فرموده در نماز خود انگشتر خود را بر مسكين سلام بر تو اي كننده
الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين
سنگ از دهن چاه و ظاهر سازنده آب روان درود باد بر تو اي ديده
الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته أجمعين
نگرنده خدا و دست گشاده او و زبان بيان كننده او از جانب او در خلق او همگي
السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الأولين والآخرين
سلام بر تو اي ميراث برنده علم پيغمبران و قرارگاه علم پيشينيان و پسينيان
وصاحب لواء الحمد وساقي أوليائه من حوض خاتم النبيين
و خداوند رايت حمد و آب دهنده دوستان خود از حوض خاتم پيغمبران
السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الأئمة
سلام بر تو اي بزرگ دين و پيشرو پيشاني سفيدان و پدر پيشوايان
المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على اسم الله الرضي
پسنديدگان و رحمتهاي خدا و بركتهاي او سلام بر نام خداي پسنديده
ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي السلام على
و روي روشن او و جانب توانايي او و راه راست سلام بر

الإمام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري

پیشوای پرهیزکار خالص نماینده برگزیده خدا سلام بر ستاره درخشان

السلام على الإمام أبي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام

سلام بر پیشوای خلایق پدر حسن علی و رحمت خدا و برکتهای او و سلام

على إمام الهدى ومصباح الدجى وعلم التقى ومنار الهدى

بر پیشوای هدایت و چراغ شب تار و نشانه پرهیزکاری و روشنائی هدایت

وذي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا

و خداوند عقل و پناه خلایق و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا

ورحمة الله وبركاته السلام على نور الأنوار وحجة الجبار ووالد

و رحمتهای خدا و برکتهای او و درود بر روشنی ستاره روشنها و حجت خدا قهر و غلبه و پدر

الأئمة الأطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار المدمر على

پیشوایان پاکان و بخشش کننده بهشت و دوزخ و خبر دهنده از خبرهای گذشته هلاک کننده

الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الأوزار السلام

کافران رهاننده شیعیان با اخلاص از بار گناهان بزرگ سلام و درود

على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت

بر آنکه مخصوص است با پاکی پرهیزکاری دختر پیغمبر برگزیده آنکه زائیده شد در خانه

ذي الأستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة المرضية ابنة

که خداوند پرده هاست داده شده در آسمان به نیکوکاران خوش اخلاق دختر

الاطهار



الأطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم

پاکان و رحمتهای خدا و برکتهای او سلام بر آن خبر بزرگی

الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسئلون

که مردمان در آن اختلاف کننده اند و بر او عرض کرده شوند و از او پرسیده شوند

السلام على نور الله الأنور وضيائه الأزهر ورحمة الله و

سلام بر نور خدا که نورانی تر و روشنائی او که روشن تر است و رحمتهای خدا و

بركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله و

برکتهای او و سلام بر تو ای دوست خدا و حجت او و دوست خالص خدا و

خاصته أشهد يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده

بنده خاص او گواهی میدهم ای دوست خدا بتحقیق که جهاد کردی در راه خدا حق جهاد او

واتبعت منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله وحرمت

و پیروی نمودی طریقه رسول خدا رحمت فرستاد خدا بر او و آل او و حرام نمودی

حرامه وحللت حلال الله وشرعت أحكامه وأقمت الصلوة

حرام او را و حلال نمودی حلال خدا و جاری ساختی حکمهای شرع و بپا داشتی نماز را

وآتيت الزكوة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت

و دادی زکوة را و امر کردی بمعروف و نهی و منع کردی از بدی و کارزار نمودی

في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الأجر

در راه خدا شکیبا پند دهنده کوشش نماینده نزد خدا مزد بزرگ را

حتى أتاك اليقين فلعن الله من دفعك عن مقامك ولعن

تا آنکه رسید ترا امر که یقین است پس لعنت کند خدا کسی را که دفع کرد ترا از حق تو و لعنت کند

الله من بلغه ذلك فرضي به أشهد الله وملائكته وأنبياءه

خدا کسی را که رسید او را این خبر پس خشنود شد بآن گواه میگیرم خدا را و ملائکه او را و پیغمبران او را

ورسله أني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك والسلام عليك

و رسولان او را که من دوستم آنرا که دوست دارد ترا و دشمنم آنرا که دشمنی کند ترا و سلام بر تو

ورحمة الله وبركاته پس خود را بقبر بچسبان أشهد أنك تسمع كلامي

و رحمتهای خدا و برکتهای او و قبر را ببوس و بگو گواهی میدهم که تو بتحقیق میشنوی سخن مرا

وتشهد مقامي وأشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والأداء يا مولاي

و گواهی میدهی ایستادن مرا و گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا برسانیدن احکام و ادای امانتها

يا حجة الله يا أمين الله يا ولي الله إن بيني وبين الله عز وجل ذنوبا

ای حجت خدا ای معتمد خدا ای دوست خدا بدرستی که میان من و میان خدای عزوجل گناهانی است

قد أثقلت ظهري ومنعتني من الرقاد وذكرها يقلقل أحشائي

که سنگین نموده پشت مرا و باز داشته مرا از خواب و یاد کردن آن بلرزه آورده رودهای مرا

وقد هربت إلى الله عز وجل وإليك فبحق من ائتمنك على

و بتحقیق که گریختم بسوی خدای عزوجل و بسوی تو پس بحق آنکه امین کرده ترا بر

سره واسترعاك أمر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك

راز خود و سپرده بتو امر خلق خود را و قرین ساخته فرمانبرداری ترا بطاعت خود و دوستی ترا





بموالاته كن لي إلى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر

بدوستی خود باش برای من بسوی خدا شفیع و از آتش پناه دهنده و بر روزگار

ظهيرا پس باز خود را بقبر يا ولي الله يا حجة الله يا باب حطة

یاری کننده بچسبان و قبر را ببوس و بگو ای دوست خدا ای حجت خدا ای دری که گناه ریخته شود

الله وليك وزائرك واللائذ بقبرك والنازل بفنائك والمنيخ

خدا دوست تو و زیارت کننده تو و پناه گیرنده بقبر تو و فرود آینده بدرگاه تو و خواباننده

رحله في جوارك يسألك أن تشفع له إلى الله في قضاء حاجته

شتر خود در پناه تو سؤال میکند از تو که شفاعت کنی برای او بسوی خدا در برآوردن حاجت او

ونجح طلبته في الدنيا والآخرة فإن لك عند الله الجاه العظيم

و روا شدن مطلب او در دنیا و آخرت پس بدرستی که برای تو است نزد خدا جاه عظیم

والشفاعة المقبولة فاجعلني يا مولاي من همك وأدخلني في حزبك

و شفاعت مقبول پس بگردان مرا ای مولای من از اهل اهتمام خود و داخل کن مرا در گروه خود

والسلام عليك وعلى ضجيعيك آدم ونوح والسلام عليك

و سلام بر تو و بر دو همخوابه تو آدم و نوح و سلام بر تو

وعلى ولديك الحسن والحسين وعلى الأئمة الطاهرين من ذريتك

و بر دو فرزند تو حسن و حسین و بر پیشوایان پاکان از فرزندان تو

ورحمة الله وبركاته پس از روی تضرع وخشوع هر حاجت که داری

و رحمتهای خدا و برکتهای او از حق تعالی طلب مؤلف گوید که چون اراده زیارت

کنند بجای بهذا الحرم بهذا الضریح بگوید و قصد روضه و ضریح
حضرت امیر المؤمنین بکند و زیارتها و دعاها را متصل بیکدیگر
کند بخواند و تردید در فتن و بوسیدن نمیباشد اعنی بوضوء الهادی
کار نیست که چیزی بعمل آورد و سید بن طاوس گفته است که مستحب است در آن
روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت الحمد و سوره فالحمد ده مرتبه و سوره
انا انزلناه ده مرتبه قل هو الله احد بخواند شلام انت حی لا تموت و خالق
بگوید بدر جای نماز خود بنشیند و این دعا را بخواند تو آن زنده که نمیری و خالقی که
لا تغلب و بدیع لا تنفد و قریب لا تبعد و قادر لا تضاد و غافر
غلبه کرده نشوی و [illegible] که تمام نگردی و نزدیکی که دور نگردی و صاحب قدرتی که ضد گرفته نشوی و [illegible]
لا تظلم و صمد لا تطعم و قیوم لا تنام و عالم لا تعلم و قوی لا تضعف
[illegible] که محتاج نشوی [illegible] دانائی که آموخته نشوی و توانائی که [illegible]
و عظیم لا توصف و وفی لا تخلف و غنی لا تفتقر و حکیم لا تجور
و بزرگواری که وصف کرده نشوی و وفا کننده که [illegible] و بی نیازی که محتاج نشوی [illegible]
و منیع لا تقهر و معروف لا تنکر و وکیل لا تخفی و غالب لا تغلب
و عزیزی که قهر کرده نشوی و شناخته شده که انکار کرده نشوی و [illegible] که پنهان کرده نشوی و غالبی که [illegible]
و فرد لا تستشیر و وهاب لا تمل و سریع لا تذهل و جواد لا تبخل
و تنهائی که مشورت نکنی و بخشنده که ملول نشوی و [illegible] که غافل نگردی و بخشنده که [illegible]
و عزیز لا تذل و حافظ لا تغفل و قائم لا تزول و محتجب لا ترى و دائم



لا تفنى و باق لا تبلى و واحد لا تشبه و مقتدر لا تنازع اللهم
کرده نشوی و پاینده که زایل کرده نشوی و یگانه که مشابه نشوی و صاحب قدرتی که منازعه کرده نشوی خداوندا
انی اسألک بعلمک الغیب عندک و قدرتک علی الخلق اجمعین
بدرستی که من سؤال میکنم از تو بعلم پنهان که نزد تست و بقدرت تو که بر خلق همگی
ان تحیینی ما علمت الحیوة خیرا لی و ان تتوفنی اذا کانت الوفاة خیرا
اینکه زنده داری مرا مادام که دانی زندگانی را بهتر برای من و بمیرانی مرا وقتی که بوده باشد مردن بهتر
لی و اسألک الخشیة فی الغیب و الشهادة و اسألک اللهم کلمة
برای من و سؤال میکنم از تو ترس را در پنهان و آشکار و سؤال میکنم از تو خداوندا کلمه
الحق فی الغضب و الرضا و اسألک نعیما لا ینفد و اسألک الرضا
حق را در حالت خشم و خوشنودی و سؤال میکنم از تو نعمتی که بپایان نرسد و سؤال میکنم از تو
بعد القضاء و اسألک برد العیش بعد الموت و اسألک لذة النظر
[illegible] و سؤال میکنم از تو خوشی عیش را پس از مرگ و سؤال میکنم از تو لذت نظر
الی وجهک الکریم امین رب العالمین اللهم انی اسألک بمنک
بسوی ذات بزرگوار تو اجابت کن ای پروردگار عالمیان خداوندا من سؤال میکنم از تو بانعام
الکریم و فضلک العظیم ان تغفر لی و ترحمنی بالطف الطافک
بزرگوار تو و بخشش بعظمت تو اینکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا به مهربانی [illegible]
فی کل ما احب و ترضی اللهم انی اسألک فعل الخیرات و ترک المنکرات
در همه چیز [illegible] خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو کردن نیکیها و واگذاشتن [illegible]

وحب المساكين ومخالطة الصالحين وان تغفر لي وترحمني واذا

و دوستی درویشان و آمیزش شایستگان و آنکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا و هرگاه

اردت بقوم فتنة فتوفني غير مفتون واسألك حبك وحب من

اراده کنی بگروهی بلایی را پس بمیران مرا نا گرویده به بلا و محنت و سوال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی آنکه

يحبك وحب كل عمل يقربني الى حبك اللهم بحق محمد صلى الله

دوست دارد ترا و دوستی هر عملی که نزدیک گرداند مرا بسوی دوستی تو خداوندا بحق محمد رحمت فرستد

عليه واله حبيبك وبحق ابرهيم خليلك وصفيك وبحق موسى

خدا بر او و آل او دوست تو و بحق ابراهیم دوست تو و برگزیده تو و بحق موسی

كليمك وبحق عيسى روحك واسألك بصحف ابرهيم وتورية

همسخن تو و بحق عیسی روح تو و سوال میکنم از تو بحرمت صحف ابراهیم و توریة

موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه واله

موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او

واسألك بحق كل وحي وحيته وبحق كل قضاء قضيته وبكل سائل

و سوال میکنم از تو بحق هر وحیی که وحی کردی آن را و بحق هر حکمی که تقدیر کردی آن را و بهر سوال کننده

اعطيته واسألك بحق كل اسم انزلته في كتابك واسألك باسمائك التي

که عطا کردی او را و سوال میکنم از تو بهر نامی که فرستادی آن در کتاب خود و سوال میکنم از تو بنامهای تو که

استقل بها عرشك واسألك باسمائك التي وضعتها على النار فاستنارت

مستقل گشته بر آنها عرش تو و سوال میکنم از تو بنامهای تو که گذاشتی آنها را بر آتش پس روشن گردید



واسألك باسمائك التي وضعتها على الليل فاظلم واسألك

و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که گذاشتی آنها را بر شب پس تاریک شد و سوال میکنم از تو

باسمائك التي وضعتها على النهار فاضاء واسألك باسمائك

بنامهای تو که گذاشتی آنها را بر روز پس روشن شد و سوال میکنم از تو بنامهای تو

التي وضعتها على الارض فاستقرت واسألك باسمك الاحد

که گذاشتی آنها را بر زمین پس قرار گرفت و سوال میکنم از تو بنام تو که یگانه است

الصمد الذي ملأ اركان كل شيء واسألك باسمك الطهر

بی نیاز که پر کرده است ارکان هر چیزی را و سوال میکنم از تو بحرمت نام پاک

الطاهر المبارك الحي القيوم لا اله الا هو الرحمن الرحيم واسألك

پاکیزه و فیض [illegible] که زنده است [illegible] که نیست خدایی مگر او که بخشاینده مهربانست و سوال

بمعاقد العز من عرشك ومبلغ الرحمة من كتابك وباسمائك

[illegible] بجاهای عقد عزت از عرش تو و [illegible] از کتاب تو و بنامهای تو

العظام وجدك الاعلى وكلماتك التامات ان ترزقنا حفظ

که بزرگست و عظمت [illegible] تو و کلمات تو که تمام است [illegible] روزی کنی ما را حفظ و نگاهداشتن

القرآن واصناف العلم به والطاعة لك والعمل الصالح وان تثبت

قرآن و [illegible] و فرمان برداری مر ترا و کردار شایسته و آنکه ثابت کنی

ذلك في اسماعنا وابصارنا وان تخالط ذلك بلحمي ودمي ومخي وشحمي

آن را در گوشهای ما و چشمهای ما و آنکه بیامیزی آن را بگوشت من و خون من و مغز من

و پیه من

وان تستعمل بذلك بدني وقوتي فانه لا يقوى على ذلك الا

و بدینکه بکار داری بدین بدن مرا و قوت مرا پس بدرستیکه قدرت ندارد بر آن مگر

انت وحدك لا شريك لك يا الله الواحد الرب القديم يا الله

تو یگانه تو نیست شریکی مر ترا ای خدای یگانه پروردگار قدیم ای خدای

الخالق البارئ المصور يا الله الباعث الوارث يا الله الغا

آفریننده پدید آرنده نگارنده ای خدای برانگیزاننده میراث برنده ای خدای

العزيز العليم الحكيم يا الله الملك القادر المقتدر اغفر لي

غالب دانا صواب کار ای خدای پادشاه با اقتدار توانای بیامرز مرا

وارحمني انك انت قلت وقولك الحق ادعوني استجب لكم

و رحم کن مرا بدرستیکه تو گفته و گفتار تو راست است که بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را

فاسئلك يا الله باسمك الذي دعاك به آدم صلى الله عليه

پس سؤال میکنم ترا ای خدا بنام تو که خواند ترا بدان آدم رحمت فرستاد خدا بر او

فاوجبت له الجنة واسئلك باسمك الذي دعاك به شيث بن

پس واجب کردی برای او بهشت را و سؤال میکنم بحرمت نام تو که خواند ترا بدان شیث پسر

آدم فجعلته وصي ابيه بعده ان تستجيب لنا دعاءنا وان تر

آدم پس گردانیدی او را وصی پدرش بعد از او اینکه بپذیری دعای ما را و اینکه روزی دهی ما را

انفاذ كل وصية لاحد عندنا وان تقدم وصيتنا امامنا ولنا

جاری گردانیدن هر وصیتی که باشد برای کسی نزد ما و اینکه پیش داری وصیت ما را پیش روی ما

باسمك الذي



باسمك الذي دعاك به ادريس فرفعته مكانا عليا و

بنام تو که خواند ترا بدان ادریس پس بالا بردی او را بجای بلند و

ان ترفعنا الى احب البقاع اليك وتمن علينا بمرضاتك

اینکه بلند کنی ما را بسوی دوست‌ترین جایها بسوی تو و انعام کنی بما بخوشنودیهای خود

وتدخلنا الجنة برحمتك واسئلك باسمك الذي دعاك

و در آوری ما را در بهشت برحمت خود و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو که خواند

به نوح فنجيته من الغرق واهلكت القوم الظالمين ان

بدان نوح پس نجات دادی او را از غرق شدن و هلاک کردی گروه ظالمان را اینکه

تنجينا مما نحن فيه من البلاء واسئلك باسمك دعاك

نجات دهی ما را از آنچه ما در آنیم از بلا و تعب و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو که خواند ترا

به هود عليه السلام فنجيته من الريح العقيم ان تنجينا

بدان هود را او باد ... پس رهانیدی او را از باد بی نفع اینکه برهانی ما را

من بلاء الدنيا والآخرة وعذابهما واسئلك باسمك الذي

از بلای دنیا و آخرت و عذاب دو جهان و سؤال میکنم از تو بنام تو که

دعاك به صالح فنجيته من خزي يومئذ ان تنجينا من خزي

خواند ترا بدان صالح پس رهانیدی او را از رسوایی آن روز اینکه برهانی ما را از خواری

الدنيا والآخرة وعذابهما واسئلك باسمك الذي دعاك

دو جهان و عذاب دو جهان و سؤال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که خواند ترا

به لوط فنجيته من المؤتفكة والمطر السوء ان تنجينا من مخازي

بآن لوط پس رهانیدی او را از شهر باکر وهیدن و باران بد با اینکه برهانی ما را از خوارهای

الدنيا والآخرة واسألك باسمك الذي دعاك به شعيب

این جهان و آن جهان و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو که خواند ترا بآن شعیب

فنجيته من عذاب يوم الظلة ان تنجينا من العذاب الى

پس رهانیدی او را از عذاب روز جوازی اینکه برهانی ما را از عذاب بسوی

روحك ورحمتك واسألك باسمك الذي دعاك به

رحمت خود و بخشش خود و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو که خواند ترا بآن

ابراهيم فجعلت النار عليه بردا وسلاما ان تخلصنا كما

ابراهیم پس گردانیدی آتش را بر آن سرد و سلامت اینکه خلاص گردانی ما را چنانکه

خلصته وان تجعل ما نحن فيه بردا وسلاما كما جعلتها عليه

خلاصی دادی او را و اینکه بگردانی آنچه ما که در آنیم سرد و سالم چنانچه گردانیدی او را بآن

واسألك باسمك الذي دعاك به اسمعيل عند العطش

و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بآن اسمعیل نزد تشنگی

واخرجت من زمزم الماء الروي وان تجعل مخرجنا الى خير

و بیرون آوردی از چاه زمزم آب بسیار و اینکه بگردانی بیرون شدن ما را بسوی نیکی

وان ترزقنا المال الواسع برحمتك واسألك باسمك الذي

و اینکه روزی کنی ما را مال فراخ برحمت خود و سوال میکنم از تو بحرمت اسم تو که



دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وولده وقرة عينه ان

خواند ترا بآن یعقوب پس گردانیدی بر آن بینایی او را و فرزندش را و روشنی دیده او را اینکه

تخلصنا تجمع بيننا وبين اولادنا واهالينا واسألك باسمك

خلاصی کنی ما را و فراهم آوری میان ما و میان فرزندان ما و یاران ما و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو

الذي دعاك به يوسف فاخرجته من السجن ان تخرجنا من السجن

که خواند ترا بآن یوسف پس بیرون آوردی او را از زندان اینکه بیرون آری ما را از زندان

وتملكنا نعمتك التي انعمت بها علينا واسألك باسمك الذي

و بگردانی ما را مالک نعمتهای تو که انعام کردی بآن بر ما و سوال میکنم از تو به اسم تو که

دعاك به الاسباط فتبت عليهم وجعلتهم انبياء ان تتوب علينا

خواند ترا بآن فرزندان یعقوب پس پذیرفتی توبه ایشان را و گردانیدی ایشان را پیغمبران اینکه بپذیری

وترزقنا طاعتك وعبادتك والخلاص مما نحن فيه واسألك

و روزی کنی ما را فرمانبرداری خود و عبادت خود و خلاصی از آنچه ما در آنیم و سوال میکنم از تو

باسمك الذي دعاك به ايوب اذ نزل به البلاء فقال رب اني مسني

بنام تو که خواند ترا بآن ایوب چون نازل شد بآن بلا پس گفت پروردگارا رسید مرا

الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه ضره ورددت

رنج و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت کردی او را و کشودی از آن رنج او را و

عليه اهله ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى للعابدين اللهم اني اتوسل

بر او هم جنس او را و مثل ایشان را با ایشان بخشش از جانب خود و پندی مر پرستندگان را خداوندا بدرستی که من

كما قال ربّ انّي مسّني الضّرّ وانت ارحم الرّاحمين فاستجبت لنا وارحمنا

چنانکه گفت پروردگارا بمن رسیده است گزند و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت نمودی بما و رحم کن ما را

وخلّصنا وردّ علينا اهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا

و خلاص کن ما را و بر گردان بر ما اهل ما و مال ما را و مانند ایشان با ایشان بخشش از جانب خود و بگردان ما را

من العابدين لك واسألك باسمك الّذي دعاك به موسى وهرون فقلت

از پرستندگان تو و سؤال میکنم از تو باسم تو که خواند ترا بان موسی و هرون پس گفتی

عزّت من قائل قد اجيبت دعوتكما ان تستجيب دعاءنا وتنجّينا كما نجّيتهم

تو عالیی تو گوینده بتحقیق اجابت کرده شده دعای شما که اجابت کنی دعای ما و نجات دهی ما را چنانکه نجات دادی ایشان را

واسألك باسمك الّذي دعاك به داود فغفرت له ذنبه وتبت عليه

و سؤال میکنم از تو باسم تو که خواند ترا بان داود پس آمرزیدی گناه او را و قبول کردی توبه او

ان تغفر ذنوبي وتتوب عليّ انّك انت التوّاب الرّحيم واسألك باسمك

اینکه بیامرزی گناه مرا و قبول کنی توبه مرا بدرستی که تو توبه پذیرنده مهربانی و سؤال میکنم از تو بحرمت اسم تو

الّذي دعاك به سليمان فرددت عليه ملكه وامكنته من عدوّه

آن که خواند ترا بان نام سلیمان پس بر گردانیدی بر او ملک و پادشاهی او و دسترس دادی او را بر دشمن

وسخّرت له الجنّ والانس والطّير ان تخلّصنا من عدوّنا وتردّ علينا

و مسخر کردی برای او دیوان و آدمیان و مرغان اینکه خلاص بخشی ما را از دشمن ما و بگردانی بر ما

نعمتك وتستخرج لنا من ايديهم حقّنا وتخلّصنا منهم انّك على كلّ شيء

نعمت خود را و بیرون آوری برای ما از دستهای ایشان حق ما و خلاص کنی ما را از ایشان که تو بر همه چیز

قدیر



قديرٌ واسألك باسمك الّذي دعاك به الّذي عنده علم من الكتاب

توانایی و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آن که خواند ترا بان آنکه بود نزد او دانشی از کتاب

على عرش ملكة ان يحمل عليه فاذا هو مستقرّ عنده ان تحملنا من عامنا

بر تخت پادشاهی بلقیس که آورده شود بسوی او پس ناگاه آن پیش او قرار گرفت نزد او اینکه برسانی ما را از امسال

هذا الى بيتك الحرام حجّاجاً وزوّاراً لقبر نبيّك عليه وآله السّلام

این بسوی خانه محترم خود حج کنندگان و زیارت کنندگان قبر پیغمبر خود بر او و بر آل او درود

واسألك باسمك الّذي دعاك به يونس بن متّى في الظّلمات ان لا اله

و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آن که خواند ترا بان یونس پسر متی در تاریکیها که نیست خدایی

الّا انت سبحانك انّي كنت من الظّالمين فاستجبت له ونجّيته من

مگر تو پاکی تو بدرستی که من بودم از ستمکاران پس اجابت کردی او را و نجات دادی او را از

بطن الحوت ومن الغمّ فقلت عزّت من قائل وكذلك ننجي المؤمنين

شکم ماهی و از اندوه و گفتی عزیز است گوینده آن و همچنین نجات میدهیم گرویدگان را

فنشهد انّا مؤمنون ونقول كما قال لا اله الّا انت سبحانك انّي كنت

پس گواهی میدهیم که ما گروندگانیم و میگوییم چنانکه گفت نیست خدایی مگر تو پاکی تو بدرستی که من بودم

من الظّالمين فاستجب لنا ونجّنا من الغمّ في الدّنيا والآخرة كما نجّيته

از ستمکاران پس اجابت کن دعای ما را و برهان ما را از اندوه در دنیا و آخرت چنانکه نجات دادی او را

فی

ننجي المؤمنين واسألك باسمك الّذي دعاك به زكريّا وقال ربّ لا تذرني

نجات میدهیم گرویدگان را و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آن که خواند ترا بان زکریا و گفت پروردگارا

فردا وانت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له يحيى واصلحت
له زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك رغبا
ورهبا وكانوا لك خاشعين فاني اقول كما قال رب لا تذرني
فردا وانت خير الوارثين فاستجب لي واصلح لي شاني وجميع ما اهمني
به علي وخلصني مما انا فيه وهب لي كرامة الدنيا والاخرة واولادا
صالحين يرثوني واجعلنا ممن يدعوك رغبا ورهبا ومن الخاشعين
المطيعين لك واسالك باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته يوم
القيمة لم يعمل معصية والهمهم الينا ان تعصمني من اقتراف المعاصي
حتى نلقاك طاهرين ليس لك قبلنا معصية واسالك باسمك الذي



دعاك به مريم فنطق ولدها بحجتها ان توفقنا وتخلصنا بحجتنا
عندك وعند كل متكلم حتى تظهر حجتنا على ظالمينا واسالك
باسمك الذي دعاك به عيسى بن مريم فاحيى به الموتى وابرا الاكمه
والابرص ان تخلصنا وتبرئنا من كل سوء وافة والم وتحيينا حيوة
طيبة في الدنيا والاخرة وان ترزقنا العافية في ابداننا واسالك
باسمك الذي دعاك به الحواريون فاعنتهم حتى بلغوا عن عيسى
ما امرتهم به ونصرتهم فمنعتهم كيد الجبارين وتوليتهم ان تخلصنا
وتجعلنا من الدعاة الى طاعتك واسالك باسمك الذي دعاك
الى طاعتك واسالك باسمك الذي دعاك به جرجيس فرفعت عنه

الم العذاب ان ترفع عنا الم العذاب في الدنيا والآخرة وان لا تبتلينا

وان ابتليتنا فصبرنا والعافية احب الينا واسألك باسمك الذي

دعاك به الخضر حتى القيته ان تفرج عنا وتنصرنا على من ظلمنا

وتردنا الى مامنك واسألك باسمك الذي دعاك به حبيبك

محمد صلى الله عليه واله وجعلته سيد المرسلين وآية تمر بعلي

سيد الوصيين ان تصلي عليهما وعلى ذريتهما الطاهرين وان تقيلني

في هذا اليوم عثرتي وتغفر لي ما سلف من ذنوبي وخطاياي ولا تقلبني

من مقامي هذا الا بسعي مشكور وذنب مغفور وعمل مقبول ورحمة

ومغفرة ونعيم موصول بنعيم الآخرة برحمتك يا حنان يا منان يا ذا الجلال



اعمال ماه ربيع الثاني جمادي الاول وجمادي الثاني

والاكرام انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

**باب نهم** در اعمال ربيع الثاني وجمادي الاول وجمادي الثاني

و در آن سه فصل است **فصل اول** در اعمال ماه ربيع الثاني است و سيد ابن

طاوس روايت كرده است كه در روز اللهم انك اله كل شيء وخالق كل

اول ماه مستحب است كه اين دعا بخوانند

حي ووارث كل شيء اسألك بالعزة والقوة والغاية والمنتهى بما

خالقت به بين الانوار والظلمات والجنة والنار والدنيا والآخرة

وباعظم اسمائك في اللوح المحفوظ واتم اسمائك في التورية وبلا

واظهر اسمائك في الزبور عزا واجل اسمائك في الانجيل قدرا وارفع

اسمائك في القرآن ذكرا واعظم اسمائك في الكتب المنزلة وافضلها

واسنى اسمائك في نفسك الذي ليس كمثله شيء واسألك بالعزات و

وبالعرش العظيم وما حمل وبالكرسي الكريم وما وسع ان تصلي على محمد

و بحرمت عرش بزرگ و بهر چه برداشته و بحرمت کرسی بزرگوار و بهر چه فراگرفته است اینکه رحمت فرستی بر محمد

وال محمد وتبيح لي من عندك فرجا القريب العظيم الاعظم اللهم

و آل محمد و ظاهر کنی برای من از نزد خود گشایش نزدیک بزرگ بزرگتر بار خدایا

اتمم علي احسانك القديم الاكرم وتابع الي معروفك الدائم الا

تمام کن بر من احسان خود را که دیرینه است [illegible]

واغثني بوجهك الكريم الاكرم والحكيم الواحد لا اله الا هو

[illegible]

الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم

[illegible]

الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الارحام

[illegible]

كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا اله الا هو

[illegible]

والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

[illegible]

الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ومن اصدق من الله

[illegible]



ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء

[illegible]

فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك

[illegible]

لا اله الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول

[illegible]

الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو

[illegible]

يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله

[illegible]

وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا

[illegible]

لا اله الا هو سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل حسبي الله لا

[illegible]

اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه

[illegible]

قال امنت انه لا اله الا الذي امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين

[illegible]

قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ينزل الملائكة
بگو وی پروردگار منست نیست خدایی مگر او بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من فرو میفرستد فرشتگان را
بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا
با روح از امر خود بر هر که میخواهد از بندگان خود که اعلام کنید خلق را که نیست خدایی مگر
انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله
من پس بترسید مرا و اگر آشکارا کنی گفتار را پس او میداند پنهان و پنهانتر را خدا آنست که نیست خدایی
الا هو له الاسماء الحسنى وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني
مگر او مر او راست نامهای نیکو و من برگزیدم ترا پس گوش دار آنچه وحی کرده میشود بدرستیکه من
انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما الهكم الله
منم خدا نیست خدایی مگر من پس پرستش کن مرا و بپای دار نماز را برای یاد کردن من جز این نیست که خدای شما خدای
الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من
آنچنانست که نیست خدایی مگر او فرا گرفته هر چیز را از روی دانش و نفرستادیم از پیش از تو هیچ
رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون
پیغمبری مگر آنکه پیغام کردیم بسوی او اینکه نیست خدایی مگر من پس پرستید مرا و یاد کن خداوند ماهی را
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات
هنگامی که رفت خشمناک پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم بر وی پس خواند خدا را در تاریکیها
ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فتعالى الله
اینکه نیست خدایی مگر تو منزهی تو بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس برتر است خدا

الملك



الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم الله لا اله الا هو
پادشاه راست نیست خدایی مگر او پروردگار عرش بزرگوار خداست که نیست خدایی مگر او
رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى و
پروردگار عرش بزرگ و وی است خدا نیست خدایی مگر او مر او راست سپاس در این جهان
الاخرة وله الحكم واليه ترجعون ولا تدع مع الله الها آخر لا اله
و آنجهان و مر او راست حکومت و بسوی او باز گردانیده میشوید و مخوان با خدا معبودی دیگر نیست خدایی
الا هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون
مگر او هر چیزی در معرض فناست مگر ذات او مر او راست حکومت و بسوی او باز گردانیده میشوید
يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم
ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست غیر از خدا که روزی دهد شما را
من السماء والارض لا اله الا هو فانى تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك
از آسمان و زمین نیست خدایی مگر او پس از کجا دروغ میسازید این است خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی
لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب
نیست خدایی مگر او پس از کجا بگردانیده میشوید از حق آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت عقوبت
ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء
صاحب بخشش نیست خدایی مگر او بسوی اوست بازگشت این است خدا پروردگار شما آفریننده همه چیز
لا اله الا هو فانى تؤفكون ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين
نیست خدایی مگر او پس از کجا دروغ میسازید این است خدا پروردگار شما پس بزرگوار است خدا که پروردگار عالمیان

هو الحي لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب
اوست زنده که نیست خدای مگر او پس بخوانید او را خالص کردگان مر او را عبادت ستایش مر خدای را پروردگار
العالمين رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين
جهانیان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید یقین دارندگان
لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فاني لهم
نیست خدای مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان پس از کجا باشد
اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك
چون بیاید بدیشان پند ایشان پس بدان که نیست خدا مگر خدا و طلب آمرزش کن برای گناه
وللمؤمنين والمؤمنات هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و
و از برای مردان گرونده و زنان گرونده اوست خدا آنکه نیست خدائی مگر او داننده پنهان
الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس
و آشکارا و اوست بخشاینده مهربان و اوست خدا آنکه نیست خدائی مگر او پادشاه پاک از عیب
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
بی عیب ایمنی بخشنده نگهبان غالب خداوند عظمت و بزرگواری پاکست خدا از آنچه انباز گیرند
الله لا اله الا هو العزيز الحكيم وعلى الله فليتوكل المؤمنون
خداست که نیست خدائی مگر او که غالب درست کردار است و بر خداست که توکل کنند گروندگان
اللهم اني اسألك عفوا ليس بعده عقوبة ورضى ليس بعده
خداوندا بدرستی که من سوال کنم از تو درگذشتی که نباشد بعد از آن عقوبتی و خشنودی که نباشد بعد از آن



سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة ليس بعدها شقاء
خشمی و سلامتی که نباشد بعد از آن بلائی و نیکبختی که نباشد بعد از آن بدبختی
وهدى لا يكون بعده ضلالة وايمانا لا يداخله كفر وقلبا لا
و راه راستی که نباشد بعد از آن گمراهی و ایمانی که داخل نشود او را کفری و دلی که در
يداخله فتنة اللهم اني اسألك السعة في القبر والحجة البالغة
نیاید او را فتنه خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو گشادگی در قبر و حجت کامل رسا
والقول الثابت وان تنزل علي الامان والفرج والسرور ونضرة
و گفتار حق و اینکه فرود فرستی بر من ایمنی و شادی و خرمی و تازگی
النعيم اللهم صل على محمد وآل محمد وعرفني بركة هذا الشهر
نعمت خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این ماه
ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من الفائزين
و میمنت آن و روزی کن نیکی آن و بگردان از من شر آن را و بگردان مرا در آن از رستگاران
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير فهب لي شوقا
برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا تویی بخشاینده نیکی پس ببخش برای من آرزو
الى لقائك واشفاقا من عذابك وحياء منك وتوقيرا واجلالا
بسوی ملاقات تو و ترسیدن از عذاب تو و شرم داشتن از تو و بزرگ داشتن تو و بزرگ
حتى توجل من ذلك قلبي وتقشعر منه جلدي وتتجافى له جنبي
تا آنکه بترسد از آن دل من و بلرزد از آن پوست من و دور گردد از آن پهلوی من

وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري
وباشک ريزان ديده من وخالی نباشم از ياد تو در شب خود و روز خود
يا ارحم الراحمين اللهم اني اثني عليك وما عسى ان يبلغ
ای بخشنده ترين بخشايندگان خداوندا بدرستی که من ستايش ميکنم بر تو و شايد که برسد ستايش من
وثنائي مع قلة عملي وقصر رأيي وانت الخالق وانا المخلوق
وثنای من با کمی کردار من و کوتاهی انديشه من و تو خلق کننده و من خلق شده ام
وانت المالك وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت
و توی خداوند و منم مملوک و توی پروردگار من و منم بنده و توی
العزيز وانا الذليل وانت القوي وانا الضعيف وانت
ارجمند و منم خوار و توی توانا و منم ناتوان و توی
الغني وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت الحي
بی نياز و منم نيازمند و توی بخشنده و منم سوال کننده و توی زنده
الذي لا تموت وانا خلق اموت فاغفر لي وارحمني واعطني سؤلي
که نميری و منم آفريده که ميميرم پس بيامرز مرا و رحم کن مرا و عطا کن مرا سوال مرا
في دنياي وآخرتي وتجاوز عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات
در دنيای من و آخرت من و درگذر از من و از همه مردان گرونده و زنان گرونده
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات اللهم صل على
و مردان مسلم و زنان مسلم زندگان از ايشان و مردگان خداوندا رحمت فرست



محمد عبدك ورسولك ونبيك وصفيك وخيرتك من خلقك
محمد بنده تو و فرستاده تو و نبی تو و برگزيده تو و اختيار کرده شده از خلق تو
اللهم ارفع درجته وكرم مقامه واجزل ثوابه وابلج حجته و
خداوندا بلند کن درجه او را و گرامی دار مقام او را و وافر کن ثواب او را و غالب کن حجت او را
اظهر عذره وعظم نوره وادم كرامته والحق به امته وذريته
ظاهر کن عذر او را و بزرگ گردان روشنائی او را و دائم گردان بزرگی او را و برسان بوی امت او و فرزندان او
واقر بذلك عينه اللهم اجعل محمدا اكرم النبيين تبعا و
و روشن کن بدان ديده او را خداوندا بگردان محمد را بزرگوارترين پيغمبران به تبع و
اعظمهم منزلة واشرفهم كرامة واعلاهم درجة
بزرگترين ايشان در منزلت و گرامی ترين ايشان در بزرگی و بلندترين ايشان در درجه
وافسحهم في الجنة منزلا اللهم بلغ محمدا الدرجة الوسيلة وشرف
و کشاده ترين ايشان در بهشت در منزلت خداوندا برسان محمد را درجه وسيله و بزرگ گردان
بنيانه وعظم نوره وبرهانه وتقبل شفاعته في امته وتقبل
بنای او را و بزرگ گردان روشنائی او را و حجت او را و قبول کن شفاعت او را در امتش و قبول کن
صلوة امته عليه اللهم صل على محمد كما بلغ رسالاتك وتلا آياتك
درود امت او را بر او خداوندا رحمت کن بر محمد چنانچه رسانيد پيغامهای ترا و خواند آيتهای ترا
ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك حتى اتاه اليقين اللهم زد محمدا
و پند داد مر بندگان ترا و جهاد کرد در راه تو تا آنکه آمد او را مرگ خداوندا زياده کن محمد را

مع كل شرف شرفا ومع كل فضيلة فضيلا ومع كل كرامة كرامة ومع كل سعادة
با هر شرافتی شرافت و با هر فضیلتی مرتبه و با هر کرامتی کرامت و نوازش و با هر سعادتی
سعادة حتى تجعل محمدا في الشرف الاعلا من الدرجات العلى اللهم
سعادتی و تا آنکه گردانی محمد را در مرتبه بلندتر از مرتبهای بلند خداوندا
صل على محمد وآل محمد وسهل لي محبتي وبلغني امنيتي ووسع علي
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آسان کن برای من آنچه دوست دارم و برسان مرا بآرزوی خود و فراخ کن بر من
في رزقي واقض عني ديني وفرج عني غمي وهمي وكربي ويسر لي ارادتي
در رزق من و ادا کن از من دین مرا و گشاده کن از من غم مرا و هم مرا و اندوه مرا و آسان کن برای من آنچه اراده دارم
واوصلني الى بغيتي سريعا عاجلا يا ارحم الراحمين و شیخ مفید گفته است که
و برسان مرا بسوی مطلب من زود بشتاب ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
در روز دهم ماه ربیع الآخر
سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی حضرت امام حسن عسکری ع متولد شده
و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحب است که بشکرانه این نعمت عظمی روزه
بدارند مؤلف گوید که زیارت آنحضرت و سایر اعمال نیز در این روز بارکت مناسب
فصل دویم در اعمال ماه جمادی الاولی سید بن طاوس از بعضی از کتب معتبره نقل کرده است
که روز اول این ماه مستحب اللهم انت الله وانت الرحمن الرحيم وانت الملك
است که این دعا بخوانند خداوندا توئی خدا و توئی بخشاینده مهربان و توئی پادشاه
القدوس وانت السلام المؤمن وانت المهيمن وانت العزيز وانت الجبار وانت
پاکیزه و توئی سالم از نقصها ایمنی دهنده و نگهبان خلایق و توئی غالب و توئی کار فرمای جبر

اعمال
ماه جمادی الاولی
دعای روز اول
ایضا



المتكبر وانت الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزيز الحكيم
بزرگوار و توئی آفریننده و توئی پدید آورنده و توئی نگارنده صورت و توئی غالب درست کردار
وانت الاول والآخر والظاهر والباطن لك الاسماء الحسنى اسألك
و توئی اول و توئی آخر و توئی آشکار و توئی پنهان مر تراست نامهای نیک سؤال میکنم از تو
يا رب بحق هذه الاسماء وبحق اسمائك كلها ان تصلي على محمد وآل محمد
ای پروردگار من بحق این نامها و بحق نامهای تو همه آنها که درود فرستی بر محمد و آل محمد
وآتنا اللهم في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة واختم لنا بالسعادة والشهادة
و بده ما را خداوندا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کن برای ما بنیکبختی و شهید شدن
في سبيلك وعرفنا بركة شهرنا هذا ويمنه وارزقنا خيره واصرف عنا شره
در راه تو و بشناسان ما را برکت این ماه و میمنت آن و روزی کن ما را نیکی آن و بگردان از ما بدی آن
واجعلنا فيه من الفائزين وقنا برحمتك عذاب النار يا ارحم الراحمين
و بگردان ما را در این ماه از رستگاران و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
پس از آن آیات الحمد لله رب العالمين الحمد لله الذي خلق السموات و
بخوانند سپاس مر خدا را پروردگار عالمیان سپاس مر خدا را که آفرید آسمانها و
الارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو
زمین را و گردانید تاریکیها و روشنائی را پس آنانکه کافر شدند بپروردگار خود عدول میکنند او
الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون
آنکه آفرید شما را از گل پس مقرر کرد مدتی و مدت معینی نزد خود پس شما شک میکنید

وهو الله في السموات وفي الارض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون

و اوست خدا در آسمانها و اندر زمین میداند راز شما و آشکار شما را و میداند آنچه کسب میکنید

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما لينذر

سپاس مر خدای را که فرو فرستاد بر بنده خود کتاب و نگردانید مر او را هیچ کجی راست تا بیم کند

بأسا شديدا من لدنه الحمد لله الذي له ما في السموات وما في

از عذاب سخت ... سپاس مر خدای راست که مر او راست آنچه اندر آسمانها و آنچه

الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله فاطر

زمین است و مر او راست سپاس در آن جهان و اوست درست کردار آگاه سپاس مر خدای را پدید آرنده

السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى

آسمانها و زمین کننده فرشتگان رسولان صاحبان بالهای دو دو

وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ما يفتح

و سه سه و چهار چهار می‌افزاید در آفرینش آنچه خواهد هر آینه که خدا بر هر چیزی تواناست آنچه بگشاید

الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده

خدا مر مردمان را از بخشایش پس نیست بازدارنده مر او را و آنچه باز دارد پس نیست فرستنده مر آن را

وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي

و اوست غالب درست کردار سپاس مر خدای را که راه نمود ما را بدین جا و نبودیم که راه یابیم

لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله الذي

اگر نبودی که راه نمودی ما را خدا به حقیقت آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی سپاس مر خدای را که



وهب لي على الكبر اسمعيل واسحق ان ربي لسميع الدعاء الحمد

و بخشید مر مرا در حال پیری اسمعیل و اسحق را هر آینه که پروردگار من شنونده خواندن است سپاس مر خدای را

لله بل اكثرهم لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من القوم

سپاس بلکه بیشتر ایشان نمیدانند سپاس مر خدای را که رهانید ما را از گروه

الظالمين الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين

ستمکاران سپاس مر خدای را که افزونی داد ما را بر بسیاری از بندگان گروندگان خویش

الحمد لله سيريكم آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون

سپاس مر خدای را زود باشد بنماید شما را نشانهای قدرت خویش بشناسید آن را و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه میکنید

الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الحمد لله

سپاس مر خدای را که برد از ما اندوه را هر آینه که پروردگار ما آمرزگار است حق‌گذار سپاس مر

الذي صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوأ من الجنة حيث نشاء

خدای را که راست کرد با ما وعده خود را و میراث داد ما را زمین و جای گیریم از بهشت هر جا که خواهیم

فنعم اجر العاملين وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون

پس نیکا مزد کارکنندگان و می‌بینی فرشتگان را گرد آمدگان گرداگرد عرش تسبیح می‌گویند

بحمد ربهم وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين

ستایش پروردگار خود و حکم کرده شود در میان ایشان براستی و گفته شود سپاس پروردگار عالمیان

فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمين وله

پس مر خدای راست سپاس پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار جهانیان و مر او راست

الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الحمد لله

بزرگواری در آسمانها و زمین و وی است غالب درست کردار سپاس مر خدای را

الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له

آنکه فرا نگرفته فرزندی و نیست مر او را انباز در پادشاهی و نیست مر او را

ولي من الذل وكبره تكبيرا اللهم اغفر لي ما سلف من ذنوبي

دوستی از خواری و بزرگ دان او را بزرگ دانستنی خدایا بیامرز برای من آنچه گذشته از گناهان من

وتداركني فيما بقي من عمري وتضعضع للذي خلقني له وحبب

و تدارک کن مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و ... برای آنچه آفریدی مرا برای او و دوست گردان

الي الايمان وزينه في قلبي وقد دعوتك كما امرتني فاستجب

سوی من ایمان را و آرایش ده آن را در دل من و بتحقیق خواندم ترا چنانکه امر کردی مرا پس بپذیر

لي كما وعدتني اللهم اصبحت لك لا استطيع دفع ما اكره ولا

برای من چنانکه وعده کردی مرا خداوندا صبح کردم برای تو بنده که قدرت ندارم بر دفع آنچه ناخوش دارم و

املك ما ارجو واصبحت مرتهنا بعملي فلا فقير افقر مني اليك

مالک نیستم آنچه را امید دارم و صبح کردم مرهون بکردار خود پس نیست محتاجی محتاج‌تر از من سوی تو

يا رب العالمين اسالك ان تشغلني عمن استيقن حضور

ای پروردگار عالمیان سوال میکنم از تو آنکه مشغول گردانی مرا از آنکه یقین داشتند حاضر شدن

اجله لاعمل من قدمات فراى عمله ونظر الى ثواب عمله انك على

اجل خود را بکار آنکه بتحقیق مرده پس بیند کردار خود و نگریسته سوی ثواب کردار خود بدرستی که تو بر

كل شيء



كل شيء قدير اللهم هذا مكان العائذ برحمتك من عذابك

همه چیز توانایی خداوندا این جای کسی است که پناه گرفته بعفو و درگذشتن تو از عذاب تو

وهذا مكان العائذ بمعافاتك من غضبك اللهم اجعلني ممن

و این مکان کسی است که پناه گرفته بعفو و درگذشتن تو از غضب تو خداوندا بگردان مرا از آنکه

دعاك فاجبته وسالك فاعطيته وامن بك فهديته وتوكل

خواند ترا پس جواب کردی او را و سوال کرد ترا پس عطا کردی او را و ایمان آورد بتو پس هدایت کردی او را

عليك فكفيته وتقرب اليك فاغنيته واستغفرك فغفرت له و

توکل کرد بر تو پس کفایت کردی او را و نزدیکی جست سوی تو پس بی‌نیاز کردی او را و طلب آمرزش کرد از تو پس آمرزیدی او را

رضيت عنه فارضيته وهديته الى مرضاتك واستعملته بما

و خشنود شدی از وی پس خشنود ساختی او را و هدایت کردی او را سوی خشنودی خود و بکار داشتی او را

ولذلك فرغته ابدا ما احييته فتب علي يا رب واعطني سؤلي

و برای آن فارغ کردی او را مادام که زنده داشتی او را پس بپذیر توبه من ای پروردگار و عطا کن مرا

ولا تحرمني شيئا مما سالتك واكفني شر ما يعمل الظالمون في

و نا امید مکن مرا از هیچ چیز از آنچه سوال کردم از تو و دفع کن از من شر آنچه میکنند ستمکاران در

الارض واستغفر الله الذي لا اله الا هو الذي لا يغفر الذنوب

زمین و آمرزش میطلبم از خدایی که نیست خدایی بجز او آنکه نمی‌آمرزد گناهان را

الا هو اللهم صل على محمد وال محمد واعني على الدنيا وارزقني

مگر او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر دنیا و روزی کن مرا

خيرها وكرّه إليّ الكفر والفسوق والعصيان واجعلني من الراشدين

بهتران و ناخوش گردان بسوی من کفر و بدکرداری و نافرمانی را و بگردان مرا از راه یافتگان

اللهم قوّني لعبادتك واستعملني في طاعتك وبلّغني الذي

خداوندا توانا کن مرا برای عبادت خود و کار دار مرا در فرمان برداری خود و برسان مرا آنچه که امید

أرجو من رحمتك يا أرحم الراحمين اللهم إني أسألك الرضى

می دارم از رحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو

القضاء والنجاة يوم الفزع الأكبر والفوز يوم الحساب والأمن

رستگاری روز ترس بزرگ و فیروزی روز حساب و ایمنی

يوم الخوف وأسألك النظر إلى وجهك الكريم والخلود في

روز ترس و سؤال میکنم از تو نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و در آمدن در

جنتك في دار المقامة من فضلك والسجود يوم يكشف عن ساق

بهشت تو در سرای اقامت از فضل تو و سجده کردن در روزی که

والظل يوم لا ظل إلا ظلك ومرافقة أنبيائك ورسلك وأوليائك

و سایه روزی که نباشد سایه مگر سایه تو و رفاقت کردن پیغمبران تو و رسولان تو و دوستان تو

اللهم اغفر لي ما قدّمت من ذنوبي وما أخّرت وما أسررت وما

خداوندا بیامرز برای من آنچه که پیش فرستادم از گناهان و آنچه پس داشتم و آنچه پنهان کردم و آنچه

أعلنت وما أسرفت على نفسي وما أنت أعلم به مني وارزقني التقى

آشکار کردم و آنچه تعدی کردم بر نفس خود و آنچه تو داناتری به آن از من و روزی کن مرا پرهیزکاری

والهدى



والهدى والعفاف والغنى ووفقني للعمل بما تحب وترضى

و راه یافتن و عفت و بی نیازی و توفیق ده مرا برای عمل به آنچه دوست میداری و خوشنود میشوی

اللهم أصلح لي ديني الذي هو عصمة أمري وأصلح لي آخرتي التي

خداوندا اصلاح آور برای من دین مرا که آن نگاه دارنده امر من است و اصلاح آور برای من آخرت مرا که

إليها منقلبي واجعل الحياة زيادة لي في كل خير واجعل الموت

بسوی وی است بازگشتن من و بگردان زندگانی را زیادتی برای من در هر نیکی و بگردان مرگ را

راحة لي من كل سوء اللهم إني أسألك يا رب الأرباب يا سيد

راحت برای من از هر بدی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو ای پروردگار پروردگاران ای بزرگ

السادات يا مالك الملوك أن ترحمني وتستجيب لي وتصلحني

بزرگان ای پادشاه پادشاهان اینکه رحم کنی مرا و اجابت کنی مرا و بسامان آوری کار مرا

فإنه لا يصلح من صلح من عبادك إلا أنت فإنك أنت ربي و

پس بدرستی که بسامان نیاورد کسی را که بسامان آورد از بندگان تو مگر تو پس بدرستی که تو پروردگار منی و

ثقتي ورجائي ومولاي وملجأي ولا راحم لي غيرك مغيث لي

و اعتماد منی و امید منی و آقای منی و پناه منی و نیست بخشنده مرا غیر از تو فریادرسی

سواك ولا مالك سواك ولا مجيب إلا أنت أنا عبدك وابن عبدك

سوای تو و نیست مالکی غیر تو و نیست اجابت کننده مگر تو من بنده توام و پسر بنده توام

وابن أمتك الخاطئ الذي وسعته رحمتك وأنت العالم بحالي

و پسر کنیز توام آن بنده که خطا کرده و فرا گرفته او را رحمت تو و تو دانا به حال من

وأصلح لي دنياي التي فيها معاشي

و اصلاح آور برای من دنیای مرا که در آن است زندگانی من

وحاجتي وكثرة ذنوبي والمطلع على اموري كلها فاسألك يا الله
و حاجت من و بسیاری گناهان من و مطلع بر کارهای من همه آن پس سوال میکنم از تو ای خدا
الا انت ان تغفر لي ما تقدم من ذنبي وما تأخر اللهم لا تدع لي
مگر تو که بیامرزی برای من آنچه پیش گذشته از گناهان من و آنچه پس مانده خداوندا وامگذار برای من
ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة الا هي لك رضى
گناهی مگر که بیامرزی آن را و نه اندوهی مگر که گشایش کنی آن را و نه حاجتی که باشد آن مر ترا پسندیده
الا قضيتها ولا عيبا الا اصلحته اللهم وآتنا في الدنيا حسنة
مگر که روا کنی آن را و نه عیبی مگر که اصلاح آوری آن را خداوندا و بده ما را در دنیا نیکی
وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار اللهم اعف عني
و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش خداوندا نگاه دار مرا از
اهوال الدنيا وبوائق الدهور ومصيبات الليالي والايام
شدتهای دنیا و حوادث روزگار و مکروهاتی که میرسد در شبها و روزها
اللهم واحرسني من شر ما يعمل الظالمون في الارض فانه لا حول ولا
خداوندا نگاه دار مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین زیرا که نیست گردیدن و نه توانایی
قوة الا بك اللهم اني اسألك ايمانا ثابتا وعملا متقبلا ودعاء مستجابا
و قوت مگر بتو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو ایمانی ثابت و کرداری مقبول و دعائی پذیرفته
ويقينا صادقا وقولا طيبا وقلبا شاكرا وبدنا صابرا ولسانا ذاكرا
و یقینی راست و گفتاری پاکیزه و دلی سپاسگزار و تنی شکیبا و زبانی ذکر کننده

اللهم انی



اللهم انزع حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي
خداوندا برکن دوستی دنیا و نافرمانیهای آن را و یاد آن را و خواهش آن را از دل من
اللهم انك بكرمك تشكر اليسير من عملي فاعف لي الكثير من ذنوبي
خداوندا بدرستی که تو بکرم تو جزا میدهی عمل اندک را از کردار من پس عفو کن برای من بسیاری گناهان را
وكن لي وليا ونصيرا ومنيعا وحافظا اللهم هب لي قلبا اشد رهبة
و باش برای من دوست و یاور و بازدارنده و نگاه دارنده خداوندا ببخش برای من دلی سخت ترسنده
لك من قلبي ولسانا ادوم لك ذكرا من لساني وجسما اقوى على طاعتك
برای تو از دل من و زبانی همیشه تر برای تو از روی یاد کردن از زبان من و تنی تواناتر بر طاعت تو
وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك ومن فجاة
و بندگی تو از تن من خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از زایل شدن نعمت تو و ناگاه آمدن
نقمتك ومن تحول عافيتك ومن حلول غضبك واعوذ بك من
غضب تو و از گردیدن عافیت تو و از فرود آمدن غضب تو و پناه میبرم بتو از
جهد البلاء ودرك الشقاء ومن شماتة الاعداء وسوء القضاء
سختی بلا و دریافت بدبختی و از شادی دشمنان و از بدی حکم
في الدنيا والآخرة اللهم اني اسألك باسمك الكريم وعرشك العظيم
در دنیا و در آخرت خداوندا بدرستی که سوال میکنم از تو بنام کریم تو و بحرمت عرش بزرگ تو
وملكك القديم يا وهاب العطايا ويا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب
و پادشاهی تو که همیشه است ای بخشنده عطاها و ای خلاصی دهنده گرفتاران ای آزاد کننده گردنها

وَيَا كَاشِفَ الْعَذَابِ اَسْأَلُكَ اَنْ تُنَجِّيَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا غَانِمًا
و ای برطرف کننده عذاب سؤال می کنم از تو آنکه برهانی مرا از دنیا بسلامت و غنیمت یافته
وَاَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ اٰمِنًا وَاَنْ تَجْعَلَ اَوَّلَ شَهْرِي هٰذَا
و آنکه داخل کنی مرا در بهشت برحمت خود ایمن و آنکه بگردانی اول ماه مرا این ماه
صَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَاٰخِرَهُ نَجَاحًا اِنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ مؤلف
شایستگی و میانش را فیروزی و آخرش را رستگاری که تو دانای عیبهائی گوید
که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت فاطمه
صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسول زنده بود
پس بنابر مشهور که وفات رسول در بیست و هشتم ماه صفر باید که وفات
حضرت فاطمه در سیزدهم و چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاول باشد پس
زیارت آنحضرت در این ایام مناسب است خصوصا در چهاردهم که ظاهر است
و شیخ مفید گفته است که در شب پانزدهم این ماه حضرت امام زین العابدین متولد شده است
و در روز شنبه غیبت و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادت و تصدق
بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای امیر المؤمنین نیز در این روز
میسر شد مؤلف گوید که زیارت هر دو امام علیهما السلام در این روز مناسب است
اگر زیارت جامعه در این قسم ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله
تعالی بهتر است فصل دوم در اعمال ماه جمادی الثانی است سید بن طاوس روایت
کرده است که در این ماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز

اعمال ماه جمادی الثانی



یعنی بد و سلام و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی و پنج
و بیست و پنجمرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و
پنجمرتبه قل هو الله و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنجمرتبه
قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنجمرتبه
قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ و هفتاد مرتبه اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید یَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْاِكْرَامِ يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس هر حاجت که
دارد طلب نماید هر که چنین کند خدا خود و مال و زن و فرزندان
او را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد بشهادت میرد
یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب
دلایل الامامه بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که وفات با سعادت
حضرت فاطمه در بیستم ماه جمادی الثانی واقع شد و شهادت آنحضرت
در سیم ماه نیز واقع شد و شیخ طوسی و سید بن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند و گویا
وفات منافی روایتی که سابقا ذکر شد اما چون مشهور است و روایت معتبر
دارد باید که در روز سیم بمراسم تعزیه آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت
بکنند و لعن بسیار بر قاتلان آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر و عمر و منقذ

قلام عمر و در روز بیستم باز آنحضرت را زیارت کنند و چنانچه شیخ کفعمی
گفته است که اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات
و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه
سید بن طاوس روایت کرده است که هرکه السلام علیک یا سیدة نساء
آنحضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید درود بر تو ای خاتون زنان
العالمین السلام علیک یا والدة الحجج علی الناس اجمعین السلام علیک
جهانیان درود بر تو ای مادر حجتها بر همه مردمان درود بر تو
ایتها المظلومة الممنوعة حقها پس اللهم صل علی امتک و ابنة نبیک
ای ستمدیده منع کرده شده از حق خود بگوید خداوندا رحمت فرست بر کنیز خود و دختر پیغمبر خود
و زوجة وصی نبیک صلوة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین من اهل
و زن وصی پیغمبر خود رحمتی که نزدیک گرداند او را بالای نزدیکی بندگان گرامی تو از اهل
السموات و الارضین پس طلب آمرزش کنند حق تعالی که گناهان او را بیامرزد
آسمانها و اهل زمینها و او را داخل بهشت گرداند و این زیارت مختصر معتبر است
و در همه وقت میتوان کرد دوم زیارت مبسوطیست که علما ذکر کرده اند در کتب
زیارات و سندش بنظر حقیر السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک
نرسیده و آن زیارت اینست درود بر تو ای دختر رسول خدا درود بر تو
یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک یا بنت خلیل
ای دختر پیغمبر خدا درود بر تو ای دختر دوست خدا درود بر تو ای دختر صدیق

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام روز بیستم ایضاً

زیارت مبسوطه آنحضرت ع



الله السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت خلیل
خدا درود بر تو ای دختر پیغمبر دوست خدا درود بر تو ای دختر صدیق
الله السلام علیک یا بنت صفی الله السلام علیک یا بنت امین الله
خدا درود بر تو ای دختر برگزیده خدا درود بر تو ای دختر امانت دار خدا
السلام علیک یا بنت خیر خلق الله السلام علیک یا بنت افضل انبیاء
درود بر تو ای دختر بهترین خلق خدا درود بر تو ای دختر بهترین پیغمبران
الله السلام علیک یا بنت خیر البریة السلام علیک یا سیدة نساء
خدا درود بر تو ای دختر بهترین خلایق درود بر تو ای خاتون زنان
العالمین من الاولین و الآخرین السلام علیک یا زوجة ولی الله
جهانیان از پیشینیان و پسینیان درود بر تو ای زن دوست خدا
و خیر خلقه بعد رسول الله السلام علیک یا ام الحسن و الحسین
و بهترین خلق او بعد از رسول خدا درود بر تو ای مادر حسن و حسین
سیدی شباب اهل الجنة السلام علیک یا ام المؤمنین السلام علیک
دو بزرگ جوانان اهل بهشت درود بر تو ای مادر مؤمنان درود بر تو
ایتها الصدیقة الشهیدة السلام علیک ایتها الرضیة المرضیة السلام
ای بسیار راستگوی شهیده درود بر تو ای پسندیده و پسندیده شده درود
علیک ایتها الصادقة الرشیدة السلام علیک ایتها الفاضلة الزکیة
بر تو ای راستگوی رشیده درود بر تو ای صاحب فضل زکیه پاکیزه

السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْحَوْراءُ الْاِنْسِيَّةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ
درود بر تو ای حوری شمائل آدمی صفت درود بر تو ای پرهیزکار
النَّقِيَّةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ السَّلامُ عَلَيْكِ
پاک درود بر تو ای گناه ناکرده ستم رسیده درود بر تو
اَيَّتُهَا الطّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ
ای پاک پاک گردیده درود بر تو ای غلبه کرده شده حق رسیده
السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْغَرّاءُ الزَّهْراءُ السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ
درود بر تو ای پیشانی سفید درخشنده درود بر تو ای فاطمه
بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ يا مولاتی
دختر محمد رسول خدا و رحمتهای خدا و برکتهای او رحمت فرستاد خدا بر تو ای
وَابْنَةَ مَوْلايَ وَعَلى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ اَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلى
و دختر آقای من و بر جان تو و بدن تو گواهی میدهم که تو گذشتی بر
بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكِ وَاَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ جَفاكِ
حجت روشن از پروردگار تو و بتحقیق هر که شاد کرد ترا بتحقیق شاد کرد پیغمبر را و هر که جفا کرد
فَقَدْ جَفا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذاكِ فَقَدْ آذى
بر تو بتحقیق جفا کرده رسول خدا را رحمت فرستاد خدا بر او و آل او و هر که ایذا کرد ترا بتحقیق ایذا کرد
رَسُولَ اللهِ وَمَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ
پیغمبر خدا را و هر که پیوسته شد بتو بتحقیق پیوسته شد بپیغمبر خدا و هر که برید از تو بتحقیق



قَطَعَ رَسُولَ اللهِ لِاَنَّكِ بِضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَما
برید از رسول خدا بتحقیق تو جزء بدنی از او و جان اوئی آنچنانی که میان پهلوی او است چنانچه
قالَ عَلَيْهِ اَفْضَلُ الصَّلَواةِ وَاَكْمَلُ السَّلامِ اُشْهِدُ اللهَ وَمَلائِكَتَهُ
گفت بر او بهترین درودها و تمامترین سلامها گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او را
اَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاكِ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكِ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكِ اَنَا
که من دوستم آنرا که دوست است ترا و دشمنم آنرا که دشمن است ترا و جنگم مر آنرا که جنگ کند ترا من
يا مَوْلاتي بِكِ وَبِاَبيكِ وَبَعْلِكِ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكِ مُوقِنٌ وَبِوِلايَتِهِمْ
ای خاتون من بتو و پدر تو و شوهر تو و پیشوایان از فرزندان تو یقین دارنده‌ام و بدوستی
مُؤْمِنٌ وَلِطاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ اَشْهَدُ اَنَّ الدّينَ دينُهُمْ وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ
گرونده‌ام و فرمانبرداری ایشان را بخود لازم کرده‌ام گواهی میدهم که دین دین ایشانست و حکم حکم ایشانست
وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَدَعَوْا اِلى سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
و ایشان بتحقیق رسانیدند از جانب خدا غالب بزرگوار و خواندند بسوی راه او بدلایل محکم و پند
الْحَسَنَةِ وَلا تَأْخُذُهُمْ فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ وَصَلَواتُ اللهِ عَلَيْكِ وَ
نیکو و فرا نمیگیرد ایشان را در راه خدا ملامت ملامت کننده و رحمت فرستاد خدا بر تو و
عَلى اَبيكِ وَبَعْلِكِ وَذُرِّيَّتِكِ الْاَئِمَّةِ الطّاهِرينَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
بر پدر تو و شوهر تو و فرزندان تو پیشوایان پاکیزه خداوندا رحمت فرست بر محمد
وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطّاهِرَةِ الصِّدّيقَةِ الْمَعْصُومَةِ
و اهل بیت او و رحمت فرست بر بریده از دنیا پاک بغایت راستگوی بی گناه شده

التقية النقية الرضية الزكية الرشيدة المظلومة المقهورة

پرهیزکار پاکیزه پسندیده پاک راه یافته ستم رسیده غلبه کرده شده

المغصوب حقها الممنوع ارثها المكسور ضلعها المظلوم بعلها

که غصب شده حق ان منع شده میراث ان شکسته شده پهلوی ان ستم رسیده شوهر ان

المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة لحمه وصميم قلبه و

کشته شده فرزند ان فاطمه دختر رسول خود و پاره گوشت او و خلاصه دل او و

فلذة كبده والنخبة منك له والتحفة خصصت بها وصيه و

وقطعه جگر او و انتخاب کرده شده تو برای او و تحفه که مخصوص گردانیدی بان وصی خود را و

حبيبة المصطفى وقرينة المرتضى وسيدة النساء ومبشرة

دوست برگزیده خود او همتای پسندیده خود و بزرگ زنان و مژده دهنده

الاولياء حليفة الورع والزهد وتفاحة الفردوس والخلد التي

دوستان او همنشین پرهیزکاری و زهد و سیب بوستان بهشت جاوید که

شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت منها انوار الائمة وارخيت

شریف گردانیدی جایگاه او را به زنان بهشت و بیرون آوردی از ان نورهای پیشوایان را و فرو هشتی

دونها حجاب النبوة اللهم صل عليها صلوة تزيد في محلها عندك

در پیش او پرده نبوت را خداوندا رحمت فرست بر او رحمتی که بیفزاید در مرتبه نزد تو

وشرفها لديك ومنزلتها من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما واتنا

و شرافت او نزد تو و منزلت ان از خوشنودی تو و برسان او را از ما درود و سلامی و بده ما را





من لدنك في حبها فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو

از نزد خود در دوستی او بخشش و نیکویی و بخشش و آمرزش بدرستی که تو خداوند

الكريم وفي بيان طاوس ... گفته است پس نماز زیارت بکن و اگر توانی نماز الحضرت را

بزرگی

بجا آور و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه

سوره قل هو الله احد بخوان و اگر نتوانی دو رکعت بکن در رکعت اول بعد از

فاتحه یکمرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم یکمرتبه سوره قل

یا ایها الکافرون بخوان و بعد از نماز اللهم اني اتوجه اليك بنبينا محمد

تسبیح الحضرت را بگو و این دعا بخوان

خداوندا من رو میکنم بسوی تو به پیغمبر خود محمد

وباهل بيته صلواتك عليهم واسألك بحقك العظيم عليهم

و به اهل بیت او رحمتهای تو بر ایشان و سوال میکنم از تو بحق تو که بزرگست بر ایشان

الذي لا يعلم كنهه سواك واسألك بحق من حقه عندك عظيم

که نمیداند پایان ان را غیر تو و سوال میکنم بحق انکه حق او نزد تو بزرگست

وباسمائك الحسنى التي امرتني ان ادعوك بها واسألك باسمك

و بحرمت نامهای نیکوی تو که فرمودی مرا اینکه بخوانم ترا بان و سوال میکنم از تو بحرمت نام

الاعظم الذي امرت به ابراهيم ان يدعو به الطير فاجابته واسألك

بزرگوار تو که امر کرده بان ابراهیم اینکه بخواند بان مرغ را پس اجابت کردند او را و سوال میکنم

باسمك العظيم الذي قلت للنار به كوني بردا وسلاما على

بحرمت نام تو که بزرگست انچنانی که گفته برای آتش که باش سرد و سلامت بر

دعای بعد از نماز و زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

ابراهيم فكانت باحب الاسماء اليك واشرفها واعظمها لديك
ابراهیم پس گشت چنان و بحق دوست‌ترین نامهای تو و بلندترین آنها و بزرگترین نامها نزد تو
واسرعها اجابة وانجحها طلبة وبما انت اهله ومستحقه
و شتابنده‌ترین آنها باجابت کردن و روا شونده‌ترین آنها حاجت و بانچه تو سزاواری و مستحق آنی
ومستوجبه واتوسل اليك وارغب اليك واتضرع والح
و مستوجب آنی و وسیله میجویم بسوی تو و خواهش میکنم بسوی تو و زاری میکنم و مبالغه میکنم
عليك واسألك بكتبك التي انزلتها على انبيائك ورسلك
بر تو و سوال میکنم از تو بحرمت کتابهایی تو که فرو فرستادی بر پیغمبران خود و رسولان خود
صلواتك عليهم من التورية والانجيل والزبور والفرقان
رحمتهای تو بر ایشان از توریة و انجیل و زبور و فرقان
العظيم فان فيها اسمك الاعظم وبما فيها من اسمائك العظمى
بزرگ پس بدرستی که در آن است نام بزرگ تو و بانچه در آنهاست از نامهای تو که بزرگ است
ان تصلي على محمد وال محمد وان تفرج عن ال محمد وشيعتهم
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی غمها را از آل محمد و پیروان ایشان
ومحبيهم وعني وتفتح ابواب السماء لدعائي وترفعه في
و دوستان ایشان و از من و بگشایی درهای آسمان برای خواندن من و بلند گردانی آنرا در
عليين وتأذن في هذا اليوم وفي هذه الساعة بفرجي واعطاء
علیین و دستوری دهی درین روز و درین ساعت بگشایش من و بخشودن





املي وسؤلي في الدنيا والاخرة يا من لا يعلم احد كيف هو وقد
آرزوی من و سوال کردن من در دنیا و آخرت ای آنکه نمیداند هیچکس که چگونه است او و تحقیق
الا هو يا من سد الهواء بالسماء وكبس الارض على الماء واختار
مگر او ای آنکه بربسته هوا را به آسمان و برافراشته زمین را بر آب و برگزیده
لنفسه احسن الاسماء يا من سمى نفسه بالاسم الذي تقضى به
برای ذات خود نیکوترین نامها را ای آنکه نامیده ذات خود را بنامیکه بر آورده میشود بآن
حاجة من يدعوه اسألك بحق ذلك الاسم فلا شفيع اقوى لي منه
حاجت هر که بخواند او را و سوال میکنم از تو بحرمت این نام پس نیست شفیع قوی‌تری برای من از آن
ان تصلي على محمد وال محمد وتقضي لي حوائجي وتسمع بمحمد وعلي
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و برآوری برای من حاجتهای مرا و بشنوی بحرمت محمد و علی
وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن
و فاطمه و حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر
محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد
محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد
والحسن بن علي والحجة المنتظر لاذنك وصلواتك وسلامك ورحمتك
و حسن پسر علی و حجت که انتظار داشته شده است بدستوری تو و درودهای تو و سلامهای تو و بخشش تو
وبركاتك عليهم صوتي ليشفعوا لي اليك وتشفعهم في ولا تردني خائبا
و برکتهای تو بر ایشان صدای مرا تا آنکه شفاعت کنند برای من بسوی تو و بپذیری شفاعت ایشان [illegible] و برنگردانی مرا ناامید

بحق لا اله الا انت پس حاجات خود را طلب کن که برآورده است باب هم

سورة کرة مرتبه لی کم ... تو در بیان اعمال هر ماهست بدانکه در وقت دیدن ما

نو خواه در شب اول و خواه در شب دوم و خواه سیوم مستحب است که دعاهای منقول

بخوانند و بهترین آنها دعاهای الصحیفه است که دعای چهل و سیوم است

و هفت مرتبه سوره حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و انار

خوردن مستحب است از حضرت صادق منقولست که نیکو لقمه پیر دهان را خوش

و خوشبو میکند و اشتهای میآورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول

ماه بخورد حاجت او برآورده میشود و از حضرت صادق منقولست که در شب

اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از حق

سؤال کند او را از هر ترس و دردی ایمن گرداند و نبیند در آن ماه امر ناخوشی که مکروه

او باشد و از حضرت امام محمد تقی منقولست که چون ماه تازه درآید در روز

اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره انا انزلناه

بخواند و بعد از نماز تصدق بکند چون چنین کند سلامتی آن ماه را از حق تعالی

خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحب است که بعد از آن دو رکعت

این دعا بسم الله الرحمن الرحیم وما من دابة في الارض الا علی الله

بخوانند بنام خداوند بخشاینده مهربان و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست

رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل في کتاب مبین بسم الله

روزی آن و میداند قرارگاه آن را و امانتگاه او را همه آنها که مذکور شد اند در کتاب روشن بنام خداوند

در بیان اعمال هر ماه

عمل اول هر ماه

سوره قل هو الله احد بخواند و در رکعت دیگر بعد از حمد سی مرتبه

دعا ...



الرحمن الرحیم وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک

بخشاینده مهربان و اگر برساند ترا خدا ضرری پس نیست رفع کننده آن را مگر او و اگر خواهد بتو نعمت

بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده وهو الغفور

نیکی پس نیست که بر گرداند فضل او را میرساند آن فضل خود را از بندگان خود و اوست آمرزنده

الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم سیجعل الله بعد عسر یسرا ما

بخشاینده بنام خداوند بخشاینده مهربان زود باشد که بگرداند خدا بعد از دشواری آسانی آنچه

شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم الوکیل وافوض امري

خواست خدا نیست توانائی مگر بخدا بس است ما را خدا و نیکو کفایت کننده است و وا میگذارم کار خود را

الی الله ان الله بصیر بالعباد لا اله الا انت سبحانک انی

بسوی خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستی که من

کنت من الظالمین رب انی لما انزلت الي من خیر فقیر رب لا

بودم از ستمکاران پروردگارا من بدرستی که بچیزی فرستادی بسوی من از نیکی محتاجم پروردگارا

تذرني فردا وانت خیر الوارثین و بدانکه از جمله سنتهای مؤکده

مگذار مرا تنها و تو بهترین میراث برندگانی حضرت رسول بر آن مواظبت نمود

تا از دنیا رفت روزه هر ماهست و آن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و

پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول از دهه میان ماهست و در بعضی از

روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبه اول و چهارشنبه

آخر و پنجشنبه اول دهه میان ماه و اول اشهر بهتر است و سنن از حضرت

تالی واجبات است در فضیلت و تاکید و آنحضرت نماز سنت را در هر شب
و روز برابر نماز واجب مقرر فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر
و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو
رکعت وتیره بعد از خفتن و نشسته کرده میشود برابر یک رکعت نماز
و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه
اند و در ثواب و تاکید مثل آنند و مانند فریضه اگر کسی ترک کند سنت است
که قضا کند و از برای ترک آن کفاره یکمد از گندم یا جو برای نافله روز
و یکمد برای نافله شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت دو برابر
واجب است که تمام ماه شعبان است و در ده ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر
فوت شود سنت است که قضا کند و اگر در تابستان دشوار باشد سنت است
که در زمستان قضا کند و اگر دشوار باشد بدل هر روز یکمد درهم بدهند
که بحساب زر ده دانگ سه بیستی و ... باشد و بحساب زرهای ناقص
این زمان احوط چهار ده غاز بکیست یا یکمد گندم که بحساب و ...
صد درهم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درم شاه بدهند احوط آنست
و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که حضرت
رسول ... روزه سنت افطار فرمود که مردم گمان کنند که ... افطار ...
کرد و ... افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت پس
... روزه حضرت داود گرفت که یک روز روزه میگرفت و یک روز افطار میکرد



میفرمود پس آخر عمر اکتفا نمود بروزه سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت
تا آنکه بر امت آسان باشد متابعت آنحضرت و فرمود که این روزه ثوابش
برابر است با روزه تمام سال و وساوس شیطانرا از سینه برطرف میکند
راوی پرسید که کدام روزهاست فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول
دهه دویم و پنجشنبه آخر پرسید که چرا این روزها را روزه میدارند فرمود
برای آنکه عذاب بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس امر
کرد که این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایت دیگر فرمود
که پنجشنبه را برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در این روز بخدا
عرض میکنند و چهارشنبه میان را برای این روزه میدارند که آتش جهنم
در روز چهارشنبه خلق شده است و روزه سپر آتش است و بروایت دیگر
هر عذاب که بر امتهای گذشته نازل شده است در چهارشنبه میان ماه نازل
شده است و اگر در دهه اول دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبه اول ... بهتر است
و اگر در دهه آخر دو روز پنجشنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دویم افضل است
چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد شده که پنجشنبه اول
بهتر است و بعضی عمل کرده اند بر صورتی که محتمل باشد که پنج شنبه دویم اول ماه دیگر
باشد و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که کسی که در هر ماه این سه روز را روزه
دارد باید که با مجلس مجادله نکند و سفاهت و تند خویی و بیخردی نکند
و مبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا و اگر کسی با او سفاهت و بیخردی کند ...

ومعارضه نکند و اگر در این ایام روزه باشد و بخانه برادر مؤمن خود رود و او
او تکلیف کند افطار کردن بهتر است از روزه داشتن هفتاد برابر
در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که داخل
شود بخانه برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه
که بر او منت گذارد حق تعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد و اگر این سه روز
در اول ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت
کرده است و ثواب روزه سال می یابد چنانچه حق تعالی فرموده است من جاء بالحسنة
فله عشر امثالها یعنی هر که حسنه بدرگاه ما بیاورد برای او هست ده بر
ان و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی
باشد که در اول مذکور شد و از جمله روزه های سنت هر ماه روزه ایام البیض
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و احادیث در فضیلت این سه روز از خاصه
و عامه منقولست و در بعضی روایات وارد شده است که چون حضرت آدم
مرتکب آن امر مکروه شد از بهشت او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود
تا بعد از قبول توبه بخط سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون ملائکه آن را
دیدند خروش بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی پس
منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه بود
و چون روزه داشت ثلث آن سیاهی برطرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید
که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر برطرف شد

پس در روز پانزدهم



پس در روز پانزدهم باز ندا رسید که امروز نیز روزه بدار چون روزه
داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید از آسمان که ای آدم
روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردیم که در هر ماه این سه
روز را روزه بدارند چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن
بابویه گفته است که روزه روز پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض
مقرر شده است و منافات ندارد که هر دو سنت باشد و در پنجشنبه
اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد و لما اکثر احادیث ایام البیض
از طرق عامه است و از طرق خاصه حضرت رسول روایت کرده است که جبرئیل بر من
نازل شد و گفت بگو بعلی که روزه بدارد در هر ماه سه روز تا نوشته شود برای
او بسبب روزه روز اول روزه ده هزار سال و بروزه روز دوم روزه
سی هزار سال و بروزه روز سیم روزه صد هزار سال حضرت امیر المؤمنین
گفت یا رسول الله این مخصوص منست یا برای همه کس است حضرت فرمود که
هر که از شیعیان تو این روزه ها را روزه بدارد این ثوابها برای او خواهد بود گفت
کدام روزها است از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است و از جمله
روزهای مرغوب نیز [?] روز چهارشنبه و پنجشنبه برای کسی که حاجتی داشته
باشد چنانکه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام و
مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه و هر جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر
آنکه یکی موافق یکی از ایام محرمه یا مکروه واقع شود در حدیث صحیح از حضرت صادق

منقولست که کسی که اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن
و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل
در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید گفته است که مستحب نیست روز
جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد بآن یک روز پیش یا یک روز بعد
را جایز است و گفته است استحباب روزه در روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ
و روزه شنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید که اگر اینها ابن جنید گفته
خلاف مشهور میان علما است و شیخ طوسی در مصباح گفته است که ترغیب در روزه روز
ولادت و بعثت و غدیر است که از التنهار روزه ندارند مگر آنکه یکروز پیشتر روزه
و کلام فقیر آنست که نهی از گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان
این حدیث را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روز جمعه را حمل کرده
اند بر آنکه کراهت آن در صورتیست که او را ضعیف کرداند از فرایض و نوافل
و دعاهای روز جمعه و این حمل بد نیست و اما روزه روز شنبه احادیث در نهی
از روزه آن وارد شده است و بهتر ترک است خصوصا هر گاه بقصد برکت روز
دوشنبه باشد مگر آنکه یا روزه منتی که از روزهای ماه موافق شود مثل عید
و مبعث و مولود و امثال اینها و نهی از روزه شنبه بنظر فقیر نرسیده اما قبیح
هم بود روزه آن بخاطر ندارم مگر آنچه مفید و شیخ روایت کرده است که هر که در یکی
از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم و پنجشنبه و جمعه و شنبه
روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب نهصد سال بنویسد باب یازدهم در بیان زیارت

در بیان زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم





حضرت رسول و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین بغیر آنکه سابقا مذکور
شد بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم در همه اوقات از نزدیک
و دور مستحب است و اگر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب
و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر
کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارت بعید از دور در جمعه و دعاهای بعد و
صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا می نمایم و اما از زیارت حضرت رسالت پناه حضرت
رسول منقولست که خدا را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از
امت من بر من سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست
که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هر چه بندگان خدا گویند او بشنود
حق تعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان
بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید و علیک یعنی بر تو باد سلام پس آن
ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده بر شما پس حضرت میفرماید و علیه
السلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت
رسول گفت که هر که در هر جای زمین بمن سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من
سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق ع
مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه میسر
نمیشود که باین مکان شریف بیائی که نزد قبر رسول صلعم میروی گفتم بلی فرمود
بدرستی که سلامی که از نزدیک میکنی حضرت میشنود و اگر دور باشی سلام

بآنحضرت میرسانند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بر من

و سلام کنید بر رسول خدا هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که بوده باشند

بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که صلوات و سلام

بر حضرت رسول از نزد قبر آنحضرت هر چند صلوات مؤمنان هر جا

که باشند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال دارد که نماز هدیه دارد که در نزدیک

و دو رکعت نماز کنند و ثواب آنرا هدیه روح مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات

و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح

منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا گفت بعد از نماز چگونه صلوات

و سلام بر حضرت رسول بفرستم فرمود که میگوئی السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و

برکاته رحمت و برکات خدا بر تو ای رسول خدا

و برکاته السلام علیک یا محمد بن عبد الله السلام علیک یا خیرة

برگزیده سلام بر تو ای محمد پسر عبد الله سلام بر تو ای برگزیده

الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله السلام

خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام

علیک یا امین الله اشهد انک رسول الله و اشهد انک محمد بن

بر تو ای امانت دار خدا گواهی میدهم که توئی رسول خدا و گواهی میدهم که توئی محمد پسر

عبد الله و اشهد انک قد نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل ربک

عبد الله و گواهی میدهم که تو نصیحت کردی امت خود را و جهاد کردی در راه پروردگار



و عبدته مخلصا حتی اتاک الیقین فجزاک الله یا رسول الله افضل

و بندگی کردی او را با اخلاص تا آنکه آمد ترا مرگ پس جزا دهد ترا خدا ای پیغمبر خدا بهترین

ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد و آل محمد افضل

جزائی که داده است پیغمبری را از امت خود خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد بهتر از

ما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و در روایت

آنچه رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه توئی ستوده بزرگوار و بسند معتبر

از حضرت صادق منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول

و قبر حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را و قبر حجتهای خدا را

و او در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و جامهای پاکیزه بپوشد

و بیرون رود بصحرائی و چهار رکعت نماز بکند و در هر سوره که میسر شود

بخواند و بایستد السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام

رو بقبله و بگوید سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکاتهای او سلام

علیک ایها النبی المرسل و الوصی المرتضی و السیدة الزهراء

بر تو ای پیغمبر فرستاده شده و وصی پسندیده و بزرگ زن درخشنده

و السبطان المنتجبان و الاولاد الاعلام و الامناء المنتجبون جئت

و دو نواده برگزیده شده و فرزندان نشانهای هدایت و امینان برگزیده آمدم

انقطاعا الیکم و الی آبائکم و ولدکم الخلف علی برکة الحق فقلبی

از روی انقطاع بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان شما که خلف اند بر برکت حق پس دل من

فقلبي لكم مسلم ونصرتي لكم معدة حتى يحكم الله لدينه فمعكم معكم
پس دل من برای شما گردن نهاده است و یاری من برای شما آماده است تا حکم کند خدا برای دین خود پس با شما با شما
لا مع عدوكم اني لمن القائلين بفضلكم مقر برجعتكم لا انكر لله
نه با دشمنان شما که من از جمله قائلانم بفضل شما اقرار کننده برجعت شما انکار نمیکنم برای خدا
قدرة ولا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذي الملك والملكوت
قدرتی و گمان نمیکنم مگر آنچه خواهد خدا پاک است خداوند پادشاهی و بزرگی
يسبح الله باسمائه جميع خلقه والسلام على ارواحكم واجسادكم
تسبیح میکنند خدا را بنامهای خود جمیع خلق او و درود بر جانهای شما و بر بدنهای شما
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته ودر روايت ديگر
و درود بر شما و رحمت خدا و برکتهای او
وارد شده که این زیارت
در بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه زهرا ع سابقا مذکور شد و اما زیارت

کیفیت زیارت حضرت امام حسین ع در هر روز

حضرت امام حسین ع بسند معتبر از سدیر صراف منقول است که گفت حضرت
صادق ع بمن فرمود که چه مانع است ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین ع را
در هر هفته پنج مرتبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آنحضرت
فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا رو بر بام خانه خود پس التفات بکن
بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو
بجانب قبر آنحضرت میکنی و میگویی السلام علیک یا ابا عبد الله
السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته

تا نوشته شود



تا نوشته شود ثواب حج و عمره سدیر گفت که بسیار است که من در دری
زیارت از بیستم تبر چنین میکنم وبسند معتبر از آنحضرت منقول است که
کسی که ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا رود بر بام خانه
خود و دو رکعت نماز بکند اراده و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که
السلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقول است که سلیمان بن عیسی
گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق ع که چگونه ترا زیارت کنم
هر گاه قادر بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هر گاه قادر بر آمدن نباشی
چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و
دو رکعت نماز بکن و متوجه شو بسوی من بدرستی که هر که مرا زیارت
کند در حیات من چنان است که مرا زیارت کرده است بعد از موت من
و کسی که مرا زیارت کند بعد از موت من چنانست که مرا زیارت کرده در حیات من
مؤلف گوید که این حدیث دلالت میکند بر اینکه در این زمانها حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر رو باو
کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصه آنحضرت
مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت
صادق ع بسدیر گفت که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلام
گفت از بسیاری شغل میسر نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم
نمایم که هر گاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفت بلی فدای

تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالا رو ببام خانه خود و اشاره کن
بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت
دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق و نزد آنحضرت
جماعتی از اصحاب او بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین
میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که
هر سالی یکمرتبه گفت نه فرمود که چه بسیار جفا کارید بسید و آقای خود
گفت یا ابن رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافتست فرمود که
میخواهی شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر چند زیارت کننده
دور باشد گفتم چگونه زیارت کنم یا ابن رسول الله فرمود که غسل کن روز
جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا
رو بر بلندترین بامهای خانه خود یا برو بصحرایی و رو بجانب قبر آنحضرت
کن و السلام علیک یا مولای وابن مولای و سیدی وابن سیدی
بگو درود بر تو ای آقای من و پسر آقای من و بزرگ من و پسر بزرگ من
السلام علیک یا مولای یا قتیل بن القتیل والشهید بن الشهید
درود بر تو ای آقای من ای کشته پسر کشته و شهید پسر شهید
السلام علیک ورحمة الله وبرکاته انا زائرک یا ابن رسول الله
درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او زیارت کننده ام ترا ای پسر رسول خدا
بقلبی ولسانی وجوارحی وان لم ازرک بنفسی والمشاهدة لقبتک

بیان زیارت حضرت امام حسین که در هر روز که خواهی بکن

بدل خود و زبان خود و جوارح خود و اگر چه زیارت نکردم ترا بنفس خود و ندیده ام قبه ترا

فعلیک



فعلیک السلام یا وارث آدم صفوة الله و وارث نوح نبی الله و وارث
پس بر تو باد درود ای میراث برنده آدم برگزیده خدا و میراث برنده نوح پیغمبر خدا و میراث
ابراهیم خلیل الله و وارث موسی کلیم الله و وارث عیسی
ابراهیم دوست خدا و میراث برنده موسی همسخن خدا و میراث برنده عیسی
روح الله وکلمته و وارث محمد حبیب الله ونبیه ورسوله
روح خدا و کلام او و میراث برنده محمد دوست خدا و پیغمبر او و رسول او
و وارث علی امیر المؤمنین و وصی رسول الله وخلیفته
و وارث علی پادشاه گروندگان و وصی رسول خدا و جانشین او
و وارث الحسن بن علی و وصی امیر المؤمنین لعن الله قاتلیک
و وارث حسن پسر علی و وصی پادشاه گروندگان و لعنت کند خدا کشندگان ترا
وجدد علیهم العذاب فی هذه الساعة وفی کل ساعة انا یا سیدی
و تازه کند بر ایشان عذاب را درین ساعت و در هر ساعت منم ای آقای من
متقرب الی الله جل وعز والی جدک رسول الله والی ابیک
نزدیکی جوینده ام بسوی خدای غالب بزرگ و بسوی جد تو رسول خدا و بسوی پدر تو
امیر المؤمنین والی اخیک الحسن والیک یا مولای علیک
پادشاه گروندگان و بسوی برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من بر تو باد
سلام الله ورحمته وبرکاته یا رب انک بقلبی ولسانی و جمیع
درود خدا و بخشش او و برکات او زیارت میکنم ترا بدل خود و زبان خود و

جوار حرمت مکن یا سیدی شفیعی لقبول ذلک منی و انا بالبراءة من
شفاعتی من پیش تو ای آقای من ای شفیع من برای قبول شدن این از من و من بیزارم از
اعدائک و اللعنة لهم و علیهم اتقرب الی الله و الیکم اجمعین
دشمنان تو و لعنت برای ایشان و بر ایشان نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی شما همگی
فعلیک صلوات الله و رضوانه و رحمته پس آنکه میگوید
درود رحمتهای خدا و خشنودی او و بخشش او بجانب چپ خود و رو
میگرداند بسوی قبر علی بن الحسین علیهما السلام و او نزد پای پدر خود
مدفونست و سلام میکند باو و مثل این سلام پس دعا میکند و میطلبد
حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میکند زیرا که نماز زیارت
هشت رکعت است یا شش رکعت یا چهار رکعت باید و سلام و بهتر هشت
رکعت است پس رو میکند انا مودعک یا مولای و ابن مولای و
بجانب قبر امام حسین و میگوید من وداع کننده ام ای آقای من و پسر آقای من
سیدی و ابن سیدی و مودعک یا سیدی و ابن سیدی یا علی بن
و بزرگ من و پسر بزرگ من و وداع کننده ام ای بزرگ من و پسر بزرگ من ای علی پسر
الحسین و مودعکم یا سادتی یا معشر الشهداء فعلیکم
حسین و وداع کننده ام شما را ای آقایان من ای گروه شهدا پس بر شما باد
سلام الله و رحمته و برکاته و رضوانه مؤلف گوید که چون عبارت
درود خدا و بخشش او و برکات او و خوشنودی او این حدیث تشویش و اضطراب

داده و چند



داده و چند احتمال دارد و بهتر آنست که همین زیارت را با وداع چنانچه
رو بقبر شریف میخوانی رو بقبله بکنند و بخوانند تا آنکه بهمه احتمالات
عمل کرده باشد و بعد زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث در همه جا
یا ابن وارث بخوانند یا از وارث قصد وراثت امامت و خلافت نکنند
زیرا که آنحضرت امام نبوده است و بدانکه این حدیث دلالت میکند از
دو وجه که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید بکنند و احادیث
پیش دلالت کرد بر اینکه پیش باید بکنند و دور نیست که مخیر باشد و اگر
این زیارت را کنند بهمان نحو که وارد شده است بکنند و از این احادیث
معلوم شد که غسل از برای بعید مستحب است و از بعضی مفهوم شد که بی
غسل نیز میتوان کرد و از بعضی عمومات مستفاد میشود که بر هر حالت
توان کرد چنانچه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا صحرا واقع سازد
احوط و اولی است و در چند حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولست
منقولست که بحضرت صادق عرض کرد که من بسیار حضرت امام حسین
صلوات الله علیه را یاد میکنم در آن وقت چه گویم فرمود که سه مرتبه بگو صلی
الله علیک یا ابا عبد الله که سلام بآنحضرت میرسد از نزدیک و دور
ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد ائمه علیهم السلام را از دور چنانچه از
ازین دیگران ایشانرا زیارت میکنند اما در جائی که اندیشه آن زائر باشد نگوید
بلکه بگوید قصدتک بقلبی زائرا اذ عجزت عن حضور مشهدک لذ وجهت

إِلَيْكَ سَلَامِي لِعِلْمِي أَنَّهُ يَبْلُغُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ
رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت
کرده است از ابو الحسن قادسی که گفت من بسیار بزیارت حضرت امام
حسین میرفتم این چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت
نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و
امام حسین علیهما السلم در خدمت آنحضرت بودند چون من بنزدیک ایشان
رسیدم امام حسین گفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد
اکنون ترک کرده است حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که چرا ترک زیارت
مثل حسین کردی گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع ادای این سعادت
گردیده است حضرت فرمود هر شب بر بام خانه خود برو و بانگشت شهادت
بسوی قبر آنحضرت السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
اشاره کن و بگو درود بر تو و بر جد تو و پدر تو درود بر تو
وَعَلَى أُمِّكَ وَأَخِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ السَّلَامُ
و بر مادر تو و برادر تو درود بر تو و بر پیشوایان از فرزندان تو درود
عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ
بر تو ای صاحب اشک روان درود بر تو ای صاحب مصیبت
الرَّاتِبَةِ لَقَدْ أَصْبَحَ كِتَابُ اللهِ فِيكَ مَهْجُوراً وَرَسُولُ اللهِ فِيكَ
ثابت بتحقیق گردید کتاب خدا در حق تو فرو گذاشته شده و رسول خدا در حق تو



مَوْتُوراً السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ
خون او ریخته شده درود بر تو و رحمتهای خدا و برکتهای او درود بر یاران
اللهِ وَخُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللهِ وَأَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ
خدا و خلیفهای او درود بر امانت داران خدا و دوستان او درود بر جاهای
مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ
شناخت خدا و معدنهای حکمت خدا و نگاهدارندگان راز خدا و بردارندگان کتاب
اللهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
خدا و وصیهای پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا رحمت فرستاد خدا بر او
وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال
و آل او و رحمتهای خدا و برکتهای او کن پس اگر چنین کنی زیارت تو از دور
و نزدیک هر دو مقبولست و اما از زیارات سایر ائمه از نزدیک بهترین
آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند
که شخصی از امام علی النقی سؤال کرد که ای فرزند رسول خدا تعلیم نما
مرا سخن بلیغ کاملی که آنرا بخوانم هر گاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود
چون بدرگاه اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ
برسی بایست و بگو گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه است و نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم
أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ و باید که با غسل باشی پس
بدرستی که محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او بنده او و رسول اوست چون داخل شوی و قبر را ببینی

اما کیفیت زیارت جامعه کبیره

بایست وسی مرتبه الله اکبر بگو پس راه رو باَرام دل وارتن وگام ها
را نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست وسی مرتبه الله اکبر بگو
ونزدیک قبر برو وچهل مرتبه الله اکبر بگو که صد مرتبه تکبیر
تمام شود السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ
پس بگو درود بر شما ای اهل خانه پیغمبر و محل جای نامهای الهی
وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِکَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْیِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَخُزّانَ
ومحل آمد ورفتن ملائکه وقرارگاه فرود آمدن وحی وقرارگاه رحمت خدا وخزانه داران
الْعِلْمِ وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ وَاُصُولَ الْکَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ وَاَوْلِیاءَ النِّعَمِ
علم الهی وصاحبان نهایت بردباری وریشه کرامتهای خدا وکشندگان امتها ودوستان وجمیع نعمتها
وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ الْاَخْیارِ وَساسَةَ الْعِبادِ وَاَرْکانَ
واصل نیکوکاران وستونهای جمیع برگزیدگان وتدبیر کنندگان بندگان وستونهای
الْبِلادِ وَاَبْوابَ الْاِیمانِ وَاُمَناءَ الرَّحْمنِ وَسُلالَةَ النَّبِیّینَ وَصَفْوَةَ
شهرها ودرهای ایمان وامینان خداوند مهربان وفرزندان پیغمبران وبرگزیده
الْمُرْسَلِینَ وَعِتْرَةَ خِیَرَةِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ
فرستادگان وفرزند برگزیده پروردگار عالمیان ورحمتهای خدا وبرکتهای او درود
عَلی اَئِمَّةِ الْهُدی وَمَصابِیحِ الدُّجی وَاَعْلامِ التُّقی وَذَوِی النُّهی وَاُولِی
بر پیشوایان هدایت وچراغهای تاریکیها ونشانهای پرهیزکاران وصاحبان عقل وارباب
الْحِجی وَوَرَثَةِ الْاَنْبِیاءِ وَالْمَثَلِ الْاَعْلی وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنی وَحُجَجِ اللهِ عَلی



اَهْلِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَالْاُولی وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی
اهل دنیا وآخرت و ورحمت خدا وبرکتهای او درود بر
مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَساکِنِ بَرَکَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِکْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ
آنها که محل شناخت خداوند وجاهای برکت خدا وقرارگاه حکمت خدا ونگاه دارن
سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ کِتابِ اللهِ وَاَوْصِیاءِ نَبِیِّ اللهِ وَذُرِّیَّةِ رَسُولِ
راز خدا وبردارندگان کتاب خدا ووصیهای پیغمبر خدا وفرزندان پیغمبر خدا
اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَی الدُّعاةِ
خدا رحمت فرستاد خدا بر او وآل او ورحمت خدا وبرکتهای او درود بر خوانندگان
اِلَی اللهِ وَالْاَدِلّاءِ عَلی مَرْضاتِ اللهِ وَالْمُسْتَقِرّینَ فی اَمْرِ اللهِ وَ
بسوی خدا وراه نمایان بر خشنودی خدا وقرار گرفتگان در فرمان خدا و
التّامّینَ فی مَحَبَّةِ اللهِ وَالْمُخْلِصینَ فی تَوْحیدِ اللهِ وَالْمُظْهِرینَ
کاملان در دوستی خدا وخالص گردانندگان در توحید خدا وظاهر کنندگان
لِاَمْرِ اللهِ وَنَهْیِهِ وَعِبادِهِ الْمُکْرَمینَ الَّذینَ لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ
امر خدا ونهی او وبندگان گرامی او آنها که پیشی نگیرند بگفتار بر خدا
وَهُمْ بِاَمْرِهِ یَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَی الْاَئِمَّةِ
وایشان بامر خدا عمل مینمایند ورحمت خدا وبرکتهای او درود بر پیشوایان
الدُّعاةِ وَالْقادَةِ الْهُداةِ وَالسّادَةِ الْوُلاةِ وَالذّادَةِ الْحُماةِ وَاَهْلِ
خوانندگان وکشندگان راه نمایان وبزرگواران وپادشاهان ودور کنندگان وحمایت کنندگان واهل

وَبُرْهَانِهِ

وَاُولِی الْاَمْرِ وَبَقِیَّةِ اللّٰهِ وَخِیَرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَیْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ

و صاحبان امارات و بقیه روشنان خدا و برگزیده او و گروه خدا و صندوق علم خدا و حجت خدا

وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

و راه راست خدا و روشنی او و رحمتهای خدا و برکتهای او گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا

وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ کَمَا شَهِدَ اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِکَتُهُ

یکتا است و نیست شریکی مر او را چنانکه گواهی داد خدا برای ذات خود و گواهی داده اند برای او فرشتگان

وَاُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَاَشْهَدُ اَنَّ

و صاحبان علم از آفریدگان او نیست معبودی مگر او که غالب درست کردار است و گواهی میدهم

مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضٰی اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰی وَدِینِ

محمد بنده او است برگزیده شده و فرستاده او پسندیده فرستاد او را با راه نمایی و دین

الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّکُمُ الْاَئِمَّةُ

درست تا غالب گرداند او را بر دینها همه آن و اگر چه ناخوش دارند آن را کافران و گواهی میدهم که شما امامان

الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُکَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ

راست راه یافته شدگان از گناه نگاه داشته شدگان گرامی داشته شدگان نزدیکان پرهیزکاران

الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِیعُونَ لِلّٰهِ الْقَوَّامُونَ بِاَمْرِهِ الْعَامِلُونَ

راستگویان برگزیدگان فرمان برداران مر خدا را ایستادگان بامر او کار کنندگان

بِاِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِکَرَامَتِهِ اصْطَفَاکُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاکُمْ لِغَیْبِهِ

بر وفق اراده او رسیدگان بگرامی بودن نزد خدا برگزید شما را بدانش خود و پسندید شما را بدانش خود

واختارکم



وَاخْتَارَکُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاکُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاَعَزَّکُمْ بِهُدَاهُ وَخَصَّکُمْ

و اختیار کرده شما را برای پنهان خود و برگزیده شما را بقدرت خود و عزیز کرده شما را برای هدایت خود و مخصوص گردانید

بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَکُمْ لِنُورِهِ وَاَیَّدَکُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِیَکُمْ خُلَفَاءَ

بمعجزات خود و نجیب گردانید شما را برای نور خود و معونت داده شما را بروح القدس و پسندید شما را جانشینان

فِی اَرْضِهِ وَحُجَجاً عَلٰی بَرِیَّتِهِ وَاَنْصَاراً لِدِینِهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ

در زمین خود و حجتها بر آفریدگان خود و یاوران برای دین خود و نگاهدارندگان برای راز خود

وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعاً لِحِکْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لِوَحْیِهِ وَاَرْکَاناً

و خزینه داران علم خود و امانت داران مر حکمت خود را و ترجمه کنندگان برای وحی خود و ستونها

لِتَوْحِیدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلٰی خَلْقِهِ وَاَعْلَاماً لِعِبَادِهِ وَمَنَاراً فِی بِلَادِهِ

برای یگانه پرستان خود و گواهان بر آفریده خود و نشانها برای بندگان خود و روشنی در شهرهای خود

وَاَدِلَّاءَ عَلٰی صِرَاطِهِ عَصَمَکُمُ اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَکُمْ مِنَ الْفِتَنِ

و راه نمایان بر راه راست خود نگاه داشت شما را از لغزشها و ایمن گردانید شما را از فتنهها

وَطَهَّرَکُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَاَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَکُمْ تَطْهِیراً

و پاک گردانید شما را از چرک گناه و برد از شما شک و شبهه را و پاک گردانید شما را پاک گردانیدنی

فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَاَکْبَرْتُمْ شَاْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ کَرَمَهُ وَاَدَمْتُمْ ذِکْرَهُ وَوَکَّدْتُمْ

پس بزرگ شمردید جلالت او و بزرگ کردید کار او را و تعظیم نمودید بزرگواری او را و دائم کردید یاد او را و

مِیثَاقَهُ وَاَحْکَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِی السِّرِّ وَالْعَلَانِیَةِ وَدَعَوْتُمْ

پیمان او را و محکم کردید گره فرمانبرداری او را و نیکخواهی کردید برای او در پنهان و در آشکار و

الی سبیله بالحکمة والموعظة الحسنة وبذلتم انفسکم فی مرضاته

بسوی راه او بحکمت و پند نیکو و دادید جانهای خود را در خشنودی او

وصبرتم علی ما اصابکم فی جنبه واقمتم الصلوة وآتیتم الزکوة

و شکیبائی کردید بر آنچه بشما رسید در راه قرب او و برپا داشتید نماز را و دادید زکوة را

وامرتم بالمعروف ونهیتم عن المنکر وجاهدتم فی الله حق جهاده

و امر فرمودید بنیکی و باز داشتید از بدی و کارزار کردید در راه خدا حق جهاد او

حتی اعلنتم دعوته وبینتم فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم شرائع

تا آشکار کردید دین او را و بیان کردید واجبات او را و برپا داشتید حدهای او را و پهن کردید مسائل

احکامه وسننتم سنته وصرتم فی ذلک منه الی الرضا وسلمتم

احکام او را و ظاهر کردید سنتهای او را و گردیدید در جهاد از خدا بسوی خشنودی و گردن نهادید

له القضاء وصدقتم من رسله من مضی فالراغب عنکم مارق و

برای او قضای او را و تصدیق کردید پیغمبران او را هر که گذشته است پس روگرداننده از شما و

اللازم لکم لاحق والمقصر فی حقکم زاهق والحق معکم وفیکم و

هر که لازم طریق شما باشد بشما ملحق میشود و کوتاهی کننده در حق شما هلاک است و حق با شماست و در میان شماست

منکم والیکم وانتم اهله ومعدنه ومیراث النبوة عندکم

از شماست و بسوی شماست و شمائید اهل حق و محل قرار حق و میراث پیغمبری نزد شما

وایاب الخلق الیکم وحسابهم علیکم وفصل الخطاب عندکم وآیات

و بازگشت خلق بسوی شما و حساب ایشان بر شماست و فیصل کننده حق از باطل نزد شماست و نشانه

و منا او و منتهاه
ع

القم



الله لدیکم وعزائمه فیکم ونوره وبرهانه عندکم وامره الیکم

نزد شماست و عزائم او در میان شماست و نور او و برهان او نزد شماست و امر او بسوی

من والاکم فقد والی الله ومن عاداکم فقد عادی الله ومن احبکم

هر که دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته خدا را و هر که دشمن دارد شما را دشمن داشته خدا را و هر که دوست

فقد احب الله ومن ابغضکم فقد ابغض الله ومن اعتصم

پس بتحقیق دوست داشته خدا را و هر که دشمن شماست پس دشمن داشته خدا را و هر که چنگ زد با شما

بکم فقد اعتصم بالله انتم السبیل الاعظم والصراط

پس بتحقیق چنگ زده بخدا شمائید راه بزرگ خدا و راه

الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة

راست تر و گواهان خانه فانی دنیا و شفیعان خانه باقی و رحمت

الموصولة والآیة المخزونة والامانة المحفوظة والباب

پیوسته و نشانه بزرگ نگاه داشته شده و امانت نگاه داشته شده و دری

المبتلی به الناس من اتیکم فقد نجا ومن لم یاتکم فقد هلک

که امتحان کرده شده اند مردم هر که آمد بسوی شما پس بتحقیق نجات یافت و هر که نیامد بسوی شما پس هلاک شد

الی الله تدعون وعلیه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون

بسوی خدا میخوانید و بسوی او دلالت میکنید و باو ایمان می آورید و او را گردن مینهید

وبامره تعملون والی سبیله ترشدون وبقوله تحکمون سعد

و بامر او عمل میکنید و بسوی راه او ارشاد میکنید و بگفته او حکم میکنید سعادت

والله من والاكم وهلك من عاداكم وخاب من جحدكم وضل من فارقكم

بخدا هر که دوست داشت شما را دوستی کرده و هلاک شد هر که با شما دشمنی ورزید و نومید شد هر که انکار کرد شما را و گمراه شد هر که جدا شد از شما

وفاز من تمسك بكم وامن من لجا اليكم وسلم من صدقكم وهدي

و رستگار شد هر که چنگ زد بشما و در امان است هر که پناه آورد بشما و سلامت شد هر که تصدیق شما کرد و هدایت یافت

من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة ماويه ومن خالفكم فالنار مثويه

هر که چنگ زد بشما هر که پیروی کرد شما را بهشت جای او است و هر که مخالفت کرد شما را آتش جایگاه او است

ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم في اسفل درك

و هر که انکار کرد شما را کافر است و هر که محاربه کرد با شما مشرک است و هر که رد کرد بر شما در اسفل درک

من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم

از دوزخ است گواهی میدهم که این سابق است برای شما در آنچه گذشت و جاری است برای شما در آنچه باقی است و بدرستی که ارواح شما

ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله انوارا

و نور شما و طینت شما یکی است پاک شد و پاکیزه گشت بعضی از آن از بعضی آفرید شما را خدا نورها

فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله

پس گردانید شما را بعرش خود احاطه کنندگان تا آنکه منت نهاد بر ما بسبب شما پس گردانید شما را در خانه‌هایی که امر کرده

ان ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من ولايتكم

که بلند کرده شود و ذکر کرده شود در آنها نام او و گردانید صلوات ما را بر شما و آنچه مخصوص گردانید ما را از دوستی شما

طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية وكفارة لذنوبنا فكنا عنده

پاکیزگی برای خلقت ما و طهارت برای نفسهای ما و پاکی و کفاره برای گناهان ما پس بودیم نزد او

واحدة

مسلمين



مسلمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا اياكم فبلغ الله بكم

گردن نهادگان بفضل شما و شناخته شدگان بتصدیق ما شما را پس رسانید خدا بشما

اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات

بزرگترین محل گرامیان و بلندترین منزلهای نزدیکان و بلندترین درجات

المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق

پیغمبران آنجا که نمیرسد به آن رسنده و بالا نمیرود از آن بالارونده و پیشی نمیگیرد از آن پیشی گیرنده

ولا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل

و طمع نمیکند در دریافتن آن طمع کننده تا آنکه باقی نماند فرشته مقرب و نه پیغمبر مرسل

ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا

و نه صدیق و نه شهید و نه عالم و نه جاهل و نه دنی و نه صاحب فضل و نه

مومن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا

مومن صالح و نه فاسق بدکار و نه جبار عنید و نه شیطان سرکش و نه

خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم جلالة امركم وعظم خطركم

خلقی در میان اینها حاضر مگر آنکه شناسانید بایشان بزرگی مرتبه شما و عظیم بودن قدر شما

وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم و

و بزرگی کار شما و تمام بودن نور شما و درستی جایگاه شما و ثابت بودن مقام شما

شرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم لديه

و شرف منزلت شما و مقام شما نزد او و کرامت شما نزد او و مخصوص بودن شما نزد او

وَقُرْبِ مَنْزِلَتِكُمْ وَمَنْزِلَتِهِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي أُشْهِدُ

و نزدیکی منزلت شما را نزد او پدرم فدای شما باد و مادرم و جانم و مالم و خویشانم گواهی

اللّٰهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا

میگیرم خدا را و گواهی میگیرم شما را که من ایمان آورده‌ام بشما و بآنچه ایمان آوردید به آن و کافرم بدشمن شما و

كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ

کافرم بآنچه کافر شدید به آن بینایم بشأن شما و بگمراهی هر که مخالف کرده باشما دوستم مر شما را

وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ

و دوستان شما را دشمنم مر دشمنان شما را و دشمنی کننده‌ام مر ایشان را صلحم مر کسی که صلح کرده باشما و جنگم

لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ

مر کسی که جنگ کرده باشما و راست دارم هر چه را که تحقیق کرده‌اید و باطل میدانم هر چه را باطل کرده‌اید اطاعت کننده‌ام شما را شناسا

بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ

حق شما را اقرار کننده‌ام بفضل شما بردارنده‌ام مر علم شما را پناه آورنده‌ام بامان شما معترفم بشما ایمان

بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ

بازگشت شما تصدیق کننده‌ام برجعت شما انتظار کشنده‌ام مر امر شما را منتظرم مر دولت شما را گیرنده‌ام قول

عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَائِذٌ عَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ

عمل کننده‌ام بامر شما پناه آورنده‌ام بشما زیارت کننده‌ام شما را پناه برنده‌ام بقبرهای شما شفیع گیرنده‌ام

إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي

سوی خدای عز و جل شما را و نزدیکی میجویم بشما بسوی او و مقدم میدارم شما را در پیش مطلب خود



وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ

و حاجتهای خود و خواهش خود در همه حال من و کارهای من گرویده‌ام بنهان شما و

وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ

آشکار شما و حاضر شما و غایب شما و اول شما و آخر شما و واگذاشته‌ام اینها را همه

إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي

بسوی شما و گردن نهاده‌ام در او با شما و دل من مر شما را منقاد است و رای من مر شما را تابع است و یاری من

لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللّٰهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ

مر شما را مهیاست تا آنکه زنده کند خدای تعالی دین خود را بشما و برگرداند شما را در روزهای خود و ظاهر گرداند

لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ

بسبب عدل خود و تمکین دهد شما را در زمین خود پس من با شما ام با شما نه با دشمن شما گرویدم بشما

وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ

قبول دارم آخر شما را و به آنچه قبول کردم اول شما را و بیزاری جستم بسوی خدای عز و جل

مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ

از دشمنان شما و از هر چه غیر خداست و شیاطین و گروه ایشان که ستم کنندگانند

لَكُمْ وَالْجَاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ

مر شما را و انکار کنندگان مر حق شما را و بیرون روندگان از اعتقاد ولایت شما و غصب کنندگان

لِإِرْثِكُمْ وَالشَّاكِّينَ فِيكُمْ وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ

مر حق شما را و شک کنندگان بودند در شما و منحرف بودند از شما و از هر دوستی جز شما

وكل مطاع سواكم ومن الائمة الذين يدعون الى النار مثبتني الله

واز آن پیشوایان که اطاعت کرده شده‌اند سوای شما و از پیشوایان آنکه میخوانند بسوی آتش ثابت دارد مرا خدا

ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني لطاعتكم

پیوسته تا زنده‌ام و بر اعتقاد امامت شما و دوستی شما و دین شما و توفیق دهد مرا برای طاعت شما

ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم

و روزی کند مرا شفاعت شما و بگرداند مرا از نیکان دوستان شما که تابع‌اند مر چیزی را که خواندید

اليه وجعلني ممن يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم

بسوی او و بگرداند مرا از آنکه پیروی میکند آثار شما را و میرود براه شما و هدایت می‌یابد براه شما

ويحشر في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف

و محشور میشود در گروه شما و برمیگردد در رجعت شما و پادشاهی میکند در دولت شما و شرف می‌یابد

في عافيتكم ويمكن في ايامكم وتقر عينه غدا

در عافیت شما و تمکین می‌یابد در روزگار شما و روشن میشود چشمهای او فردا

برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي من اراد الله بدأ بكم

بدیدن شما پدرم و مادرم و جانم و اهلم و مالم هر که اراده کند خدا را ابتدا کرده بشما

ومن وحده قبل عنكم ومن قصده توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم

و هر که یگانه پرستد قبول کرده از شما و هر که قصد کند خدا را روی آورده بشما ای آقایان من نمیتوانم شمرد ثنای شما را

ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم وانتم نور الاخيار

و نمیرسانم از مدح کنه شما را و از وصف کردن قدر شما را و حال آنکه شما نور نیکانید



وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله وبكم ينزل الغيث وبكم

و راه‌نمایان نیکوکاران و حجتهای خدای جبار بشما گشوده خدا و بشما میفرستد باران را و بشما

يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم

نگاه میدارد آسمان را از اینکه بیفتد بر زمین مگر باذن او و بشما برطرف میکند غمها را و بشما

يكشف الضر وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته

برطرف میکند سختی را و نزد شماست آنچه فرود آورده‌اند آن را رسولان او و فرود آورده‌اند ملائکه او و بسوی جد شما

والى جدكم بعث الروح الامين اگر زيارت حضرت والى جدكم

و بسوی جد شما برانگیخته شد جبرئیل امین اگر زیارت امیر المؤمنین باشد بجای و بسوی جد شما

بعث الروح الامين بگو والى اخيك بعث الروح الامين آتيكم

برانگیخته شد روح الامین بگو و بسوی برادر تو برانگیخته شد جبرئیل امین بگو داد بشما

الله ما لم يؤت احدا من العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم وبخع

خدا آنچه نداده احدی را از جهانیان فرود آورده هر صاحب شرفی در برابر شرف شما و فرو

كل متكبر لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم

هر صاحب تکبری برای طاعت شما و فروتنی کرده هر گردنکشی برای فضل شما و خوار شد هر چیزی برای شما

واشرقت الارض بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك

و روشن شد زمین بنور شما و رستگار شدند رستگاران بامامت شما بشما توان رفت

الى الرضوان وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم

بسوی خشنودی خدا و بر کسیکه انکار امامت شما بکند خشم خدا و پدرم فدای شما باد

وأمّي ونفسي وأهلي ومالي ذكركم في الذاكرين وأسماؤكم
و مادرم و جانم و اهلم و مالم یاد شما در میان یادکنندگان و نامهای شما
في الأسماء وأجسادكم في الأجساد وأرواحكم في الأرواح
در میان نامهاست و بدنهای شما در میان بدنهاست و جانهای شما در میان جانهاست
وأنفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور فما أحلى
و روحهای شما در میان روحهاست و اثرهای شما در میان اثرهاست و قبرهای شما در میان قبرهاست پس چه شیرین است
أسماءكم وأكرم أنفسكم وأعظم شأنكم وأجلّ خطركم وأوفى
نامهای شما و چه گرامی است روحهای شما و بزرگ شأن شما و جلیل قدر شما و چه وفا کرده است
عهدكم وأصدق وعدكم كلامكم نور وأمركم رشد ووصيّتكم
پیمان شما و راست است وعده شما سخن شما نور است و فرمان شما موجب کمال است و وصیت
التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الإحسان وسجيّتكم الكرم و
پرهیزکاری است و کردار شما نیک و عادت شما احسان است و کار شما کرم است و
شأنكم الحقّ والصدق والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم
کردار شما راست است و راستی و مدارا است و گفتار شما حکم است و حتم است و رای شما دانش
وحلم وحزم إن ذكر الخير كنتم أوّله وأصله وفرعه ومعدنه
و بردباری و دوراندیشی است اگر یاد کرده شود نیکی شما اول او و بیخ او و شاخ او و معدن او
ومأواه ومنتهاه بأبي أنتم وأمّي ونفسي كيف أصف حسن ثنائكم و
و جایگاه او و منتهای او پدرم و مادرم فدای تو باد و مادرم چگونه وصف کنم نیکویی ستایش شما را

احصی جميل



أحصي جميل بلائكم وبكم أخرجنا الله من الذلّ وفرّج عنّا
و شمار کنم نعمت نیکوی شما را و بشما بیرون آورد خدا ما را از خواری و دور گردانید از ما
غمرات الكروب وأنقذنا بكم من شفا جرف الهلكات ومن
اندوهها را و رهانید ما را بشما از کنار گودال هلاکتها و از
النار بأبي أنتم وأمّي ونفسي بموالاتكم علّمنا الله معالم ديننا
آتش پدرم فدای شما باد و مادرم و جانم بدوستی شما آموخت ما را خدا احکام دین ما
وأصلح ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمّت الكلمة وعظمت
و اصلاح آورد آنچه فاسد بود از دنیا و بدوستی شما تمام شد کلمه و بزرگ شد
النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتكم تقبل الطاعة المفترضة
نعمت و الفت یافت پراکندگی و بدوستی شما مقبول میشود طاعت واجب کرده خدا
ولكم المودّة الواجبة والدرجات الرفيعة والمقام المحمود
و از برای شما است دوستی واجب شده و جاهای بلند و مقام ستوده
والمكان المعلوم عند الله عزّ وجلّ والجاه العظيم والشأن
و جایگاه معلوم نزد خدای غالب و بزرگ و مرتبه بزرگ و حالت
الكبير والشفاعة المقبولة ربّنا آمنّا بما أنزلت واتّبعنا الرسول
بزرگ و شفاعت قبول کرده شده پروردگار ما ایمان آوردیم بآنچه فرستادی و پیروی کردیم
فاكتبنا مع الشاهدين ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب
پس بنویس ما را با شاهدان پروردگار ما میل مده دلهای ما را پس از آنکه هدایت کردی ما را

لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب سبحان ربنا ان كان

مارا از نزد خود بخششی بدرستی که تو بخشاینده ای پاکست پروردگار ما بدرستی که بود

وعد ربنا لمفعولا یا ولی الله ان بینی وبین الله عز وجل ذنوبا

وعدهٔ پروردگار ما البته کرده شده ای دوست خدا بدرستی که میان من و میان خدای عز و جل گناهانی است

لا یأتی علیها الا رضاکم فبحق من ائتمنکم علی سره واسترعاکم

که برطرف نمیکند آنها را مگر خشنودی شما پس بحق آنکه امین گردانیده شما را بر راز خود و طلب رعایت نموده از شما

امر خلقه وقرن طاعتکم بطاعته لما استوهبتم ذنوبی وکنتم

امور خلق خود را و مقرون نموده طاعت شما را بطاعت خود چون طلب کردید بخشش گناهان مرا و باشید

شفعائی فانی لکم مطیع من اطاعکم فقد اطاع الله ومن عصاکم

شفیعان من پس من مر شما را فرمان بردارم هر که فرمان برداری کرد شما را پس فرمان برده است خدا را و هر که نافرمانی

فقد عصی الله ومن احبکم فقد احب الله ومن ابغضکم فقد

پس نافرمانی کرده خدا را و هر که دوست داشته شما را پس دوست داشته خدا را و هر که دشمن داشته شما را پس

ابغض الله اللهم انی لو وجدت شفعاء اقرب الیک من محمد

دشمن داشته خدا را خداوندا بدرستی که من اگر یافتمی شفیعانی نزدیکتر بسوی تو از محمد

واهل بیته الاخیار الائمة الابرار لجعلتهم شفعائی فبحقهم

و اهل بیت او برگزیدگان پیشوایان نیکوکاران هر آینه گردانیدمی ایشان را شفیعان خود پس بحق ایشان

الذی اوجبت لهم علیک اسألک فی جملة العارفین بهم وبحقهم

که واجب گردانیدی برای ایشان بر خود سؤال مینمایم از تو در جملهٔ شناسایان ایشان و بحق ایشان

ان تدخلنی

وفی زمرة



وفی زمرة المرحومین بشفاعتهم انك ارحم الراحمین وصلی

و در گروه بخشیده شدگان بشفاعت ایشان بدرستی که تو بخشنده ترین بخشندگانی و رحمت فرستد

الله علی محمد وآله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا وحسبنا الله

خدا بر محمد و آل او که پاکانند و درود فرستاد درود فرستادنی بسیار و بس است ما را خدا

ونعم الوکیل مؤلف گوید که این زیارت کاملترین زیاراتست از برای

و خوب وکیل است نزدیك و دور وچون منظور عمده درین رساله زیارت

بعید است زیارت وداع را ذکر نکردیم وچون این زیارت مشتمل است

بر مجمل از جمیع احادیثی که در مناقب ائمه ع وارد شده است که در هر هفته

بلکه هر روز این زیارت را بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند

موافق است فقیر مجملا ترجمه کرده و والد مرحوم مفصلا شرح نموده

برای معرفت ایشان است و زیارت حضرت صاحب الامر ع بطرق بسیار

منقول شده و در کتاب تحفة الزائر ایراد کرده ام در اینمقام زیارت مختصری

با تجدید عهد امامت و ولایت آنحضرت ع ایراد می نمائیم که امام خود را

یاد نمایند و از برکات هدایات آنحضرت بهره مند گردند و سید ابن طاووس ذکر کرده

که مستحب است که هر روز بعد از اللهم بلغ مولای صاحب الزمان

صبح حضرت صاحب الامر ع را چنین زیارت کنند خداوندا برسان آقای ما صاحب روزگار را

صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض

رحمتهای خدا بر او از همه گروندگان مردان و زنان گرویده در جاهای برآمدن آفتاب

زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام صلوات الله علیه

وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ
و غروب آن و صحراهای آن و دریای آن و هموارهای آن و کوه آن زندهٔ ایشان و مردهٔ ایشان
وَعَنْ وَالِدَيَّ وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ
و از جانب پدر و مادر من و از جانب من از رحمتها و درودها بسنگ عرش خدا
وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ
و قدر کلمهای او و نهایت خوشنودی او و شمار آنچه شمرده او را کتاب او و فرا گرفته
بِهِ عِلْمُهُ اللّٰهُمَّ أُجَدِّدُ لَهُ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا أَوْ
او را دانش او خداوندا تازه میکنم برای او در این روز و در همه روز عهدی و
عَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي رَقَبَتِي اللّٰهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهٰذَا التَّشْرِيفِ
پیمانی و بیعتی برای او در گردن من خداوندا چنانچه گرامی داشتی مرا باین کرامت و
وَفَضَّلْتَنِي بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ وَخَصَصْتَنِي بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى
زیادتی دادی مرا باین رتبه و مخصوص گردانیدی مرا باین نعمت پس رحمت فرست
مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ
آقای من و بزرگ من صاحب روزگار و بگردان مرا از یاران او و پیروان او و
وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا
دفع کنندگان از او و بگردان مرا از آنکه حاضر کرده شده اند در پیش او فرمانبردار
غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا
غیر مجبور در صفی که وصف کرده اهل آن را در کتاب خود پس گفته جل اسمه

والدی

کانهم بنیان



دعای عهد جمیل
صباح باید خواند

كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ
بنائی که ایشان را استوار شده بر طاعت تو و طاعت رسول تو و آل او
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
بر ایشان باد درود و درودها و خداوندا این بیعتیست برای او در گردن من تا روز قیامت
از حضرت صادق منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران
قائم باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که
در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را اللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ
کرامت فرماید و هزار گناه او محو کند و آن عهد اینست خداوندا پروردگار روشنائی
الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ
بزرگ و پروردگار کرسی با رفعت و پروردگار دریای مملو از آب و فرو فرستنده تورات
وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ
و انجیل و زبور و پروردگار سایه و گرمی و فرو فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ
فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بذات
الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَسْأَلُكَ
کریم و بحرمت روشنائی ذات تو که روشن کننده و پادشاهی تو که قدیمست ای زنده ای پاینده سوال میکنم
بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي
بحرمت نامهای تو که بآن روشن شدند آسمانها و زمینها و بحرمت نام تو آن نامی که

يصلّي به الأوّلون والآخرون يا حيّ قبل كلّ حيّ ويا حيّ بعد كلّ حيّ

که با نام آن بخوانند پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده بعد از هر زنده

يا حيّ حين لا حيّ يا محيي الموتى ويا مميت الأحياء يا حيّ لا إله إلّا أنت

ای زنده هنگامی که نباشد زنده ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده که نیست خدایی مگر تو

اللّهمّ بلّغ مولانا الإمام الهادي المهديّ القائم بأمرك صلوات

خداوندا برسان به صاحب ما امام راه نماینده راه یافته که قائم است بفرمان تو درودهای

الله عليه وعلى آبائه الطاهرين عن جميع المؤمنين والمؤمنات

خدا بر او و بر پدران او که پاکانند از جانب همه مردان گرونده و زنان گرونده

في مشارق الأرض ومغاربها سهلها وجبلها برّها وبحرها عنّي

در مشرقهای زمین و مغربهای آن هموار آن و کوه آن و بیابان و دریای آن از من

وعن والديّ من الصلوات زنة عرش الله ومداد كلماته وما أحصاه

و از پدر و مادر من از رحمتها همسنگ عرش خدا و باندازه کلمهای او و آنچه شمرده او را

علمه وأحاط به كتابه اللّهمّ إنّي أجدّد له في صبيحة يومي هذا وما عشت

دانش او و احاطه کرده بآن کتاب او خداوندا بدرستی که من تازه میکنم از برای او در صبح روز خود این روز و [illegible]

من أيّامي عهدًا وعقدًا وبيعة له في عنقي لا أحول عنها ولا أزول أبدًا

از روزهای عهد و پیمان و بیعت برای او در گردن خود نمیگردم از آن و زایل نمیشوم هرگز

اللّهمّ اجعلني من أنصاره وأعوانه والذابّين عنه والمسارعين إليه

خداوندا بگردان مرا از یاران او و یاوران او و دفع کنندگان از او و شتابندگان بسوی او





وقضاء حوائجه والممتثلين لأوامره ونواهيه والمحامين عنه والسابقين

در آوردن حاجتهای او و کردن نهندگان مر امرها او و نهیها او و منع کنندگان از او و پیشی گیرندگان

إلى إرادته والمستشهدين بين يديه اللّهمّ إن حال بيني وبينه الموت الذي جعلته

بسوی خواهش او و حاضر کرده شدگان در پیش او خداوندا اگر حایل شود میان من و میان او مرگ که گردانیدی

على عبادك حتمًا فأخرجني من قبري مؤتزرًا كفني شاهرًا سيفي مجرّدًا قناتي

بر بندگان خود لازم پس بیرون آور مرا از قبر من ازار کننده کفن خود ظاهر کننده شمشیر خود برهنه کننده نیزه

ملبّيًا دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللّهمّ أرني الطلعة الرشيدة والغرّة

اجابت کنان دعوت که میخواند در میان شهری و بادیه نشین خداوندا بنما مرا دیدار رسانیده و [illegible]

الحميدة واكحل ناظري بنظرة منّي إليه وعجّل فرجه وسهّل مخرجه وأوسع منهجه

ستوده و سرمه کش دیده مرا به نگریستن از من بسوی او و بشتابان گشایش او و آسان کن خروج او و [illegible]

واسلك بي محجّته وأنفذ أمره واشدد أزره واعمر اللّهمّ به بلادك وأحي به عبادك

و راهی کن مرا در راه او و روان کن فرمان او و قوی کن پشت او و آباد کن [illegible] شهرهای خود و زنده کن [illegible]

فإنّك قلت وقولك الحقّ ظهر الفساد في البرّ والبحر بما كسبت أيدي الناس فأظهر

پس بدرستی که تو گفته و گفتار تو راست ظاهر شد فساد در خشکی و دریا بسبب آنچه کسب کرده دستهای مردمان [illegible]

اللّهمّ لنا وليّك وابن بنت نبيّك المسمّى باسم رسولك حتّى لا يظفر بشيء من الباطل

خداوندا برای ما دوست خود را و پسر دختر پیغمبر خود که نامیده شده بنام پیغمبر خود تا آنکه دست نیابد بچیزی از باطل

إلّا مزّقه ويحقّ الحقّ ويحقّقه واجعله اللّهمّ مفزعًا لمظلوم عبادك

مگر آنکه زایل کند [illegible] و حق [illegible] و بگردان او را خداوندا پناه برای ستم رسیده بندگان

وناصراً لمن لا يجد له ناصراً غيرك ومجدداً لما عطل من احكام

و یاور برای آنکه نیابد برای خود یاوری غیر تو و تازه کننده مر آنچه را که واگذاشته شده از حکمهای

كتابك ومشيداً لما ورد من اعلام دينك وسنن نبيك صلى الله

کتاب تو و محکم گرداننده مر آنچه را که وارد شده از نشانهای دین تو و طریقهای پیغمبر تو درود فرستاد خدا

عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم

بر او و آل او و بگردان او را خداوندا از آنانکه حفظ کردی او را از شدت ستمکاران خداوندا

وسر نبيك محمداً صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على

و شاد کن پیغمبر خود محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او بدیدن او و هر که پیروی کرد او را بر

دعوته وارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة

خواندن او و رحم کن فروتنی ما را بعد از او خداوندا زایل کن این اندوه را از این امت

بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيداً ونريه قريباً يا ارحم الراحمين

بحاضر شدن او و بشتاب برای ما ظاهر شدن او را بدرستی که ایشان می‌بینند او را دور و می‌بینیم او را نزدیک ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

پس سر بر سجده میگوید العجل یا مولای یا صاحب الزمان در هر دفعه یکمرتبه

دست راست بزانو میزنی و امداد عای ندبه که مشتمل بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت

حضرت قائم عج است بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که سنت است این دعای

ندبه در چهار عید بخوانند یعنی روز جمعه الحمد لله الذي لا اله الا هو

و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر ستایش مر خدای را که نیست خدایی مگر او

وله الحمد رب العالمين وصلى الله على محمد نبيه وآله وسلم تسليما اللهم

و مر او راست ستایش پروردگار جهانیان و درود فرستاد خدا بر محمد پیغمبر او و آل او و درود فرستادن

دعای ندبه در عیدهای اربعه باید خواند



لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك

مر تو راست ستایش بر آنچه جاری شد بآن حکم تو در دوستان تو آنانکه خالص گردانیدی ایشان را برای خود

ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذي لا زوال

و دین خود چون برگزیدی برای ایشان فراوانی آنچه نزد تو است از نعمت دایمی که نیست زوالی

له ولا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا

مر او را و نه نیستی بعد از آنکه شرط کردی بر ایشان زهد را در مرتبهای این دنیا

الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم

پست و زینت آن و آرایش آن پس شرط کردند برای تو آنرا و دانستی از ایشان وفا بآن پس قبول کردی ایشان را

وقربتهم وقدمت لهم الذكر العلي والثناء الجلي واهبطت عليهم

و نزدیک گردانیدی ایشان را و پیش داشتی برای ایشان ذکر بلند و ثنای آشکار را و فرود آوردی بر ایشان

ملائكتك وكرمتهم بوحيك ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذريعة

فرشتگان خود را و گرامی داشتی ایشان را بوحی خود و بخشش نمودی ایشان را بدانش خود و گردانیدی ایشان را

اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض اسكنته جنتك الى ان اخرجته

بسوی تو و وسیله بسوی خوشنودی تو و بعضی را ساکن گردانیدی او را در بهشت خود تا آنکه بیرون کردی او را

منها وبعض حملته في فلكك ونجيته ومن آمن معه من الهلكة

از آن و بعضی را سوار کردی در کشتی خود و نجات دادی او را و هر که ایمان آورد با او از هلاکت

برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلاً وسألك لسان صدق في

برحمت خود و بعضی را فرا گرفتی او را برای خود دوست خالص و سوال کرد از تو زبان راست در

الآخرين فأجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته من شجرة تكليما
در پیشینیان پس اجابت کردی او را و گردانیدی آن را بلند و بعضی را از ایشان سخن گفتی از درخت سخن گفتنی
وجعلت له من أخيه ردءا ووزيرا وبعض أولدته من غير أب وآتيته
و گردانیدی برای او از برادرش یاری و وزیری و بعضی از ایشان متولد گردانیدی او را از غیر پدر و دادی
البينات وأيدته بروح القدس وكل شرعت له شريعة ونهجت
معجزها و قوت دادی او را بروح القدس و برای هر یک ظاهر ساختی راهی و آشکار نمودی
له منهاجا وتخيرت له أوصياء مستحفظا بعد مستحفظ من مدة
برای او طریقه و برگزیدی برای او اوصیا محافظت کننده بعد از محافظت کننده از زمانی
إلى مدة إقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا يزول الحق عن مقره
تا زمانی برای برپا داشتن دین خود را و حجت گرفتنی بر بندگان خود و تا زایل نشود حق از قرارگاه خود
ويغلب الباطل على أهله ولا يقول أحد لولا أرسلت إلينا رسولا
و غالب نگردد باطل بر اهل آن و تا نگوید کسی که چرا نفرستادی به سوی ما رسولی
منذرا وأقمت لنا علما هاديا فنتبع آياتك من قبل أن نذل ونخزى
بیم کننده و برپا نکردی برای ما نشانه راه نماینده پس پیروی کنیم معجزات ترا پیش از آنکه خوار و ذلیل گردیم
إلى أن انتهيت بالأمر إلى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله عليه
تا اینکه رسانیدی کار را به سوی دوست خود و برگزیده خود محمد رحمت فرستاد خدا بر او
وآله فكان كما انتجبته سيد من خلقته وصفوة من اصطفيته وأفضل
و آل او پس بود چنانکه برگزیدی او را بزرگ هرکه آفریدی او را و برگزیده هر که برگزیدی او را و بهتر

من اجتبيته



من اجتبيته وأكرم من اعتمدته قدمته على أنبيائك وبعثته
از هرکه برگزیدی و بزرگوارتر از آنکه اعتماد کردی او را و پیش داشتی او را بر پیغمبران خود و برانگیختی او را
إلى الثقلين من عبادك وأوطأته مشارقك ومغاربك
به سوی جن و انس از بندگان خود و سیر فرمودی او را در مشرقهای خود و مغربهای خود
وسخرت له البراق وعرجت بروحه إلى سمائك وأودعته
و رام کردی برای او براق را و بالا بردی روح او را به سوی آسمان خود و سپردی او را
علم ما كان وما يكون إلى انقضاء خلقك ثم نصرته بالرعب
دانش آنچه بود و آنچه خواهد بود تا منقضی شدن خلق تو پس یاری کردی او را به خوف و ترس
وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك ووعدته
و فرو گرفتی او را به جبرئیل و میکائیل و علامت دارندگان از فرشتگان خود و وعده دادی
أن تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد أن
که غالب کنی دین او را بر دینها همه آن و اگر چه ناخوش دارند مشرکان و این بعد از آنکه
بوأته مبوأ صدق من أهله وجعلت له ولهم أول بيت وضع
فرود آوردی او را جای نیکو از خاندان او و گردانیدی برای او و برای ایشان اول خانه که بنا کرده شد
للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه آيات بينات
برای مردمان آن خانه که در مکه است با برکت و راهنما برای جهانیان در او است معجزهای روشن
مقام إبراهيم ومن دخله كان آمنا وقلت إنما يريد الله ليذهب
از جملهها که اقامتگاه ابراهیم است و هر که درآید در او ایمن باشد و گفتی جز این نیست که می خواهد خدا که ببرد از

عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا وجعلت اجر

از شما گناهان را ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی و گردانیدی مزد

محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت قل لا اسألكم

محمد را رحمتهای خود بر او و آل او دوستی ایشان را در کتاب خود پس گفتی بگو نمیخواهم

عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما سألتكم من اجر فهو

بر آن هیچ مزدی مگر دوستی کردن در خویشاوندان من و گفتی آنچه خواستم از شما هیچ مزدی پس آن

لكم وقلت ما اسألكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه

برای شماست و گفتی نخواستم از شما بر آن هیچ مزدی مگر کسی که خواهد فرا گیرد سوی پروردگار خود

سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك الى رضوانك فلما

راهی پس هستند ایشان راه وصول سوی تو و طریق سلوک سوی خوشنودی تو پس چون

انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابي طالب صلواتك عليهما وآلهما

بپایان رسید روزگار او برپا کرد وصی خود علی پسر ابی طالب را رحمتهای تو بر ایشان و آل ایشان

هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ امامه

راه نماینده چه بود او ترساننده و برای هر گروهی هست راه نماینده پس گفت و گروه پیش او

من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر

هر که هستم من صاحب او پس علی صاحب اوست خداوندا دوست دار هر که دوست دارد او را و دشمن دار هر که دشمن دارد او را

من نصره واخذل من خذله وقال من كنت انا نبيه فعلي اميره

و یاری کن هر که یاری کند او را و خوار کن هر که خوار کند او را پس گفت هر که هستم من پیغمبر او پس علی امیر اوست

وقال انا



وقال انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس من شجر شتى واحله

و گفت من و علی از یک درختیم و دیگر مردمان از درختهای پراکنده و فرود آورد او را

محل هرون من موسى فقال له انت مني بمنزلة هرون من موسى

بجای هرون از موسی پس گفت مر او را تو نسبت بمن بجای هرونی از موسی

الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين

مگر آنکه نیست پیغمبری بعد از من و زن داد به او دختر خود را که بانوی زنان جهانیان

واحل له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه

و حلال گردانید برای او از مسجد خود آنچه حلال بود برای او و ببست درها مگر در او پس سپرد

علمه وحكمته فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد المدينة والحكمة

با او علم خود و حکمت خود را پس گفت من شهر علمم و علی در آنست پس هر که خواهد علم و دانش را

فليأتها من بابها ثم قال انت اخي ووصيي ووارثي لحمك

پس باید بیاید از در او پس گفت تو برادر منی و وصی من و وارث من گوشت تو

لحمي ودمك دمي وسلمك سلمي وحربك حربي والايمان مخالط

گوشت منست و خون تو خون منست و صلح تو صلح منست و جنگ تو جنگ منست و ایمان آمیخته است

لحمك ودمك كما خالط لحمي ودمي وانت غدا على الحوض خليفتي

بگوشت تو و خون تو چنانچه آمیخته است بگوشت و خون من و تو فردا بر سر حوض کوثر جانشین منی

وانت تقضي ديني وتنجز عداتي وشيعتك على منابر من نور مبيضة

و تو ادا میکنی دین مرا و وفا میکنی وعده های مرا و شیعیان تو بر منبرهای از نور سفید

وجوههم حولي في الجنة وهم جيراني ولولا انت يا علي لم يعرف

و جاهای ایشان گرداگرد من در بهشت و ایشان همسایگان منند و اگر نبودی تو ای علی شناخته نشدندی

المؤمنون بعدي وكان بعده هدى من الضلال ونورا من العمى

گروه مؤمنان از پس من و هست بعد از او هدایت کننده از گمراهی و روشنی بخش از کوری

وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم

و رسن محکم خدا و راه او که راست است پیشی کرده نشود در خویشی در رحم

ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة من مناقبه يحذو حذو

و پیشی کرده نشود در دین و رسیده نشود در فضیلتی از فضایل قائم است در مقام

الرسول صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في

رسول رحمت فرستاد خدا بر ایشان و آل ایشان و مقاتله کنند بر تأویل قرآن و فرا نگیرد او را در راه

الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد العرب وقتل ابطالهم و

خدا ملامت ملامت کننده بتحقیق درد داد در راه خدا روسای عرب و کشت دلیران ایشان را و

ناوش ذؤبانهم فاودع قلوبهم احقادا بدرية وخيبرية وحنينية

مقاتله نمود با دزدان ایشان پس ودیعت داد در دلهای ایشان کینهای از جنگ بدر و خیبر و حنین

وغيرهن فاضبت على عداوته واكبت على منابذته حتى قتل الناكثين

و غیر ایشان پس جمع شدند بر دشمنی او و هجوم نمودند در مقاتله او تا اینکه کشت بیعت شکنان

والقاسطين والمارقين ولما قضى نحبه وقتله اشقى الاشقياء

و ستمکاران و خوارج را و چون بپایان رسانید عمر خود و کشت او را بدبخت ترین بدبختان



من الاولين والآخرين يتبع اشقى الاولين لم يمتثل امر

از پیشینیان و پسینیان حال آنکه پیروی می‌نمود بدبخت ترین پیشینیان را بجا آورده نشد فرمان

الرسول الله صلى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين

رسول خدا رحمت فرستاد خدا بر او و آل او در باره راه نمایان پس راه نمایان

والامة مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء

و امت مصر بودند بر دشمنی او و فراهم آمدند بر بریدن خویشاوندی او و دور گردانیدن

ولده الا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل

فرزندان او مگر اندکی از آنکه بجا آورد رعایت حق را در ایشان پس کشته شد آنکه کشته شد

وسبي من سبي واقصي من اقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى

و اسیر کرده شد آنکه اسیر کرده شد و دور گردانیده شد آنکه دور گردانیده شد و روان شد تقدیر خدا برای ایشان

له حسن المثوبة اذ كانت الارض لله يورثها من يشاء من عباده

با آنچه امید داشته می‌شود نیکوی ثواب زیرا که زمین مر خدا راست میراث دهد آنرا بهر که خواهد از بندگان خود

والعاقبة للمتقين وسبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا

و انجام نیک برای پرهیزکاران است و پاکست پروردگار ما که هست وعده پروردگار ما کرده شده

ولن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الاطائب من

و هرگز خلف نمیکند خدا وعده خود را و اوست غالب درست کردار پس بر پاکان از

اهل بيت محمد وعلي صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون

خانواده محمد و علی رحمت فرستد خدا بر ایشان و آل ایشان باید گریه کنند گریه کنندگان

وإيّاهم فليندب النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ

و ایشانرا پس باید نوحه کنند نوحه کنندگان و برای مثل ایشان پس باید روان کرده شود آبها و باید شیون نماید

الصارخون ويضجّ الضاجّون ويعجّ العاجّون أين الحسن أين

شیون کنندگان و ناله کنند ناله کنندگان و صدا بلند کنند صدا بلند کنندگان کجاست حسن و کو

الحسين أين أبناء الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد

حسین و کو پسران حسین شایسته پس از شایسته و راستگوی پس از

صادق أين السبيل بعد السبيل أين الخيرة بعد الخيرة أين

راستگوی و کو راه راستی پس از راه راستی کو برگزیده بر از برگزیده کو

الشموس الطالعة أين الأقمار المنيرة أين الأنجم الزاهرة أين

آفتاب طلوع کننده کجاست ماههای روشن کجاست ستارهای درخشنده کجاست

أعلام الدين وقواعد العلم أين بقيّة الله التي لا تخلو من العترة

نشانهای دین و ستونهای علم کو باقی گذاشته خدا که خالی نشده از عترت

الطاهرة أين المعدّ لقطع دابر الظلمة أين المنتظر لإقامة الأمت والعوج

طاهره کجاست آن مهیا شده برای بریدن بنیاد ستمکاران کجاست منتظر شده برای راست کردن کجی

أين المرتجى لإزالة الجور والعدوان أين المدّخر لتجديد الفرائض

کجاست آرزو داشته برای برطرف کردن ستم و طغیان کجاست آن ذخیره شده برای تازه کردن واجبات

والسنن أين المتخيّر لإعادة الملّة والشريعة أين المؤمّل لإحياء

و مستحبات کجاست آن برگزیده برای برگردانیدن کیش و طریقه کجاست آن آرزو داشته شده برای زنده

الكتاب



الكتاب وحدوده أين محيي معالم الدين وأهله أين قاصم شوكة

کتاب و حدود و احکام آن کجاست زنده سازنده نشانهای دین و اهل آن کجاست درهم شکننده شوکت

المعتدين أين هادم أبنية الشرك والنفاق أين مبيد أهل الفسوق

از حد گذشتگان کجاست خراب کننده بناهای شرک و دورویی کجاست هلاک سازنده اهل فسق

والعصيان والطغيان أين حاصد فروع الغيّ والشقاق أين طامس آثار الزيغ

و گناهکاران و طغیان کنندگان کجاست قطع نماینده شاخهای گمراهی و بدبختی کجاست محو نماینده نشانهای کجی

والأهواء أين قاطع حبائل الكذب والافتراء أين مبيد العتاة و المردة

و خواهشها کجاست برنده ریسمانهای دروغ و افترا کجاست هلاک سازنده گردنکشان

أين مستأصل أهل العناد والتضليل والإلحاد أين معزّ الأولياء

کجاست از بن برکننده اهل ستیزه گران و گمراه نمایندگان و بیدینان کجاست عزیز کننده دوستان

ومذلّ الأعداء أين جامع الكلم على التقوى أين باب الله الذي

و خوار سازنده دشمنان کجاست فراهم آورنده کلمه‌ها بر پرهیزکاری کجاست در شناسایی خدا که

منه يؤتى أين وجه الله الذي إليه يتوجّه الأولياء أين السبب المتّصل

از آن آمده شود کجاست وجه خدا که بسوی او رو میکنند دوستان کجاست وسیله پیوسته

بين أهل الأرض والسماء أين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى

میان اهل زمین و آسمان کجاست صاحب روز فتح و نشر کننده علم هدایت

أين مؤلّف شمل الصلاح والرضا أين الطالب بذحول الأنبياء و

کجاست الفت دهنده پراکندگی شایستگان و خشنودی کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران

أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنِ

فرزندان پیغمبران کجاست طلب کننده خون شهید کربلا کجاست آنکه یاری کرده شده بر کسی

اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ

زیادتی بر او و دروغ بر او بندد کجاست درمانده که اجابت کرده شود که چون بخواند کجاست

الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى

بهتر خلایق صاحب نیکوکاری و پرهیزکاری کجاست پسر پیغمبر برگزیده و پسر علی پسندیده

وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَّاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي

و پسر خدیجه پیشانی سفید و پسر فاطمه زهرا پدرم و مادرم فدای تو باد و جانم

لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ

و مر تراست نگاهداری و حمایت کننده ای پسر بزرگان نزدیکان ای پسر برگزیدگان بزرگواران

يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ يَا ابْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبِينَ يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ

ای پسر راه نمایان راه یافتگان ای پسر برگزیده شدگان پاکیزگان ای پسر بزرگان برگزیدگان

يَا ابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنْتَجَبِينَ يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ

ای پسر پاکیزگان بزرگواران ای فرزند بزرگواران بزرگواران ای فرزند پاکیزگان

الْمُعَظَّمِينَ الْمُطَهَّرِينَ يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ

بزرگواران پاکان ای فرزند ماههای تمام نوربخش ای فرزند چراغهای روشن

يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ يَا ابْنَ

ای پسر ستارهای درخشان ای فرزند گوهرهای روشن ای پسر راههای ظاهر ای



الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ

نشانهای هویدا ای پسر علمهای تمام ای فرزند طریقهای مشهور ای فرزند

الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجِزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ

نشانهای مذکور ای پسر معجزات ثابت ای فرزند دلیلهای گواهی داده

يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ النَّبَإِ الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ

ای فرزند راه راست ای فرزند خبر بزرگ ای فرزند کسی که او در لوح محفوظ

لَدَى اللهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ

نزد خدای بلند مرتبه ای فرزند نشانهای قدرت ای فرزند دلیلهای روشن

يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ

ای پسر برهانهای روشن آشکار و ظاهر ای پسر حجتهای رسای کامل ای فرزند

النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طه وَالْمُحْكَمَاتِ يَا ابْنَ يس وَالذَّارِيَاتِ يَا ابْنَ

نعمتهای تمام کامل ای فرزند طه و آیات محکمات ای فرزند یس و ذاریات ای فرزند

الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى

طور و عادیات ای فرزند آنکه نزدیک شد پس نزدیک بود قرب و مانند دو کمان

دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى

نزدیکی و قرب بجای بلند مرتبه بلند تر کاشکی دانستمی کجاست که قرار کرده ترا قصد

بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ أَوْ ثَرَى أَبِرَضْوَى أَمْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوًى

بلکه کدام زمین رسیده ترا یا کدام خاک کشاک برضوان یا غیر آن یا ذی طوی

عزيز علي أن أرى الخلق ولا ترى ولا أسمع لك حسيسا ولا نجوى

مشکل و گران است بر من اگر ببینم خلق را و دیده نشوی تو و نشنوم از تو آوازی و نه رازی

عزيز علي أن تحيط بك دوني البلوى ولا ينالك مني ضجيج و

گران است بر من اینکه فرا گیرد مرا بی حضور تو محنت و نه رسد ترا از من فریادی و

لا شكوى بنفسي أنت من مغيب لم يخل منا بنفسي أنت من نازح

نه شکایتی فدای تو گردم پنهان گردیده که خالی نیست از ما فدای تو گردم دوری که

ما نزح عنا بنفسي أنت أمنية شائق يتمنى من مؤمن ومؤمنة

که دور نمیشد از ما فدای تو گردم آرزوی خواهشمندی که آرزوی آن دارند از گرونده مرد و زن [illegible]

ذكرا فحنا بنفسي أنت من عقيد عز لا يسامى بنفسي أنت من أثيل

که یاد کنند پس مشتاق شوند فدای تو گردم از بسته عزتی که همسری کرده نشود فدای تو گردم [illegible]

مجد لا يجارى بنفسي أنت من تلاد نعم لا تضاهى بنفسي أنت من

نعمتهایی که ستاده نشود فدای تو گردم دهنده نعمتهایی که ستاده نشود فدای تو گردم از

نصيف شرف لا يساوى إلى متى أحار فيك يا مولاي وإلى متى

همت [illegible] که برابر کرده نشود تا کی [illegible] درباره تو ای آقای من و تا کی

وأي خطاب أصف فيك وأي نجوى عزيز علي أن أجاب دونك

و کدام خطاب [illegible] ترا و کدام راز گرانست بر من که جواب [illegible] مرا غیر از تو

وأناغى عزيز علي أن أبكيك ويخذلك الورى عزيز علي أن يجري

و [illegible] گرانست بر من که گریه کنم ترا و خذلان [illegible] ترا [illegible] گرانست بر من آنچه جاری شود





عليك دونهم ما جرى هل من معين فأطيل معه العويل والبكاء

بر تو نه ایشان آنچه جاری شد آیا هست هیچ مددگاری پس دراز کنم با او فغان [illegible] و گریه را

هل من جزوع فأساعد جزعه إذا خلا هل قذيت عين فساعدتها

آیا هست هیچ جزع کننده که یاری کنم جزع او را چون تنها شود آیا [illegible] خود در چشمی [illegible]

عيني على القذى هل إليك يا ابن أحمد سبيل فتلقى هل يتصل

دیده من بر [illegible] آیا هست بسوی تو ای پسر احمد راهی پس [illegible]

يومنا منك بعدة فنحظى متى نرد مناهلك الروية فنروى

روز ما [illegible] وارد شویم چشمه [illegible] ترا [illegible]

متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى متى نغاديك

کی [illegible]

ونراوحك فنقر عيوننا عينا متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء

[illegible]

النصر ترى أترانا نحف بك وأنت تؤم الملأ وقد ملأت الأرض

[illegible]

عدلا وأذقت أعداءك هوانا وعقابا وأبرت العتاة وجحدة الحق

[illegible]

وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت أصول الظالمين ونحن نقول الحمد

[illegible]

لله رب العالمين اللهم انت كشاف الكرب والبلوى واليك

مر خدا را پروردگار جهانیان خداوندا تویی زایل کننده اندوه و زحمت و بسوی تو

استعدي فعندك العدوى وانت رب الآخرة والاولى فاغث

یاری میجوییم پس نزد تست یاری و تویی پروردگار آن جهان و این جهان

يا غياث المستغيثين عبدك المبتلى وارِه سيده يا شديد القوى

ای فریادرس فریاد طلبان بنده خود را که گرفتار شده در بلا بنما او را آقای او را

وازل عنه به الاسى والجوى وبرد غليله يا من على العرش استوى

و زایل کن از آن خواری و اندوه و سرد کن سوزش سینه او را ای آنکه بر عرش مستولی است

ومن اليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك التائقون الى

و ای آنکه بسوی او بازگشت و منتهی شدن خداوندا ما بندگان تو مشتاقانیم بسوی

وليك المذكر بك وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذا واقمته

دوست تو که بیاد آورنده است ترا و پیغمبر ترا آفریدی او را برای ما نگاه دارنده و پناه و بر پا داشتی او را

لنا قواما ومعاذا وجعلته للمؤمنين منا اماما فبلغه منا

برای ما وسیله و پناه گردانیدی او را برای گروندگان از ما پیشوا پس برسان او را از ما

وسلاما وزدنا بذلك يا رب اكراما واجعل مستقره لنا مستقرا ومقاما و

و سلام و زیاده کن ما را بسبب آن ای پروردگار ما گرامی و بگردان جای او را برای ما جای قرار و اقامت گاه

اتمم نعمتك بتقديمك اياه امامنا حتى توردنا جنانك ومرافقة

و تمام کن نعمت خود را به پیش داشتن تو او را پیش ما تا آنکه فرود آوری ما را در بهشتهای خود و رفاقت





الشهداء من خلصائك اللهم صل على حجتك وولي امرك وصل

شهیدان از بندگان خالص تو خداوندا رحمت فرست بر حجت خود و خداوند امر خود و رحمت فرست

على جده محمد رسولك السيد الاكبر وصل على علي ابيه السيد القسور

بر جد او محمد رسول تو که بزرگ و بزرگوار است و رحمت فرست بر علی پدر بزرگوار او شیر

وحامل اللواء في المحشر وساقي اوليائه من نهر الكوثر والامير على

و بردارنده علم حمد او در روز محشر و آب دهنده دوستان خود از جوی کوثر و پادشاه

سائر البشر الذي من آمن به فقد ظفر ومن لم يؤمن به فقد خطر

همه آدمیان آنکه هر که ایمان آورد به وی پس بتحقیق فیروزی یافت و هر که ایمان نیاورد به او پس بتحقیق در خطر افتاد

وكفر صلى الله عليه وعلى اخيه وعلى نجلهما الميامين الغرر

و کافر شد درود فرستاد خدا بر او و بر برادر او و بر فرزندان ایشان که با برکت و روشن اند

ما طلعت شمس وما اضاء قمر وعلى جدته الصديقة الكبرى

مادام که بر آید آفتاب و مادام که روشنی بخشد ماه و بر جده او که راستگوی بزرگتر

فاطمة الزهراء بنت محمد المصطفى وعلى من اصطفيت من آبائه البررة

فاطمه زهرا دختر محمد برگزیده و بر آنکه برگزیدی از پدران نیکوکاران او

وعليه افضل واكمل واتم وادوم واكثر واوفر ما صليت على احد

و بر او بهتر و کاملتر و تمامتر و دائمتر و بیشتر و تمامتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی

من اصفيائك وخيرتك من خلقك وصل عليه صلوة لا غاية لعددها

از برگزیدگان تو و اختیار کرده شدگان تو از خلق تو و رحمت فرست بر او رحمتی که نهایت نباشد شمار آن را

ولا نهاية لمدّها ولا نفاد لأمدها اللهم وأقم به الحق وأدحض به

و آخری برای مدد آن و زائل شدنی برای مدت آن ... و برپا دار به او حق را و نیست کن به او

الباطل وأعزّ به أولياءك وأذلل به أعداءك وصل اللهم بيننا وبينه

باطل را و غالب کن به او دوستان خود را و خوار کن به او دشمنان خود را و وصل کن میان ما و میان او

وصلة تؤدّي إلى مرافقة سلفه واجعلنا ممّن يأخذ بحجزتهم و

پیوسته که برساند سوی رفاقت پدران او و بگردان ما را از آنکه چنگ زنند دامان ایشان را و

يمكث في ظلّهم وأعنّا على تأدية حقوقه إليه والاجتهاد في طاعته

قرار داده شوند در سایه ایشان و یاری کن ما را بر ادای حقوق او به سوی او و کوشش نمودن در فرمان برداری او

والاجتناب عن معصيته وامنن علينا برضاه وهب لنا رأفته ورحمته

و دوری نمودن از نافرمانی او و منت گذار بر ما به خشنودی او و ببخش برای ما مهربانی او و بخشش او

ودعاءه وخيره ما ننال به سعة من رحمتك وفوزًا عندك واجعل

و دعای او و خیر او آنچه برسیم به آن گشادگی از رحمت خود و فیروزی نزد تو و بگردان

به صلاتنا مقبولة وذنوبنا به مغفورة ودعاءنا به مستجابًا واجعل أرزاقنا

به او نماز ما را پذیرفته و گناهان ما را به سبب او آمرزیده و دعای ما را به سبب او اجابت کرده و بگردان روزیهای ما

به مبسوطة وهمومنا به مكفيّة وحوائجنا به مقضيّة وأقبل إلينا

... گسترده شده و همهای ما به سبب او دفع گشته شده و حاجتهای ما را ... و رو کن به سوی ما

بوجهك الكريم واقبل تقرّبنا إليك وانظر إلينا نظرة رحيمة نستكمل

روی رحمت بزرگوار خود و بپذیر نزدیکی جستن ما به سوی تو و بنگر به سوی ما نگرستن با مهربانی که کامل ...





بها الكرامة عندك ثم لا تصرفها عنّا بجودك واسقنا من حوض

به آن نوازش را نزد تو پس بازمگردان آن نظر را از ما ... خود و سیراب کن ما را از حوض

جدّه صلّى الله عليه وآله بكأسه وبيده ريًّا رويًّا هنيئًا سائغًا لا

جد او رحمت فرستاده خدا بر او و آل او به جام او و به دست او سیرابی ... گوارا ... خوش آینده که

ظمأ بعده يا أرحم الراحمين وأمّا طريقة صلوات فرستادن بر ايشان

طریقه صلوات فرستادن بر چهارده معصوم علیهم السلام

تشنگی پس از آن ای بخشاینده ترین بخشایندگان طریق سیم صلوات روایت کرده است که عبد الله

بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری که املا نما

بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اوصیای آنحضرت صلوات

الله علیهم و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بر من املا نمود بی

آنکه از کتابی املا اللهم صل على محمد وآل محمد كما حمل وحيك وبلّغ

في المواضع العشرة كلها

کند با من نحو که ... رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه برداشت وحی ترا و رسانید

رسالاتك وصلّ على محمد كما أحلّ حلالك وحرّم حرامك وعلّم

رسالت ترا و رحمت فرست بر محمد چنانچه حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و آموخت

كتابك وصلّ على محمد كما أقام الصلاة وآتى الزكاة ودعا إلى دينك

کتاب ترا و رحمت فرست بر محمد چنانچه بپا داشت نماز را و داد زکوة را و خواند به سوی دین تو

وصلّ على محمد كما صدّق بوعدك وأشفق من وعيدك وصلّ على

و رحمت فرست بر محمد چنانکه باور کرد وعده ترا و ترسید از وعید تو و رحمت فرست

محمد كما غفرت به الذنوب وسترت به العيوب وفرّجت به الكروب

بر محمد چنانکه آمرزیدی به سبب او گناهان را و پوشانیدی به سبب او عیبها را و زایل کردی به سبب او اندوهها را

وصلّ على محمد كما دفعت به الشقاء وكشفت به الغماء واجبت به

و درود فرست بر محمد چنانچه دور کردی بسبب آن بدبختی را و زایل کردی بسبب او اندوه را و قبول کردی بسبب او

الدعاء ونجيت به من البلاء وصلّ على محمد كما رحمت به العباد و

دعا را و رهانیدی بسبب او از بلا و درود فرست بر محمد چنانچه رحمت کردی بسبب او بندگان را و

احييت به البلاد وقصمت به الجبابرة واهلكت به الفراعنة

زنده گردانیدی بسبب او شهرها را و درهم شکستی بسبب او گردنکشان را و هلاک کردی بسبب او فرعونان را

وصلّ على محمد كما اضعفت به الاموال واحرزت به من الاهوال

و درود فرست بر محمد چنانچه دو چندان کردی بسبب او مالها را و رهانیدی بسبب او از ترسها

وكسرت به الاصنام ورحمت به الانام وصلّ على محمد كما بعثته

و شکستی بسبب او بتها را و بخشش نمودی بسبب او آدمیان را و درود فرست بر محمد چنانچه فرستادی او را

بخير الاديان واعززت به الايمان وتبرت به الاوثان وعظمت به البيت

بهترین دینها و غالب گردانیدی بسبب او ایمان را و درهم شکستی بسبب او بتها را و بزرگ گردانیدی بسبب او خانهٔ

الحرام وصلّ على محمد واهل بيته الطاهرين الاخيار وسلّم تسليما

محترم را و درود فرست بر محمد و اهل بیت او که پاکان نیکوکاران‌اند و درود فرست درود فرستادنی

اللهم صلّ على علي امير المؤمنين علي بن ابي طالب اخي نبيك و

بار خدایا رحمت فرست بر علی پادشاه گروندگان علی پسر ابی‌طالب برادر پیغمبر تو و

وليه ووصيه ووزيره ومستودع علمه وموضع سره وباب حكمته

دوست او و وصی او و وزیر او و جای سپردن علم او و جایگاه راز او و در حکمت او

الناطق بحجته



والناطق بحجته والداعي الى شريعته وخليفته في امته ومفرّج

و گویا بحجت او و خواننده بسوی شریعت او و جانشین او در امت او و زایل کنندهٔ

الكرب عن وجهه قاصم الكفرة ومرغم الفجرة والذي جعلته

اندوهها از پیش روی او و شکننده کافران و خوار کننده بدکاران و آنکه گردانیدی او را

من نبيك بمنزلة هارون من موسى اللهم وال من والاه وعاد

نسبت به پیغمبر خود بمنزلهٔ هارون از موسی خداوندا دوست دار آنکه دوست دارد او را و دشمن دار

من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله والعن من نصب

آنکه دشمن دارد او را و یاری کن آنکه یاری کند او را و خوار کن آنکه خوار دارد او را و لعنت کن آنکه دشمنی کند

له من الاولين والآخرين وصلّ عليه افضل ما صليت على

با او از پیشینان و پسینیان و درود فرست بر او بهتر آنچه رحمت فرستادی بر

احد من اوصياء انبيائك يا رب العالمين اللهم صلّ على الصديقة

یکی از اوصیای پیغمبران خود ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر راستگوی

فاطمة الزكية حبيبة حبيبك ونبيك وامّ احبائك واصفيائك

فاطمه پاک دوست داشته شده دوست تو و پیغمبر تو و مادر دوستان تو و برگزیدگان

التي انتجبتها وفضلتها واخترتها على نساء العالمين اللهم كن الطالب

که برگزیدی او را و افزونی دادی او را و برگزیدی او را بر زنان جهانیان خداوندا باش طلب کننده

لها ممن ظلمها واستخف بحقها وكن الثائر اللهم بدم اولادها اللهم

برای او از آنکه ستم کرد او را و سبک کرد حق او را و باش طلب کننده خداوندا خون فرزندان او خداوندا

كما جعلتها أمّ الأئمة الهدى وحليلة صاحب اللواء والكرامة

چنانچه گردانیدی او را مادر پیشوایان راه راست و زن صاحب علم محمد و بزرگوار

عند الملأ الأعلى فصل عليها وعلى أمها خديجة الكبرى صلوة

نزد بزرگوار محل برتر پس رحمت فرست بر آن و بر مادران خدیجه کبری رحمتی

تكرم بها وجه أبيها محمد صلى الله عليه وآله وتقر بها أعين

گرامی داشتی بدان روی پدر او محمد رحمت فرستاده خدا بر او و آل او و روشن کنی بدان دیدهای

ذريتها وأبلغهم عني في هذه الساعة أفضل التحية والسلام اللهم

فرزندان او را و برسان ایشان را از من درین ساعت بهترین درودها و سلام خداوندا

صل على الحسن والحسين عبديك ووليك وابني رسولك وسبطي

رحمت کن بر حسن و بر حسین دو بنده تو و دو دوست تو و دو فرزند پیغمبر تو و دو فرزندزاده

الرحمة وسيدي شباب أهل الجنة أجمعين أفضل ما صليت على أحد

رحمت تو و دو بزرگ جوانان اهل بهشت بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی

من النبيين المرسلين اللهم صل على الحسين بن علي سيد النبيين

از پیغمبران و فرستادگان خداوندا رحمت فرست بر حسین پسر علی بزرگ پیغمبران

الوصيين ووصي أمير المؤمنين السلام عليك يا ابن رسول الله السلام

و وصی پادشاه گروندگان درود بر تو ای پسر پیغمبر خدا درود

عليك يا ابن سيد الوصيين أشهد أنك يا ابن أمير المؤمنين أمين الله

بر تو ای بزرگ وصیها گواهی میدهم بدرستی که تو پسر پادشاه گروندگانی امانتدار

وابن امینه



وابن أمينه عشت مظلوما ومضيت شهيدا وأشهد أنك الإمام

و پسر امانتدار او زندگانی کردی ستم رسیده و گذشتی شهید شده و گواهی میدهم که بدرستی که تو امام

الزكي الهادي المهدي اللهم صل عليه وبلغ روحه وجسده عني

پاک راه نمایی راه یافته خداوندا رحمت فرست بر او و برسان روح او و جسد او از من

في هذه الساعة أفضل التحية والسلام اللهم صل على الحسين بن

درین ساعت بهترین درود و سلامی خداوندا رحمت کن بر حسین پسر

علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة السلام عليك

علی ستم رسیده شهید کشته کافران و افکنده شده بدکاران سلام بر تو

يا أبا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك

ای ابا عبد الله درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو

يا ابن أمير المؤمنين أشهد موقنا أنك أمين الله وابن أمينه قتلت

ای پسر پادشاه گروندگان گواهی میدهم از روی یقین که تو امین خدایی و پسر امین اویی کشته شدی

مظلوما ومضيت شهيدا وأشهد أن الله تعالى الطالب بثارك

ستم رسیده و گذشتی شهید شده و گواهی میدهم که خدای جوینده طلب کننده است خون تو

ومنجز ما وعدك من النصر والتأييد في هلاك عدوك وإظهار دعوتك

و روا کننده است آنچه وعده داده ترا از یاری کردن و قوت دادن در هلاک کردن دشمن تو و ظاهر ساختن دعوت تو

وأشهد أنك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت

و گواهی میدهم بدرستی که تو وفا کردی به پیمان خدا و جهاد کردی در راه خدا و بندگی کردی

الله مخلصا حتى أتاك اليقين لعن الله أمة قتلتك ولعن الله

خدا را از روی اخلاص تا آمد ترا امر مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا

أمة ظلمتك خذلتك ولعن الله أمة ألبت عليك وأبرأ إلى الله

امتی را که ... خوار کرده ترا و لعنت کند خدا امتی را که جمع شدند در محاربه تو و بیزاری میجویم بسوی خدا

تعالى ممن أكذبك واستخف بحقك واستحل دمك بأبي أنت وأمي

که بیزارست از آنکه بدروغ نسبت داد ترا و سبک شمرد حق ترا و حلال دانستند خون ترا پدرم و مادرم فدای تو

يا أبا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع

ای ابا عبد الله لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا خوار سازنده ترا و لعنت کند خدا آنکه را

داعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله من سبى نساءك أنا إلى الله

شنید ندای ترا پس اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا آنرا که اسیر کرد زنان ترا من بسوی خدا

منهم بريء وممن والاهم وأعانهم عليه أشهد أنك والأئمة من

از ایشان بیزارم و از آنکه دوست داشت ایشان را و مدد کرد ایشان را بر آن گواهی میدهم که تو و پیشوایان از

ولدك كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة على أهل

فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و در راه یافتگی و دست آویز محکم و حجت بر اهل

الدنيا وأشهد أني بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي

دنیا و گواهی میدهم که من بشما گرویده ام و بمنزلت شما یقین دارم و شما را پیروی کننده ام

وشرائع ديني وخواتيم عملي ومنقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على

و طریقهای دین خود و آخرهای کردار خود و بازگشت خود در دنیای خود و آخرت خود خداوندا رحمت فرست

ابن الحسین



ابن الحسين سيد العابدين الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه

پسر حسین بزرگ عبادت کنندگان آنکه خالص گردانیدی برای ذات خود و گردانیدی از او

أئمة الهدى الذين يهدون بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته

پیشوایان راه نمایی که راه نمایی کنند براستی و بان عدل کنند اختیار کردی او را برای ذات خود

من الرجس واصطفيته وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه أفضل

از گناه و برگزیدی او را و گردانیدی او را راه نمای راه یافته خداوندا پس رحمت فرست بر او بهتر

ما صليت على أحد من ذرية أنبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه

آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبر خود تا آنکه برسانی او را بآنچه روشن شود باو چشم او

في الدنيا والآخرة إنك عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم

در دنیا و آخرت بدرستی که تو غالبی درست کرداری خداوندا رحمت فرست بر محمد پسر علی

وإمام الهدى وقائد أهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته

و پیشوای راه راست و پیشرو پرهیزکاران و برگزیده شده از بندگان تو خداوندا و چنانچه گردانیدی او را

علما لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك

علم برای بندگان خود و روشنی برای شهرهای خود و ودیعتگاه علم و حکمت و بیان کننده وحی

وأمرت بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب أفضل

و امر کردی به فرمان بردن او و ترسانیدی از نافرمانی او پس رحمت فرست بر او ای پروردگار من بهترین

ما صليت على أحد من ذرية أنبيائك وأصفيائك ورسلك و

آنچه درود فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبران خود و برگزیدگان خود و پیغمبران خود

أمنائك يا رب العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق

و امینان خودای پروردگار عالمیان خداوندا رحمت کن بر جعفر پسر محمد صادق

خازن العلم الداعي إليك بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته

و خزینه داران علم خواننده بسوی تو و دلیل بر حق روشن هویدا خداوندا و چنانچه گردانیدی او را

معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك وولي

قرارگاه کلام خود و وحی خود و خزینه داران علم خود و زبان یکتاپرستی خود و خداوند

أمرك ومستحفظ دينك فصل عليه أفضل ما صليت على أحد من

فرمان خود و نگاه دارنده دین خود پس رحمت فرست بر او بهتر آنچه درود فرستادی بر یکی از

أصفيائك وحججك إنك حميد مجيد اللهم صل على الأمين المؤتمن

برگزیدگان خود و حجت خود بدرستی که تو ستوده بزرگواری خداوندا رحمت فرست امانت داده شده

موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد

موسی پسر جعفر نیکوکار وفاکار پاک پاکیزه روشن هویدا کوشش نماینده

المحتسب الصابر على الأذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه ما استودع

با اخلاص شکیبا کشنده بر آزار در راه تو خداوندا و چنانچه رسانید آنچه سپرده بود از آبای خود

من أمرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد أهل العزة والشدة فيما كان

از امر تو و نهی تو و داشت بر راه راست و رنج کشید از اهل غلبه و شدت در آنچه بود

يلقى من جهال قومه رب فصل عليه أفضل وأكمل ما صليت على أحد

که میدید از جهل داران قوم خود پروردگارا پس رحمت کن بر او بهتر و کاملتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی



ممن أطاعك ونصح لعبادك إنك غفور رحيم اللهم صل على علي

از آنکه فرمانبرداری تو کرد و پند داد مر بندگان را بدرستی که تو آمرزنده مهربانی خداوندا رحمت فرست بر علی

بن موسى الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك

پسر موسی که پسندیدی او را و خوشنود ساختی او را که خواستی از خلق خود

اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائماً بأمرك وناصراً لدينك

خداوندا و چنانچه گردانیدی او را حجت بر خلق خود و قیام نماینده امر خود و یاری کننده دین

وشاهداً على عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا

و گواه بر بندگان خود و چنانچه پند داد مر ایشان را در پنهان و آشکار و خوانده

إلى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه أفضل ما

بسوی راه تو بدلیل محکم و پند نیکو پس رحمت کن بر او بهتر آنچه

صليت على أحد من أوليائك وخيرتك من خلقك إنك جواد

رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود و برگزیدگان خود از خلق خود که تو بخشنده

كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى

بزرگواری خداوندا رحمت کن بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزگاری و روشنائی

ومعدن الوفاء وفرع الأزكياء وخليفة الأوصياء

و قرارگاه وفا و شاخه پاکان و جانشین اوصیا

وأمينك على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت

و معتمد تو بر وحی تو خداوندا و چنانچه راه نمائی کردی بدان از گمراهی و رهانیدی

بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَاَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدٰى وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّٰى فَصَلِّ عَلَيْهِ

بدان از حیرت و راه نمودی بان او آنکه راه یافته و پاک گردانیدی بوی او آنکه پاک گردیده پس رحمت کن بر

اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّةِ اَوْصِيَائِكَ اِنَّكَ

بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود و بر بقیه اوصیای خود بدرستیکه تو

عَزِيزٌ حَكِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْاَوْصِيَاءِ وَاِمَامِ الْاَتْقِيَاءِ

غالب درست کرداری خداوندا رحمت کن بر علی پسر محمد وصی اوصیا و امام پرهیزکاران

وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا

و جانشین پیشوایان دین و حجت بر آفریدگان همگی خداوندا چنانچه گردانیدی او را

يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَاَنْذَرَ بِالْاَلِيمِ مِنْ

که روشنائی میجویند بان گروه مؤمنان پس مژده داد او از ثواب تو و ترسانید مردمان را از

عِقَابِكَ وَحَذَّرَ بَاْسَكَ وَذَكَّرَ بِآيَاتِكَ وَاَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ

عقاب تو و بیم فرمود از عذاب تو و یاد آوری نمود بآیات تو و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا

وَبَيَّنَ شَرَائِعَكَ وَفَرَائِضَكَ وَحَضَّ عَلٰى عِبَادَتِكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَ

و ظاهر ساخت طریقهای ترا و فریضهای ترا و ترغیب کرد بر پرستش تو و امر فرمود بفرمان برداری تو

نَهٰى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ

نهی کرد از نافرمانی تو و رحمت کن برو بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان

وَذُرِّيَّةِ اَنْبِيَائِكَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

و فرزندان پیغمبران خود ای خدای جهانیان خداوندا رحمت فرست بر حسن پسر علی

البر التقي الصادق



الْبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيءِ خَازِنِ عِلْمِكَ وَالْمُذَكِّرِ

نیکوکار پرهیزکار راستگو وفا کننده روشنائی روشن خزینه دار علم خود و یاد آورنده

بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ اَمْرِكَ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ

بیگانگی خود و متولی امر تو و جانشین پیشوایان دین که راه نمایان راه یافتگان اند

وَالْحُجَّةِ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ

و حجت بر اهل دنیا پس رحمت فرست بر آن ای پروردگار بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی

مِنْ اَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ وَاَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ

از برگزیدگان خود و حجتهای تو و فرزندان فرستادگان تو ای خدای جهانیان خداوندا

صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ

رحمت کن بر دوست خود و پسر دوستان خود آنکه واجب کرده طاعت ایشان را و واجب کردی

حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ

حق ایشان را و بردی از ایشان گناه و پاک گردانیدی ایشان را پاک گردانیدنی خداوندا یاری کن او را

وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ

و انتقام بکش بان برای دین خود و یاری کن بان دوستان خود و دوستان او و پیروان او و یاران او

وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ

و بگردان ما را از ایشان خداوندا پناه ده او را از بدی هر ستمکاری و گردنکشی و از بدی همه آفریدگان

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ

و نگاه دار او را از پیش رو و از پس پشت و از جانب راست او و از جانب چپ او و

وامنعه من ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه آلک واظهر به العدل

و بازدار او را از اینکه رسانیده شود بسوی او بدی و رعایت کن در او ... [illegible]

وایده بالنصر وانصر ناصریه واخذل خاذلیه واقصم به جبابرة

و مدد کن او را بیاری نمودن و یاری کن یاری کنندگان او را و فرو گذار فرو گذارندگان او را و درهم شکن بسبب او گردنکشان

الکفر واقتل به الکفار والمنافقین وجمیع الملحدین حیث کانوا من

کافر [illegible] و بکش بسبب او کافران و منافقان و همه بی دینان را هر جا که بوده باشند از

مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض عدلا

جاهای بیرون آمدن آفتاب و جاهای فرو رفتن آن و بیابان آن و دریای آن و پر کن باو زمین را از روی عدل

واظهر به دین نبیک علیه وآله السلام واجعلنی اللهم من انصاره

و ظاهر کن باو دین پیغمبر خود را [illegible] و بگردان مرا خدایا از یاوران او

واعوانه واتباعه وشیعته وارنی فی آل محمد ما یاملون وفی عدوهم

و مددکاران او و پیروان او و گروه او و بنما مرا در حق آل محمد آنچه را [illegible] و در باره دشمنان

ما یحذرون اله الحق آمین **باب دوازدهم** در بیان نمازهای واجب و سنت

[illegible] که مخصوص روزی و ماهی نیست و

نمازهای سنتی که اختصاص بوقتی ندارد و اعمالی که بغیر ماهها [illegible]

تعلق دارند و در آن هشت فصل است **فصل اول** در بیان نماز آیات است بدانکه

این نماز واجب است نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض

و نزد زلزله که زمین بلرزد و مشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث

در بیان نمازهای واجب
و سنت که مخصوص
روزی و ماهی نیست



در بیان نماز کسوف
و خسوف و زلزله

شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند

بادهای بسیار شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد و خواه

نباشد و صاعقه‌های عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن هوا و

امثال آن و این قول اقوی است و کیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز

آفتاب گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا از جهت آنکه واجب است برای رضای

خدا قربة الی الله تعالی پس تکبیر احرام بگوید و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند

پس سر بردارد و سنت است که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد و سوره

بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم سر بردارد و

سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخیزد

و یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اولی و در سر برداشتن از رکوع دهم

بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از

سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعاده

حمد نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها و بیک حمد که در

رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت دوم بیک حمد و سوره چنین

که تفریق کند اکتفا میتواند نمود و بهتر آنست که بطریق اول بکند و بده حمد

و ده سوره بجا آورد و اگر وقت تنگ نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف

ابتدای گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد

فقیر و جمعی از محققین آنست تا تمام منجلی نشود و قضا نیست و نماز زلزله و آیات که

وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر ادا است و اگر کسی ترک کند نماز
مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره و مشهور میان علما آنست که قضا میکند
این نماز را مطلقا و جمعی گفته اند که بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست
مادام که تمام قرص نگرفته باشد و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت
بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضای کسوف واجب نیست مگر آنکه تمام
قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجب است قضا مطلقا و قول اول اقوی و ثانی
احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت بجا آورد و طول بدهند
بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد
اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است و بعضی واجب دانسته اند و مستحب است
سوره های طولانی تا وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قراءت و مستحب
قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام
زلزله مکرر این آیه بخواند مناسب است إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا
و از حضرت امام رضا که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود

کیفیت نماز باران

**فصل دوم** در بیان نماز استسقا است یعنی نماز طلب باران در وقتی که باران
کم آید و آب چاهها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد
و بجماعت باید کرد و در قنوتها بجای طلب رحمت و استغفار باید کرد و طلب باران نماید
کرد و بهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفه کامله است و اکثر گفته اند که وقتش …



طلوع آفتاب است تا زوال و باید امام امر کند مردم را سه روز روزه بدارند و روز
سیم ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه و بصحرا
بیرون روند پای برهنه با سکینه و وقار و مؤذنان عصاها بدست گرفته
پیش روی امام بروند و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا
بگرداند بآنکه جانب راست بجانب چپ آورد و جانب چپ را بجانب راست پس
رو بقبله کند و باواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید و بجانب راست بگردد و
صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد و صد مرتبه لا اله الا الله
بگوید پس رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و گفته اند مردم در ذکرها
موافقت کنند با او نه در گشتن پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند و استغفار و دعا
و طلب رحمت و خطبهای منقوله بهتر است و دور نیست که اگر دعاهای …

کیفیت نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله

خطبه بخواند باز خوب باشد **فصل سیم** در بیان نماز حضرت رسول
از حضرت امام رضا روایت کرده است که ابو حمزه سؤال کرد از نماز
جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول شاید حضرت رسول
نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس
آن نماز را تعلیم من کن حضرت فرمود دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت یکمرتبه
حمد و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن
و در سجده اول و سر برداشتن و در سجده دوم و سر برداشتن هر یک پانزده
مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میگویی و چون فارغ شدی

دعا بعد از نماز رسول صلعم

میان تو و خدا گناهی نمی‌ماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجت که طلبی

روا است و بعد از لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا

ادا این دعا میخوانی نیست خدایی پرستش کرده شده بحق مگر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ما نیست خدایی

الله الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه

خدا خدای یگانه و ما مر او را گردن نهندگانیم نیست خدایی مگر خدا نمی‌پرستیم مگر او را [illegible]

له الدین و لو کره المشرکون لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده

[illegible]

و نصر عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له

[illegible]

و هو علی کل شیء قدیر اللهم انت نور السموات و الارض و من فیهن

[illegible] توی روشنایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست

فلک الحمد و انت قیام السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد

پس مر تراست [illegible] و تویی پا دارنده آسمانها و زمین و هر که در آنهاست پس مر تراست ستایش

و انت الخالق و وعدک الحق و قولک الحق و انجازک حق و الجنة

و تویی آفریننده و وعده تو راست است و گفتار تو راست است و وفا کردن تو به وعده حق است

حق و النار حق اللهم لک اسلمت و بک امنت و علیک توکلت و بک

حق و دوزخ حق خداوندا مر ترا گردن نهاده‌ام و بتو گرویده‌ام و بر تو توکل نموده‌ام و بتو

خاصمت و الیک حاکمت یا رب یا رب یا رب اغفر لی ما قدمت و ما اخرت

[illegible]

و اسررت



و اسررت و اعلنت انت الهی لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد

و پنهان کردم و آشکار کردم تویی خدای من نیست خدایی مگر تو رحمت فرست بر محمد و آل محمد

و اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم مؤلف گوید که این نماز

و بیامرز مرا و رحم کن مرا و توبه [illegible] بدرستیکه تویی توبه پذیرنده مهربان از نمازهای مشهور است

و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی این نماز را از نمازهای

روز جمعه شمرده‌اند و از روایت اختصاص معلوم نمیشود و ظاهر اند در سایر ایام

توان کرد **فصل چهارم** در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است ابن بابویه

و عیاشی و شیخ و دیگران **بسندهای صحیح و حسن و معتبر** بسیار از حضرت امام جعفر صادق

روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر

رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله بخواند چون فارغ شود میان او و حق

گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق

روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین بجا آورد

از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجتش

روا کرده شود در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند چون

فارغ شود این دعا سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص

بخواند که تسبیح حضرت فاطمه است پاک و منزه است آنکه پایان [illegible] آنکه کم [illegible]

خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان

[illegible]

فصل چهارم در نماز حضرت امیر المؤمنین

[illegible]

من لا انقطاع لمدته سبحان من لا يشارك احداً في امره سبحان من لا

آنکه نیست بریدگی برای مدت آن پاکست آنکه شریک نگیرد احدی را در کار او و پاکست آنکه نیست خدای غیر

اله غيره ليس ان يا من عفى عن السيئات ولم يجازِ بها ارحم عبدك

او ای درگذرنده از بدیها و پاداش نداده بآنها رحم کن بنده خود را

يا الله يا الله نفسي نفسي انا عبدك يا سيداه انا عبدك بين يديك

ای خدا ای خدا نفس من نفس من منم بنده تو ای بزرگ من منم بنده تو در پیش تو

يا رباه الهي بكينونيتك يا املاه يا رحماناه يا غياثاه عبدك عبدك

ای پروردگار من بهستی تو ای امید من ای بخشاینده ای فریادرس بنده توام بنده توام

لا حيلة له يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروقي عبدك

نیست چاره مر او را ای نهایت خواهش ای جاری کننده خون در رگهای من بنده توام

يا سيداه يا مالكاه يا هوا يا هو يا رباه عبدك عبدك لا حيلة

ای بزرگ من ای مالک من ای او ای او ای پروردگار من بنده توام بنده توام نیست چاره

لي ولا غناء بي عن نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا اجد من

مرا و نیست بی‌نیازی مرا از جانب خودم و قدرت ندارم برای خود زیانی و نفعی و نمی‌یابم کسی

اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل كل مظنون عني

که خوش‌آمد او کنم بریده شد وسیلهای فریبها از من و رفته هر گمان برده شده از من

افردني الدهر اليك فقمت بين يديك هذا المقام يا الهي بعلمك

تنها گذاشته مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم در پیش تو درین جایگاه ای خدای من بدانش تو

كان هذا



كان هذا كله فكيف انت صانع بي وليت شعري كيف تقول

آنچه مذکور شد همه پس چگونه تو عمل کننده‌ای بمن و کاش دانستمی چگونه جواب میگویی

لدعائي أتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي

دعای مرا آیا میگویی بلی یا میگویی نه پس اگر گفتی نه پس وای من ای وای من

يا ويلي يا عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي

ای وای من ای زاری من ای زاری من ای زاری من ای بدبختی من ای بدبختی من

يا ذلي يا ذلي يا ذلي الى من ومن او عند من او كيف او ماذا

ای خواری من بسوی که و از که یا نزد که یا چگونه یا چه

او الى اي شيء الجأ ومن ارجو ومن يجود علي بفضله حين ترفضني

یا بکدام چیز پناه ببرم و کرا امید دارم و کیست که بخشش کند بر من به بخشش خود هنگامی که

يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما هو الظن بك والرجاء

واگذاری مرا ای فراخ آمرزش و اگر گویی بلی چنانست گمان بتو و امید

لك فطوبى لي انا السعيد وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم

بتو پس خوشا حال من منم نیکبخت و منم سعادتمند پس خوشا حال من منم رحم کرده شده

يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا متجبر يا متملك يا مقسط لا عمل لي

ای رحم کننده ای مهربان ای مهربانی کننده ای بزرگواری کننده ای خداوند ای عدالت کننده نیست عمل

مع نجاح حاجتي اسألك باسمك الذي جعلته من مكنون غيبك

با روا شدن حاجت من و سؤال میکنم از تو بحق نامت که گردانیدی او را از پوشیده غیب خود

واستقر عندك فلا يخرج منك الى شيء سواك اللهم بي وبك

پس اگر فقیر شوم تو پس چیزی نیست مرا از تو بسوی چیزی جز تو خداوندا بحرمت من

وبك وبه فليس اجل واشرف ايما لك لاشيء لي غير هاهنا

و بحرمت تو پس آن بزرگوارتر و شریفتر نیست ما بهای تو نیست چیزی برای من غیر آن و درگی

اعود على منك يا كينون يا مكون يا من عرفني نفسه يا من امرني

میدانم برمیگردم از تو ای بود ای بوجود آورنده ای کسی که شناسانید بمن خود را ای کسی که امر کرد مرا

بطاعته يا من نهاني عن معصيته ويا مدعو ويا مسئول يا مطلوبا

بفرمان برداری خود ای کسی که نهی کرد مرا از نافرمانی خود ای خوانده شده و ای سوال کرده شده ای طلب کرده شده

اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني بها ولم اطعك ولو اطعتك فيما

بسوی او واگذاشتم وصیت ترا که مرا بآن فرمودی و فرمان برداری نکردم ترا و اگر فرمان برداری میکردم ترا

امرتني لكفيتني ما قمت اليك فيه وانا مع معصيتي لك راج

در آنچه امر کردی مرا هر آینه کفایت میکردی آنچه را ایستادم بسوی تو در آن و من با نافرمانی که کردم ترا امیدوارم

فلا تحل بيني وبين ما رجوت يا مترحم لي اعذني من بين يدي

پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای بخشاینده بر من پناه ده مرا از پیش رو

ومن خلفي ومن فوقي ومن تحتي ومن كل جهات الاحاطة بي

و از پس من و از بالای من و از زیر من و از همه طرفها که فرو گرفته مرا

اللهم بحق سيدي محمد وعلي وليي وبالائمة الراشدين عليهم السلم

خداوندا بحق محمد آقای من و بحق علی دوست من و بحق امامان راه نمایان که بر ایشان باد درود



اجعل علينا صلواتك ورافتك ورحمتك واوسع علينا من رزقك واقض

بگردان بر ما رحمتهای خود را و مهربانی خود را و فراخ گردان بر ما از روزی خود و ادا کن

عنا الدين وجميع حوائجنا يا الله يا الله يا الله انك على كل

از ما قرض را و همه حاجتهای ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستی که تو بر همه

شيء قدير پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند

چیز توانایی هیچ گناهی میان او و خدای او نماند مگر آنکه آمرزیده شود

فصل پنجم در بیان فضیلت و کیفیت نماز فاطمه صلوات الله علیها

سید بن طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده

که فرمود حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل ع

تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر

و در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت

این دعا را سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال

میخواند پاک است خداوند صاحب عزت بلند رفعت بلند پایه پاک است خداوند صاحب بزرگی

الباذخ العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من

بلند قدر بزرگ پاک است خداوند پادشاهی بزرگ دیرینه پاک است خداوندی که

لبس البهجة والجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان

پوشید جامه نیکویی و زیبایی را پاک است خداوندی که پوشید ردای روشنایی و بردباری پاک است

من يرى اثار النمل في الصفا سبحان من يرى وقع الطير في الهوى

در بیان نماز فاطمه زهرا ع

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰکَذَا وَلَا هٰکَذَا غَیْرُهُ و سید گفته است که در
پاکست آنکه او چنین است و نیست چنین غیر او روایت دیگر وارد شده است
که بعد از نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه را که بعد از هر نماز خوانده
میشود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
و شیخ در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که بعد از
سلام بگویی تسبیح فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعایی که پیش مذکور
شد پس گفته است که سزاوار است برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا
فارغ شود که زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع جاهای
سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجت خود را
از خدا طلب نماید یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرُهُ رَبٌّ یُدْعٰی یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ اِلٰهٌ
و در سجده این دعا بخواند ای آنکه نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکه نیست بالای او خدایی
یُخْشٰی یَا مَنْ لَیْسَ دُوْنَهُ مَلِکٌ یُتَّقٰی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیْرٌ یُؤْتٰی
که ترسیده شود ای آنکه نیست غیر او پادشاهی که پرهیز کرده شود ای آنکه نیست مر او را وزیری که آورده شود
یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ یُرْشٰی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشٰی یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ
ای آنکه نیست مر او را واسطه که رشوت داده شود ای آنکه نیست مر او را دربانی که ای آنکه زیاد نمیگردد
عَلٰی کَثْرَةِ السُّؤَالِ اِلَّا کَرَمًا وَجُوْدًا وَعَلٰی کَثْرَةِ الذُّنُوْبِ اِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا
بر بسیاری سؤال مگر بخشش و بخشش و بر بسیاری گناهان مگر عفو و درگذشتن
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِیْ کَذَا وَکَذَا بجای افعل بی کذا و کذا حاجتها

رحمت بر محمد و آل محمد و بکن با من چنین و چنین

خود را



طریقه نماز جعفر طیار ابتشیر

خود را طلب نماید فصل ششم در بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز
حضرت جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه
بسندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب میدانند
مگر نادری از ایشان و اما اکثر ایشان باعتقاد خود این نماز را حضرت امیر
المؤمنین و اقارب آنحضرت دادند این نماز را بعباس عم پیغمبر نسبت داده
و بعد از نوافل شبانه روزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب
باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین منقولست که
چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین از هجرت حبش مراجعت
نمود در روزی که فتح خیبر بدست امیر المؤمنین شده بود حضرت
رسول بقدر یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر
نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید
حضرت او را در بر گرفت و نشست در میان دو چشم او را و دو ساعت گریست و او گریه کرد
پس بر ناقه عضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد
حضرت فرمود که ای برادر میخواهم بخشش بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی ترا عطیه
کرامت نمایم میخواهی ترا ابر کنم پس مردم گمان کردند که جعفر را از غنایم خیبر
باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد حضرت
نماز تسبیح را باو تعلیم نمود حضرت صادق فرمود که صفتش اینست که آن
چهار رکعت است بدو تشهد و دو سلام و در رکعت اول بعد از سوره حمد

اذا زلزلت میخوانی و در رکعت دوم سوره والعادیات و در رکعت سیم
اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد
فراغ از قراءت پانزده مرتبه میگویی سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه بگو پس و چون
سر از رکوع برداری ده مرتبه و در سجود اول ده مرتبه و بعد از
سر برداشتن ده مرتبه و در سجود دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن
پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع
سیصد مرتبه شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر
از حضرت رسول منقولست که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا
و آنچه در آن هست و اگر هر روز نکنی یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز
کرده ای آمرزیده شود و بروایت معتبر دیگر اگر بقدر کف دریاها بعدد ریگ
بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی بدترین گناهها
خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی سالی یکبار
و اگر نتوانی در عمر خود یکبار تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه
و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاهایی که در این نماز مستحب است کلینی
بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که در سجده آخر نماز جعفر چون
از تسبیحات فارغ شوی سبحان من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد
شو بخوان این دعا را پاکست کسی که پوشید جامه عزت و وقار را پاکست کسی که مهربانی نموده بزرگواری

وتکرم به



وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل
و بزرگواری نموده بان پاکست کسی که سزاوار نیست تسبیح مگر برای او پاکست کسی که شمرده هر
شیء علمه سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والامر
چیز را دانش او پاکست خداوند انعام و نعمتها را پاکست خداوند توانایی و فرمانروایی
اللهم انی اسئلک بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم بجایهای بستن عزت از عرش تو و نهایت رحمت
من کتابک و اسمک الاعظم و کلماتک التامة التی تمت صدقا
از کتاب تو و بنام بزرگوار تو و کلمات کامل تو که تمام است از راستی
وعدلا صل علی محمد و اهل بیته پس حاجات خود را ذکر کند و شیخ
و عدالت رحمت کن بر محمد و اهل بیت او در مصباح این دعا را روایت کرده
است یا این سبحان ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة و
زیاد دیگر پاکست خداوند توانایی و بزرگی پاکست خداوند عزت و
الفضل سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسئلک بالجود
بخشش پاکست خداوند توانایی و بخشش خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو و ایضا
شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت بپدرم روزی
که حضرت امام جعفر صادق نماز جعفر را بجا آورد پس این دعا را خواند
یا رب یا رب بقدر یکنفس یا ربا یا رباه بقدر یکنفس رب رب بقدر
ای پروردگار من نفس وفا کند ای پروردگار من یکنفس پروردگار من یکنفس

یا الله یا ربّاه بقدر یا حیّ یا ربّاه بقدر یا رحیم یا ربّاه بقدر
ای خداوند ای پروردگار یکنفس ای زنده ای پروردگار یکنفس ای بخشاینده ای پروردگار یکنفس
یا رحمن یا رحمن هفت یا ارحم الراحمین هفت مرتبه اللهم انّی
ای مهربان ای مهربان هفت مرتبه ای بخشنده‌ترین بخشایندگان پس بگوید خداوندا بدرستی که
افتتح القول بحمدك وانطق بالثناء علیك ومن یبلغ غایة ثنائك
میکنم گفتار خود را بستایش تو و سخن میگویم بسپاس تو و کیست که برسد بنهایت ستایش
وامد مجدك وانّی لخلیقتك کنه مجدك وایّ زمن لم یکن ممدوحا
و نهایت بزرگواری تو و کجا میتواند آفریدگان تو شناخت بزرگواری تو و کدام زمان بوده ستوده شده
بفضلك موصوفا بمجدك عوّادا علی المذنبین بحلمك تخلّف سکّان
بفضل خود وصف کرده شده بفضل خود و بزرگواری تو برگناهکاران ببردباری تو ساکنان
ارضك عن طاعتك فکنت علیهم عطوفا بجودك جوادا بفضلك
زمین تو از فرمانبرداری تو پس بودی بر ایشان مهربان ببخشش خود بخشنده بفضل خود
عوّادا بکرمك یا لا اله الا انت المنّان ذو الجلال والاکرام
نفع رساننده بزرگواری تو ای آنکه نیست خدایی بغیر تو انعام نماینده خداوند بزرگواری
پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجتی ضروری بوده باشد
نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوایج خود را از خدا طلب کن که برآورده
شود ان شاء الله تعالی دعای دیگر بعد از نماز بروایت شیخ و سید رحمهما الله
سبحان من لبس العزّ وتردّی به سبحان من تعطّف بالمجد وتکرّم

وتعطّف بالمجد وتکرّم به
پاکست آنکه مهربانی کرد ببزرگواری

پاکست کسی که پوشیده لباس عزت را
پاکست آنکه بزرگی را
اگر پوشیده ردای بزرگی
و بزرگوارات آن پاک

به سبحان من



به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له جلّ جلاله سبحان من احصی
پاکست آنکه سزاوار نیست تنزیه کردن مگر برای او بزرگست بزرگواری او پاکست آن کسی که شمرده
کلّ شیء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذی القدرة والکرم
هر چیز را بدانش او و آفریده او را بقدرت خود پاکست خداوند توانایی و بخشش
اللهم انّی اسألك بمعاقد العزّ من عرشك ومنتهی الرحمة
خداوندا من سوال میکنم از تو بجاهای بستن عزت در عرش تو و نهایت رحمت
من کتابك وباسمك الاعظم وکلماتك التامّات التی تمّت صدقا
از کتاب تو و بحرمت نام بزرگ تو و کلمات کامل تو که تمام است راستی
وعدلا ان تصلّی علی محمد وآل محمد الطیّبین الطاهرین وان تجمع
و درستی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد که پاکان پاکیزگانند و آنکه جمع کنی
لی خیر الدنیا والآخرة بعد عمر طویل اللهم انت الحیّ القیّوم
برای من نیکی دنیا و آخرت را بعد از عمر دراز خداوندا تویی زنده و پاینده
العلیّ العظیم الخالق الرازق المحیی الممیت البدیء البدیع لك
بلند مرتبه بزرگ آفریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده پدید آورنده مر تراست
الکرم ولك المجد ولك الجود ولك الامر وحدك لا شریك
نوازش و مر تراست بزرگواری و مر تراست بخشش و مر تراست فرمان و کار تو تنها است
لك یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
مر ترا ای یگانه ای یکتا ای بی‌نیاز ای آنکه نزاییده و زاییده نشده و نباشد مر او را همتایی

أحد يا أهل التقوى ويا أهل المغفرة يا أرحم الراحمين يا عفو

مانندی ای سزاوار پرهیزگاری و ای سزاوار آمرزش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

يا غفور يا ودود يا شكور أنت أبرّ بي من أبي وأمي وأرحم بي من

ای آمرزنده ای دوست ای جزا دهنده تو نیکوکارتری به من از پدرم و مادرم تو و مهربان

نفسي ومن الناس أجمعين يا كريم يا جواد اللهم إني صليت هذه

خودم و از مردمان همگیشان ای بزرگوار ای بخشنده خداوندا به درستی که من نماز کردم این

الصلاة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك

نماز را به جهت خوشنودی های تو و خواستن عطای تو و احسان تو و امید داشتن

وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد

و صله تو و عفو بزرگ تو و دیرینه آمرزش تو خداوندا پس رحمت فرست

وآل محمد وارفعها إلى في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك و

و آل محمد و بالا بر آن را در علیین و بپذیر آن را از من و بگردان عطای خود و

معروفك ورجاء ما أرجو منك فكاك رقبتي من النار والفوز

معروف خود و امید آنچه را که امید دارم از تو خلاصی کردن مرا از آتش و رستگاری

بالجنة وما جمعت من أنواع النعيم ومن حسن الحور العين وأن تجعل

به بهشت و آنچه جمع آورده از انواع نعمتها و از نیکویی سیاه چشمان فراخ چشم

جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والديّ وما

جایزه مرا از تو آزادی از آتش دوزخ و آمرزش گناهان من و گناهان پدر و مادر

ولدا وجميع



ولدا وجميع إخواني وأخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين

زاییده اند و همه برادران من و خواهران من که مومن و مومنه و مسلم

والمسلمات الأحياء منهم والأموات وأن تستجيب دعائي

و مسلمه اند زنده ای از ایشان و مرده و اینکه بپذیری دعای مرا

وترحم صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا

و رحم کنی آواز مرا و ندا کردن مرا و باز مگردانی مرا ناامید زیان کار و بگردانی مرا رستگار

منجحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا أرحم الراحمين يا عظيم

رستگار بخشوده شده پذیرفته دعای مرا آمرزیده شده ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگ

يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك

ای بزرگ ای بزرگ به تحقیق بزرگ است گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از تو

يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا فيّاضا

ای نیکو درگذشتن ای فراخ آمرزش ای گشاینده دستها به رحمت ای بخشنده

بالخيرات يا معطي المسؤولات يا فكاك الرقاب من النار صل على

به نیکیها ای بخشنده سوالها ای رهایی کننده گردنها از آتش رحمت فرست بر

محمد وآل محمد وفك رقبتي من النار وأعطني سؤلي واستجب

محمد و آل محمد و آزاد کن گردن مرا از آتش و ببخش سوال مرا و بپذیر

دعائي وارحم صرختي وتضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها

دعای مرا و رحم کن فغان مرا و زاری مرا و ندای مرا و روا کن حاجت مرا همه آن

لدنیای و آخرتی و دینی ما ذکرت منها و ما لم اذکر و اجعل
برای دنیای من و آخرت من و دین من آنچه ذکر کردم از آنها و آنچه ذکر نکردم و بگردان
لی فی ذلک الخیرة و لا تردنی خائبا خاسرا و اقلبنی مفلحا منجحا
برای من در آن خیر را و باز مگردان مرا نومید زیان کار و بازگردان مرا کامیاب اجابت
مستجابا لی دعائی مغفورا لی و مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد
اجابت کرده شده برای من دعای من آمرزیده و برای من بخشوده شده ای بخشنده ترین بخشندگان ای محمد
یا ابا القاسم یا رسول الله یا امیر المؤمنین انا عبدکما و مولاکما
ای ابا القاسم ای رسول خدا ای پادشاه گروندگان منم بنده شما و آزاد کرده شما
غیر مستنکف و لا مستکبر بل خاضع ذلیل عبد مقر متمسک
حالی که نیستم عار دارنده و نه گردنکش بلکه فروتنی کننده خوار اقرار کننده بنده چنگ زننده
بحبلکما معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما
به ریسمان شما چنگ زننده ام از گناهان خود بدوستی شما نزدیکی کننده ام بسوی خدای تعالی بشما
و اتوسل الی الله بکما و اقدمکما بین یدی حوائجی الی الله جل
و توسل میجویم بسوی خدا بشما و پیش میدارم شما را در پیش حاجتهای خود بسوی خدای جلیل
و عز فاشفعا لی فکاک رقبتی من النار و غفران ذنوبی و انجاح
و غالب پس شفاعت کنید در خلاصی گردن من از آتش و آمرزیدن گناهان من و برآوردن
دعائی اللهم فصل علی محمد و آله و تقبل دعائی و اغفر لی
دعای مرا خداوندا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر دعای مرا و بیامرز مرا

یا ارحم الراحمین



یا ارحم الراحمین و اما احکام این نماز در چند مقصد ایراد می نمایم اول
ای بخشنده ترین بخشندگان بدانکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز
جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که بهر دو حساب میشود
و همچنین به نیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث بر مضامین وارد شده
و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا بکیفیت نماز جعفر بکنند
و خالی از قوتی نیست و لیکن احوط ترک است دوم روایت وارد شده است
و اکثر علما گفته اند که کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را
بدون تسبیحات بجا آورد و بعد تسبیحات را ادا نماید سیم بحدیث صحیح وارد شده
است که کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو دهد
میتواند که آنرا بعد از دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون علت
چنین نکند و همه را با هم بکند بهتر است چهارم بروایت معتبر از حضرت قائم علیه السلام
کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش
آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده است و اگر باین روایت عمل
کنند ظاهرا بد نباشد پنجم خلافست در تعیین سوره ها که مستحب است که در
این نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول اذا زلزلت و در دوم
و العادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد میخوانند
و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول و العادیات و در رکعت دوم اذا زلزلت
گفته اند و در روایتی در اول اذا زلزلت و در رکعت اذا جاء نصر الله و در سیم انا انزلنا

و وارد شده

ودر چهارم توحید واقع شده است ودر روایت صحیحی وارد شده است
که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون وقل هو الله هر دو را بخواند ودر
ودر روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند وابن بابویه گفته
که حمد را با سوره توحید میتوان گفت وظاهرا همه خوبست اگرچه اول دویم
افضل است **ششم** مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دویم رکعت
اول وسیم را نشسته میخوانند وبعضی گفته اند که بعد از برخاستن برکعت
دیگر پیش از قراءت میخوانند وعمل بمشهور اولی است **هفتم** بعضی گفته اند
که چهار رکعت را بیک سلام میکنند ومشهور واقوی دو سلام است
چنانچه گذشت **هشتم** مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز پیش
از رکوع خوانده بعد از قراءت میباید خواند وابن بابویه موافق بعضی از روایات
قایل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قراءت بخواند یا بعد از قراءت
وعمل بمشهور اقوی واولی است **فصل هفتم** در بیان فضیلت واعمال روز
نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار است
بعضی گفته اند که دهم ایار است از ماههای رومی وبعضی گفته اند نهم شباط است
ومشهور آنست که انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمول است
واینمطلب را در کتاب بحار الانوار ببسط عظیمی داده ام واین رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد وگمان فقیر همین نوروزی که در این ازمنه مشهور است
اقوی است وبصواب اضبط است در حساب اگر بنای اعمال را بر این بگذارند

در بیان فضیلت واعمال روز نوروز

ظاهر بدنیست



ظاهر بدنیست واما فضایل واعمال این روز **بسند معتبر** از معلی بن خنیس
که از خواص اصحاب حضرت صادق ع بوده است منقولست که گفت در روز
نوروز بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع رفتم فرمود آیا میشناسی این
روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند ودر این
تحفه وهدیه برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم
بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای
امر قدیمی که تفسیر میکنم از برای تو تا بفهمی گفتم ای سید وآقای
من دانستن اینرا از برکت شما محبوب تراست نزد من از آنکه مرده های من زنده
شوند ودشمنان من بمیرند حضرت فرمود ای معلی بدرستیکه روز
نوروز روزیست که حق سبحانه وتعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت
از ارواح ایشان ودر روزیست که او را بیگانگی بپرستند وبرای او شریک
قرار ندهند ودر بندگی وپرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند
وایمان بیاورند به پیغمبران ورسولان وحجتهای او بر خلق وامامان وبزرگان
دین وائمه علیهم السلام واین اول روزیست که در آن آفتاب طالع گردیده
وبادهای آبستن کننده درختان وزیده است وگلها وشکوفه های روی
زمین روییده وآفریده شده است ودر این روز کشتی نوح بعد از طوفان بر
جودی قرار گرفته است واین روزیست که **حق تعالی** حیوة بخشید چندین
هزار کس را که از مرگ گریختند بعضی از طاعون وبیابان در صحرا خداوند قهار

همه را میراند پس بعد از مدتها که استخوان شان پوسیده بود پیغمبری از پیغمبران
خدا بر آن استخوانها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید
که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکند پس حق تعالی وحی فرستاد
بسوی او که بریز بر این استخوانهای ایشان در همانجاها آب خوشبو که هستند
پس چنین کرد همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است
و باین سبب سنت شد که در این روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند
و غسل کنند حق تعالی در قرآن مجید اشارت باین قصه نموده است در آنجا که
گفته است الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت
فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم و مفسران گفته اند که حضرت پیغمبر حزقیل
بوده و حضرت فرمود که ایشان هر کس بودند و فرمود در این روز جبرئیل
بر حضرت رسول بوحی نازل شد و نیز در همین روز موافق روز مبعث بوده
که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روز است
که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بتهای کفار قریش را در مکه
شکست و حضرت ابراهیم نیز در این روز بتهای کافران شکسته و
آنست که با کثرت سنی و شیعه روایت کرده اند طرق بسیار که حضرت
رسول حضرت امیر المؤمنین را با خود در مسجد الحرام آورده و حضرت امیر
را که بر دوش آن حضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر انداخت و در هم شکست
پس مراد اینست که رسیدن این دولت بود و فرمود که در این روز



امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار
کنند که او پادشاه مؤمنانست یعنی روز غدیر این روز بوده
بان روز که سرکردهای صحابه را گفت بروند و بر علی سلام کنند
و بگویند السلام علیک یا امیر المؤمنین این روز بوده و فرمود
که در این روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد بوادی جنیان
که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که در این روز خلافت
با امیر المؤمنین و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آن حضرت بیعت
کردند و در این روز حضرت امیر المؤمنین با خوارج نهروان جنگ کرد
و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان را که ذو الثدیه میگفتند کشت
و در این روز قائم آل محمد ظاهر خواهد شد و در این روز امامان
دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت
بر دجال و در کناسه که محلیست از محلات کوفه او را بردار خواهد کشید
و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا
که از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست این روز را عجمان حفظ
کرده اند و حرمت او را رعایت کردند و شما عربان او را ضایع کردید
پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوش و بهترین بویهای خوش خود را خوشبو گردان و در
آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافلهای آنها فارغ

کویی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت
اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دوم بعد از
حمد ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه
سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز بسجده شکر
برو این اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین
دعا را بخوان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد وصیهای پسندیدگان
و علی جمیع انبیائک و رسلک بافضل صلواتک و بارک علیهم
و بر همه پیغمبران تو و فرستادگان تو بافزونترین رحمتهای خود و برکت ده بر ایشان
بافضل برکاتک و صل علی ارواحهم و اجسادهم اللهم بارک
بافزونترین برکتهای خود و رحمت فرست بر جانهای ایشان و بدنهای ایشان خداوندا برکت ده
علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته
بر محمد و آل محمد و برکت ده ما را در روز ما این روزی که زیادتی دادی آن را
و کرمته و شرفته و عظمت خطره اللهم انی فیما انعمت به علی
و گرامی داشتی او را و شرف گردانیدی او را و بزرگ گردانیدی قدر او را خداوندا من در آنچه انعام کردی [illegible]
حتی لا اشکر احدا غیرک و وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الا
تا شکر نکنم احدی را غیر تو و فراخ گردان بر من در روزی من ای صاحب بزرگی و [illegible]
اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن عنی عونک و حفظک و ما فقدت

من شیء



من شیء فلا تفقدنی عونک علیه حتی اتکلف ما لا احتاج
از چیزی پس گم مکن از من مدد خود را بر آن تا آنکه تکلف نکشم بچیزی که احتیاج
الیه یا ذا الجلال و الاکرام چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله
[illegible] ای صاحب بزرگی و بخشش تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال
و الاکرام و در غیر کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل
این دعا را بسیار بخوانند و بعضی یا محول الحول و الاحوال حول حالنا
سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند ای گرداننده سالها و حالها بگردان حال ما
الی احسن الحال و بروایتی یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر
به نیکوترین حالها و دیگر ای گرداننده دلها و دیده ها ای تدبیر کننده
اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی
شب و روز ای گرداننده سالها و احوال بگردان حال ما به بهترین
احسن الحال روایت کرده اند که این دعا را [illegible] اللهم هذه سنة
نیکوترین حال در روز نوروز بعد از ایام سال بخوان خداوندا این سالی
جدیدة و انت ملک قدیم اسألک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ
تازه و نو و تو پادشاه دیرینه سوال میکنم از تو بهتر آن را و بهتر آنچه واقع شود در آن و پناه [illegible]
بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال
[illegible]
و الاکرام و اگر چه منعی در تعقیب نیست اما این دعا اول را خوانند

اعمال و [illegible] آب نیسان

هرچند نمازش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است **فصل هشتم**
در اعمال دوم نیسان سید جلیل علی بن طاووس روایت کرده اند که روزی
جمعی از صحابه نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل شد و بر ایشان
سلام کرد و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید
تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای
اطبا نبوده باشد پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و سلمان
فارسی و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول آنحضرت
امیر المؤمنین خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان در می آب باران
میگیری و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را
هفتاد مرتبه میخوانی و بروایت دیگر سوره انا انزلناه نیز هفتاد مرتبه میخوانی
هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی و هفتاد
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز در بامداد و پسین
از آن آب می آشامی که بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث
گردانیده است سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بر دارد از
کسی که از این آب بیاشامد هر دردی که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را
و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دردی
برای او مقدر شده باشد محو نماید و بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده

اگر زن



اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد و آب نیسان را بنیت بیاشامد
او را فرزند روزی گرداند و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از
این آب بیاشامد بنیت فرزند از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند
یا دختر و از آن بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید
یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و
اناثا و یجعل من یشاء عقیما یعنی حق تعالی می بخشد هر که را خواهد
دختران و می بخشد هر که را خواهد پسران یا جفت میگرداند برای ایشان
پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را خواهد
بی فرزند میگرداند پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد
و از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته
باشد و در چشم بچکاند قطره از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را
از این آب بشوید باذن خدا شفا یابد و آشامیدن این آب دندانها را محکم میکند
و دهن را خوشبو میگرداند و لعاب بن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و امتلا
بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادها و قولنج و غیر آنها
متاذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد
دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده او را آزار نکرده اند و محتاج بحجامت نگردد
و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف
و قی نجات یابد و کر و لال و کور و زمین گیر نشود و آب سیاه و سفید در دیده

نکند و دردی که موجب اظهار درون و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد
و از وسوسهای جنیان و شیاطین مبتلا نگردد پس حضرت رسالت پناه
صلوات الله علیه فرمود که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردها که در مردم
میباشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع امراض گردد پس جبرئیل گفت بحق
خداوندی که ترا براستی فرستاده که این آیات را بر این آب بخوانند حق تعالی
دل او را مملو گرداند از نور و روشنی و الهام خود در دل او و او را دستار زق
و حکمت بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینایی
و باو عطا کند از کرامتها آنچه با هیچ یک از عالمیان عطا نکرده باشد و هم
مغفرت و هزار رحمت باو بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و
بغی و کبر و بخل و حرص و غضب از دل او برطرف گرداند و عداوت و دشمنی
مردم و بدگوی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد
مؤلف گوید که این روایت مشهور بعبد الله بن عمر علیه اللعنة منتهی میشود
و بدین سبب سندش ضعیف و فقیر بخط الشیخ شهید ع دیدم که این روایت
را از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده بود با همین خواص و سورها و آیات
و اذکار را با این روش روایت کرده است مجموع را بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب
و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و سبحان
هفتاد مرتبه و لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم

صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا
اله الا الله و الله اکبر و در خواص مذکور است که اگر دردمندان
و از آن بیاشامد از علتها نجات یابد و شیر دهنده طبع او غالب نگردد
و اکثر آن خواص مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران
مطلقا مبارک است و منفعت دارد خواه در نیسان بیارد و خواه در غیر
آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که
بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع
میکند چنانچه حق تعالی میفرماید وَ یُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
لِیُطَهِّرَکُمْ بِهِ وَ یُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَ لِیَرْبِطَ عَلَی قُلُوبِکُمْ وَ
یُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی تا
پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای
شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای شما و در عمل نیز تجربه است
که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سورهها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند
و از برای اینها کم میخوانند فایده اش عظیم تر و ثوابش بیشتر است و در این
سالها بعد از بیست و سه روز و گاه از بیست و نه بگذرد در تقریبا اول نیسان
ماه رومی شوند و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق ع
منقول است که هفته حیوان البته حجامت بکن و اگر میسر نشود چهار درهم
بکن و اول حیوان تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز میبی

وحزیران ماه نحس است چنانچه در حدیث معتبر منقولست که در خدمت
حضرت صادق ع ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهیست
که حضرت موسی ع در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یک شب و یک روز
سیصد هزار کس از ایشان مردند و باز بسند معتبر از آنحضرت منقولست که
اجابها اراده ما حزیران نزعمات میکردند یعنی موت در ان بسیار میباشد و بعد
ماههای رومی بنابر حرکت افتابست و عدد آنها دوازده است باین
ترتیب تشرین الاول تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط
و آذار نیسان ایار حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه ازینها سی میگیرند که آنها
تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلول اند و هفت دیگر غیر شباط را سی
و یک میگیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت میگیرند
و در سال چهارم که سال کبیسه است بیست و نه میگیرند و سال ایشان
سیصد و شصت و پنج روز و ربعیست و تشرین الاول که اول سال ایشانست
در این سالها موافق نوزدهم درجه میزان و تفصیل این در کتاب بحار الانوار
مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شده مجملی در این جا ایراد
نمودم **باب سیزدهم** در بیان احکام اموات است و در ان پنج فصل است
**فصل اول** در بیان احکام اموات و حال احتضار و نوشتن وصیت است
باید که چون در بیمار آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان
خود توبه کند و بر گذشته نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که از تدارک نماند

ابواب احکام اموات است

مرتکب معصیت

مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق
خدا و خلق آنچه بر ذمه او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد پس بقدر
ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان بی‌میراث و فقیران و مساکین
و سایر وجوه بر صرف نماید پس ابراء ذمه از برادران مؤمن طلبد هر
که غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد که حاضر باشند از ایشان
التماس نماید که ازو عفو کنند و اگر غایب باشند از حاضران التماس
نماید که ایشان را از او راضی گردانند و از برای ایشان استغفار نماید
پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی
بگذارد و وصیتی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر
سازد و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که وارد شده است
که سنت است که بر کفن نوشته شود و بعضی باید که بتربت حضرت امام حسین
بر ان بنویسند اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است
که کفن پیوسته با او باشد چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که
کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظرش
بر ان کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در ان وقت امیدوار
بدرگاه حق تعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم
بوده باشد **و بسند معتبر از حضرت** رسالت پناه منقولست که هر که در وقت
مرگ وصیت نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی اوست گفتند یا رسول

کیفیت / آداب وصیت

انست چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم
نزد او شوند اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة
بگوید خداوندا آفریننده آسمانها و زمین و دانای نهان و آشکار
الرحمن الرحیم انی اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت
بخشاینده مهربان بدرستی که من عهد میکنم بسوی تو که من گواهی میدهم بآنکه نیست خدایی مگر تو
وحدک لا شریک لک وان محمدا صلی الله علیه وآله عبدک
تنها تویی نیست انبازی مر ترا و بدرستی که محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او بنده تست
ورسولک وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی
و فرستاده تست و بدرستی که قیامت آینده است نیست شکی در آن و بدرستی که خدا برانگیزد آنرا که در
القبور وان الحساب حق وان الجنة حق وما وعد الله فیها من
گورهاست و بدرستی که حساب حقست و بدرستی که بهشت حقست و آنچه وعده داده خدا در آن از
النعیم من المأکل والمشرب والنکاح حق وان الایمان حق وان
نعمت از خوردنی و آشامیدنی و نکاح حقست و بدرستی که ایمان حقست و بدرستی که
الدین کما وصفت وان الاسلام کما شرعت وان القول کما قلت
دین چنانست که تو وصف کرده و بدرستی که اسلام چنانست که بیان کرده و بدرستی که گفتار چنانست که تو گفته
وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق المبین وانی اعهد
و بدرستی که قرآن چنانست که فرستاده و تویی تو خدای حق هویدا و بدرستی که من عهد میکنم
الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک ربا وبالاسلام دینا وبمحمد

بتو در دار دنیا بدرستی که من پسندیدم ترا به پروردگاری و اسلام را از روی دین و به محمد که رحمت کرد



صلی الله علیه وآله نبیا وبعلی اماما وبالقرآن کتابا وان
که رحمت فرستاد خدا بر او و آل او پیغمبری و بعلی امام پیشوا و قرآن را کتاب و بدرستی که
اهل بیت نبیک علیه وعلیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی
اهل بیت پیغمبر تو بر او و بر ایشان باد درود پیشوایان منند خداوندا تویی اعتماد من
عند شدتی ورجائی عند کربتی وعدتی عند الامور التی
نزد شدت من و امید من نزد اندوه من و ذخیره من نزد کارهایی که
تنزل بی وانت ولیی فی نعمتی والهی واله آبائی صل علی محمد و
فرود آید بمن و تویی کارگذار در نعمت من و خدای من و خدای پدران من رحمت فرست بر محمد
آله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وآنس فی قبری وحشتی واجعل
و آل او و وامگذار مرا بخود بقدر بهم زدن چشم هرگز و انس ده در قبر من وحشت مرا و بگردان
لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت رسول فرمود که این
مرا نزد خود عهدی روزی که ملاقات کنم ترا گشوده عهد و پیمان میت است
باحد در روزی که میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب
است بر هر مسلمانی و صحیفه اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین
ذکر کرده ام درست کند و بمهر گواهان برساند تا در میان کفن او بگذارند
و چون آثار احتضار ظاهر شود این دعا را مکرر بخواند اللهم اغفر لی
الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر من طاعتک تا جان کندن
بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان و برادران مومن در این حالت

دعای وقت احتضار

او را تنها مگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سورهٔ یس و والصافات
نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیهٔ الهی و رسالت
حضرت رسول و امامت ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم بتفصیل و اعتقاد
بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حق را مکرر تلقین
او کنند که بگوید و بیاد او دهند و اگر تواند خود بخواند نزد او بخوانند و دعای عدیله
را برای او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش را برای او القا کنند که در این
وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمهٔ طیبه
لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر
وارد شده است که هر که آخر سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر مرویست که تلقین کنید مردگان
خود را لا اله الا الله بدرستی که گناهان را در هم میشکند و مونس مؤمن است
در حال حیوة و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن این
کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پاهای او را بجانب
قبله بگردانند تا ملائکهٔ رحمت بر او وارد شوند و در این وقت حایض و جنب نزد
او نباشد که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جایز است
که برای ضرورت پرستاری او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید
بیرون روند و در احادیث معتبر وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار
شود او را ببرند بجایی که همیشه نماز میکرده است زیرا که امید شفا هست

شفا می‌یابد



شفا می‌یابد و الا جانش باسانی بر می‌آید و از حضرت امام رضا منقولست
که نهادن در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت
دهد مانع نشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانید
و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر
منقولست که فرزندی از حضرت صادق در احتضار بود حضرت امام محمد
باقر در کنار خانه نشسته بود هر که نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست
بر او مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست و هر که دست بر او
میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت باقر
منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین
او کنید و کلمات لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ المَلِکُ الحَقُّ الحَلِیمُ الکَرِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
فرج اینست — نیست خداوندی بجز خداوند ... بردبار بزرگوار نیست خداوندی بجز
اللّٰهُ العَلِیُّ العَظِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الاَرَضِینَ
خداوند بلند مرتبه بزرگ منزه است خداوند پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای
السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ العَرْشِ العَظِیمِ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ
هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و ستایش مخصوص خداست
رَبِّ العَالَمِینَ و در حدیث دیگر منقولست که چون این کلمات را تلقین
پروردگار عالمیان کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین میفرمود برو که ترا
دیگر کاری نیست حضرت رسول این کلمات را تلقین شخصی کرد چون ...

حضرت فرمود الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت
صادق منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت
مردن جمعی از شیاطین را موکل میکرداند که او را بشک اندازد در دین
خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتواند بر او دست
دست یافت پس در آن حال تلقین ایشان بکنند کلمات فرج و شهادتین
بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلام
یک یک را بخصوص تا از سخن گفتن باز ماند **وایضاً** سنت است که برای
آسانی جان کندن این دعا را تلقین او کنند یا من یقبل الیسیر و
یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت
الغفور الرحیم بروایت دیگر انک انت العفو الغفور و چون روح
او مفارقت کند سنت است که دهانش را برهم کذارند و چانه اش را
بر بندند و چشمهایش را برهم آورند و دستهایش را بر پهلوهایش کشند
و او را بچادر شبی یا جامه بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زود دفنش
بردارند مگر بقصد جمع شدن مؤمنان اگر اشتباهی در موت نباشد
و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود مرگش برندارند و از حضرت صادق ع
منقولست که بهتر آنست که اولیای آن مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه
حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان
همه ثواب بیابند و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که چون

مؤمن را بقبر



مؤمن را بقبر میکذارند او را ندا میکنند که اول عطائی که بتو دادیم
بهشت است و اول عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند
آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن
میدهند در قبر آنست که می آمرزند هر کسی را که همراه جنازه او بوده است
در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن
کنند **حق تعالی** در قیامت ملک بر او بکمارد که همراهی او نمایند و استغفار
برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را
بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از
گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست
که برای کسی که تشییع جنازه کند که اول دست راست میت که جانب چپ
جنازه است بدوش راست بردارد پس پای راست میت را بدوش
راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ
خود بردارد پس دست چپ میت را که جانب راست جنازه است بدوش
چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه برود تا
از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و اکثر علما
بعکس گفته اند که اول ابتداء بدست راست جنازه میکنند پس پای
راست بعد پای چپ پس بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره
اولی است و اگر هر دو را بجا آورد بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه

یا پهلوها راه رود و در پیش جنازه برود و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر
جنازه مؤمن باشد پیش از آن راه رفتن خوبست و در جنازه مخالف مذهب
خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه
سوار رفتن مکروهست و از حضرت رسول منقولست که هر که جنازه
را ببیند و این دعا را بخواند الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و
صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی
تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت هیچ ملکی در آسمان نماند
مگر آنکه گریه کنند از برای ترحم بر او و از حضرت صادق منقولست که در
حال برداشتن جنازه این دعا بخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد
واغفر للمؤمنین والمؤمنات و منقولست که حضرت امام زین العابدین
هرگاه جنازه را میدید میگفت الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد
المخترم و زنان را تشییع جنازه سنت است و بعضی گفته که جنازه را آنند
بردن مکروهست و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ
بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوبست و مکروهست که کسی
که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن **فصل دوم** در غسل — ادای غسل دادن میت
دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نما
[illegible]



و مشهور میان علما آنست که ولایت این معنی تعلق بوارث میت دارد
و بی رخصت او دیگری متوجه اینها نمیتواند شد و مردان وارث اولی
از زنان شوهر اولی است و از دیگران و احوط آنست که بی رخصت خود
غسل ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب سنت برای میت
شیعه اثنی عشری و در سنی و سایر فرق مخالفان خلافست و ظاهر
واجب نباشد مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام زمان
کشته شده و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند
و با جامهها که پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفتهاند که در جهاد حق
که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب
آنست که هرگاه از میت هر عضوی یافت شود که در آن استخوان باشد
می شویند و کفن میکنند و دفن کنند و بعضی کفن نداده اینجا واجب دانسته
اند اگر عضوی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد و احوط آنست که
سینه را تنها بیابند باز چنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوان باشد مشهور
آنست که در لته می پیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن را واجب
ندانستهاند و بچه که از شکم ساقط شود هرگاه چهار ماه زیاده داشته باشد
غسل میدهند و کفن و دفن میکنند و بر او نماز نیست و بعضی گفتهاند
[illegible]

و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل و کفن نه چهار
ماه و این احوط است و اگر عضوی استخوان داری از زنده جدا شده باشد احوط
آنست که غسل و کفن و دفن بکنند اگر چه اظهر عدم وجوبست و اگر طفلی
در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر تواند درست بیرون می
آورند و الا پاره پاره میکنند و بیرون می آورند و اگر مادر مرده و طفل
زنده باشد شکم مادر را می شکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می آورند
و بهتر آنست که شکم را بدوزند و واجبست که مرد مرد را غسل دهد
و زن زن را الا چند موضع **اول** زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی هر یک
دیگری را غسل میتوانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت
نکند و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را
**دوم** جایز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هر گاه زن کسی دیگر یا در عده کسی
نبوده باشد و در غسل کنیز آقا را اختلاف است **سیم** جایز است که غسل دهد
مرد اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه
و بعضی تا پنج ساله نیز تجویز کرده اند **چهارم** هر گاه مردی فوت شود
و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد و از زیر
جامه و همچنین است هر گاه زن فوت شده باشد و ظاهر در حال اختیار
نیز محارم یکدیگر را غسل می توانند داد و اما احوط آنست که ممکن باشد مرد
مرد و زن زن را غسل دهد اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل

کفن را



کفن را مهیا کنند و اول حبره را و بعد از آن سر تا سری را و بعد از آن پیراهن
را پهن کنند و نصف بالای پیراهن را برگردانند و بعد از آن لنگ را
و بعد از آن ران پیچ را الحال خود پهن کنند پس متوجه غسل شوند و اگر میسر
شود که میت را وقت غسل بر چیزی تخته یا تخت بخوابانند بهتر است
و مستحب است که در وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد بطریق حال
احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال باید چنین باشد مگر
در حال نماز و حال دفن و باید رختهایش را بکنند و اگر خواهد با پیراهن
غسل دهد و اگر خواهد لنگی بر بندد و پیراهن را بکنند و بر هر تقدیر
واجبست که در وقت غسل دادن عورتین میت را بپوشانند و مشهور آنست
که واجبست که اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که گریبان
حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر سنت باشد باذن ورثه
بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهد که رو باسمان نباشد
و سنت است که دو نفر باشند و غسل دهند یکی آب بریزد و دیگری بگرداند
میت را و مستحب است که انگشتان میت را بملایمت نرم کنند و اگر دشوار باشد
دست بردارد و واجب است که میت را سه غسل بدهد اول با آب سدر
و بعد از آن باب کافور و بعد از آن باب خالص و سنت است که اول
دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنابر بعضی از روایات
پس عورت میت را بشوید اشنان بدست بپیچد که دستش بعورت نرسد

واگر بدست چپ بشویند بهتر است وسنّت است که اول عورت میّت را بکف سدر
و اشنون سه مرتبه بشویند واب بسیار بریزند تا خوب پاک شود پس دست بر بالای
شکمش و نرمی و هموار بپایین کشند که اگر فضله باشد بیرون اید واگر چیزی
بیرون اید باز مخرج را بشویند واگر زن حامله باشد وخوف افتادن فرزند
باشد دست بر شکمش نکشند وعلما گفته اند که سنّت است که سر و ریشش را پیش
از غسل بکف سدر بشویند پس سنّت است که دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی
انکسی که دست بمیت میکند اولی پس وضو بدهد میّت را بروش وضوی نماز
کان باب خالص وبعضی واجب دانسته اند و نیّت کند که وضو میدهم این میّت را
قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پایش را مسح کند پس ابتدا
کند بغسل واحوط انست که اب بریزند وکردانند اگر دو کس باشد هر دو نیّت
کنند که نیّت هر سه را اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیّت جدا
کنند پس اول نیّت میکنند که این میّت را غسل میدهم باب سدر و کافور و قراح
از جهت انکه واجب است از برای رضای خدا قربة الی الله پس سر میّت را
باب سدر میشویند واحوط انست که اول بجانب راست سر اب بریزد بعد
از ان بجانب چپ وسنّت است که سر را و هر جانبرا سه مرتبه بشویند پس میّت را
بجانب چپ بخوابانند وجانب راستش را بشویند وسنّت است که سه مرتبه
بشویند وهر سبوی را که میریزد قطع نکند که تا سر پا برساند واگر انکه میّت را
میکردانند در هنگام اب ریختن دست بر پشت و شکمش بمالد وهموار که اب





خوب برسد بهتر است و دست میّت را از پهلو جدا کند تا اب بزیر ران
برسد و چنان کند که اب بزیر لنان و عورت و ران و ساير اعضا خوب
خوب جاری شود پس میّت را بکردانند و بر پهلوی راست بخوابانند و پهلوی
چپ را همان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشویند و در اب سدر مسمّی
کافیست و مشهور انست که حدّی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت
برک سدر باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک به
بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد واگر این زیادتیها برای شستن فرج و
ساير اعضا پیش از غسل بوده باشد واحوط انست که در اب غسل انقدر
داخل نکند که مضاف شود و ابش نکویند وبعضی روایات در شستن
هر جانب و شستن نصف سر وارد شده است وشاید که بد نباشد
اکر خلاف مشهور است پس میّت را پشت میخوابانند وطرفها را میشویند که
اثر سدر از انها برطرف شود و اندکی کافوری را ریزه میکنند و داخل اب میکنند
وغسل دهنده دستهای خود را تا مرفق میشوید وبهتر انست دست میّت را
نیز تا نصف ذراع سه مرتبه باب کافور بشوید و فرجش را نیز سه مرتبه
بهمان نحو که در اب سدر یاد شد و دست بر شکم میّت بکشد هموار
وبهتر انست که در وقتی که دست بر شکمش میکشد سر میّت را بلند کند که
فضلات از ان طرف بیرون رود پس احتیاطا اب بریزند و کردانند هر دو
نیّت کنند که این میّت را غسل میدهم باب کافور از برای انکه واجب است از برای

قضای حاجت پس سر را بشویند وسنت است که سه مرتبه بشویند در هر مرتبه
ابتدا بجانب راست سر کنند واگر دانند که هموار[ی] دستی بمالد پس جانب
راست را سه مرتبه وجانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل مذکور شد
بشویند پس میت را بر پشت بخوابانند و باز دست خود را تا مرفق بشویند وظرفها
خوب بشویند که اثر از سدر وکافور در آنها نماند واگر سبوی دیگر را برای
آب قراح مهیا کنند بهتر است واحوط آنست که آب غسل قراح را از خمی
که آب سدر وکافور در آن ریخته نشده باشد بردارند واز آبی بردارند که
این هر دو مطلقا در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف
ذراع سه مرتبه بآب خالص بشویند استحبابا وفرج میت را نیز بآب خالص
سه مرتبه بشویند واگر در این وقت نیز بار دیگر میت را وضو دهند شاید
بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را بآب قراح از جهت
آنکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه وجانب چپ سه مرتبه بشویند
که یک مرتبه واجبست ودو مرتبه سنت وبهتر آنست که گرداننده مدد او در وقت
آب ریختن دستی بکشد بر بدن میت وبیش از این در اثنای غسل دست
میت نمیکشد چون از این هر سه فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد
قدری از پنبه در دبرش داخل کنند وهمچنین در دهان وبینی قدری از پنبه داخل
کنند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که
که بدنش را بجامه خشک کنند وبعد از آن داروی جامهای کفن بکنند



وسنت است که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی گردانند این دعا بخوانند
اللّهمّ انّ هذا بدن عبدك المؤمن وقد اخرجت روحه منه وفرّقت
بينهما فعفوك عفوك واگر زن باشد بگوید اللّهمّ انّ هذا بدن
امتك المؤمنة واگر دو جا بگوید بهتر است ودر سایر احوال غسل
مکرر بگوید ربّ عفوك عفوك تا خدا او را بیامرزد وسنت است
هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان
او را بیامرزد وچنانکه از مادر متولد شده باشد ومستحب است که غسل
دهند از جانب راست بایستد وگودالی در برابر قبله بکنند وتخت سر
او زیر باشد که آب غسل در آن گودال ریزد ومکروه است که آب غسل را
بچاله که در آن بول وغایط کنند بریزند واگر چاله باشد که کثافات خانه
در آن ریزند قصوری ندارد ومکروه است که میت را بآب گرم غسل دادن
مگر در حال ضرورت ومکروه است که میت را در میان پاهای بگیرد
یا موی او را بگیرد یا شانه کند واگر بگیرد ناخن وموی یا مویی که در اثنای
غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد وبا میت دفن کنند چه
منقولست که ناخنی از حضرت باقر ع کنده شد بحضرت صادق ع داد
وفرمود که با من دفن کن در قبر واگر سدر وکافور بهم نرسد یکمرتبه بآب
قراح غسل دهند واحوط آنست که سه مرتبه غسل دهند واگر پیش از
دفن بهم رسد احوط آنست که مرتبه دیگر او را غسل دهند واگر آب بهم

یا میت را غسل نتوان داد که آن باشد که بدن میت از هم بپاشد
تیمم دهند او را و ظاهر آنست که یک تیمم کافیست و سه تیمم احوط است و بهتر
آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند تیمم میدهم این میت را بدل از
غسل آنکه باشد به سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای رضای
خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور
احتیاطا قربة الی الله و همچنین قراح و چون نیت کند دست خود را بر خاک
زند و بر پیشانی میت کشد و دیگر دست راست میت کشد و بعد از آن بر پشت
دست چپ و اگر یک ضرب تیمم دهد یکی برای رو و یکی برای دستها احوط است
و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند فصل سیم

احکام کفن کردن میت

در کفن کردن میت است و واجبست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند
که اول لنگ است که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند
که سنت است که سینه را بپوشد و تا پاها برسد دویم پیراهن است و سیم
سر تا سری که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علما گفته اند که پیراهن است
و دو سر تا سری و جایز است که بجای پیراهن یک سر تا سری دیگر بکنند که
مجموع سه سر تا سری باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره براین دلا
لت دارد و احوط آنست که با این ها نیز لنگ بکنند و بانضمام پارچه یک سر تا
سری کافیست و باید که کفن حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن
زنان نیز حریر نباشد و احوط آنست که از پوست نبوده باشد و بهتر آنست

که ابریشم



که ابریشم و مو نیز نبوده باشد و سنت است که از پنبه سفید بوده باشد
و سنت است که سر تا سری بالا از جمله دو سر تا سری حبره باشد و آن
جامه بوده که از یمن می آورده اند و الحال معلوم نیست و دو دیگر که اگر بجای
آن قطن سفید بکنند بد نباشد و علما گفته اند که سنت است که اول جانب
چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازد و بعد از آن جانب راست لفافه را
بر جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کند اگرچه سنتی بنظر نرسیده
و سنت است که خرقه طولانی که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه ذرع و نیم
باشد بلکه دو ذرع دست زیاده کند برای ران پیچ با آنکه سر آن را بشکافند و بر کمر میت
ببندند و پنبه بسیار بر دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بر پیشش
بگذارند و اگر بهتر قدری کافور بپاشند شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را
از میان پاها بدر آورند و از زیر ران پیچ که بر کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم بکنند
که فرج را که پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها بهم آورند و ران ها را خوب بیکدیگر
سخت بر بندند و بپیچند تا زانوها تا هر جا منتهی شود سر شرا را در زیر آنچه پیچیده اند
فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بر دور سرش بگذارند
و موافق مشهور به زیر حنک بگذارند و سرهای عمامه را از هر طرف بدر آورند و
بر سینه میت بیندازند و چپ را بر جانب راست و راست را بر جانب چپ و بدل از
عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن بر بندند که پستانها
او را بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهن

کتان کنند آستین و استینه باشد اما اگر میّت را در پیراهن خودش کفن
کنند دو کار نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست اما تکمه‌ها
و بندهایش را ببرند و سنّت است که میّت را کفن کنند در پیراهنی
که در آن نماز میکرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن
کنند شاید بد نباشد و مستحب است که در جامه که در آن احرام بسته
در حج یا عمره کفن کنند و مستحب است که کفن خوش قماش و صاحب قیمت
باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفن‌های مردگان
خود را که زینت ایشان است و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند
و سنّت است که در قیمت کفن مضایقه و مبالغه نکنید و کفن از مال
حلال بی شبهه باشد و سنّت است موافق مشهور که در کفن شهادتین و اقرار
بائمه علیهم السلام بنویسند و دعای جوشن و غیر آن در بعضی روایات وارد شده
و سنّت است بتربت امام حسین بنویسند و علما گفته‌اند که سنّت است
کفن را با دندانها از آن بیرون آورند و بلند و آب دهن تر نکنند و
سنّت است که در وقتی که غسل دهند خواهد که میّت را کفن کنند دستها
پیش تا دوش یا مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجب
حنوط کردن میّت را با آنکه بر هفت موضع سجده او یعنی پیشانی و کف
دستها و زانوها و انگشتهای بزرگ پاها کافور بمالند و اگر چه اندکی
باشد و بهتر است که بر سر بینی را نیز بمالند و بر سینه‌اش بپوشند و اگر



و کف قدمها پایین کردن و بند کفها و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها
و پیچ زانو و بند انگشتان و سایر بندها را بمالند احوط است و بهتر
آنست که کافور حنوط کافور خام سوده نا باشد و مقدارش بقدر یک
شش درم باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر از این آنست که سه
مثقال باشد و بهتر از این آنست که سیزده درهم و ثلث بوده باشد
موافق حنوط حضرت رسول صلعم که تقریباً هفت مثقال صیرفی بوده باشد
و بهتر آنست که کافور غسل از این مقدار کمتر نباشد و سنّت موکد است
که دو چوبه تازه با میّت بگذارند و در اخبار وارد شده است که تا این
چوبها تر است میّت را عذاب نمیکنند و بهتر آنست که چوب خرما بوده باشد
و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر
یافت نشود چوب درخت انار و اگر بهم نرسد هر چوب تری خوب است و باید
که تر باشد و تازه از درخت بریده باشد و چوب خشک هر چند از درخت
خرما اما اگر شسته نبرید باشند فایده نمیکند و باید هر یک بقدر یک
شبر باشد یا یک ذراع دست و بعضی گفته‌اند که بقدر استخوان ذراع که از
یک شبر بیشتر است و ظاهراً همه خوب است و بعضی گفته‌اند اگر بلندتر را و بر
تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی از جانب راست بگذارند و سرش بچنبر گردن
بگذارند و ملصق به بدن سازند و دیگری از جانب چپ میان پیراهن و سر تا
بگذارند و سر او بچنبر گردن بگذارند و بعضی گفته‌اند سنّت است که چوب

شهادتین بنویسند بتربت شریف و اگر تقیه باشد و چوب تر نتوانند که در کفن
نتوانند گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن بخاطرشان آید
در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال اوست مقدم
بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد رختهای او را تطهیر
کنند و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند
که از زکوة واجب میتوان کرد و خالی از قوتی نیست و سنت مؤکد است
که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن جامه او شده باشد
تا روز قیامت و هر که قبر بکند از برای مؤمنی چنانست که در خانه موافق
نیکوئی جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هر چند زن
مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از میت نجاستی
بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته
اند او را میشویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن موضع را قطع
میکنند و گفته اند از یکدیگر میکنند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی
گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر با آنکه طشتی و آفتابه
ببرند و بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیر
آن لازم باشد کفن را نیز بآن عنوان بشویند و این احوط است و جمعی گفته اند
مکروهست کفن را باطن پوشیدن و گفته اند که انشا بیچ چنین شنیده ام و در حال

کفن نیز سنت



کفن نیز سنت است که پاهایش بجانب قبله باشد و کسی که در غیر جهاد
با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را آلوده میکنند و غسل میدهند
و اگر سر جدا شده باشد در هر غسلی اول سر را میشویند و آخر بدن را
و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود گل بسته میریزند تا بند شود و از حضرت
صادق منقولست که در حکم چنین کسی که اول خونش را میشویند و آب بر او میریزند
در غسل و دست بر بدنش نمی مالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند
و محکم می بندند و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد که
می باشد بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و محکم بر آن می بندند
که خون بیرون نیاید و اگر سر جدا شده باشد او سر را می شویند و بعد
و بر گردن پنبه میگذارند و بعد سر را متصل میکنند و کفن میپیچند و در دفن
او بدن را میگیرند و بقبر میکنند او را رو بقبله میکنند **فصل چهارم** در نماز
میت است و این واجبست بر همه مسلمانان که علم بموت شخصی بهم رسانند و
که یکی بجا آورد از دیگران ساقط است و واجبست نماز بر هر شیعه که بالغ
باشد و اشهر و اقوی آنست بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجبست
و ظاهر بعضی قرینه اکتفا توان کرد و جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج
و ناصبیان که عداوت اهل بیت علیهم السلام داشته باشند و غالیان که ائمه را خدا دانند یا گویند
که خدا حلول کرده است و بر آنها که خدا را جسم میدانند از مخالفان خلافست
ظاهر مخیر باشند بکنند یا نکنند و چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت

الی آخر احکام میت

کند برا و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز بر میت
وارث اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز عامه
نمیتوان کرد و احوط آنست که تا تواند رخصت از ایشان گرفتن بی رخصت نکند
و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و
وارث خود و اگر قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر که را قابلیت داشته باشد
و جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با ماموم در یک صف بایستد و
مرد باید پیش بایستد اگرچه ماموم یک نفر باشد و واجب است که نماز کننده
رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست و باشد و احوط در منفرد آنست
که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت بر پشت خوابانیده باشند و این
نماز طهارة شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این نماز را میتوانند کرد و
احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت
و نجس نبودن جامه و بدن و غیر اینها اگرچه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و از آنها منافی افعال نماز باشد مانند طلا و
حریر برای مردان و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد
یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی
آنست که بدون عذر نیز تیمم مستحب است و نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل
و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را در قبر گذارند و عورتش را
بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیشنماز برابر میان مرد بایستد و سنت است

کفش را بکند



کفش را بکند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن
و اگر پا برهنه باشند بهتر است و واجب است که نیت کند و بهتر آنست
که چنین نیت کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجبست
قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را
بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند
دست برداشتن را و اول اولیست و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف
و احوط وجوبست و ظاهر آن دعائی مجزی باشد و مشهور آنست که بعد
تکبیر اول بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول
الله و بعد از دویم اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از سیم
اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و بعد از چهارم اللهم اغفر
لهذا المیت و تکبیر پنجم بگوید و فارغ شود مجزیست و موافق مشهور
بهتر آنست که چنین کند که بعد از نیت بگوید الله اکبر اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده
اینکه نیست خدائی مگر خدا که یکتاست نیست شریکی برای او و گواهی میدهم که محمد بنده او
و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة پس بگوید
و فرستاده اوست فرستاد او را براستی مژده دهنده و بیم کننده در پیش قیامت الله اکبر
اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم
خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن

خدا بزرگتر است

محمد و آل محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم

محمد و آل محمد بهتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم

و آل ابراهيم انك حميد مجيد وصل على جميع الانبياء والمرسلين

و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده و بزرگی و رحمت فرست بر همه پیغمبران و فرستادگان

پس بگوید اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

الله اكبر خداوندا بیامرز از برای مردان گرویده و زنان گرویده و مردان گردن نهنده و زنان

الاحياء منهم والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات انك مجيب

زندگان از ایشان و مردگان و پیروی ده میان ما و میان ایشان به نیکیها بدرستی که تو

الدعوات انك على كل شيء قدير پس بگوید اللهم ان هذا

دعاها را بدرستی که تو بر هر چیز توانایی الله اكبر خداوندا بدرستی که این

عبدك وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم

بنده تو و پسر بنده تست و پسر کنیز تست فرود آمده بتو و تو بهترین فرود آورده شده ای

انا لا نعلم الا خيرا وانت اعلم به منا اللهم ان كان محسنا فزد في

بدرستی که ما نمیدانیم مگر نیکی را و تو داناتری به او از ما خداوندا اگر بوده باشد نیکوکار پس بیفزا در

احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندك

نیکوکاری او و اگر بوده باشد گناهکار پس درگذر از او و بیامرز مر او را خداوندا بگردان او را نزد خود

في اعلا عليين واخلف على اهله في الغابرين وارحمه برحمتك يا ارحم

در بلندترین درجه بهشت و خلیفه باش بر اهل او در زمره باقی ماندگان و رحم کن او را برحمت خود ای رحم کننده ترین

الراحمين



الراحمين پس میگوید الله اكبر فارغ میشود اللهم ان هذه امتك

رحم کنندگان واگر میت زن باشد میگوید خداوندا بدرستی که این کنیز تو

وابنة عبدك وابنة امتك نزلت بك وانت خير منزول به

و دختر بنده تست و دختر کنیز تست فرود آمده بتو و تو بهترین فرود آمده شده ای

اللهم انا لا نعلم منها الا خيرا وانت اعلم بها منا اللهم ان كانت

خداوندا بدرستی که ما نمیدانیم از آن مگر نیکی و تو داناتری بآن از ما خداوندا اگر بوده باشد

محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عنها واغفر لها

نیکوکار پس زیاده کن در نیکوئی آن و اگر بوده باشد بدکار پس درگذر از او و بیامرز او را

اللهم اجعلها عندك في اعلا عليين واخلف على اهلها في الغابرين

خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین درجات بهشت و خلیفه باش بر اهل آن در زمره باقی ماندگان

وارحمها برحمتك يا ارحم الراحمين واگر بعد از هر چهار تکبیر اشهد

و رحم کن او را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان این دعا بخواند خوبست گواهی

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده

میدهم که نیست خدایی بجز خدای یگانه که انباز نیست مر او را و گواهی میدهم که محمد بنده او

ورسوله اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات

و فرستاده اوست خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مردان گرویده و زنان گرویده

اللهم ان هذا المسجى قدامنا عبدك وابن عبدك وقد قبضت روحه

خداوندا بدرستی که این پوشیده در کفن پیش ما بنده تست و پسر بنده تست و بتحقیق فرا گرفتی روح

إليك وقد احتاج إلى رحمتك وأنت غني عن عذابه اللهم إنا لا نعلم
سوی خود و بتحقیق نیازمند است بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا بدرستی که ما
من ظاهره إلا خيرا وأنت أعلم بسريرته اللهم إن كان محسنا فزد في
از ظاهر او مگر نیکی و تو دانا تری به نهانی او خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در
إحسانه وإن كان مسيئا فتجاوز عن سيئاته و اگر زن باشد بگوید اللهم إن هذه
نیکوئی او و اگر بوده باشد گناهکار پس درگذر از گناهان او خداوندا بدرستی که این
المسجّاة قدامنا أمتك وابنة عبدك وقد قبضت روحها إليك
پوشیده در کفن پیش ما کنیز تو و دختر بنده تو است و بتحقیق گرفتی روح او را بسوی رحمت
وقد احتاجت إلى رحمتك وأنت غني عن عذابها اللهم إنا لا نعلم
و بتحقیق محتاجست بسوی بخشودن تو و تو بی نیازی از عذاب کردن او خداوندا بدرستی که ما
من ظاهرها إلا خيرا وأنت أعلم بسريرتها اللهم إن كانت محسنة فزد
از ظاهر او مگر نیکی و تو دانا تری به نهانی او خداوندا اگر بوده باشد خوب کار پس زیاد کن
في إحسانها وإن كانت مسيئة فتجاوز عن سيئاتها بلکه موافق بعض الاحادیث بهتر است
در نیکی او و اگر بوده باشد بدکار پس درگذر از گناهان او
و اگر بعد از تکبیر اول این دعا أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له
بخواند نیز خوبست گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدا یگانه که نیست شریکی او را
وأشهد أن محمدا عبده ورسوله اللهم صل على محمد وآل محمد
و گواهی میدهم که محمد بنده او و فرستاده او است خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد



وعلى الأئمة الهداة واغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان
و بر پیشوایان راه نمایان و ببخش مر ما را و مر برادران ما را آنانکه پیشی گرفتند بایمان
ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا إنك غفور رحيم اللهم
و مگردان در دلهای ما کینه مر آنان را که گرویدند پروردگارا بدرستی که تو آمرزنده مهربانی خداوندا
اغفر لأحيائنا وأمواتنا من المؤمنين والمؤمنات وألّف قلوبنا
بیامرز زندگان ما و مردگان ما را از مردان گرویده و زنان گرویده و الفت ده دلهای
على قلوب أخيارنا واهدنا لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك
ما را بر دلهای نیکان ما و راه نمائی کن ما را با آنچه خلاف کرده شده در آن از راستی بدستوری تو بدرستی که
تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم اللهم عبدك ابن عبدك
راه مینمائی آنرا که میخواهی بسوی راه راست خداوندا بنده تو پسر بنده تو
ابن أمتك أنت أعلم به افتقر إلى رحمتك واستغنيت عنه اللهم
پسر کنیز تو تو دانا تری بآن محتاجست بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از او خداوندا
فتجاوز عن سيئاته وزد في حسناته واغفر له وارحمه ونوّر له في
پس درگذر از بدیهای او و زیاده کن در نیکیهایش و بیامرز او را و رحم کن او را و روشنی ده او را در
قبره ولقّنه حجته وألحقه بنبيه صلى الله عليه وآله ولا تحرمنا
قبر او و بفهمان حجت او را و برسان او را به پیغمبر خود درود فرستاد خدا بر او و آل او و محروم مکن ما را
أجره ولا تفتنّا بعده و اگر زن باشد از اول صراط مستقيم اللهم أمتك
از مزد او و در بلا میفکن ما را پس از او دعا بخواند تا اینجا که خداوندا کنیز تو

ابنة امتك انت اعلم بها افتقرت الى رحمتك واستغنيت عنها
دختر کنیز تو تو داناتری بان محتاجست سوی بخشش تو و بی نیازی تو از ان
اللهم فتجاوز عن سيئاتها وزد في حسناتها واغفر لها وارحمها و
خداوندا پس درگذر از گناهان او و زیاده کن در نیکیهای او و بیامرز او را و رحم کن او را و
نور لها في قبرها ولقنها حجتها والحقها بنبيها صلى الله عليه وآله
روشن کن او را در قبر او و تلقین نما او را حجت او و برسان او را به پیغمبر او
ولا تحرمنا اجرها ولا تفتنا بعدها و در بعضی روایت وارد شده است
و نا امید مکن ما را از مزد او و در فتنه میفکن ما را پس از ان که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید
ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
پروردگارا بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش
واگر بر سنی و خلاف مذهب کند بضرورت بعد از تکبیر چهارم بلکه
بعد از هر تکبیر بر او لعنت و نفرین کند و بهتر اینست که چنین بگوید
اللهم اخز عبدك في عبادك وبلادك اللهم اصله حر نارك اللهم
خداوندا خوار کن بنده خود را در میان بندگان خود و در شهرهای خود خداوندا برسان او را گرمی آتش
اذقه اشد عذابك فانه كان يوالي اعداءك ويعادي اولياءك و
بچشان او را سخت ترین عذاب خود زیرا که بود که دوست میداشت دشمنان ترا و دشمن میداشت دوستان ترا
يبغض اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله واگر میت مستضعف
و دشمن بود با اهل بیت پیغمبر تو و آل او باشد که ضعیف العقل



و تمیز میان مذاهب نکند و باین سبب سنی باشد یا مخالف حق باشد
و عناد با شیعیان نداشته باشد یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلام داشته باشد
در نماز برای او بگوید اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم
عذاب الجحيم واگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید اللهم ان هذه
النفس انت احييتها وانت امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها مع
من احبت واگر میت طفل نابالغ باشد بگوید اللهم اجعله لابويه و
لنا سلفا وفرطا واجرا و این دعاها بعد از تکبیر چهارم بخواند و در سنی
تکبیر پنجم را میگوید و بجای خود بایستد تا جنازه را بر دارند خصوصا پیش نماز
و نماز جنازه را در مسجد میتوان کرد و بهتر انست که در مسجد نکند و اگر میت را
بی نماز دفن کنند احوط انست که بر قبر او نماز کنند هر چند مدتی گذشته باشد
و همه وقت نماز جنازه را میتوان کرد مگر انکه وقت حاضره تنگ شود که
حاضره را مقدم دارد و بهتر انست که با وسعت وقت نیز اول حاضره
مقدم دارد مگر انکه خوف نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن
میت **فصل پنجم** در آداب دفن میت و آداب بعد از آن سنت است که تابوت را
در قبر نگذارند نزد قبر بگذارند و واجبست که میت را در گور پنهان کنند
بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور گردد و جسد ان از درندگان ایمن
باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجبست بقول مشهور و بعضی
مستحب دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سینه

کندن لحد از طرف قبله و مستحب است انقدر فراخ باشد که کسی در ان
تواند نشست و اگر زمین سست باشد و لحد نتواند کند بعضی گفته‌اند
که مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند تا انکه از میان قبر جای
فرو برند انقدر که توان نشست و دو طرف داشته باشد که خشت بروی
توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط انست که در همه اینها
و تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد
که بخشکی برسانند والا در میان خم گذارند و سر شرا ببندند و در دریا
اندازند که ممکن باشد والا او را سنگین کنند و رو بقبله باب اندازند
جنازه بنزدیک قبر رسد سنت است که او را از پای قبر گذارند که مرد باشد
و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور انست که زمانی میگذارند
و سه مرتبه او را نقل میکنند و مرتبه چهارم او را بقبر برند و انچه در روایات
معتبر وارد شده است انست که چون نزدیک قبر رسانی او را بناگاه
بقبر مبر و کاو را سنگین مکن و پایین تر از قبر بدو ذرا یا سه ذراع بگذار
و ساعتی صبر کن تا مهیّه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای
عظیم هست و دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است
که سر میت را پیش کنند و از پیش پای قبر سرا شیب بقبر برند و جمعی از علما
گفته‌اند که زن را از پیش قبله میگیرند و بعرض بقبر می برند و سرا شیب
بقبر نمی کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است و سنت است

که شخصی



که شخصی که بقبر میرود که میت را بقبر بگذارد بندهای قبا را بگشاید
و بالاپوش و ردا را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است که پای
کسی برود یا زیاده خواه طاق باشند و خواه جفت و اکثر علما گفته‌اند که
مکروه هست که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و انچه از احادیث
ظاهر میشود انست که پدر را مکروه هست که در قبر فرزند داخل شود
و سایر اقارب باکی نیست و اگر میت زن باشد احوط انست که محرم او را
بقبر گذارد و اگر محرم نبوده باشد مرد صالح پیر بعد و بعد رفتن و بیرون آمدن
سنت است که از پیش پای قبر باشد و سنت است که چون میت را بنزدیک
قبر بگذارد و بگوید اللّهم عبدک ابن عبدک و ابن امتک نزل بک
و انت خیر منزول به و اگر میت را برداشتند که بقبر برد بگوید اللّهم
بسم الله و بالله و علی ملّة رسول الله صلّی الله علیه و آله اللّهم
بنام خدا و بتوفیق خدا و بر کیش رسول خدا درود خدا بر او و آل او خداوندا
الی رحمتک لا الی عذابک اللّهم افسح له فی قبره و لقّنه حجّته و
بسوی رحمت تو نه بسوی عذاب تو خداوندا گشادگی ده او را در قبرش و بفهمان او را حجت او
ثبّته بالقول الثابت و قنا و ایّاه عذاب النّار و چون در قبر بگذارد
و ثابت دار او را بگفتار راست و باز دار ما را و او را از عذاب آتش سنت است که بندهای
کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین
برساند و اگر زیر سرش را از خاک بلند کند بد نیست و خشتی بر پشتش

بگذارد که تر نشست نیفتد و سنت است که میت را از تربت حضرت امام حسین ع
در برابر روی بگذارد و اگر تربت امام حسین ع در کفن بگذارند بهتر است و بگوید
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس سوره فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم
بخوانند بهتر است بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله
پس بگوید بنام خداوند و به توفیق خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا
صلی الله علیه و آله اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم افسح له
رحمت فرستد خدا بر او و آل او خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد خداوندا گشایش ده او را
فی قبره و الحقه بنبیه صلی الله علیه و آله اللهم ان کان محسنا
در قبر او و برسان او را به پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او خداوندا اگر باشد نیکوکار
فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه
پس زیاده کن در نیکی او و اگر بوده باشد بدکار پس بیامرز او را و رحم کن او را و درگذر از او
پس اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد عمله و لقه منک
بگوید خداوندا دور کن زمین را از طرفین او و بالا بر عمل او را و برسان او را از خود
رضوانا پس اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و انت
خشنودی پس بگوید خداوندا بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بر تو و تو
خیر منزول به اللهم لقنه حجته و الحقه بنبیه و قه
بهترین فرود آمده شده بر آن خداوندا تلقین کن او را حجت او و برسان او را به پیغمبر خود و نگاه دار او را

مرتبه دیگر



شر منکر و نکیر و ایضا بسم الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول
از شر منکر و نکیر بگوید بنام خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا
صلی الله علیه و آله اللهم عبدک نزل بک و انت خیر منزول
رحمت فرستد خدا بر او و آل او خداوندا بنده تو فرود آورده تو و تو بهترین فرود آورده شده
به اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه اللهم لا نعلم منه
بر آن خداوندا گشایش ده او را در قبر او و برسان او را به پیغمبر خود خداوندا نمیدانیم از او
الا خیرا و انت اعلم به منا و بروایت معتبر اللهم یا رب عبدک
مگر نیکی و تو داناتری به آن از ما دیگر بگوید خداوندا ای پروردگار من بنده تو
ابن عبدک و انت خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه
پسر بنده تو و تو بهترین فرود آمده شده بر آن خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاده کن در نیکی او
و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و الحقه بنبیه محمد صلی الله
و اگر باشد بدکار پس درگذر از آن و برسان او را به پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا
علیه و آله و صالح شیعته و اهدنا و ایاه الی صراط مستقیم
بر او و آل او و نیکوکاران پیروان پیغمبر او و راه نما ما را و او را بسوی راه راست
اللهم عفوک عفوک بروایت معتبر اللهم هذا عبدک فلان
خداوندا درگذر درگذر دیگر این دعا بخواند خداوندا این بنده تست فلان
و بجای فلان و ابن عبدک قد نزل بک و انت خیر منزول به و قد احتاج
نام او را بگوید و پسر بنده تو بتحقیق که فرود آمده بتو و تو بهترین وارد شونده و بتحقیق

ابن عبدک
پسر بنده تو

لمحتاج الی رحمتک اللهم لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم
که محتاجست بسوی رحمت تو خداوندا نمی دانیم ما از او مگر نیکی و تو دانا تری
بسریرته منا و نحن الشهداء بعلانیته اللهم فجاف الارض عن
به پنهان آن از ما و ما گواهانیم به آشکار آن خداوندا پس دور کن زمین را از
جنبیه و لقنه حجته و اجعل هذا الیوم خیر یوم اتی علیه و اجعل
دو پهلوی او و بفهمان او را حجت او و گردان این روز را بهتر روزی که بیاید بروی و گردان
هذا القبر خیر بیت نزل فیه و صیره الی خیر مما کان فیه و وسع
این قبر را بهتر خانه که فرود آید در آن و گردان او را بهتر از آنچه بود در آن و فراخ کن
له فی مدخله و آنس وحشته و اغفر ذنبه و لا تحرمنا اجره و لا تضلنا
برای او در جای داخل شدن و انس ده وحشت او را و بیامرز گناه او را و محروم مکن ما را از مزد او و گمراه مکن
بعده و سنت است که در این حال تلقین کند خصوصا و لای
پس از او ائمه معصومین و بهتر آنست بدست راست دوش راست میت
بگیرد و بدست چپ دوش چپ میت را بگیرد و او را حرکت دهد و تلقین
و اگر این نحو اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم یا فلان بن فلان
بگوید جامع ترا بشنو بفهم بشنو بفهم بشنو بفهم ای فلان پسر فلان
و نام او و هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان
بگوید و نام پدرش بگوید آیا تو هستی بر عهدی که مفارقت کردی ما را بر آن از گواهی اینکه
لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا صلی الله علیه و آله

آداب تلقین میت

عبده و رسوله



عبده و رسوله و سید النبیین و خاتم المرسلین و ان علیا
بنده او و پیغمبر او و بزرگ پیغمبران و ختم فرستادگان و بدرستی که علی
امیر المؤمنین و سید الوصیین و امام افترض الله طاعته علی
پادشاه گروندگان و بزرگ اوصیا است و پیشوائیست که لازم کرده خدا طاعت او را بر
العالمین و ان الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن
جهانیان و بدرستی که حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر
علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن
علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر
علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و القائم الحجة المهدی صلوات
علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و آن پاینده که حجت است رحمتهای
الله علیهم اجمعین ائمة المؤمنین و حجج الله علی الخلق اجمعین
خدا بر ایشان همگیان پیشوایان مؤمنانند و حجت خدا بر خلق همگیان
و ائمتک ائمة الهدی ابرار یا فلان ابن فلان اذا اتاک الملکان المقربان
و پیشوایان تو پیشوایان راه راست نیکوکارند ای فلان پسر فلان هرگاه بیایند ترا دو فرشته مقرب
رسولین من عند الله تبارک و تعالی و سألاک عن ربک و عن نبیک
فرستادگان از نزد خداوند فاضل و برتر و سؤال کنند ترا از پروردگار تو و از پیغمبر تو
و عن دینک و عن کتابک و عن قبلتک و عن ائمتک فلا تخف و قل
و از دین تو و از کتاب تو و از قبله تو و از پیشوایان تو پس مترس و بگو

في جوابهما الله جلّ جلاله ربّي ومحمّد صلّى الله عليه وآله نبيّي

در جواب ایشان الله بزرگوار است پروردگار من است و محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او پیغمبر

والاسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة قبلتي وامير المؤمنين

و اسلام دین منست و قرآن کتاب منست و کعبه قبله منست و پادشاه گروندگان

علي بن ابي طالب امامي والحسن بن علي المجتبى امامي والحسين

علی پسر ابیطالب امام منست و حسن پسر علی برگزیده امام منست و حسین پسر

علي الشهيد بكربلا امامي وعلي زين العابدين امامي ومحمّد باقر

علی کشته شده بکربلا امام منست و علی بهترین عبادت کنندگان امام منست و محمد شکافنده

علم النبيين امامي وجعفر الصادق امامي وموسى الكاظم امامي

علم پیغمبران امام منست و جعفر صادق امام منست و موسی فرو خورنده خشم امام منست

وعلي الرضا امامي ومحمّد الجواد امامي وعلي الهادي امامي والحسن

و علی پسندیده امام منست و محمد جواد امام منست و علی راه نماینده امام منست و حسن

العسكري امامي والحجّة المنتظر امامي هؤلاء صلوات الله عليهم

عسکری امام منست و حجت انتظار برده امام منست این گروه رحمتهای خدا بر ایشان

اجمعين ائمّتي وسادتي وقادتي وشفعائي بهم اتولّى ومن اعدائهم

همگی پیشوایان منند و سروران منند و بزرگان منند [illegible] و از دشمنان ایشان

اتبرّء في الدنيا والآخرة ثمّ اعلم يا فلان ابن فلان انّ الله تبارك وتعالى

بیزاری میجویم در جهان و آنجهان پس بدان ای فلان پسر فلان بدرستی که خدای بزرگ و برتر



نعم الربّ وانّ محمّداً صلّى الله عليه وآله نعم الرسول وانّ امير المؤمنين

خوب پروردگاریست و بدرستی که محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او خوب پیغمبریست و بدرستی که پادشاه گروندگان

علي بن ابي طالب واولاده الائمّة الاحد عشر نعم الائمّة وانّ ما جاء

علی پسر ابیطالب و فرزندان او [illegible] خوب پیشوایانند و بدرستی که آنچه

به محمّد صلّى الله عليه وآله حقّ وانّ الموت حقّ وسؤال منكر ونكير

في القبر حقّ والبعث حقّ والنشور حقّ والصراط حقّ والميزان حقّ

در قبر حقست و [illegible] حقست و صراط حقست و میزان حقست

وتطاير الكتب حقّ والجنّة حقّ والنار حقّ وانّ الساعة آتية لا ريب

[illegible] حقست و [illegible] حقست و بدرستی که قیامت آینده است

فيها وانّ الله يبعث من في القبور پس بگو افهمت يا فلان و در حدیث است

[illegible] که میت در جواب میگوید بلی فهمیدم

پس ثبّتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط مستقيم

بگوید [illegible]

عرّف الله بينك وبين اوليائك في مستقرّ من رحمته پس بگو اللهمّ

[illegible] پس بگوید [illegible]

جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقّه منك برهاناً

اللهم عفوک عفوک پس خشت بر لحد بگذارد و اگر بجهة نیز خوابست
وخشت خام بهتر است اگر خشت بزرگ باشد
و است بگذارد و بر و خر خشتها خشت دیگر بگذارد و اگر خشتها کوچک
باشد هر چه کنند این دعا بخوانند اللّهمّ صلّ وحدته و آنس وحشته و
آمن روعته و اسکن الیه من رحمتک رحمةً تغنیه بها عن رحمة من
سواک فانّما رحمتک للظالمین و بروایتی دیگر رحمةً یستغنی بها عن
رحمة من سواک و احشره مع من کان یتولّاه و مکروه هست فرش بچوب
یا تخته کردن یا میت را با تابوت گذاشتن و چون از قبر بیرون آید بگوید انّا
لله و انّا الیه راجعون و الحمد لله ربّ العالمین اللّهمّ ارفع درجته
فی اعلا علیّین و اخلف علی عقبه فی الغابرین و عندک نحتسبه یا ربّ
العالمین پس سنت است که حاضران پشت کف دست خاک در قبر بریزند
و اگر پیکم دست کفها پر کنند و بریزند و در وقت ریختن بگوید اللّهمّ ایمانا بک
و تصدیقا بکتابک هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله
اللّهمّ زدنا ایمانا و تسلیما و در حدیثی که هر که چنین کند و این دعا بخواند
بعدد هر ذره از خاک حسنه از برای او بنویسند و مکروه هست که خویشان
خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت میشود و سنت است که قبر را بقدر چهار انگشت
بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و مودی نیست که یک شبر نیز مجوز باشد
و مستحب است که قبر را چهار گوش کنند و پوشش آب کنند و خوابشت نکنند نحو



که سنیان میکنند و بعد از آن آب بروی قبر بریزند و در خبر است که تا نمی
در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب ریزنده رو بقبله
بایستد و ابتدا از پیش سر کند و بیک جانب قبر بریزد تا بپیش پا و دیگر باره بجانب
قبر و سنت که ولی میت یعنی اقرب خویشان بعد از آنکه مردم برگردند بر سر قبر
بر نشیند و باواز بلند او را تلقین کند که گذشت او دیگر بکند و اگر نایب تعیین کند
خوبست و کچ مالیدن بقبور مکروه مگر قبور انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی
گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروه هست که در حال اختیار
دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که مرده است بشهرهای دیگر بردن
مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین و بعضی استثنا کرده اند بمقابر علما و صلحا
و شهدا و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی
استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین و مشهور آنست
که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر پدر و برادر
و برایشان جایز است و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و
جایز نیست خراشیدن روی و کندن موی و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه
بر روی و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند
که هر که زنی که موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست که کفاره
بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و بعضی گفته
اند گناه دارد و کفاره بر او نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط دادن

کفاره است و صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله و انا الیه راجعون تا گناهان
گذشته او آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی بخاطر او در
آید هر چند بعد از مدتی باشد و بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب
العالمین اللهم آجرنی علی مصیبتی و اخلف علی افضل منها ثواب
همان مصیبت بار دیگر باو داده میشود و منقولست از حضرت رسول که هر که
صبر فرماید اندوه ناگیراد در صحرای محشر که هر کس برهنه اند خدا او را حله نیکو
از حله های بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و سنت موکد است زیارت
قبور مؤمنان خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان شود بگوید السلام علی
اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بکم لا
حقون و بروایت دیگر السلام علی اهل الدیار من المسلمین و المؤمنین
رحم الله المستقدمین منا و المستأخرین و انا ان شاء الله بکم لاحقون
و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه
سوره انا انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا
او را و صاحب قبر را بیامرزد و بروایت دیگر مستحب است نزد قبر سوره حمد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
هر یکی را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخواند از حضرت رسول منقولست
که هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را
ببخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی را



از ابن غضایری روایتست

بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبرستان کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که
تسبیح گویند از برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور
مستحب است و بحدیث معتبر وارد شده است که هر که را مصیبتی وارد شود مصیبت
حضرت رسالت را بیاد آورد که صعبترین مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد
شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر زانو زند ثواب او حبط شود و
در حدیث معتبر وارد شده است که هر که یک فرزند از او پیش رود و صبر کند بهتر است
برای او از آنکه هفتاد فرزند بماند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند
و منقولست که هر که را خدا دوست میدارد بهترین فرزندان او را میگیرد
و منقولست که ثواب مؤمن از مردن فرزندش بهشت است خواه صبر بکند و خواه
و خواه نکند و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در وقت مصیبت این دعا میخواند
الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی و الحمد لله الذی لو شاء ان یجعل
مصیبتی اعظم مما کانت و الحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان
و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده
و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براه اند
در خبر است که بسیار فرزندی که در حال حیوة پدر و مادر عاق ایشان باشد
و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیر که از برای ایشان بعمل آورد
و بسیار فرزندی که در حال حیوة پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان
عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان بعمل نیاورد و عمل خیرات برای پدر و مادر

و مادر و سایر خویشان انست که قرض ایشانرا ادا کند و ایشانرا از حقوق
و خلق بری کرداند و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق ع در هر شب
برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند
در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطیناک میخواندند و بسند صحیح
منقولست از حضرت صادق ع که بسیار باشد که میت در تنگی و شدت باشد پس
حق تعالی بر او وسعت دهد و تنگی را از او بردارد و پس او را گویند که این فرح که ترا
داده است بسبب نماز پسیت که فلان مؤمن برای تو کرده و استغفار کند برای مؤمن
گرفتار میشد و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی بنیت میت تصدق
بکند حق تعالی جبرئیل را امر میفرماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند
هر یک طبقی بدست دارند از نعمتهای الهی و هر یک با او میگویند السلام علیک
ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن میشود
و حق تعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت فرماید و هزار حور بتزویج او
نماید و هزار حله بر او می پوشاند و هزار حاجت او را روا میکرداند و در حدیث
معتبر منقولست که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات اول فرزندی که از
جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند سیم درختی
که بکارد و مردم از ان نفع یابند چهارم ابی که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید
ششم سنتی است که مردم عمل نمایند از ان شاه و هدایت خلق با تصنیف کتب و مسائل

## باب چهارم در مجمل از احکام زکوة و خمس و اعتکاف و در ان سه فصل است



**فصل اول** در ذکر زکوة است و ایات و احادیث بر وجوب ان و عقاب ترک کنند
ان بسیا است از انجمله حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ
وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى
عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ
لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی انکسانی که جمع میکنند طلا
و نقره و حقوق الهی را نمیدهند و در راه خدا صرف نمی نمایند پس بشارت
ده ایشانرا بعذابی دردناک در انروزی که سرخ کنند این طلا و نقره در
اتش جهنم و داغ کنند بانها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و
بایشان گویند اینست مالهای که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید
عذاب انها را و از حضرت صادق ع منقولست که هر که نه دهد قیراطی
از زکوة را [illegible] پس نه مؤمن است و نه مسلمان و وقت
مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی
فرموده است حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا
فِيمَا تَرَكْتُ یعنی تا وقتی که بیاید احدی از شما را مرگ گوید پروردگارا
برگردانید مرا بدنیا تا عمل شایسته بکنم در ان مالی که بعد از خود گذاشتم
و از حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین بطریق صحیح منقولست که کسی
که طلا و نقره داشته باشد و زکوة انرا ندهد حق تعالی او را در قیامت حبس
خواهد نمود در زمین لغزنده که پا بند نشود و بر او مسلط سازد که زهر

از مارهای دیگر عظیم‌تر است و در عقب او دود واو روی گریزد تا چون
باو رسد و داند که از او خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس بدندان
گیرد او را مانند شتر نر که چیزی که بدندان فرو برد پس طوقی گردن او
واین است معنی قول خدا سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة یعنی بزودی طوق
کرده شوند در گردن ایشان و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و
زکوة از آنها ندهد حق تعالی حبس کند او را در صحرائی لغزنده و پامال کنند او را
هر حیوان شکافنده و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مال ندهد حق تعالی
انها را اژدها گرداند در گردن او که دمادم فشار خورد و گوشت بدن او
کنند تا از حساب خلایق فارغ شوند و در حدیث دیگر فرمود حضرت صادق
که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر به ندادن زکوة حق تعالی میفرماید
مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل
فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء یعنی مثل جماعتی که
مینمایند مال خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند
دانه ایست که برویاند از ان هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه که مجموع هفتصد
برابر میشود حق تعالی مضاعف میگرداند از برای هر که میخواهد و آیات و اخبار
بسیار است فصل اجناسی که بر انها زکوة قرار میگیرد نه جنس است اول طلا
هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یکسال بماند
که بدلش نکنند و تغییر ندهند مقدار چهل یک از او زکوة می باید داد



و بعد از ان هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل یک می باید
داد دویم نقره است هرگاه به دویست درهم برسد که تخمینا دوازده
هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق نرخ ده دنگی و سکه داشته باشد
و یکسال بحال خود بماند بعد از ان سال چهل یک می باید داد و همچنین
هرگاه چهل درهم بر ان زیاده شود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد
چهل یک از او می باید داد سیم شتر است و نصاب ان دوازده است
اول پنج شتر است و در ان یک گوسفند دویم ده شتر است و در ان
دو گوسفند است سیم پانزده شتر است و در ان سه گوسفند است چهارم
بیست شتر است و در ان چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در
ان پنج گوسفند است و گوسفندی که میدهند بهتر انست که هفت ماهه یا در
هشت باشد و کمتر نباشد اگر گوسفند است و اگر بز دهند یکساله یا در دویم باشد
ششم بیست و شش شتر است و باید شتر ماده یکساله یا در دوم باشد و شتر
بدهند و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهد هفتم سی و شش شتر است
و باید شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد هشتم چهل شتر است و باید شتر
ماده سه ساله یا در چهار بدهد نهم شصت و یک شتر است و باید شتر ماده چهار
ساله بدهد دهم هفتاد و شش است و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه
بدهد یازدهم نود و یک است و باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهد
دوازدهم صد و بیست و یک است و هر چه زیاد شود در هر پنجاه شتر یک شتر

ماده سه ساله بدهد چهارم گاو است و در هر چهل گاو یک گوساله ماده
یا نر یکساله بدهد و بدهد و در هر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله بدهد
بدهد پنجم گوسفند است و در چهل گوسفند یک گوسفند واجب است
و در صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند و در دویست و یک گوسفند
سه گوسفند واجب است و در سیصد و یک گوسفند احوط آنست که چهار
گوسفند بدهد و چون بچهارصد برسد و هر چه زیاد شود از هر صد گوسفند
یک گوسفند بدهد و در زکوة هر یک از گوسفند و گاو و شتر شرطست که در
مباح چریده باشد در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشد زکوة واجب
نیست و اگر بعضی از سال چریده باشد و بعضی علف مالک خورده باشد احوط
آنست که اگر چه یک ثلث باشد زکوة بدهند و بچه‌ها را تا شیر میخورند
حساب نمی باید کرد و بنا بر مشهور احتیاط در آنست که از روزی که متولد شده
حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات هم شرطست که یکسال بر ایشان بگذرد
و سال زکوة یازده ماهست و چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب
میشود و در گاو و شتر شرطست که گاو کار نباشد پس اگر بار کشند یا خیش
کشند زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را هم حساب کنند و گاو و گاومیش را هم
حساب میکنند و شتر نر و ماده و لوک را بر سر هم حساب میکنند ششم هفتم هشتم
نهم گندم و جو و خرما و مویز است و شرط است که هر یک بنصاب برسد
و نصاب سیصد و هفت من و پنجاه درم است بسنگ تبریز و انگور هر گاه



هفتصد و بیست و یکمن باشد احوط آنست که زکوة بدهند و شرط است
که این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر گندم و جو را بعد
درو کردن بخرد زکوة بر فروشنده واجبست و اگر زمین را باجاره گرفته
باشد زکوة بر مستاجر واجبست و اگر مزارعه بگیرد به نصف یا ثلث یا ربع
یا ده چهار مثلا در زکوة حصه مالک بر مالک واجبست و زکوة حصه عامل
بر عامل و اگر حصه هر یک بتنهائی بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت
و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشد
ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخاب خورده باشد بیست
یک میدهند و اگر هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی
باشد پانزده یک میدهند و احوط و اقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه
چیزی از خرج زراعت را کم نکنند در دادن زکوة و چون اکثر علما بر آنند
که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدن آنست پس احوط آنست که اول
ارباب خبرت را بیاورند و تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و یقین
مقرر سازند که بان نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورده از غوره و انگور حلال
باشد تا آنکه انجیر و ادر بکشد و حساب نگاهدارد یا انجیر و داد
عشر غوره را بدهد و همچنین گندم و جو وقتی که دانه ببندد و
بعضی از علما گفته‌اند که زکوة واجبست در حبوب مانند برنج و ماش
و نخود و عدس و امثال اینها هر گاه بنصاب گندم و جو برسد بهمان شرط

شرایط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة آنها سنت است و گا
ماده یا آنکه علف مباح چرا کند و سال او بگذرد زکوة سنت است
پس اگر پدر و مادرش عربی باشند در شش سالگی دو اشرفی چهار دانگ و نیم
میدهد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی نباشد یک اشرفی
میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند و مشهور آنست
که سنت است و آن مالیست که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه و در وقت
مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بآن داشته باشد و میباید که قیمت
آن بیکی از طلا و نقره برسد و در تمام سال بر نصاب باقی باشد و در تمام سال
از مایه کم نشود که یا بمایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کار
باشد سنت است که زکوة یکساله بدهد و اگر بمایه باقی باشد هر سال
یکرا میدهد و اگر معاوضه کند در اثناء سال بقصد تجارة خلافست و احوط
آنست که با آن بدهد و سنت است که وقت درو کردن اگر فقیران حاضر شوند
هر فقیر یا دسته گندم بدهد هر قدر در وقت چیدن خرما و انگور یک
مشت بدهد و بزکوة حساب نکنند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست
که ترک نکنند **١١ اما** مستحق زکوة پس هشت طایفه اند **اول و دوم** فقرا و مساکین
و ایشان کسانی اند که قوت سال خود و عیال خود نداشته باشند و قادر
بر کسبی نباشند و مدد خرج خود و عیال خود را بآن توانند کرد و باید و احوط آنست
که صالح باشند که او سایل بکف نباشند **سیم** کسی است که امام نصب میکند

احکام مستحق زکوة

گرفتن زکوة



گرفتن زکوة و حصه باو میدهد و در این زمان نمیباید شد غالبا
**چهارم** مؤلفة کویند که مؤلفة قلوبهم اند و این زمان نمیباشد غالبا **پنجم**
صرف کردن در آزادی بنده کان است مثل آنکه آقایی غلام خود را مکاتب کرده
است که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد از دادن آن اگر بر آقا زکوة
واجب شده باشد ندادن آن اگر زنا باید که قدری از زکوة را بمال کتابت
او حساب کند و الا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که با آقا بدهد و آزاد شود
یا غلامی که از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند
**ششم** قرض داران اند که قرض کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند
در ادای قرض ایشان میتوان داد **هفتم** فی سبیل الله است یعنی صرف کنند
خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زوار ائمه معصومین
و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است
در زمانی که جهاد حق باشد و این احوط است **هشتم** ابن السبیل است و آن
کسی است که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد
آنمقدار باو میدهند که بخانه خود برسد و بهتر آنست که زکوة را بجز ایشان
بر ایشان بدهند غیر آنها که مذکور شد **نهم تتمه** سید زکوة خود را بسید
و غیر سید هر دو میتوان داد و غیر سید احوط آنست که بشریف هم ندهد
و بهتر آنست که زکوة را ببرد بمجتهد یا عالمی که مصارف زکوة داند بدهد
که او بمصرف برساند **فصل دوم** در خمس است بدانکه خمس در هفت چیز واجب است

اول غنیمتی که از کافران از جنگ بگیرند خواه در جنگ و خواه در بیرون دوم
معادن است مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط
و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن از آن بیرون رود پنج یک آن را باید داد و مشهور آنست که نصاب آن را بعضی
گفته‌اند که نصاب آن یک دینار است و بعضی بیست دینار است گفته‌اند یعنی بیست مثقال شرعی که نصاب
اول طلاست و اکثر متاخرین بان قایل شده‌اند و خالی از قوتی نیست سیم کنج است یعنی
مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اگر کنجی در بلاد کفار بیابد که در آنجا مسلمان نباشد هر چه
سکه اسلام داشته باشد یا در بلاد اسلام بیابد و سکه نداشته باشد و بیست دینار یعنی بیست مثقال شرعی
برسد اگر طلا باشد خمس آن را میدهد و اگر نقره باشد دویست درهم برسد یعنی موافق نود و دو دنگی
هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد و قیمت آن بیکی از این دو مقدار برسد
اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور میان
علما آنست که حکم لقطه دارد یعنی باید که یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد و الا
مخیر است میان مالک شدن و تصدق کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت اول
صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته
باشد لقطه است و اگر در زمینی که معمور بوده است جمعی بر آن قایل شده‌اند و خالی از قوتی نیست که اگر در ملک
خود بیابد که از دیگران بان رسیده باشد از او است و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر در
ملک دیگری باشد تعریف میکند بایع نزدیک و دور اگر نشانی بدهند که صدق ایشان ظاهر شود
بایشان میدهد علی المشهور و الا از او است و احوط آنست که خمس آن را بدهد و همچنین اگر حیوانی
بخرد چون شتر و گاو و در شکم آن چیزی بیابد تعریف میکند بایع اگر نشان بدهد از او است

و احوط اقراع



و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا
چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب
در آن معتبر است و مشهور آنست که نصاب در آن یک دینار است یعنی یک اشرفی
تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته‌اند و اگر چند مرتبه در او در دفعه رسید نصاب
با هم حساب میکند هر چند در ما بین ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و
اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک میباید بنصاب برسد و عنبر را اگر از
دریا بغوص بدر آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند
مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس آن را بدهند
و رعایت نصاب در آن نکنند پنجم فاضل مؤنه سالیانه است از ارباح تجارتها
و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج
سالیانه را که بیرون میکند باید بوسط مناسب حال الشخص للعیال کرده باشد
ششم زمینی است که یهودیان و نصرانیان و مجوس از مسلمان بخرند خمس آن زمین
یا خمس قیمت آن از ایشان میگیرند و اکثر علما متعرض نشده‌اند هفتم مال حلال
که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آن را ندانند و مقدار حرام را ندانند خمس آن را میدهد
بفقیران سادات و غیر ایشان و اما مستحق خمس مشهور میان علما آنست که
شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه شریفه است و حصه خدا و رسول و ذوی
القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول از امام زمان است و نصف
دیگر سه حصه میشود که بر یتیمان و مسکینان سادات و ابناء سبیل سادات

در بیان مستحق خمس است

و مسکینان سادات و مراد از سادات موافق مشهور کسی است که منسوب باشد
از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین و تفسیر مسکین و ابن السبیل
در زکوة گذشت و در یتیم احوط آنست که پدر نداشته باشد و از احادیث معتبره
وارد میشود که در زمان حضور امام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبردند
و حضرت نصف را خود بر میداشت و نصف دیگر را بآن سه فرقه میداد و احوط آنست
که حصه سادات را بعالم عادل اثنا عشری بدهند که بسادات برساند بقدر حصه
**و اما** نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت خلافست و مشهور آنست
که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بر نیابت آنحضرت بسادات بدهد اگر
چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشان
بیابد بدهد و الا از برای آنحضرت ضبط کند و از حضرت صاحب الامر روایت صحیح
رسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلاف ظاهر است زیرا که در زمان غیبت
صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت اعنی عثمان و پسرش محمد و حسین
بن روح و علی بن محمد سمری رضوان الله علیهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان
میگرفتند و بفرموده آنحضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که در این زمان نیز
نایبان عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و عاملان علوم ایشان اند باید بگیرند
و بسادات که عیال آنحضرت اند برسانند و حضرت رسول فرموده که هر که احسان
با احدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم او را در قیامت و اکثر علما برآنند
که اگر صاحب مال خود حصه امام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه بنظر



فضیلت و کیفیت اعتکاف

بعالم محدث عادل برسد بگمان فقیر همه خمس این حکم دارد **فصل**
**سیم** در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف است در مسجد جامع جهة
عبادت و آن سنت مؤکد است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوص
در دهه آخر رمضان چنانکه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه
آخر رمضان اعتکاف می نمودند مگر یک سال که در آن جنگ بدر واقع
شد و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز
قضای سال گذشته و ده روز ادا **و از آنحضرت** منقولست که اعتکاف
دهه آخر رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه
آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بنذر واجب
شده باشد و نکرده باشد احوط آنست که بعد از آن قضا کند و بعضی گفته
اند بعد از نیت و شروع کردن واجب میشود و بعضی گفته اند که روز
سیم واجب میشود و همچنین ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هرچه بالا
رود باین نسبت و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا آن اسباب وجوب
بعمل نیاید و این قول قوی است و احوط آنست که در اول شبهای مذکور تجدید
نیت کند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند با پروردگار خود
که اگر او را مانعی عارض شود بتواند رفت از اعتکاف و ظاهر چنین است
که جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع **و اما** مکان اعتکاف
جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره

اعتکاف نمیباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین گفته اند و بعضی
گفته اند و خلاف در این باب بسیار است و ظاهر ابن در هر مسجد جامعی اعتکاف
تواند کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگیست در بلد که در انجا نماز
جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر بانجا برای
اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند که متعدد باشد مثل مسجد جامع
عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان و سایر انها مثل مسجد اقا نور و مسجد
عباس اباد محل تاملست و احوط انست که اگر در مکه و مدینه و کوفه نباشد
در غیر ان مساجد مخصوصه واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط انست که در مسجد
کبیر بلد که مشهور به جامع باشد بجا اورند و احوط انست که نزدیک بطلوع
افتاب نیت اعتکاف بکنند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم
قصد کنند نهایت احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف
روزه باشد خواه روزه واجب و خواه سنت و در سنت باید رخصت کسانی
باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند شوهر زن و مالک
بنده را و احوط انست که فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و ظاهرا
قصد قربت کافیست و واجب است که بیرون نرود از مسجدی که در ان اعتکاف
میکند بدون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر ان مسجد کنند یا عیادت
بیمار مومن یا حاضر شدن در جنازه مومن یا قضا حاجت مومن یا برای حاجت
ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و

غسل جمعه



غسل جمعه بنا بر قول باستحباب ان و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد
نتواند کرد با اشکالی هست و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای
تحصیل اب و نان و سایر ضروریات و بهتر انست که در زیر سقف راه
نرود تا ممکن باشد و از راهی که نزدیک تر باشد برود و مکث نکند
و نه نشیند در جایی اگر ممکن باشد غیر ضروریات از برای ایشان بیاورد و هرگاه
خود را در جای دیگر غیر ان مسجد که محل اعتکاف اوست نکند و احوط انست
مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی عقد و نکاح را و جمیع اینها در اعتکاف
حرام است مگر خوردن و اشامیدن که در شب جایز است نه در روز و هر
روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میسازد و ولی جنابت
از غیر اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف را باطل میشود و کفاره میدهد
اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف سنت است
خلافست و احوط کفاره است اگر جماع در شب واقع شود و احوط
انست که هرچه روزه را باطل میکند اگر انها را در روز واقع سازد کفاره
بدهد احتیاطا و کفاره بنده ازاد کردنست اگر تواند و الا دو ماه پی در پی
روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند
که مخیر میان اینها و اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر
در روز واقع شود دو کفاره یکی مرتبه و دیگری مخیر و بیع و شرا و سایر محرمات غیر
جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و بانچه ضرور بود اکتفا کردیم خاتمه در بیان

کفاره است بدانکه کفارات بر دو نوع است اول کفارات احرام حج
و عمره است و انها را در رساله حج بیان کرده ام دوم سایر کفارات است
و انها بسیار است و بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب
و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را بایکدیگر بر سبیل
اجمال برای طالبان ادراک سعادات ابدی و محتملان عقوبات اخروی
بیان می نماید اول کفارهٔ افطار روزه ماه مبارک رمضان است و ان
واجب میشود بخوردن و اشامیدن ان متعارف و معتاد باشد اتفاقا
و در غیر معتاد خلافست و اشهر و اقوی وجوبست و بجماع کردن
در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و بباقی ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع
صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بخوا
بیدن بعد از بیدار شدن یکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن
غبار غلیظ بحلق بنابر قول جمعی و طلب منی کردن و دست بازی کردن یا ملاعبه
نظر کردن بزنی تا منی بیاید علی الاحوط و قی کردن عمدا بنابر قول بعضی و بحقنه
و شاف عمل کردن بنابر قولی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه هدی
بنابر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در اب بنابر قول بعضی هرگاه یکی از این امور
را بعمل اورد عمدا و مسئله داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی
احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند کفاره
خلافست و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده ازاد کردن



یا دو ماه روزه پی در پی گرفتن یا شصت مسکین طعام دادنست و بعضی
بترتیب قایل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر بنده ازاد کردن ان مقدم است
و الا دو ماه روزه و اگر از این عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد
و اگر افطار بحرام کرده باشد بعضی از علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب
میشود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است دوم هرگاه
در قضاء روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور انست که کفاره
واجبست و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی که کفاره طعام دادن
ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه بدارد و بعضی مخیر میان این
میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند
سیم کفاره ظهار است که کسی با زن خود بگوید انت علی کظهر امی یعنی
تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را
بگوید در وقتی که زن حایض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده باشد
و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید که کفاره بدهد
و اگر بدون کفاره بر او واجب میشود بنابر مشهور و کفاره یک بنده ازاد کردنست
و اگر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه داشتن و یا شصت مسکین را طعام
دادن چهارم کفاره ایلا است یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را چهار ماه
زیاده وطی نکند و زن او نزد حاکم شرع برود و حاکم حکم کند که او یا طلاق
بگوید یا وطی کند اگر اختیار وطی نماید لازم که کفاره بدهد و کفاره قسم است

کفارهٔ مخالفت قسم است

ومذکور میشود ان شاء الله **پنجم** کفارهٔ مخالفت قسم است بانکه قسم خورد
باسماء مقدسهٔ خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن
فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد ومخالفت ان قسم نماید وکفاره اش
انست که یک بنده ازاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را
طعام دهد واگر از اینها عاجز باشد سه روز پیاپی روزه بدارد **ششم**

کفارهٔ مخالفت نذر است

کفارهٔ مخالفت نذر است بانکه نذر کند فعل امر راجحی اگر راجح باشد یا ترک
امری اگر مرجوح باشد ومخالفت نماید وکفاره اش بعضی گفته اند مانند
کفارهٔ قسم است وبعضی گفته اند مانند کفارهٔ افطار ماه رمضان است
یک بنده ازاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن
وبعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره اش کفارهٔ افطار
ماه رمضان است واگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش کفارهٔ
قسم است واین قول خالی از قوتی نیست واحوط کفارهٔ ماه رمضان است

کفارهٔ عهد است

مطلقا **هفتم** کفارهٔ عهد است وبا خدا عهد کرده باشد که امر راجح
یا غیر مرجوح را بعمل اورد یا ترک کند امر غیر راجح یا مرجوح ومخالفت عهد
نماید ودر کفاره اش مانند کفارهٔ نذر خلافست واحوط انست که از انچه

کفارهٔ قسم خوردن [illegible]

مذکور شد **هشتم** قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا ورسول وائمه
است ودر حرام بودن چنین قسمی خلاف نیست ولیکن در وجوب
کفاره ظهار است اول بنده ازاد کردن وبا عجز از ان دو ماه روزه داشتن

وبا عجز از ان



وبا عجز از ان شصت مسکین اطعام کردن واگر عاجز شود ده مسکین را
طعام یا کسوه دهد واگر عاجز شود ده مسکین سه روز روزه بدارد متوالی
وابن بابویه گفته است سه روز روزه بدارد وده مسکین را طعام بدهد
وبعضی گفته اند که گناه کرده است وکفاره ندارد ودر حدیث صحیح وارد شده
است که صفار بخدمت حضرت امام حسن عسکری نوشت که مردی سوگند
یاد کرده است به بیزاری از خدا ورسول ومخالفت کرده و کفاره او چیست
حضرت فرمود ده مسکین را طعام بدهد اگرچه ظاهر انست که عمل بروایت

کفارهٔ بریدن زن موی سر خود را

محرز نیست **نهم** بعضی از علما قایل شده اند که زنی که در مصیبت موی
سر خود را ببرد کفارهٔ افطار ماه رمضان میدهد بترتیب بر قول
بعضی وبتخییر قول بعضی وبعضی گفته اند گناه دارد وکفاره ندارد

کفارهٔ کندن زن موی [illegible]

ودر روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم است
واحوط عمل بروایت است وبعضی تراشیدن مو را الحاق کرده اند ببریدن
در وجوب کفاره **دهم** هرگاه زنی در مصیبت موی خود را بکند یا روی
خود را بخراشد یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند خود یا زوجه خود چاک کند
کفارهٔ قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی ودر روایتی بر این مضمون

کفارهٔ جماع کردن زن را در ایام حیض

وارد شده است واحوط است هرچند وجوب ثابت نیست **یازدهم**
مردی که زن یا متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قول
بعضی کفاره واجب دانسته اند وبعضی سنت ومشهور میان علما

انست که اگر اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند واگر در
وسط باشد نیم اشرفی و در اخر ثلث اشرفی واحوط عدم ترک کفاره است
**دوازدهم** کسی که بخواب رود و نماز خفتن نکرده باشد تا نصف بگذرد
بعضی گفته اند که واجب ست که از روز دیگر روزه بدارد و اشهر استحباب است
و بعضی عامد و ناسی را داخل کرده اند و مشهور انست که بر تقدیر وجوب
اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و احوط انست که یکروز
قضا بگیرد **سیزدهم** کفارهٔ قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری
غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود و قصد کشتن
نداشته باشد کفاره اش انست یک بنده ازاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد
و شصت مسکین را طعام بدهد **چهاردهم** کفارهٔ قتل خطاست که کسی را نادانسته
بکشد بانکه قصد قتل نداشته باشد و کاری که غالبا کشنده نباشد و او
کشته شود مانند انکه طفلی را برای تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی اهوی بیندازد
بشخصی خورد و کشته شود یا در راه بکسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود
مباشر قتل نباشد و کاری کند که ان سبب قتل شود مثل انکه در راه چاه
بکند یا سنگی بریزد وانگذارد که کسی بیفتد یا بخورد و باعث قتل کسی شود
مشهور انست که کفاره لازم نمیشود هرچند دیه لازم شود و کفاره یک
بنده ازاد کردن است یا شصت مسکین طعام دادن یا دو ماه روزه گرفتن **پانزدهم**
اگر زنی را در عدّهٔ دیگری تزویج کند میباید از ان زن مفارقت کند و بقول

کفارهٔ قضای نماز خفتن

کفارهٔ قتل عمد

کفارهٔ قتل خطا

کفارهٔ تزویج در عدّه



بعضی از علما پنج صاع آرد تصدق میکند واحوط انست که اگر
زن دیگری را عقد کند نیز این کفاره را بدهد یا پنج درهم تصدق کند
**شانزدهم** کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما
گفته اند موافق بعضی از روایات که واجب ست که ان مملوک را بکفارهٔ
ان عمل ازاد کند و این احوط است و اگر او را بکشد بعمد کفارهٔ جمع میدهد
و اگر بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد و واجب ست که قیمت ان
غلام را تصدق کند بنابر مشهور **هفدهم** کسی که روزهٔ ماه مبارک رمضان
افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر واقوی
انست که قضا ساقط میشود و برای هر روز یکمد یا دو مد طعام میدهد
علی الخلاف و بعضی گفته اند که قضا میکند و ابن جنید رحمه الله گفته است
که احتیاطا هر دو را میکند و اگر در ما بین دو رمضان ازارش بر طرف
شود و قادر بر روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا انکه ماه رمضان
دیگر بیاید اشهر واقوی انست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند
و هم برای هر روز یکمد یا دو مد میدهد و بعضی کفاره را واجب ندانسته
اند و بعضی گفته اند که کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد
و اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذری دیگر
عارض شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول اقوی است **هیجدهم**
نوادر کفارات است از حضرت صادق ع منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای

کفارهٔ زدن مملوک

کفارهٔ افطار در روزهٔ ماه رمضان

بیان نوادر کفارات

حوائج مؤمنان است و کفارهٔ غیبت آنست که برای آن شخص که از او غیبت کرده است
استغفار کند و کفارهٔ مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد بگوید سبحان
ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد
لله رب العالمین و کفارهٔ خنده آنست که بگوید اللهم لا تمقتنی
یعنی خداوندا مرا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که بگوید لا اب لك و لا ام لك
یعنی ترا پدر مباد و ترا مادر مباد باید چیزی تصدق کند و کسی که بگوید
بحق ید دم یا بجان پدرم کفارهٔ آنست که بگوید لا اله الا الله و خلاف است
در این نوع از قسم مثل بجان فلان یا بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام
دانسته اند و احوط ترك است اما احکام کفارات مذکوره در چند فصل مذکور میشود
اول هر گاه باید بنده آزاد کرد در کفارهٔ قتل میباید آن بنده مؤمن باشد و در سایر
کفارات خلافست و احوط رعایت ایمانست و در کفارهٔ قتل احوط آنست که بالغ
و باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد و مولی جراحتی بآن نرسانیده
باشد که موجب عتق او باشد و غلام گریخته را مشهور آنست که آزاد میتواند کرد
تا علم بمرگش بهم نرسد دوم در کفارهٔ مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود
بروزه منتقل نمیشود و هر جا که روزه دو ماه باشد میباید متوالی بگیرد
و توالی که یکماه و یکروز که متصل بگیرد بعمل می آید باین معنی که اگر بعد از آن
بدون عذر افطار کند نباید که از سر بگیرد و اما تفریق جایز است بی عذری

احکام کفارات مذکوره

کفاره مرتبه

یا حرام است



یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یکماه و یکروز
بی عذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس
و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری و همچنین اگر مجبور شود و افطار کند
روزی بنابر اقوی و هر جا که کفارهٔ دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده
باشد یکماه پی در پی روزه میگیرد علی الاقوی سیم هر جا که اطعام کند
و اطعام لازم میشود مشهور آنست که هر یك انقدر طعام بخورانند که سیر شود
و بهتر آنست که نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه
و بعضی گفته اند که میباید که چاشت و شام هر یك مسکینی بخوراند انقدر
که سیر شود احوط و اظهر آنست که یك وقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد
طعام را بمسکین تسلیم توان داد و در مقدار آن خلافست بعضی یك مد گفته اند
و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان خورشی نیز بدهد چنانچه
بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچك و بزرگ تفاوت نمیکند
و احوط آنست که حصهٔ اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خوراندن
طعام را صغیر و کبیر را باهم تواند ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یك مرد حساب
کند احوط است و در یك کفاره دو حصه را بیك مسکین نمیتواند داد
مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد
و بفرزندان بسیار پریشان بدهد که مسکین با و صادق باشد و مد
یك صاع است و صاعی یکمن تبریز است و چهارده مثقال و ربعی است

احکام اطعام دادن

بنا بر مشهور و چون در احادیث اختلافی در تحدید صاع و مد هست
احوط آنست که بجای دو مد من تبریز شاه تقریبا بدهد چهارم در کفاره
که کسوه باید داد در زن پیراهن و مقنعه با هم مجزیست و در بعضی روایات
جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم دانسته اند و بهتر
آنست که پیراهن و قبا بدهد یا قبا با ازار بپوشد و بهتر آنست که نو باشد
و جامه طفل اولی آنست که ترک کند روزه و بنده آزاد کند برخصت ولی
باو بپوشاند پنجم هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه
و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه را مجزیست و بهتر آنست
که ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر از نیم ماه و یک روز روزه
داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه
واجب شود و عاجز شود از گرفتن آن هیجده روز روزه میدارد و اگر نتواند
برای هر روزی مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی
آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفاره ظهار
که بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هر چند عاجز
باشد و اگر بعد از عجز و استغفار بکفاره قدرت بهم رساند احوط آنست
که باز کفاره را بعمل آورد و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام آن
لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق الهی میمانند قدری از احکام
در این رساله که کثیر الفایده است ایراد نمودم ملتمس از برادران ایمانی آنست که از این

احکام کسوه دادن

هرگاه از بنده آزاد کردن عاجز شود





رساله منتفع گردد و در حال حیات یا بعد از وفات این شکسته را
بدعای رحمت و مغفرت این مستحق دعا یاد کنند و ختم بفضل الله
و سبحانه و تاییده فی شهر الله المعظم شهر رمضان من سنه
وماة و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفه الراجی
رحمة الله الکریم المنان فی محروسة اصفهان صینت عن
الحدثان مع وفور الاشتغال و اختلال الاحوال و توزع البال
والحمد لله اولا و آخرا والصلوة علی سید
المرسلین محمد و آله الاطهرین
الاقدسین و لعنة الله
علی اعدائهم اجمعین

از آنجا که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ١٢٢٨ [illegible]
و ملاحظه فرمایند [illegible]

هر که در روز عاشورا ده مرتبه این دعا بخواند تا
عاشورای دیگر در حفظ و امان حق تعالی باشد
سُبحانَ اللهِ مِلْأَ الميزانِ ومُنتهى العِلمِ ومَبلغَ الرِّضا
وزِنَةَ العرشِ وسَعَةَ الكُرسيِّ لا مَلجأَ ولا مَنجا من اللهِ
إلّا إليهِ سُبحانَ اللهِ عَدَدَ الشَّفعِ والوِترِ وعَدَدَ كَلِماتِه
التّامّاتِ برحمتِه ولا حولَ ولا قُوّةَ إلّا باللهِ العليِّ العظيم
وهو حَسبي ونِعمَ الوكيلُ نِعمَ المولى ونِعمَ النَّصير

و ایضا ده مرتبه صلوات بر پیغمبر بفرستد و ده مرتبه
این دعا بخواند که همان خاصیت دارد  یا فارِجَ
كَربِ ذي النُّونِ يومَ عاشوراءَ يا جامِعَ شَملِ يعقوبَ
يومَ عاشوراءَ يا كاشِفَ ضُرِّ أيُّوبَ يومَ عاشوراءَ يا
غافِرَ ذَنبِ داوُدَ يومَ عاشوراءَ يا سامِعَ دَعوةِ موسى
وهارونَ يومَ عاشوراءَ يا رحمنَ الدُّنيا والآخرةِ
ورحيمَهما اقضِ حاجاتي في الدُّنيا والآخرةِ وطَوِّلْ

عُمري في طاعَتِكَ وعِبادَتِكَ وصَلّى اللهُ على محمّدٍ و
آلِهِ أجمعينَ برحمتِكَ



